





مجموعه

مصوبات ادوار اول و دوم

قانون گذاری

مجلس شورای ملی

۲۵۷۷۲

چون مجموعه قوانین و مصوبات مجلس شورای ملی در ادوار چهار گانه قانون گذاری (دوره اول - دوره دوم - دوره سوم - دوره چهارم) که سابقاً تجدید چاپ و منتشر شده بود تمام و مراجعات عمومی اقتضای تجدید طبع آن را مینمود به تجدید چاپ دو دوره اولیه (اول و دوم) اقدام و پاره از نکاتی که در سومین چاپ این مجموعه ملحوظ شده است ذیلاً متذکر میشود:

اولاً - این مجموعه بر سه بند بشرح زیر تقسیم شده است.

بند اول - کلیه مصوباتی است که مقدمه افتتاح مجلس شورای ملی و پایه و اساس مشروطیت محسوب و بوسیله کمیسیونهای خاصی تنظیم و جنبه قانونیت دارد مانند (فرمان مشروطیت - قانون اساسی - متمم قانون اساسی - قوانین انتخابات اصنافی و دو درجه) **بند دوم -** هر يك شامل قوانین و مصوبات یکی از ادوار دو گانه قانون گذاری است که از نظر مطالعه کنندگان خواهد گذشت.

ثانیاً - مصوبات دوره دوم قانون گذاری بقسمتهای زیر تقسیم شده است:

۱ - قسمت اول - قوانین

۲ - « دوم - امتیازات

۳ - « سوم - قوانین موقتی مصوب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی

۴ - قسمت چهارم - کنتراتها

۵ - « پنجم - تصویبات مالی

۶ - « ششم - تصمیمات و مطالب متفرقه .

قسمتی از تصویبات مالی برای احتراز از ضخامت کتاب و عدم استفاده عموم از متن مشروح آن فهرست مانند طبع و از درج متن تفصیلی صرف نظر شده است.

چنانچه از تقسیمات بالا مستفاد میشود در این مجموعه اولاً قوانینی که بعنوان (قوانین موقت) بوسیله کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی بموجب اختیار خاصی تصویب و موقتاً لازم الاجرا شده است چاپ شده و مثل چاپ قبل مجموعه خاصی برای آن در نظر گرفته نشده و ثانیاً تصمیمات و مطالب متفرقه که در دو چاپ قبل فهرست مانند منتشر شده بود از نقطه نظر تشخیص خط مشی دولت ها و لزوم معرفی اعضاء کابینه ها بطور تفصیل چاپ و حتی تا آنجا که ممکن بوده است وزراء و معاونینی که در کابینه های مختلف به مجلس شورای ملی معرفی شده اند صورت آنان منتشر شده است.

ثالثاً - فهرستی که در این مجموعه در نظر گرفته شده بدو قسمت تقسیم گردیده است

الف - فهرست تقسیمی - بترتیب تقسیمات مصوبات ادوار مختلفه و نسبت به دوره

دوم مصوبات شش گانه نامبرده بالا که آن نیز بر دو قسمت است:

۱ - فهرست کلی که در ابتدای این مجموعه گذارده شده و عمل هر يك از قسمتها را

بطور کلی مشخص میکند.

۲ - فهرست جزئی که برای هر قسمت علیحده تنظیم شده شامل فهرست کلیه قوانین

مندرجه در آن قسمت میباشد.

این فهرست در متن کتاب در ابتدای قسمتهای مربوطه قرار داده شده است .
ب - فهرست تاریخی که در آخر کتاب قرار داده شده و کلیه مصوبات دوره اول
و دوم قانون گذاری بترتیب تاریخ تصویب در آن ذکر گردیده است .

رابعا - قسمتی که مخصوصاً در این بار در طبع قوانین رعایت شده است ذکر
نسخ - تغییر و یا اصلاحی است که شامل قسمتی از قوانین شده و لازم بود مطالعه کنندگان
نیز بدون لزوم مراجعه به تمام مجموعه از آن اطلاع حاصل نمایند .
در ذیل صفحه این نوع قوانین این قسمت ملحوظ و نسخ - تغییر و یا اصلاح آن
تذکر داده شده است .

اداره قوانین و مطبوعات مجلس شورای ملی

مهر ماه ۱۳۱۸

فهرست

مصوبات مجلس شورای ملی دوره اول و دوم قانون گذاری

۱ - ۷۵	مصوبات دوره اول و دوم قانون گذاری
۷۵ - ۱۵۳	مصوبات دوره اول و دوم قانون گذاری
۱۵۳ - ۲۱۵	مصوبات دوره اول و دوم قانون گذاری

فهرست مصوبات (فهرست مصوبات)

(فهرست مصوبات)

دوره اول و دوم قانون گذاری مجلس شورای ملی

از صفحه الی صفحه

بند اول - فرمان مشروطیت - قانون اساسی

متمم قانون اساسی - نظامنامه انتخابات اصنافی

نظامنامه انتخابات دو درجه

۵۲ - ۱

بند دوم - مصوبات دوره اول قانون گذاری

۲۴۰ - ۵۳

بند سوم - مصوبات دوره دوم

۵۱۴ - ۲۴۲

ردیف	عنوان	صفحه
۱	فرمان مشروطیت	۱
۲	قانون اساسی	۲۱
۳	قانون مشروطیت	۲۵
۴	قانون اساسی	۸۲
۵	قانون اساسی	۲۵

موضوع که رای و رأی و رایج با بیان معنی کرات که برای وظیفه و استقامت
 اهل ایران و خیر و سعادت و رفاه و کرامت است و این است که در هر دو
 و بلکه در هر دو گنجانده شود چنانچه در هر دو مجلس شورای ملی از
 کتب و کلام و کلام و کلام و کلام و کلام و کلام و کلام و کلام
 منتخب شد و در هر دو مجلس شورای ملی در هر دو مجلس شورای ملی
 امور دولتی و قضایی و مدنی و معاشیه و معاشیه و معاشیه و معاشیه
 و برای دولتمداران و برای اهل اسبابی که برای سعادت و خوشبختی ایران خواهد شد
 است و این است که در هر دو مجلس شورای ملی در هر دو مجلس شورای ملی
 دولت و مدنی و معاشیه و معاشیه و معاشیه و معاشیه و معاشیه و معاشیه
 برسد که در هر دو مجلس شورای ملی در هر دو مجلس شورای ملی
 این است که در هر دو مجلس شورای ملی در هر دو مجلس شورای ملی

شماره ترتیب	عنوان	صفحه	
		از	تا
۱	فرمان مشروطیت	۱	۲
۲	قانون اساسی	۳	۱۴
۳	متمم قانون اساسی	۱۵	۵۲
۴	نظامنامه انتخابات اصنافی	۳۴	۳۸
۵	نظامنامه انتخابات دو دوره	۳۹	۵۲

فرمان مشروطیت

مورخ ۱۴ جمادی الثانیه ۱۳۲۴

السلطان مظفرالدین شاه قاجار

جناب اشرف صدر اعظم از آنجا که حضرت باری تعالی جل شأنه سررشته ترقی و سعادت ممالک محروسه ایران را بکف کفایت ما سپرده و شخص همایون ما را حافظ حقوق قاطبه اهالی ایران و رعایای صدیق خودمان قرار داده لهذا در این موقع که رأی و اراده همایون ما بدان تعلق گرفت که برای رفاهیت و امنیت قاطبه اهالی ایران و تشدید و تأیید مبانی دولت اصلاحات مقتضیه بمرور در دوائر دولتی و مملکتی بموقع اجرا گذارده شود چنان مصمم شدیم که مجلس شورای ملی از منتخبین شاهزادگان و علماء و قاجاریه و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار و اصناف بانتخاب طبقات مرقومه در دارالخلافت طهران تشکیل و تنظیم شود که در مهام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مذاقه لازمه را بعمل آورده و بهیشت وزرای دولتخواه ما در اصلاحاتی که برای سعادت و خوشبختی ایران خواهد شد اعانت و کمک لازم را بنماید و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خود را در خیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات قاطبه اهالی مملکت بتوسط شخص اول دولت بعرض برساند که بصحه همایونی موشح و بموقع اجرا گذارده شود بدیهی است که بموجب این دستخط مبارک نظامنامه و ترتیبات این مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آنرا موافق

تصویب و امضای منتخبین از این تاریخ مرتب و مهیا خواهد نمود که بصره ملوکانه رسیده و بعون الله تعالی مجلس شورای مرقوم که نگهبان عدل ماست افتتاح و باصلاحات لازمه امور مملکت و اجراء قوانین شرع مقدس شروع نماید و نیز مقرر میداریم که سواد دستخط مبارک را اعلان و منتشر نمائید تا قاطبه اهالی از نیات حسنه ما که تماماً راجع به ترقی دولت و ملت ایران است کما ینبغی مطلع و مرفه الحال مشغول دعاگوئی دوام این دولت و این نعمت بی زوال باشند

در قصر صاحبقرانیه بتاریخ ۱۴ شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۴ هجری در سال یازدهم

سلطنت ما محل صحه همایونی

قانون اساسی

مورخ ۱۴ شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۲۴

در تشکیل مجلس

اصل اول

مجلس شورای ملی بموجب فرمان معدلت بنیان مورخه چهاردهم جمادی الاخر

۱۳۲۴ مؤسس و مقرر است

اصل دوم

مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است که در امور معاشی

و سیاسی وطن خود مشارکت دارند

اصل سوم

مجلس شورای ملی مرکب است از اعضائی که در طهران و ایالات انتخاب

میشوند و محل انعقاد آن در طهران است

اصل چهارم

عده انتخاب شونده گان بموجب انتخاب نامه علیحده از برای طهران و ایالات

فعالاً یکصد و شصت و دو نفر معین شده است و بر حسب ضرورت عده مزبوره تزايد

تواند یافت الی دویست نفر

اصل پنجم

منتخبین از برای دو سال تمام انتخاب میشوند و ابتداء این مدت از روزی است

که منتخبین ولایات تماماً در طهران حاضر خواهند شد پس از انقضاء مدت دو سال باید نمایندگان مجدداً انتخاب شوند و مردم مختارند هر يك از منتخبین سابق را که بخواهند و از آنها راضی باشند دو باره انتخاب کنند

اصل ششم

منتخبین طهران لدى الحضور حق انعقاد مجلس را داشته مشغول مباحثه و مذاکره میشوند رأی ایشان در مدت غیبت منتخبین ولایات با کثرت مناط اعتبار و اجراء است

اصل هفتم

در موقع شروع بمذاکرات باید اقلاً دوثلث از اعضاء مجلس حاضر باشند و هنگام تحصیل رأی سه ربع از اعضاء باید حاضر بوده و اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار مجلس رأی بدهند

اصل هشتم

مدت تعطیل و زمان اشتغال مجلس شورای ملی بر طبق نظامنامه داخلی مجلس به تشخیص خود مجلس است و پس از تعطیل تابستان باید مجلس از چهاردهم میزان که مطابق جشن افتتاح اول مجلس است مفتوح و مشغول کار شود

اصل نهم

مجلس شورای ملی در مواقع تعطیل فوق العاده منعقد تواند شد

اصل دهم

در موقع افتتاح مجلس خطابه بحضور همایونی عرض کرده بجواب خطابه از طرف قرین الشرف ملوکانه سرافراز و مباهی میشود.

اصل یازدهم

اعضاء مجلس بدواً که داخل مجلس میشوند باید بترتیب ذیل قسم خورده و قسم نامه را امضاء نمایند

صورت قسم نامه

ما اشخاصی که در ذیل امضاء کرده ایم خداوند را بشهادت میطلبیم و بقرآن قسم یاد می کنیم مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق این نظامنامه محفوظ و معری است تکالیفی را که بما رجوع شده است مهما امکان با کمال راستی و درستی و جد و جهد انجام بدهیم و نسبت باعلیحضرت شاهنشاه متبوع عادل مفخم خودمان صدیق و راست گو باشیم و باسناد سلطنت و حقوق ملت خیانت نمائیم و هیچ منظوری نداشته باشیم جز فوائد و مصالح دولت و ملت ایران

اصل دوازدهم

بهیچ عنوان و بهیچ دست آویز کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی حق ندارد متعرض اعضاء آن بشود اگر احياناً یکی از اعضاء علناً مرتکب جنحه و جنایتی شود و در حین ارتکاب جنایت دست گیر گردد باز باید اجرائی سیاست در باره او با استحضار مجلس باشد

اصل سیزدهم

مذاکرات مجلس شورای ملی از برای آنکه نتیجه آنها بموقع اجرا گذارده تواند شد باید علنی باشد روز نامه نویس و تماشاچی مطابق نظامنامه داخلی مجلس حق حضور و استماع دارند بدون اینکه حق نطق داشته باشند تمام مذاکرات مجلس را روزنامجات می توانند بطبع برسانند بدون تحریف و تغییر معنی تا عامه ناس از مباحث مذاکره و تفصیل گذارشات مطلع شوند هر کس صلاح اندیشی در نظر داشته باشد در روزنامه عمومی بر نگارد تا هیچ امری از امور در پرده و

بر هیچکس مستور نماید لهذا عموم روز نامجات مادامی که مندرجات آنها غل اصلی از اصول اساسیه دولت و ملت نباشد مجاز و مختارند که مطالب مفیده عام المنفعه را همچنان مذاکرات مجلس و صلاح اندیشی خلق را بر آن مذاکرات بطبع رسانیده منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامجات و مطبوعات بر خلاف آنچه ذکر شد و باغراض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افتراء بزند قانوناً مورد استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد

اصل چهاردهم

مجلس شورای ملی بموجب نظامنامه علیحده موسوم بنظامنامه داخلی امور شخصی خود را از قبیل انتخاب رئیس و نواب رئیس و منشیان و سایر اجزاء و ترتیب مذاکرات و شعب و غیره منظم و مرتب خواهد کرد

در وظائف مجلس

و حدود و حقوق آن

اصل پانزدهم

مجلس شورای ملی حق دارد در عموم مسائل آنچه را صلاح ملک و ملت میدانند پس از مذاکره و مذاقه از روی راستی و درستی عنوان کرده با رعایت اکثریت آراء در کمال امنیت و اطمینان با تصویب مجلس سنا بتوسط شخص اول دولت بعرض برساند که بصره همایونی موشح و بموقع اجرا گذارده شود.

اصل شانزدهم

کلیه قوانینی که برای تشدید مبانی دولت و سلطنت و انتظام امور مملکتی و اساس وزارتخانه ها لازم است باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد

اصل هفدهم

لوايح لازمه را در ایجاد قانونی یا تغییر و تکمیل و نسخ قوانین موجوده مجلس شورای ملی در موقع لزوم حاضر مینماید که با تصویب مجلس سنا بصره همایونی رسانده و بموقع اجرا گذارده شود

اصل هیجدهم

تسویه امور مالیه جرح و تعدیل بودجه تغییر در وضع مالیاتها و رد و قبول عوارض و فروعات همچنان ممیزی های جدیده که از طرف دولت اقدام خواهد شد بتصویب مجلس خواهند بود

اصل نوزدهم

مجلس حق دارد برای اصلاح امور مالیاتی و تسهیل روابط حکومتی در تقسیم ایالات و ممالک ایران و تحدید حکومت ها پس از تصویب مجلس سنا اجرای آرای مصوبه را از اولیای دولت بخواهد

اصل بیستم

بودجه هر يك از وزارتخانه ها باید در نیمه آخر هر سال از برای سال دیگر تمام شده پانزده روز قبل از عید نوروز حاضر باشد

اصل بیست و یکم

هر گاه در قوانین اساسی وزارتخانهها قانونی جدید یا تغییر و نسخ قوانین مقرره لازم شود با تصویب مجلس شورای ملی صورت خواهد گرفت اعم از این که لزوم آن امور از مجلس عنوان یا از طرف وزرای مسئول اظهار شده باشد.

اصل بیست و دوم

مواردی که قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل یا فروخته

می شود یا تغییری در حدود و ثغور مملکت لزوم پیدا میکند بتصویب مجلس شورای ملی خواهد بود

اصل بیست و سوم

بدون تصویب شورای ملی امتیاز تشکیل کمپانی و شرکتهای عمومی از هر قبیل و بهر عنوان از طرف دولت داده نخواهد شد

اصل بیست و چهارم

بستن عهد نامه ها و مقاوله نامه ها اعطای امتیازات (انحصار) تجارتهای صنعتی و فلاحتی و غیره اعم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد باستثنای عهدنامه هایی که استتار آنها صلاح دولت و ملت باشد

اصل بیست و پنجم

استقراض دولتی بهر عنوان که باشد خواه از داخله خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد

اصل بیست و ششم

ساختن راه های آهن یا شوسه خواه بخرج دولت خواه بخرج شرکت و کمپانی اعم از داخله و خارجه منوط بتصویب مجلس شورای ملی است

اصل بیست و هفتم

مجلس در هر جا نقضی در قوانین و یا مساعه در اجرای آن ملاحظه کند بوزیر مسئول در آن کار اخطار خواهد کرد و وزیر مزبور باید توضیحات لازمه را بدهد

اصل بیست و هشتم

هر گاه وزیری بر خلاف یکی از قوانین موضوعه که بصحه همایونی رسیده

اند باشتباه کاری احکام کتبی یا شفاهی از پیشگاه مقدس ملوکانه صادر نماید و مستمسک مساهله و عدم مواظبت خود قرار دهد بحکم قانون مسئول ذات مقدس همایون خواهد بود

اصل بیست و نهم

هر وزیری که در امری از امور مطابق قوانینی که بصحه همایونی رسیده است از عهده جواب بر نیاید و معلوم شود که نقض قانون و تخلف از حدود مقرر کرده است مجلس عزل او را از پیشگاه همایونی مستدعی خواهد شد و بعد از توضیح خیانت در محکمه عدلیه دیگر بخدمت دولتی منصوب نخواهد شد

اصل سی ام

مجلس شورای ملی حق دارد مستقیماً هر وقت لازم بداند عریضه بتوسط هیئتی که مرکب از رئیس و شش نفر از اعضاء که طبقات شش گانه انتخاب کنند بعرض پیشگاه مقدس ملوکانه برساند وقت شرفیابی را باید بتوسط وزیر دربار از حضور مبارک استبدان نمود

اصل سی و یکم

وزراء حق دارند در اجلاس مجلس شورای ملی حاضر شده و در جائی که برای آنها مقرر است نشسته مذاکرات مجلس را بشنوند و اگر لازم دانستند از رئیس مجلس اجازه نطق خواسته توضیحات لازمه را از برای مذاکره و مدافعه امور بدهند

در اظهار مطالب بمجلس شورای ملی

اصل سی و دوم

هر کس از افراد ناس میتواند عرضحال یا ایرادات یا شکایات خود را کتباً

بدفترخانه عرایض مجلس عرضه بدارد اگر مطلب راجع بخود مجلس باشد جواب کافی باو خواهد داد و چنانچه مطلب راجع یکی از وزارتخانهها است بدان وزارتخانه خواهد فرستاد که رسیدگی نمایند و جواب مکفی بدهند

اصل سی و سوم

قوانین جدیدی که محل حاجت باشد در وزارت خانهای مسئول انشاء و تنقیح یافته بتوسط وزراء مسئول یا از طرف صدراعظم بمجلس شورای ملی اظهار خواهد شد و پس از تصویب مجلس بصحبه همایونی موشح گشته بموقع اجرا گذاشته میشود

اصل سی و چهارم

رئیس مجلس میتواند برحسب لزوم شخصاً یا بخواهش ده نفر از اعضاء مجلس یا وزیری اجلاسی عمرانه بدون حضور روزنامه نویس و تماشاچی یا انجمنی عمرانه مرکب از عده منتخبی از اعضاء مجلس تشکیل بدهد که سایر اعضاء مجلس حق حضور در آن نداشته باشند لکن نتیجه مذاکرات انجمن عمرانه وقتی مجری تواند شد که در مجلس عمرانه باحضور سه ربع از منتخبین مطرح مذاکره شده باکثرت آراء قبول شود اگر مطلب در مذاکرات انجمن عمرانه قبول نشد در مجلس عنوان نخواهد شد و مسکوت عنه خواهد ماند

اصل سی و پنجم

اگر مجلس عمرانه بتقاضای رئیس مجلس بوده است حق دارد هر مقدار از مذاکرات را که صلاح بداند بااطلاع عموم برساند لکن اگر مجلس عمرانه بتقاضای وزیری بوده است افشای مذاکرات موقوف باجازة آن وزیر است

اصل سی و ششم

هر يك از وزراء میتواند مطلبی را که بمجلس اظهار کرده در هر درجه از مباحثه که باشد استرداد کند مگر اینکه اظهار ایشان بتقاضای مجلس بوده باشد در

اینصورت استرداد مطلب موقوف بموافقت مجلس است

اصل سی و هفتم

هرگاه لایحه وزیری در مجلس موقع قبول نیافت منضم بملاحظات مجلس عودت داده میشود وزیر مسئول پس از رد یا قبول ایرادات مجلس میتواند لایحه مزبوره را در ثانی بمجلس اظهار بدارد

اصل سی و هشتم

اعضای مجلس شورای ملی باید رد یا قبول مطالب را صریح و واضح اظهار بدارند و احدی حق ندارد ایشانرا تحریص یا تهدید در دادن رأی خود نماید اظهار رد و قبول اعضای مجلس باید بقسمی باشد که روزنامه نویس و تماشاچی هم بتوانند ادراک کنند یعنی باید آن اظهار بعبارات ظاهری باشد از قبیل اوراق کبود و سفید و امثال آن

عنوان مطالب از طرف مجلس

اصل سی و نهم

هر وقت مطلبی از طرف یکی از اعضای مجلس عنوان شود فقط وقتی مطرح مذاکره خواهد شد که اقلاً پانزده نفر از اعضای مجلس آن مذاکره مطلب را تصویب نمایند در این صورت آن عنوان کتباً بر رئیس مجلس تقدیم میشود رئیس مجلس حق دارد که آن لایحه را بدو در انجمن تحقیق مطرح مذاقه قرار بدهد

اصل چهلم

در موقع مذاکره و مذاقه لایحه مذکوره در اصل سی و نهم چه در مجلس و چه در انجمن تحقیق اگر لایحه مزبور راجع یکی از وزراء مسئول باشد مجلس باید بوزیر مسئول اطلاع داده که اگر بشود شخصاً و الا معاون او بمجلس حاضر

شده مذاکرات در حضور وزیر یا معاون او بشود

سواد لایحه و منضمات آنرا باید قبل از وقت از ده روزالی یکماه با استثنای مطالب فوری از برای وزیر مسئول فرستاده باشند همچنان روز مذاکره باید قبل از وقت معلوم باشد پس از مذاقه مطلب با حضور وزیر مسئول در صورت تصویب مجلس با کثرت آراء رسماً لایحه نکاشته بوزیر مسئول داده خواهد شد که اقدامات مقتضیه را معمول دارد

اصل چهل و یکم

هرگاه وزیر مسئول در مطلب معنون از طرف مجلس بمصلحتی همراه نشد باید معاذیر خود را توجیه و مجلس را متقاعد کند

اصل چهل و دوم

در هر امری که مجلس شورای ملی اروزیر مسئولی توضیح بخواهد آن وزیر ناگزیر از جوابت و این جواب نباید بدون عذر موجه و بیرون از اندازه اقتضاء بعقد تأخیر بیفتد مگر مطالب محرمانه که مستور بودن آن در مدت معینی صلاح دولت و ملت باشد ولی بعد از انقضاء مدت معین وزیر مسئول مکلف است که همان مطلب را در مجلس ابراز نماید

در شرایط تشکیل مجلس سنا

اصل چهل و سوم

مجلس دیگری بعنوان ستامر کب از شصت نفر اعضاء تشکیل می یابد که اجلاسات آن بعد از تشکیل مقارن اجلاسات مجلس شورای ملی خواهد بود

اصل چهل و چهارم

نظامنامه های مجلس سنا باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد

اصل چهل و پنجم

اعضای این مجلس از اشخاص خیر و بصیر و متدین محترم مملکت منتخب میشوند سی نفر از طرف قرین الشرف اعلیحضرت همایونی استقرار می یابند پانزده نفر از اهالی طهران پانزده نفر از اهالی ولایات و سی نفر از طرف ملت پانزده نفر بانتخاب اهالی طهران پانزده نفر بانتخاب اهالی ولایات

اصل چهل و ششم

پس از انعقاد سنا تمام امور باید بتصویب هر دو مجلس باشد اگر آن امور در سنا یا از طرف هیئت وزراء عنوان شده باشد باید اول در مجلس سنا تصحیح و تصحیح شده با کثرت آراء قبول و بعد بتصویب مجلس شورای ملی برسند ولی اموری که در مجلس شورای ملی عنوان میشود بر عکس از این مجلس بمجلس سنا خواهد رفت مگر امور مالیه که مخصوص بمجلس شورای ملی خواهد بود و قرار داد مجلس در امور مذکور باطلاع مجلس سنا خواهد رسید که مجلس مزبور ملاحظاتی خود را بمجلس ملی اظهار نماید ولیکن مجلس ملی مختار است ملاحظاتی مجلس سنا را بعد از مذاقه لازمه قبول یا رد نماید

اصل چهل و هفتم

مادام که مجلس سنا منعقد نشده فقط امور بعد از تصویب مجلس شورای ملی بصره همایونی موشح و بموقع اجرا گذارده خواهد شد

اصل چهل و هشتم

هر گاه مطلبی که از طرف وزیری پس از تصحیح و تصحیح در مجلس سنا بمجلس شورای ملی رجوع می شود قبول نیافت در صورت اهمیت مجلس ثالثی مرکب از اعضای مجلس سنا و مجلس شورای ملی بحکم انتخاب اعضای دو مجلس و بالسویه

تشکیل یافته در ماده متنازع فیها رسیدگی میکند نتیجه رأی این مجلس رادر شورای ملی قرائت میکنند اگر موافقت دست داد فیها و الا شرح مطلب را بعرض حضور ملوکانه می‌رسانند هر گاه رأی مجلس شورای ملی را تصدیق فرمودند بگری می شود اگر تصدیق نفرمودند امر بتجدید مذاکره و مذاقه خواهند فرمود و اگر باز اتفاق آراء حاصل نشد و مجلس سنا با اکثریت دو ثلث آراء انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند و هیئت وزراء هم جداگانه انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند فرمان همایونی بانفصال مجلس شورای ملی صادر میشود واعلیحضرت همایونی در همان فرمان حکم بتجدید انتخاب میفرماید و مردم حق خواهند داشت منتخبین سابق را مجدداً انتخاب کنند

اصل چهل و نهم

منتخبین جدید طهران باید بفاصله یکماه و منتخبین ولایات بفاصله سه ماه حاضر شوند و چون منتخبین دارالخلافه حاضر شدند مجلس افتتاح و مشغول کار خواهند شد لیکن در ماده متنازع فیها گفتگو نمیکنند تا منتخبین ولایات برسند هر گاه مجلس جدید پس از حضور تمام اعضاء با اکثریت تام همان رأی سابق را امضا کرد ذات مقدس همایونی آن رأی مجلس شورای ملی را تصویب فرموده امر با اجرا میفرماید

اصل پنجاهم

در هر دوره انتخابیه که عبارت از دو سال است يك نوبت امر بتجدید منتخبین بیشتر نخواهد شد

اصل پنجاه و یکم

مقرر آنکه سلاطین اعقاب و اخلاف ما حفظ این حدود و اصول را که برای تشدید مبانی دولت و تأکید اساس سلطنت و نگهبانی دستگاه عدلت و آسایش ملت بر قرار و بگری فرمودیم وظیفه سلطنت خود دانسته در عهده بشانند

متمم قانون اساسی

مورخ ۱۴ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۴

کلیات

اصل اول

مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه حقه جعفریه اثنی عشریه است باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد

اصل دوم

مجلس مقدس شورای ملی که بتوجه و تأیید حضرت امام عصر عجل الله فرجه و بذل مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلد الله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثر الله امثالهم و عامه ملت ایران تأسیس شده است باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام صلی الله علیه و آله و سلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه بر عهده علمای اعلام ادام الله برکات وجودهم بوده و هست لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیئتی که کمتر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند باین

طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسامی بیست نفر از علما که دارای صفات مذکوره باشند معرفی بمجلس شورای ملی بنمایند پنج نفر از آنها را یا بیشتر بمقتضای عصر اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا بحکم قرعه تعیین نموده بسمت عضویت بشناسند تا موادیکه در مجلسین عنوان میشود بدقت مذاکره و غور رسی نموده هر يك از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح ورد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیئت علماء در این باب مطاع و متبع خواهد بود و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجة عصر عجل الله فرجه تغییر پذیر نخواهد بود

اصل سیم

حدود مملکت ایران و ایالات و ولایات و بلوکات آن تغییر پذیر نیست مگر بموجب قانون

اصل چهارم

پایتخت ایران طهران است.

اصل پنجم

الوان رسمی بیرق ایران سبز و سفید و سرخ و علامت شیر و خورشید است.

اصل ششم

جان و مال اتباع خارجه مقیمین خاک ایران مأمون و محفوظ است مگر در مواردیکه قوانین مملکتی استثناء می کند

اصل هفتم

اساس مشروطیت جزء و کلاً تعطیل بردار نیست.

حقوق ملت ایران

اصل هشتم

اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود.

اصل نهم

افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمیتوان شد مگر بحکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین مینماید.

اصل دهم

غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تقصیرات عمده هیچکس را نمی توان فوراً دستگیر نمود مگر بحکم کتبی رئیس محکمه عدلیه بر طبق قانون و در آنصورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتهی در ظرف بیست و چهار ساعت باو اعلام و اشعار شود.

اصل یازدهم

هیچکس را نمی توان از محکمه که باید در باره او حکم کند منصرف کرده مجبوراً بمحکمه دیگر رجوع دهند

اصل دوازدهم

حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمیشود مگر بموجب قانون

اصل سیزدهم

منزله و خانه هر کس در حفظ و امان است در هیچ مسکنی قهرأ نمیتوان داخل شد مگر بحکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده.

اصل چهاردهم

هیچک از ایرانیان را نمی توان نفی بلد یا منع از اقامت در محلی یا مجبور باقامت محل معینی نمود مگر در مواردی که قانون تصریح میکند.

اصل پانزدهم

هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمیتوان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأدیه قیمت عادلانه است.

اصل شانزدهم

ضبط املاک و اموال مردم بعنوان مجازات و سیاست ممنوعست مگر بحکم قانون

اصل هفدهم

سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال متصرفه ایشان بغير عنوان که باشد ممنوعست مگر بحکم قانون.

اصل هیجدهم

تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد.

اصل نوزدهم

تأسیس مدارس بمخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالی و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد.

اصل بیستم

عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است ولی هر گاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آن ها مشاهده

شود نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات میشود اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند

اصل بیست و یکم

انجمنها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل بنظم نباشند در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعات با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در اینخصوص مقرر میکند باید متابعت نمایند اجتماعات در شوارع و میدانهای عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشند.

اصل بیست و دوم

مراسلات پستی کلیه محفوظ و از ضبط و کشف مصون است مگر در مواردیکه قانون استثناء میکند.

اصل بیست و سوم

افشاء یا توقیف غایبات تلگرافی بدون اجازه صاحب تلگراف ممنوع است مگر در مواردیکه قانون معین میکند.

اصل بیست و چهارم

اتباع خارجه میتوانند قبول تبعیت ایران را بنمایند قبول و بقای آنها بر تبعیت و خلع آنها از تبعیت بموجب قانون جداگانه است

اصل بیست و پنجم

تعرض بمأمورین دیوانی در تقصیرات راجعه به مشاغل آنها محتاج بتحصیل اجازه نیست مگر در حق وزراء که رعایت قوانین مخصوصه در این باب باید بشود

قوای مملکت

اصل بیست و ششم

قوای مملکت ناشی از ملت است طریقه استعمال آن قوی را قانون اساسی

معین می نماید .

اصل بیست و هفتم

قوای مملکت سه شعبه تجزیه میشود :

اول - قوه مقننه که مخصوص است بوضع و تهذیب قوانین و این قوه ناشی می شود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هر يك از این سه منشاء حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است بعدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح بصلحه همایونی لکن وضع و تصویب قوانین راجعه بدخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است .

شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است .

دوم - قوه قضائیه و حکمیه که عبارت است از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است بمحاکم شرعیه در شرعیات و بمحاکم عدلیه در عرفیات .

سیم - قوه اجرائیه که مخصوص پادشاه است یعنی قوانین و احکام بتوسط وزراء و مأمورین دولت بنام نامی اعلیحضرت همایونی اجرا می شود بترتیبی که قانون معین میکند .

اصل بیست و هشتم

قوای ثلاثه مزبوره همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود .

اصل بیست و نهم

منافع مخصوصه هرايالت و ولایت و بلوك بتصویب انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب قوانین مخصوصه آن مرتب و تسویه میشود

حقوق اعضای مجلسین

اصل سی ام

وکلای مجلس شورای ملی و مجلس سنا از طرف تمام ملت وکالت دارند نه فقط از طرف طبقات مردم یا ایالات و ولایات و بلوکاتی که آنها را انتخاب نموده اند .

اصل سی و یکم

يك نفر نمیتواند در زمان واحد عضویت هر دو مجلس را دارا باشد .

اصل سی و دوم

چنانچه یکی از وکلاء در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف باستعفای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود .

اصل سی و سیم

هر يك از مجلسین حق تحقیق و تفحص در هر امری از امور مملکتی دارند .

اصل سی و چهارم

مذاکرات مجلس سنا در مدت انفصال مجلس شورای ملی بی نتیجه است

حقوق سلطنت ایران

اصل سی و پنجم

سلطنت و دیعه ایست که بموهبت الهی از طرف ملت بشخص پادشاه مفوض شده

اصل سی و هشتم

سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت بوسیله مجلس مؤسسان بشخص اعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی تفویض شده و در اعقاب ذکور ایشان نسلاً بعد نسل برقرار خواهد بود.

اصل سی و هفتم

ولایتعهد با پسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد

* اصول چهار گانه ۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰ متنم قانون اساسی بموجب ماده واحده مصوبه مجلس مؤسسان در تاریخ ۲۱ آذرماه ۱۳۰۴ شمسی که ذیلاً نقل میشود:

«ماده واحده - مجلس مؤسسان سه اصل ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ متنم قانون اساسی مصوبه بیست و یکم آذرماه ۱۳۰۴ را بجای سه اصل ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ سابق متنم قانون اساسی قرار داده سه اصل مذکور سابق را ملغی میداند»

بترتیب مذکور فوق اصلاح و طبع شده است - اینک برای استحضار مطالعه کنندگان اصول چهار گانه ملغی شده را نیز ذیلاً نقل مینماید:

اصل سی و هشتم - سلطنت مشروطه ایران در شخص اعلیحضرت شاهنشاهی السلطان محمد علی شاه قاجار ادام الله سلطنته و اعقاب ایشان نسلاً بعد نسل برقرار خواهد بود.

اصل سی و هفتم - ولایتعهد در صورت تعداد اولاد به پسر اکبر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل و شاهزاده باشد میرسد و در صورتیکه برای پادشاه اولاد ذکور نباشد اکبر خاندان سلطنت با رعایت الاقرب فالاقرب برتبه ولایتعهد نایل میشود و هرگاه در صورت مفروضه فوق اولاد ذکوری برای پادشاه بوجود آید حقا ولایتعهد با او خواهد رسید.

اصل سی و هشتم - در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصا امور سلطنت را متصدی شود که سن او به هیجده سال بالغ باشد چنانچه باین سن نرسیده باشد با تصویب هیئت مجتعمه مجلس شورای ملی و مجلس سنا نایب السلطنه برای او انتخاب خواهد شد تا هیجده سالگی را بالغ شود.

اصل چهارم - همیتطور شخصی که بنیابت سلطنت منتخب میشود نمیتواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد.

خواهد بود - در صورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد بر حسب پیشنهاد شاه و تصویب مجلس شورای ملی بعمل خواهد آمد مشروط بر آنکه آن ولیعهد از خانواده قاجار نباشد ولی در هر موقعی که پسری برای پادشاه بوجود آید حقا ولایتعهد با او خواهد بود.

اصل سی و هشتم

در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصا امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام شمسی باشد اگر باین سن نرسیده باشد نایب السلطنه از غیر خانواده قاجاریه از طرف مجلس شورای ملی انتخاب خواهد شد.

اصل سی و نهم

هیچ پادشاهی بر تخت سلطنت نمیتواند جلوس کند مگر اینکه قبل از تاجگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود با حضور اعضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هیئت وزراء بقرار ذیل قسم یاد نماید:

من خداوند قادر متعال را گواه گرفته بکلام الله مجید و آنچه نزد خدا محترم است قسم یاد میکنم که تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم قانون اساسی مشروطیت ایران را نگهبان و برطبق آن و قوانین مقرر سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری اثنی عشری سعی و کوشش نمایم و در تمام اعمال و افعال خداوند عزشانه را حاضر و ناظر دانسته منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از

خداوند مستعان در خدمت بترقی ایران توفیق میطلبم و از ارواح طیبه اولیای اسلام استمداد میکنم

اصل چهارم

همینطور شخصی که به نیابت سلطنت منتخب میشود نمیتواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد

اصل چهارم و یکم

در موقع رحلت پادشاه مجلس شورای ملی و مجلس سنا لزوماً منعقد خواهد شد و انعقاد مجلسین زیاده از ده روز بعد از فوت پادشاه نباید بتعویق بیفتد

اصل چهارم و دوم

هر گاه دوره وکالت و کلای هر دو یا یکی از مجلسین در زمان حیوة پادشاه منقضی شده باشد و کلای جدید در موقع رحلت پادشاه هنوز معین نشده باشند و کلای سابق حاضر و مجلسین منعقد میشود

اصل چهارم و سیم

شخص پادشاه نمیتواند بدون تصویب و رضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا متصدی امور مملکت دیگری شود

اصل چهارم و چهارم

شخص پادشاه از مسئولیت مبری است وزراء دولت در هر گونه امور مسئول مجلسین هستند.

اصل چهارم و پنجم

کلیه قوانین و دستخطهای پادشاه در امور مملکتی وقتی اجرا می شود که

بامضای وزیر مسئول رسیده باشد و مسئول صحت مدلول آن فرمان و دستخط همان وزیر است

اصل چهارم و ششم

عزل و نصب وزرا بموجب فرمان همایون پادشاه است

اصل چهارم و هفتم

اعطای درجات نظامی و نشان و امتیازات افتخاری با مراعات قانون مختص شخص پادشاه است

اصل چهارم و هشتم

انتخاب مأمورین رئیسه دوائر دولتی از داخله و خارجه با تصویب وزیر مسئول از حقوق پادشاه است مگر در مواقعی که قانون استثناء نموده باشد ولی تعیین سایر مأمورین راجع به پادشاه نیست مگر در مواردی که قانون تصریح میکند.

اصل چهارم و نهم

صدور فرامین و احکام برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه است بدون اینکه هرگز اجرای آن قوانین را تعویق یا توقیف نماید.

اصل پنجاهم

فرمانفرمائی کل قشون بری و بحری باشخص پادشاه است

اصل پنجاه و یکم

اعلان جنگ و عقد صلح با پادشاه است

اصل پنجاه و دوم

عهدنامه‌هایی که مطابق اصل بیست و چهارم قانون اساسی مورخه چهاردهم ذیقعدہ یکهزار و سیصد و بیست و چهار استتار آنها لازم باشد بعد از رفع محذور همینکه منافع و امنیت عملکتی اقتضا نمود با توضیحات لازمه باید از طرف پادشاه به مجلس شورای ملی و سنا اظهار شود.

اصل پنجاه و سیم

فصول مخفیہ هیچ عهدنامه مبطل فصول آشکار آن عهدنامه نخواهد بود

اصل پنجاه و چهارم

پادشاه میتواند مجلس شورای ملی و مجلس سنا را بطور فوق‌العاده امر بانقاده فرماید.

اصل پنجاه و پنجم

ضرب سکه با موافقت قانون بنام پادشاه است

اصل پنجاه و ششم

غارج و مصارف دستگاه سلطنتی باید قانوناً معین باشد

اصل پنجاه و هفتم

اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت حاضره

تصریح شده

راجع بوزراء

اصل پنجاه و هشتم

هیچکس نمیتواند بمقام وزارت برسد مگر آنکه مسلمان و ایرانی الاصل و تبعه

ایران باشد

اصل پنجاه و نهم

شاهزادگان طبقه اولی یعنی پسر و برادر و عموی پادشاه عصر نمیتوانند بوزارت منتخب شوند.

اصل شصتم

وزراء مسئول مجلسین هستند و در هر مورد که از طرف یکی از مجلسین احضار شوند باید حاضر گردند و نسبت باموریکه محول بآنهاست حدود مسئولیت خود را منظور دارند

اصل شصت و یکم

وزراء علاوه بر اینکه بتنهائی مسئول مشاغل مختصه وزارت خود هستند بهیئت اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند

اصل شصت و دوم

عده وزراء را بر حسب اقتضاء قانون معین خواهد کرد.

اصل شصت و سیم

لقب وزارت اقتخاری بکلی موقوف است.

اصل شصت و چهارم

وزراء نمیتوانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسک قرار داده سلب مسئولیت از خودشان بنمایند.

اصل شصت و پنجم

مجلس شورای ملی یا سنا می توانند وزراء را در تحت مواخذه و محاکمه در آورند.

اصل شصت و ششم

مسئولیت وزراء و سیاستی را که راجع بانها میشود قانون معین خواهد نمود

اصل شصت و هفتم

در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس سنا با کثرت تامه عدم رضایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار نمایند آن هیئت یا آن وزیر از مقام وزارت منزل میشود

اصل شصت و هشتم

وزراء موظفاً نمیتوانند خدمت دیگر غیر از شغل خودشان در عهده گیرند

اصل شصت و نهم

مجلس شورای ملی یا مجلس سنا تقصیر وزراء را در محضر دیوان خانه تمیز عنوان خواهند نمود دیوانخانه مزبوره با حضور تمام اعضاء مجلس محاکمات دائره خود محاکمه خواهد کرد مگر وقتی که بموجب قانون اتهام و اقامه دعوی از دائره ادارات دولتی مرجوعه بشخص وزیر خارج و راجع بخود وزیر باشد
تنبیه - مادامی که محکمه تمیز تشکیل نیافته است هیئتی منتخب از اعضاء مجلسین بعده متساوی نایب مناب محکمه تمیز خواهد شد

اصل هفتادم

تعیین تقصیر و مجازات وارده بر وزراء در موقعی که مورد اتهام مجلس شورای ملی یا مجلس سنا شوند و یادر امور اداره خود دچار اتهامات شخصی مدعیان گردند منوط بقانون مخصوص خواهد بود

اقتدارات محاکمات

اصل هفتاد و یکم

دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع الشرايط است

اصل هفتاد و دوم

منازعات راجعه بحقوق سیاسیه مربوط بمحاکم عدلیه است مگر در مواقعیکه قانون استثناء نماید

اصل هفتاد و سیم

تعیین محاکم عرفیه منوط بحکم قانون است و کسی نمیتواند بهیچ اسم و رسم محکمه برخلاف مقررات قانون تشکیل نماید

اصل هفتاد و چهارم

هیچ محکمه ممکن نیست منعقد گردد مگر بحکم قانون

اصل هفتاد و پنجم

در تمام مملکت فقط يك دیوانخانه تمیز برای امور عرفیه دایر خواهد بود آنهم در شهر پایتخت و این دیوانخانه تمیز در هیچ محاکمه ابتداء رسیدگی نمیکند مگر در محاکماتیکه راجع بوزراء باشد .

اصل هفتاد و ششم

انقضاء کلیه محاکمات علنی است مگر آنکه علنی بودن آن منحل نظم یا منافی عصمت باشد در اینصورت لزوم اخفارا محکمه اعلان مینماید .

اصل هفتاد و هفتم

در ماده تقصیرات سیاسیه و مطبوعات چنانچه عمرمانه بودن محاکمه صلاح باشد باید باتفاق آراء جمیع اعضاء محکمه بشود

اصل هفتاد و هشتم

احکام صادره از محاکم باید مدلل و موجه و محتوی فصول قانونیه که بر طبق آنها حکم صادر شده است بوده و علناً قرائت شود

اصل هفتاد و نهم

در موارد تقصیرات سیاسی و مطبوعات هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود

اصل هشتادم

رؤساء و اعضای محاکم عدلیه بترتیبی که قانون عدلیه معین میکند منتخب و بموجب فرمان همایونی منصوب میشوند

اصل هشتاد و یکم

هیچ حاکم محکمه عدلیه را نمیتوان از شغل خود موقتاً یا دائماً بدون محاکمه و ثبوت تقصیر تغییر داد مگر اینکه خودش استعفاء نماید

اصل هشتاد و دوم

تبدیل مأموریت حاکم محکمه عدلیه ممکن نمیشود مگر برضای خود او

اصل هشتاد و سیم

تعیین شخص مدعی عموم با تصویب حاکم شرع در عهده پادشاه است

اصل هشتاد و چهارم

مقرری اعضای محاکم عدلیه بموجب قانون معین خواهد شد

اصل هشتاد و پنجم

رؤسای محاکم عدلیه نمیتوانند قبول خدمات موظف دولتی را بنمایند مگر اینکه آن خدمت را مجاناً بر عهده گیرند و مخالف قانون هم نباشد.

اصل هشتاد و ششم

در هر کرسی ایالتی یک محکمه استیناف برای امور عدلیه مقرر خواهد شد بترتیبی که در قوانین عدلیه مصرح است

اصل هشتاد و هفتم

محاکم نظامی موافق قوانین مخصوصه در تمام مملکت تأسیس خواهد شد.

اصل هشتاد و هشتم

حکمیت منازعه در حدود ادارات و مشاغل دولتی بموجب مقررات قانون به عکمه تمیز راجع است.

اصل هشتاد و نهم

دیوانخانه عدلیه و عکمه ها وقتی احکام و نظامنامه های عمومی و ایالتی و ولایتی و بلدی را مجری خواهند داشت که آنها مطابق با قانون باشند

(در خصوص انجمنهای ایالتی و ولایتی)

اصل نودم

در تمام ممالک محروسه انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب نظامنامه مخصوص مرتب میشود و قوانین اساسیه آن انجمنها از این قرار است.

اصل نود و یکم

اعضای انجمنهای ایالتی و ولایتی بلا واسطه از طرف اهالی انتخاب میشوند مطابق نظامنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی.

اصل نود و دوم

انجمنهای ایالتی و ولایتی اختیار نظارت تامه در اصلاحات راجعه بمنافع عامه دارند با رعایت حدود قوانین مقرره.

اصل نود و سیم

صورت خرج و دخل ایالات و ولایات از هر قبیل بتوسط انجمنهای ایالتی و ولایتی طبع و نشر میشود.

(در خصوص مالیه)

اصل نود و چهارم

هیچ قسم مالیات برقرار نمی شود مگر بحکم قانون

اصل نود و پنجم

مواردی را که از دادن مالیات معاف توانند شد قانون مشخص خواهد

نمود .

اصل نود و ششم

میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی با اکثریت تصویب و معین

خواهد نمود .

اصل نود و هفتم

در مواد مالیات هیچ تفاوت و امتیازی فیما بین افراد ملت گذارده نخواهد شد .

اصل نود و هشتم

تخفیف و معافیت از مالیات منوط بقانون مخصوص است .

اصل نود و نهم

غیر از مواعیکه قانون صراحتاً مستثنی میدارد بهیچ عنوان از اهالی چیزی

مطالبه نمیشود مگر باسم مالیات مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلدی

اصل صد

هیچ مرسوم و انعامی بخرینه دیوات حواله نمیشود مگر بموجب قانون .

اصل صد و یکم

اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی برای مدتی که بموجب قانون مقرر

میشود تعیین خواهد نمود .

اصل صد و دوم

دیوان محاسبات مأمور بمعاینه و تفکیک محاسبات اداره مالیه و تفریح حساب کلیه محاسین خزانه است و مخصوصاً مواظب است که هیچیک از فقرات مخارج معینه در بودجه از میزان مقرر تجاوز نموده تغییر و تبدیل ننذیرد و هر وجهی در محل خود بمصرف برسد و همچنین معاینه و تفکیک محاسبه مختلفه کلیه ادارات دولتی را نموده اوراق سند خرج محاسبات را جمع آوری خواهد کرد و صورت کلیه محاسبات مملکتی را باید بانضمام ملاحظات خود تسلیم مجلس شورای ملی نماید .

اصل صد و سیم

ترتیب و تنظیم و اداره دیوان بموجب قانون است .

قشون

اصل صد و چهارم

ترتیب گرفتن قشون را قانون معین می نماید تکالیف و حقوق اهل نظام و ترقی در مناصب بموجب قانون است .

اصل صد و پنجم

مخارج نظامی هر ساله از طرف مجلس شورای ملی تصویب میشود .

اصل صد و ششم

هیچ قشون نظامی خارجه بخدمت دولت قبول نمیشود و در نقطه از نقاط مملکت نمیتواند اقامت و یا عبور کند مگر بموجب قانون .

اصل صد و هفتم

حقوق و مناصب و شئون اهل نظام سلب نمیشود مگر بموجب قانون .

ماده چهارم - انتخاب شدگان باید دارای مقامات ذیل باشند اولاً زبان فارسی بدانند ثانیاً سواد فارسی داشته باشند ثالثاً رعیت داخله باشند رابعاً معرفت محلی داشته باشند خامساً داخل در خدمت دولتی نباشند سادساً سن آنها کمتر از سی سال نباشد و اضافاً از هفتاد سال نباشد سابعاً در امور مملکتی بصیرتی داشته باشند

ماده پنجم - اشخاصیکه از انتخاب شدن محروم هستند اولاً طایفه انانیه ثانیاً تبعه خارجه ثالثاً اهل نظام بری و بحری که مشغول خدمتند رابعاً ورشکسته بقصد بقیعیر خامساً مرتکبین بقتل و سرقت و مقصرین و آنهاستیکه مجازات قانونی اسلامی دیده اند و متهمین بقتل و سرقت و غیره که شرعاً رفع تهمت از خود نکرده باشند سادساً آنهاستیکه سنشان از سی سال کمتر باشد سابعاً اشخاصیکه معروف بفساد عقیده هستند و متظاهر به فسق

ماده ششم - عده انتخاب شدگان ملت در بلاد ایران متناسب با جمعیت سکنه آن بلد است و از هر ایالتی شش یا دوازده نفر موافق صورت ذیل باید انتخاب شود مگر طهران که عده انتخاب شدگان آن بموجب تفصیل ذیل است :

شاهزادگان و قاجاریه چهار نفر علما و طلاب چهار نفر تجارده نفر ملاکین و فلاحین ده نفر اصناف ازهر صنفی يك نفر جمعا سي و دونفر میشوند

در سایر ایالات و ولایات از قرار تفصیل است :

آذربایجان دوازده نفر

خراسان و سیستان و تربت و ترشیز و قوچان و بجنورد و شاهرود و بسطام ۱۲ نفر

گیلان و طالش شش نفر

مازندران و تنکابن و استرآباد و فیروز کوه و دماوند ۶ نفر

خمسه و قزوین و سمنان و دامغان ۶ نفر

کرمان و بلوچستان ۶ نفر

فارس و بنادر ۱۲ نفر

عربستان لرستان و بروجرد ۶ نفر

کرمانشاهان و کروس ۶ نفر

کردستان و همدان ۶ نفر

اصفهان و یزد و کاشان و قم و ساوه ۱۲ نفر

عراق و ملایر و تویسرکان و نهاوند و کمره و گلپایگان و خونسار ۶ نفر

ماده هفتم - هر يك از انتخاب کنندگان صاحب يك رأی میباشد فقط در يك طبقه می توانند انتخاب کنند

ماده هشتم - عده انتخاب شدگان برای مجلس شورای ملی در تمام ممالک محروسه

نظامنامه انتخابات (اصنافی) *

مجلس شورای ملی

مورخه ۱۹ رجب ۱۳۲۴ قمری

فصل اول - قواعد انتخابات

ماده اول - انتخاب کنندگان ملت در ممالک محروسه ایران از ایالات و ولایات باید از طبقات ذیل باشند :

شاهزادگان و قاجاریه علما و طلاب اعیان و اشراف تجار ملاکین و فلاحین اصناف

تنبیه ۱ - ایلات هر ایالتی جزو سکنه آن ایالت محسوب و با شرایط مقرر حق انتخاب دارند .

تنبیه ۲ - ملاک عبارت از ارباب ملك است فلاح عبارت از زارع .

ماده دوم - انتخاب کنندگان باید دارای مقامات ذیل باشند اولاً سن آنها کمتر از

بیست و پنج سال نباشد ثانیاً رعیت ایران باشند ثالثاً معرفت محلی داشته باشند رابعاً ملاکین و فلاحین آنها باید صاحب ملکی باشند که هزار تومان قیمت داشته باشد پنجم تجار آنها حجره و تجارت معینی داشته باشند ششم اصناف آنها باید از اهل صنف و کار معین صنفی داشته باشند و دارای دکانی باشند که کرایه آن دکان مطابق کرایه های حد وسط محلی باشد

ماده سیم - اشخاصی که از انتخاب نمودن کلیه محروم هستند از قرار تفصیل اولاً

طایفه نسوان ثانیاً اشخاص خارج از رشد و آشنائی که محتاج بقیم شرعی میباشد ثالثاً تبعه خارجه رابعاً اشخاصیکه سن آنها کمتر از بیست و پنج سال باشد خامساً اشخاصیکه معروف به فساد عقیده هستند سادساً ورشکسته که بی تصبیری خود را ثابت نکرده باشد سابعاً مرتکبین بقتل و سرقت و مقصرین و آنهاستیکه مجازات اسلامی قانونی دیده اند و متهمین بقتل و سرقت و غیره که شرعاً رفع تهمت از خود نکرده باشند ثامناً اهل نظام بری و بحری که مشغول خدمتند

اشخاصی که از انتخاب نمودن بشرط ممنوعند از قرار ذیل است :

اولاً حکام و معاونین حکام در محمل حکومت ثانیاً مستخدمین اداره نظمی و ضبطیه در محمل مأموریت خودشان

* این نظامنامه بعد از تصویب نظامنامه انتخابات دو درجه مورخ ۱۲ جمادی الثانیه ۱۳۲۷

قمری منسوخ شده است

ایران بیش از دو بیست نفر نمیتواند باشد در شهرهای جزء هر ایالتی هر طبقه علیحده جمع شده یک نفر را انتخاب نموده بکرسی ایالت میفرستند این انتخاب شده گان باید در همان شهری که انتخاب میشوند و با در مجال آن شهر سکنا داشته باشند انتخاب شدگان در شهرهای جزء ایالات در کرسی ایالت جمع شده به عده که در صورت فوق برای هر ایالتی معین شده از برای مجلس شورای ملی اعضا انتخاب میکنند تا در مجلس شورای ملی حضور بهم رسانیده در مدت مأموریت بوظیفه و تکلیف خود که حفظ حقوق دولت و ملت است عمل نمایند انتخاب کنندگان هججور نیستند که حتما از نصف و طبقه خودشان انتخاب کنند

ماده نهم - در هر محلی که انتخاب بعمل می آید انجمنی برای نظارت انتخابات از معاریف طبقات ششگانه انتخاب کنندگان آن محل مرکب از شش نفر و در تحت نظارت موقتی حاکم یا نایب الحکومه همان محل تشکیل خواهد شد از این قرار دو انجمن تشکیل میشود انجمن محلی و ایالتی انجمن محلی در شهرهای جزء ایالات و انجمن ایالتی در کرسی ایالت

ماده دهم - شکایات راجعه با انتخابات ما نم از اجرای انتخابات نخواهد بود یعنی انجمن های مذکور در ماده نهم رسیدگی خواهند کرد بدون اینکه انتخابات توقیف شود

ماده یازدهم - اگر از انجمن محلی کسی متشکی باشد به انجمن ایالتی رجوع خواهد کرد و اگر نتیجه حاصل نشد بمجلس شورای ملی باید رجوع نماید

ماده دوازدهم - هر گاه یکی از اعضا مجلس شورای ملی استعفاء یا فوت نماید و بیش از شش ماه به انتخابات جدید باقی باشد اعضا مجلس بجای او يك نفر از اهل ایالت خودش انتخاب خواهند کرد

ماده سیزدهم - اسامی انتخاب کنندگان و انتخاب شده گان هر ولایت را انجمنهای محلی و ایالتی بدفترخانه مجلس شورای ملی باید بفرستند که در دفترخانه مجلس اسامی آنها را بترتیب حروف تهجی ثبت و برای اطلاع عموم طبع و نشر نمایند کذاک بعد از اتمام عمل انتخابات انجمن محلی نتیجه عمل را در ظرف يك هفته به انجمن ایالتی اطلاع خواهد داد

ماده چهاردهم - انتخاب شده گان در شهرهای جزء ایالت باید از انجمن محلی اعتبار نامه در دست داشته باشند و کذاک انتخاب شده گان در کرسی ایالات باید اعتبارنامه از انجمن ایالتی در دست داشته باشند و در مجلس شورای ملی ارائه دهند

ماده پانزدهم - انتخاب اشخاص مقرر به بقرعه و اکثریت آراء خواهد بود

ماده شانزدهم - بعد از انتخاب اعضا مجلس شورای ملی اسامی انتخاب شده گان در دفتر مجلس ثبت و در روزنامهها اعلان خواهد شد

ماده هفدهم - مجلس انتخاب کنندگان ملی در شهرهای حاکم نشین که به دو درجه

منقسم میشود برقرار خواهد بود و بنا بر اقتضا و مکان حاکم محل می تواند محل مجلس انتخاب را معین کند

ماده هیجدهم - موعد و میعاد انتخاب باید يك ماه قبل از وقت بتوسط حکومت محل بمعموم اهالی به اعانت اوراق چاپی و سایر اعلانات مقتضیه اعلام شود

ماده نوزدهم - انتخاب شدگان دارالخلافه و سایر ایالات هر چه زودتر باید در طهران حاضر شوند چون انتخاب شدگان ولایات بموجب نظامنامه باید منتخب شوند و حضور آنها فعلا مدتی طول خواهد کشید لهذا منتخبین طهران حالا انتخاب میشوند و مجلس تشکیل خواهد شد و بوظایف خود رفتار خواهد نمود تا منتخبین ولایات حضور بهم رسانند و تاخیر حضور آنها سبب تعطیل مجلس نخواهد بود

ماده بیستم - خرج سفره و مقرری سالیانه اعضای مجلس شورای ملی موقوف به تشخیص و تصویب خود مجلس است

ماده بیست و یکم - مدت مأموریت نمایندگان ملت دوسال خواهد بود و بعد از دوسال در تمام ممالک ایران تجدید انتخابات خواهد شد

ماده بیست و دوم - شکایات راجعه بمجلس و اعضای آن در عمل انتخابات و غیره آنچه راجع بمجلس است باید کتبا به رئیس مجلس اظهار شود که در مجلس شورای ملی بماده شکایت رسیدگی و حکم آن صادر شود

ماده بیست و سیم - بدون اجازه مجلس احدی از اجزای مجلس را نمیتوان بهیچ عنوان گرفتار و دستگیر نمود مگر مرتکب بیضحه یا جنایتی باشد بطور علنی و کلیه تحریر و تقریر اعضای مجلس در مصالح دولت و ملت آزاد و هیچ کسی حق مزاحمت آنها را ندارد مگر در صورتیکه تحریرات و تقریرات عضوی برخلاف مصالح عامه و موافق قوانین شرع انور مستوجب مجازات باشد در این صورت با اجازه مجلس این نوع اشخاص بمحکمه عدلیه جاب خواهند شد

ماده بیست و چهارم - اشخاصیکه از رجال دولت و اعضای دوایر دولتی سمت نمایندگی بصوت مجلس شورای ملی منتخب میشوند از خدمت سابقه متفصل و در همت این مأموریت حق مداخله و اشتغال بخدمت سابقه یا خدمت دیگری ندارند و الا نمایندگی و عضویت ایشان باطل میشود

فصل دوم

ترتیب انتخاب و کشیدن قرعه و شرایط آن

ماده بیست و پنجم - انتخاب اعضای مجلس شورای ملی در پایتخت و شهرهای بزرگ و متوسط و کوچک بعمل خواهد آمد با حضور حاکم یا نایب الحکومه و در تحت نظارت انجمن مذکور در ماده نهم

ماده بیست و ششم - انتخاب بقرعه و اکثریت آراء تامه بانسبی باید باشد در صورت تساوی آراء باید بقرعه تشخیص انتخاب شده داده شود

ماده بیست و هفتم - روز انتخاب اعضاء مجلس و کشیدن قرعه در هر سال که باشد روز جمعه خواهد بود با رعایت ترتیبات ذیل

اولا کشیدن قرعه باید در حضور حاکم وانجمن محل و حضار انتخاب کنندگان باشد ثانياً نظم مجلس قرعه کشی بمهده انجمن های مذکور در ماده نهم خواهد بود ثالثاً ورقه قرعه باید کاغذ سفید بی نشان باشد رابعاً هر يك از انتخاب کنندگان باید در خارج مجلس رأی خود را در آن ورقه نوشته سر بسته بدست یک نفر از اعضاء انجمن مذکور که معین خواهد شد بدهد که مشار الیه در حضور جمع در صندوق بیندازد خامساً یک نفر از اعضاء انجمن مذکور در ماده نهم اسامی انتخاب کنندگان را با صورتی که دارد مطابق کند

ماده بیست و هشتم - قبل از کشیدن قرعه یک نفر اعضاء انجمن در صندوق را قفل نموده و دو نفر دیگر آنرا مهر میکنند و کلبه صندوق را یکی از اعضاء انجمن ضبط میکند

ماده بیست و نهم - پس از انجام کشیدن قرعه در صندوق را باز نموده در حضور جماعت اوراق را شمرده زیادی و کمی آن را از روی صورت اسامی تشخیص میدهند و چند نفر از حضار در حضور جماعت بانظارت انجمن مشغول استخراج آراء میشوند

ماده سی ام - از اوراق آنچه غیر مکتوب یا لایقراً باشد یا اینکه معرفی انتخاب شده را واضح نکرده باشد یا صاحب رأی خود را در آن معرفی کرده باشد از درجه اعتبار ساقط است و منضم بیاد داشته میشود بعد نتیجه قرعه را بلند فریاد میکنند و از طرف رئیس مجلس اعلان میشود

ماده سی و یکم - هر گاه عده انتخاب شدگان مت زیاد از عده مقررده باشد اشخاصی از آن میان انتخاب خواهند شد که از حیث سن برتری و رجحان داشته باشند والا با وجود فرصت تجدید قرعه میشود اگر پس از شمردن اوراق معلوم شد که عده اوراق زاید از عده انتخاب کنندگان است قرعه را باطل کرده تجدید قرعه مینمایند

ماده سی و دویم - انتخاب شدگان طهران یک نفر رئیس و دو نفر نایب رئیس و چهار نفر منشی از میان خود انتخاب مینمایند و در تحت ریاست عالیّه اعلیحضرت اقدس شهرباری خلدالله ملکه مجلس افتتاح خواهد شد

ماده سی و سوم - رئیس مجلس شورای ملی و دو نفر نایب رئیس و منشی های مجلس با تصویب اعضاء مجلس سالی یک مرتبه تبدیل میشوند و در تجدید انتخاب اشخاص مذکور رعایت اکثریت آراء مجلس همیشه ملحوظ است

نظامنامه انتخابات *

دو درجه

مورخه ۱۲ جمادی الثانیه ۱۳۲۷ قمری

فصل اول

عده نمایندگان ملت و تقسیم آن به ایالات و ولایات

ماده اول - عده نمایندگان ملت برای مجلس شورای ملی در ممالک ایران یکصد و بیست نفر تعیین میشود

ماده ۲ - تقسیم نمایندگان ملت نسبت بجمعیت تخمینی ولایات و اهمیت محلی از قرار شرح جدولی است که به آخر نظامنامه منضم شده است

ماده ۳ - چون بواسطه فقدان اسباب لازمه محل انتخابات فقط در شهرهای بزرگ و کوچک خواهد بود لهذا از غالب بلوکات و ایلات که حاکم نشین آنها شهرت ندارد در این نظامنامه اسم برده نشده لیکن اهالی بلوک و ایلات هر ولایت با داشتن شرایط مقررده میتوانند در یکی از شهرهای آن ولایت حاضر شده با انتخابات شراکت نمایند

فصل دوم

شرایط انتخاب کنندگان

ماده ۴ - انتخاب کنندگان اشخاصی خواهند بود که دارای شرایط ذیل باشند

۱ - تیمه ایران باشند

۲ - لا اقل بیست سال داشته باشند

۳ - معروفیت محلی داشته و اگر بومی یا متوطن آن محل نباشند لا اقل شش ماه قبل از انتخاب در محل انتخاب یا توابع آن سکنی داشته باشند

۴ - لا اقل دارای دویست و پنجاه تومان علقه مالکی یا ده تومان مالیات بده باشند یا پنجاه تومان عایدی سالیانه داشته و با تحصیل کرده باشند

ماده ۵ - اشخاصی که از حق انتخاب نمودن مطلقاً محرومند

* این نظامنامه بعد از تصویب « قانون انتخابات » مصوب ۲۹ میزان ۱۳۲۹ قمری منسوخ شده است

- ۱ - نسوان
- ۲ - اشخاص خارج از رشد و آنهاییکه در تحت قیمومت شرعی هستند
- ۳ - تیمه خارجه
- ۴ - اشخاصیکه خرویشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع شرایط بیوت رسیده باشد
- ۵ - اشخاصیکه کمتر از بیست سال داشته باشند
- ۶ - ورشکستان بقصیر
- ۷ - مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده اند و معروفین بارتکاب قتل و سرقت و غیره که شرعاً برائت خود را حاصل نکرده باشند
- ۸ - اهل نظام بری و بحری که مشغول خدمتند
- ماده ۶ - اشخاصیکه بشرط از انتخاب نمودن محرومند
- ۱ - حکام و معاونین حکام در قلمرو ماموریت خود
- ۲ - مستخدمین نظمی و ضبطیه در محل خدمت

فصل سوم

شرایط انتخاب شوندگان

- ماده ۷ - انتخاب شوندگان باید دارای صفات و مقامات ذیل باشند
- ۱ - متدین بدین حضرت محمد ابن عبدالله (ص) باشند مگر مایندگان ملل مسیحی و زردشتی و یهود که آنها هم باید در دین خود ثابت العقیده باشند
 - ۲ - تیمه ایران باشند
 - ۳ - لا اقل خط و سواد فارسی باندازه کافی داشته باشند
 - ۴ - معروفیت محلی داشته باشند
 - ۵ - در امور مملکتی با بصیرت باشند
 - ۶ - معروف با امانت و درستکاری باشند
 - ۷ - سن آنها کمتر از سی و زیاده از هفتاد سال نباشد
 - ماده ۸ - اشخاصی که از انتخاب شدن محرومند
 - ۱ - شاهزادگان بلا فصل ابناء و اخوان و اعمام پادشاه
 - ۲ - نسوان
 - ۳ - تیمه خارجه
 - ۴ - اهل نظام بری و بحری که مشغول خدمتند
 - ۵ - اشخاصی که مشغول خدمات دولتی هستند مگر اینکه برای مدت نمایندگی از شغل خود استعفا دهند

- ۶ - ورشکستان بقصیر
- ۷ - مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده اند و معروفین بارتکاب قتل و سرقت و غیره که شرعاً برائت خود را حاصل نکرده باشند
- ۸ - اشخاصیکه خرویشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع شرایط بیوت رسیده باشد و با متظاهر بفسق باشد

فصل چهارم - در تشکیل انجمن نظارت

- ماده ۹ - در هر مرکز انتخاب هیئتی باسم انجمن نظارت موقت تشکیل میشود که مراقب و مسئول صحت انتخابات خواهد بود
- ماده ۱۰ - در محل هائیکه انجمن ایالتی یا ولایتی موافق قانون برقرار است مرکب خواهد بود از سه نفر از اعضای انجمن ایالتی یا ولایتی و چهار نفر از محترمین محل در تحت ریاست حاکم این چهار نفر محترمین را انجمن ایالتی یا ولایتی بتصویب حاکم از غیر اعضای خود معین خواهد کرد

ماده ۱۱ - در محل هائیکه انجمن ایالتی یا ولایتی موافق قانون هنوز تشکیل نیافته انجمن نظار مرکب خواهد بود از شخص حاکم و کارگذار و یک نفر از علمای معروف محل و یک نفر از شاهزادگان و دو نفر از اعیان و دو نفر از معتبرین تجار (در هر جا که یکی از اشخاص مذکور نباشد بوضوح از اعیان یا تجار معین میشود)

ماده ۱۲ - در شهرهای بزرگ بجهت دادن تعرفه انجمن نظارت میتواند در هر محله شعبه جداگانه تشکیل نماید مرکب از کدخدایان و پنج نفر از معتمدین محل

ماده ۱۳ - انجمن نظارت از میان اعضای خود یک یا دو نفر مثنی انتخاب می نماید

ماده ۱۴ - انجمن نظارت یک هفته بعد از انجام انتخابات متفرق میشود

فصل پنجم - طریقه انتخاب

- ماده ۱۵ - انتخاب در کلیه ممالک ایران بطرز دو درجه خواهد بود (توضیح اول) - مراد از انتخاب دو درجه آنست که ابتدا در محله های يك شهر یا در شهر های يك حوزه انتخابیه عدد معینی را انتخاب مینمایند که منتخب نامیده میشوند و بعد این انتخاب شدهگان درجه اول در مرکز حوزه انتخاب جمع شده از میان خود عدد مطلوبه را تا نیا انتخاب میکنند و این انتخاب شدگان درجه ثانی نماینده خوانده میشوند (توضیح دوم) - مراد از حوزه انتخابیه آن قسمتی از مملکت است که موافق تقسیم نظامنامه يك یا چند نفر را مشترکاً انتخاب کرده مستقیماً بعنویت مجلس شورای ملی میفرستد اعم از اینکه آن قسمت در تحت يك یا چند حکومت باشد مرکز حوزه آن نقطه ایست که انتخاب درجه ثانی حوزه در آنجا واقع میشود
- ماده ۱۶ - انتخاب درجه اول و ثانی کلیه بطرز انتخاب جمعی خواهد بود مگر در

مجاهداتی که موافق تقسیم نظامنامه بیش از یک نفر حق انتخاب ندارند در این صورت با انتخاب فردی عمل میشود

(توضیح) - مراد از انتخاب جمعی آنستکه هر يك از انتخاب کنندگان در ورقه رأی بعد از مجموع انتخاب شوندگان آن محل اسمی اشخاص می نویسند مراد از انتخاب فردی آنست که هر يك از انتخاب کنندگان در ورقه رأی اسم يك شخص را می نویسند

ماده ۱۷ - انتخاب درجه اول با کثرت نسبی و انتخاب درجه ثانی با کثرت تام خواهد بود

(توضیح) - مراد از اکثریت تام آنست که بیشتر از نصف رأی دهندگان در باره کسی رأی داده باشند

ماده ۱۸ - در انتخاب درجه اول اشخاصی که نسبت بعد از کایه انتخاب کنندگان حوزه انتخابیه اکثریت تام حاصل کنند مستغنی از انتخاب درجه ثانی بوده بسمت عضویت مجلس شورای ملی قبول میشوند

ماده ۱۹ - در انتخاب درجه ثانی اگر دفعه اول و دوم در باره کسی اکثریت تام حاصل نشد دفعه سوم همان شخص با کثرت نسبی منتخب خواهد بود

ماده ۲۰ - در صورت تساوی آراء بین دو یا چند نفر هر گاه انتخاب يك نفر از آنها محل حاجت باشد آن يك نفر بحکم قرعه معین میشود

ماده ۲۱ - در انتخاب درجه اول عده انتخاب شوندگان هر حوزه انتخابیه سه مقابل عده نمایندگان خواهد بود که برای آن حوزه در ماده دوم معین شده است

ماده ۲۲ - در حوزه انتخابیه طهران انتخاب درجه اول از پنج محله که هر يك در تحت ریاست يك کددا است بعمل خواهد آمد موافق تقسیمی که انجمن نظارت معین خواهد کرد

ماده ۲۳ - در حوزه انتخابیه ایالات و ولایات انتخاب درجه اول در تمام شهرهای آن حوزه با کثرت نسبی بعمل خواهد آمد بعد از این منتخبین درجه اول در موعدی که انجمن نظارت مرکزی معین میکند در مرکز حوزه حاضر شده مجتمعا از میان خودشان بعد از ماده دوم بجهت آن حوزه تصریح شده است با کثرت تام نماینده انتخاب خواهند کرد

ماده ۲۴ - پنج ایل عمده شاهسون آذربایجان، بختیاری، قشقایی، ایلات خسه فارس، و ترکمان موافق تقسیم نظامنامه هر کدام يك نماینده مستقیما بعضویت مجلس شورای ملی میفرستند

طرز انتخاب ایلات هم دو درجه است لیکن عده منتخبین درجه اول هر ایل و هر مرکز انتخاب درجه ثانی را وزارت داخله معین خواهد کرد در این مورد انتخاب درجه ثانی بحکم قرعه خواهد بود

ماده ۲۵ - در صورتیکه انتخاب شدگان شهرهای جزو در موعدی که انجمن نظارت مرکزی برای حضور آنها معین کرده در مرکز آن حوزه حاضر نشوند برای آن دوره حق انتخاب از آنها ساقط است و همان عده که در مرکز موعده حاضر شده اند نمایندگان آن حوزه را از میان خودشان انتخاب خواهند کرد

ماده ۲۶ - هر يك از انتخاب کنندگان زیاده بر يك مرتبه حق رأی دادن ندارند مگر در صورتی که تجدید انتخاب لازم شود

ماده ۲۷ - در درجه اول انتخاب کنندگان مجبور نیستند که حتما از ساکنین محل خود انتخاب کنند

فصل ششم

دادن تعرفه برای تشخیص انتخاب کنندگان

ماده ۲۸ - انجمن نظارت اعلانی مرتب نموده بمناسبت اهمیت محل از پنج الی پانزده روز قبل از موعد انتخاب اشاعه میدهد

ماده ۲۹ - اعلان مذکور مطالب ذیل را دارا خواهد بود

۱ - شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان

۲ - محل و اوقاتی را که انجمن نظارت یا شعب آن ورقه تعرفه خواهد داد

۳ - مکان و زمانی که انجمن نظارت برای اخذ رأی حاضر خواهد بود

۴ - عده نمایندگان را که صاحبان تعرفه باید منتخب نمایند

ماده ۳۰ - اشخاصیکه شرایط انتخاب کردن را دارا هستند اگر در ظرف مدتی که انجمن نظارت بجهت گرفتن تعرفه معین نموده است تعرفه نگیرند حق انتخاب برای آن دوره از آنها ساقط است

ماده ۳۱ - تعرفه که به انتخاب کنندگان داده می شود محتوی فقرات ذیل خواهد بود

۱ - نمره و تاریخ

۲ - اسم دارنده تعرفه و اسم پسر او

۳ - شغل و منزل

۴ - زمان و مکانی که دارنده تعرفه باید حاضر شده رأی خود را بدهد

۵ - ساعت افتتاح و اختتام مجلس انتخاب

۶ - مهر یا امضای اعضای انجمن نظارت

ماده ۳۲ - انجمن نظارت یا شعب آن تمام تعرفه هائی را که میدهد بترتیب نمره در کتابخانه مخصوص ثبت خواهد شد

فصل هفتم

در اخذ و استخراج آراء و تعیین انتخاب شدگان

ماده ۴۳ - بمناسبت اهمیت محل مدت اخذ رأی از يك الى سه روز خواهد بود به تعیین

انجمن نظارت

ماده ۴۴ - پس از انقضای موعودی که انجمن نظارت برای اخذ رأی معین میکند دیگر ورقه رأی از کسی قبول نخواهد شد

ماده ۴۵ - دادن رأی باید مخفی باشد و از این جهت باید در آنجا تهره قبل از دخول بمجلس انتخاب اسم يك یا چند نفر منتخبین خود را مطابق عده که اعلان شده است روی کاغذ سفید بی نشان نوشته لوله کرده باخود داشته باشد

ماده ۴۶ - پس از حضور اعضای انجمن نظارت و افتتاح مجلس انتخاب در ساعتی که اعلان شده قبل از شروع بگرفتن ورقه رأی رئیس انجمن نظارت جعبه را که برای ضبط اوراق رأی معین شده است در حضور اعضاء انجمن و حاضرین از انتخاب کنندگان باز نموده خالی بودن آنرا مینماید

ماده ۴۷ - هر يك از دارندگان ورقه تعرفه پس از ورود بمجلس انتخاب در کمال آرامی تعرفه و ورقه رأی خود را یکی از اعضاء که برای این کار معین شده اند میدهد

ماده ۴۸ - گیرنده تعرفه نمره را بصوت بلند میگوید تا منشی انجمن نمره را در کتابچه ثبت تعرفه پیدا کرده نشان کند پس از نشان کردن نمره گیرنده تعرفه آنرا ابطال نموده بصاحبش رد می نماید و ورقه رأی او را بدون نگاه کردن در جعبه انتخاب میاندازد صاحبان تعرفه با احتیاط مواردیکه تجدید انتخاب لازم شود تعرفه باطله خودشان را محفوظ خواهند داشت

ماده ۴۹ - انتخاب کنندگان پس از دادن ورقه رأی و پس گرفتن تعرفه باطله در صورت تنگی جای و اخلاص نظم و ترتیب انتخاب با هر رئیس از مجلس انتخاب خارج خواهند شد

ماده ۴۰ - در محلهاییکه انتخاب در يك روز تمام نمیشود در ختام مجلس آن روز تمام اعضاء با احتیاطات لازمه درب جعبه را مهر کرده روز بعد همان اعضاء آن را باز می کنند

ماده ۴۱ - بعد از اعلان انجام انتخاب رئیس انجمن جعبه انتخاب را در حضور اعضاء و حاضرین انتخاب کنندگان خالی نموده امر باستخراج آراء مینماید

ماده ۴۲ - یکی از اعضاء اوراق انتخاب را شمرده عده آن را با عده رأی دهندگانی که نمره تعرفه آنها در کتابچه ثبت تعرفه نشان شده است تطبیق می کند در صورت زیادتی اوراق رأی بعد از اوراق زاید از کلبه برداشته شده باطل میشود و نتیجه در صورت مجلس نوشته میشود

ماده ۴۳ - اوراق انتخاب را یکی از اعضاء بصوت بلند يك يك خوانده بيك نفر دیگر از اعضاء میدهد و سه نفر دیگر از اعضاء اسمی را بترتیبی که خواننده میشود در ورقه بزرگی می نویسد .

ماده ۴۴ - هر گاه در اوراق انتخاب زیاد یا کمتر از عده معینه اسمی نوشته باشند تقصی در امر انتخاب حاصل نخواهد شد در صورت اول آن عده اسمی که زیاد نوشته شده از آخر ورقه خواننده نخواهد شد

ماده ۴۵ - از اوراق رأی آنچه سفید یا لایق باشد یا آنکه صحیحاً معرفی انتخاب شده را نکند با امضای انتخاب کننده را داشته باشد یا بیش از يك ورق باشد محسوب نخواهد شد ولی عیناً ضمیمه صورت مجلس میشود

ماده ۴۶ - بلافاصله بعد از شماره و استخراج آراء رئیس نتیجه را بصوت بلند اعلام می نماید و اوراق انتخاب را معدوم میکند با استثنای آنهایکه در ماده قبل ذکر شده که ضمیمه صورت مجلس میشود

ماده ۴۷ - صورت مجلس انتخابات را منشی در سه نسخه تجزیر نموده باعضای اعضاء انجمن نظارت میرساند يك نسخه بحکومت نسخه دیگر بتوسط حکومت بمجلس شورای ملی و نسخه ثالث یا کتابچه ثبت اوراق تعرفه بانجمن ایالتی یا ولایتی هر کز حوزه فرستاده میشود

ماده ۴۸ - اشخاصی که ورقه تعرفه ندارند حق دخول به مجلس انتخاب ندارند

ماده ۴۹ - دخول در محوطه انتخاب با داشتن اسلحه اکیداً ممنوع است

ماده ۵۰ - اسمی انتخاب شدگان درجه اول و دوم بعد از اتمام انتخابات از طرف حاکم محل در روزنامه اعلان میشود

ماده ۵۱ - انتخاب شدگان در شهرهای جزو باید باعضای انجمن نظارت آن محل اعتبارنامه در دست داشته باشند و به انجمن نظارت هر کزی ارائه بدهند و همچنین نمایندگانی که در هر کز حوزه انتخابیه برای عضویت مجلس شورای ملی منتخب میشوند باید باعضای انجمن نظارت هر کزی اعتبارنامه در دست داشته تسلیم دفتر مجلس شورای ملی نمایند

فصل هشتم

در شکایات راجع بانتخابات

ماده ۵۲ - اگر از انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان کسی حین انتخاب شکایت یا ایرادی راجع بانتخابات داشته باشد مانع از انجام انتخاب نخواهد شد ولی شرح آن شکایت باید در صورت مجلس درج شود

ماده ۵۳ - شکایات و ایرادات راجعه بانتخابات باید در ظرف یک هفته بعد از ختم انتخابات بانجمن نظارت اظهار شود تا انجمن رسیدگی نموده حکم بدهد و نتیجه را ضمیمه صورت مجلس انتخاب نمایند

ماده ۵۴ - متشکبان از انتخابات اگر از حکم انجمن نظارت راضی نباشند میتوانند پس از افتتاح مجلس شورای ملی شکایات خود را در ظرف ماه اول بمجلس شورای ملی اظهار نمایند

و حکم مجلس شورای ملی قاطع خواهد بود (شکایات راجعه با انتخابات که بعد از افتتاح مجلس شورای ملی بعمل میاید باید در ظرف ماه اول بعد از وقوع آن انتخابات بمجلس شورای ملی برسد)

ماده ۵۵ - هر گاه یکی از منتخبین یا نمایندگان بوسیله تطمیع یا تهدید انتخاب شود پس از تبوت بانجمن نظارت بمجلس شورای ملی انتخاب آن منتخب یا نماینده علاوه بر مجازاتی که قانون درباره اومعین خواهد کرد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود

ماده ۵۶ - حق اعتراض بر انتخابات را اشخاصی دارند که حق انتخاب کردن داشته باشند

فصل نهم

در مواد مختلفه

ماده ۵۷ - همینکه نصف بعلاوه بکنفران نمایندگان ملت که تصت و یک نفر باشد در طهران حاضر شدند مجلس افتتاح مییابد و رأی آنها با اکثریت مناط اعتبار و اجراست

ماده ۵۸ - ابتدای دوره انتخابیه دو ساله از روزی است که مجلس شورای ملی افتتاح می شود.

ماده ۵۹ - پس از انقضای مدت دو سال باید نمایندگان مجددا انتخاب شوند و مردم مختارند هر يك از يك منتخبین سابق را که بخواهند دوباره انتخاب نمایند

ماده ۶۰ - مقرری اعضای مجلس شورای ملی موقوف به تشخیص و تصویب مجلس است

ماده ۶۱ - مخارج مسافرت انتخاب شدگان درجه اول و دوم را ذهابا و ایابا حکومت هر محل با اطلاع انجمن نظارت از قرار فرسخی پنج قران ادا خواهد کرد بعلاوه پنج تومان مخارج توقف پنج روزه دومرگز حوزه

ماده ۶۲ - هر گاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی استعفا یا فوت نماید بیش از سه ماه بانقضای دوره باقی باشد مجلس شورای ملی يك نفر بجای او با اکثریت تام انتخاب خواهد کرد

ماده ۶۳ - در طهران ده روز بعد از توشیح این نظامنامه بدستخط همایونی و در ولایات پنج روز بعد از وصول نظامنامه انجمن نظارت تشکیل یافته شروع با انتخابات خواهد کرد

حوزه انتخابیه	مرکز حوزه	عده نمایندگان	عده منتخبین درجه اول	محل انتخاب درجه اول	عده انتخاب شوندگان درجه اول در هر محل	
طهران و توابع	طهران	۱۵	۴۵	محل دولت	انجمن نظارت تعیین	
				محل سنگلج و شهر نو		
				محل عودلاجان		
				محل چال میدان		
				محل بازار		
				شهر تبریز		
				ارومیه		
				خوی		
				دبلمقان		
				ماکو		
تبریز	تبریز	۱۹	۵۷	میان دواب	تعیین	
				ساجبلاغ		
				دهخوارقان		
				هرند		
				اهر		
				اردبیل		
				مشکین		
				آستارا		
				خالخال		
				سراب		
میانج						
صاین قلعه						
شاهسون	آذربایجان	۱	تعیین	وزارت داخله	تعیین	
				تعیین	وزارت داخله	تعیین
				تعیین	وزارت داخله	تعیین

حوزه انتخابیه	مرکز حوزه	عده نمایندگان	عده منتخبین	محل انتخاب	درجه اول	درجه اول در هر محل	عده انتخاب شوندگان
شیراز	مشهد مقدس	۱۱	۳۳	شهر مشهد	۱۲	۱	۱۲
				قوچان	۳	۱	۳
				بجفورد	۲	۱	۲
				در جز	۱	۱	۱
				جام و باخرز	۱	۱	۱
				نیشابور	۳	۱	۳
				سبزوار	۴	۱	۴
				خاف	۱	۱	۱
				ترشیز	۱	۱	۱
				تربت حیدری	۳	۱	۳
تون	۱	۱	۱				
طیس	۱	۱	۱				
سیستان و قایانات	بیرجند	۱	۳	نصرت آباد سیستان	۱	۱	۱
				بیرجند	۲	۱	۲
زرت	شیراز	۸	۲۴	شهر شیراز	۱۰	۱	۱۰
				کازرون	۲	۱	۲
				بهبهان	۳	۱	۳
				نیریز	۱	۱	۱
				آباده	۱	۱	۱
				لار	۳	۱	۳
				فسا	۱	۱	۱
				چهرم	۱	۱	۱
کله دار	۱	۱	۱				
دارابگرد	۱	۱	۱				
قشقای	بتمین	۱	به تعیین وزارت	به تعیین وزارت	به تعیین وزارت	به تعیین وزارت	۱
ایلات خمس	وزارت داخله	۱	داخله ایضا	ایضا	ایضا	ایضا	۱

حوزه انتخابیه	مرکز حوزه	عده نمایندگان	عده منتخبین	محل انتخاب	درجه اول	درجه اول در هر محل	عده انتخاب شوندگان
بندر و جزایر	بوشهر	۲	۶	بوشهر	۳	۱	۳
				بrazجان دشتی و دشتان	۱	۱	۱
				بندر عباس	۱	۱	۱
				بندر خمیر و جزایر	۱	۱	۱
کرمان	کرمان	۵	۱۵	شهر کرمان	۸	۱	۸
				رفسنجان	۲	۱	۲
				سعید آباد سیرجان	۲	۱	۲
				خبیص	۱	۱	۱
				راور	۱	۱	۱
				زرنند	۱	۱	۱
				اقطاع و افشار	۱	۱	۱
باوجستان بم و نرماشیر	بم	۱	۳	بم	۲	۱	۲
				باوجستان	۱	۱	۱
استرآباد	استرآباد	۱	۳	شهر استرآباد	۳	۱	۳
ترکمان	به تعیین وزارت داخله	۱	به تعیین وزارت داخله	به تعیین وزارت داخله	به تعیین وزارت داخله	به تعیین وزارت داخله	۱
اصفهان	شهر اصفهان	۳	۹	شهر اصفهان	۵	۱	۵
				قمش	۱	۱	۱
				نجف آباد	۱	۱	۱
				قهیا به	۱	۱	۱
اردستان	۱	۱	۱				
بختیاری	به تعیین وزارت داخله	۱	به تعیین وزارت داخله	به تعیین وزارت داخله	به تعیین وزارت داخله	به تعیین وزارت داخله	۱

حوزه انتخابیه	مرکز حوزه	عده نمایندگان	عده منتخبین	محل انتخاب	عده انتخاب شوندگان
بروجرد	بروجرد	۲	۶	بروجرد	۶
خمسه و طارم	زنجان	۲	۶	زنجان ابهر طارم	۴ ۱ ۱
ساوه و زرتند	ساوه	۱	۳	ساوه زرتند	۲ ۱
سمنان و دامغان	سمنان	۱	۳	سمنان دامغان	۲ ۱
شاهرود و بسطام	شاهرود	۱	۳	شاهرود بسطام	۲ ۱
سازان	سازان	۲	۶	سازان	۴ ۱ ۱
سبزستان	شوشتر	۳	۹	شوشتر دزفول محمره و عتایر بندر ناصری	۲ ۳ ۳ ۱
فیروز کوه و دماوند	دماوند	۱	۳	فیروز کوه دماوند	۱ ۲
قزوین	قزوین	۲	۶	قزوین طارم سفلی خرقان طالقان	۳ ۱ ۱ ۱
قم	قم	۱	۳	شهر قم	۳

حوزه انتخابیه	مرکز حوزه	عده نمایندگان	عده منتخبین	محل انتخاب	عده انتخاب شوندگان
کاشان نظنز	کاشان	۲	۶	کاشان	۴ ۱
کاشان نظنز	کاشان	۲	۶	کاشان جوشقان نظنز	۱ ۱ ۱
کردستان	سنندج	۳	۹	سنندج سقز بانه اورامان مریوان	۴ ۲ ۱ ۱ ۱
کرمانشاهان	کرمانشاهان	۳	۹	کرمانشاه سقز کنگاور	۶ ۲ ۱
گروس	بیجار	۱	۳	بیجار	۳
کلیا بکان خوانسار کمره محلات	کلیا بکان	۲	۶	کلیا بکان خوانسار کمره محلات و سایر البلوک	۲ ۱ ۱ ۲
گیلان و طالش	رشت	۵	۱۵	رشت انزلی لاهیجان رودبار و دیلمان لنگرود فومن گرگانرود طالش و دلاب	۶ ۲ ۲ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱

حوزه انتخابیه	مرکز حوزه	عده نمایندگان	عده منتخبین درجه اول	محل انتخاب درجه اول	عده انتخاب شوندگان درجه اول در هر محل
لرستان	خرم آباد	۲	۶	خرم آباد	۴
				پشت کوه	۲
مازندران و تنکابن سوادکوه	ساری	۴	۱۲	ساری	۲
				بارفروش	۳
				آمل	۱
				تنکابن	۲
				سوادکوه	۱
				اشرف	۱
ملایر نهاوند تویسرکان	دولت آباد	۲	۶	مشهد سر	۱
				بلده نور	۱
				دولت آباد	۳
همدان اسدآباد	همدان	۲	۶	نهاوند	۲
				تویسرکان	۱
				همدان	۵
یزد و نون	یزد	۳	۹	اسدآباد	۱
				یزد	۴
				نائین	۲
				شهر بابک	۱
محل متنوع		۱		اردکان	۱
				عقدا	۱
ارامنه		۱			
کلدانی		۱			
زردشتی		۱			
کلیعی		۱			

نظامنامه داخلی دارالشورای ملی ایران

مصوب ۲۹ شعبان المعظم ۱۳۲۴ قمری

فصل اول

در تعیین رئیس و نایبان رئیس و منشیان و تکالیف آنها

۱ - پس از افتتاح مجلس در اجلاس اول باید مطابق ماده ۲۲ و ۳۳ نظامنامه انتخابات تعیین رئیس و دو نایب رئیس و چهار منشی از منتخبین با کثرت آراء بشود رئیس با کثرت نام سایر با کثرت آراء و در موقع انتخاب رئیس و نایبان و منشیان باید اقله ربع از اعضاء مجلس حضور داشته باشند.

تکالیف رئیس

۲ - افتتاح و اختتام اجلاس با رئیس است و قرار گرفتن با برخواستن رئیس از جای خود علامت افتتاح و اختتام مجلس است قبل از اجتماع عده لازم از اعضاء برای شروع بمذاکرات رئیس مجلس را افتتاح نمی کند همچنین تعیین روز و ساعت اجلاس مقرر یا فوق العاده بمعهده رئیس است

۳ - تعیین مستخدمین مجلس از قبیل نویسندگان و پیشخدمت و سرایدار و اجزاء نظمی و غیره مقرر داشتن تکالیف این اجزاء بمعهده رئیس است

۴ - پس از آنکه مجالس در موضوع معینی بقدر کفایت مذاکره کردند رئیس امر بتحصیل آراء می نماید و نتیجه عمل را بمجالس اعلان میکند

۵ - رئیس همیشه مراقب حفظ نظم در مذاکرات است و هر وقت خلاف نظم ظاهر شود قوانین نظمی مجلس را به مجالس تذکار مینماید

۶ - هر يك از اجزاء مجلس از قوانین نظمی مجلس منحرف شود و بتذکار رئیس متنبه نشود رئیس تقصیر او را بمجالس اظهار میکند و حدی که موافق فصل سیم در باره او مقرر است اجرا مینماید

* قانون فوق پس از تصویب نظامنامه داخلی مصوب ۱۳۲۸ قمری منسوخ شده است

۷ - رئیس مجلس داخل گفتگو نمیشود و سخنی آغاز نمیکند مگر درهوقعی که مجالسین نسبت بیکدیگر بی احترامی و خشونت کنند یا وقتی که چیزی از او پرسند در صورت اول باید مجالسین را متذکر کند که مانع حفظ قانون باشند در صورت دوم باید جواب سائل را بیان کند

۸ - هرگاه رئیس بخواهد در مباحثه مطلبی دخالت کند باید جای خود را بنایب رئیس سپرده خود در جای منکام قرار گرفته و آنچه صلاح داند مذاکره کند

۹ - اگر بواسطه نزاع و مشاجره اعضا امر مذاکرات معوق شود رئیس میتواند موقتاً با مذاذعه رفع غائله اجلاس را تعطیل کند

۱۰ - رئیس میتواند بهر يك از اعضا مجلس بقدر يك هفته برای رفع حوائج شخصی آن شخص مرخصی بدهد

۱۱ - رئیس مجلس درهر انجمن تحقیقی که از اعضا مجلس تشکیل یافته باشد می تواند داخل شود و در مذاکرات آن انجمن شرکت نماید

۱۲ - رسیدگی بصورت مجلس که منشیان در هر اجلاسی مینویسند بهعهده رئیس است همچنین تعیین و تحدید مکتوبات تفه نویسان برای اشاعه و طبع در روزنامجات

۱۳ - شخص رئیس تابع مجلس است در عین اینکه سمت ریاست دارد

۱۴ - نماینده مجلس نسبت بخارج منحصر بشخص رئیس است و هر وقت هیئت مجلس بخارج مجلس متلابوزراء دولت مطلبی داشته باشد بتوسط رئیس فقط ابلاغ و تحویل جواب میشود همچنین بالعکس

۱۵ - رئیس مجلس می تواند برحسب لزوم شخصاً یا بخواهش ده نفر از اعضا مجلس یاوزیری اجلاسی محرمانه بدون حضور روزنامه نویس و تماشاچی یا انجمنی محرمانه مرکب از عدده منتخبی از اعضا مجلس تشکیل بدهد که سایر اعضا مجلس حق حضور در آن نداشته باشند لیکن نتیجه مذاکرات انجمن محرمانه وقتی مجری تواند شد که در اجلاس محرمانه با حضور عدده کافی از اعضا مطرح مذاکره شده با کثرت آراء قبول شود و اگر مطلب در مذاکرات انجمن محرمانه قبول نشد در مجلس عنوان نخواهد شد و مسکوت عنه خواهد بود

۱۶ - در اول هر دوره اجلاسیه رئیس بودجه مخارج و مصارف آن دوره را تعیین کرده در مجلس قرائت میشود بعد از آنکه در مجلس با کثرت آراء قبول شد يك نفر وکیل خرج از اعضا مجلس منتخب میشود که با نظارت انجمنی از مجلس مباشر مخارج باشد

تکالیف نایبان رئیس

۱۷ - بطور کلی تمام تکالیف رئیس در موقع غیبت رئیس بر نایبان رئیس وارد است

تکالیف منشیان و دفتر دار

۱۸ - نوشتن صورت مجلس برای هر اجلاس بطمیع رساندن مذاکرات در اجلاسات برای

نظیر مهمت

بند دوم

مصوبات دوره اول قانون گذاری

ردیف	عنوان	صفحه	
		از	تا
۱	نظام نامه داخلی دارالشورای ملی ایران	۵۳	۶۳
۲	قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی	۶۴	۸۴
۳	قانون بلدیة	۸۵	۹۷
۴	قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستور العمل حکام	۹۸	۲۲۵
۵	قانون مطبوعات	۲۲۶	۲۳۸
۶	قانون وظایف	۲۳۹	۲۴۰

تقسیم باعضای مجلس و رسیدگی بتحریرات تند نویسان و مقابله آنها با صورتها یکیه روز نامه نویسان بر میدارند بعهده منشیان مجلس است

۱۹ - هر روز در حین افتتاح هر اجلاس منشی اصول مطالبی را که روز قبل در مجلس طرح شده برای مجلسیان قرائت می کند که نتیجه مجلس سابق را در نظر داشته باشند

۲۰ - بعد از اجتماع مجلسیان باید حضار مجلس را با فهرستی که در دفتر ثبت است تطبیق کرده عده حاضرین و غائبین را تشخیص بدهند همچنین تعیین عده حاضرین از اعضاء قبل از شروع بمذاکرات یا رأی خواستن بعهده منشیان است

۲۱ - قرائت کلیه مکتوباتی که در مجلس باید خوانده شود با منشیان است مگر آنکه آن مکتوب راجع بیکي از اعضاء مجلس باشد و خودش بخواند قرائت کند

۲۲ - وقتی که منشی مطالبی را در مجلس قرائت میکند اگر مجلسیان بتجدید قرائت امر کردند باید دفته زانی و ثالث بخواند تا وقتی که از اعاده ذکر آن مستثنی شوند

۲۳ - هر يك از منشیان مادام که مشغول کار است حق دخالت در مباحثات ندارد مگر اینکه کار خود را به منشی دیگر واگذار کرده خود داخل در مباحثات شود

۲۴ - در موقع تعیین اکثریت شمردن آراء بعهده منشیان است

۲۵ - مکتوباتی که از طرف مجلس نوشته میشوند اعم از سؤال با جواب باید یکی از منشیان مسوده کرده پس از تصویب مجلس و امضای رئیس بدفتر بفرستند که آنها را يك نویسنده کرده باعضای رئیس برسانند و اصل را با اسناد راجعه بان ثبت و ضبط نمایند

۲۶ - بکنفر دفتر دار از اعضاء مجلس منتخب میشود که متصدی ضبط اسناد و ترتیب دفتر باشد و نوشتجات و ثبت هائیکه منشیان باو میدهند بترتیب مخصوص ضبط کنند که در موقع لزوم مراجعه بانها سهل و آسان باشد

۲۷ - نوشتجات و دفاتری که مربوط بمجلس است دفتر دار حق ارائه آن را باجادی ندارد مگر با اجازه تمام یا اکثر افراد مجلسیان و همچنین اطلاعاتی که دفتر دار یا اجزاء دفتر خانه در ضمن خدمت تحصیل کرده اند نباید اشاعه و افشاء نمایند

۲۸ - ثبت اسامی اعضاء انجمنهای تحقیق با دستور العمل کار و تاریخ مأموریت آنها همیشه باید در دفتر حاضر باشد

۲۹ - برای تعیین تکالیف دفتر دار و اجزاء و مستخدمین دفتر خانه دستور العمل مخصوص نوشته خواهد شد و بتصویب اعضاء مجلس خواهد رسید

فصل دوم

در حدود سایر اعضاء مجلس

۳۰ - اعضاء مجلس باید در نهایت ادب و احترام با یکدیگر رفتار کنند و از حیث رعایت

ادب فرقی میان افراد اهل مجلس ملحوظ نیست

۳۱ - تواضع کردن و ادای بعضی رسومات که اسباب تفرقه حواس باشد در مجلس ممنوع است

۳۲ - هر يك از اعضا مجلس حق دارد موافق فصل پنجم مطلبی را عنوان کند و در رد و قبول هر امری که دیگری ابتدا کرده و در تحت مذاکره است رأی خود را اظهار کند

۳۳ - الکل و شراب و استعمال دخانیات در اطاق مجلس ممنوع است

۳۴ - باید هر يك از افراد مجلسیان مواظب باشد که تضییع حق دیگری را نکند مثلا اگر یکی از اجزاء مشغول نطق است به نجوی کردن یا قیل و قال کردن حواس او را متفرق نکند

۳۵ - اگر اتفاقاً دو نفر از مجلسیان مقارن یکدیگر اجازه نطق خواستند سبقت راستینان ولو بچند ثانیه حق تقدیم میدهد

۳۶ - اگر یکی از مجلسیان شکایت شخصی راجع به یکی از اعضای مجلس داشته باشد باید بمجلس اظهار کند و بعد از این که مدعی علیه جواب شخص شاکی را گفت هر دو از مجلس خارج شوند تا در غیاب آنها اهل مجلس در ماده شکایت رسیدگی کرده حکم مسئله را معلوم کند

۳۷ - هر يك از اعضا مجلس بر ترك یا خلاف فصلی از نظامنامه داخلی مطلع شود حق دارد برئیس اطلاع داده منع و اصلاح آنرا بخواهد

فصل سوم

در جنایات و مجازات اعضای مجلس

جنایات اعضا مجلس بچهار درجه تقسیم میشود

۳۸ - درجه اول از قبیل نجوی کردن و سرفه کردن بعد در موقع نطق یکی از اعضا و مجازات این درجه ملامت کردن و نصیحت کردن بر ترك این افعال است

۳۹ - درجه دوم مثل مخالفت قوانین نظمیه یا اعاده نجوی و قیل و قال یا وجود ملامت و نصیحت و مجازات این درجه بیرون رفتن از مجلس است بامر رئیس بقدر يك ساعت

۴۰ - درجه سوم حاضر نشدن در تکالیف مقررده است مثل این که یکی از اعضا در ده اجلاس متوالیه بدون عذر صحیح از حاضر شدن مجلس تقاعد کند در این صورت مجلس باون تکلیف خواهد کرد که از عضویت استعفاء کند اگر بعد از تکرار تکالیف استعفاء ناسه مرتبه استعفاء نکند از عضویت خلع میشود و عضو دیگر بجای او انتخاب میشود و این عضو از وکلای هر طبقه و

ایالتی باشد در صورت اقتضای فرصت باید همان طبقه و ابالت بدل او را تعیین کنند و قبل از تعیین هیئت مجلس از او وکالت خواهد کرد

۴۱ - درجه چهارم خیانت کردن بهیئت مجلس از قبیل رشوه گرفتن یا افشای سر مجلس یا سعی در تخریب اساس و اخلال در پیشرفت کار مجلس است بفرض و جزای این درجه بعد از بموت خیانت اخراج از عضویت مجلس و فرستادن به محکمه عدلیه و تعاقب در مجازات خائن است

فصل چهارم

در طریقه رسیدگی بمطالب

۴۲ - مطالبی که از طرف دولت بمجلس میرسد بکلمه (اظهار) تعبیر می شود و مطالبی که از طرف اعضا مجلس باشد بکلمه (عنوان) و آنچه سایر مردم بفرستند بکلمه (عریضه)

۴۳ - هر گاه عریضه بمجلس برسد و بیشتر از سه ربه اعضا مجلس مذاکره آنرا بیافایده بدانند برئیس اظهار میدارد که مطالب قابل مذاکره نیست

۴۴ - هر گاه مطالبی باشد که فهم آن موقوف بفهم مطالب دیگر باشد اول مطلب موقوف علیه را مذاکره کرده بعد بمطلب اول میردازند

۴۵ - اگر مطالب پیچیده و درهم و متوقف بر مطالب متعدده دیگر باشد مجلسیان مختارند که خودشان اطراف و حواشی مسئله را تنقیح کرده در مجلس مذاکره نمایند یا انجمن تحقیق مخصوص برای رسیدگی بان تشکیل کنند

فصل پنجم

در طریقه تقدیم بمجلس

۴۶ - اگر کسی از مجلسیان چیزی راجع بنفع و مصلحت عموم بنظرش رسیده بعد از آنکه در لایحه نوشته و خواست بمجلسیان عرضه دارد باید از رئیس اجازه بخواهد بعد از تحصیل اجازه میتواند شخصا بمحلی که برای نطق و تکلم معین شده برود و لایحه مرقومه را قرائت نماید یا لایحه را بدهد که یکی از منشیان بخواند اگر یا نکرده نفر از اعضا مجلس با عنوان او همراه شدند یعنی مشاوره آن عنوان را تصویب کردند مطالب او در مجلس قبول میشود و در تحت مشاوره در میاید

۴۷ - بعد از قبول مطلبی مجلس مختار است در همان ساعت در آن ماده مذاکره کند یا محول بوقت دیگر بگذارد

۴۸ - سایر مردم نیز می توانند در صلاح بینی یا شکایات مطالب خود را مکتوباً با اعضاء و نشانه منزل بمجلس بفرستند که درانجمن عرایض رسیدگی شده آنچه تکلیف مجلس است رفتار شود

فصل ششم

در طریقه تشکیل انجمنهای تحقیق و سپردن مطالب بانها

۴۹ - مقصود از انجمن تحقیق هیئتی است که اعضاء مجلس برای رسیدگی مطالب بخصوص از میان خود انتخاب میکنند و آن بر حسب ضرورت و لزوم موقتی یا دائمی خواهد بود

۵۰ - در موقع تشکیل انجمن اول باید تعیین کنند که برای انجام کاری که موضوع تحقیق است چند نفر اجزاء لازم است و بعد از تعیین عده اجزاء شروع با انتخاب کنند و طریقه انتخاب آنست که رئیس اسامی اشخاصی را که برای عضویت انجمن صلاحیت دارند معین کرده بمجاسیان اظهار میکنند اگر قبول کردند همان اشخاص اعضاء انجمن خواهند بود والا هر کدام مقبول مجلسیان نباشد بحکم اکثریت تبدیل میشود

۵۱ - هر يك از انجمنهای تحقیق يك نفر رئیس و يك نفر منشی و يك راپورت دهنده مابین اعضاء خود انتخاب خواهند کرد

۵۲ - تکلیف اعضاء این انجمن آنست مطالبی که بانها رجوع شود اول بطور صحت تنقیح کرده بعد بدقت تمام مذاکره کنند بعد از فهم مطالب نتیجه تحقیقات را راپورت کرده در موقعی که مجلس معین میکند به مجلس عرضه دارند

۵۳ - اگر انجمن تحقیق برای مذاکره در امری است که یکی از اعضاء عنوان کرده باشد در این صورت باید آن عضو یکی از اعضاء انجمن باشد و اگر انجمن راجع بمطالبی است که از طرف وزیر یا اظهار شده آن وزیر میتواند در آن انجمن حضور داشته باشد و در مذاکرات شرکت نماید

۵۴ - بعد از انتخاب اعضاء انجمن باید منشی اسامی آنها را ثبت کند و صورت اسامی اعضا را با دستور العمل و ترتیبی که مجلسیان برای انجمن مقرر کرده اند نوشته بعد از امضای رئیس بر رئیس انجمن تحقیق بدهد

۵۵ - تکلیف انتظامات داخلی اعضاء انجمن تحقیق در حکم انتظامات مجلس شورای ملی است

۵۶ - اگر اعضاء انجمن تحقیق از دستور العمل مجلس منحرف شوند و برخلاف مأموریت مقرر رفتار کنند اعمال آنها از درجه اعتبار ساقط است

۵۷ - اعضاء انجمن تحقیق در باب حدود و تنبیهات و شکایات باید بمجلس شورای ملی رجوع کنند

۵۸ - راپورت دهنده انجمن بعد از ختم عمل نتیجه تحقیقات و خلاصه رأی انجمن را بمجاسیان اظهار میکند با تفصیلاً راپورتی را که حاضر کرده است قرائت میکند و نوشتجات راجع بمطلب را یا راپورت انجمن بر رئیس مجلس تسلیم میکند تا باز تفصیلاً در موقع بسم مجلسیان برسد و معلوم شود رأی انجمن در مجلس نیز قبول شده یا نه در صورت عدم قبول خود مجلس در آن خصوص استیناف میکند یا انجمن دیگر انتخاب مینماید

فصل هفتم

در انجمن تحقیق عرایض

۵۹ - چون عده عرایض بمجلس از طرف مردم غالباً زیاد خواهد بود لهذا برای رسیدگی بعرایض يك انجمن تحقیق عرایض بر قرار میشود این انجمن عرایضی را که لیاقت مذاکره در مجلس داشته باشند عیناً بمجلس اظهار میدارد و از سایر عرایض هفته يك مرتبه فهرستی ترتیب داده با اشاره بخلاصه آنها بعرض مجلس خواهد رسانید

فصل هشتم

در تصحیح و تجزیه مطالبی که بمجلس داده میشود

۶۰ - اگر اصل مطلبی که بمجلس وارد می شود ناطق بر بعضی جزئیات نباشد اعضاء مجلس می توانند جزئیات مطلب را معین کرده تحت مشاوره در آورند

۶۱ - مطالبی که بمجلس داده می شود تکلیف اعضاء مجلس یا تکلیف اعضاء انجمنهای تحقیق این است که اگر در عبارات و طریقه ادای آن یا در شرح جزئیات عیب و نقصی باشد تصحیح کرده بمبارت واضح و روشن تعبیر کنند بعد از تصحیح اگر جزئیات وقوع زیاد داشته باشد باید آنرا با جزئیاتی که مطلب از آنها ترکیب شده تجزیه کرده در هر يك علیحده گفتگو کنند مثل آنکه شخصی مطلبی داده است که فلان مالیات باید از فلان محل گرفته شود و فلان مصرف برسد يك جزء مطلب گرفتن مالیات است از این محل و جزء دیگر مصرفی است که همین شده پس باید مطلب را با این دو جزء تجزیه کرده در هر يك علیحده مذاکرات کنند و رأی مجلس یا انجمن را در هر کدام تعیین نمایند

۶۲ - یکی از شرایط تصحیح مطالب این است بعد از فراغت از تصحیح سه مرتبه در مجلس خوانده شود اول بمبارانی که صاحب مطلب داده است بدون کم و زیاد دوم بمضمیمه آنچه

کم و زیاد دوم یا ضمیمه آنچه کم و زیاد کرده اند سوم بعد از تصحیح نام و علت سه دوره قرائت این است که معلوم شود تفاوت مطالب تصحیح شده و کم و زیاد آن با اصل مطالب چیست

فصل نهم

در ترتیب مذاکره مطالب

۶۳ - هنگامی که مطلب در تحت مذاکره است دیگری نباید مطلب جدیدی در آن داخل کند تا مذاکره آن مطلب تمام بشود مگر آنکه مطلب ثانیه مقدمه مطلب اول باشد و مجلسیان بیان محتاج باشند

۶۴ - مطالبی که بمجلس میرسد هر کدام مهم تر است مذاکره و انجام آن باید مقدم باشد

۶۵ - وقتیکه مطلب بمجلس رسید و رئیس مذاکره آنرا بروزی معین توقیت کرد باید این مطلب در فهرست آنروز ثبت شود تا در آن روز و در ساعتی که معین کرده اند در آن مذاکره شود اتفاقاً اگر مجلسیان در آن ساعت بمطلب دیگر متغول شدند هر کس از اعضاء مجلس ملتفت شد حق دارد اظهار کند که موقع مذاکره فلان مطلب رسیده است و باید آنرا مقدم داشت

۶۶ - اگر مطلب مهمی پیش آید که انعقاد مجلس برای مذاکره آن لازم باشد و تا موعد انعقاد مجلس معمول فاصله باشد باید رئیس اعلان کند که در فلان وقت و فلان ساعت انعقاد مجلس فوق العاده برای فلان مطلب لازم است و مجلسیان باید در همان روز وساعت معین حاضر شوند بعد از حضور و مذاکره اگر باز انعقاد مجلس دیگر احتیاج افتاد هر یک از مجلسیان می توانند ضرورت مجلس فوق العاده دیگر را اظهار کنند و رئیس وقت وساعت آنرا معین نماید تا وقتی که مذاکره آن مطلب ختم و اعاده مجلس فوق العاده ضرور نباشد

۶۷ - مطالب دولتی و مطالب اساسی باید سه مرتبه در مجلس قرائت و مطرح مذاکرات شود

۶۸ - ترتیب قرائت سه گانه این است که پس از قرائت اول در اصول مسئله مذاکره کنند و معلوم شود که رجوع بانجمن تحقیق لازم است یا نیست از قرائت اول تا قرائت ثانیه باید اقل دو روز فاصله باشد و اگر مطلب راجع بانجمن تحقیق شود باید از روزی که مجلس انجمن تحقیق با اعضاء تقسیم میشود تا روز قرائت ثانیه سه روز بگذرد

۶۹ - پس از قرائت ثانیه اصلاحاتی که بنظر اعضاء مجلس میرسد باید بترتیب مقرر اظهار نمایند و بدلائل لازمه استدلال کنند پس از انجام مذاکرات نتیجه آنها را که یکی از منشیان نوشته است بانضمام صورت اصل مطلب در نوبت ثالث قرائت نموده آراء اهل مجلس معین شود یقین است اگر در قرائت ثانیه مجلس مطلب را رد کند قرائت ثالث واقع نخواهد شد

۷۰ - پس از انجام مذاکرات در قرائت ثانیه و تقسیم صورت مجلس با اعضاء تا قرائت ثالث باید اقل دو روز فاصله باشد بعد از قرائت ثالث اصلاحی که يك بنا چند نفر اظهار نمایند مطرح مذاکره نمیشود مگر آنکه یا زده نفر متفقاً آن اصلاح را بخواهند و نتیجه قرائت ثالث رد یا قبول خواهد بود

۷۱ - مطالبی که در يك دوره اجلاسیه قرائت نشده باشد تا پس از قرائت ناتمام مانده باشد در دوره دیگر مطرح مذاکره نمیشود مگر اینکه مجدداً اظهار شود

۷۲ - برای تحصیل آراء باید مطالبی که مطرح مذاکرات بوده قبل از رأی خواستن جهت تذکار حاضرین در اطاق خوانده شود

فصل دهم

بعضی قوانین در مباحثه و مذاکره مطالب

۷۳ - در صورتیکه دو نالت از اعضاء مجلس حضور داشته باشند شروع بمذاکرات و در صورتیکه سه ربع حاضر باشند اقدام بشصیل آراء میشود اگر عده حاضرین از سه ربع کمتر باشد تحصیل آراء نمیشود

۷۴ - حق نطق با کسی است که پس از عنوان مطالبی اول خواهش نطق کند و بعد بترتیب اظهار

۷۵ - هر يك از مجلسیان که مستعد برای نطق هستند در اول امر بترتیب یکمرتبه حق نطق ندارند ولی بعد از آنکه سایر اعضاء مجلس هر کدام یکمرتبه نطق کردند یا از سکوت آنها معلوم شد که نطقی در آن موضوع معین ندارند و مطلب هم مجمل ماند آنوقت ناطق اول می تواند با اجازه رئیس ثانیا نطق کند تا وقتیکه مطلب تعیین و تشریح شود

۷۶ - اگر یکی از مجلسیان که نوبت نطق اوست نطق کرد ولی مجلسیان نطق او را ملتفت نشدند می تواند از رئیس اجازه بخواهد که نطق خود را تجدید نماید

۷۷ - در موقعی که مباحثه مطالبی در مجلس طول کشید و رأی مجلسیان معلوم نشد هر يك از آنها میتوانند برخاسته و اظهار دارند که مذاکره این مطلب طول کشیده باید رئیس اکثریت آراء را معین کند در این موقع اگر یا زده نفر از مجلسیان شخص متکلم را تقویت کردند رئیس باید فوراً بمجلس اعلان بدهد و در صدد کسب اکثریت بر آید

فصل یازدهم

در طریقہ بدست آوردن اکثریت آراء

۷۸ - برای تعیین اکثریت آراء پس از اعلان رئیس بهر يك از اعضاء دو قطعه مقوا

داده میشود که یکی از آنها سفید و دیگری کیبود خواهد بود و اسم گیرنده روی آنها چاپ است مقوای سفید نشانه قبول و کیبود نشانه رد مطلب است هر يك ازاعضاء باید رأی خودش را بانداختن یکی از دو قطعه مقوا در ظرفی که نزد او میبرند ظاهر سازد پس از تحویل آراء تمام اعضاء آن ظرف را در حضور حاضرین خالی میکنند و یکی از منشیان مقوای سفید را جدا و مقوای کیبود را جدا بصورت بلند شماره مینماید و رئیس مجلس حاصل شماره را اعلام میکند

۷۹ - رئیس و منشیان باید رأی خود را بعد از آراء سایرین و قبل از شماره آراء بترتیب فوق اظهار نمایند

۸۰ - هر گاه در موقع بدست آوردن اکثریت آراء يك یا چند نفر که عده آنها بیش از ربع عده اعضاء مجلس نباشد حاضر نبوده حق ندارند رأی مجلس را قبول نکنند

فصل دوازدهم

در توضیح خواستن از ادارات

۸۱ - سؤالات مکتوبی که از طرف مجلس از وزراء میشود باید در ماده معین باشد و یازده نفر از اعضاء مجلس آن را امضا نموده بر رئیس بدهند که سواد آنرا بهر مجلس بمقام صدارت تبلیغ نموده اصل را بدفتر خانه مجلس بسیار در موقعیکه رئیس این سؤالات را بمقام صدارت یا وزراء تبلیغ میکند باید روزی را تعیین کند که صدر اعظم یا وزیري که مطلب راجع باوست یا معاون آنها برای جواب دادن در مجلس حاضر شود

۸۲ - روز موعود اول کسیکه توضیح خواسته و منشاء سؤال بوده مطلب را اظهار و موجه میدارد تا وزیر یا معاونی که حاضر است جواب بگوید

فصل سیزدهم

در انشاء عرایض بحضور مبارک

۸۳ - برای انشاء عرایض بحضور مبارک همایونی انجمنی مرکب از دوازده نفر از اعضاء مجلس تشکیل میشود که هر دو نفر از آنها از طبقه باشند این انجمن بریاست رئیس مجلس عربیه را نوشته پس از قرائت در مجلس بتوسط هیئتی که مرکب است از رئیس مجلس و شش نفر دیگر که طبقات شش گانه انتخاب کنند بعرض میرسد

فصل چهاردهم

در رسیدگی بشکایات راجعه بانتخابات

۸۴ - چنانکه در نظامنامه انتخابات مقرر است شکایات در انتخابات را باید بالاخره راجع بمجلس شورای ملی نمایند و برای رسیدگی باین شکایات باید انجمن تحقیقی تشکیل شود که بمواد شکایات رسیدگی نماید

۸۵ - شکایات راجعه بانتخابات را در هر مجلسی باید در ظرف ده روز پس از انجام انتخابات به پست خانه آن محل داده باشند و الا طرف ملاحظه نخواهد بود

۸۶ - انجمن تحقیقات شکایاتی را که بموقع بمجلس ارسال شده باشد رسیدگی مینماید و صور مجلس انجمن را بمجلس عرضه میدارد و اگر منتخبی برخلاف نظامنامه انتخاب شده باشد باید آن انتخاب اعاده شود ولی تا روزیکه در این خصوص حکم مجلس صادر نشده آن منتخب از اعضاء مجلس محسوب است و حق رأی دادن دارد

فصل پانزدهم

در تکالیف تماشاچی

۸۷ - عموم مردم میتوانند با داشتن بلیط برای استماع مذاکرات در اجلاسات علنی داخل مجلس شورای ملی بشوند و در جائی که برای تماشاچی مقرر است بنشینند

۸۸ - تماشا چیان بهیچوجه حق شرکت در مذاکرات مجلس ندارند و باید در کمال آرامی نشسته فقط مستمع باشند

۸۹ - تماشاچیان باید در ورود بمجلس خود را مکلف باطاعت قوانین نظامیه مجلس دانسته در صورت تخلف از آنها از هر گونه اقدامات سخت نرنجند

خاتمه

۹۰ - هر يك از این قوانین و نظامات که بحکم تجربه واقضای وقت جالب نسخ و تغییر باشد اعضاء مجلس بحکم اکثریت میتوانند آنرا بقانون دیگر که مناسب با حال مجلس باشد تبدیل کنند و همچنین فصول جدیدی که طرف احتیاج بشوند بر این نظامنامه اضافه خواهد شد

قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی

مصوب ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری

فصل اول - در تشکیل انجمنهای ایالتی

- ۱ - ایالت قسمتی از مملکت است که دارای حکومت مرکزی و ولایات حاکم نشین جزواست .
- ۲ - در مرکز هر ایالتی انجمنی موسوم به انجمن ایالتی به تفصیل ذیل تشکیل می شود .
- ۳ - اعضای انجمن ایالتی مرکب میشود از منتخبین کرسی ایالت و توابع آن و مبعوثینی که از انجمنهای ولایتی فرستاده میشوند .
- ۴ - عده منتخبین کرسیهای ایالت دوازده نفر خواهد بود و عده مبعوثینی که از ولایات جزو بکرسی ایالت فرستاده میشوند موافق عده ولایات حاکم نشین جزو خواهد بود باین معنی که هر یک از انجمنهای ولایتی فقط یک نفر از میان خودشان با کثرت آراء با اطلاع حکومت انتخاب نموده با اعتبار نامه بامضای انجمن ولایتی به انجمن ایالتی میفرستند .
- ۵ - ایالتی که در قلمرو ایالتی سکونت دارند می توانند یک نفر منتخب بانجمن ایالتی بفرستند .

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در شهرها

- ۶ - انتخاب کنندگان اعضاء انجمنهای ایالتی در شهرها باید دارای شرایط ذیل باشند اولاً تابعیت ایرانیه ثانیاً اکمال بیست و یکسال افلاً ثالثاً داشتن ملک یا خانه در آن ایالت یادادن مالیات مستقیم
 - ۷ - اشخاص ذیل حق انتخاب ندارند اولاً اشخاصیکه بواسطه جنحه یا جنایتی مجازات قانونی دیده اند ثانیاً اشخاصی که معروف بفساد عقیده و بارتکاب قتل یا سرقت باشند ثالثاً اشخاص ورشکسته بتقصیر رابعاً طایفه نسوان خامسا اشخاص خارج از رشد .
 - ۸ - اشخاص ذیل از شرکت در انتخابات بشرط ممنوعند اولاً حکام و معاونین آنها در عمل حکومت ثانیاً عمال نظمیة شهری که در آن انتخابات بعمل می آید ثالثاً مأمورین نظامی بری و بحری داخل در نظام
 - ۹ - شرایط انتخاب شدن همان شرایط انتخاب کردن است بعلاوه باید انتخاب شدگان سواد فارسی کامل داشته باشند و سنشان کمتر از سی سال نباشد و داخل خدمت دولتی نباشند
 - ۱۰ - اشخاصیکه انتخاب میشوند باید قبل از وقت یا خودشان داوطلب انتخاب شدن باشند یا بتکلیف انتخاب کنندگان قبول انتخاب شدن را نموده باشند .
- ### ترتیب انتخاب اعضاء در شهرها
- ۱۱ - در هر شهری که انتخابات بعمل می آید انجمنی برای نظارت در انتخابات تشکیل می یابد که مرکب از شش نفر از معاریف انتخاب کنندگان شهر و در تحت نظارت حاکم یا نایب الحکومه یا معاون نشان خواهد بود .
 - ۱۲ - پس از تشکیل اعضاء انجمن از میان خودشان یک نفر رئیس و یک منشی

انتخاب خواهند نمود .

۱۳ - نظم مجلس و حفظ قوانین انتخاب با رئیس و نوشتن صورت مجلس بامنتی خواهد بود

۱۴ - انجمن نظار فقط مشغول امر انتخاب خواهد بود و بهیچوجه داخل در گفتگوی دیگری نخواهد شد .

۱۵ - انجمن نظار اعلانی مرتب نموده دوهفته قبل از روز انتخاب که جمعه خواهد بود در شهر اشاعه میدهد .

۱۶ - اعلان مذکور در ماده فوق مطالب ذیل را دارا خواهد بود

اول محل و ایام و اوقاتی که انجمن نظار خواهد بود برای دادن تعرفه باشخاصی که شرایط انتخاب کردن را دارا هستند دوم مواد شش گانه این قانون را سوم محل و روز ومدتی را که انجمن نظار حاضر خواهد بود برای گرفتن اوراق انتخاب از دارندگان تعرفه انتخاب چهارم عده اعضائیکه باید انتخاب شوند

۱۷ - محل اجتماع انجمن نظار حتی المقدور قسمی انتخاب خواهد شد که در مرکز شهر واقع باشد تا مردم بتوانند بسهولة آزادی ورود کرده تعرفه بگیرند . یا روز انتخاب رای بدهند مثل مساجد یا مدارس

۱۸ - تعرفه که با نمره و تاریخ بمهر اعضای انجمن نظار بانتخاب کنندگان داده میشود محتوی اسم خود و پدر و سن و شغل و منزل انتخاب کننده خواهد بود همچنین تعیین روز و محلی رامینماید که دارنده تعرفه باید حاضر شده رأی خود را بدهد .

۱۹ - انجمن نظار تمام تعرفه هائی را که می دهد بترتیب نمره در کتابچه ثبت خواهد نمود و روز انتخاب که فقط يك روز خواهد بود و بوسیله اعلان و تعرفه معین گردیده انجمن نظار از صبح تا شام در محلی که معین شده حاضر می شود .

۲۰ - روز انتخاب انجمن اقلا ده ساعت برای تحصیل آراء حاضر خواهد بود

ساعت افتتاح و اختتام مجلس انتخاب قبل از وقت اعلان خواهد شد

۲۱ - پس از انقضای وقتی که معین شده دیگر ورقه انتخاب از کسی قبول نخواهد شد .

۲۲ - دادن رأی باید مخفی باشد و از این جهت دارنده تعرفه باید قبل از دخول

بمجلس انتخاب مطابق عده ای که اعلان شده اسم يك یا چند نفر را که دارای شرایط انتخاب شدن باشند روی يك قطعه کاغذ سفید بی نشان نوشته تا کند و با خود داشته باشد .

۲۳ - پس از حضور اعضای انجمن و افتتاح مجلس انتخاب در ساعتی که

اعلان شده قبل از شروع بگرفتن اوراق انتخاب رئیس انجمن نظار جعبه که برای ضبط اوراق انتخاب است در حضور اعضای انجمن و حاضرین از انتخاب کنندگان باز نموده خالی بودن آنرا مینماید

۲۴ - دارندگان تعرفه برای ورود بمجلس انتخاب باید تعرفه و ورقه انتخاب خود را در دست داشته باشند

۲۵ - اشخاصیکه تعرفه ندارند حق دخول و مزاحمت را ندارند

۲۶ - هر يك از دارندگان تعرفه پس از ورود بمجلس انتخاب در کمال آرامی

تعرفه و ورقه انتخاب خود را بر رئیس خواهند داد

۲۷ - رئیس نمره تعرفه را بصوت بلند میگوید تا یکی از اعضای انجمن نمره

را در کتابچه ثبت تعرفه پیدا نموده نشان کند پس از نشان آن نمره رئیس

تعرفه را بصاحبش رد نموده ورقه انتخاب او را بدون نگاه کردن در جعبه ای انتخاب میاندازد

۲۸ - انتخاب کنندگان پس از دادن ورقه انتخاب و پس گرفتن تعرفه در صورت تنگی جای و اختلال نظم و ترتیب انتخاب و امر رئیس از مجلس انتخاب خارج خواهند شد

۲۹ - رئیس از حضور عده از انتخاب کنندگان در مجلس انتخاب مضایقه نخواهد نمود مگر اینکه موجب تنگی مکان و معطلی و بی نظمی امر انتخاب بشود در این صورت اطاعت امر رئیس لازم است

۳۰ - دخول در مجلس انتخاب با داشتن حریره ممنوع است
۳۱ - پس از انقضای وقت مجلس انتخاب یا نشان شدن تمام نمره ها در کتابچه ثبت تعرفه رئیس ختم انتخاب را بصوت بلند اعلان مینماید و پس از آن دیگر از کسی ورقه انتخاب قبول نمیشود

۳۲ - پس از اعلان ختم انتخاب رئیس جعبه انتخاب را در حضور اعضای انجمن نظار و حاضرین از انتخاب کنندگان خالی نموده امر باستخراج اسامی مینماید

۳۳ - کار اول تعیین عده اوراق انتخاب خواهد بود و نتیجه آن بتوسط منشی انجمن در صورت مجلس روز انتخاب ثبت میشود

۳۴ - پس از تعیین عده اوراق انتخاب یکی از اعضاء اسامی مرقومه روی اوراق را يك يك بصوت بلند میخواند و بیک نفر دیگر از اعضا میدهد

۳۵ - منشی مجلس باید اسامی که خوانده میشود در بالای صفحه کساغذی سیاه نموده هر چند دفعه که يك اسم مکرر میشود زیر آن برای شماره علامتی بگذارد

۳۶ - در صورتیکه روی اوراق انتخاب بیشتر یا کمتر از عده معینه در

اعلان اسامی نوشته باشند تقضی در امر انتخاب حاصل نخواهد شد در صورت اول آن عده اسمی که زیاد نوشته شده از آخر ورقه خوانده نخواهد شد

۳۷ - از اوراق آنچه سفید یا لایقره باشد یا آنکه صحیحاً معرفی انتخاب شده را نکند یا امضای انتخاب کننده را داشته باشد یا بیش از يك ورق باشد محسوب نخواهد بود ولی عیناً ضمیمه صورت مجلس میشود

۳۸ - بلافاصله پس از استخراج و شماره آراء رئیس نتیجه را بصوت بلند اعلان مینماید و اوراق انتخاب را پاره و باطل مینماید باستثنای آنها تیکه که در ماده فوق ذکر شد که ضمیمه صورت مجلس میشود

۳۹ - انتخاب شدگان اشخاصی خواهند بود که اکثریت نسبی آراء بطرف ایشان باشد

۴۰ - صورت مجلس انتخابات را منشی در دو نسخه تحریر نموده بامضای انجمن نظار میسراند يك نسخه بحاکم یا نایب الحکومه داده خواهد شد و نسخه دیگر با کتابچه ثبت تعرفه و اوراق مذکور در ماده ۳۸ در نزدیکی از اعضا که انجمن نظار معین کنند امانت مینماید که پس از تشکیل بانجمن ایالتی یا ولایتی تسلیم نماید

۴۱ - در صورت تساوی آراء منتخب بحکم قرعه معین میشود

۴۲ - در صورتیکه تجدید انتخاب لازم شود جمعه آینده خواهد بود

۴۳ - اگر از انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان کسی در حین انتخاب شکایت یا ایرادی در امر انتخاب داشته باشد مانع از انجام انتخاب نخواهد شد ولی شرح آن شکایت باید در صورت مجلس درج شود

۴۴ - شکایات و ایرادات راجعه بانخابات باید در ظرف يك هفته بعد از

ختم انتخابات بانجمن نظار اظهار شود تا انجمن رسیدگی نموده حکم خود را بدهد و نتیجه را ضمیمه صورت مجلس انتخاب نماید

۴۵ - متشکیان از انتخابات اگر از حکم انجمن نظار راضی نباشند می توانند پس از افتتاح انجمن ایالتی یا ولایتی شکایات خودشانرا در ظرف هفته اول تجدید نمایند و حکم انجمن ایالتی و ولایتی قطعی خواهد بود

۴۶ - حق اعتراض و ایراد بر انتخابات اشخاصی دارند که حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را داشته باشند

۴۷ - انجمن نظار یک هفته بعد از انجام انتخابات متفرق خواهد شد

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان بلوک

۴۸ - انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان بلوک باید دارای صفات ذیل باشند اولاً تابعیت ایرانیه ثانیاً کمتر نبودن سن از بیست و پنج ثالثاً داشتن زراعت و دادن مالیات رابعاً معروف نبودن بقتل یا سرقت خامساً داخل نبودن در خدمت نظامی

۴۹ - انتخاب شوندگان باید علاوه بر آنچه در ماده فوق ذکر شد کمتر از سی سال نداشته باشند و در امور محلی صاحب بصیرت و اطلاع باشند و داخل در خدمت دولتی نباشند

ترتیب انتخاب اعضاء در بلوک

۵۰ - از قریه یک نفر بانجمن اهل قریه انتخاب میشود و تمام منتخبین قراه يك بلوک در مرکز بلوک جمع شده با یک نفر منتخب آنجا با اطلاع نایب الحکومه بلوک یک نفر را با کثرت آراء از میان خود منتخب نموده باعتبار نامه که امضای

نایب الحکومه و انتخاب کنندگانرا خواهد داشت بانجمن روانه میدارند و بمنازل خود مراجعت مینمایند

۵۱ - منتخبینی که از طرف اهالی قراه به مرکز بلوک برای انتخاب نماینده فرستاده می شوند باید اعتبار نامه به امضای ریش سفیدان قریه خود داشته باشند

۵۲ - منتخبین قراه بخوارند اگر بخواهند برای نمایندگی در انجمن از اهل شهر کسیرا انتخاب کنند

ترتیب انجمن ایالتی

۵۳ - يك هفته بعد از انجام انتخاب در شهر ها انجمن ایالتی منعقد گشته مشغول امور راجعه به خود میشود رأی انجمن در غیبت مبعوثین توابع مناط اعتبار و اجرا است

۵۴ - انجمن ایالتی اعتراضات به انتخابات را موافق قوانین مقرر رسیدهگی خواهد کرد و باید در ظرف یکماه پس از رسیدن اعتراضات بانجمن آنها را قطع و فصل کنند چنانچه رجوع اعتراضات بمحاکم عمومی لزوم باید ابتدای آن یکماه از روزی خواهد بود که این ارجاع مقرر میشود رسیدگی و محاکمه انجمن فقط در ایرادات مرقومه در ورقه اعتراضیه است

۵۵ - اعضای انجمن ایالتی که انتخاب آنها مورد ایراد است تا زمانی که ایرادات به ثبوت نرسیده میتوانند در اجلاس حضور بهم رسانیده رأی دهند

۵۶ - هر يك از اعضای انجمن میتوانند از عضویت استعفا نمایند و همچنین انجمن یا شورای ملی میتوانند یکی از اعضاء انجمنرا بعد از ثبوت تقصیر بحکم قانون از عضویت انجمن معاف دارند

۵۷ - هر يك از اعضا كه شرط عضویت از وی سلب شود بحكومت انجمن از عضویت معاف میشود .

۵۸ - هر يك از اعضا كه درده اجلاس متوالی بدون عذر موجه در انجمن حاضر نشود بحكم انجمن از عضویت خارج میشود .

۵۹ - هر عضوی كه موافق مواد فوق از عضویت معاف شده باشد می تواند در این خصوص به مجلس شورای ملی شكایت كند تا به شكایت او رسیدگی شود

۶۰ - هر عضوی كه میخواهد از عضویت استعفا نماید باید استعفاء خود را كتبا و صریحاً بر رئیس انجمن عرضه دارد تا از طرف انجمن بتوسط حكومت اقدامات لازمه درانتخاب عضو دیگری بجای او بشود

۶۱ - مدت دوره انتخابیه اعضای انجمن های ایالتی چهار سال خواهد بود و پس از انقضای دو سال اول نصف از اعضا بحكم قرعه از عضویت خارج و عوض آنها انتخاب می شود و از این ببعده در رأس هر دو سال آن نیمه ای از اعضا كه دوره چهار سال عضویت آنها بسر آمده بموجب انتخاب جدید تبدیل یا تجدید میشود

۶۲ - در صورتی كه عضوی قبل از انقضای دوره انتخابیه بسبب استعفا یا معاف شدن از انجمن خارج بشود عوض او باید در ظرف يك ماه از محل خود انتخاب شده در انجمن حاضر بشود و انجمن ایالتی باید مواظب اجرای این امر باشد .

۶۳ - انجمن ایالتی در تمام سال منعقد خواهد بود ولی در سه ماه تابستان در هر ماه ثلث اعضا بحكم قرعه حق تعطیل دارند

۶۴ - در موقع افتتاح انجمن اعضاییكه حاضر هستند يك نفر رئیس يك نفر نایب رئیس و دومی از میان خود باكثرت آراء برای يكسال انتخاب خواهند نمود و در این موقع باید اقلا سه ربع از اعضا حضور داشته باشند ،

۶۵ - انجمن های ایالتی موافق نظامنامه داخلی امور داخلی خود را مرتب خواهند كرد .

۶۶ - انجمنهای ایالتی میتوانند يك یا چند نفر از اعضا انجمن را برای رسیدگی باموريكه راجع بانهاست مأمور نمایند

۶۷ - رؤسای شعب مختلفه ادارات دولتی در ایالت باید اطلاعات كتبی و شفاهی كه انجمن بخواهد و راجع بآن ایالت باشد بدهند

۶۸ - انجمن ایالتی میتواند مستقیماً بدون واسطه حاكم مكاتبه با شعبات مختلفه ادارات دولتی در ایالت بنماید باستثنای اداراتیكه در تحت ریاست خود حاكم واقعد كه در اینصورت طرف مكاتبات خود حاكم خواهد بود .

۶۹ - حاكم یا معاون او حق حضور و نطق در اجلاس انجمن ایالتی دارد مگر در مواردی كه بمحاسبات حكومتی رسیدگی میشود .

۷۰ - اجلاس انجمن علنی است ولی بر حسب خواهش پنجنفر از اعضا یا حاكم یا رئیس با رعایت اكثريت آراء می توان مجلس محرمانه بدون حضور تماشاچی تشكيل داد .

۷۱ - اشاعه صورت مجلس محرمانه موقوف برای کسی است كه انجمن محرمانه را خواسته است

۷۲ - نظم داخلی انجمن بعهده رئیس است هر يك از اعضا كه بر خلاف نظم انجمن رفتار نماید بحكومت خود انجمن موافق نظامنامه داخلی

مجازاًش مقرر میشود و اگر از غیر اعضا حرکتی مخالف انتظامات مجلس ظهور کند رئیس میتواند بتوسط مأمورین نظمیه که در تحت اطاعت او هستند مقصر را اخراج یا توقیف کند و عده مأمورین نظمیه برای انجمن ایالتی از شش الی دوازده نفر و برای انجمن ولایتی از دو الی شش نفر مقرر است

۷۳ - در صورتیکه در انجمن جنحه یا جنایتی واقع شود صورت واقعه را رئیس امضا می کند و بمحکمه که در این باب باید حکم کند می رساند

۷۴ - در صورتی که برای حفظ نظم داخلی انجمن حضور دسته از مأمورین نظامی یا نظمیه لازم باشد رئیس می تواند بقدر کفایت آنها را از حاکم بخواهد

۷۵ - در صورتی که بیش از نصف اعضاء حاضر باشند شروع بمذاکرات می شود

۷۶ - برای تحصیل رأی اقلاً حضور دو ثلث اعضاء لازم است

۷۷ - در صورتیکه عده اعضاء در اجلاسی از عده مقرر کمتر باشد مذاکرات و کسب رأی موکول بمجلس آینده میشود و در اجلاس ثانی بدون مراعات عدد مذاکرات میشود و اکثریت آراء حاضرین مناط اعتبار خواهد بود و در صورت مجلس انجمن اسامی غائبین باید نوشته شود

۸۸ - در صورتی که ربع اعضاء حاضر خواهش کنند کسب رأی مخفی می شود

۷۹ - در صورت تساوی آراء رأی رئیس بمنزله دور رأی محسوب است در انتخاب اشخاص حتماً رأی مخفی گرفته میشود و نتیجه رأی وعده رأی دهندگان باید در صورت مجلس ثبت گردد

۸۰ - همه روزه صورت مجلس رسمی بطور خلاصه باید مرتب و محرر شود و در ظرف چهل و هشت ساعت بعد از اختتام هر اجلاسی آن صورت بروزنامه نویسان در صورت مطالبه داده شود

۸۱ - روزنامه های محلی هرگاه عقاید خود را در خصوص مذاکرات انجمن خواسته باشند طبع نمایند باید قسمتی از صورت مجلس انجمن را که مربوط به آن است نیز درج نمایند و الا مورد مؤاخذه و موافق قانون انطباعات مجازات می شوند

۸۲ - صورت مجالس باید بتوسط یکی از منشیان نوشته شده در ابتدای اجلاس آینده بامضای رئیس و منشی برسد و این صورت باید محتوی باشد بر مذاکرات و اسامی اعضائیکه داخل در مباحثه شده اند و خلاصه اظهارات آنها

۸۳ - کلیه اشخاصیکه حق انتخاب دارند یا در ولایات مالیات بده باشند حق دارند صورت مجالس علنی را بخوانند و از روی آنها صورت بردارند و بتوسط روز نامجات منتشر سازند

۸۴ - کلیه مذاکرات و مباحثاتی که خارج از وظیفه انجمن است از درجه اعتبار ساقط است و بموقع اجرا گذارده نمیشود هر کس حق دارد باین قبیل اقدامات که خارج از وظیفه انجمن است ایراد و اعتراض کند

۸۵ - اعلیحضرت همیونی بتصویب وزیر داخله نظر بدلائل موجه میتواند انجمنی را بموجب فرمان مرخص و در همان فرمان امر بتجدید انتخاب فرمایند که در ظرف یکماه امر انتخابات جدید انجام یابد و باید انجمن بعد از تکمیل امر انتخابات بفاصله یک هفته تشکیل یابد و منعقد شود

۸۶ - مردم مختارند که هر کدام از اعضاء سابق را که بخواهند و از آنها

رضایت داشته باشند دوباره انتخاب نمایند

فصل دوم

در وظایف انجمنهای ایالتی

۸۷ - وظایف انجمنهای ایالتی منحصر است بنظارت در اجرای قوانین مقرر و رسیدگی و قرار داد در امور خاصه ایالت موافق شرح ذیل یا اخطار و صلاح اندیشی در صرفه و امنیت و آبادی ایالت

۸۸ - ایجاد قانون از وظیفه انجمن های ایالتی خارج است

۸۹ - انجمن های ایالتی میتوانند در کلیه شکایاتی که از حاکم ایالات و ولایات میرسد رسیدگی کرده هرگاه رفتار حاکم بر خلاف قانون باشد نقض قوانین را باو اخطار نمایند و در صورت عدم ظهور نتیجه مراتب را با ادارات مرکزی دولت اظهار داشته احقاق حق متظلمین را بخواهند

۹۰ - مادامی که ادارات عدلیه تشکیل نشده در صورتی که کسی از حکمی که در باره او از یکی از محکمه های عرفیه صادر شده باشد بانجمن شکایت و تنظلم کند انجمن میتواند در همان محکمه امر باستیناف و تجدید رسیدگی کند و اگر این استیناف رفع شکایت عکسوم علیه را نکند انجمن حق دارد رسیدگی در آن امر را با ادارات مرکزی با رجوع کند

۹۱ - انجمن ایالتی حق نظر در وصول و ایصال مالیات بهر عنوان که موافق قانون مقرر شده باشد دارد تصفیه شکایات راجعه بمالیات و همچنین تحقیق در باب استدعای تخفیفات و تشخیص امر آفات بر عهده انجمن ها است و نتیجه تخفیفات به توسط حاکم ایالت باید بوزارت مالیه ابلاغ شود که با تصویب

وزارت مالیه بموقع اجرا گذارده شود

۹۲ - انجمن ایالتی میتواند در مواردی که برای مصارف عملی از قبیل راه سازی و تأسیس مدارس و پل سازی و غیره وجهی لازم شود آن وجه را به نسبت تقسیم مالیات همان محل سرشکن اهالی نماید موافق حدی که در قانون مالیه مقرر است

۹۳ - انجمن ایالتی می تواند در موقع احتیاج برای احداث پارچه تأسیسات عام المنفعه از قبیل راه و پل و مدرسه و غیرها مبلغی استقراض کند مشروط بر اینکه محل ادای آن استقراض از عایدات معمولی یا فوق العاده همان ایالت باشد و این استقراض بدون تصویب مجلس شورای ملی و امضای ملوکانه صورت پذیر نخواهد شد

۹۴ - در صورتی که انجمن اخذ مالیاتی فوق العاده علاوه بر حدود مقرر لازم داند باید موافق قانون اساسی بتصویب مجلس شورای ملی برسد

۹۵ - مالیات فوق العاده فقط بمحلی تعلق میگیرد که فائده تأسیسات مذکور در مسود فوق راجع بآن است چنانچه فائده تأسیسات راجع بتمام ایالت باشد مالیات هم سرشکن تمام ایالت میشود و اگر فائده آن به بلد یا بلوکی خاصه تعلق گیرد مالیات مزبور هم فقط از همان بلد یا بلوک گرفته خواهد شد .

تنبیه - وجوهیکه بموجب مواد فوق بر سبیل فوق العاده سرشکن اهالی میشود باید بنسبت مالیاتی باشد که پس از تمیزی جدید مقرر خواهد شد

۹۶ - قرار دادهای انجمن در امور ذیل با کثرت آراء واجب الاجر است مگر آنکه حاکم در مدت بیست روز پس از صدور حکم اخطار کند که قرار داد انجمن مخالف قانون یا خارج از وظیفه انجمن است و نسخ آن را

بخواهد اگر انجمن متقاعد نشد حاکم باید ناسخ آن قرار داد را در ظرف دو ماه بتصویب مجلسین و صحه همایونی صادر نماید والا قرار داد انجمن باید بموقع اجرا گذارده شود

۹۷ - قراد داد های مذکوره در ماده فوق از قرار ذیل است :

(اول) در خصوص خرید و فروش و معاوضه اموال منقوله و غیر منقوله ایالتی باستثناء ابنیه حکومتی و محکمه ها و مدارس و عیسی ها و عمارات نظمی و اشیاء منقوله متعلق بآنها (دوم) در ترتیب اداره و نگاهداری اموال منقوله و غیر منقوله (سوم) در اجاره و استجاره مستغلات و املاک برای صرفه یارفع حاجت ایالت (چهارم) در خارج کردن عمارت یا ملکی از تصرف اداره و بتصرف اداره دیگر دادن باستثناء ابنیه حکومتی و محکمه ها و مدارس و عیسی ها و عمارات نظمی که باید با تصویب ادارات مرکزی باشد (پنجم) در رد و قبول عطا یا نسبت بایالت مشروط بر آنکه اعتراضی بر آنها نشده باشد (ششم) در بیمه کردن عمارات و ابنیه ایالتی (هفتم) در اداره شوارع ایالتی و رسیدگی بنقشها و بازدید کارهائیکه برای ساختن و تعمیر راههای ایالتی لازم است و در تعیین اداراتی که ساختن و مرمت این راهها بآنها باید واگذار شود و در باب طرق شوسه و غیزه که در تحت امتیاز خارجه یا داخله است وظیفه انجمن فقط نظارت است بر اینکه بشروط مقررده امتیاز نامه عمل شده باشد و در صورتیکه انجمن تخلفی از مواد امتیاز نامه معلوم دارد باید ملاحظات خود را بدون مداخله بوزارت فواید عامه اطلاع دهد (هشتم) در اداره شوارع عمومی که منافع آنها بچندین ولایت میرسد و تعیین بلوکائیکه باید شرکت در ایجاد و نگاه داری آن راهها بنمایند و تعیین وجه سالیانه پس از تحصیل آراء انجمن هائی که در این امر شرکت

دارنده و تقسیم وجوهی که دولت یا ایالت از برای کلیه این قبیل راه ها می دهد و تعیین اداراتی که ساختن این شوارع بآنها واگذار می شود و تبدیل بی کاریها بوجوه نقدیه (نهم) در ایجاد وسائل عبور و حمل و نقل از قبیل کشتی های کوچک و کرجی جهت عبور از رود خانه ها و غیره تعیین حق العبور (دهم) در رسیدگی بنقشه و باز دید کلیه کارهائیکه خارجه آنها از وجوه ایالت داده می شود و تعیین اداره که اجرای این کارها بعهده او محول خواهد شد (یازدهم) در رسیدگی به اظهارات اهالی بلوکات و قراء و قصبات و شرکتهای و اشخاص مختلفه برای کمک نقدی در انجام کارهائیکه منافع ایالتی دارد (دوازدهم) در تعیین سهم نقدی ایالت در مخارجی که منافع آنها هم بایالت هم به بلوکات میرسد (سیزدهم) در حفظ حقوق علائق و املاک ایالتی در محکمه ها (چهاردهم) در رسیدگی بمحاسبات مرخصانهای ایالتی و همچنین قرار داد با مرخصانهای متفرقه در خصوص پذیرفتن مرضای قفرا (پانزدهم) در اداره دارالایتم (شانزدهم) در تعیین سهم بلوکات جهت مخارج مرخصانها و دارالایتم و تشخیص مأخذ این تقسیم (هفدهم) در تأسیس و اداره کردن دارالعجزه ایالتی (هیجدهم) در تأسیس و اداره صندوق وظیفه برای مأمورینی که حقوق آنها از وجوه ایالتی پرداخته میشده و بواسطه پیری و ناتوانی و قدمت خدمت معاف از خدمت شده اند و همچنین برای ورثه اشخاصی که در سر خدمت وفات کرده اند (نوزدهم) در معاونت نقدی برای تکمیل تحصیل شاگردان قابل بی بضاعت بموجب راپرت مفتشین انجمنهای علمی و ادارات مدارس و سلب این امتیاز در صورت عدم استحقاق یا ظهور تقصیر (بیستم) در تأسیس مجلس امتحان برای انتخاب شاگردانی که بآنها جهت تکمیل تحصیل معاونت می شود (بیست و یکم) در رسیدگی باختلافاتی که مابین دو یا چند بلوک در

خصوصاً تقسیم مخارج مشترکه حاصل شود (بیست و دوم) در رسیدگی بقرار داد های انجمن های بلدی در خصوص بر قرار نمودن یا توقیف یا تغییر دادن مکان ها و میدان هائیکه جهت بار انداز و فروش امتعه دائماً یا موقتاً بر قرار میشود (بیست و سوم) در قریه را از بلوکی خارج کردن و جزو بلوک دیگر محسوب داشتن با موافقت انجمنهای ولایتی (بیست و چهارم) در رسیدگی بصورت اسامی اشخاصیکه در بلوک حق انتخاب کردن دارند

۹۸ - چون انجمن های ایالتی بصیرت در امور و حوائج ایالات دارند لازم است اولیای دولت قبل از اقدام به تغییرات در ایالات رأی انجمن های مزبوره را بخواهند ولی مجبور به پیروی رأی آنها نیستند

۹۹ - اولیای دولت باید در مسائل ذیل رأی انجمن را بخواهند اول در صورتیکه بخواهند حدود ایالت یا بلوکات و یا مقر حکومت را تغییر بدهند دوم در صورتیکه بخواهند بعضی از مراتع را تبدیل به جنگل نمایند

۱۰۰ - صلاح اندیشی در وجوهی که از خزانه دولتی برای مخارج عمومی ایالت بعنوان کمک داده میشود بعهده انجمن ایالتی است و باید از قرارداد انجمن بی اندازه تجاوز نشود

۱۰۱ - در خصوص اعانه هائی که از طرف ادارات دولتی برای مخارج مساجد و تأسیسات خیریه یا معاونت در ایجاد یا مرمت مدارس و دار العجزه و همچنین کمک بانجمن های زراعتی و فلاحتی میشود انجمن می تواند صلاح اندیشی خود را باز عایت ترتیب اهمیت ادارات دولتی اظهار نماید

۱۰۲ - انجمن ایالتی می تواند بتوسط رئیس انجمن ایرادات خود را در اموریکه راجع بمنافع ایالت است و همچنین اعتراضاتیکه در خصوص ترتیب و حوائج ادارات متعلقه بایالت دارد بوزارتخانهها اظهار کند

۱۰۳ - در کلیه امور معاشی و اداره انجمن ایالتی میتوانند رأی خود را اظهار کنند لیکن در امور سیاسی حق مذاکره ندارد.
 ۱۰۴ - انجمنهای ولایتی در امور سیاسی عبارت از مسائلی است که راجع باصول اداره و قوانین اساسی مملکت و پلیتیک دولت باشد.

۱۰۴ - ایرادات انجمن در خصوص منافع ایالتی یکی از ملاحظات سه گانه ذیل راجع تواند شد. (اول) اینکه در اجرای آن امور منافع مخصوصه آن ایالت منظور نشده باشد (دوم) آنکه از منافع مخصوصه آن ایالت صرف نظر کرده باشند (سوم) آنکه بملاحظه منافع دیگر چشم از منافع آن ایالت پوشیده باشند

فصل سوم - بودجه محاسبات ایالت و ولایت

۱۰۵ - هر ایالت یا ولایت صاحب بودجه خواهد بود که جمع و خرج معمولی و فوق العاده آن از قرار تفصیل ذیل است

۱۰۶ - جمعهای معمولی بودجه ایالت یا ولایت از این قرار است (اول) وجهی که بعد از تمیزی و تعدیل مالیات بر طبق قانون مالیه و بر حسب حکم دولت و تصویب مجلس شورای ملی از مالیات هر ایالت و ولایتی برای مخارج عملى آنجا و اگذار میشود (دوم) منافع اموال ایالتی یا ولایتی (سوم) منافع حاصله از حق العبور طرق و معابریکه بشوسط ایالت و ولایت ساخته شده و حق اخذ آن را دارند (چهارم) سهمی که بلوکات از بابت نگاهداری طرق و شوارع بایالت یا ولایت میدهند جمعهای فوق العاده ایالات و ولایات از قرار ذیل است (اول) مالیات فوق العاده که بر حسب اقتضای ضرورت و بحکم قانون موقتاً علاوه بر معمول دریافت میشود (دوم) وجه استقرار که در موقع لزوم بر حسب قانون استقرار آن تصویب میشود (سوم) عطیات و بخششهاییکه بایالات و ولایات میشود (چهارم) قیمت اموال ایالتی که بفروش رسیده باشد (پنجم) سایر فواید متفرقه که بر حسب اتفاق ممکن است پیدا شود

۱۰۷ - مخارج معمولی بودجه ایالت یا ولایت از قرار ذیل است (اول) اجاره یا مرمت دار الحکومه و همچنین اثاثیه و مرمت آن (دوم) اجاره یا مرمت محل و اثاثیه که برای انجمن معارف لازم است (سوم) اجاره یا مرمت قراولخانه ها و محل فراسورانها (چهارم) اجاره یا مرمت محاکم عدلیه و اثاثیه آنها (پنجم) مخارج طبع و انتشار اعلانات و صورت های لازمه از اسامی اشخاصی که حق انتخاب در ایالت یا ولایت دارند (ششم) کلیه مخارجی که از طرف دولت بعهده ایالت یا ولایت محول است (هفتم) ادای اقساط قروض ایالتی

۱۰۸ - مخارج فوق العاده بودجه ایالت یا ولایت مخارجی است که بطور موقتی و اتفاقی ضرورت پیدا میکند

۱۰۹ - وجوهیکه در یک دوره معامله مالیاتی که عبارت از یکسال شمسی است بمصرف مقرر در بودجه نرسیده باشد در بودجه سال بعد بعنوان همان مصرف بخرج منظور میشود و هرگاه در یک دوره دخل بودجه از مخارج مقرر بیشتر باشد باقی بودجه آن سال در بودجه سال بعد ابوابجمعی میشود انجمن مصارف آنرا معین مینماید

۱۱۰ - مأمور مالیه هر یک از ایالات یا ولایات باید مواظبت نماید که وجوه عایدی ایالت وصول شود و مسئولیت امر بعهده او محول است حکم ایصال این وجوه باید از طرف حاکم به مأمور مالیه ابلاغ شود

۱۱۱ - مأمور مالیه باید موافق میزان بودجه و بر طبق حواله حاکم وجوه مخارج را بپردازد

۱۱۲ - انجمن ایالتی یا ولایتی بودجه سالیانه را که حاکم ترتیب داده است رسیدگی نموده با کثرت آراء اصلاح مینماید و این بودجه پس از آنکه در انجمن تصویب شد باید بتصویب وزارت مالیه برسد

۱۱۳ - حاکم باید در ماه اول هر سال جزء کلیه مخارج سال گذشته را بانجمن ارائه دهد

۱۱۴ - بودجه ایالت باید طبع و مجاناً منتشر شود

فصل چهارم - در تشکیل انجمنهای ولایتی

۱۱۵ - ولایت قسمتی از مملکت است که دارای یک شهر حاکم نشین و توابع

باشد اعم از اینکه حکومت آن تابع پایتخت یا تابع مرکز ایالتی باشد

۱۱۶ - در شهر حاکم نشین هر ولایتی انجمنی موسوم بانجمن ولایتی منعقد می شود

۱۱۷ - اعضای انجمنهای ولایتی مرکب خواهند بود از منتخبین شهر حاکم نشین

و معمولی که از بلوکات و توابع آن ولایت بانتخاب اهالی آنها فرستاده میشوند

۱۱۸ - عده منتخبین شهر حاکم نشین که محل انعقاد انجمن ولایتی است شش

نفر خواهد بود

۱۱۹ - عده معمولی که از بلوکات و توابع آن ولایت بانجمن ولایتی فرستاده

میشوند مطابق عده بلوکات و توابع آن ولایت خواهد بود

۱۲۰ - هر یک از بلوکات و توابع ولایتی فقط یک نفر منتخب بانجمن ولایتی

خواهد فرستاد که در بلاد موافق قواعد انتخابات شهرها و در بلوک موافق ترتیب انتخاب

بلوک معین میشود

۱۲۱ - هر یک از ایالات عمده که در قلمرو ولایتی هستند میتوانند یک نفر منتخب

بانجمن ولایتی بفرستند

۱۲۲ - وظائف و ترتیبات انجمنهای ولایتی در قلمرو هر ولایت که عبارت از

شهر و توابع و بلوکات آن است مطابق خواهد بود باوظایف و حقوقیکه برای انجمنهای

ایالتی مقرر شده ولی انجمنهای ولایاتیکه جزء ایالتی هستند در مطالب لازمه بانجمن

ایالتی که در کرسی آن ایالت تشکیل میشود رجوع خواهند نمود و ولایاتیکه مستقل

هستند و در تحت ایالت دیگر نیستند مستقیماً با ادارات مرکزی دولت که در درار الخلافه است طرف میشوند

بصره - انجمن ایالتی در مرکز ایالت وانجمن ولایتی در شهر حاکم نشین ولایت برقرار خواهد بود لا غیر

قانون بلدیه

مصوب ۳۰ ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری

فصل اول - قواعد کلیه

- ۱ - مقصود اصلی تاسیس بلدیه حفظ منافع شهر ها و ایفای حوائج اهالی شهر نشین است .
- ۲ - امور راجعه ببلدیه بموجب قانون میدهند (ثانیاً) اداره کردن اموال منقوله و غیر منقوله و سرمایه ها ایکه متعلق بشهر است (ثالثاً) مراقبت در عدم قحطی آذوقه شهر بوسیله ممکنه (رابعاً) ساختن و یا نگاهداشتن کوجه ها و میدانها و خیابانها از پیاده رو و کالسکه رو و باغهای عمومی و مجاری میاه و زیر آبها و یابها و معابر و غیره و همچنان روشن کردن شهر و تقسیم آبهای شهری و مراقبت در تنقیه فنوات و پاکیزگی حمامها (خامساً) مراقبت در رفع تکدی و تاسیس دار المساکین و دار المعجزه و مریضخانها و امثال آن (سادساً) معاونت در اقدامات حفظ الصحه و حفظ دواب و حشم و تاسیس دواخانها و امثال آن (سابعاً) مواظبت در این که معابر شهری موافق نقشه معینی باشد و اقدامات مقتضیه بر ضد حریق و سایر بلیات سناوی و ارضی بعمل آید (ثامناً) بیمه ابنیه متعلق بشهر از حریق (تاسعاً) معاونت در تکثیر معارف و مساعدت در دایر نمودن کتابخانها و قرائتخانها و موزه ها و حفظ و مرمت مساجد و مدارس و ابنیه عتیقه (عاشراً) مساعدت با دولت در ساختن بازار ها و نمایشگا ههای تجارتی و کلیه مراقبت رواج حرفت و تجارت شهر و دایر نمودن محل تشخیص اسعار و معاملات عمومی
- ۳ - دایره اقدامات بلدیه مختص بخود شهر و اراضی متعلقه بشهر است .
- ۴ - انجمن و اداره بلدیه میتواند باسهم شهر بیع و شراء و هر گونه معاملات

این قانون بموجب قانون ۳۰ اردیبهشت ۱۳۰۹ نسخ شده است

نماید و بجا های لازم شکایت کند و در محاکمات عدلیه اقامه دعوا نماید و مدعی و مدعی علیه واقع شود

۵ - اراضی کوچکه ها و میدان ها و بیاده روها و معابر و رود خانها و سواحل رود خا نها و زیر آبها و غیره هر چند که متعلق بشهر است محل استفاده عموم ناس است

۶ - وجوهی که اهل شهر برای مصارف بلديه میدهند باید بحکم قانون باشد

۷ - حاکم شهر باید مراقبت نماید که اقدامات بلديه مخالف با این نظامنامه نباشد .

۸ - اداره بلديه حق دارد که مهر معینی باسم شهر داشته باشد

فصل دوم

در تشکیل انجمن بلديه

۹ - هیئت بلديه مرکب است از انجمن بلديه و اداره و شعب جزو آن

۱۰ - انجمن بلديه مرکب است از اعضایی که از محلات شهر بترتیب ذیل انتخاب میشوند

۱۱ - عدده اعضای انجمن بلديه در شهر های کوچک شانزده و در شهر های متوسط بیست و در شهر های بزرگ سی نفر خواهد بود که با رعایت وسعت و جمعیت بمحلات شهر تقسیم میشوند

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان

۱۲ - انتخاب کنندگان اعضای انجمن بلديه باید دارای شرایط ذیل باشند (اولا) تابعیت ایرانیه (ثانیا) اکمال بیست و یک اقل (ثالثا) دادن مالیات یا داشتن خانه یا مستغل یا اراضی در حدود شهر که در شهر های بزرگ هزار و در شهر های متوسط پانصد و در شهر های کوچک سیصد تومان ارزش داشته باشد .

۱۳ - ادارات علمیه و خیریه نیز در صورتیکه صاحب چنین مستغلی یا زمینی در شهر باشند حق فرستادن و کیلی برای شرکت در انتخابات دارند کذا لک شرکتهای و اشخاصیکه تجارتخانه و حجره معینی دارند حق شرکت در انتخاب را دارند ولو اینکه صاحب خانه یا مستغل یا اراضی بطوریکه ذکر شد نباشند

۱۴ - اگر خانه یا مستغل یا زمینی مابین چند نفر مشترک باشد یکی از شرکاء میتواند موافق قرار داد سایر شرکاء در انتخابات حاضر شود

۱۵ - اشخاص ذیل حق انتخاب ندارند (اولا) اشخاصیکه بواسطه جنحه و جپایش مجازات قانونی دیده اند (ثانیا) اشخاصی که معروف بارتکاب قتل و سرقت باشند (ثالثا) ور شکسته بتقصیر (رابعا) اشخاصیکه از بابت عوارض بلديه بقیابا دارند و بیش از نصف عوارض سالیانه را نپرداخته اند (خامسا) طایفه نسوان (سادسا) اشخاص خارج از رشد

۱۶ - اشخاص ذیل از شرکت در انتخابات بشرط ممنوعند (اولا) حکام و معاونین آنها در محل حکومت (ثانیا) عمال نظمیة شهری که در آن انتخابات بعمل میآید (ثالثا) مامورین نظامی بری و بحری داخل در نظام

۱۷ - شرایط انتخاب شدن همان شرایط انتخاب کردن است بعلاوه باید انتخاب شوندگان سواد فارسی کامل داشته و سنشان کمتر از بیست و پنج نباشد و داخل در خدمت دولتی نباشند

۱۸ - اشخاصیکه انتخاب میشوند باید قبل از وقت یا خودشان داوطلب انتخاب شدن باشند و یا به تکلیف انتخاب کنندگان قبول انتخاب شدن را نموده باشند

ترتیب انتخاب اعضاء

۱۹ - برای انتخاب اعضاء انجمن نظارتی از معاریف انتخاب کنندگان از محلات شهر تشکیل می یابد که در تحت نظارت حاکم یا نایب الحکومه یا معاونشان خواهد بود

۲۰ - عدده اعضای انجمن نظارت مطابق خواهد بود با عدده محلات شهر ولی کمتر از شش نفر نخواهد بود

۲۱ - پس از تشکیل اعضاء انجمن از میان خودشان یک نفر رئیس و یک منشی انتخاب خواهند نمود

۲۲ - نظم مجلس و حفظ قوانین انتخاب با رئیس و نوشتن صورت مجلس هر اجلاس با منشی خواهد بود

۲۳ - انجمن نظار فقط مشغول امر انتخاب خواهد بود و دخالت در امر دیگر نخواهد نمود

۲۴ - انجمن نظار اعلانی مرتب نموده دو هفته قبل از روز انتخاب که جمعه خواهد بود در شهر اشاعه میدهد

۲۵ - اعلان مذکور در ماده فوق مطالب ذیل را دارا خواهد بود .

(اول) محل ایام و اوقاتیکه انجمن نظار حاضر خواهد بود برای دادن تعرفه باشخاصی که شرایط انتخاب کردن را دارا هستند (دویم) مواد دوازده تا هیجده این قانون را (سبیم)

محل روز و مدتی که انجمن نظار حاضر خواهد بود برای گرفتن اوراق انتخاب از دارندگان تعرفه انتخاب (چهارم) عدة اعضائی که باید انتخاب شوند

۲۶ - محل اجتماع انجمن نظار حتی المقدور قسمی انتخاب خواهد شد که در مرکز شهر واقع باشد تا مردم بتوانند بسهولت و آزادی ورود کرده تعرفه بگیرند یا روز انتخاب رأی بدهند مثل مساجد و یا مدارس

۲۷ - تعرفه که با نمره و تاریخ بهر اعضای انجمن نظار با انتخاب کنندگان داده میشود محتوی اسم خود و پدر و سن و شغل و منزل انتخاب کننده خواهد بود همچنین تعیین روز و محلی را مینماید که دارنده تعرفه باید حاضر شده رأی خود را بدهد

۲۸ - انجمن نظار تعرفه هائی را که می دهد به ترتیب نمره در کتابچه ثبت خواهد نمود

۲۹ - در روز انتخاب که فقط یک روز خواهد بود و بوسیله اعلان و تعرفه معین گردیده انجمن نظار از صبح تا شام در محلی که معین شده حاضر میشود

۳۰ - در روز انتخاب انجمن اقلاده ساعت برای تحصیل آراء حاضر خواهد بود ساعت افتتاح و اختتام مجلس انتخاب قبل از وقت اعلان خواهد شد

۳۱ - پس از انقضای وقتی که معین شده دیگر ورقه انتخاب از کسی قبول نخواهد شد

۳۲ - دادن رأی باید مخفی باشد و از این جهت دارنده تعرفه باید قبل از دخول بمجلس انتخاب مطابق عدله اعلان شده اسم یک یا چند نفر را که دارای شرایط انتخاب شدن باشند روی کاغذ سفید بی نشان نوشته تا کند و با خود داشته باشد

۳۳ - پس از حضور اعضای انجمن و افتتاح مجلس انتخاب در ساعتی که اعلان شده قبل از شروع گرفتن اوراق انتخاب رئیس انجمن نظار جمعیه که برای ضبط اوراق انتخاب است در حضور اعضای انجمن و حاضرین از انتخاب کنندگان باز نموده خالی بودن آن را می نماید

۳۴ - دارندگان تعرفه برای ورود بمجلس انتخاب باید تعرفه و ورقه انتخاب خود را در دست داشته باشند

۳۵ - اشخاصیکه تعرفه ندارند حق دخول و مزاحمت را ندارند

۳۶ - هر يك از دارندگان تعرفه پس از ورود بمجلس انتخاب در کمال آرامی تعرفه و ورقه انتخاب خود را بر رئیس خواهد داد

۳۷ - رئیس نمره تعرفه را بصوت بلند میکوبد تا یکی از اعضای انجمن نمره را در کتابچه ثبت تعرفه پیدا نموده نشان کند پس از نشان نمره رئیس تعرفه را بصاحبش رد نمود و ورقه انتخاب او را بدون نگاه کردن در جمعیه انتخاب مینماید

۳۸ - انتخاب کنندگان پس از دادن ورقه انتخاب و پس گرفتن تعرفه در صورت تنگی جای و اختلال نظم و ترتیب انتخاب و امر رئیس از مجلس انتخاب خارج خواهند شد

۳۹ - رئیس از حضور عدله از انتخاب کنندگان در مجلس انتخاب مضایقه نخواهد نمود مگر اینکه موجب تنگی مکان و معطلی و بی نظمی امر انتخاب بشود در این صورت اطاعت امر رئیس واجب است

۴۰ - دخول در مجلس انتخاب با داشتن حربه ممنوع است

۴۱ - پس از انقضای وقت مجلس انتخاب یا نشان شدن تمام نمرهها در کتابچه ثبت تعرفه رئیس ختم انتخاب را بصوت بلند اعلان مینماید و پس از آن دیگر از کسی ورقه انتخاب قبول نمی شود

۴۲ - پس از اعلان ختم رئیس جمعیه انتخاب را در حضور اعضای انجمن نظار و حاضرین از انتخاب کنندگان خالی نموده امر باستخراج اسامی مینماید

۴۳ - کار اول تعیین عدله اوراق انتخاب خواهد بود و نتیجه آن بتوسط منشی انجمن در صورت مجلس روز انتخاب ثبت می شود

۴۴ - پس از تعیین عدله اوراق انتخاب یکی از اعضای اسامی مرقومه روی اوراق را يك بصوت بلند میخواند و يك نفر دیگر از اعضا میدهد

۴۵ - منشی مجلس باید اسامی که خوانده میشود در بالای صفحه کاغذی سیاهه نموده هر چند دهمه که يك اسم مکرر میشود زیر آن برای شماره علامتی بگذارد

۴۶ - در صورتیکه روی اوراق انتخاب بیشتر یا کمتر از عدله معینه در اعلان اسامی نوشته باشند تقصی در امر انتخاب حاصل نخواهد شد در صورت اول آن عدله اسمی که زیاد نوشته شده از آخر ورقه خوانده نخواهد شد

۴۷ - از اوراق آنچه سفید بالا بقرأ باشد یا آنکه صحیحا معرفی انتخاب شده را نکند یا اعضای انتخاب کننده را داشته باشد یا بیش از يك ورق باشد محسوب نخواهد بود ولی عینا ضمیمه صورت مجلس می شود

۴۸ - بلافاصله پس از استخراج و شماره آراء رئیس نتیجه را بصوت بلند اعلان مینماید و اوراق انتخاب را پاره و باطل مینماید باستثناء آنهائیکه در ماده فوق ذکر شد که ضمیمه صورت مجلس میشود

۴۹ - اشخاص شده گان اشخاصی خواهند بود که اکثریت آراء نسبتا به طرف ایشان باشد

۵۰ - صورت مجلس انتخابات را منشی در دو نسخه تحریر نموده بامضای اعضای انجمن نظار میرساند يك نسخه بحاکم یا نایب الحکومه داده خواهد شد و نسخه دیگر با کتابچه ثبت

تصرفه و اوراق مذکور در ماده فوق در نزد یکی از اعضاء که انجمن نظار معين کنند امانت ميماند که پس از تشکيل بانجمن بلديه تسليم نمايد

۵۱ - در صورت تساوی آراء، منتخب بحکم قرعه معين ميشود

۵۲ - در صورتیکه تجديد انتخاب لازم شود جمعه آینده خواهد بود

۵۳ - اگر از انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان کسی در حين انتخاب شکایت يا ابرادى در امر انتخاب داشته باشد مانع از انجام انتخاب نخواهد شد ولی شرح آن شکایت بايد در صورت مجلس درج بشود

۵۴ - شکایات و ابرادات راجع بانتخابات بايد در ظرف يك هفته بعد از ختم انتخابات بانجمن نظار اظهار شود تا انجمن رسيدگى نموده حکم خود را بدهد و نتیجه را نيمه صورت انتخاب نمايد

۵۵ - متشکيان از انتخابات اگر از حکم انجمن نظار راضى نباشند پس از افتتاح انجمن بلديه شکایات خود شانرا در ظرف هتمه اول بانجمن بلديه اظهار نمايند حکم انجمن بلدى قطعى خواهد بود

۵۶ - حق ايرادات و اعتراض بر انتخابات را اشخاصى دارند که حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را داشته باشند انجمن نظار بیکهفته بعد از انجام انتخابات متفرق خواهد شد

۵۷ - اسامى انتخاب شدهگان برای انجمن بلديه بعد از انمام انتخابات از طرف حاکم در روزنامه طبع خواهد شد

۵۸ - در شهر های بزرگ برای تسهيل امر انتخاب انجمن نظار ميتواند در هر محله شعبة جداگانه مرکب از شش نفر تشکيل نمايد که بر ترتيب فوق منتخبين آن محله را تعيين کند

۵۹ - اعمال انجمن نظار و شعب آن از دادن تعرفه و تحصيل آراء، در روز انتخاب وغيره بايد هقارن بکديگر باشد و در پکروز اختتام پذيرد

فصل سوم

ترتيب و وظائف انجمن بلديه

۶۰ - بیکهفته پس از انجام انتخاب اعضاء انجمن بلديه متعقد کشته مشغول امور راجعه بخود ميشود

۶۱ - انجمن بلديه بعد از تشکيل اگر خللى در امر انتخاب یکی از مجلات مشاهده نمايد من تواند با اطلاع حکومت امر بتجديد انتخاب در آن محله نمايد

۶۲ - انجمن بلديه مرکب است از اعضائیکه بمدت چهار سال بموجب اين نظامنامه انتخاب ميشود

۶۳ - اعضاء انجمن بلديه قبل از شروع باجراى وظائف خود قسم ياد خواهند کرد که با کمال راستى و درستی تکالیف خود را انجام دهند

۶۴ - اعضاء انجمن بلديه از طرف دولت يا مات موظف نخواهند بود

۶۵ - اگر یکی از اعضاء انجمن بلديه از اين شغل استعفا نمايد و يا آنکه بجهتى از جهات که در ماده ۱۲ اين نظامنامه مصرح است از عضویت انجمن محروم شود بجای آن عضو دیگری از محل خودش انتخاب خواهد شد

۶۶ - هيچکس از اعضاء انجمن بلديه نبايد بدون عذر موجه از حضور در اجلاسات انجمن خود دارى نمايد

۶۷ - عضو غایب بايد رئيس انجمنرا هر دفعه از جهة غيبت خود مطلع نمايد و رئيس انجمن اظهار عضو غایب را باطلاع انجمن برساند

۶۸ - هر گاه عضوى در انجمن حاضر نشد و برئيس انجمن جهت غيبت خود را اطلاع نداد و يا اینکه اطلاع داد ولی انجمن با کثريت دو ثلث آراء عذر او را موجه ندانست دفعه اول و دوم رئيس او را توبيخ خواهد کرد و در دفعه سيم از حضور در انجمن معاف خواهد بود

۶۹ - رئيس انجمن بلديه را خود انجمن از میان خود با کثريت آراء انتخاب خواهد کرد در يابخت و کرسى های ايالت فرمان همایون در استقرار او بدین سمت صادر خواهد شد رؤسای انجمن های بلديه شهر های دیگر بدین سمت بحکم وزير داخه مستقر خواهند نمود منشى انجمن را نیز خود انجمن با رعایت کثرت آراء از اعضاء انتخاب خواهد کرد

۷۰ - وظائف انجمن بلديه از اينقرار است (اولاً) انتخاب اجزای بلديه و مستخدمينى که موافق اين نظامنامه بايد از طرف انجمن انتخاب شوند - (ثانياً) تعيين مقررى برای مستخدمين ادارا، بلديه (ثالثاً) ترتيب تکالیف و وظائف اداره بلديه و دوائى جزو او و نوشتن دستورالعمل آنها (رابعاً) مذاقه در عمل بوجه بلديه (خامساً) تعيين مقدار فروعات و عوارضى که برای مصارف بلديه از اهالى شهر بموجب قانون گرفته ميشود (سادساً) تبديل عوارض جنسى بنقدى (سابعاً) تعيين اینکه از چه نوع بقايای شهری که لاوصول مانده بايد صرف نظر بشود (ثامناً) ترتيب حفظ و اداره کردن سرمايه ها و اموال بلديه و همچنان نظم و ترتيب تاسيسات خيريه از قبيل مريضخانه و کتابخانه و غيره که بخرج شهر دایر شده (ناسماً) تحصيل اموال غير منقولہ (عاشراً) خريد و فروش اموال غير منقولہ و تعيين قواعد خريد آنچه که برای ترتيب

ابنیه و کوچہ ها موافق نقشه که ممضی و مقبول شده و لازم است (واحد عشراً) تعیین و تعدیل نرخ گوشت و نان و سایر ارزاق و میزان اجرت کالسکه های کرایه و تراموای و سایر اسباب حمل و نقل (اتین عشراً) مذاقه در لایحه استقراض شهری و کلیه قرار داد ها اینکه باسم شهر منعقد خواهد شد (تلات عشراً) قبول نمودن وجه اعانه باسم شهر (اربع عشراً) ترتیب قواعدیکه برای اجرای مواد سابق الذکر لازم خواهد شد (خمس عشراً) ترتیب لوایح تغییر و تکمیل نقشه های شهری و ترتیب نقشه های جدیدہ (سادس عشراً) رسیدگی بحساب اداره بلدیہ و نظارت و تفتیش اعمال آن اداره و رسیدگی بمواد شکایات که در آن اداره طرح میشود (سبع عشراً) مسئول نمودن مستخدمین و عمال بلدیہ (تمانية عشراً) تقدیم لوایح و عراض بوزیر داخله بتوسط حاکم محل در احتیاجات اهالی شهر و منافع آنها (تسعة عشراً) تعیین مقدار عوارضی که باید مردم از بابت استفاده از راههای اطراف شهر ویلها و معابر و صلاح خانها و لوله های مجاری آب ها و زیرابها که بخرج شهر ساخته شده است بدهند همچنان تعیین مقدار حق الارضی که باید شرکت های کشتی رانی و صاحبان کشتی از بابت اسکله ها اینکه ساخته شده است بدهند (عشرین) رسیدگی بصحت موازین و مقادیر (احد عشرینا) تعیین محلی برای سپردن و نگارهداری اطفال و مجانبین و حیوانات کشنده و طریق ایصال ایشان باولیای آنها

۷۱ - انجمن بلدیہ در عرض سال معمولاً کمتر از شش و زیاد تر از بیست و چهار مرتبه منعقد نمیشود مگر باقتضای حاجت و تصویب خود انجمن که فوق العاده منعقد تواند شد فهرست اجلاس خود را انجمن بلدیہ در برج حوت براسال سال آتیہ ترتیب داده اعلان خواهد کرد

۷۲ - هر دفعه قبل از انعقاد انجمن بلدیہ رئیس انجمن فهرست اموری که باید مطرح مذاکره و مذاقه شود ترتیب داده برای اعضای انجمن بلدیہ خواهد فرستاد و نسخه هم برای اطلاع حاکم محل بحکومت ارسال خواهد داشت هر گاه در اجلاس انجمن بلدیہ در یکروز فرصت مذاکره دو تمام امور معینہ نشد روز های بعد بان امور رسیدگی خواهد شد

۷۳ - انجمن بلدیہ بحکم وزیر داخله در پایتخت و حکام در ولایات فوق العاده تشکیل تواند شد ولی باید قبل از وقت فهرست اموری که در انجمن مطرح مذاکره خواهد شد بتوسط رئیس انجمن بلدیہ برای اعضا فرستاده شود

۷۴ - امور راجعه بانجمن بلدیہ بموجب اظهار اشخاص ذیل طرح میشود: (اولا) به تکلیف رئیس انجمن بلدیہ و اعضای آن (ثانیاً) بموجب اظهار کتبی حاکم محل (ثالثاً) باظهار

اداره بلدیہ (رابعا) بموجب اظهار و شکایت اشخاص متفرقه

۷۵ - اعضای انجمن در صورتیکه بخواهند مطالبی را اظهار نمایند باید کتبا بر رئیس انجمن اعلان نمایند بعد از این اعلام مسئله را رئیس بانجمن اظهار میدارد و در صورتیکه انجمن اظهار مسئله را تصویب نمود اعضا شروع در مذاکره مینمایند

۷۶ - انجمن بلدیہ میتواند تسویه اموری را که وقت مخصوص لازم دارد به عهده یکی از اعضای بلدیہ محول کند

۷۷ - رئیس انجمن بلدیہ حق دارد که برای حضور در مجلس اشخاصی را که اطلاعات آنها باعث پیشرفت و مذاکره و مذاقه امور است دعوت نماید

۷۸ - برای اعتبار قرار داد های انجمن بلدیہ اقلاً باید نصف اعضا حاضر باشند ولی در اجلاس آنکه در مواقع بیات ارضی و سماوی و یا جنگ بطور فوق العاده تشکیل می شود از این قاعده صرف نظر خواهد شد و قرار داد انجمن با حضور هر قدر از اعضا معتبر خواهد بود

۷۹ - برای قرار داد های انجمن بلدیہ در مواد ذیل باید اقلاً دو ثلث از اعضا حاضر باشند (اولاً) در باب فروش اموال غیر منقوله متعلق بشهر و خرید اموال غیر منقوله برای شهر (ثانیاً) تعیین قیمت اراضی که برای ساختن ابنیه باشخاص متفرقه فروخته می شود و یا برای تصحیح نقشه شهر اتباع می شود (ثالثاً) استقراضات و ضمانات که از طرف شهر میشود (رابعا) تبدیل عوارض جنسی بتقدی (خامساً) تعیین مسئولیت مستخدمین اداره بلدیہ و دوائر جزو آن

۸۰ - غیر از مواردی که در ماده هفتاد و پنج اشاره شده است سایر امور راجعه بانجمن بلدیہ با کثرت آراء حل و تسویه میشود و در صورت تساوی آراء رأی رئیس دو رأی محسوب می شود هیچ عضوی بیش از یک رأی ندارد و رأی خود را نمی تواند بدیگری محول کند

۸۱ - در باب تعیین مستخدمین اداره بلدیہ و دوائر جزو آن و مقرری آنها و مسئولیت اجزا و مستخدمین رأی مخفی گرفته می شود ولی در سایر امور انجمن مختار است رأی مخفی یا علنی بگیرد

۸۲ - تمام قرار داد های انجمن بلدیہ باید در دفتری ثبت شده به امضای رئیس انجمن و اعضا اینکه در مذاکرات شرکت داشته اند برسد و صورت مجلس را منشی انجمن و منشی اداره بلدیہ نیز امضا مینمایند و ترتیب دفاتر بعد از منشی های مزبوره است

۸۳ - کلیه قرار داد های انجمن بلديه با منضمات آن باید بتوسط رئیس انجمن برای حاکم محل فرستاده شود و آنچه که باید در روزنامهجات طبع و نشر شود با تصویب انجمن برای اطلاع اهالی شهر اعلان و اعلام خواهد شد.

۸۴ - از قرار داد های انجمن آنچه باید با اعضای حاکم یا وزیر داخله برسد بمذاکره با معاضد بموقع اجرا گذارده خواهد شد.

۸۵ - از قرار داد های انجمن بلديه آنچه که باید با اعضای حاکم برسد از این قرار است :

(اولاً) تعیین قیمت اراضی شهر که باید فروخته یا اتباع شود (ثانیاً) استقراضات و ضمانتنامه که از طرف شهر میشود (ثالثاً) تعدیل و تسهیل نرخ نان و گوشت و سایر ارزاق (رابعاً) کرایه کالسکه و درشکه و تراموای و سایر وسایل حمل و نقل (خامساً) تغییر در نقشه شهر و ترتیب نقشه های جدید (سادساً) حقوقیکه از سفاین در اسکله هائیکه بخرج شهر درست شده اخذ میشود (سابماً) کلیه دستورالعمل هائیکه انجمن بلديه برای ادارات بلديه و ادارت خیریه که در اداره شهر است ترتیب میدهد.

۸۶ - از قرار داد های انجمن بلديه آنچه که باید با اعضای وزیر داخله برسد از این قرار است : (اولاً) تسعیر عوارض جنسی شهر (ثانیاً) بخرج شهر کوچه ها و پیاده رو ها را پاک کردن و نگاهداشتن مستحفظین حریق و نظایفات بلديه و ترتیب زیر آب سازی ها (ثالثاً) فروش و انتقال اموال غیر منقوله شهر باسنتنای اراضی کوچک که در فقره اول ماده ۸۵ تصریح شده (رابعاً) استقراضات و ضمانت نامه هائیکه از طرف شهر میشود (خامساً) تعیین وجوهیکه از بابت ساختن راهها و یلهای اطراف شهر و بنای سلاخ خانها و مجاری آبها و غیره داده میشود (سادساً) تعیین حق الارض و اراضی که در سواحل دریا ها و رودخانه ها باشخاص متفرقه و یا شرکتها داده میشود که اسکله بنا نمایند و یا برای بار گرفتن و یا بار دادن سفاین استعمال کنند (سابماً) ترتیب دستورالعملهای راجعه بادارات خیریه و حفظ اموال غیر منقوله شهر در پایتخت و کرسیهای ایالات و ولایات.

۸۷ - هر گاه حاکم قرار داد انجمن بلديه را تصویب ننمود باید جهت عدم موافقت خود را بانجمن بلديه اظهار نموده انجمن را متقاعد نماید و در صورتیکه انجمن متقاعد نشد قرار داد انجمن رسماً بوزیر داخله تقدیم نماید که موافق ماده (۸۸) اقدام شود.

۸۸ - قرار داد های انجمن بلديه که باید بتصویب و امضای وزیر داخله برسد بتوسط حاکم بوزیر داخله تقدیم خواهد شد وزیر داخله مکلف است که با کمال دقت بقرار داد انجمن و اعتراض حاکم در آن باب رسیدگی نماید هر گاه قرار داد انجمن راجع بامری بوده که از

تکالیف انجمن بلديه خارج است اعتراض حاکم را تصدیق نموده آن قرار داد را امضا نمی نماید ولی در صورتیکه قرار داد انجمن بلديه خارج از تکالیف و حدود آن نبود ولی بجهتی یا ملاحظه مخالف با مصالح عامه یا منافع شهر است وزیر داخله باید مسئله را در مجلس وزراء مذاکره نماید چنانچه مسئله راجع باز دیاد عوارض است در مجلس شورای ملی مطرح شود و اگر محتاج بایجاد قوانین جدید باشد در مجلس شورای ملی و سنا مورد مذاکره گردد.

۸۹ - هر گاه در انجمن بلديه اعضا بقدریکه برای اعتبار قرار داد انجمن لازم است حاضر نشدند انجام امور محول باجلاس دیگر می شود و اگر در اجلاس ثانی اعضا باز بقدر لزوم حاضر نشدند اداره بلديه رایوهای خود را با رایوهای دوائر جزو و جدا گانه محل میدهد و هر گاه حاکم با رأی اداره بلديه موافقت ننمود باید بطوری رفتار نماید که در باب قرار داد های انجمن در ماده (۸۷) مقید است.

۹۰ - انجمن بلديه میتواند که قواعد لازمه را در باب تنظیمات کوچه ها و دستورالعملهای راجعه بساختن پشت بام ها و ناودانها و پاکیزگی مجاری میاه و اقدامات حفظ الصحه و ضد عفونت و تمیزی میدانها و اقدامات ضد حریق و حفظ و حرارت اهالی از مواد محترقه و غیره ترتیب نماید.

۹۱ - کلیه این قواعد و دستور العمل ها با رعایت حدود قوانین شرع انور با اعضای حاکم رسیده بتوسط اداره پلیس بموقع اجرا گذاشته خواهد شد.

فصل چهارم

اداره بلديه

۹۲ - اداره بلديه مرکب است از اعضائی که انجمن بلديه انتخاب کرده است عده

اعضای اداره بلديه چهار نفر خواهد بود.

۹۳ - اداره بلديه در تحت ریاست رئیس انجمن بلديه خواهد بود و رئیس مزبور که موسوم به کلانتر است یکنفر معاون از اعضای اداره بلديه با انتخاب انجمن بلديه خواهد داشت و معاون مزبور که بدین سمت بحکم وزیر داخله استقرار مییابد در موارد غیبت یا مرض کلانتر قائم مقام او خواهد بود منشی اداره بلديه را نیز انجمن بلديه از میان اعضای اداره بلديه معین خواهد کرد مدت هاموریت کلانتر و اعضای بلديه چهار سال است در دوره اول بعد از دو سال نصف اعضای بلديه بحکم قرعه خارج شده و بجای آنها اعضای جدید انتخاب میشوند و بعد از اقسای هر دو سال آن نصف اعضائیکه چهار سال ماموریشان بسر آمده خارج شده و اعضای جدید انتخاب میشوند انتخاب اعضای سابق با اکثریت آراء انجمن بلديه جایز است.

۹۴ - اداره بلديه مکلف است که موافق این نظامنامه و مطابق دستورالعملهای انجمن

بلدیہ امور شهر را اداره نماید اداره بلدیہ صورت صحیحی از کلیه اموال متعلقه بشهر را داشته باشد و امور جاریه شهر را انجام بدهد و بیوسته در صدد فراهم نمودن اصلاح وضع شهر باشد و اطلاعاتیکه برای انجمن بلدیہ لازم میشود تحصیل کرده بانجمن مزبور برساند و موافق احکام آن عمل نماید و لوابیح جمع و خرج شهر را مرتب کند و مالیات و عوارض شهری را وصول نموده بر طبق دستوالعملهای انجمن بلدیہ که موافق قوانین خواهد بود خرج نماید و در دیوانخانهها و محاکم عدلیه برای امور شهری مدعی و مدعی علیه واقع شود و بجایهای لازم شکایت نماید و با اجازه و دستور العمل انجمن بلدیہ با ادارات جزو خود تفتیش و رسیدگی نماید و کلیه حساب و رایورث اقدامات خود را با نتیجه تفتیش و رسیدگی با ادارات جزو را بانجمن بلدیہ بدهد و رایورثها و حساب های مزبوره را بطبیع رسانده اشاعه دهد

۹۵ - امور داخلی اداره بلدیہ و تقسیم کارها در آن اداره موافق دستورالعمل انجمن بلدیہ مرتب خواهد شد امور راجعه با اداره بلدیہ با اکثریت آراء انجام مینماید در صورت تساوی آراء رای کلاتر اکثریت را معین میکند ولی هر گاه کلاتر رای اکثریت را مضر مصالح عموم و منافع شهر بداند مجاز است که رای اداره بلدیہ را موقوف الاجرا گذارد مراتب را بانجمن بلدیہ اظهار کند

۹۶ - کلاتر مکلف است که کمال مراقبت را در انتظام امور اداره بلدیہ بعمل آورد

۹۷ - حاکم حق تفتیش و رسیدگی با اداره بلدیہ و ادارات جزو آن را دارد هر گاه در اعمال اداره بلدیہ چیزی مشاهده کند که خلاف قاعده و دستورالعملها باشد حق دارد با اداره بلدیہ اخطار نماید و در صورتیکه اداره مزبور متنه نشود مراتب را بانجمن بلدیہ اظهار کند و چنانچه انجمن بلدیہ با اداره بلدیہ عمرای شد مسئله بوزیر داخله تقدیم خواهد شد حکم وزیر داخله برای اداره بلدیہ حتمی الاجری است ولی انجمن بلدیہ حق دارد مادامی که دیوانخانه ادارات تشکیل نشده بکمیسونی هر کب از اعضای شورای ملی و سنا بعد متساوی شکایت نماید

۹۸ - ادارات بلدیہ می توانند عرضحال و مستدعیات خودشان را توسط حاکم بوزارتخانههای لازمه تقدیم نمایند

۹۹ - رای اینکه امور شهری خوب اداره شود انجمن بلدیہ حق دارد که کمیسون های اجرایی تشکیل کرده بهر کدام رشته کاری را بسپارد کلیه کمیسون ها در تحت نظارت بلدیہ بوده موافق دستورالعمل های انجمن بلدیہ رفتار خواهند کرد

۱۰۰ - رؤسای کمیسون ها را اداره بلدیہ از میان اعضای خود انتخاب خواهد کرد و اگر

اداره بلدیہ تصویب نماید که رئیس کمیسون از خارج انتخاب شود آن شخص در اداره بلدیہ در موقع مذاکره امور راجعه بکمیسون حاضر و صاحب رای خواهد بود

۱۰۱ - هر گاه برای اداره کردن اموال و دارائی شهر اشخاصی لازم شود که اهل خبره و فن باشند اداره بلدیہ حق دارد بقدر حاجت این نوع اشخاص را از خارج مستخدم نماید عزل و نصب اجزاء اداره بلدیہ از قبیل مجرر و دفتردار و غیره با کلاتر است

۱۰۲ - کلاتر و معاون او و اعضای اداره بلدیہ و سایر مستخدمین بلدیہ از خریدن اموال شهر در موارد فروش آنها ممنوعند

فصل پنجم

در باب مستخدمین بلدیہ

۱۰۳ - هر گاه در انجمن بلدیة شکایتی از کلاتر یا معاون او و یا یکی از مستخدمین اداره بلدیہ و دوائر جزو آن مطرح مذاق باشد مستخدمین مزبور نمیتوانند در انجمن حاضر شوند و انجمن بلدیہ در این موارد رئیس و معاون جدیدی هوقتا انتخاب مینماید

۱۰۴ - کلاتر و معاون او اعضای اداره بلدیہ و منشی آن اداره جزو مستخدمین دولت محسوب خواهند بود و در ترفیع رتبه و سایر حقوق حکم مستخدمین دولتی را خواهند داشت

۱۰۵ - قواعد انفصال مستخدمین فوق الذکر در صورت استعفا آنها قبل از انقضای مدت چهار سال از قرار تفصیل است

انفصال کلاتر ها در پایتخت و کرسیهای ایالات منوط با اجازه همایونی است انفصال کلاتر ها در شهر های متوسط و کوچک و همچنان معاون کلاتر ها مطلقا با اجازه وزیر داخله است

۱۰۶ - کلاتر و معاون او و اعضای اداره بلدیہ و اجزای دوائر و انجمنهای جزو آن علامتی موافق نقشه و نمونه که بامضای همایونی رسیده خواهند داشت و مایوس معینی بترتیب مخصوص بانها داده میشود

۱۰۷ - انتخاب کلاتر و معاون او برای مدت چهار سال است تعیین مدت مأموریت منشی اداره بلدیہ منوط بر رأی انجمن بلدیہ است

۱۰۸ - مستخدمین اداره بلدیہ که از خارج دعوت میشوند باید شرایطی را دارا باشند که در باره انتخاب کنندگان اعضای انجمن بلدیہ مقید است

قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستور العمل حکام

مصوب ۱۴ ذی قعدة ۱۳۲۵

فصل اول

در تقسیم مملکت و تحدید حدود دوائر محلیه
ماده ۱ - مملکت غروسه ایران برای تسهیل امور سیاسی به ایالات و ولایات
مقسم میشود
ماده ۲ - ایالت قسمتی از مملکت است که دارای حکومت مرکزی و ولایات
حاکم نشین جزء است و فعلاً منحصر بچهار ایالت است (آذربایجان) (کرمان و
بلوچستان) (فارس) (خراسان)
ماده ۳ - ولایات قسمتی از مملکت است که دارای یک شهر حاکم نشین و
توابع باشد اعم از اینکه حکومت آن تابع پایتخت یا تابع مرکز ایالتی باشد
ماده ۴ - در ایالات و ولایات و بلوکات برای ترتیب و تنظیم کلیه امور علاوه
بر انجمن ایالتی و ولایتی و بلدی که مطابق نظامنامه انجمنهای مذکوره تکالیفشان
معین است دوائری تشکیل میشود که بدوائر محلیه موسوم خواهد بود (در مقابل
دوائر مرکزیه که عبارت از وزارت خانه ها است) این دوائر از حیث وظائف و
وسعت قلمرو و حدود اختیارات از یکدیگر متمایزند چنانکه از حیث وظائف

کلیه منقسم میشوند بدوائر اداریه و عدلیه و از حیث قلمرو بدوائر ایالتی و ولایتی و
بلوکی و از حیث اختیارات بدوائر تابعه و متبوعه چنانکه بلوک در اختیارات تابع
اداره ولایات است و قریه تابع اداره بلوک

ماده ۵ - اختیارات دوائر محلیه کلیه از این قرار است

(اولاً) عزل و نصب اشخاصیکه تعیین آنها بموجب قوانین بدوائر مزبوره
واگذار شده است

(ثانیاً) نظارت و تفتیش اعمال شعبات جزء

(ثالثاً) حل و تسویه امور راجعه بآنها و اقدام در اجراء قوانین

(رابعاً) واسطه بودن در امور مابین دوائر تابعه و متبوعه

ماده ۶ - دوائر اداره نیز به دو قسم منقسم می شود اولاً دوائر حکومتی ثانیاً

شعب وزارت خانه ها که قانوناً در ولایات تشکیل شده - دوائر حکومتی
عبارت است:

(اولاً) در ولایات از حاکم و دفتر خانه او و اداره ولایتی یا دفتر خانه آن

و ادارات نظمی شهری

(ثانیاً) در بلوک از نایب الحکومه و اداره بلوکی و اداره نظمی بلوکی

(ثالثاً) در دهات از کدخدا

تبصره - قوانین و نظامنامه های شعب وزارتخانه ها در ولایات علیحده مرتب

و مدون است اصول و فصول قوانین این نظامنامه راجع به تشکیل و ترکیب

دوائر حکومتی ولایات و بلوکات و قراء و روابط آن دوائر با دوائر مرکزی

و محلی است



فصل دوم

در تشکیل ولایات (اول - قواعد عمومی)

ماده ۷- فرمانفرمایان و حکام بموجب فرمان اعلیحضرت همایونی و تصویب وزارت داخله بسمت حکومت منصوب و از حکومت معاف میشوند

ماده ۸- در صورت غیبت یا مرض یا عزل یا انفصال حاکم معاون حکومت متصدی شغل اوست و هر گاه معاون حاضر نباشد و یا بجهتی نتواند قائم مقام حاکم واقع شود یکی از رؤسای شعب وزارتخانه از قبیل کارگذاری یا اداره مالیه یا غیره به موجب قدمت خدمت و تحقق لیاقت کارهای ولایتی را موقتاً موافق قوانین و دستور العملهاییکه برای ولایات وضع شده اداره خواهد کرد

ماده ۹- هر گاه حاکم از حدود ولایات خارج نشود و غیبت او فقط از کرسی ولایت برای بلوک کردشی یا انجام یکی از تکالیف مأموریتی او باشد غائب محسوب نتواند شد و حل عقد امور با خود حاکم خواهد بود خاصه اموری که بشخص حاکم محول است درین صورت اگر برای قائم مقام حاکم در تسویه امری اشتباهی حاصل شود یا با اعضای اداره ولایتی موافقت حاصل نمایند آن امر را موکول بمرامعت حاکم خواهد کرد و چنانچه غیبت حاکم از شهر متمادی باشد مطلب را بحاکم راپرت خواهد نمود

تبصره - در مورد ماده ۱۲ معاون یا شخصی که در غیاب حاکم متصدی امر حکومت است کاغذها را بعنوان مدیری امضاء می کند و در مورد ماده ۱۳ بسمت نیابت

(دویم - در وظایف حکام بطور عمومی)

ماده ۱۰- چون از طرف دولت امور ولایت بعهده کفایت و صداقت حاکم که رئیس ولایت است محول شده حاکم باید بیش از همه در حفظ منافع و مصالح دولت و ملت و اجرای قوانین و نظامنامه ها و دستورالعمل های ادارات متبوعه و فرار دادهای انجمن های ولایتی و بلدی بکوشد و فواید مملکت و منافع اهالی را در نظر داشته باشد و احتیاجات آنها را بفهمد و با اختیاراتی که بحکم داده شده امنیت و رفاهیت قاطبه اهالی را فراهم آورد و قوانین و قواعدی که برای نظم و آسایش عمومی ایجاد شده است بموقع اجرا گذارده و همچنان بر عهده حاکم است که در تهیه اسباب حفظ الصحة و وفور ارزاق و آذوقه در ولایات بکوشد و ناظر اجرای کلیه قوانین و دستور العمل های راجعه به ادارات محلیه که در قلمرو ولایت تأسیس شده باشد

ماده ۱۱- چون حاکم نماینده دولت است در ولایت و نظارت تمام امور کشوری بعهده او تعلق میگیرد لهذا حق دارد که بی مقدمه بتمام دوائر کشوری سرکشی نماید حدود این حق حکام بعضاً در این قوانین مقید و بعضاً در نظامنامه های راجعه بشعبات وزارتخانه مندرج است

ماده ۱۲- حکام باید در امر انتخابات و کلاه دار شورای ملی و منتخبین انجمنهای ایالتی و ولایتی و بلدی نهایت جد و جهد را منظور دارند و ناظر باشند که انتخابات مذکوره مطابق نظامنامه انتخابات از روی کمال صحت بعمل آید و در صورت تجدید انتخابات لوازم سهولت و سرعت آنرا بعمل آورند و در موردیکه یکی از وکلاء یا منتخبین از سمت عضویت منفصل شود یا فوت کند پس از اطلاع فوراً امر بتجدید عضو دیگری بجای او نمایند

ماده ۱۳ - چون حکام ناظر نظم و ترتیبند حق دارند بمواد شکایات متظلمین نظر کنند اگر امور آنها در جائی بر خلاف قوانین موضوعه معطل و معوق مانده باشد در سرعت آن اقدام نمایند و کار صاحبمنصبان و مستخدمین ادارات علیه را در صورت نقض قوانین موضوعه و یا ارتکاب آنها باعمال شیعه و جنحه و جنایات موافق قوانین بحاکم عدلیه رجوع نمایند و در مواقع لازمه توجه ادارات متبوعه آنها را باکمال و اتمام عمل آنها معطوف دارند که رسیدگی لازم بعمل آید ولی خود حاکم و جها من الوجوه نمیتواند شخصا بحاکمه نماید و نه در عاکنه طرف واقع شود

ماده ۱۴ - حاکم باید پیوسته در صدد آبادی ولایت و رفاهیت اهالی بوده و چنانچه اقداماتی لازم شود که خارج از تکالیف او باشد اگر جزء وظائف انجمنهای ولایتی و بلدی است بانها اطلاع دهد و الا با ادارات متبوعه راپورت کند و کلیه راپورتهای صحیح از اقدامات خود و احتیاجات اهالی و وضع امور ولایتی بوزارتخانههای لازمه بفرستد

ماده ۱۵ - حکام مکلفند که مواظبت تامه را در اعلان و انتشار قوانینی که وضع شده و اعلام نامه ها و دستور العملهای رؤساء و احکام ادارات متبوعه و غیره در صورتی که اطلاع قاطبه اهالی از مفاد آنها لازم است بعمل آورند

ماده ۱۶ - هر گاه حکام مشاهده نمایند که بر خلاف قوانین موجوده اقدامی میشود باید بلا تأمل مانع آن اقدام شده بموجب قوانین در صدد سیاست و تنبیه مقصرین بر آیند و کلیه باید مراقبت نمایند که امور اداره ولایتی و ادارات تابعه در جریان قانونی تحت نظم و ترتیب باشد و هر اداره امور محوله خود را

ماده ۱۷ - حکام حق دارند که در موارد فوق العاده و یا در موقعی که امر مهمی مورد مذاکره باشد مجلسی در تحت ریاست خود از رؤسای کلیه دوائر محلیه تشکیل دهند در این مواقع حکام صورت مجلس و رأی آن را بوزارتخانه که مرجع آن کار است میفرستند و در صورت لزوم کسب تکلیف می نمایند این نوع مجالس را نمیتوان بدون جهة تشکیل کرد فقط وقتی صورت لزوم خواهد یافت که اشتباه و تردیدی در معنی قانون و یا اشکال در امر مهمی روی دهد و اطلاع وزارتخانه از اشتباه و اشکالی که پیش آمده لازم باشد (رجوع بماده ۱۴۱) شود

ماده ۱۸ - چنانچه با اداره ولایتی از دوائر جزء و تابع آن اخبار شود که شك و شبهه در موقع اجرای قانونی حاصل شده و یا اشکالی در اجرای احکام پیش آمده حاکم مکلف است مراقبت نماید که موافق ترتیبی که در ماده (۱۵۸) مذکور است این نوع امور فوراً در اداره ولایتی مطرح مذاکره شود هر گاه اداره ولایتی نتواند توضیحات لازمه را بدهد و خودش هم تردید یا اشتباهی در معنی قانون حاصل نماید باید حاکم یا رأی اداره ولایتی را بوزارتخانه لازمه فرستاده توضیحات و رفع اشکال را بخواهد و یا در صورت اهمیت مسئله مجلسی را که در ماده (۱۴۷) مذکور است منعقد داشته و موافق مدلول آن ماده رفتار کند

ماده ۱۹ - چون حکام مسئول نیک و بد امور قلمرو خود هستند باید مواظب باشند که انجمنهای ولایتی و بلدی از حدود و وظایف خود خارج نشوند و همچنین کمال مراقبت را در صحت انتخابات مستخدمینی که تعیینشان بعهده حکام و اگذار شده داشته باشند و اطلاعات لازمه را قبل از وقت در باب خدمت سابق اشخاصی که میخواهند مستخدم شوند و نیز در باب اخلاق و رفتار و کردار آنها تحصیل

نمایند و کلیه مراقبت کنند که اشخاصیکه داو طلب استخدام هستند مسبقاً بارتکاب جنحه و جنایات و قباحت نبوده دارای اخلاق پسندیده و لایق کاری که بانها رجوع میشود باشند

ماده ۳۰ - چنانچه دوایر اداره عملیه بخواهند بموجب اختیاراتیکه بانها داده شده مستخدمین جدیدی معین کنند یا مستخدمین سابق را بمشاغل جدیدی برگمارند یا از جائی بجای دیگری مأمور نمایند حکام می توانند در مورد عدم لیاقت مستخدمین مزبوره مراتب را بادارات مرکزی اطلاع دهند

ماده ۳۱ - حکام برای تشویق مستخدمین و اجزای لایق قابل خود میتوانند برطبق قوانین بانها رفعت رتبه و انعام بدهند و با استدعای ترفیع رتبه و اعطای منصب و امتیاز از دولت نمایند و مکلفند که قوانین راجعه بخدمت دولتی و ترفیع رتبه و اعطای مناصب و امتیازات را صحیحاً بموقع اجرا گذارند

ماده ۳۲ - کلیه مستدعیات ادارات عملیه در ترفیع رتبه و اعطای مناصب و امتیازات در باره مستخدمین جزو باید بتوسط حاکم بوزارتخانه لازم تقدیم شود ولی صاحب منصبان و مستخدمین ادارات عدلیه و تقنینیه از این قاعده مستثنی خواهند بود

ماده ۳۳ - حکام باید مواظب باشند که مرخصی موقتی ارباب مناصب و مستخدمین ادارات و اجزای دفتر خانها و انفصال آنها از خدمت موافق قواعدی باشد که ایجاد شده و بتوسط اشخاصی باشد که حق این گونه اقدامات را دارند و هرگاه حکام مشاهده کنند که مستخدمین فوق العاده غایب میشوند اختطارات لازمه را در این باب بانها بنمایند و اگر پند و نصیحت آنها اثری نبخشید و وضع و حال این نوع

مستخدمین طوری باشد که در سر خدمت مرتباً نتوانند حاضر شوند باید حکام بمراکز متبوعه اطلاع دهند

ماده ۳۴ - حاکم مواظبت مخصوصی خواهد داشت که در حدود ولایتی که بریاست او محول شده هیچگونه اغتشاش و بی نظمی اتفاق نیفتد خصوصاً مراقب افعال و اعمال صاحب منصبان و مستخدمین جزو حکومت خواهد بود و هر گاه از یکی از ارباب مناصب و مستخدمین جزو آشکارا مسامحه یا سوء رفتار یا اعمال شنیعه سرزندو یا آنکه از اختیاراتیکه بانها داده شده تجاوز نموده باشند حاکم بتوسط اداره ولایتی بعد از پند و نصیحت امر بمؤاخذة و تنبیه و سیاست آنها خواهد کرد

حدود مؤاخذة و سیاست در این موارد از قرار تفصیل است (۱) توییح و ملامت (۲) کسر گذاشتن مقرری و مواجب (۳) تنزل دادن از شغل اعلی به اسفل (۴) انفصال مقصر از شغلی که دارد

تبصره ۵ - کسر مواجب و مقرری حدی دارد که نباید از آن تجاوز نماید و آن ثلث مواجب یا مقرری سالیانه شخص مقصر است

ماده ۳۵ - حاکم حق انفصال از شغل و کسر گذاشتن از مقرری یا مواجب مقصر و تنزل دادن از شغل اعلی باسفل را فقط نسبت بصاحب منصبان و مستخدمینی دارد که تعیین آنها بموجب قوانین باختریار حاکم محول شده و هرگاه اجرای سیاست مزبوره در باره صاحب منصبانی لازم شود که از وزارتخانهها و مقامات عالییه معین شده اند حاکم مراتب را با کلیه اطلاعات و توضیحات بوزارت یا بمقامات لازمه خواهد فرستاد (رجوع به ماده ۳۹۴)

ماده ۳۶ - هر گاه تقصیر مقصر بقدری اهمیت داشته که اجرای سیاست مذکوره در ماده (۳۴) کافی نباشد بعد از تحقیقات لازمه در اداره ولایتی کار این نوع مقصرین بمحکمه عدلیه رجوع خواهد شد (رجوع بماده ۳۹۳)

ماده ۳۷ - هر گاه حاکم مساعیه یا تقصیرات جزئی در خدمات مرجوعه از طرف مستخدمین بلوکی و دهات مشاهده کند حق دارد که موافق ماده ۲۴ آنها را تنبیه و سیاست نماید - اما در باب مباشر دهات حاکم حق دارد فقط موقتاً او را از شغل خودش انفصال داده بداره بلوکی تفصیل تقصیر او را اطلاع بدهد که اداره مزبوره با اداره ولایتی در این باب مذاکره کرده یا مباشر را بکلی از شغل خودش خلع نماید و یا بمحکمه عدلیه بفرستد

ماده ۳۸ - چون حاکم نماینده دولت است در ولایت تمام صاحبان و مستخدمین ولایتی چه آنها تیکه در اداره حکومتند و چه اشخاصی که در سایر دوائر محلیه خدمت مینمایند خواه در تحت ریاست حاکم باشند خواه نباشند باید قطع نظر از رتبه و منصب و قدمت خدمت و غیره نسبت به حاکم احترامات لازمه را بعمل آورند و هر گاه حاکم آنها را برای مذاکره در امری احضار نماید حاضر شوند

ماده ۳۹ - حدود حقوق و تکالیف حکام را سمت آنها معین و مشخص میکند یعنی چون حکام آلت اجرائیه اند بهیچوجه حق ندارند قانون یا قرار جدیدی بگذارند یا مالیات و عوارض جدیدی وضع نمایند و یا در احکام حاکم عدلیه تغییری بدهند و یا بالاخره از اجرای قوانین موضوعه خود داری کنند

ماده ۴۰ - حکام باید سعی نمایند که همیشه اطلاعات صحیحه کافیه از وضع ولایتی که قلمرو مأموریت آنها است داشته باشند یعنی از عده نفوس و وسعت خاک ولایت و ثروت طبیعی آن و مقدار زراعت ها و چمنها و جنگلها و از چگونگی شغل و حرفت و صنایع و معادن و تجارت ولایتی و وضع مساجد و ابنیه خیریه و عمارات عتیقه و دارالمساکین و مریضخانهها و از انتشار معارف و اخلاق و عادات اهالی و عده

جنگه و جنایاتی که اتفاق میافتد و کلیه اطلاعاتی که اوضاع و احوال ولایت و اهالی آن را نشان میدهد

ماده ۳۱ - برای جمع آوری این اطلاعات در هر ولایتی در تحت ریاست حاکم هیئتی تشکیل میشود موسوم بهیئت احصائیه (استاتیسٹیک) حاکم باید مراقبت نماید که احصائیه مزبوره مرتباً کار نماید

ماده ۳۲ - نتیجه اقدامات احصائیه را بعد از تدقیق حاکم به وزارت داخله ارسال میدارد و هنگام مسافرت یا عبور مواکب همایونی از ولایتی حاکم ولایت مختصری از اطلاعات هیئت احصائیه را که مفید و جامع باشد با راپورت خود کتباً تقدیم حضور مبارک همایونی مینماید

ماده ۳۳ - حکام باید مواظبت مخصوصی در باره تبعه خارجی که مقیم ولایتی هستند یا از آن ولایت عبور مینمایند داشته باشند و در امور تجاری و سایر اموری که مضر بحال دولت و ملت نیست موافق قوانین موضوعه و عهدنامهها حمایت لازم را در موارد مقتضیه از آنها بنمایند که از امنیت و رفاهیت عمومی متمتع باشند و نیز باید مراقبت نمایند که بتدکیرهای تبعه خارجی همیشه بتوسط اداره نظمیة رسیدگی شود که مجهول الحال نباشند تبعه خارجی فقط بحکم محکمه عدلیه بارعایت مدلول عهود می تواند از خاک ایران تبعید شوند هر گاه حاکم مشاهده کند که اقامت اتباع خارجی در ولایتی بواسطه سوء رفتار و کردار آنها مضر است باید مراتب را به وزارت خارجه اطلاع داده و موافق دستور العمل های آن ادارات رفتار کند

ماده ۳۴ - یکی از مشاغل عمده حکام این است که مراقبت مخصوص در قلع و قمع چیزهایی که موجب فساد اخلاق اهالی می شود از قبیل قمار خانها و غیره بعمل

آورند و بجهت نیل باین مقصود اداره نظمیه و ضبطیه بلوکی و غیره را حاکم مأمور مینماید که در موارد اجتماع اهالی در نقطه مخصوصی مراقبت در حفظ نظم و امنیت داشته باشند و از اعمال شنیعه ممانعت نمایند و مقصر را دنبال کنند - ولی باید دستور العمل های حاکم در این باب طوری روشن و واضح و موافق قوانین موضوعه باشد که این مأموریت ادارات نظمیه و ضبطیه مبدل باجحاف و تعدی و هتک ناموس نشود

ماده ۳۵ - حکام باید اسباب امنیت جان و مال اهالی را از هر حیث چه در شهرها و دهات و چه در طرق و شوارع فراهم آورند چنانچه دزدان و قطاع الطریق در نقطه از نفا طولایت پدید آیند و ادارات نظمیه و ضبطیه از قلع و قمع آن عاجز باشند باید حاکم فوراً اقدامات مؤثره سریع را بعمل آورده مأمور مخصوصی برای انجام این مأموریت بمحل لازم روانه کند و در صورت لزوم بقوای نظامی ولایتی رجوع نماید - برای حفظ و امنیت راهها در صورت عدم کفایت قراسوران حکام با تصویب ادارات نظمیه و ضبطیه امر به تشکیل دسته مستحفظین سواره از اهالی وسکه محل می نمایند و باید به پست و کاروانی که حمل مال التجاره و پول می نماید مستحفظ بدهند

ماده ۳۶ - هر گاه در شهر یا دهی اغتشاشی روی دهد و مردم اوامر قانونی حکومت را اطاعت نکرده باشند باید حاکم بدون فوت وقت شورشیان را بپند و نصیحت و یا تویخ و ملامت نماید اگر مؤثر واقع نشد قشون ولایتی را خواسته باز شورشیان را به پند و نصیحت متنبه و اتمام حجت نماید و هر گاه باز نتیجه حاصل نشد حاکم یا کسیکه از طرف حاکم مأمور است بقوه جبره اغتشاش را بر طرف می نماید و محرکین اغتشاش و شورش را بمحکمه عدلیه میفرستد بعد

از این اقدامات باید حاکم مواظبت نماید اشخاصی که متنبه شده پشیمان شده اند مجدداً بواسطه سوء اقدامات مأمورین و یاسختی بی موقع بحالت اغتشاش عودت ننمایند و کلیه اقداماتی از طرف مأمورین بعمل آید که باعث تسکین قلوب و رفع هیجان عامه شود هر گاه مانند قشون در محل لازم باشد امر حاکم در آن باب صادر خواهد شد

تبصره - تکالیف حکام و مأمورین کشوری در وقت احضار قشون برای کمک بحکومت علیحده مرتب و منضم باین ماده است

ماده ۳۷ - در ولایات سرحدی حکام مکلفند که نظارت مخصوصی نسبت به ادارات نظمیه ولایتی و ضبطیه بلوکی داشته باشند که حتی المقدور فراری های نظامی و مقصرین مدنی و اشخاصی که جنایت کرده اند از دولت همسایه به خاک ایران نگذرند و کسی قدرت پذیرفتن آنها را در خاک ایران نداشته باشد هر گاه با وجود مراقبت لازمه این نوع اشخاص در خفا داخل خاک ایران شوند حاکم بعد از حصول اطلاع موافق مدلول عهود و قرار نامه هائی که در این باب با دول خارجه منعقد شده و یا دستور العمل وزارت خارجه اقدام می نماید

ماده ۳۸ - حکام مراقبت لازمه را خواهند داشت نسبت به اشخاصی که در تحت نظارت ادارات نظمیه و ضبطیه هستند که نه سستی از طرف ادارات مزبوره بعمل آید و نه سختی

ماده ۳۹ - یکی از تکالیف حکام مراقبت و مواظبت لازمه است که در قلمرو مأموریت آنها انجمنهائیکه مخالف قوانین موضوعه است تشکیل نشود

ماده ۴۰ - در صورتی که حکام مشاهده کنند که اقدامات انجمنی یا حوزه

مخالف اصلی از اصول قانونی بوده تولید فساد می‌کند یا قسمتی از اهالی را بر قسمتی می‌شوراند و باعث فساد و تخریب اخلاق میشود پس از تحقیق حق دارد آن انجمن یا حوزه را تعطیل کند و در صورت عدم فرصت و احتمال خطر و فساد عاجل حاکم حق دارد که فوراً آن انجمن را تعطیل نماید تا رسیدگی لازم در حکم عدلیه بعمل آید در این موارد حاکم باید مراتب را بوزارت داخله و وزیر مسئول اطلاع دهد

سوم وظایف حکام

در باب آذوقه اهالی و امور داخلی و اجتماعی ولایت

ماده ۴۱ - وظایف حکام در این باب از قرار تفصیل است:

(اولاً) مراقبت در امر آذوقه و ارزاق اهالی

(ثانیاً) مراقبت در اینکه ابنیه جدید الاحداث شهر ها و دهات موافق قوانین

موضوعه تأسیس شوند

(ثالثاً) وقایع امنیتی در حدود ولایت و حفظ رفاهیت و آسودگی اهالی

(رابعاً) تشویق اهالی با اقدامات عام المنفعه

(خامساً) مساعدت لازمه (بقدری که در قوه و استطاعت حاکم است)

در پیشرفت زراعت و حرفت و صنایع و تجارت ولایتی

ماده ۴۲ - اقداماتی که از طرف حکام برای وفور آذوقه و ارزاق میشود بر

دو نوع است عمومی و خصوصی

ماده ۴۳ - اقدامات عمومی که راجع به پیشرفت امر زراعت و جلوگیری

و ممانعت از چیزهایی که غل امر محصولات زراعتی و ارزاق است باید همیشه

در مد نظر حکام باشد بخصوص وقتی که در تمام ولایات یا قسمتی از آن احتمال قحطی برود

ماده ۴۴ - ما حصل اقدامات عمومی آنست که حاکم باید مراقبت مخصوص بعمل آورد که گندم و سایر ارزاق بدون ممانعت در تمام ولایت بازادی و قیمت عادلانه خرید و فروش شود و کسی احتکار ننماید

ماده ۴۵ - اقدامات خصوصی آنکه حکام اطلاعات لازمه را در باب نرخ ارزاق و آذوقه از ادارهٔ بلدیّه تحصیل مینمایند و نه فقط بتوسط ادارات نظمیّه و ضبطیه و بلدیّه حکام مواظب تعدیل نرخ و عدم کم فروشی و صحت اکیال و اوزان مینباشند بلکه خودشان هم در مورد لازمه حق دارند بتوسط مأمورین مخصوصی باین امور رسیدگی نمایند

ماده ۴۶ - هر گاه عمارت یا خانه را کسی بدولت و یا بشهری واگذار کند حاکم مکلف است مراتب را بوزارت داخله و وزارتیکه از آنخانه یا عمارت استفاده خواهد کرد اطلاع دهد

ماده ۴۷ - هر گاه آثار عتیقه در ولایت باشد و یا مجدداً کشف شود حاکم مکلف است که مراتب را مفصلاً بوزارت داخله اطلاع بدهد

ماده ۴۸ - حاکم باید مراقبت نماید که ادارات اطفائیه در کمال نظم و ترتیب بوده قواعد راجعه باین اداره تماماً بموقع اجرا گذارده شود اگر شهری استطاعت ترتیب اداره اطفائیه را نداشته باشد حاکم می تواند در صورت لزوم بتوسط وزارت داخله استدعای وجه اعانه از دولت برای دایر نمودن اداره اطفائیه در آن شهر بنماید و آن وجه اعانه را با اطلاع انجمن ولایتی بمصرف مذکور برساند

چهارم در وظایف حکومت نسبت بحفظ الصحهٔ عمومی

ماده ۴۹ - وظایف حکام در این باب آنستکه مراقبت لازمه را در اجرای نظامنامه طبی و حفظ الصحه داشته باشند و سعی باشند که با اقدامات صحیه

سریعه در امراض مسریه و امراض سریع الانتشار جلوگیری شود لذا همینکه خبر حدوث چنین مرضی از دوائر جزو حکومت و یا از محل موثقی رسید حاکم باید رسیدگی و معلوم نماید که چه نوع اقدامات برای جلوگیری از انتشار مرض بعمل آمده و علاجی که شده است کافی است یا نه بعد پس از مشاوره با طبیب حافظ الصحه ولایتی اگر لازم شود حاکم مأمور غصوصی با چند نفر طبیب و معاون طبیبی و ادویه و آلات و اسباب طبیبی روانه محل آلوده بمرض و جاهای لازمه مینماید و هرگاه صلاح بداند چند نفر اجزای لازم را هم با مأمور غصوص روانه می کند بعد از این اقدامات در صورت لزوم خود حاکم به محل ناخوشی رفته شخصاً تحقیقات لازمه را مینماید و هرگونه اقدام بجدانه که مقتضی باشد بعمل میآورد و بتوسط مأموری غصوص حکام ولایات همجوار را مطلع می دارد

ماده ۵۰ - حکام حق نظارت غصوصی نسبت بمریضخانهای شهری و بلوکی و دهات و همچنان بمریضخانهای محسها و غیره دارند و خواه هنگام محال گردشی خواه در غیر این موقع رسیدگی بمریضخانه ها را غالباً بطیب حافظ الصحه ولایتی یا بمعاونین او می سپارد

پنجم در وظایف حکام

نسبت بوصول شدن مالیات دولتی و عوارض محلی

ماده ۵۱ - حکام باید مراقبت نامه داشته باشند که مالیات و عوارض دولتی بموجب قوانین موضوعه در موقع خود بتوسط کارگذاران مالیه وصول و ابصال شود و بعلاوه باید نظارت صحیح نسبت بوصول و ابصال عوارضی که برای مخارج محلیه از بلده و غیره اخذ میشود داشته باشند

ششم در وظایف حاکم نسبت باداره مالیه

ماده ۵۲ - نوشتهجاتیکه محتاج بامضای حاکم یا بتصویب او است و نزد حاکم فرستاده میشود یا بامضای حاکم میرسد و یا در صورت عدم تصویب مشار الیه عقیده خود را باداره مالیه اظهار میدارد

ماده ۵۳ - حاکم فهرست کارهای تمام شده را که از اداره مالیه برای او در آخر هر سال میفرستند ملاحظه نموده هرگاه تعویقی یا تعطیلی در جریان امور آن اداره مشاهده کند فوراً بوزارت مالیه راپرت میدهد

ماده ۵۴ - هرگاه حاکم بی نظمی یا اغتشاشی در اداره مالیه مشاهده کند باید فوراً باداره مزبور ملاحظات خود را اخطار نموده مراتب را بوزارت مالیه اطلاع دهد و اگر رفع بی نظمی نشد باز وزارت مالیه را مطلع نموده توجه آن وزارت را بمسئله لازمه معظوف دارد ولی حاکم حق ندارد رأساً اجزای اداره محاسبات را تنبیه یا سیاست نماید

هفتم - در وظایف حکام نسبت باداره خالصجات

ماده ۵۵ - حکام مراقبت نامه خواهند داشت که اداره خالصجات و مستخدمین و اجزای آن اداره تکالیف خود را موافق قوانین و دستور العملهای راجعه بآن اداره بعمل آورند و امور آن اداره موافق قوانین و دستور العمل هلی وزارت مالیه مرتب باشد هرگاه حاکم مشاهده کند که از طرف اداره یا یکی از مستخدمین آن اداره از حدود مقرر تجاوز میشود باید مراتب را بوزارت مالیه اطلاع داده درخواست اقدامات لازمه را برای رفع بی نظمی نماید

ماده ۵۶ - حکام باید مراقبت غصوصی نسبت به جنگلهای دولتی داشته

آنها را حفظ نمایند و هر گاه بر خلاف قواعدی که برای حفظ جنگلها ایجاد شده است اقدامی ملاحظه نمایند باید بدون فوت وقت مسامت نموده مراتب را بوزارت مالیه اطلاع بدهند

ماده ۵۷ - حکام در راپورت های خود که به مقامات عالییه می دهند باید همیشه وضع خالصجات ولایتی را مفصلاً بنویسند و هر گاه اداره خالصجات منظم و مرتب و مستخدمین آن در اجرای تکالیف خود ساعی باشند حاکم می تواند که از وزارت مالیه خواهش امتیازی برای مستخدمین آن اداره بنماید

ماده ۵۸ - نرخ فروش هیزم جنگل دولتی را که اداره خالصجات در هر سال معین و به وزارت مالیه می فرستد باید قبل از وقت به نظر حاکم برسد

هشتم - در وظایف حاکم نسبت به تجویلخانهها

ماده ۵۹ - حاکم در وقت بلوک گردشی و همچنان هر وقتی که لازم بدانند حق دارد پولیکه در دوائر غلیه (ولایتی و بلوکی) موجود است تفتیش نماید و همچنان حق دارد که بکلیه اموال متعلقه بان ادارات رسیدگی نموده معلوم دارد که عایدات دولت بدون حیف و میل وارد صندوق می شود یا نه و مقدار بقایا چقدر است تمام اطلاعات خود را در این باب حکام باید بوزارت مالیه راپورت کنند بعلاوه این اقدام حکام مکلفند که اطلاعات خود را در تفتیش صندوق ادارات با داره مالیه نیز اعلام نمایند که اقدامات مقتضیه از طرف آن اداره بعمل آید و اگر اغتشاش یا بی نظمی روی داد جلوگیری کامل بعمل آورند

ماده ۶۰ - حکام باید سالیانه به وزارت داخله راپورتی تقدیم نمایند که در آن راپورت اطلاعات راجعه بیاخذ مالیات و بقایا و كذلك مقدار بقایائی که لا وصول مانده و جهة وصول نشدن بقایا و کلیه اقداماتی که برای اخذ مالیات و وصول شدن آن از طرف حکومت بعمل آمده است توضیح و تصریح شده باشد راپورت مزبور مبتنی بر اطلاعات خود حاکم که در وقت بلوک گردشی تحصیل کرده است و اطلاعات اداره ولایتی و ادارات نظمییه خواهد بود

نهم - در وظایف حکام نسبت باداره علوم و معارف

ماده ۶۱ - حکام مکلفند که مراقبت خصوصی نسبت به مکاتب ابتدائیه داشته بی خبر باین نوع مکاتب و همچنان بمدارس متوسطه و عالییه (در صورتی که باشد) سر کشی نمایند و هر گاه از قوانین و دستورالعملها و دستور تعلیمات راجعه بمعارف تخلف میشود مراتب را بوزارت معارف اطلاع دهند و باداره معارف ولایتی نیز اخطار نمایند بعلاوه این اقدامات حکام باید مساعدت و همراهی لازم را باداره معارف در اشاعه معارف نمایند

دهم - در وظایف حکام

نسبت بادارات زراعت و فلاحت و معادن و جنگلها

و گمرک و پست و تلگراف و غیره

ماده ۶۲ - حکام مکلفند که در مواردی که این ادارات به تقویت و همراهی حکام محتاجند موافق قوانین موضوعه و دستور العمل های رؤسای آنها کمال مساعدت و همراهی را از آنها بنمایند و نیز بر عهده حکام است به اندازه

که در قوانین و نظامنامه های این ادارات معین شده است مراقبت و مواظبت نمایند که بخرانه دولت ضرری وارد نیاید و رفع موانع و اشکالات و اشتباهات به عمل آید

ماده ۶۳ - حکام حق دارند که ادارات مذکوره در ماده قبل را سرکشی نمایند بدون اینکه حق مداخله در امور آن ادارات داشته باشند و نمی توانند رأساً اجزای آن ادارات را تنبیه یا سیاست نمایند ولی در صورتی که اغتشاش یا بی نظمی در آن ادارات مشاهده کنند مکلفند فوراً مراتب را به رؤسای بلا واسطه آن ادارات که در محل هستند اخطار نمایند و اگر نتیجه مترتب نشد مراتب را به وزارت متبوعه آن اداره و وزارت داخله راپورت نمایند

یازدهم - در وظایف حکام

در صورت رجوع کار صاحبان و مستخدمین

و اجزای دوایر اداره بمحاکم عدلیه

ماده ۶۴ - حدود تکالیف حکام در باب جلب مستخدمین و اجزای دوایر اداره بمحاکم عدلیه در نظامنامه محاکمه جنایتی مفصلاً مندرج است (رجوع بماده ۳۹۰-۳۹۱)

دوازدهم - در وظایف حکام

نسبت باداره جنک

ماده ۶۵ - تکالیف حکام نسبت باداره نظام از قرار است که در نظامنامه خدمت نظامی و سایر قوانین و نظامنامه های نظامی مندرج است قواعدی که

باید در موقع احضار واستعمال قشون (رجوع بماده ۳۶) و در باب روابط صاحبان کثوری و لشگری باید مراعات شود جداگانه مرتب و منضم بماده ۳۶ خواهد بود

سیزدهم - در وظایف حکام

نسبت بکار گذارهای خارجه

ماده ۶۶ - کار گذاری های امور خارجه مقیم ولایات در روابط حکام یا قونسولگریهای خارجه مقیم ولایات واسطه اند لهذا تمام امور خارجه در روابط حکام یا قونسولگریها باید باطلاع کار گذارها باشد و همچنان اجرای عهد نامه ها و قرار نامه های بین الملل باندازه که راجع بتبعه خارجه است باید بواسطه و باطلاع کار گذارها باشد حکام کمال همراهی و مساعدت را از کار گذارها در اجرای تکالیف آنها که مبتنی بعهد نامه ها و قرار داد ها و نظامنامه ها و دستور العمل های آنها است خواهند نمود از طرف دیگر حکام حق دارند که در صورت لزوم به امور کار گذاری ها سرکشی نموده و هرگاه اغتشاش یا بی نظمی مشاهده کنند مراتب را فوراً بوزارت خارجه اطلاع دهند و هرگاه راپورت آنها منتج نتیجه نشد مجدداً توجه مقامات عالیله را به راپورت های سابقه خود جلب نمایند ولیکن حکام حق ندارند که کار گذار یا اجرای کار گذاری را تنبیه و سیاست کنند

چهاردهم - در وظایف حکام

هنگام تحویل گرفتن و تحویل دادن ولایات

ماده ۶۷ - حاکمی که از شغل خود منفصل می شود باید اوضاع امور

ولایتی را با کلیه اطلاعات راجعه به ولایت مشروحاً به وزارت داخله و به فرمانفرما (در صورتی که ولایت جزو ایالتی باشد) تقدیم نماید و نسخه هم بحاکم جدید بدهد

ماده ۶۸ - هرگاه انفصال حاکمی از ولایت قبل از ورود حاکم جدید باشد حاکم منفصل باید کلیه اطلاعات خود را بقائم مقام حکومت بدهد و او هم بعد از ورود حاکم جدید راپورتی که حاوی اطلاعات حاکم سابق و اطلاعاتی است که خود او در زمان مدیری تحصیل کرده به حاکم جدید بدهد حاکم جدید هم بعد از مباشرت بشغل خود باید راپورت اطلاعاتی را که از حاکم قبل باو رسیده با ملاحظات خود بوزرات داخله و یا فرمانفرما بدهد (در صورتیکه ولایت جزو ایالتی باشد)

ماده ۶۹ - در راپورتی که حاکم منفصل و حاکم منصوب میدهند باید مواد ذیل مندرج باشد (اولاً) اموری که تسویه نشده - (ثانیاً) وضع دفتر خانه حاکم (ثالثاً) وضع اداره ولایتی (رابعاً) حالت ادارات اطفائی شهرهای ولایتی و بلوکی - (خامساً) بقایائیکه لاوصول مانده - (سادساً) خیالاتیکه حاکم منفصل در اصلاح وضع و امور ولایتی داشته و خیالاتیکه حاکم منصوب دارد - (سابعاً) وضع نرخ ارزاق و وفور یا قحطی آذوقه

ماده ۷۰ - در باب دفتر خانه حاکم باید مطالب ذیل (در راپورت حاکم منفصل و جدید) تصریح شده باشد اولاً اموری که راجع بدستور العمل های مقامات عالیه و وزارت خانها است - ثانیاً کلیه اموری که بموجب مراسلات و راپورت های سایر دوائر دولتی و مملکتی و شکایات و احکام خود حاکم شروع شده

تبصره - از کلیه این کارها آنچه عورمانه است باید مجری شده علیحده نوشته شود

ماده ۷۱ - آنچه باید از امور اداره ولایتی در راپورت فوق الذکر نوشته شود از قرار ذیل است حاکم منفصل دفعه آخر که در اداره ولایتی حاضر میشود کتابچه ترتیب داده در آن کتابچه معین میکند چقدر از اموریکه راجع بمجلس وزراء و تحقیقات و امود جنایتی است تسویه شده و چه مقداری از امور بلا تسویه مانده و همچنان چقدر از امور تکلیفش در اداره ولایتی معین نشده سوادى از کتابچه مزبور برای فرمانفرما (در صورتی که باشد) ارسال و نسخه به حاکم جدید داده می شود کتابچه مزبور باید به امضای حضار برسد

ماده ۷۲ - در باب بقایا باید حاکم منفصل اطلاعات اخیر خود را مفصلاً برای هر عملی علیحده قید نماید

ماده ۷۳ - حاکم منفصل باید خیالات و نقشه های خود را که راجع باصلاحات ولایتی است مشروحاً و واضح (نزدیک بفهم) بحاکم جدید اظهار نماید و جهت لزوم این اصلاحات را با وسائلی که میتوان برای اجرای اصلاحات اتخاذ کرد و همچنان موانعی که تا آنوقت مانع اجرای خیالات او بوده باید تصریح کند و کلیه اگر چیزی موجب جلب توجه او شده خاطر حاکم جدید را بدان معطوف دارد

ماده ۷۴ - حاکم منفصل حتماً باید اطلاعات فوق الذکر را بجا های لازم بدهد و الا نقض قانون و تخلف از تکلیف کرده و مسئول خواهد بود بعلاوه هر اغتشاشی و بی نظمی که در عمل بتوسط حاکم جدید کشف شود و حاکم منفصل اطلاع نداده باشد بر عهده او خواهد بود

ماده ۷۵ - همینکه حاکم جدید امور ولایتی را از حاکم مفصل یا در غیاب او از مدیر تحویل گرفت راپورت خود را در باب امور ولایتی بفرمانفرما (در صورتی که ولایت در جزو ایالتی باشد) و الالبوزارت داخله می فرستد

ماده ۷۶ - نه فقط حاکم مفصل مسئول اطلاعات غیر صحیحه ایست که بجا های لازمه و بجانشین خود داده بلکه اشخاصیکه راپرت حاکم را تصدیق کرده و امضاء نموده اند نیز مسئولند

ماده ۷۷ - راپورت و اطلاعات مذکوره در مواد (۶۹ و ۷۰ الی ۷۳) را حکام باید در موقع مرخصی موقتی یا مأموریت مخصوصی که بآنها داده میشود نیز به قائم مقام خودشان ولو موقتی هم باشند بدهند و ولایت را تحویل داده و تحویل بگیرند هرگاه حاکم رعایت این قاعده را ننماید و هنگام مرخصی بجای دیگر مأمور شود و یا استعفاء کند باید بخرج خود بمحل حکومت سابق خود مراجعت کرده ولایت را بطوریکه در مواد ۶۷ الی ۷۵ ذکر شد تحویل بدهد مگر اینکه حرکت فوری حاکم از ولایت بجهتی مقتضی شده باشد

ماده ۷۸ - هرگاه حاکم ولایتی فوت نماید و یا بواسطه مرضی نتواند ولایترا اداره کند قائم مقام او موافق مواد ۶۷-۷۶ باید اقدام بترتیب کتابچه های فوق الذکر از تاریخ تصدی خود بامر حکومت بنماید

پانزدهم - در مجال گردش

ماده ۷۹ - حکام جدید بعد از تحویل گرفتن ولایت بطوری که در مواد

۷۶ - ۶۷ مذکور است بدون فوت وقت بادارات واقعه در کرسی ولایت و دفتر خانه ها و دفاتر آنها و همچنین بصدوق ولایتی و ادارات نظمی و اداره اطفائی و محبسها و مرخصخانه ها و ادارات خیریه سرکشی می نمایند بعد از تفتیش و رسیدگی ملاحظات خود را اخطار می کنند و قواعد و قوانین موضوعه و مقتضیات وقت و محل را و همچنان نقشه اصلاحات حاکم سابق را منظور نموده در صورت لزوم اقدام در اجرای اصلاحات می نمایند اگر این اقدامات بموجب قوانین در حیطه اختیارات حاکم است رأساً و یا بتوسط و اطلاع اداره ولایتی اقدام می کند (رجوع بمواد ۱۰۱ و ۱۱۱) و هرگاه اطلاع و اجازه مقامات عالیه و وزارت خانه ها لازم است مراتب رابه وزارت داخله و وزارت لازمه راپورت می کند

ماده ۸۰ - بعد از اتمام سرکشی بادارات ولایتی و آشنا شدن بامور آن ولایت حاکم جدید شروع بسرکشی توابع قلمرو خود می نماید و طوری سرکشی می کند که از کرسی ولایت زیاد دور نشود و غیبت او از کرسی ولایت زیاد از اندازه طول نکشد مگر در صورت ضرورت قبل از شروع به محال گردشی حاکم اطلاعات ذیل را می خواهد (اولاً) صورتی از اطلاعات اخیر از هر کدام از بلوکات در باب امور دوایر بلوکی رسیده و صورت اتفاقاتیکه دلالت بر بی نظمی و اختلال امور بلوکی می نماید (ثانیاً) از اداره مالیه اطلاعات راجعه بصدوق بلوکی و بقایای بلوکات (ثالثاً) از اداره خالصه جات اطلاعات راجعه بجنکلهها و عایدات خالصجات و بهمین طور از هر اداره اطلاعاتیکه مهم و برای تفتیش و سرکشی حاکم مفید است از آن اداره می خواهد

ماده ۸۱ - حاکم هنگام مجال گردش شخصاً تمام ادارات را سرکشی

می نماید و صورت هائیرا که از ادارات مختلفه گرفته با فهرست ها و صورت های دوائر بلوکی تطبیق کرده و اختلافات را یاد داشت می نماید اگر این اختلافات طوری است که رفعش آسان است فوراً حکم باصلاح و رفع آن می کند و چنانچه مهلت لازم دارد موعدی معین کرده رفع اختلافات را در آن موعد می خواهد ولی هرگاه اختلافات مهم و کلی است و مسامحه بزرگی روی داده و یا سوء استعمال شده حاکم صورت آنرا باداره ولایتی می فرستد و اداره مزبوره موافق اختیاراتی که بآن اداره قانوناً داده شده از مقصر مؤاخذه می نماید در صورت اهمیت تصیر تحقیقات لازم را برای فرستادن مقصر به محکمه عدلیه بعمل می آورد ملاحظیات خود را حاکم به اداراتی که سر کشی کرده اخطار کرده بعد صورتی از آن ملاحظیات را به اداره ولایتی ارسال می دارد و هر گاه این ملاحظیات حاکم راجع بسایر دوائر محلیه باشد ملاحظیات خود را بآن دوائر اخطار می نماید

ماده ۸۳ - بعد از سر کشی يك بلوك حاکم به بلوك دیگر می رود و طوری مسافرت خود را ترتیب می دهد که بعضی از نواحی و دهات معتبر را هم به بیند در سر راه حاکم بطور رسمی ولی مجرمانه از اشخاص لازم سؤال های راجعه باداره شدن امور بلوکی و غیره می نماید و می فهمد که بی اعتدالی میشود یا نه و احتیاجات اهالی چیست و میل بچه نوع اصلاحات دارند و می خواهند و هرگاه مطلبی کشف کند که دلالت بر بی نظمی و پایه بی اعتدالی راجع باداراتی باشد که تابع دوائر دیگرند مراتب را بآن دوائر اطلاع میدهد

ماده ۸۴ - هنگام بلوك کردنی حکم متوجه باخلاق و آداب و درجه معارف و حالت زراعت و معادن و ثروت و تجارت محلی بوده و اطلاعات خود

را جداگانه مرتب و با عقاید خود در اصلاحات لازمه بوزارت داخله ارسال خواهند داشت

ماده ۸۴ - حاکم مکلفند که هنگام بلوك کردنی طوری نمایند که این سر کشی آنها که برای رفاهیت و آسودگی اهالی است تولید زحمت و آزردهی خاطر برای اهالی نمایند بدین جهت لوازم مسافرت را بقدرمایحتاج تحصیل نموده مراقبت نمایند که از طرف خدمه و همراهان آنها احتیاج و تعدی بکسی نشود

ماده ۸۵ - بعد از اتمام عمل بلوك کردنی حاکم مکلف است که راپورت محال کردنی خود را مستقیماً بوزارت داخله تقدیم کند و سواد می هم برای فرمانفرما (در صورتی که باشد) از راپورت خود و منضمات آن خواهد فرستاد

ماده ۸۶ - حاکم مکلف است که این سر کشی را موافق مواد ۸۵ و ۷۹ همه ساله يك دفعه بعمل آورد و اگر وضع ولایت بواسطه وسعت زیاد و بدی راهها اقتضا ندارد لامحاله دو سال يك دفعه بلوك کردنی نماید

(تنبیه) ترتیب سر کشی که غفلتاً و بطور خصوصی بدوائر محلیه میشود در مواد آتی مرتب است (مورد هفتم ماده ۱۴۶ و غیره)

شانزدهم - در راپورتهای سالیانه و اطلاعات فوری

که حکام باید بدهند

ماده ۸۷ - غیر از راپورتی که حکام بوزیر داخله بعد از اتمام عمل محال کردنی میدهند باید در مواقع معین راپورتهای مفصل و مختصر را در باب وضع ولایت و اقداماتی که کرده اند بدهند این راپورتهای بدو نوع است یکی عمومی است که حکام بعد از انقضای هر سالی میدهند دیگری خصوصی که در موارد لازمه یاد

مواقع فوری در عرض سال باید بدهند

ماده ۸۸ - راپورت‌های عمومی را حکام سالی یک مرتبه به وزارت داخله تقدیم می‌کنند و باید تمام ادارات ولایتی حتی ادارات بلدیه اطلاعاتیکه برای تقدیم این راپورت لازم است بحاکم برسانند سوادی از این راپورت عمومی را حکام برای فرمانفرما در جائیکه هست ارسال میدارند

ماده ۸۹ - غیر از راپورت سالیانه حکام مکلفند که ماهی دو دفعه راپورت اگزارشات ولایتی را بوزیر داخله بدهند و نیز گذارشات و وقایع فوری را بدون فوت وقت تقدیم کنند کلیه هر گونه اطلاعات راجعه بوزارت داخله را باید حکام بوقت و بموقع خود برسانند و آنچه را که موافق قوانین بسایر وزارتخانهها راجع است بموقع بان وزارتخانه اطلاع دهند

(تنبیه) - حکام میتوانند در مواقع مهمه در صورتیکه شکل و وضع و اهمیت کار تقاضای نمایند چاپار مخصوص روانه پایتخت نمایند

هفدهم - در مسئولیت حکام

ماده ۹۰ - حکام در موارد ذیل مسئول و مؤاخذند (اولاً) در صورتیکه قوانین و احکام و همچنان دستور العملهای رؤسای خود را بلا اجرا گذارند و یا درست اجراء ننمایند و نتوانند بی تقصیری خود را مدلل نمایند (ثانیاً) هر گاه در موقع تفتیش ولایات بواسطه مفتش که از مرکز دولت فرستاده شده مدلل شود که اغتشاش و اختلال امور ولایتی تقصیر حاکم بوده و می‌توانسته است از اغتشاش ولایتی جلوگیری کند ولی بمسامحه گذرانیده (ثالثاً) چنانچه مصرح شود که رواج رشوه و تعارف در ولایت بواسطه اغراض حاکم یا شراکت خود حاکم در این گونه عمل شنیع بوده - (رابعاً) در صورتی که

حکام اقدامی نمایند که خارج از وظیفه آنها باشد و یا آنکه خارج از حدود اختیاراتی باشد که بآنها بموجب قوانین و نظامنامه ها داده شده - (خامساً) وقتی که باشخاصی که در ادارات حکومتی خدمت میکنند و كذلك باجزای نظمیہ کار هائی رجوع نمایند که خارج از حوزه تکالیف آنها باشد و یا آنکه کار های شخصی خود را بآنها رجوع کنند (سادساً) در صورتی که بی قاعده تحقیقاتی را در امری شروع نمایند و خود سرانه تحقیقاتی را ختم کنند (سابعاً) وقتی که حکام شخصاً و رأساً اقدام کنند در اموری که راجع باداره ولایتی و یا سایر دوائر محلیه و یا ادارات جزو آن دوائر است و در این باب دستور العملی از رؤساء خود نداشته اند - (ثامناً) در مواردی که حکام دخالت بکار محاکمه نمایند و ملک کسی را انتزاع نموده بدیگری دهند و کلیه باموری دخالت نمایند که راجع بمحاکم عدلیه است - (تاسعاً) در مواردی که خود سرانه و بدون اجازه جاهای لازم تغییری در وضع ولایت دهند که باعث اجحاف و تعدی و آزردهگی خاطر اهالی شود یا بواسطه اهمال و عدم دقت در امور قوانین راطوری اجرا نمایند که منظور از ایجاد قوانین که مساوات است بعمل نیاید و با آن که بالاخره مالیات و عوارضی که قانوناً معین نشده از اهالی اخذ نمایند (عاشرأ) در مواقعی که تحقیقات جنایتی بعمل می‌آید بواسطه غرض شخصی اغتشاش و اختلالی فراهم آورند و این اقدامات شنیعه آنها در محاکم استیناف یا جای دیگر کشف شود - (حادی عشر) وقتی که معلوم شود اقدامی که حاکم برای جلوگیری از تعدی و اجحاف و جنحه و جنایات و قباحت و رفع ظلم و غیره کرده است بدرجه که لازم است سخت نبوده و نتیجه حاصل نشده خصوصاً اگر ظاهر شود که حاکم غرضی داشته یا با جانی و ظالم و مقصر همراه بوده

(ثانی عشر) در مواردی که حکام برای وصول بقایا همراهی لازم بعمل نیاورند و از اجرای قوانین خود داری نمایند - (ثالث عشر) وقتیکه حکام در موارد بلدات سماوی از قبیل حریق و امراض مسریه در میان مردم و حشم و حیوانات و همچنان در موقع طغیان آب و طوفان و غیره با تمام قدرت و اختیاراتی که بآنها داده شده برای حفظ نفوس و کمال و اعانه بدرماندگان و بیچارگان اقدام نکرده اند (رابع عشر) در صورتی که مشاهده شود که عمداً یا چند دفعه سهواً قوانین راجع بخودشان را نقض کرده اند و از اندازه خود خارج شده اند خواه این اقدام را رأساً خودشان کرده باشند و خواه از اداره ولایتی و جاهائی شده باشد که در تحت ریاست یا نظارت حکام واقعد (خامس عشر) وقتی که بمأمورینی که بداخله ولایت برای انجام کاری میفرستند خرج سفر بدهند بدون اینکه قواعدی را که در این باب ایجاد شده رعایت نموده باشند

ماده ۹۱ - در تمام مواردی که در ماده قبل معین شده و همچنان در سایر مواردیکه از این قبیل باشد حکام بحکم قانون مسئولند و تنبیه و سیاست آنها بعد از ثبوت تقصیر آنها از توبیخ و شتمات گرفته الی خلع از شغل و عزل از حکومت بر حسب تصویب وزارت داخله بحکم بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی بعمل میآید و هر گاه تقصیر حاکم بقدری مهم باشد که بعد از عزل باید بمحاکم عدلیه جلب شود موافق نظامات عدلیه کار او بمحکمه لازمه رجوع خواهد شد و تحقیقات لازمه برای ارجاع کار حاکم مقصر بمحکمه عدلیه در مجلس وزراء بعمل خواهد آمد

هیجدهم - در روابط حکام

با مقامات عالییه و ادارات متساویه و تابعه (جزو حکومت)
ماده ۹۲ - حکام در مواردیکه بموجب این نظامنامه معین شده بتوسط وزارت

داخله بحضور مبارک اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی راپورت عرض می کنند و بصدور اوامر و احکام که بر طبق قوانین موجوده است از جانب سنی الحوائج مفتخر و مباهی می شوند

ماده ۹۳ - حکام بوزیر داخله و بفرمانفرما اگر باشد راپورت می دهند و دستور العمل میگیرند و بسایر وزراء در مواقع لازمه اطلاعات و عقاید خودشان را تقدیم میکنند

ماده ۹۴ - در صورتی که ولایتی جزو ایالتی باشد حاکم تابع دستورالعملهای قانونی فرمانفرمای آن ایالت است و اطلاعات و عقاید و ملاحظات خود را توسط فرمانفرما بوزرای مسئول راپورت مینماید از این قاعده کلی موارد ذیل مستثناست (اولاً) راپورت تحویل دادن و تحویل گرفتن ولایت و راپورت سر کشی نوبت اول ولایت و راپرتهای سالیانه و اطلاعات فوری راجعه بجریان امور ولایتی و اتفاقات فوق العاده امثال آن

(ثانیاً) راپرتهای راجعه بانقافات مهمه که اندک تأخیری در وصول اطلاعات در مرکز موجب خسران بزرگ تواند شد

(ثالثاً) در مواردی که حکام دستور العمل های واصله از فرمانفرما را مناقض و مخالف قوانین موجوده می دانند - در کلیه موارد مذکوره حکام مستقیماً اطلاعات و عقاید و ملاحظات خود را بوزیر داخله راپورت و بوزراء مسئول تقدیم می کنند و در همین موقع صورت آن راپورت ها را بجهت فرمانفرما میفرستند

ماده ۹۵ - حکام با ادارات کل و ادارات جزو وزارت خانه ها در پایتخت و كذلك با ادارات طرق و شوارع و معارف و گمرک و معادن و نظامی و بحری و پست و تلگراف که در ولایت تأسیس شده مدعی عمومی ولایت و همچنان با اداره تفتیش

ولایتی و انجمنهای ولایتی و بلدی مراسله مینویسند

ماده ۹۶ - حکام باداره ولایتی و به هیئت احصائیه و اداره مالیه و انجمن ولایتی و اداره بلدی و کمیسیون ها و نرخ ارزاق عقاید و ملاحظات خودشانرا اخطار می نمایند و ادارات ملاحظات خودشانرا بحاکم تقدیم میکنند

ماده ۹۷ - حکام به ادارات نظمی و ضبطیه کرسی ولایت و بلوکات که جزو حکومت هستند حکم می کنند و از آن ها راپرت می گیرند - باداره فراسوران که در کرسی ولایت تأسیس شده مراسله می نویسند و راپرت اطلاعات را می گیرند

ماده ۹۸ - ترتیب روابط حکام با دوایر عدلیه در نظامات عدلیه مندرج است

ماده ۹۹ - حکام باید مراقبت نمایند که نوشتجات و مکاتبات آنها با سایر ادارات و همچنان مکاتبات اشخاص و دوایر جزو حکومتی با ادارات متفرقه موافق قواعد توقیر و ادب باشد و طوری نباشد که تولید مناقشه و مکابره نماید و بی جهت مسائلی طرح شود که باعث ازدیاد مکاتبه و فوت وقت طرفین شود

ماده ۱۰۰ - حکام باید سعی نمایند که مکاتبه مابین دوایر حکومتی و سایر دوایر حتی المقدور بموقع و با معنی باشد و بیجهت رشته مکاتبات بطول نیسانجامد و کارها از جریان طبیعی نیفتد

ماده ۱۰۱ - حکام باید مراقبت نمایند که هر کاری در اداره و دایره متعلق بها طرح و تسویه شود و حدود و حقوق ادارات محفوظ بماند حاکم فقط در دو مورد حق دارد که کارها را در دفترخانه خود تسویه کند اولاً وقتی که کار فوری و فوری است و سرعت اقدام مستلزم استثناء از قاعده کلی است این گونه امور با منضات آن بعد از تسویه فوری باداره ولایتی داده خواهد شد و ثانیاً در صورتی

که استتار مطلبی یا مسئله مقتضی پیشرفت آن مسئله است و یا آنکه موقع مقتضی افشای آن مطلب نیست

ماده ۱۰۲ - حکام حق ندارند سواد قرار داد های اداره ولایتی را از آن اداره خواسته بدفترخانه خودشان بدهند و باید مراقبت داشته باشند که در دفترخانه آن اداره آن قرار داد ها بموقع اجرا گذارده شود

ماده ۱۰۳ - روابط رسمی حکام با ادارات و اشخاصی که تابع و جزو اداره ولایتی است و همچنان با ادارات و اشخاصی که جزو شعبات ولایتی و وزارتخانهها هستند باید بتوسط رؤسای آنها باشد مگر در صورتی که ضرورت ارتباط بلاواسطه اقتضاء کند یا نفع مهمی برای امور و ارتباط بلا واسطه منظور باشد

تبصره - هنگام سرکشی ولایات حکام حق دارند با ادارات و اشخاص جزو دوایر ولایتی مستقیماً مذاکرات شفاهی نمایند و ملاحظات و عقاید خودرا اخطار نمایند زیرا که بتجربه رسیده که نوع مذاکرات و اخطارات شفاهی بیشتر از مکاتبه مؤثر است

ماده ۱۰۴ - حاکم باید حتی المقدور بیشتر با مردم معاشرت نماید و اشخاصی که برای کار نزد او میآیند بآداب و توقیر بپذیرد و بانجباء و معارف ولایتی رابطه و آمیزش داشته باشد و کلیه طوری حرکت و رفتار نماید که طرف محبت و اعتماد اهالی واقع شود زیرا که اول وظیفه حاکم اجرای قوانین و حفظ رفاهیت و امنیت اهالی است و ارتباط معنوی که ما بین حاکم و اهالی از وداد و اعتماد حاصل میشود بهترین اسباب اجرای این مقصود مهم است

فوزدهم - در باب قواعدیکه باید حکام ترتیب داده

و بموقع اجرا گذارند

ماده ۱۰۵ - چون اجرای قوانین راجعه بامنیت و رفاهیت اهالی یکی از

وظایف عمده حاکم است و عادات و اخلاق اهالی و لایات متفاوت و مقتضی بعضی تصرفات و اقدامات است که باید از طرف دوائر حکومتی و نظمیہ بعمل آید لهذا حکام و ادارات نظمیہ میتوانند نظر باداد و عادات و اخلاق اهالی ولایت بعضی قواعد لازمه را چه عمومی باشد چه خصوصی مرتب نموده اعلام نمایند ولی اول شرط این حق حاکم آنست که این قواعد نباید و جها من الوجوه مخالف قوانین موجوده و مناقض دستور العملهای وزارتخانهها باشد

ماده ۱۰۶ - کلیه این قواعد بطوری که در ماده قبل مذکور است برای اهالی حتی الاجر است و تا موقوف نشود در قوت خود باقی خواهد بود و اشخاصی که بر خلاف این قواعد رفتار نمایند مورد مسئولیت خواهند بود و محاکمه و تنبیه آنها راجع است بمحاکمی که بموجب نظامنامه عدلیه مرجع امثال این امور خواهد شد

ماده ۱۰۷ - قواعدیکه حکام و ادارات نظمیہ و ضبطیه ایجاد می کنند باید در روزنامه های عملیه چهار دفعه اعلان شود و بطبع رسیده در معابر و کوچه ها و میدانها و ادارات پلیس و غیره یک ماه قبل از اجرا نشر و اعلام شود

(تبصره) قواعدیکه ادارات بلدیہ و ادارات اجتماعیه وضع میکنند بامضای حاکم رسیده بهمین ترتیب اعلام و بموقع اجرا گذارده میشود

ماده ۱۰۸ - اداره که ایجاد این قواعد را کرده است میتواند این قواعد را تکمیل یا تغییر داده یا بکلی رفع نماید ولی باز باید بهمان ترتیب تکمیل و تغییر و رفع قواعد اعلام شود

ماده ۱۰۹ - تفصیل این اقدام خود را بنا جهت آن و صورت قواعدیکه

ایجاد کرده اند حکام باید فوراً بوزیر داخله راپورت کنند و نسخه هم بفرمانفرما (جائی که هست) تقدیم مینمایند وزیر داخله حق دارد رأساً یا بواسطه شکایت ادارات و اشخاص متفرقه حکم تغییر و تکمیل و رفع قواعد موضوعه را بدهد

ماده ۱۱۰ - انجمن ولایتی و اشخاص متفرقه و کذاک ادارات بلدیہ حق دارند که بوزارت داخله و بمجلس شورای ملی از قواعدیکه ایجاد شده شکایت نمایند ولی مادامی که حکم نسخ نرسیده است از اجرای قواعد مزبوره نمیتوانند تخلف نمایند

ببستم - در ترتیب دفترخانه حاکم

ماده ۱۱۱ - حاکم هر ولایتی دفترخانه دارد که امور مذکوره ذیل را تسویه میکنند (اولاً) مکاتبات راجعه بسرکشی ولایت - (ثانیاً) نوشتجات راجعه براپورتهای سالیانه - (ثالثاً) اموری که باید در خفا بماند و بموجب قانون دستورالعملها باید بتوسط شخص حاکم فقط تسویه شود - (رابعاً) اموریکه فوری و فوری است و سرعت اقدام لازم دارد (امور اخیره با مضمات آن بعد از تسویه با اداره ولایتی داده میشود) - (خامساً) مکاتبه با ادارات نظامی در باب حرکت و استعمال قشون در ولایت

ماده ۱۱۲ - در این دفترخانه غیر از کتابچه فهرست نوشتجات وارده و ثبت نوشتجات صادره و مخفیہ (دوسیہ) کارها با نماینده عمومی (مقصود از نماینده عمومی دفتر است که فهرست تمام مطالب در آن ثبت است) داشتن کتابچههای مخصوص ذیل هم لازم است (اول) کتابچه دستورالعملهای وزیر داخله (دوم) کتابچه ثبت امور محرمانه (چهارم) کتابچه ثبت خواهش و استدعاهائیکه از حاکم میشود و

در این کتابچه مستدعیات بترتیب حروف تهجی نوشته شده و قید میشود که عریضه شخص عارض بکی و بکدام اداره فرستاده شد

ماده ۱۱۳ - رئیس دفتر خانه مسئول تمام امور دفتر خانه است منشی و محررین دفتر خانه را بقدر لزوم خود حاکم معین می کند

ماده ۱۱۴ - حکام حق دارند که یک یا دو نفر آجودان از صاحبمنصبان نظامی و کشوری بانتخاب خودشان داشته باشند برای انجام مأموریت های مخصوص که بآنها محول میشود و برای پیغامات مهمه ولی این اشخاص نباید با حاکم قرابت و خویشی داشته باشند عزل و نصب این اشخاص با حاکم است بشرط رعایت قوانین راجعه بخدمت دولتی و ترفیع رتبه و مرخصی و عزل و غیره که برای مأمورین دولتی مقرر است

ماده ۱۱۵ - علاوه بر آجودان های مذکور در ماده قبل حکام باید بعضی مستخدمین از شاگردان فارغ التحصیل مدارس که خود را برای خدمت حاضر میکنند در دفترخانه خود داشته باشند این نوع اشخاص تا تجربه در امور حاصل نکرده اند و صداقت آنها بتجربه نرسیده در دفتر خانه حکومتی بجای کار خواهند کرد و گاه گاهی مأموریت های غیر مهمه با خرج دولتی بآنها محول میشود تا در موقع مقتضی داخل خدمت شوند و در صورتی که این نوع اشخاص داخل خدمت شدند خدمت سابق آنها در دفتر خانه حاکم جزو خدمت دولتی آنها محسوب خواهد شد

فصل سیم - در اداره ولایتی

اول - تشکیل اداره ولایتی و حدود و وظایف

اداره ولایتی و اختیارات آن

ماده ۱۱۶ - اداره ولایتی بمجلس عالی است که برای اداره کردن امور ولایتی

تأسیس شده اداره مزبور مجری و ناظر اجرای قوانین راجعه بولایت است

ماده ۱۱۷ - وظایف این مجلس از قرار تفصیل است (اول) اعلان و انتشار

قوانینی که ایجاد شده و كذلك دستور العمل های وزارت داخله و تبلیغ نسخه های چاپی قوانین بادارات نظمی و ضبطیه (دوم) نظارت اجرای قوانین

در تمام دوائر ادارات (محلّیه) و اینکه اقدامات لازمه برای جلوگیری از نقض

قوانین بعمل آید و نظارت جریان طبیعی امور در تمام دوائر محلّیه تابعه و

تنبیه و سیاست صاحبمنصبانی که از طرف رئیس ولایت در دوائر حکومت

معین شده اند و همچنان تنبیه و سیاست صاحبمنصبان اداره نظمی و ضبطیه

(در صورتیکه از صاحبمنصبان دوائر حکومتی و نظمی و ضبطیه مساعه یا

اهمال و یا تقصیر جزئی سرزده باشد) و ارجاع بمحاکم عدلیه در صورتیکه

تقصیر مهمی از آنها ناشی شده باشد و كذلك جلب مستخدمین و اجراء

ادارات دوائر محلّیه را بمحاکمه در صورتیکه آنها را دوائر محلّیه معین کرده باشند

(رجوع بماده ۳۹۱)

تبصره - صاحب منصبان اداره تفتیش از این قاعده مستثنا و بموجب قانون

مخصوص تشکیل وزارتخانهها به محاکم عدلیه جلب خواهند شد

(سیم) حل مشکلاتی که در فهمیدن قوانین یا در موقع اجرای آن پیش میآید

و كذلك اختلافاتی که فیما بین انجمن ولایتی با ادارات محلّیه واقع میشود و نیز

اختلافاتی که ما بین دوائر تابعه با اداره ولایتی و دوائر تابعه بنا دارانیکه در ولایت

تشکیل شده اند در باب مرجعیت امور حاصل میشود همچنان رفع معارضاتی

که فقط فیما بین دوائر بلوکی که در یک ولایت واقع و تابع اداره

ولایتی هستند در باب مرجعیت امور اتفاق میافتد (چهارم) جمع کردن اطلاعات

لازمه از مأمورین سرحدی در باب مهاجرت تبعه خارجه بولایات ایران و قسم دادن تبعه خارجه را در وقت دخول بتسابعیت ایرانیه (پنجم) دادن تعلیمات لازمہ بدوائر و اشخاص لازم در باب اختطاراتی که رئیس ولایت در موقع حال اگر دشی بان دوائر و اشخاص نموده است

(ششم) تسویہ کلیة اموری که از دوائر مختلفه نزد حاکم میآید و تمام کارها و مسائلی که بموجب قانون راجع بحاکم است تسویہ شود باستثنای اموری که در ماده (۱۱۱) مذکور و راجع بدفتر خانه حاکم است

(هفتم) مراقبت در امور حفظ الصحه بطوری که در نظامنامه حفظ الصحه مصرح بها است (هشتم) تحصیل اطلاعات راجعه بدفتر نفوس و حرقت و صنعت ولایتی و کارخانها و پست و تلگراف و راهها و پلها و معابر و نظارت اکیال و اوزان و امور راجعه بیزارهای عمومی و غیره (نهم) نظارت در ساختن راههای ولایتی و راههای نظامی (دهم) تحصیل اطلاعات راجعه به بقایای ولایتی و راپورتهای اندازه ضبطه در پیشرفت وصول بقایا و یا عدم وصول آن (یازدهم) تقدیم لواجیح مقاطعه هائیکه در ولایت از طرف خزانه دولت بتصویب انجمن ولایتی داده میشود و مبلغ آن یش از پانصد تومان است بوزارت داخله و سایر وزارتخانهها (مقاطعه که مبلغش الی پانصد تومان است بسته بتصویب حاکم و اطلاع انجمن ولایتی است (دوازدهم) تحصیل تمام اطلاعات راجعه به ممیزی ها و تحدید حدود املاک و غیره (سیزدهم) نظارت در امور راجعه بتوقیف اموال و املاک بحکم محکمه عدلیه یا رعایت قوانین شرعیه (چهاردهم) الزام در اجرای وصایای متعلقه به امور خیریه عامه در صورت تأخیر و تخلف از عمل وصایا (پانزدهم) تسویہ کلیة کارهای اداره که بعد بموجب قوانین باین اداره موکول و محول خواهد شد (شانزدهم) رسیدگی

بشکایاتی که مردم از ادارات بلدیہ بحاکم میدهند (هفدهم) تسویہ کلیه اموری که راجع بحصول آسایش و امنیت اهالی است (هیجدهم) عزل و نصب مستخدمین دفتر خانه اداره ولایتی و مرخصی موقتی آنها و امور راجعه بترقیه رتبه و مناصب و امتیازات آنها موافق قوانین موضوعه

ماده ۱۱۸ - اداره ولایتی باموریکه راجع برسیدگی در محاکم عدلیه است دخالت نخواهد کرد یعنی محاکمه نمینماید

ماده ۱۱۹ - اداره ولایتی در اداره وزارت داخله و تابع اوامر و دستورات العمل های مجلس وزراء است

ماده ۱۲۰ - اداره ولایتی مرکب است از یک مجلس مشاوره و یک دفترخانه مجلس مشاوره در تحت ریاست حاکم مرکب است از معاون و دو مستشار و مهندس ولایتی و طبیب و مساح و معمار ولایتی و یک نفر معین اداره تمام این اشخاص موسومند باعضاء مجلس مشاوره ولایتی

تبصره - در جاهائیکه از برای مجلسها مفتش معین شده و در ولایت مقیم است او هم عضو این مجلس محسوب است

ماده ۱۲۱ - حاکم و معاون و مستشار ها و معین اداره در کلیه اجلاسات مجلس حاضر شده و رأی میدهند ولی سایر اعضاء در صورتی حاضر میشوند که امری راجع بکار آنها مطرح مذاکره باشد

تبصره - یکی از مستشار های اداره ولایتی بتصویب حاکم و امضای وزیر داخله مستشار اول خواهد بود

ماده ۱۲۲ - دفتر خانه مجلس مشاوره نظر بانواع و اقسام امور بچند شعبه منقسم میشود و هر شعبه در اداره یکی از مستشار ها یا اعضای مجلس مشاوره

خواهد بود و مدیر آن شعبات هر کدام معاون و بقدر لزوم منشی و اجزاء خواهند داشت امور عمومی اداره ولایتی راجع بشعبه عمومی دفتر خانه است و يك نفر منشی با معاون و اجزاء آن شعبه را اداره خواهد کرد کتابچه های صادره و وارده و دفاتر کار (دوسیه) این اداره به موجب دستور العمل وزارت داخله مرتب خواهد شد تمام شعبه های دفتر خانه در تحت ریاست معاون حاکم است

ماده ۱۳۳ - در ولایاتی که اداره محبسه با مفتشین ایجاد شده در دفتر خانه مجلس مشاوره شعبه نیز باسم شعبه محبسه ایجاد خواهد شد

ماده ۱۳۴ - مواردی که در اداره ولایتی مسائل حفظ الصحة یا مطالب راجعه بامراض مسریه از قبیل وبا و طاعون و غیره طرح می شود و یا مطالبی مورد مذاقه است که راجع به دوائر مختلفه است و برای انجام آن سعی و کوشش آن دوائر لازم است اشخاص ذیل هم بمجلس مشاوره مزبور دعوت می شوند کار گذارها و رؤسای دوائر محاسبات و دوائر معارف و خالصه جیات و رؤسای انجمن های ولایتی و بلدی (کلانترها) و رؤسای نظمیه و معاون طبیب ولایتی و کلیه اشخاصی که اطلاعات و بصیرت آنها موجب پیشرفت مقاصد است

ماده ۱۳۵ - در صورتی که مسئله در اداره ولایتی طرح شود که راجع بعمل طبی و مهندسی و مساحی باشد در تحت ریاست مهندس و یا حافظ الصحة یا مساح ولایتی انجمنی از اشخاصی که در اداره آنها هستند تشکیل می شود و بعد از مذاکره صورت مجلسی که بامضای اعضای انجمن رسیده به مجلس مشاوره می آید رؤسای این انجمنها می توانند اشخاص معروف و اهل علم و عمل را باین انجمنها دعوت نمایند

ماده ۱۳۶ - حافظ الصحة ولایتی و همچنین مهندس و مساح ولایتی بعلاوه اینکه در مجلس مشاوره و اداره ولایتی در موارد لازمه حاضر می شوند هر کدام در تمام ولایت بامور راجعه ببن خودشان نظارت خواهند داشت یعنی طبیب بامور طبیه ولایتی و مهندس و معمار بامور مهندسی و معماری ولایت و مساح بامور راجعه به مساحی و هر کدام از مستخدمین مزبوره در شعبه لازمه دفتر خانه اداره ولایتی راجعه ببن خودشان سرکشی خواهند نمود

ماده ۱۳۷ - مفتشین محبس های ولایتی موافق دستور العمل های حاکم در شعبه دفتر خانه اداره ولایتی که راجع بامور محبس و محبوسین و اجرای احکام محاکم عدلیه است سمت مدیری خواهند داشت و امور آن شعبه را اگر راجع به حاکم است به دستور العمل حاکم و هر گاه راجع به اداره ولایتی است بدستور العمل آن اداره موافق حدود این قوانین انجام خواهند داد تکالیف مفتش محبس ها در نظامنامه راجعه به محبس ها و محبوسین مندرج است

ماده ۱۳۸ - طبیب ولایتی و مهندس و معمار و مساح و مفتش محبس های ولایتی هر کدام شعبه از شعبات دفتر خانه اداره ولایتی را که راجع بانهاست اداره خواهند کرد و در صورت لزوم معاون و اجزاء خواهند داشت و عده منشی و صاحبمنصبان و مستخدمین دفتر خانه اداره ولایتی را وزیر داخله تعیین کرده صورت آترا برای هر ولایتی اعلان خواهد کرد

ماده ۱۳۹ - اداره ولایتی در صورت لزوم مطبعه خواهد داشت که روزنامه رسمی ولایتی و اجزاء و قواعد خدمت آنها در مطبعه و اداره روزنامه رسمی در نظامنامه انطباعات مرتب خواهد داشت

ماده ۱۳۰ - اداره ولایتی میتواند بصاحبمنصبانی که برای خدمت مخصوصی در نزد حاکم (اجودان های حاکم) هستند خدمتی رجوع نماید و کذا لک بعضی از جوانان فارغ التحصیل را در دفتر خانه بعنوان مستخدمین یدکی بمانا مشغول نماید و بعد از اینکه درستی و صداقت و علم و اطلاعات آنها بتجربه رسید در ادارات نظمی و ضبطیه و یا یکی از دوائر بلوکی داخل خدمت شوند.

ماده ۱۳۱ - هرگاه مستخدمین یدکی در مدت یکسال با بودن محل نتوانستند داخل خدمت واقعی شوند از دفتر خانه اداره ولایتی خارج خواهند شد و اگر بعد از دادن امتحانات و تحصیل اطلاعات لازمه داخل خدمت شدند زمان خدمت سابق آنها جزو خدمت واقعی محسوب خواهد شد.

ماده ۱۳۲ - هرگاه لازم شود که صاحبمنصبان و مستخدمین حکومتی برای انجام مأموریتی بجائی فرستاده شوند ممکن است که با اجازه حاکم از وجوهی که برای این نوع مصارف معین شده مخارج سفر بآنها داده شود حاکم و اداره ولایتی خرج سفر را در صورت ضرورت بمسئولیت خودشان خواهند داد و باید مراقبت نمایند که خرج سفر از مقصری که باعث فرستادن مأمور شده است گرفته شود و باشخاصی که در جزو مقرری آنها خرج سفر منظور شده (از قبیل میوه های ضبطیه نظمی و غیره) خرج سفر داده نشود حاکم حساب این نوع مخارج را باید سالیانه بوزیر داخله بدهد.

ماده ۱۳۳ - مقدار مقرر صاحبمنصبان و مستخدمین اداره ولایتی و کلیه دوائر حکومتی چه در ولایات و چه در عمال و همچنین ترتیب مراتب و مناصب مستخدمین مزبوره و قواعد ترفیع رتبه و اعطای امتیازات در باره آنها و کذا لک ترتیب متقاعد شدن آنها و مقدار مستمری که بمستخدمین مزبوره دو موارد

لازمه باید داده شود در قوانین خدمت دولتی و نظامات راجعه بمستخدمین دولتی مندرج است.

ماده ۱۳۴ - مستخدمین دفتر خانه اداره ولایتی را هر يك از اعضای اداره مزبوره علیحده برای شعبه خود انتخاب خواهند کرد و به معرفی معاون حاکم که رئیس دفتر خانه است حاکم ولایت آنها را بشغل خودشان منصوب خواهد کرد.

دویم - در اختیارات اداره ولایتی

ماده ۱۳۵ - اختیارات اداره ولایتی محدود بمحدود ولایت است یعنی فقط در حدود ولایت این اداره می تواند با ادارات تابعه حکم بدهد و مجبور به اجرای قوانین نماید و کلیه نسبت بآنها ناظر اجرای قوانین باشد لهذا اگر اختلافی یا معارضه در باب مرجعیت امور مابین دوائر حکومتی يك ولایت یا دوائر حکومتی ولایت دیگر یا مابین دوائر حکومتی يك ولایت یا دوائر مختلفه ولایت دیگری حاصل شود باید دید کاری که باعث حدوث اختلاف بوده در کدام ولایت شروع شده و با اداره ولایتی آن ولایت رجوع کرد هر گاه اختلافی فیما بین دو اداره ولایتی در ولایتی در باب مرجعیت کارها و غیره روی دهد حکم آن با وزارت داخله خواهد بود ولی اگر اختلافی مابین اداره ولایتی با شعب وزارتخانه و انجمن ولایتی یا باشخاصی که تابع اداره ولایتی نیستند اتفاق افتد حکم آن با مجلس وزراء است (رجوع بماده ۳۸۸)

ماده ۱۳۶ - اداره ولایتی اختیاراتی مخصوص نسبت به ادارات نظمی و ضبطیه دارد لهذا مکلف است که بکلیه شکایاتی که از ادارات نظمی و ضبطیه می شود رسیدگی نماید و اگر تعطیل یا تأخیری در امور آن ادارات

مشاهده نماید یا بی نظمی و بی قاعده گی از آن ادارات سر بزند رفع نماید و حق دارد کلیه اقدامات ادارات و نظمی و ضبطیه را در صورت لزوم تعطیل نماید ولی بشرطی که این اقدامات نظمی و ضبطیه راجع به تحقیقات جنحه و جنایاتی نباشد زیرا که در این موارد ادارات مزبور تابع مدعی عمومی و معاون آن هستند.

ماده ۱۳۷ - اداره ولایتی شکایاتی که از صاحب منصبان و مستخدمین ادارات جزو خود می شود رسیدگی مینماید و از آنها توضیحات می خواهد و اگر تقصیر آنها به ثبوت رسید تنبیه و سیاست آنها موافق قوانین (رجوع بماده ۳۹۱) منوط بقرار داد اداره ولایتی است و اگر تقصیر آنها باندازه ایست که تنبیه و سیاست آنها از این حد تجاوز می نماید اداره ولایتی کار آنها را بمحاکم عدلیه رجوع خواهد کرد.

ماده ۱۳۸ - هر گاه یکی از صاحب منصبان و مستخدمین ادارات تابعه بداره ولایتی بخیانت خدمتی یا حیف و میل نمودن وجوه اداره متهم شود و کسی که مأمور به تحقیقات و رسیدگی باینگونه اتهام است از اداره ولایتی توقیف اموال شخص متهم را بخواهد اداره مزبوره بطوری رفتار خواهد کرد که در نظاهات عدلیه مندرج است.

ماده ۱۳۹ - هر گاه از وزیر داخله یا سایر وزراء دستور العملی بحکومت ولایت برسد و اداره ولایتی آن دستور العمل را برخلاف قوانین موضوعه مشاهده نماید حق دارد که آن دستور العمل را بلا اجرا گذاشته ملاحظات خود را بمجلس وزراء راپورت کند و حکم وزراء را مجری دارد.

ماده ۱۴۰ - هر گاه از مجلس وزراء دستور العملی برسد که اداره ولایتی

آنرا برخلاف قوانین موضوعه تصور نماید اداره ولایتی مکلف است که آن دستور العمل را بلا اجرا گذاشته ملاحظات خود را بهمان مجلس راپورت کند تا رسیدگی نموده رأی بدهد و این رای بلا تأخیر بتوسط اداره ولایتی بموقع اجرا گذارده خواهد شد.

ماده ۱۴۱ - در صورتی که اشتباهی یا شك و شبهه در معنی قانونی برای اداره ولایتی دست دهد اداره مزبوره و رؤسای دوائر اداره و عدلیه را تماماً باجلاس عمومی خود دعوت می نماید و بعد از مذاقه لازمه مجلس مزبور با کثرت آراء معین می کند که فی الواقع اشتباهی یا شك و شبهه در معنی قانون حاصل است یا نه هر گاه تردیدی نیست موافق قرار داد مجلس عمومی اداره ولایتی باجرائ آن قانون اقدام کرده مراتب را بمجلس وزراء اطلاع می دهد و در صورت بقای اشتباه بمجلس وزراء رجوع کرده توضیحات لازمه را می خواهد در مسائل خصوصی یا غیر مهمه اداره ولایتی بدون تشکیل مجلس عمومی از وزارتخانه لازمه بتوسط حاکم توضیحات لازمه را می خواهد.

(تبصره) - این ترتیب برای موارد فوق العاده و مهم است ولی در غیر این موارد همینکه اشتباهی در معنی قانون حاصل شد اداره ولایتی از وزیر مسئول به توسط حاکم محل توضیحات لازمه را می خواهد.

ماده ۱۴۲ - این اقدامات اداره ولایتی در صورتی صحیح است که فی الواقع اشتباهی در معنی قانون حاصل شده و مورث اشکالات در اجراء آن شده باشد و الا مساعه در اجرائ آن بعنوان حصول اشتباه در معنی اکیداً ممنوع است.

ماده ۱۴۳ - اداره ولایتی مهری خواهد داشت با علامت آن ولایت و دور آن

علامت نوشته خواهد شد اداره ولایتی ولایت
 علامت نوشته خواهد شد اداره ولایتی ولایت

سوم - در ترتیب اجلاسات اداره ولایتی

و حقوق و تکالیف اعضای آن

ماده ۱۴۴ - صدر مجلس مشاوره ولایتی جای رئیس یعنی حاکم ولایت است بعد از حاکم معاون می نشیند و بعد از او مستشار اول و بعد سایر اعضاء به ترتیب رتبه و مقام آنها بعد معین الاداره

ماده ۱۴۵ - در موقع تعطیل تابستان اعضاء اداره ولایتی در صورتیکه کارشان مترکم نشده باشد میتوانند با اجازه حاکم مرخصی گرفته تعطیل نمایند ولی در اداره ولایتی باید اقلاً سه نفر از اعضاء بمانند سایرین هم هر وقت حضور آنها لازم شد باید مراجعت نمایند

ماده ۱۴۶ - تکالیف معاون حاکم در اداره ولایتی از قرار تفصیل است :
 (اول) او معاون بلا واسطه حاکم است در اداره کردن کلیه امور ولایتی - (دوم) مراقب و مواظب صحت امور و انتظام کار های اداره ولایتی است و نظارت مخصوصی در انتظام امور دفتر خانه آن اداره دارد - (سوم) در صورت غیبت حاکم از ولایت بهر جهتی که باشد معاون مدیر ولایت است - (چهارم) در صورت غیبت حاکم از کرسی ولایت برای محال گردشی معاون کفیل امور ولایتی است و از طرف حاکم کاغذ ها را بسمت کفالت امضاء میکند - (پنجم) برای اینکه معاون حاکم از وضع امور مطلع باشد حتی المقدور در اجلاسات کمیسیونها و کمیته ها (انجمنها) که در تحت ریاست حاکم برای انجام امور تشکیل مییابد حاضر شده صورت مجلس را امضاء مینماید - (ششم) در مواردیکه کسی از اقدامات صاحبمنصبان و مستخدمین دولتی در محکمه بدایت شکایت نموده از دولت

مطالبه خسارت ننماید باید معاون حاکم در دیوانخانه مزبوره حاضر شده در حضور او رسیدگی بعمل آید - (هفتم) حاکم میتواند عوض خود معاون خود را برای سرکشی بدوایر جزو حکومتی بفرستد و وزیر داخله را هر دفعه از مأموریتی که بمعاون داده مطلع ننماید - (هشتم) در صورتیکه حاکم غائب باشد معاون او در اداره ولایتی در صدر مجلس مینشیند ولی در کارهاییکه باید تمام اعضاء اداره رأی بدهند معاون بیش از يك رأی ندارد - (نهم) معاون اگر در اداره ولایتی اغتشاشی یا بسی نظمی مشاهده کند حق دارد باعضای آن اخطارات لازمه را بنماید و اگر نتیجه حاصل نشد ملامت و توبیخ ننماید و در صورت اهمیت مسئله مراتب را بحاکم اطلاع دهد در باره مستخدمین دفتر خانه یعنی محررین و دفتر دار و غیره حق تنبیه آنها را در صورت لزوم موافق ماده (۲۸۹) دارد باستثنای مدیر شعبه عمومی دفتر خانه که منشی اداره ولایتی است و معاون آن که فقط میتواند مورد توبیخ و ملامت واقع شوند و هر يك از اعضاء اداره ولایتی نیز نسبت باجزای شعبه خود از دفتر خانه اداره ولایتی حق توبیخ و ملامت را دارند و اگر ثمری نبخشید حق خواهند داشت که موقتاً آنها را از شغل منفصل نموده مراتب را بریسی که آنها را معین کرده اطلاع دهند

ماده ۱۴۷ - وظیفه مستشار اینست که در صورت غیبت معاون قائم مقام او واقع شود در این مورد مستشار اول کاغذ ها را به نیابت از طرف معاون امضاء میکند و در این مواقع معین الاداره کار های شعبه مستشار را در دفتر خانه اداره ولایتی کفالت میکند

ماده ۱۴۸ - چون مستشارها باید در اداره ولایتی مراقب بامور محوله بخود باشند لهذا فرستادن آنها بداخله ولایت برای انجام مأموریتی جایز نیست مگر باقتضای ضرورت

ماده ۱۴۹ - معین اداره کار معینی در اداره ولایتی ندارد غالباً یا قائم مقام یکی از مستشارها که غایب است واقع میشود و با کار خصوصی باو رجوع میشود در صورتیکه هر دو مستشار یکدفعه غایب شوند یا اینکه یکی از مستشارها و معین اداره هر دو غایب باشند یکی از صاحبمنصبان مجرب اداره مالیه یا کارگذاری میتواند موقتاً با رعایت قدمت خدمت بسمت مستشاری در مجلس مشاوره حاضر شود

چهارم - تقسیم کارهای اداره ولایتی

و ترتیب حل و تسویه آنها

ماده ۱۵۰ - اموری که راجع باداره ولایتی است بر سه نوع است (اول) امور راجعه بمحاکم اداره (دویم) امور اداره فقط (سیم) امور اجرائیه

ماده ۱۵۱ - امور راجعه بمحاکم اداره از قرار تفصیل است (اول) رجوع کردن کار صاحبمنصبان و مستخدمین را بمحکمه عدلیه (دویم) رفع اختلافاتی که در باب مرجعیت امور بطوریکه در ماده (۳۸۸) مذکور است حاصل میشود و حکم بحقیانیت (سوم) امور راجعه به شک و شبهه که در معنی قانون حاصل میشود رجوع بماده ۱۴۱ (چهارم) تنبیه و سیاست صاحبمنصبان و مستخدمین در صورت مساعه و ملاحظه آنها (پنجم) رسیدگی بشکایاتی که از تأخیر و تعطیل در کارها میشود

ماده ۱۵۲ - تمام امور راجعه بمحاکم اداره باید حتماً در مجلس مشاوره ولایتی مطرح مذاقه گردد و در قرار داد های راجعه باین امور فقط اکثریت آراء اعضای مجلس مشاوره اداره مناط اعتبار است و در صورت تساوی آراء طرفین رأی حاکم اکثریت را معین میکند

ماده ۱۵۳ - امور اداره اموری است که مذاقه و مباحثه مجلس مشاوره

اداره ولایتی را لازم دارد و بدون این نوع مذاقه اداره ولایتی نمی تواند اظهار رأی یا عقیده نماید یا اینکه این امور طوری است که در فهمیدن یا ترتیب تسویه یا اجرای آن عقاید مختلف میشود مثل اقداماتی که بموجب قانون میشود و منافع خزانه دولت یا شهر و غیره را در بر دارد یا راجع باصلاح و ترقی وضع ولایت است لهذا عزل و نصب اشخاصی که پول یا اموال دولت در دست آنها است و اقدامات لازمه برای افتتاح شهر یا محال جدیدی و بخشیدن بقایائی که وصول شدنی نیست پس از تصویب انجمن ایالتی بموجب قانون و همچنان نقشه باز دید و دستور العمل ابنیه و عماراتی که باید بخرج دولت ساخته شود با صلاح اندیشی انجمن ایالتی و دادن مقاطعه ها و مسئول نمودن مقاطعه کاران و کلیه این نوع امور امور اداره می است - امور اجرائیه امور بست که حل و تسویه آنها فقط بسته با اجرای قوانین است یا اجرای تقاضاتی که دوایر اداره بموجب قوانین می نمایند و محتاج بمذاقه در مجلس مشاوره اداره ولایتی نیست مثل اقدامات فوری که باید حکومت برای جلوگیری از امراض مسریه و سریع الانتشار بعمل آورد و همچنان اقدامات برای سر شماری و وصول بقایا و اجازه تأسیس بازارها و کارخانها و مطبعه ها و دواخانها و تادیه مواجب و مقرری های مأمورین و استدعای امتیاز و ترفیع رتبه برای صاحبمنصبان و مستخدمین و اعلام و انتشار قوانین موضوعه و اقدام در اجرای احکام محاکم عدلیه و کلیه اموری که از این قبیل است

ماده ۱۵۴ - امور اداره نیز باید در مجلس مشاوره اداره ولایتی مطرح مذاقه شود ولی اجرای قرار داد های راجعه باین نوع امور یا حاکم است امور اجرائیه بسته باهمیت آن بحکم حاکم یا معاون و بابتوسط خود مدیرهای شعبات دفترخانه اداره ولایتی بموقع اجرا گذارده میشود بدون اینکه بدو در مجلس مشاوره اداره ولایتی مطرح مذاقه گردد

ماده ۱۵۵ - هر گاه در مذاکره امور اداره اختلاف آراء حاصل شد اکثریت آراء مجلس مشاوره قرار داد ولایتی خواهد بود ولی اعضائیکه به اکثریت توافق حاصل نکردند و قرار داد اداره مزبوره را قبول نمودند می توانند در صورت مجلس این نکته را قید نمایند و در مدت چهار روز از روز اجلاس عقیده کتبی خودشان را بحاکم تقدیم کنند و الا مثل این است که قرارداد اداره ولایتی را قبول کرده باشند

ماده ۱۵۶ - چنانچه حاکم قرارداد اداره ولایتی را در امور اداره نپسندید می تواند رأی خودش را بتوسط وزارت داخله بمجلس وزراء ابراز کند و در صورت تصویب مجلس مذکور این رأی حاکم بموقع اجراء گذارده خواهد شد ولی اشخاصیکه رأی حاکم را تصویب نمودند یا با رأی اکثریت موافق نیستند میتوانند رأی خود را بوزیر داخله یا بفرمانفرما تقدیم کنند و اگر این اقدام را در مدت هفت روز از روزی که صورت مجلس بامضای حاکم رسیده و بمجلس اعاده شده نمودند مثل اینست که رأی حاکم یا قرار داد اکثریت را قبول کرده باشند هر گاه حاکم مشاهده نماید که عضو مکرر عقیده مخصوصی اظهار کرده و بجاهای لازم رجوع نموده حق دارد بخواهد که این نکته را در صورت مجلس درج نماید و در صورت تکرار بوزیر داخله اطلاع دهد

ماده ۱۵۷ - حاکم در صورتیکه بخواهد می تواند امور اجرائیه را هم به مذاقه مجلس مشاوره رجوع نماید در این صورت جریان این امور هم مثل امور اداره خواهد بود

ماده ۱۵۸ - از قرار داد های مجلس مشاوره آنچه راجع بامور محاکمه اداره نیست باید با اطلاع مدعی عموم ولایت برسد تا مشار الیه صورت مجلس را

ملاحظه نموده عقیده خود را یا شفاهاً اظهار دارد و یا کتبا بمجلس مشاوره ارسال نماید مدعی عمومی مجاز نیست که صورت مجلس را زیاد از اندازه پیش خود نگاه دارد و در امور فوری باید بلا تأخیر صورت مجلس را ملاحظه کرده معاونت دهد و در پائین صورت مجلس عبارت (ملاحظه شد) باتاریخ آن قید نماید

ماده ۱۵۹ - هر گاه اداره ولایتی ملاحظه مدعی عمومی را پسندیده با رضایت حاکم قرار داد خود را تغییر می دهد و الا قرار داد خود را بحری میدارد و در صورت عدم قبول ملاحظات کتبی مدعی عمومی اداره ولایتی کتباً مراتب را بمشار الیه اطلاع میدهد و سوادى از قرار داد خود را برای مشارالیه می فرستد

ماده ۱۶۰ - همینکه صورت مجلس اداره ولایتی نوشته شده و بامضای اعضا اداره مزبوره رسید صورت مجلس حکم قرار داد را خواهد داشت و همینکه حاکم هم تصویب نمود و مدعی عمومی هم ایرادی نمود آن قرار داد منط اعتبار بوده بموقع اجرا گذارده خواهد شد

ماده ۱۶۱ - قرار داد اداره ولایتی را که مناط اعتبار است هیچکس حق ندارد غیر از مجلس وزراء تغییر بدهد یا نسخ نماید

ماده ۱۶۲ - در صورتیکه تغییر قرار داد اداره ولایتی که مناط اعتبار است لازم شود یا اداره که مطلب راجع بآن است با خود اداره ولایتی مراتب را بمجلس وزراء اظهار و کسب تکلیف خواهد کرد

ماده ۱۶۳ - هر گاه در کار های اداره و اجرائیه تغییر اوضاع و احوال مستلزم قرار داد های جدیدی بشود اداره ولایتی حق این اقدام را خواهد داشت زیرا که مقصود از مواد ۱۶۲ - ۱۶۱ این است که اداره مزبوره

قرار داد های ناسخ و منسوخ در کاری ندهد ولی تغییر قرار داد ها بمرور وقت و تغییر اوضاع جایز است مثلاً عزل صاحب منصبان و مستخدمین را که اداره ولایتی معین کرده است ممکن است کذا لک کاری که خود اداره ولایتی رسیدگی کرده و تمام کرده است بواسطه حدوث بعضی اتفاقات غیر مترقبه ممکن است محتاج به رسیدگی جدیدی باشد و همچنان تغییر قرار داد را که اداره ولایتی در باب تقسیم قشون ولایتی داده بواسطه تغییر اوضاع و احوال جایز است

ماده ۱۶۴ - هر گاه قرار داد را که خود مجلس مشاوره اداری بواسطه حکم مقامات عالیله داده است بواسطه حکم همان مقامات در آن باب قرار دیگری بدهد یا آن قرار داد را تغییر بدهد ناسخ و منسوخ نخواهد شد

ماده ۱۶۵ - حاکم و معاون آن باید مراقب باشند که در اداره ولایتی امور محاکمه و امور اداره را بعنوان امور اجرائیه تسویه نمایند و اجزاء از حدود خود تجاوز نکنند و اگر چنین اتفاقی روی داده باشد باید این اتفاق در حال اهمیت مسئله در صورت مجلس قید شود و با اطلاع فرمانفرما (در جائیکه هست) و وزیر داخله برسد تا مقصر را تنبیه نمایند

ماده ۱۶۶ - هر گاه حاکم از کرسی ولایت غیبت نماید ولی در حدود ولایت باشد و در حین مذاقه در امور اداره اختلاف آراء در مجلس مشاوره اداره ولایتی حاصل شود آنکار را باید تا زمان مراجعت او بتأخیر انداخت و چنانچه فوری باشد باید صورت مجلس را نزد او فرستاد همینطور اقدام می شود در مواقعی که معاون حاکم اشتباهی در امور داشته باشد و همچنان در صورت غیبت حاکم بدون انفصال او اداره ولایتی بدون امضای او حکم باخراج

مستخدمین ناقابل از خدمت و عزل آنها یا رجوع کار آنها بمحکمه عدلیه نمی نماید **ماده ۱۶۷ -** حاکم هر چند صدر مجلس مشاوره اداره ولایتی است ولی مجبور نیست که در کلیه اجلاس مجلس حاضر باشد بلکه حضور او در مجلس عمومی با اختیار خود اوست ولیکن در موارد مهمه و کذا لک در مورد ماده ۱۴۱ و همچنان در موردی که فرمانفرمای ایالت (اگر داشته باشد) در اجلاس اداره مزبور حاضر می شود حاکم نیز باید حتماً حاضر باشد و برای اینکه تحریص و ترغیب یا تهدیدی در قرار داد اداره ولایتی ننموده باشد حاکم رأی خود را چه در حضور و چه در غیاب بعد از رأی سایر اعضاء مجلس مشاوره اظهار میدارد

ماده ۱۶۸ - هر گاه فرمانفرمای ایالت (در جائیکه هست) در اجلاس مجلس حاضر باشد صدر مجلس خواهد نشست و در این مواقع حاکم ولایت در حقوق با سایر اعضاء مساوی خواهد بود

ماده ۱۶۹ - در جائیکه ولایت جزو ایالتی است اداره ولایتی مکلف است که قرار داد های خود را در ارجاع کار مأمورین و مستخدمین دوایر حکومتی و محلیه بمحاکم عدلیه (رجوع بماده ۳۹۱ و ۳۹۲) برای تصدیق فرمانفرما نزد او بفرستد و فرمانفرما در صورتیکه رأی اداره ولایتی را تصویب نماید بدون اینکه حق تغییر قرار داد را داشته باشد فقط تعطیل اجرای قرار داد را نموده ملاحظات خود را به مجلس وزراء اظهار میدارد و حاکم بوزیر داخله مراتب را اطلاع میدهد

پنجم - در روابط اداره ولایتی

با سایر ادارات

ماده ۱۷۰ - اداره ولایتی بمجلس وزراء و باشخاصیکه از طرف قرین الشرف

اعلیحضرت همایونی بتفتیش ولایت مأمور میشوند در موارد لازمه راپورت میدهند و بفرمانفرما (در جائیکه هست) و حاکم ولایت ملاحظات خود را تقدیم میکند راپورتها و ملاحظات کتبی اداره ولایتی بامضای حاکم یا معاون او باید برسد از مجلس وزراء بداره ولایتی حکم صادر میشود فرمانفرما ها (اگر باشند) و حاکم ولایت و اشخاصیکه بتفتیش ولایت مأمور شده اند ملاحظات خود راباداره ولایتی اخطار میکنند یا اقدامی را تکلیف مینمایند.

ماده ۱۷۱ - تمام مکاتبات اداره ولایتی با وزراء مسئول بتوسط حاکم بعمل می آید ولی مراسلات و مکاتبات در شعبه لازمه دفتر خانه نوشته و ثبت می شود

ماده ۱۷۲ - اداره ولایتی با تمام دوائر اداره و عدلیه و غیره تمام شعبات وزارتخانهها در موارد لازمه مکاتبه مینماید و اطلاعات لازمه را بانها تبلیغ مینماید و ملاحظات خود را اعلام میکند

ماده ۱۷۳ - اداره ولایتی بدارات نظمی و رئیس نظمی و ضبطیه و رؤسای بلوکات و اطبای شهری و بلوکی و بکلیه دوائر جزو حکومتی حکم میکند و از آن ها راپورت میکیرد

ماده ۱۷۴ - اعضای اداره ولایتی میتوانند با دفتر خانهای ادارات متساویه دفتر خانهای شعبات وزارتخانهها یا ادارات جزو خود مکاتبه نمایند

ماده ۱۷۵ - اداره ولایتی می تواند در صورت لزوم رأساً بعضی اطلاعات از دوائر جزو حکومت ولایت دیگری بخواهد یا همراهی آن دوائر را تقاضا کند ولی هر گاه لازم شود که امری در ولایت دیگری بموقع اجرای گذارده شود یا باید بداره ولایتی آن ولایت رجوع نماید یا باشخاصی که نسبت بآن دوائر جزو ریاست دارند

ششم - در نظارت بدوایر جزو وصاحبه صبان

جزو حکومتی و مؤاخذه از آنها

ماده ۱۷۶ اداره ولایتی باید مراقبت نماید که احکامیکه بدوایر جزو صادر میشود بموقع اجرا گذارده شود هر گاه جواب احکامیکه از اداره ولایتی صادر میشود نرسید آن حکم را بامضای معاون تکرار می نمایند و اگر باز اهمال و مسامحه در اجرای آن شد از طرف حاکم اظهار جدیدی میشود و جهة مسامحه را استعمال مینمایند چنانچه باز تعللی در جواب شد یا عذر اشخاص و دوائر جزو موجه نبود موعدی برای اجرای احکام باید معین شود و چنانچه آن احکام در آن موعده بموقع اجرا گذارده نشد منشی اداره مسئله را بداره اظهار میدارد که قرار مؤاخذه و تنبیه مقصر داده شود توبیخ و ملامت و هر سیاستی که باشخاص و دوائر جزو داده میشود باید در صورت مجلس قید شود

ماده ۱۷۷ - در موقع فرستادن مأمور مخصوص برای اجرای احکام باید نکات ذیل همیشه منظور نظر باشد (اول) بدون ضرورت آدم مخصوص فرستاده نشود (دوم) صاحبمنصبان و مستخدمین دفتر خانه اداره ولایتی را حتی المقدور نفرستند بلکه صاحبمنصبان و مستخدمین اداره نظمی یا قراسوران را مأمور نمایند (سیم) اگر چند مأموریت بعهده یک نفر محول است و خط حرکت یکی است غارح مسافرت و تفاوت خرج هم نباید متعدد باشد (باید یکی باشد) تمام غارح مأمور مخصوص بعهده شخص مقصر یا اداره مقصر است

هفتم - در نظارت بانتظام امور اداره ولایتی و مسئولیت آن

ماده ۱۷۸ - چون یکی از وظایف عمده اداره ولایتی نظارت آن اداره

است نسبت بدو ارجح و حکومتی تا آنکه امور قرین کمال انتظام و ترتیب بوده سرعت تسویه شود لهذا خود اداره باید سرمشق نظم و ترتیب از برای دوایر جزو باشد تمام نوشتجات وارده باید در دفاتر وارده که در شعبه عمومی دفتر خانه است با قید تاریخ ورود فهرست شده بشعبات منقسم شود و مدیر هر شعبه مراقبت نماید که امور راجعه بشعبه خودش از جریان طبیعی باز نماند برای نیل باین مقصود کارها را باید بدو قسمت منقسم نمود کارهای فوری که مقدم بر کارهای عادیست و بعد از فهرست در کتابچه های وارده فوراً برای اقدام با علامت فوری بودن آن شعبه لازمه داده می شود و کارهای عادی که بعد از ثبت در دفاتر وارده نیز بشعبه لازمه داده می شود ولی تسویه آن امور بنسبت و ترتیب تاریخ ورود آن امور بشعبه عمومی دفتر خانه است اقدام در امور عادی در شعبه لازمه نباید بیش از سه روز طول بکشد ولی اجزای هر شعبه باید سعی نمایند که زودتر از این موعد امور تسویه شود

ماده ۱۷۹ - معاون حاکم مکلف است که زود زود (متوالیا و سریعا) دفاتر نوشتجات وارده و صادره را مقایسه کرده جریان امور را تفتیش نماید بنا بر این تمام اعضای دفترخانه و مدیرهای آن و معاون هر یک باندازه تکالیف خود مسئول صحت امور دفترخانه اداره ولایتی هستند

ماده ۱۸۰ - نوشتجاتیکه از دفترخانه اداره ولایتی صادر میشود و باید بامضای حاکم یا معاون او برسد یا بدو تصدیق مدیر شعبه رسیده باشد و علامت تصدیق آنست که مدیر شعبه پائین تر از محل امضای حاکم یا معاون او را مهر نموده کاغذ را برای امضا بچاکم یا معاون او تقدیم میکند

تبصره - تفصیل ترتیب جریان امور را در دفترخانه اداره ولایتی و مباحثات و مذاکرات مجلس مشاوره آن اداره را وزارت داخله جداگانه مرتب خواهد کرد

ماده ۱۸۱ - معاون حاکم بعلاوه سرکشی که بدفترخانه اداره ولایتی می نماید مکلف است که سالی دو دفعه تفتیش مفصل نموده راپورت خود را بحاکم بدهد کذا لک حاکم هر سال باید مجلس مشاوره و دفترخانه آن را تفتیش نماید و بعلاوه هر وقت که مقتضی بداند بدفترخانه اداره ولایتی سرکشی نماید حاکم راپورت خود را در این باب به وزارت داخله خواهد فرستاد

ماده ۱۸۲ - هرگاه در دفترخانه اداره ولایتی بواسطه اهمال و مساعدت اعضای آن کارها بقدری متراکم شود که ایجاد شعبه موقتی برای تسویه آن لازم شود مخارج آن شعبه بعهده مقصرین خواهد بود

ماده ۱۸۳ - اشخاصیکه از قرار داد های اداره ولایتی شکایت دارند و آن احکام راجع بامور اداره ایست میتوانند در ظرف شش ماه از روز اجرای آن احکام بمجلس وزراء شکایت نمایند و اگر آن حکم بموقع اجراء گذارده نشده در ظرف سه ماه از روز اعلان حکم اداره ولایتی بمجلس وزراء شکایت کنند و اداره ولایتی مکلف است که توضیحات لازمه در این باب بمجلس مذکور بفرستد و تصریح نماید که کی قراریکه موجب شکایت گردیده داده شده و کی بموقع اجراء آمده و اگر بموقع اجراء نیامده کی بمتشکی اظهار شده

هشتم - در ترتیب داخله اداره ولایتی و دفاتر آن

ماده ۱۸۴ - عمارات اداره ولایتی و اثاثیه و کلیه اموال متعلقه بباداره مزبوره و اثاثیه دفترخانه آن در تحت نظارت ناظم است و مستحفظین و قراولهای آن اداره نیز تابع او هستند ناظم باید مواظبت لازمه در گرم کردن و روشن نمودن اطاقها و پاکیزگی داشته باشد و غیبت اعضای اداره ولایتی را باطلاع

معاون برسانند و مراقب اشخاصیکه از ارباب رجوع و غیره بساداره ولایتی می آیند باشد و کلیه نظم داخلی اداره ولایتی بعهده اوست و باید دستور العملهای حاکم را در این باب بمقتضای اجرا بگذارد

ماده ۱۸۵ - در اداره ولایتی هر روز باید دو نفر حاضر خدمت باشد یکی از صاحبمنصبان بزرگ دفترخانه اداره و دیگری از مستخدمین جزو دفترخانه

ماده ۱۸۶ - در اداره ولایتی باید يك اطاق مخصوص موسوم به اطاق انتظار معین شود تا ارباب رجوع در آنجا نشسته در نوبت خود رفته اظهار مطلب را بنمایند

ماده ۱۸۷ - برای اینکه اعضای دفترخانه از کار خود باز نمانند اشخاصیکه استعلام یا تحقیقی میخواهند از دفترخانه اداره بنمایند باید در اطاق انتظار و مطلب خود را بناظم رجوع نمایند ناظم باید با ارباب رجوع بسا کمال توقیر و ادب رفتار نماید **ماده ۱۸۸ -** معاون حاکم باید در صورت لزوم بساطق انتظار رفته بمطالب هر يك از ارباب رجوع علیحده برسد و امور آنها را بجای لازم بتوسط ناظم یا معاونش رجوع کند

ماده ۱۸۹ - تحویل دار اداره ولایتی مکلف است که بتمام امور مالیه اداره ولایتی از قبیل مقرریها و مخارج لازمه و غیره نظارت داشته بدفاتر راجعه بآن امور مرتباً رسیدگی نماید صندوق این اداره و محاسبات آن موافق قوانین صندوق ادارت تشکیل و اداره خواهد شد

ماده ۱۹۰ - دفاتر جاری هر شعبه در خود آن شعبه موافق دستور العمل وزیر داخله مرتب خواهند شد ولی حفظه های امور تمام شده باید بدفاتر تابعه داده شود چه این کارها در خود اداره ولایتی تمام شده باشد و چه ارادارات دیگر یا اداره ولایتی رسیده باشد

ماده ۱۹۱ - اطاقهای دفتر ثابت باید خشک و از آتش دور باشد و محفوظه ها باید در قسمتهای چوبی گذارده شود

ماده ۱۹۲ - هر دفعه که کاری از دفترخانه اداره ولایتی بدفتر ثابت داده میشود باید با اجازه حاکم ولایت باشد

ماده ۱۹۳ - برای اینکه کاغذ های غیر مفیده در دفتر ثابت متراکم نشود کمسیونری مرکب از اعضای اداره ولایتی تشکیل خواهد شد که موافق دستور العمل وزیر داخله کاغذ های غیر مفیده را که از زمان ورود آنها بدفتر ثابت ده سال تمام گذشته است معدوم نمایند

ماده ۱۹۴ - یکی از مستشار های اداره ولایتی بانتمخاب حاکم نظارت مخصوصی در امور دفتر ثابت خواهد داشت و بعلاوه سالی یکمرتبه اداره ولایتی با تمام اعضای آن امور دفتر را تقشیش نموده عقاید خود را در وضع دفتر ثابت و اصلاحاتی که باید بشود بحاکم و وزیر داخله خواهند فرستاد

تبصره - تفصیل ترکیب دفتر ثابت اداره ولایتی را وزیر داخله جداگانه مرتب و بولایت خواهد فرستاد

فصل چهارم - در تشکیل بلوکات

اول - قواعد عمومی

ماده ۱۹۵ - تمام بلوکات بسا کرسی آن و شهر های جزو بلوکات (در صورتی که باشد) و نواحی و دهات در اداره نایب الحکومه و اداره بلوکی است

تبصره - شهر دار الخلافه و کرسیهای ولایات جزو اداره بلوکی محسوب نمیشوند و در اداره مستقیم حاکم و اداره ولایتی واقعند

ماده ۱۹۶ - نایب الحکومه بتصویب حاکم از طرف وزیر داخله یا فرمانفرما (در صورتیکه ولایت جزو ایالتی باشد) سمت ریاست بلوکات منصوب میشود و امور بلوکات را در تحت ریاست و نظارت حاکم ولایت و اداره ولایتی اداره می نماید عزل نایب الحکومه از سمت خود بحکم وزیر داخله یا فرمانفرما است (در جائی که باشد)

ماده ۱۹۷ - ریاست نظمیۀ بلوک نیز بر عهده نایب الحکومه است

ماده ۱۹۸ - معاون نایب الحکومه بانتخاب نایب الحکومه و تصویب حاکم ولایت بشغل خود منصوب است و بنایب الحکومه در کارها کمک میکند و در غیاب نایب الحکومه قائم مقام اوست و سمت مدیری امور بلوک را اداره می کند

ماده ۱۹۹ - معاون میتواند از طرف نایب الحکومه بسرکشی نواحی و تقطیش امور بلوکی مأمور بشود ولی فقط در صورتیکه خود نایب الحکومه بواسطه عذر موجهی نتواند این امر را انجام بدهد

ماده ۲۰۰ - معاون از طرف نایب الحکومه هر گونه مأموریت راجعه بامور ضبطیه و نظمیۀ را انجام می دهد چه این مأموریت در خود قصبه بلوکی باشد و چه در بلوک

ماده ۲۰۱ - محل اقامت نایب الحکومه کرسی بلوک است و برای اداره کردن امور بلوکی در هر قصبه بلوکی اداره تشکیل میشود که مرکب از نایب الحکومه و معاون آنست طبیب و مهندس و معمار بلوکی در صورتیکه باشند نیز از اعضای این اداره محسوب و در اجلاس راجعه بامور آنها حاضر خواهند بود

دوم - در وظایف نایب الحکومه از حیث امور اداره

ماده ۲۰۲ - وظایف نایب الحکومه از قرار ذیل است :

(اولاً) مراقبت و مواظبت تامه در اجرای قوانین موضوعه و دستورالعملهای

ادارات متبوعه

(ثانیاً) حفظ ووقایه امنیت و رفاهیت و آسایش مردم بموجب قوانین موضوعه

(ثالثاً) مراقبت در اجرای قوانین و احکام و دستورالعملها در نواحی دهات

ماده ۲۰۳ - برای حفظ و وقایه انتظام امور نایب الحکومه زود زود ببلوکی

که در اداره اوست سرکشی مینماید و دوائر جزو اداره بلوکی و همچنان ادارات ناحیتی و ادارات ضبطیه و نظمیۀ را تقطیش مینماید و بمجلسها و مریضخانهها و غیره نظارت دارد و بشکایات رسیدگی کرده موافق اختیاراتی که باو داده شده اقدام میکند

ماده ۲۰۴ - نایب الحکومه اقلاً سالی سه دفعه باید بصندوق هسای قصبه بلوکی رسیدگی نماید

ماده ۲۰۴ - نایب الحکومه باید مراقبت و نظارت مخصوصی نسبت باداره بلوکی

و ادارات و صاحبان و مستخدمین جزو ریاست بلوک داشته باشد و مراقبت نماید که کارها در آن ادارات معطل نشود و در جریان قانونی باشد

ماده ۲۰۵ - نایب الحکومه اهتمام کامل مینماید که اغتشاش و شورش در بلوک

روی ندهد و در صورت وقوع اغتشاش اول بقوه نظمیۀ و ضبطیه رجوع نموده پلیس عملی را در جائیکه لازم است جمع کرده و در صدد رفع اغتشاش بر میآید و اگر نتیجه نخشید بقوه نظامی رجوع مینماید و کلیه در این باب بطوری رفتار می کند که در ماده ۳۶ مقید است

ماده ۲۰۶ - وظایف نایب الحکومه از حیث امور ضبطیه در فصل راجع باداره

پلیس و ضبطیه بلوکات مذکور است

سیم - در ترتیبات و وظایف اداره بلوکی و حدود اختیارات آن
ماده ۲۰۷ - چون تمام وظایف اداره بلوکی راجع بامور ضبطیه
 است شرح ترتیبات و حدود و وظایف و اختیارات آن در فصل پنجم مذکور
 خواهد بود
ماده ۲۰۸ - اداره بلوکی دفترخانه خواهد داشت که مرکب از یک نفر
 مدیر بوده و بقدر لزوم منشی و اجزاء خواهد داشت در دفترخانه اداره بلوکی
 چند نفر از تابعین ضبطیه برای حمل مکاتبات و مراسلات از کرسی بلوک بداخله بلوک
 بسمت چاپاری خواهند بود و ترتیب دفترخانه و دفاتر اداره بلوکی موافق ترتیبات
 دفترخانه اداره ولایتی است و دستور العمل آنرا وزارت داخله علیحده مرتب و
 ارسال خواهد نمود

فصل پنجم

تشکیل ضبطیه در بلوکات

ماده ۲۰۹ - اداره ضبطیه بلوکات عبارت است از نایب الحکومه اداره
 بلوکی در ماده (۲۰۱) و صاحب منصبان و مأمورین ضبطیه بطوریست که در مواد آتی
 ذکر خواهد شد
ماده ۲۱۰ - تمام بلوکات با کرسی آن و قصبات جزو بلوک (در صورتیکه باشد)
 از حیث امور ضبطیه تابع اداره ضبطیه بلوکی است ولی کلیه کرسی های ولایات و نیز
 بعضی از شهر های بزرگ که صورت آنها را وزارت داخله علیحده مرتب خواهد
 کرد از این قاعده مستثنی و خودشان اداره نظمی علیحده چنانکه مذکور در فصل
 هفتم است خواهند داشت
ماده ۲۱۱ - هر بلوکی برای اداره شدن امور ضبطیه آن بچند قسمت

مقسم می شود هر کدام از این قسمت ها موسوم بدایره ضبطیه خواهد بود عده و
 وسعت دوائر ضبطیه بسته بوسعت بلوک و عده نفوس و مقدار کارهایی است که
 بداره ضبطیه رجوع میشود هر دایره در اداره صاحب منصبی است که موسوم بمدیر
 ضبطیه است

ماده ۲۱۲ - هر دایره ضبطیه مرکب از چند ده است دایره ضبطیه از یک
 قصبه نیز عبارت تواند بود

ماده ۲۱۳ - هرگاه تغییر عده دوائر ضبطیه لازم شود حاکم اطلاعات لازمه را
 از مجلس بلوکی تحصیل کرده بوزارت داخله تقدیم مینماید که اجازه اعلیحضرت همایونی
 درین باب صادر شود ولی تغییر حدود دوائر ضبطیه و تغییر محل اقامت مدیرهای ضبطیه
 بسته بصوابدید خود حاکم است و حاکم باید اقدام خودش را در این باب هر دفعه
 بوزارت داخله اطلاع دهد

تبصره - شهرهای جزو محال و اماکن معتبره که نظمی علیحده ندارند بسته
 بتقسیم یکی از دوائر ضبطیه محسوب خواهد بود و این نوع دوائر ضبطیه بسته
 باقتضای وقت و محل بچند قسمت مقسم تواند شد

ماده ۲۱۴ - تعیین ضبطیه که در اداره مدیری واقعند سه درجه مقسم
 میشوند (اولاً) ناظمین ضبطیه که برای کمک کردن بمدیر های ضبطیه معین
 میشوند شد و غالباً ناظمین ضبطیه سواره هستند ولی بحکم وزیر داخله در صورت
 ضرورت پیاده هم میتوانند باشند (ثانیاً) ده باشی ها که هر کدام قسمتی از دوائر
 ضبطیه را (رجوع به تبصره ماده ۲۱۳) محافظت مینمایند و همچنان در
 دهکات واقفند (ثالثاً) پلیس که زیر دست ده باشی ها امور ضبطیه را
 انجام میدهند

تبصره - ناظمین باعمال ده باشیها نظارت دارند

ماده ۲۱۵ - عده ناظمین ضبطیه را برای ولایت وزیر داخله معین میکند تقسیم ناظمین ببلوکات بتصویب حاکم است و تقسیم آنها مابین دوائر ضبطیه بتصویب رئیس بلوک است لزوم ناظمین ضبطیه و بلوکی بتصویب حاکم ولایت و قرار داد قانونی مقامات عالیه است

ماده ۲۱۶ - تغییر عده و ترکیب قسمتهای دوائر ضبطیه (رجوع به تبصره ماده ۲۱۳) بتصویب اداره بلوکی و اجازه حاکم است ولی اداره بلوکی باید قبل از دادن رأی عقیده مدیر ضبطیه را بپرسد

ماده ۲۱۷ - رئیس ضبطیه بلوک را (نایب الحکومه) وزیر داخله معین می کند مدیرهای ضبطیه را اداره ولایتی معین میکند

تبصره - عزل و نصب مدیرهای ضبطیه را باید حکام هر دفعه بوزارت داخله اطلاع دهند

ماده ۲۱۸ - ناظمین ضبطیه را رئیس ضبطیه از اشخاص صدیق و مجرب معین می نماید ولی رجوع کردن کار آنها بدیوانخانه ع دایه بحکم اداره ولایتی است

ماده ۲۱۹ - تعیین و عزل و نصب ده باشیها با رئیس ضبطیه بلوکی است ولی رجوع کار آنها بمحاکمه بحکم اداره ولایتی است

تبصره - ده باشیها ممکن است سرباز هائی باشند که مدت خدمت نظامیشان منقضی شده

اول - در وظایف اداره نظمی و حدود و اختیارات آن

ماده ۲۲۰ - اداره نظمی همان اداره بلوکی مذکور در ماده (۲۰۱) است و وظایف آن از قرار تفصیل است اولاً نظارت در اجرای قوانین و وقایه امنیت و آسایش اهالی ثانیاً اجرای تکالیف راجعه بامور مالیه دولت و امور عدلیه و امور نظامی

ماده ۲۲۱ - وظایف مجلس بلوکی من باب اجرای قوانین و حفظ هیئت از قرار تفصیل است

(اول) اعلان و انتشار قوانین و فرامین و احکام دولت

(دوم) انتشار هر نوع اعلانات که بحکم ادارات متبوعه میشود

(سوم) گرفتن دزدها و قطع الطریق و برقراری امنیت و آسایش عمومی

(چهارم) دستگیر کردن فراریها و رفع منع از تکدی

(پنجم) ملاحظه اشخاصیکه در سر راه مرده اند و معین کردن اینکه آنها را کشته اند یا باجل خود مرده اند

(ششم) جمع آوری اطفال کم شده و سر راه گذارده شده و نگاهداری از آنها و تحقیقات لازمه در پیدا کردن اولیای آنها و کمک بضعفا و مرضائیکه از منزل و ماوای خود دور افتاده اند

(هفتم) دادن راپورت وقایع به رؤسا و بک نسخه مستقیماً به حاکم ولایت

(هشتم) در صورتی که در رودخانه ها و آب ها سواحل دریا کرجی یا کشتی بشکند یا غرق شود باید سرنشین آنها را حتی المقدور نجات بدهند و اموال آنها را حفظ کنند

(نهم) حفظ موقتی اموال متوفیات غربائی که وارث و ولی حاضر نداشته باشند و اطلاع باولیای آنها دادن

(دهم) مساعدت باداره اطفائی و جلوگیری از حریق در بیابانها و جنگلها و غیره

(یازدهم) اقدامات لازمه برای جلوگیری از امراض مسریه موافق دستور العملهای اداره حفظ الصحه و نظارت اجرای قوانین حفظ الصحه

(دوازدهم) اقدامات لازمه برای رفع امراض مسریه در میان حشم و دوواب

(سیزدهم) حفظ ووقایه امنیت طرق و شوارع و نظارت صحت راهها و پلها و معابر و غیره و اجرای تکالیفی که از بابت نگاهداشتن راهها به اهالی مجاور وارد میآید (چهاردهم) مراقبت در اینکه حریق یا طغیان آب اتفاقی نیفتد و اقدامات لازمه در این باب بعمل آید

(پانزدهم) نظارت پاکیزگی در قصبات و دهات و مراقبت در اینکه بناهای جدید به موافق نقشه و دستورالعملهای مقرر ساخته شود

(شانزدهم) نظارت به کاروانسراها و قهوه خانه ها و مهمان خانه ها و چلو پز خانه ها و کلیه جاهائی که محل اکل و شرب عمومی است و مراقبت در اجرای قوانین راجعه باین جاها و عدم اجازه قمار و کلیه کارهاییکه خلاف شرع بوده و باعث مشاجره و منازعه و محادله تواند شد و اساس امنیت را متزلزل تواند کرد.

(هفدهم) دادن اجازه نامه باشخصیکه اخذ سموم از مواد مینماید و نظارت به فروش آن موافق قوانین حفظ الصحه

(هیجدهم) دادن اجازه نامه برای خریدن باروت و سایر مواد محترقه و نظارت بفروش آن موافق قوانین حرفت و صنعت

(نوزدهم) مراقبت در این که در بازارها و میدان ها و جاهای دیگر چیزهایی را که دولت خرید و فروش را قدغن کرده است خرید و فروش نشود.

(بیستم) مواظبت در اجرای قوانین راجعه بشکار و صید ماهی و طیور که در غیر موقع بشکار و صید اقدام نشود

(یست و یکم) ترتیب فهرست هائیکه معین کند در بلوک عده مساجد و مکاتب و ادارات خیریه و کار خانیجات و دهات چقدر است و همچنان عده نفوس و متولدات و متوفیات و عقد و ازدواج بچه اندازه است و اتباع خارجه در بلوک بچه کسب مشغولند.

(یست و دوم) ترتیب دفاتر نفوس راجعه بمتولدات و متوفیات و عقد و ازدواج

(یست و سوم) اطلاع دادن بر رؤساء و ادارات متبوعه اشیاء عتیقه که کشف شده یا ظهور اشیائیکه ندرت دارد

(یست و چهارم) نظارت باستخراج طلا و نقره در جاهای لازمه موافق قوانین موضوعه

(یست و پنجم) دادن تصدیقنامه باینام و بیچارگان برای دخول بدار الایتمام و دارالضعفا و غیره

(یست و ششم) نظارت اینکه اجرت کارگر و عمله و فعله بموقع و تمام پرداخته شود

(یست و هفتم) اجرای کلیه تکالیفی که بموجب قوانین ادارات دولتی و مملکتی و بلدی بعهد اداره ضبطیه است

ماده ۴۴۵ - تکالیف اداره ضبطیه بلوکات نسبت بامور مالیه از قرار تفصیل است:

(اول) وصول بقایای دولتی و ادارات بلدی و اجتماعی و ولایات بموجب احکام ادارات متبوعه یا اعلان ادارات متساویه

(دوم) اقدامات عبادانه بر منع و کسر نمودن اوزان و اکیال و تغیر وزن و کمیت مسکوکات

(سوم) اجرای اوزان و اکیال جدید بحکم دولت

(چهارم) دعوت مقاطعه کاران برای مزایده های دولتی و مملکتی و ادارات بلدی و غیره

(پنجم) دادن شهادت نامه بمقاطععه چیها در صورتیکه بواسطه معاذیر موجهه با هیچ نتوانسته اند کاری را که بر عهده گرفته اند انجام بدهند و یا بوقت بموقع نتوانسته اند برسانند

(ششم) مساعدت با اشخاص و اداراتی که بموجب قوانین نظارت بحرفت و صنعت و تجارت دارند و بموجب قوانین عوارض اخذ میکنند

(هفتم) اجرای تکالیفی که بموجب قوانین راجعه باخذ مالیات و عوارض بادارات ضبطیه محول است

(هشتم) عمل کردن بوظایفی که بموجب قوانین گمرکات بعهدہ ادارات ضبطیه موکول است

(نهم) مساعدت با ادارات جنگلها و خالصجات دولتی در اجرای تکالیف آنها و در اقداماتیکه در صورت نقض قوانین جنگلها و خالصجات بر عهده این ادارات وارد میآید

ماده ۲۲۳ - وظایف اداره ضبطیه نسبت بامور عدلیه از قرار ذیل است

(اول) جلوگیری از تعدی و اقدامات خود سرانه واجرای تحقیقات و همراهی در تحقیقاتیکه از طرف محاکم عدلیه بعمل میآید باندازه که در قوانین و نظامات عدلیه و محاکم جنایتی مندرج است

(دوم) حاضر کردن مقصرین و متهمین را بدیوانخانه بحکم آن و توقیف آنها در صورتیکه حکم دیوانخانه در این باب صادر شود

(سوم) احضار اشخاص لازم بمحاکم عدلیه و شراکت در اجراء احکام محاکم عدلیه بموجب قوانین و نظامات دوائر عدلیه

(چهارم) بر داشتن سیاهه اموال اشخاص معینه و تقویم و حفظ آن و اعلان فروش اموال بمزایده و فروش بعضی اموال بموجب قوانین عدلیه راجعه باین اقدامات

(پنجم) مجبور کردن و کلاه را برد کردن وکالت نامه هائی که از طرف موکلین

آنها استر داد میشود (موافق قوانین موضوعه)

(ششم) تفتیش و تفحص اشخاصی که کم شده اند و خبری از آنها نیست

(هفتم) نظارت در پاک نگاهداشتن محبسها و اجراء کلیه قوانینی که بمجسها

و محبوسین راجع است

(هشتم) دادن شهادت نامه قرابت و خویشی باقرباء و اقوام اشخاصی که به

حکم قانون در محبس توقیف شده اند

(نهم) کلیه تکالیفی که بموجب قوانین محاکم عدلیه و محاکم نظام بری و

بحری بعهدہ ادارات ضبطیه محول است

ماده ۲۲۴ - وظایف اداره ضبطیه بلوکی در امور نظامی از قرار تفصیل است:

(اول) مراقبت و نظارت انتظام حرکت قشون و اجرای تکالیف در این

باب بموجب قوانین نظامی

(دوم) احضار تائین ردیف نظام بری و بحری بحکم ادارات متبوعه نظامی

بسر خدمت خودشان و دادن شهادت نامه بانها در مواقعی که قوانین نظامی

معین کرده

(سوم) اخبارزنهای سربازها از فوت شوهران آنها

(چهارم) یاد آوری بتائین و همچنان بصاحبمنصبان نظامی که مدت مرخصی

آنها منقضی شده و دعوت آنها بموجب قوانین نظامی بمراجعت بمحل خدمت

ماده ۲۲۵ - کلیه اداره ضبطیه بلوکی و اشخاصی که تابع آن هستند باید

ناظر اجرای قوانین باشند ولی بهیچوجه حق ندارند اجرای قانونی را بخواهند

که اعلام نشده و یا قرار دادی را بموقع اجرا بگذارند که قبل از وقت به اطلاع

اهالی نرسیده

ماده ۲۲۶ - نه فقط اهالی بلوکات مکلفند که احکام قانونی اداره ضبطیه را

اطاعت نمایند بلکه اشخاصی هم که از شهرهای دیگر آمده در آن بلوکات متوقفند تابع احکام اداره ضبطیه که راجع به اجرای قوانین موضوعه و دستور العملها است می باشند

ماده ۲۳۷- عمال ضبطیه مکلفند که بشکایات رسیدگی نمایند و رفع تعدی و بی نظمی را بکنند و نه فقط بشکایات مظلومین رسیدگی می نمایند بلکه بکلیه شکایات که جاوی اطلاعات بوده و اوضاع و احوال امور اتفاقیه را روشن میکند باید برسند و لو اینکه این نوع شکایات که بداره ضبطیه میشود موافق ترتیب مقررده نباشد هر گاه اقدامات عمال ضبطیه متمر ثمری نشد و شخصی که باعث تعدی و بی نظمی شده علناً اقدامات ستمی و جبری نماید عمال ضبطیه حق دارند آن شخص را توقیف نمایند

تبصره - قواعد راجعه باستعمال اسلحه در موارد لازمه بتوسط مأمورین نظامیه و قرا سوران علیحده مرتب و منضم باین ماده است

ماده ۲۳۸- هیچکس از عمال ضبطیه حق ندارد که سیاست و مجازات جنایتی بکسی بدهد این حق مختص بمحاکم عدلیه است بر وفق قوانین شرعی

ماده ۲۳۹- هر چند حدود اختیارات اداره ضبطیه بلوک همان حدود بلوکات است و خارج از بلوک خود اداره مزبور اختیاری ندارد ولی در موارد ذیل استثنای از این قاعده لازم میآید

(اول) در صورت وقوع حریق یا طغیان آب یا طوفان اداره ضبطیه بلوکی و مدیر های ضبطیه در بلوکات مجاور اقدامات لازمه را بعمل می آورند تا آنکه اداره ضبطیه آن بلوک و عمال آن مطلع و خودشان مشغول با اقدامات لازمه شده از کمک مستغنی بشوند

(دوم) در موارد تعاقب قطاع الطريق و درزها و فراریات و اشخاصی که

مرتکب جرحه و جنایتی شده فرار کرده اند عمال ضبطیه بلوکی از حدود بلوک و ولایات حق دارند تجاوز نموده در تعاقب این نوع اشخاص بکوشند و فقط وقتی دست نگار دارند که عمال ضبطیه آن محل شروع بتعاقب کرده باشند

ماده ۲۴۰- هر گاه عمال ضبطیه در جاهائیکه قلمرو اقدامات قرا سورانها است کشف علامت جنحه و جنایتی نمایند و مأمورین قرا سوران در آن محل نباشند مکلفند که تا ورود آنها موافق قوانین و نظامات عدلیه تحقیقات اولیه و کذالك حفظ علامات جنحه و جنایت و سایر اقدامات را بعمل آورند

سوم - در روابط اداره ضبطیه بلوکی و صاحبمنصبان و

تأیین ضبطیه با ادارات متبوعه و متساویه

ماده ۲۴۱- اداره ضبطیه باتمام اشخاصیکه تابع آن اداره هستند مطیع احکام و دستور العملهای حاکم ولایت و اداره ولایتی است

تبصره - جاهائیکه موقتاً در تحت قوانین نظامی گذارده شده است قواعد اطاعت صاحبمنصبان ضبطیه با ادارات نظامی موافق قانونیست که جداگانه مرتب و منضم باین ماده خواهد بود

ماده ۲۴۲- در بنادر نظامی ادارات ضبطیه تابع اداره بحری است

ماده ۲۴۳- صاحبمنصبان ضبطیه تابع رئیس بلوک و رئیس ضبطیه هستند ولی بدون اجازه اداره ولایتی عزل یا جلب آنها بمحاکمه ممنوع است

ماده ۲۴۴- ناظرین ضبطیه در اداره حاکم ولایت و رئیس بلوک هستند و تابع اوامر مدیر های ضبطی

ماده ۲۴۵- ده باشیها تابع اوامر مدیر های ضبطیه اند و به اعمال پلیس نظارت دارند

ماده ۲۳۶ - ادارات ضبطیه بحاکم و اداره ولایتی راپورت میدهند و از آن مقامات بعهدہ آنها احکام صادر میشود

ماده ۲۳۷ - محاکم بدایت باداره و عمال ضبطیه حکم مینمایند مدعی عمومی و معاون آن اقدامات لازمه را از تحقیقات و اجرای احکام و غیره می خواهند و از اداره ضبطیه در جواب راپورت میگیرند (منضم باین ماده باید بعد از ترتیب قوانین راجعه بنظام نوشته شود)

ماده ۲۳۸ - اداره مالیه و اداره خالصجات و اداره تفتیش و سایر شعبات وزارتخانهها در ولایات از اداره ضبطیه اجرای قوانین راجعه بآن ادارات را می خواهند و در جواب راپورت میگیرند

ماده ۲۳۹ - اداره ضبطه يك بلوك باداره ضبطیه بلوك دیگر و بادارات متساویه مکاتبه مینمایند و اطلاعات لازمه را بهم دیگر میدهند

چهارم - در ترتیب تسویه امور و اقدامات اداره ضبطیه بلوکی **ماده ۲۴۰ -** اداره ضبطیه بلوك و عمال جزو آن در موارد ذیل اقدام بکار مینمایند:

(اولاً) بحکم ادارات متبوعه

(ثانیاً) بتقاضای اداراتیکه حق چنین تقاضا را دارند

(ثالثاً) بواسطه شکایت اشخاص متفرقه

(رابعاً) بموجب راپورتهای ادارات تابعه

(خامساً) بموجب ملاحظات شخصی خودشان در صورتیکه بموجب قانون

باشد و یا بر حسب اوضاع و احوال صلاح بدانند

ماده ۲۴۱ - رئیس ضبطیه که همان نایب الحکومه است ریاست کلیه ضبطیه

بلوك بعهدہ او است باید کمال مراقبت را در حصول امنیت و آسایش اهالی داشته باشد تفصیل اتفاقات و اطلاعاتی را که باو رسیده است فوراً بحاکم راپورت نماید و اگر اقدام فوری لازم باشد بعمل آورده بحاکم اطلاع دهد

ماده ۲۴۲ - نایب رئیس ضبطیه که معاون نایب الحکومه است در کارها بر رئیس ضبطیه کمک میکند و باداره ضبطیه و دفتر خانه آن نظارت دارد و هر مأموریتی را از طرف رئیس ضبطیه انجام میدهد

ماده ۲۴۳ - در صورتی که رئیس ضبطیه یکماهه مرخصی گرفته غایب شود و یا آنکه از مرکز امور بواسطه سرکشی بنواحی یا مأموریت دیگری دور شود نایب او کفیل او خواهد بود ولی کارهای جاریه را تسویه نموده در امور مهمه در صورتیکه فوری نباشد بدون اطلاع رئیس ضبطیه اقدام نخواهد کرد لهذا عزل و نصب مستخدمین ضبطیه که در حدود قوانین به اختیار رئیس ضبطیه محول شده است و تنبیه و سیاست آنها و احکامی که ناسخ احکام سابقه رئیس ضبطیه است و اموری را که خود رئیس ضبطیه سیرده است بدون اطلاع او تسویه نشود یا تا مراجعت رئیس ضبطیه بتوقی می اندازد و یا با مأمور مخصوص نزد او می فرستد

ماده ۲۴۴ - ضباط نواحی و کدخدای دهات تابع احکام اداره ضبطیه بلوکی بوده احکام این اداره را اجرا مینمایند و به مدیرهای ضبطیه در اجرای تکالیف آنها کمک و مساعدت مینمایند

ماده ۲۴۵ - بناظرین ضبطیه نیز ضباط نواحی و کدخدای دهات باید کمک و مساعدت لازمه را بنمایند و تقاضای آنها را که مبتنی بر قانون است بموقع اجرا گذارند ولی بهیچوجه حق ندارند بامور اجتماعی و امور داخلی نواحی

دهات دخالت نمایند و با وجهاً من الوجوه دخالتی در امور محاکم عدلیه نواحی کنند

پنجم - در مسئولیت اداره ضبطیه بلوکی

ماده ۲۴۶ - اداره ضبطیه مکلف است که راپورت اموریکه بان عمول شده انتت با اداره ولایتی بدهد و صورت حساب و جوهریکه باو رسیده با اداره تقشیش ولایتی تقدیم کند

ماده ۲۴۷ - شکایت از مستخدمین و تابین ضبطیه یا بمدیر ضبطیه می شود یا بخود رئیس ضبطیه شکایت از رئیس ضبطیه یا از اداره ضبطیه بلوکی در ظرف سه هفته از روز حکم آنها بحاکم یا اداره ولایتی داده می شود و چنانچه اقدام رئیس ضبطیه یا اداره ضبطیه بموجب یکی از ادارات متبوعه شده است متشکی باید شکایت خود را با اداره که حکم کرده است بدهد

ماده ۲۴۸ - هرگاه مدیر های ضبطیه مرتکب جنحه و جنایتی شده باشند رئیس ضبطیه موقتا آنها را از شغلشان منفضل نموده مراتب را به اطلاع حاکم ولایت میسرساند و منتظر حکم میشود

فصل ششم

در وظائف صاحبمنصبان و مستخدمین تابین ضبطیه

ماده ۲۴۹ - هر چند وظائف صاحبمنصبان و عمال ضبطیه از وظائف و حدود اختیارات اداره ضبطیه بلوکی معلوم و معین است باز برای عدم وقوع اشتباهی در اجرای قوانین ضبطیه و وظائف هر کدام نسبت بحوزه مأموریتی آنها ذیلاً شرح داده میشود

اول - در وظائف رئیس اداره ضبطیه بلوکی

رئیس ضبطیه - نایب الحکومه

ماده ۲۵۰ - رئیس ضبطیه بلوک مراقبت خصوصی خواهد داشت که تمام وظائف اداره ضبطیه مجری شود و شخصاً مسئول تمام امور ضبطیه بلوک است رئیس مزبور در رفتار و سلوک با مردم کمال ملامت و مسالمت را اظهار خواهد کرد ولی از طرف دیگر مواظبت تامه را خواهد داشت که از قوانین و احکام و دستور العملها بوجه من الوجوه تخلف نشود

ماده ۲۵۱ - وظائف رئیس ضبطیه از قرار شرح ذیل است:

- (اول) اعلان و انتشار قوانین و مواظبت اینکه قوانین و احکامی که باید به موقع اجراء گذارده شود با اطلاع عامه برسد
- (دوم) مذاقه در قوانین و احکامی که مورد اشتباه شده است و رجوع با اداره ولایتی برای رفع اشتباه
- (سیم) رسیدگی بشکایاتی که از ادارات و اشخاص متفرقه رسیده و راجع به اعمال و رفتار صاحبمنصبان ضبطیه است
- (چهارم) تقدیم لایحه بحکومت ولایت در باب تغییر حدود دوائر ضبطیه و همچنان تغییر محل اقامت مدیر های ضبطیه

(پنجم) تغییر قسمت های دوائر ضبطیه

(ششم) انفصال موقتی صاحبمنصبان ضبطیه (مدیر های ضبطیه) که مرتکب جنحه و جنایتی شده اند از مشاغل آنها تا تکلیف آنها از طرف حکومت معین شود

(هفتم) مراقبت تامه نسبت بدوائر ضبطیه و مدیر های آن دوائر و اجرای

تکالیف آنها و نظارت بچریان قانونی امور در آن دوایر

(هشتم) ملاحظه راپورت‌های مدیر های ضبطیه و جمع کردن و خلاصه کردن مطالب تمام آنها برای تقدیم بحکومت

(نهم) ملاحظه اموریکه از دوایر ضبطیه بر رئیس ضبطیه تقدیم میشود و تسویه آن امور

(دهم) امضای اقداماتیکه مدیر های ضبطیه لازم میدانند بنمایند و کسب تکلیف میکنند و رد یا قبول آن اقدامات و یا حکم با اقدامات نوع دیگر

(یازدهم) راپرت دادن بمقامات عالیه در اجرای احکام و اوامر صادره از آن مقامات و مراقبت لازمه نسبت بضابط نواحی و کدخدای دهات برای اجرای قوانین ضبطیه که باین اشخاص محول شده است

ماده ۲۵۲ - رئیس ضبطیه بلوکی (نایب الحکومه) مراقبت مینماید که اداره ضبطیه در کمال انتظام باشد و در دفتر خانه منشی و اجزای آن دفتر خانه هر کدام امور عوله بخودشانرا کاملاً اجرا نمایند رئیس مزبور هر گاه مساعه یا ممانطه در اداره ضبطیه مشاهده کند اشخاص لازم را توبیخ و ملامت مینماید و چنانچه این اقدام او اثری نبخشید مهلتی بآن اشخاص میدهد و اگر باز نتیجه حاصل نشد مراتب را باداره ولایتی اطلاع میدهد

ماده ۲۵۳ - چنانچه رئیس ضبطیه مشاهده نماید که کاری در دوائر ضبطیه به عهده تعویق افتاده مهلتی بمدیر ضبطیه آن دایره داده تسویه آن را خواهد خواست و هر گاه مدیر مزبور در آن موعد آن کار را تسویه نکرد و نیز نتوانست مدلل کند که قادر بر تسویه آن نبوده مراتب را رئیس ضبطیه با اطلاع اداره ولایتی میرساند و اگر رئیس ضبطیه در این موارد انماض کرد خودش مسئول خواهد بود

ماده ۲۵۴ - هر گاه تعطیل در جریان امور حاصل و این تعطیل بواسطه نرسیدن جواب ادارات یا اشخاصی باشد که تابع اداره ضبطیه بلوکی نبوده و جزو حکومت ولایت دیگرند رئیس بعد از يك ماه از تاریخ استعلام اول استعلام ثانوی نموده جواب می خواهد و اگر باز جواب نرسید به اداره ولایتی آنولایت رجوع مینماید و اگر باز جواب نرسید باداره ولایتی و ولایت خود رجوع میکند

ماده ۲۵۵ - هر گاه مدیر ضبطیه دایره مرخص باشد رئیس میتواند کار او را بمدیر دیگری موقتاً رجوع کند ولی تغییر مدیری از دایره بدایره دیگر با اجازه اداره ولایتی است

ماده ۲۵۶ - رئیس ضبطیه حق دارد که مدیر دایره را از تحقیقات مطلبی خارج نموده و آن تحقیقات را در همان دایره بمدیر دیگری واگذار کند این اقدام رئیس ضبطیه در صورتی صحیح و قانونی است که تحقیقات راجع بخود مدیر ضبطیه یا اقوام و اقارب او و یا املاک خود او و اقوام او باشد این اقدام خود را رئیس ضبطیه با اطلاع اداره ولایتی رسانیده و جهتش را هم اظهار میدارد

ماده ۲۵۷ - در موقع محال گردشی رئیس ضبطیه اعمال و افعال مدیرها را تفتیش مینماید و بشکایات آنها رسیدگی میکند و دفاتر نوشتجات وارده و صادره را که در خانه آنها است بدقت ملاحظه میکند

ماده ۲۵۸ - چنانچه رئیس ضبطیه بی نظمی و تقصیری از مدیر ضبطیه مشاهده کند بطوریکه دیگر مدیر ضبطیه مورد اعتماد ضبطیه نباشد مراتب را فوراً بحاکم اطلاع داده عزل مدیر را میخواهد

ماده ۲۵۹ - رئیس ضبطیه در وقت محال گردشی مساعدت لازمه را بمدیرهای

ضبطیه در اجرای تکالیف آنها مینماید و مراقبت مینماید که قوانین حفظ الصحه و ضد حریق و غیره تماماً بموقع اجرا گذارده شود

ماده ۲۶۰ - رئیس ضبطیه مواظبت مینماید که هیچ کس بدون محاکمه تنبیه و سیاست نشود و همچنین از طرف دیگر رئیس ضبطیه مواظبت مینماید که اشخاص مقصر بعد از تحقیقات کامله بمحاکم عدلیه جلب و تنبیه و سیاست شوند

ماده ۲۶۱ - هنگام محل گردشی رئیس ضبطیه سعی مینماید که بمواعظ و نصایح لازمه مردم دهات را با اجرای قوانین راجعه بانها دلالت کند و فواید زراعت و حرفت و صنعت را بانها گوشزد و تشویق نماید

ماده ۲۶۲ - تمام اطلاعات خود را رئیس ضبطیه با اطلاع اداره ولایتی میرساند و حرکت خود را از شهر و قصبه بلوکی و مراجعت خود را بارت شهر نیز اطلاع میدهد

ماده ۲۶۳ - رئیس ضبطیه باید مستحضر از خوبی و بدی حاصل باشد و اطلاعات لازمه را در این باب با جهات آن بحاکم برساند

دوم - در وظایف مدیر ضبطیه

ماده ۲۶۴ - وظایف مدیر ضبطیه از قرار ذیل است :

- (اول) اعلام و انتشار قوانین در حوزه مأموریتی خودش بحکم اداره ضبطیه
- (دوم) اعلام و انتشار احکام و دستورالعملهای دولتی و هر گونه اعلانات و احضار اشخاص لازم بحکم حکومت و ادارات متبوعه
- (سوم) اعلان مزایده ها و احضار مقاطعه کاران و امثال آنها
- (چهارم) جمع کردن اطلاعات لازمه و خواستن توضیحات از اشخاصیکه در دایره ضبطیه او هستند

(پنجم) مراقبت در وصول مالیات و عوارض و فروعات که بموجب قانون گرفته میشود

(ششم) مساعدت با اشخاص لازم در تقویم اموال و برداشتن صورت آنها و همچنان تقویم و برداشتن صورت کارخانها و غیره در صورتیکه بموجب قانون لازم و حکم اداره ضبطیه در این باب صادر شده

(هفتم) اقدامات لازمه در مواردی که قشون از دایره ضبطیه مدیری میگردد و مراقبت اینکه مردم تکالیف خودشان را بموجب قوانین نظامی و غیره بموقع اجرا بگذارند

(هشتم) نظارت امنیت راه های نظامی و پستی و تجارتنی و غیره و صحت پل ها و معابر از دائمی و موقتی و پاکیزگی دهات و مراقبت آبنه بترتیب و نقشه که معین شده ساخته شود

(نهم) مراقبت در فروش سموم و ممانعت از قاچاق و فروش اشیاء ممنوعه و تقلب در مسکوکات و مواظبت بصحت اکیال و اوزان

(دهم) نظارت با اجرای قوانین و برقراری آسایش و امنیت چه در دهات چه در خارج از دهات و اقدامات اولیه برای جلوگیری و تعدی از افعال خودسرانه و اغتشاش و اطلاع دادن مراتب را باداره ضبطیه

(یازدهم) تعاقب فراری های نظامی و دزد ها و مرتکبین جنحه و جنایات و اشخاص مجهول الحال

(دوازدهم) برداشتن اطفالی را که سر راه انداخته اند و نگاهداری از آنها بوسایل موجوده

(سیزدهم) نجات دادن اشخاصی را که از آفت کشتی در غماطره هستند و حفظ اموال متعلقه بانها

(چهاردهم) حفظ اشیاء عتیقه و اشیائی که کم شده بود و بعد پیدا شده (لقطه) (پانزدهم) ملاحظه جسد اموات که در راهها و معابر و غیره پیدا میشود و تحقیقات لازمه برای معین کردن جهت مرگ و اطلاع دادن بجاهای لازمه

(شانزدهم) جلوگیری از دزد ها و قطاع الطریق و اقدامات برای برقراری امنیت اهالی و تحقیقات دزدی و حریق و غیره و اطلاع دادن به اداره ضبطیه

(هفدهم) اقدامات لازمه برای حفظ الصحة و رفع امراض مسریه و امراض سریع الانتشار میان مردم و حیوانات و راپرت دادن باداره ضبطیه

(هیجدهم) قبول کردن عرضحال و شکایاتیکه باداره ضبطیه داده میشود و منضم کردن اطلاعاتی که مدیر ضبطیه راجع بان عرضحال با شکایت تحصیل کرده

(نوزدهم) ترتیب صورتهائیکه حاوی اطلاعات دفتر نفوس و هیئت احصائیه است از قبیل عدده مساجد و مدارس و مکاتب و مرضخانها و دار المساکین و عدده دهات و نفوس و متولدات و متوفیات و عقد ازدواج و غیره و فرستادن آن صورتهای را باداره ضبطیه

(بیستم) امور راجعه بتذکره موافق قوانین تذکره

(یست و یکم) ابلاغ نمودن باداره ضبطیه صورتهائیکه ضابط نواحی درباب

اطلاعات راجعه بحاصل و زراعت و غیره ترتیب میدهند

(یست و دوم) اجرای احکام محاکم عدلیه بحکم رئیس ضبطیه و اجرای کلیه

اوامر ضبطیه

(یست و سوم) اخبار اداره ضبطیه از انجام دادن اوامر و احکامیکه بعهدۀ

مدیر ضبطیه صادر شده

(یست و چهارم) پاک نگاهداشتن محسی که در نزدیک خانه مدیر ضبطیه

برای توقیف موقتی اشخاص لازم ساخته شده است

ماده ۳۶۵ - خانه مدیر ضبطیه باید همیشه برای هر کس باز باشد و هموقت باید مدیر عرضحال و شکایت مردم را بشنود و اقدام لازم را بعمل آورد و بامردم بملایمت و حوصله رفتار نماید

تبصره - بالای خانه مدیر ضبطیه باید سر لوحه باشد باین کلمات (خانه مدیر ضبطیه)

ماده ۳۶۶ - مدیر ضبطیه باید مراقبت نامه داشته باشد که حرکتی از کسی ناشی نشود که مخالف قوانین باشد مثلاً اعلان و انتشار قوانین و احکام بدون اجازه اداره ضبطیه و پاره کردن اعلاناتی که بتوسط اداره ضبطیه شده و قمار و شرب مسکرات و ارتکاب منکرات علناً که مورث اختلال نظم شود و اجتماع زن و مرد در یکجا در موارد ممنوعه و اعلانات تهمت آمیز و انتشاراتی که باعث فساد اخلاقی است

ماده ۳۶۷ - در مواردی که مدیر ضبطیه بتوسط ده باشی هالز وقوع جنحه و جنایت و قباحتی از قبیل قتل و سرقت و حریق عمدی و تقلب در مسکوکات و اسناد دولتی و ملتی و بانک ها و غیره مطلع میشود باید فوراً مراتب را بمدعی عمومی یا معاون آن اطلاع دهد و اقدامات اولیه را در جلوگیری از اعمال شنیعه و توقیف جانی و تحقیقات اولیه بعمل آورد

ماده ۳۶۸ - مدیر ضبطیه باید صورت اشخاصی را که در دهات برای اطفاء حریق داو طلب شده اند ترتیب داده و اعلانات لازمه در دهات بنماید که اشخاص لازم بدانند با چه اسباب باید برای اطفاء حریق حاضر شوند

ماده ۳۶۹ - هر گاه در حوزه مأموریتی مدیر ضبطیه ملیخ خوارگی یا

آفت دیگری برای زراعت حادث شود مدیر ضبطیه بتوسط ده باشی ها مردم دهات و کدخداهای و ضباط را دعوت می نماید که اقدامات لازمه را موافق علم و تجربه که دارند بر ضد ملخ خوارکی و غیره بعمل آورند و کذا لک اگر حیوانات درنده و سبع در حول وحوش آبادانی ها زیاد شوند مدیر ضبطیه اعلام می نماید که اشخاص داوطلب حاضر شده حیوانات مزبور را قلع و قمع نمایند

ماده ۳۷۰ - هر گاه مدیر ضبطیه مطلع شود که طفلی سر راه یا در بیابان افتاده است باید تحقیقات لازمه را بعمل آورد بفهمد که عمداً آن طفل را انداخته اند یا کم شده بعد از تحقیقات و کشف و تعیین والدین و اقربای آن طفل طفل را باولایی آن می رسانند و اگر عمدی بوده بیکی از اهالی محل می دهد که در مقابل حق الزحمه معینی از طفل پرستاری نماید کذا لک اشخاصی را که در بین راه بواسطه مرضی افتاده و در مانده اند مدیر ضبطیه بدار المساکین می سپارد و در صورتیکه چنین اداره خیریه نباشد موقتاً بخانه می سپارد و بکسان مریض اطلاع میدهد

ماده ۳۷۱ - چنانچه آثار عتیقه و دینه پیدا شود مدیر ضبطیه فوراً مراتب را باطلاع اداره ضبطیه و حاکم ولایت می رساند ولی اشیاء مفقوده که پیدا میشود باید بصاحبان آن رد شود و اگر صاحبان آن معین نباشد مدیر ضبطیه آن اشیاء را باداره ضبطیه میفرستد که موافق قوانین شرع انور اقدام شود

ماده ۳۷۲ - مدیر ضبطیه حق دارد در موارد لازمه با مدیر های ضبطیه سایر دوایر مکاتبه و از آنها بعضی اطلاعات یا تحقیقات بخواهد و اگر جواب نرسید باداره ضبطیه رجوع نماید

تبصره - دوایر ضبطیه همان بلوک یا بلوک دیگر یک حکم دارد مقصود این

است که مدیر هر یک از دوایر ضبطیه ولایتی میتواند با تمام دوایر ضبطیه آن ولایت مکاتبه نماید

ماده ۳۷۳ - هر گاه در حکم اداره ضبطیه مدیر ضبطیه چیزی مشاهده کند که علایقه برخلاف قوانین باشد مدیر مزبور اجرای آن حکم را نکرده باداره ضبطیه ملاحظات خود را تقدیم نماید و چنانچه مجدداً همان حکم صادر شد حکم اداره ضبطیه را اجرا نموده فوراً مراتب را باطلاع اداره ولایتی برساند

ماده ۳۷۴ - هر گاه مدیر ضبطیه بخواهد باداره ضبطیه برای کاری برود باید قبل از وقت تحصیل اجازه کرده بعد برود ولی در موارد فوق العاده میتواند بدون اجازه در اداره ضبطیه حاضر شود بشرطیکه قبل از حرکت مدیر دایره ضبطیه همجوار را که قبل از وقت بحکم اداره ضبطیه برای این گونه موارد قائم مقام معین شده است اخبار نماید

ماده ۳۷۵ - مدیر های ضبطیه نظارت باعمال ناظمین ضبطیه و ده باشیها دارند و اگر رفتار خلاف قاعده از آنها مشاهده نمایند ملاحظات خود را در عزل آنها باداره ضبطیه اظهار میدارند

تبصره - مدیر ضبطیه نباید بوجه من الوجوه تااین ضبطیه را که در اداره او هستند بکارهای شخصی خود بکمارد

سوم - در وظایف تااین ضبطیه

ماده ۳۷۶ - وظایف ناظمین ضبطیه (معاون مدیر ضبطیه) موافق دستورالعملی است که وزارت داخله باطلاع وزارت عدلیه و سایر وزارتخانهها مرتب خواهد نمود

ماده ۳۷۷ - وظایف ناظمین ضبطیه و ده باشیها اجرای اوامر اداره ضبطیه

و احکام مدیر های ضبطیه است لهذا اشخاص مزبوره تمام امور را جمعه بداره ضبطیه را موافق مواد (۲۳۹ - ۲۱۹) و كذلك وظائف مدیر های ضبطیه را مطابق مواد (۲۷۴ - ۲۶۳) بموجب احکام و دستور العمل آنها بموقع اجرا می گذارد حفظ و وقایه امنیت و آسایش و مراقبت پاکي و پاکیزگی در دهات مخصوصاً بعهدۀ مأموریت آنها است

ماده ۳۷۸ - تاین مذکورہ مواظبت مینماید که در جاها ئیکه آب از سرچشمه برای خوراکي برداشته میشود رخت نشویند و به بعضی اقدامات آب را کثیف نمایند و سر چاهها عفووظ باشد و برای شست و شو و استعمالات دیگر حوضهای علیحدہ تهیه شود

ماده ۳۷۹ - تاین ضبطیه مراقبت مینماید که در خانهای رعیتی بخاریها و لولههای بخاری صحیح باشد و هر گاه بخواهند در خانهای قریب بچنگلها آتش برافروزند باید مسافت معینی که اقلاً ده ذرع باشد تا چنگلها فاصله داشته باشد و در موارد اتفاق حریق باید فوراً اشخاصی را که قبل از وقت داو طلب اطفاء حریق شده اند خبر نمایند و با تمام وسائل موجوده و اسباب اطفائی و غیره جلوگیری و دفع حریق را بنمایند

ماده ۳۸۰ - تاین ضبطیه باید مراقبت مخصوص نسبت بصحت طرق و شوارع و معابر و پلها و کوچها و غیره داشته باشند و بموقع مدیر های نظمیہ را از اغتشاش راهها مطلع نمایند که اقدامات فوریه از طرف آنها در ادارات لازمه برای تغییرات لازمه بعمل آید

ماده ۳۸۱ - نظارت اجرای قوانین دولتی در حفظ چنگلها و مراقبت قوانین حفظ الصحه و قواعد خرید و فروش سموم و عدم خرید و فروش اموال قاچاق و اشیاء ممنوعه و غیره برعهده تاین ضبطیه است و باید بموقع تمام اینگونه اتفاقات و وقایع

را بمدير ضبطیه اطلاع دهد

ماده ۳۸۲ - کلیه تاین ضبطیه مراقب و مواظب اجرای تمام قوانین دولتی و دستور العملهای ادارات از هر قبیل هستند و هر قبیل اتفاقات فوق العاده را فوراً بمدير های ضبطیه اطلاع میدهند و دستور العمل می گیرند و هر گاه اتفاق فوق العاده نباشد هفته یکمرتبه ده باشی نزد مدیر ضبطیه رفته راپرتهای خودشان را میدهند و دستور العمل می گیرند و در صورتیکه خودشان نتوانستند حاضر شوند يك نفر از تاین نظمیہ را برای گرفتن دستور العمل می فرستند

تبصره - روز های حاضر شدن ده باشیها در نزد مدیر ضبطیه باید طوری معین و مرتب شود که با رسیدن پست شهری و احکام اداره ضبطیه بمدير ضبطیه توافق نماید

ماده ۳۸۳ - در صورت مریض بودن ده باشی یکی از تاین ضبطیه هائیکه ساکن همان محل و از حیث خدمت اقدم است قائم مقام اوست

ماده ۳۸۴ - تاین ضبطیه را نباید از مشاغل آنها باز داشت لهذا کدخدای های دهات مأذون نیستند مادامی که آنها مشاغل رسمی دارند کاری بآنها رجوع نمایند

ماده ۳۸۵ - تاین ضبطیه که در اداره بلوکی خدمت مینمایند و حامل مکاتبات و مراسلات اداره ضبطیه برای مدیر های ضبطیه بوده و نیز بعکس راپورت مدیر های ضبطیه را بان اداره حمل می نمایند باید در راه معطل نشوند و سعی داشته باشند که مکاتبات را خوب حفظ کرده بموقع برسانند در عرض راه هر چه از آذوقه و غیره لازم میشود باید بخرند و کسی را مجبور بدان هدیه و تعارفی نمایند و هیچگونه اجحاف و تعدی بکسی روا ندارند اگر کسی شکایت از آنها داشته باشد یا بمدير های ضبطیه و یا اداره ضبطیه می دهد

فصل هفتم

در تنظیم پایتخت و کرسی های ولایات و غیره

اول - در ترکیب نظمی

ماده ۲۸۶ - در پایتخت و کرسی های ولایات و شهر هائی که صورت آنها را وزارت داخله معین خواهد کرد اداره نظمی علیحده مؤسس و مقرر است اداره مزبوره در پایتخت مرکب است از رئیس نظمی و دو نایب رئیس و در کرسی های ولایات و غیره از رئیس نظمی و یک نفر نایب رئیس

ماده ۲۸۷ - از حیث امور نظمی شهر بچند عهده تقسیم میشود و هر عهده در اداره صاحب منصب نظمی است که موسوم است بکدخدای عهده

ماده ۲۸۸ - هر عهده نیز بچند کدر قسمت میشود و اداره کردن امور نظمی در هر کدام از کدر ها محول است بعهده و مسئولیت شخصیکه موسوم است بنایب هر کدوری هم بچند کوچه تقسیم میشود

ماده ۲۸۹ - کوچه ها بمحافظت تاین نظمی از قبیل دهباشی و پلیس و کزمه و غیره محول است و نایب کدر رئیس بلا واسطه تاین نظمی گذر است

ماده ۲۹۰ - در اداره نظمی دفتر خانه تشکیل خواهد شد که مرکب از یک نفر مدیر و چند نفر منشی و محرر و اجزاء دیگر خواهد بود و تمام قرار دادها و احکام اداره نظمی بتوسط کدخدای های محلات و نواب و ده باشی ها و پلیس بموقع اجرا گذارده خواهد شد

ماده ۲۹۱ - کدخدای های محلات در پایتخت و سایر شهر هائیکه بیش از دویست هزار نفر نفوس دارد يك نفر معاون خواهند داشت و در این صورت

کدخدای عهده یا معاونش اداره ضابطه محلیه را تشکیل می دهد و اداره مزبوره نیز دارای دفتر خانه خواهد بود که بقدر لزوم منشی و محرر و اجزاء خواهد داشت

ماده ۲۹۲ - تقسیم نواب و پلیس و کزمه و مستخدمین دفتر خانه های محلات بمحلات مختلفه بسته بصوابدید رئیس نظمی یا بیکلریکی است

ماده ۲۹۳ - در هر محله باید مجلس نظمی برای توقیف اشخاص لازم دایر شود و این مجلس ها هر کدام در تحت نظارت ناظمی خواهد بود و در هر عهده باید چند رختخواب در اطاق علیحده برای مرضی در تحت نظارت اطبای نظمی باشد

ماده ۲۹۴ - در پایتخت اداره نظمی نیز نظمی ردیفی (ذخیره) خواهد داشت و این نظمی مرکب خواهد بود از یک نفر رئیس و چند نفر نواب و تاین در این اداره مکتبی نیز ایجاد خواهد شد برای تهیه و حاضر کردن نواب و تاین ردیف - معلمین این مکتب صاحب منصبان و نواب نظمی خواهند بود

ماده ۲۹۵ - در شهر پایتخت و شهر های بزرگ علاوه بر نظمی مذکور در مواد فوق الذکر نظمی تفتیشی نیز مؤسس و مقرر است فهرست اسامی این نوع شهر ها را وزیر داخله مرتب و اعلام خواهد نمود

ماده ۲۹۶ - نظمی تفتیشی مرکب است از یک نفر رئیس و یک نفر معاون و مأمورین غصوصی و نواب و عمال نظمی

ماده ۲۹۷ - اداره اطفائی در شهر های لازم مرکب است از رئیس اطفائی و مأمورین اطفائی در محلات شهری و انبار اطفائی و عمال اطفائی که در تحت ریاست مأمورین اطفائی واقعند

ماده ۲۹۸ - شکل و ترتیب لباس صاحبمنصبان و تائین نظمیہ را و همچنان نوع اسلحه را که باید داشته باشند وزیر داخله موافق دستور العمل جداگانه مرتب و به ادارات نظمیہ اعلام خواهد کرد

دوم - در نصب و انفصال و عزل رئیس نظمیہ

یا مأمورین نظمیہ و غیره
ماده ۲۹۹ - رئیس نظمیہ در پایتخت بتصویب وزیر داخله و فرمان همایونی منصوب و منفصل میشود رؤسای نظمیہ سایر شهرها بمعرفی حاکم عمل و بحکم وزیر داخله منصوب و منفصل میشوند

تبصره - هرگاه ولایتی جزو ایالتی باشد نصب و عزل رئیس نظمیہ کرسی آن ولایت بمعرفی حاکم و بحکم فرمانفرما است

ماده ۳۰۰ - نصب و عزل معاون رئیس نظمیہ و کد خدای عملیات در پایتخت بمعرفی رئیس نظمیہ و تصویب حاکم است و در سایر شهرها بمعرفی رئیس نظمیہ و امضای حاکم است عزل معاون کد خدای عملیات و نواب و تائین نظمیہ و اجزای دفتر خانها در همه جا بمعرفی رؤسای بلا واسطه آنها و تصویب رئیس نظمیہ است

سوم - در قواعد خدمت تائین نظمیہ

ده باشی پلیس و گزرمه

ماده ۳۰۱ - اشخاص ذیل نمیتوانند در نظمیہ مستخدم شوند
(اولاً) کسانیکه بواسطه جنحه و جنایتی مجازات قانونی دیده اند یا در تحت استتقاق و محاکمه هستند و یا متهم بجنحه و جنایتی شده شرعاً بری الذمه نشده اند

(ثانیاً) از تائین ردیف نظامی آنها تیکه هنگام خدمت نظامی مورد جریمه و تنبیہ نظامی بوده اند

(ثالثاً) اشخاصیکه بواسطه جرم و تقصیری از خدمت خارج شده اند

(رابعاً) اشخاص و ورشکست بتقصیر

(خامساً) اشخاصیکه محتاج بقیم شرعی هستند

(سادساً) کسانیکه تریاک استعمال مینمایند و یا متجاهر بفسقند

ماده ۳۰۲ - صاحبمنصبان اداره نظمیہ و ضبطیہ از رؤسای و کد خدایها و مدیرهای ضبطیہ اشخاصی خواهند بود که تبعه ایران بوده و در یکی از مدارس علمیه تحصیلات خود را تمام کرده اند و یا در خدمت کشوری و لشگری معلومات و تجربه کافی تحصیل کرده اند

ماده ۳۰۳ - در پایتخت اشخاصیکه موافق دو ماده قبل صلاحیت دخول به خدمت نظمیہ را دارند و میخواهند بسمت کد خدائی داخل خدمت نظمیہ شوند جزو نظمیہ ذخیره (ردیف) محسوب خواهند شد که بعد از دادن امتحانات لدی الاقتضاء داخل خدمت نظمیہ بشوند و اگر بثبوت رسید که لایق خدمت در نظمیہ نیستند معاف خواهند بود

تبصره - اشخاصیکه در مدت سه سال در جاهای دیگر صاحبمنصب نظمیہ و ضبطیہ بوده اند (کد خدای عمل یا مدیر ضبطیہ بوده اند) و همچنان صاحبمنصبان نظامی از این قاعده مستثناء و یکسدمعه در پایتخت داخل خدمت نظمیہ خواهند شد

ماده ۳۰۴ - هرگاه صاحبمنصب ردیف در مدت سه سال اول ترفیع رتبه نیافتند از ردیف نظمیہ نیز باید خارج شوند

ماده ۳۰۵ - ترفیع رتبه در اداره نظمیہ باید بمراتب باشد

ماده ۳۰۶ - صاحبمنصبان نظمیہ تفتیش نیز باید تماماً تبعه ایران و دارای شرایطی باشند که در ماده ۳۰۷ و ۳۰۱ مذکور است و بعلاوه باید در پایتخت و شهرهای بزرگ امتحان معلوماتی که برای خدمت آنها لازم است داده باشند

ماده ۳۰۷ - شرایط دخول نواب و عمال ضبطیہ بخدمت نظمیہ از قرار

ذیل است :

(اولاً) تابعیت ایرانیہ

(ثانیاً) سن که کمتر از بیست و پنج نباید باشد

(ثالثاً) برای نواب داشتن شهادت نامہ تحصیل لاعماله از یکی از مکاتب ابتدائیہ

و برای تابعین نظمیہ سواد فارسی

ماده ۳۰۸ - اشخاصیکہ صلاحیت دخول بخدمت نظمیہ را موافق ماده قبل

دارند در پایتخت اول جزو ردیف نظمیہ محسوب میشوند و بعد از دادن امتحانات در مکتب نظمیہ داخل خدمت واقعی خواهند شد و هر گاه نواب و تابعین لیساق و استعداد نداشته باشند اخراج خواهند شد

ماده ۳۰۹ - از نواب و تابعین آنهایکہ سه سال باین سمت در خدمت نظمیہ

بوده اند و تجارب لازمه را تحصیل کرده اند میتوانند یکدفعہ داخل خدمت واقعی بشوند بشرطیکہ رعایت ماده ۳۰۱ و ۳۰۶ شده باشد

ماده ۳۱۰ - تابعین نظمیہ در خدمت دولتی محسوب خواهند شد ولی حق ارتقاء

بدرجہ صاحبمنصبی را نخواهند داشت

ماده ۳۱۱ - نواب و تابعین نظمیہ بسه درجہ منقسم می شوند و برای تشویق

خدمت صادقانه هر پنج سال از درجہ سفلی بدرجہ علیا ارتقاء می یابد نایی که از

درجہ اولی باشد و یکی از مکاتب ابتدائیہ را تمام کرده باشد در صورت خدمات صادقانه و ابراز کفایت می تواند معاون کدخدای محله واقع شود و کذالك پلیسی که سواد کافی دارد و از درجہ اولی است می تواند بعد از دادن امتحانات لازمه نایب شود .

تبصرہ - درجات تابعین نظمیہ از این قرار است دهباشی پلیس و کزمره

ماده ۳۱۲ - نواب و تابعین نظمیہ را نمی توان بکار دیگری گماشت و لو آن

کار موقتی باشد

ماده ۳۱۳ - اشخاصی که در خدمت نظمیہ واقفند نمی توانند متصدی شغل

دیگری بشوند و کذالك از مشاغل شخصی از قبیل تجارت و کسب و غیره ممنوع اند

چهارم - در مسئولیت و مؤاخذہ

ماده ۳۱۴ - هر گاه از صاحبمنصبان و مستخدمین نظمیہ تقصیر سر بزند که

از قبیل جنحه و جنایتی بوده محتاج بجلب آنها بمحاکمه و دادن مجازات قانونی باشد بطوری رفتار خواهد شد که در مواد ۳۹۱ و ۳۹۲ و نظامات عدلیہ مقید است ولی چنانچه تقصیری که از صاحبمنصبان و مستخدمین نظمیہ ناشی شده است جنحه و جنایتی نبوده مستوجب جلب به محکمه عدلیہ نباشد مؤاخذہ آن از قرار ذیل است

تبصرہ - اشخاصی که در اداره نظمیہ برای کاری اجیر شده اند و مستخدم

نیستند در موردی که تقصیری از آنها ناشی شود در حکم مستخدمین نظمیہ خواهند بود

ماده ۳۱۵ - مؤاخذہ که از صاحب منصبان نظمیہ می شود بسه

استثنای رئیس نظمی و تفتیش و رئیس اداره حریق و رئیس نظمی ردیفی از قرار ذیل است

(اول) اخطار

(دوم) تویخ و ملامت

(سیم) همان مؤاخذه با اعلان و انتشار در اداره نظمی

(چهارم) واداشتن بخدمت خارج از نوبت (یعنی سوای خدمت مقرر)

(پنجم) توقیف و حبس بمدت هفت روز

(ششم) کسر گذاشتن از حقوق

(هفتم) تبدیل شغل مقصر از اعلی باسفل

(هشتم) عزل از شغل (نه از خدمت)

ماده ۳۱۶ - مؤاخذه که از نواب میشود از قرار تفصیل ذیل است :

(اول) اخطار

(دوم) تویخ و ملامت

(سوم) همان مؤاخذه با قید اسم مقصر در دفتر جرائم

(چهارم) رجوع خدمت خارج از نوبت

(پنجم) حبس تا دو هفته

(ششم) کسر حقوق

(هفتم) تبدیل شغل مقصر از درجه اعلی باسفل

(هشتم) نقل از رتبه نایی به پلیس

(نهم) اخراج از خدمت

ماده ۳۱۷ - مؤاخذه از پلیس تا باین نظمی همان مؤاخذه از نایب است با استثنای

حبس که مدت آن یکماه تواند بود

تبصره اول - کسر حقوق یعنی (مواجب) نباید بیش از يك ثلث باشد

تبصره دوم - رئیس نظمی حق دارد اشخاصی را که شغلشان از اعلی

باسفل تبدیل شده مجدداً در ازای خدمت صادفانه بدرجه اعلی معاودت دهد

ماده ۳۱۸ - تویخ و ملامت شفاهی اگر راجع بصاحبمنصبان است باید در

دفتر مخصوص قید شود و چنانچه راجع بنواب و تا باین نظمی است (دهباشی و پلیس

و گزومه) در دفتر جرائم ثبت خواهد شد

ماده ۳۱۹ - حبس صاحبمنصبان نظمی در محبس نظمی خواهد بود و حبس

نواب و تا باین نظمی در محبس هائیکه در اداره نظمی (مرکزی یا محله) ساخته شده

است - نواب باید از تا باین نظمی علیحده باشند

ماده ۳۲۰ - مؤاخذه باید با اهمیت جرم و تقصیر متناسب باشد لهذا باید تقصیری

که ناشی شده و اوضاع و احوال آن و حرکت و رفتار ما قبل مقصر و مدت خدمت

آن منظور باشد

ماده ۳۲۱ - مؤاخذات فوق الذکر (در ماده ۳۱۴ و ۳۱۵) حق رئیس

نظمی است ولی حق مؤاخذه مأمورین نظمی (کد خدا های عملات) از قرار

ذیل است :

(اولاً) نسبت بصاحبمنصبانیکه در اداره او هستند اخطار و تویخ و ملامت

و بخدمت او داشتن در غیر نوبت بطور فوق العاده فقط يك دفعه

(ثانیاً) نسبت بنواب تویخ و ملامت با قید در دفتر جرائم و بخدمت واداشتن

در غیر نوبت بطور فوق العاده تا چهار دفعه

(ثالثاً) نسبت بتا باین نظمی رجوع خدمت در غیر نوبت بطور فوق العاده تا

شش دفعه و حبس تا سه روز اگر مؤاخذه شدید تری لازم شود کد خدای محله از

رئیس نظمیة تحصیل اجازه خواهد کرد

ماده ۳۲۲ - رؤسای نظمیة ذخیره و ناظمین محس ها و رؤسای نظمیة تفتیش و رئیس اداره حریق نسبت بصاحبمنصبانی که در اداره آنها هستند در باب مؤاخذة همان حق را دارند که در باب کدخدای محلات قید و تصریح شده

ماده ۳۲۳ - مؤاخذات دیگر که شدید تر باشد با اجازه رئیس نظمیة است

ماده ۳۲۴ - مادامیکه رؤساء از حدود خود تجاوز نکرده اند و مؤاخذة صحیح بوده مقصرین حق ندارند از آنها شکایت بنمایند

پنجم - در وظایف اداره نظمیة شهری

و صاحبمنصبان و تائین نظمیة

ماده ۳۲۵ - حدود حقوق و تکالیف اداره نظمیة شهری همان است که در باب اداره ضبطیة (بلوکی) مصرح است

ماده ۳۲۶ - وظایف صاحبمنصبان نظمیة از رئیس و غیره و نواب و تائین نظمیة در شهر نیز همان است که در باب رئیس ضبطیة (بلوکی) و مدیرهای ضبطیة و غیره قید شده

ماده ۳۲۷ - بعضی وظایف که مخصوص نظمیة شهر است از قراری است که در مواد آتیة ذیل مندرج است

ماده ۳۲۸ - کدخدای محلات و اداره نظمیة محله (در صورتیکه باشد) مکلفند که:

(اولاً) هر فوتی که در محله آنها اتفاق میافتد بشخص امین آن محله که برای این نوع کارها معین میشود اطلاع دهند تا اقدامات لازمه در حفظ اموال متوفی بعمل آید

(ثانیاً) ناظر اجرای قواعدی باشند که رئیس نظمیة یا مجلس بلدیه برای انتظام امور شهری ایجاد و اعلام نموده اند

(ثالثاً) نظارت بمجلس ها داشته باشند که وضع آن محبسها موافق قاعده و انتظام باشد لهذا کدخداهای محلات زود باید بان امکانه سرکشی نمایند

(رابعاً) باید هر ماه بوقتاً بامور اداره خود و صندوق و غیره سرکشی نمایند

(خامساً) بقراول خانهاییکه محل اقامت پلیس است نظارت داشته باشند

ماده ۳۲۹ - تقسیم کارها ما بین معاونین کدخدای محله در صورتیکه کد خدا دو معاون داشته باشد بستمه بصوا بدید رئیس نظمیة است

ماده ۳۳۰ - صاحبمنصبان و مستخدمین اداره نظمیة تماماً در تحت نظارت رئیس نظمیة اجرای دستورالعملهای آنها مینمایند و هر يك مسئول رشته کاری هستند که بانها رجوع شده

ماده ۳۳۱ - اجزای اداره نظمیة محلیه (در صورتیکه باشد) در تحت نظارت کدخدای محله واقع و مسئول امور مرجوعه بخودشان هستند

ماده ۳۳۲ - نواب تماماً تابع کدخدای محله خودشان بوده بلاواسطه اوامر و دستورالعملهای کدخدای محله خودشانرا بلا تأخیر بموقع اجرا میگذارند

ماده ۳۳۳ - تائین نظمیة در اداره نواب و تابع اوامر ادارات نظمیة اند

ماده ۳۳۴ - اجزای مجلس نظمیة در اداره ناظمین بوده تابع اوامر و دستورالعملهای آنها هستند

ماده ۳۳۵ - ترتیب اقدامات و رفتار نواب و تائین نظمیة را رئیس نظمیة علیحده مشروحاً مرتب خواهد کرد

ماده ۳۳۶ - ردیف نظمیة برای این دو مقصود تأسیس شده اولاً برای اشخاص داوطلب که خودشان را برای خدمت در نظمیة بسمت صاحبمنصبی نایی و تائینی نظمیة

حاضر نمایند ثانیاً در صورت عدم کفایت مستخدمین و تأمین نظمیه موجوده نظمیه عملیه را تکمیل نمایند

ماده ۳۳۷ - ترتیب و قسواعد خدمت پلیس ذخیره و پروگرام (دستور - العمل) امتحانات دخول بان اداره و تفاسیل دیگر را وزیر داخله معین خواهد کرد

ماده ۳۳۸ - پلیس تفتیش مأمور است که در موارد انفساق جنحه و جنایتی تفتیش و تفحص و تحقیقات لازمه را بعمل آورد و با اجرای اوامر واحکام رئیس نظمیه را در جلوگیری از جنحه و جنایات و فتنه و فساد بعمل آورد پلیس تفتیش در این موارد موافق دستور العملهای راجعه به نظمیه اقدام مینماید و در واقع آلت اجرائیه نظمیه است

تبصره - تفصیل ترتیبات و دستور العملهای نظمیه تفتیش را رئیس نظمیه مرتب خواهد کرد

ششم در روابط تأسیسات نظمیه

ماده ۳۳۹ - تأسیسات نظمیه تماماً در اداره رئیس نظمیه است و اوامر واحکام آنرا بموقع اجرا میگذارند و راپورت میدهند - با سایر دوایر دولتی ادارات نظمیه مکاتبه مینمایند و بتأیید حکم میدهند

ماده ۳۴۰ - در امور راجعه بنظمیه تمام ادارات دولتی از حکومتی و عدلیه و مالیه و غیره مستقیماً بتأسیسات نظمیه رجوع مینمایند

ماده ۳۴۱ - اشخاصیکه از اقدامات نظمیه راضی نیستند شکایات خودشانرا بداره متبوعه میدهند که مصدر حکم است

ماده ۳۴۲ - ترتیب رسیدگی بصندوق نظمیه و محاسبات آن و نظارت باموال تقدی و جنسی و اموال غیرمقوله تأسیسات نظمیه موافق قوانینی است که برای محاسبات ادارات دولتی کلیه وضع و ایجاد شده

ماده ۳۴۳ - حدود تأسیسات نظمیه شهری حدود شهر است با اراضی و باغاتی که از محوطه شهر محسوب میشود ولی در صورت تعاقب دزد یا اشخاصی که جنحه و جنایتی از آنها سر زده است پلیس شهری مکلف است که در خارج حدود شهر نیز اقدامات خود را امتداد بدهد و فقط وقتی از تعاقب صرف نظر کند که پلیس محال شروع با اقدامات کرده باشد

ماده ۳۴۴ - نسبت بجاهاتی که قلمرو اقدامات فراسورانها است (طرق و شوارع) عمال نظمیه تکلیفی ندارند ولی هر گاه عمال نظمیه در قلمرو اقدامات فراسورانها کشف علامت جنحه و جنایتی را نمایند و مأمورین فراسوران در آن محل نباشند مکلفند که تا ورود مأمورین مزبور موافق قوانین عدلیه تحقیقات اولیه و حفظ علامت جنحه و جنایتی را بعمل آورند

فصل هشتم - در باب فراسورانها

اول - در تشکیل اداره فراسورانها

ماده ۳۴۵ - فراسورانهای کلیه ممالک ایران در اداره وزارت داخله و در تحت ریاست وزیر داخله است

ماده ۳۴۶ - در هر ولایتی که بموجب قوانین اداره تشکیل شده اداره برای ترتیب و تنظیم امور فراسورانها تشکیل خواهد شد و این اداره مرکب است از رئیس فراسورانهای ولایتی و نایب او

ماده ۳۴۷ - این اداره مثل اداره نظمیه دفتر خانه خواهد داشت منشی اداره

قراسوزانها مدیر دفتر خانه مزبوره است و اجزای دفتر خانه از قبیل محرر و دفتر دار و غیره در تحت نظارت او واقعند

تبصره ۵ - مقر اداره قراسوزانها در کرسی ولایت خواهد نمود

ماده ۳۴۸ - رئیس قراسوزانهای ولایتی به معرفی حاکم و بتصویب وزیر داخله منصوب و منفصل میشود هر گاه ولایتی جزو ایالتی باشد نصب و عزل او بمعرفی حاکم و تصویب فرمانفرما است نایب رئیس قراسوزانها بمعرفی رئیس قراسوزانها و تصویب حاکم بشغل خود منصوب و از شغل خود منفصل خواهد شد مدیر دفتر خانه قراسوزانها را رئیس قواسوزانها معین میکند

ماده ۳۴۹ - وزیر داخله با اتفاق وزیر عدلیه و وزیر طرق و شوارع عدله قراسوزانهای هر ولایتی را علیحده معین خواهند کرد که بعد از تصویب مقامات عالیله قوت قانونی یافته بموقع اجراء گذارده شود

ماده ۳۵۰ - در تعیین عدله قراسوزانهای ولایتی مقدار و وسعت خاک آن ولایت و اخلاق و عادات سکنه و طوایف آن و همچنان اهمیت طرق و شوارع و عدله نظمی و ضبطیه ولایت منظور نظر خواهد بود

ماده ۳۵۱ - رئیس قراسوزانهای ولایتی و نایب رئیس و صاحبمنصبان جزو قراسوزان رتبه نظامی خواهند داشت و از صاحبمنصبان نظامی معین خواهند شد تمام صاحبمنصبان و تائین قراسوزان در خدمت نظام حاضر رکاب محسوب و از حیث رتبه و مقام و اعطای مناصب و امتیازات و قواعد خدمت تابع قواعد و ترتیبات خدمت نظامی خواهند بود

ماده ۳۵۲ - تقسیم قراسوزانهای ولایتی بدستجات مختلفه و سپردن هر کدام از دستجات مزبوره را بصاحبمنصبی و تعیین رتبه و مقام رئیس و نایب رئیس و صاحبمنصبان جزو و کذلک ترتیب لباس و اسلحه و اسب و سایر ملزومات آنها را

وزیر داخله با اتفاق وزیر جنگ معین و بعد از تصویب مقامات عالیله بموقع اجراء خواهد گذارد

تبصره ۵ - تعیین عدله قراسوزانها برای ممالک ایران و تقسیم آن بولایات بمعده وزیر داخله خواهد بود

دوم - در وظایف اداره قراسوزانها

ماده ۳۵۳ - اول وظیفه اداره قراسوزانها حفظ و حراست راه ها و وقایع امنیت طرق و شوارع است و حدود تکالیف آنها در این باب همان است که در فصول راجعه به ادارات ضبطیه و نظمیله مندرج است یعنی آنچه که بر عهده اداره نظمیله (در شهرها) و ادارات ضبطیه (در بلوکاتست) با جزئی اختلاف مقتضیات محل بر عهده اداره قراسوزانها نسبت به طرق و شوارع وارد میآید

ماده ۳۵۴ - اداره قراسوزانها مکلف است که اقدامات لازمه را در جلوگیری از جنحه و جنایات بعمل آورد و هر گاه جنحه و جنایتی اتفاق افتاده تا ورود مأمور تحقیق و تحقیقات اولیه را بعمل آورده و مرتکبین جنحه و جنایات و مقصرین را دستگیر نماید و علامت جنحه و جنایات را تا ورود مأمورین تحقیق حفظ نماید

تبصره ۵ - در صورتیکه جنحه و جنایتی واقع شود و قراسوزانهای راه در محل وقوع جنحه و جنایات نباشند مستخدمین ادارات طرق و شوارع مکلفند که حفظ اعلام جنحه و جنایات را تا ورود قراسوزانها بعمل آورند

ماده ۳۵۵ - در صورتیکه در محل ادارات نظمیله و ضبطیه نباشد قراسوزانها تمام تکالیف آن ادارات را بموقع اجراء میگذارند موارد و موافقیرا که قراسوزانها باید تکالیف ادارات ضبطیه و نظمیله را انجام بدهند وزیر داخله با اتفاق وزیر عدلیله معین و اعلام خواهد کرد

ماده ۳۵۶ - حدود اقدامات اداره قراسورانها حفظ طرق و شوارع و ابنیه و عماراتی است که در سر راهها با در کنار جاده ساخته شده

ماده ۳۵۷ - هرگاه جنحه و جنایتی در معابر و راهها واقع شود و جنایتی یا مقصر فرار نماید قراسورانها مکلفند که آنها را تعاقب نموده در خارج حوزه اقدامات خودشان هم این تعاقب را امتداد دهند و فقط وقتی دست از تعاقب بردارند که عمال ضبطیه و نظمیہ آن محل باجرای تکالیف خودشان در این باب و بتعاقب فراری اقدام کرده باشند

ماده ۳۵۸ - قواعد استعمال اسلحه در موارد لازمه بتوسط صاحبمنصبان و تائین و قراسوران علیحده مرتب و منضم بماده است

سوم - در روابط اداره قراسورانها با سایر دوائر محلیه

ماده ۳۵۹ - اداره قراسورانها تابع احکام وزیر داخله و وزیر عدلیه و وزیر طرق و شوارع و اداره ولایتی هستند و بان مقامات راپرت میدهند ولی از تحقیقات راجعه بجنحه و جنايات فقط تابع مدعی عمومی ولایتی میباشد

ماده ۳۶۰ - بدوایر محلیه اداره قراسورانها مراسله مینویسند

ماده ۳۶۱ - اداره قراسورانها هر گونه اطلاعات لازم را بدوایر نظمیہ و ضبطیه در صورت لزوم و تقاضای آن ادارات خواهند داد و خود اداره قراسورانها هر گونه اطلاعات لازمه را از آن ادارات نخواهند و کلیه در موارد لازمه اداره قراسورانها کمال مساعدت و همراهی را باندازه که راجع بحدود تکالیف آن اداره است از ادارات ضبطیه و نظمیہ خواهند نمود

چهارم - در تکالیف رئیس قراسورانها

و نایب رئیس و صاحبمنصبان و تائین قراسورانها

ماده ۳۶۲ - تکالیف رئیس و صاحبمنصبان و تائین قراسوران در قلمرو

مأموریتی آنها همان است که در مواد راجعه بر رئیس ضبطیه بلوکی و نایب رئیس و مدیر های ضبطیه و تائین ضبطیه مصرح و مندرج است

ماده ۳۶۳ - روابط رئیس بصاحبمنصبان و تائین قراسوران و بعکس روابط صاحبمنصبان و تائین نسبت بر رئیس بموجب اصول قوانین نظامی خواهد بود

پنجم - در مسؤلیت صاحبمنصبان

و تائین قراسوران و سیاست آنها

ماده ۳۶۴ - هرگاه از صاحبمنصبان و تائین قراسوران تقصیرات جزئی سر بزنند [تنبیه و سیاست آنها بطوری خواهد بود که در قوانین خدمت نظامی برای صاحبمنصبان و تائین نظامی معین شده ولی اگر تقصیر صاحبمنصبان و تائین قراسوران بقدری مهم باشد که بعد از انفصال از شغل ارجاع کار آنها بمحاکم عدلیه لازم شود بعد از تحقیقات لازمه در اداره ولایتی یا حضور رئیس نظام ولایت یا معاون آن کار آنها بمحاکم عدلیه و نظامی رجوع خواهد شد

فصل نهم

در تشکیل اداره ناحیتی

اول - قواعد عمومی

ماده ۳۶۵ - امور اداره هر ناحیه محول است بعهدۀ شخصیکه موسوم است بضابط (مباشر)

ماده ۳۶۶ - ضابط بتصویب نایب الحکومه و امضای حاکم ولایت بسمت خود استقرار مییابد

ماده ۳۶۷ - برای اداره نمودن امور ناحیه اداره تشکیل می شود که موسوم

است به اداره ناحیتی مقر اداره ناحیتی و ضابط (مباشر) یا دهی است که در وسط سایر دهات جزو ناحیه واقف شده و یا قصبه که از حیث آبادانی تجارت و حرفت و صنعت اهمیتی نسبت بدهات دارد

دوم - در باب ضابط (مباشر)

ماده ۳۶۸ - حفظ و وقایه امنیت و رفاهیت و انتظام امور ناحیه بمعهده ضابط (مباشر) است و کدخدا های دهات تابع او هستند

ماده ۳۶۹ - از امور ضبطیه آنچه راجع بضابط (مباشر) است از قرار ذیل است (اول) اعلان و انتشار قوانین دولتی و احکام و غیره بحکم مأمورین ضبطیه و مراقبت اینکه قوانین جعلی و اخبار بی اصل اعلام و انتشار نیابد

(دوم) حفظ و وقایه امنیت و اقدامات اولیه در جلوگیری از اغتشاش و حرکات خلاف قاعده تا آنکه حکم مأمورین ضبطیه برسد

(سیم) توقیف فراریان نظامی و غیره و اشخاص مجهول الحال و تسلیم آنها بمأمورین ضبطیه

(چهارم) اخبار مأمورین ضبطیه از اتفاقات فوق العاده و جنحه و جنایات و اغتشاشی که در ناحیه روی داده و كذلك دادن اسامی اشخاصیکه بدون اجازه ضابط (مباشر) از ناحیه به کن خارج شده اند

(پنجم) اقدامات اولیه در جلوگیری از امراض مسریه مابین مردم و حشم و حریق و طغیان آب و سایر ترتیبات و اخبار مأمورین ضبطیه بلا تأخیر

(ششم) اقدامات لازمه برای جلوگیری از جنحه و جنایت و اقدامات برای کشف جنحه و جنایت و مقصرین و تسلیم آنها بمأمورین ضبطیه

(هفتم) نظارت صحت راه ها و کوچه ها و پل ها و معابر

(هشتم) مراقبت اینکه کد خدا ها و سایر اشخاصیکه در اداره ضبطیه اند تکالیف بخود را بجزی دارند

(نهم) نظارت در وصول مالیات و عوارض دولتی و اجرای تکالیف عسکری

(دهم) نظارت بوجوه و اموال متعلقه بناحیه و مسئولیت صرف آن وجوه

بطور صحیح

(یازدهم) نظارت بمکاتب و مریضخانه ها و ادارات خیریه که بخرج اهالی ناحیه تأسیس شده است

(دوازدهم) نظارت بترتیبات دفتر نفوس در قراء و مراقبت بصحت آن

ماده ۳۷۰ - ضابط (مباشر) مکلف است که تقاضای مشروع مأمورین عدلیه

و ادارات ضبطیه را بلا عذر و تأخیر بموقع اجرا بگذارد

تبصره - احکام و اوامر ادارات ضبطیه را آنچه که راجع بضابط (مباشر)

است دهباشی بمشار الیه ابلاغ می نماید که بتوسط ضابط (مباشر) بموقع اجرا گذاشته

شود و خود دهباشی حق ندارد که بامور راجعه بضابط (مباشر) یا کد خدا دخالت

نماید ولی در موقع اجرای تکالیف ضبطیه خود می تواند بخواهد که ضابط

(مباشر) کمک و معاونت لازمه را به او در جلوگیری از اغتشاش و جنحه

و جنایت بعمل آورد كذلك در مواقعی که ضابط (مباشر) تکالیف خود را

از حیث امور ضبطیه بجزا می دارد ده باشی مکلف است که در صورت لزوم بلاو

کمک نماید

ماده ۳۷۱ - هرگاه از طرف اشخاصیکه در اداره ضابط (مباشر) واقعتاً تقصیری

سرزند ضابط (مباشر) میتواند مقصرا سیاست نماید حدین سیاست ضابط (مباشر)

در ماده (۳۹۱) مذکور است در صورت تخلف از حدود اشخاصیکه از سیاست

ضابط (مباشر) شکایت دارند میتوانند در مدت يك هفته از روی اجرای سیاست به اداره بلوکی شکایت نمایند

سیم - در اداره ناحیتی

ماده ۳۷۲ - اداره ناحیتی تشکیل مییابد از ضابط (مباشر) ناحیه و معاون آن و کدخداهای دهات جزو ناحیه

ماده ۳۷۳ - اداره ناحیتی غالباً روزهای جمعه تشکیل میشود ولی بحکم روسا یا در موارد فوری روز دیگر هم می تواند فوق العاده تشکیل یابد

ماده ۳۷۴ - اموری که در اداره ناحیتی باتفاق یا اکثریت آراء حل و تسویه میشود از قرار تفصیل است:

(اول) خرج کردن وجوهی که متعلق بناحیه است و رعایا برای مصارف ناحیتی داده اند

(دوم) عزل و نصب اشخاصی که برای خدمت ناحیتی اجیر شده اند باستثنای این دو مورد در سایر امور ضابط (مباشر) با اعضای اداره ناحیتی مشورت می نماید و عقیده خود را بمسئولیت خودش اجرا میدارد

ماده ۳۷۵ - تسویه امور در اداره ناحیتی بعدا کرات شفاهی است ولی در دفاتر احکام باید برای اداره ناحیتی اموری که تسویه آن منوط باتفاق یا اکثریت آراء است ثبت بشود احکامی که از طرف مباشر با اداره ناحیتی یا یکی از مستخدمین ناحیه جزو که تابع اداره ناحیتی است صادر میشود در این دفتر در دو مورد باید ثبت شود

(اول) در صورتیکه مباشر ثبت آن احکام را بخواهد -

(دوم) در صورتیکه شخصی که حکم بعهدده او صادر شده همین تقاضا را داشته باشد

ماده ۳۷۶ - غیر از دفتر مذکور در ماده قبل دفاتر ذیل نیز باید در اداره ناحیتی مرتب باشد

(اول) دفتر دعاوی که در محاکم ناحیتی طرح میشود و کذا لک دفتر دعاوی که بحکمیت حل و تسویه میگردد

(دوم) دفتر معاملات در این دفتر هر گونه معاملات که فیما بین خود دهقان ها و ملاکین و سایر اشخاص منعقد شده بمیل طرفین ثبت میشود بشرطی که وجه این معاملات عیناً یا قیمت بیشتر از صد و پنجاه تومان نباشد و معامله در حضور دو نفر شاهد منعقد شده باشد سواد ثبت دفتر معاملات در صورتیکه صحیح باشد (نه تقلبی) در محاکم عدلیه منظور خواهد بود

تبصره - برای ثبت معاملات در دفتر مزبور از هر معامله ده شاهی اخذ می شود و اگر در يك معامله بیش از دو نفر شراکت دارند باید نفری پنجشاهی دهند پولی که باین ترتیب جمع میشود بمصارف خیریه خود ناحیه خواهد رسید

ماده ۳۷۷ - نگاهداشتن دفاتر مذکوره در ماده ۳۷۶ و نوشتن شهادت نامه ها و کلیه نوشتجاتی که از طرف مباشر یا اداره ناحیتی صادر می شود بعهدده محرر ناحیتی است و محرر مزبور در تحت نظارت مباشر مراقبت و مسئول صحت نوشتجات صادره است و هرگاه تقلبی در نوشتجات و شهادت نامه ها و غیره مشاهده شود محرر مزبور بموجب قوانین راجعه بنقلب در خدمت دولتی مورد مجازات خواهد بود

فصل دهم

در باب کد خدا ها و امور راجعه بقراء

ماده ۳۷۸ - اداره کردن امور ده بعهدده کد خدا است که برضایت

اکثر ساکنین ده و بتصویب مباشر و مالک و امضای نایب الحکومه بدین سمت استقرار می یابد

ماده ۳۷۹ - وظایف کدخدا از قرار ذیل است

(اول) اجرای قرار داد های اداره ناحیتی

(دوم) نظارت باینکه حدود اراضی متعلقه بدهقانها و علائم آن محفوظ باشد اعم از اینکه آن اراضی در ملکیت آنها باشد یا در اجاره آنها

(سیم) مراقبت در صحت راهها و معابر و کوچها و پلهای ده

(چهارم) مواظبت وصول مالیات و عوارض دولتی و حقوق مالک

(پنجم) اجرای قرار داد ها ئیکه دهقانها ما بین خودشان منعقد داشته اند یا با ملاکین و اشخاص خارج بسته اند در صورتیکه این قرار داد ها متنازع فیه نباشد.

(ششم) نظارت بمکاتب و مریضخانه و دار المساکین و غیره در صورتی که خود اهالی ده بخرج خودشان این نوع ادارات خیریه را تأسیس کرده باشند

(هفتم) نظارت بدفاتر نفوس و غیره و اطلاعات راجعه بآن و تقدیم صورت این دفاتر بجای لازم

(هشتم) نظارت باموال و وجوهیکه متعلق بخود ده است و همچنان بانبار غله ذخیره که متعلق با اهالی ده است و صرف آن بطور صحیح

ماده ۳۸۰ - کد خدا تمام احکام مباشر را که راجع بامور ضبطیه و مذکور در ماده ۳۶۸ است بموقع اجرا می گذارد و خود مستقلاً اقدامات ذیل را بعمل میآورد

(اول) حفظ و وقایه امنیت اهالی و اموال آنها از جنحه و جنایات و غیره و

نظارت اینکه مزارع را خراب نمایند و جنگل را موافق قواعد موجوده حفظ کنند و كذلك اقدامات لازمه برضد حریق

(دوم) دستگیر کردن فراریان نظامی و غیره و اشخاصی که مرتکب جنحه و جنایت شده اند و تسلیم آنها بضبطیه محلیه

(سیم) معاونت لازمه برای جلوگیری از امراض مسریه و حریق و طوفان و سایر بلیات و اخبار مباشر و مأمورین ضبطیه محلیه

(چهارم) کلیه اخبار مأمورین ضبطیه محلی از وقوع حوادث و اتفاقات فوق العاده

(پنجم) در صورت وقوع جنحه و جنایتی کدخدای محل قبل از حاضر شدن مأمور تحقیق و مأمورین ضبطیه محلی اقدامات اولیه را در تحقیقات لازمه و دستگیر کردن جانی و حفظ علائم جنحه و جنایت بعمل میآورد

ماده ۳۸۱ - در تمام موارد مذکوره در ماده قبل کدخدا مکلف است که تقاضای قانونی مالک را فوراً بموقع اجرا بگذارد

ماده ۳۸۲ حوزه مأموریتی کد خدا حدود ده است و لهذا تمام ساکنین ده از دهقان و سربازها و تاین ردیف و متقاعدین از خدمت نظامی در اداره کدخدا هستند

تبصره - اشخاصیکه در خدمت مالکند و كذلك اشخاصیکه در خانه مالکند تابع ضبطیه محلی هستند لهذا اگر خلاف قاعده یا بی نظمی از آنها سر بزند کدخدا مراتب را بمالک اطلاع میدهد و هر گناه جنحه و جنایتی از آنها ناشی شود بضبطیه محلی رجوع میکند

ماده ۳۸۳ - کد خدا مکلف است که احکام و اوامر محکمه صلح و محکمه

تحقیق و مأمورین ضبطیه و ادارات دولتی را در امور راجعه بآنها بلا تأخیر بموقع اجرا بگذارد

ماده ۳۸۴ - کدخدا اختیار دارد اشخاصی را که در اداره او واقعند بواسطه تقصیرات جزئی که از آنها سر زده است تنبیه نماید و فوق حدود این تنبیه تا دو روز حبس است اشخاصیکه از سیاست کدخدا شاکی هستند می توانند در ظرف یک هفته از روز حکم کدخدا به اداره ناحیتی شکایت نمایند

ماده ۳۸۵ - کدخدا مکلف است که در اقدامات مهمه که می نماید از قبیل تنبیه و سیاست اشخاصی که در اداره او بوده و تابع او هستند و اجرای احکام محکمه صلح و احکام عمال ضبطیه و توقیف و حبس و تفتیش و تفحص خانه دهقانها مطابق قانون و تحقیقات اولیه که در صورت وقوع جنحه و جنایت بعمل می آورد و تحویل گرفتن مالیات از اشخاصی که خود اهالی برای جمع آوری مالیات معین کرده اند و ایصال آن به اشخاص لازم و کذلک تأدیه حقوق مالک دو نفر از ریش سفیدان ده را که محل وثوق هستند بشهادت همراه داشته باشد

ماده ۳۸۶ - در صورتیکه ناحیه عبارت از یک ده باشد مباشر ناحیه امور راجعه بکدخدا را اداره خواهد کرد و یک یا دو نفر نایب برضایت اهالی ده و تصویب مباشر برای معاونت او معین خواهد شد

فصل یازدهم

در باب مرجعیت امور با ادارات محلیه (از حکومتی و غیره)

و حدود اختیارات آن ادارات

ماده ۳۸۷ - باستثنای مواردیکه قانوناً معین شده ادارات محلیه حق ندارند

قرار داد های خودشانرا تغییر بدهند و کذلک قرار داد های دوایری را که تابع آن ادارات نیستند نسخ نمایند

تبصره - هر گاه در اداره قرار داد مجلس مشاوره آن اداره هنوز در دفتر صورت مجلس نوشته نشده باشد با اعضای مجلس صورت مجلس را امضا نکرده باشند و یا بالاخره صورت مجلس هنوز اعلام نشده و بموقع اجراء گذارده نشده باشد نسخ قرار داد آن اداره ممکن است

ماده ۳۸۸ - هر گاه ما بین آن ادارات محلیه یا ما بین ادارات مرزبوره با ادارات عدلیه و همچنان ما بین اشخاصیکه در آن ادارات خدمت می کنند معارضه یا اختلافی در مرجعیت امور حاصل شود بطوری اقدام خواهد شد که ذیلآ مندرج است :

(اول) هر گاه اختلافی در مرجعیت امور مابین دوایر شهری و بلوکی (یعنی دوایری که حوزه اقدامات آنها حدود شهر است یا حدود بلوک) که تابع یک وزارتخانه هستند حاصل شود یا ما بین اشخاصی که در آن دوایر خدمت میکنند رفع این اختلافات بعهده شعبه وزارت خانه متبوعه آنها است که در اکرسی ولایت واقع است

(دوم) اگر این اختلاف ما بین دوایر و اشخاصی روی داده که در بلوک یا شهری واقعند ولی تابع یک وزارتخانه نیستند (یعنی تابع وزارتخانههای مختلفند) رفع این نوع اختلافات بعهده اداره ولایتی است

(سیم) هر گاه اختلافی مابین دوایر بلوکی یا شهری که در ولایات مختلفه واقع و تابع یک وزارت خانه اند حادث شود یا مابین اشخاصیکه در آن دوایر خدمت می نمایند باید دید مسئله و کاری که باعث اختلاف شده در قلمرو کدام ولایت

طرح شده و بشعبه وزارتخانه متبوعه که در کرسی آن ولایت واقع است رجوع نمود

(چهارم) در صورتی که اختلافی از مرجعیت امور مابین دوائر بلوکی یا شهری که در اداره وزارتخانه‌های مختلفه هستند و در ولایات مختلفه واقعند حاصل شده باشد باید دیدامری که باعث اختلاف شده در قلمرو کدام ولایت شروع شده و اداره ولایتی آن ولایت رجوع نمود

(پنجم) هرگاه این نوع اختلافات ما بین ادارات ولایتی (یعنی اداراتی که قلمرو اقدامات آنها حدود ولایت است) یا مابین اشخاصی که در آن ادارات خدمت میکنند حاصل شود و ادارات و اشخاص مربوطه در اداره یک وزارتخانه باشند رفع اختلاف بعهده وزارتخانه متبوعه است

(ششم) اختلافاتی که در مرجعیت امور مابین ادارات واقع در کرسی ولایتی و تابع بوزارتخانه‌های مختلفه حاصل میشود راجع بحکم مجلس وزراء است

(هفتم) اختلافاتی که مابین محکمه عدلیه با یکی از ادارات دولتی (که در محل تشکیل شده) در باب مرجعیت امور حاصل میشود تشخیص آن موکول بر آری محکمه عدلیه است یعنی محکمه باید معین نماید که مسئله متعارض فیها راجع بخود اوست یا راجع یکی از ادارات دولتی

ماده ۳۸۹ - هر اداره باید احکام و اوامر و دستور العملهای اداره متبوعه خود را بموقع اجرا گذارد ولی هرگاه از مجلس وزراء حکمی باداره صادر شود که مغایر با قوانین موضوعه باشد آن اداره باید آن حکم را بلا اجراء گذاشته مراتب را بمجلس وزراء راپرت نماید و هرگاه مجلس وزراء عقیده آن اداره را قبول ننموده امر با اجرای حکم سابق خود کرد بر اداره است که حکم

مجلس وزراء را بلا تأخیر بموقع اجرا گذارد

ماده ۳۹۰ - هرگاه از وزیر متبوع به اداره حکمی با دستور العملی برسد که منافض قوانین موضوعه باشد اداره مکلف است که آن حکم یا دستور العمل را بلا اجرا گذارده ملاحظاتی خود را بوزیر متبوع راپورت نماید و اگر وزیر مسئول مجدداً امر با اجرای حکم خود نمود مراتب را بمجلس وزراء راپرت ننموده منتظر حکم یا دستور العمل آن بشود

فصل دوازدهم

در باب مؤاخذه و سیاست صاحبمنصبان و مأمورین و مستخدمین

ادارات عملیه و ارجاع کار آنها در موارد لازمه بمحاکم عدلیه

ماده ۳۹۱ - مؤاخذه و سیاست و تنبیه صاحبمنصبان و مأمورین و مستخدمین

ادارات عملیه در موردیکه تقصیری از آنها سر بزند از قرار تفصیل است

(اول) نصیحت و توبیخ و ملامت مأمورین و مستخدمین بدون تذکر این

تنبیه در ورقه خدمت آنها بتوسط خود رئیس بلا واسطه مأمورین و مستخدمین می شود.

(دوم) کسر گذاشتن از حقوق الی یک ثلث و یا تبدیل شغل اعلی به اسفل

و یا عزل از شغل (نه خدمت) و یا توقیف الی پنج روز حبس و این به حکم

رئیس خواهد شد که آن صاحبمنصب یا مأمور و مستخدم مقصر را معین کرده

است باقی سیاسات از قبیل توبیخ و ملامت یا تذکر این تنبیه در ورقه خدمت

مقصر و عزل و اخراج او از خدمت بکلی و مجازاتی که در ازای خیانت و ارتکاب به

جنحه و جنایت باید بمأمورین و مستخدمین داده شود به حکم محکمه عدلیه

خواهد بود

تبصره - حدود مجازات صاحبمنصبان و مستخدمین نظمیه و همچنان حق تنبیه و سیاست اعد خدای ده در جای خود مذکور (ماده ۳۲۲-۳۱۴-۳۸۴) و مستثنای از این قاعده عمومی است

ماده ۳۹۲ - در صورتی که تفصیر صاحبمنصبان مأمورین و مستخدمین ادارات علیه مقتضی ارجاع کار آنها بمحاکم عدلیه باشد قبل از ارجاع بطوریکه ذیلآ مندرج است در ادارات لازمه تحقیقات مقتضیه بعمل آمده و بعد در صورت لزوم حکم بارجاع کار مقصر بمحاکم عدلیه خواهد شد

ماده ۳۹۳ - ارجاع کار صاحبمنصبان و مأمورین و مستخدمینی که تعیینشان بعهده حاکم و اداره ولایتی یا یکی از شعبات وزارتخانه در کرسی ولایت است و همچنان ارجاع کار تابین نظمیه (از ناظمین نظمیه و دهباشی و غیره) باید بتحقیقات و حکم اداره ولایتی باشد

ماده ۳۹۴ - هر گاه صاحبمنصبان و مستخدمین را وزارتخانه معین کرده اند ارجاع کار آنها بمحاکم عدلیه بحکم وزیرمسئول خواهد بود

ماده ۳۹۵ - حاکم و اشخاصی که از طرف قرین الشرف همایونی مأموریتی در ولایت دارند کارشان در موارد لازمه بتحقیقات و بواسطه مجلس وزراء بمحاکم عدلیه رجوع خواهد شد

دوم - قسمت خصوصی

فصل سیزدهم

در باب ایالات و فرمانفرماها

اول - قواعد عمومی

ماده ۳۹۶ - اوضاع سیاسی و اداره و مصالح دولتی و مملکتی در

بعضی از موارد اقتضا تواند نمود که چند ولایتی که موافق قوانین تشکیل و منظم شده بطور استثناء از قاعده کلی در تحت نظارت بلا واسطه يك نفر رئیس اکل که مأمور باقامت در محل و نظارت بکلیه امور کشوری خواهد بود قرار داده شود و همچنان در مواقع فوق العاده از قبیل شورش بزرگ و اغتشاشات متمادی و جنگ و غیره مقتضی تواند شد که دولت به اختیارات حکومت ولایتی که قانوناً تشکیل و تنسیق شده بیفزاید به دین معنی که موقتاً شخصی را با اختیارات وسیعه بسمت فرمانفرمائی در حدود همان ولایت بر قرار نماید در مورد اولی از چند ولایت قانونی ایالتی تشکیل و ترتیب خواهد شد که در تحت نظارت و مسئولیت رئیس اکل که ملقب بفرمانفرماست خواهد بود در مورد دومی غیر از حاکم در ولایت قانونی يك نفر بسمت فرمانفرمائی با قدرت و اختیاراتی که قانوناً بدین شغل تعلق میگیرد معین خواهد شد بدیهی است که تشکیل ایالت از چند ولایت قانونی و ترتیب فرمانفرمائی در ولایت معینی استثناء از این قواعد عمومی است و موقتی خواهد بود و بعد از رفع احتیاج موقوف خواهد شد

ماده ۳۹۷ - فرمانفرماهای ایالات و ولایات از رجال موثق مجرب کافی دولت بتصویب وزارت داخله انتخاب و از طرف قرین الشرف همایونی بدین سمت معین خواهند شد

ماده ۳۹۸ - مادامی که فرمانفرما در یکی از ولایات جزو ایالت است (قلمرو مأموریت فرمانفرما) احکام قانونی او در تمام قلمرو ایالت مجری خواهد بود در صورت غیبت یا مرض فرمانفرما نمی تواند مأموریت خود را بدون اجازه مخصوص بندگان اقدس همایونی بکس دیگری محول کند

ماده ۳۹۹ - هر گاه در غیاب فرمانفرما یا در صورت مرضی سخت جانشینی برای او معین نشده حکام ولایات جزو ایالت هر کدام موافق قوانین تشکیل و تنظیم ولایات رفتار خواهند کرد قطع نظر از اینکه ولایت جزو ایالتی باشد

دوم - در وظایف فرمانفرما بطور عمومی

ماده ۴۰۰ - اول وظیفه فرمانفرما نظارت عالییه او است در اجرای کلیه قوانین و نظامنامه ها و دستور العمل های راجعه بولایتی که جزو قلمرو مأموریت فرمانفرما است و این نظارت فرمانفرما منحصر بامور کشوری است مگر آنکه به موجب امر خصوصی در موارد مقتضیه ریاست کل قشون ولایات جزو ایالت نیز به عهده فرمانفرما محول شود

ماده ۴۰۱ - اقدامات لازمه فرمانفرما در اجرای قوانین و نظامنامه ها و دستور العملهای خود اوبتوسط ادارات و اشخاصی خواهد بود که بموجب قوانین متصدی امر اجرای قوانین و غیره هستند

ماده ۴۰۲ - فرمانفرما مکلف است که در حدود قوانین اعمال و افعال کلیه ادارات قلمرو مأموریتی خود را تفتیش و رسیدگی نماید و از تخلف از قوانین قویاً ممانعت نماید

تبصره - ادارات تفتیش عملی از این قاعده مستثنی و بموجب قوانین اداره کل تفتیش فقط در تحت ریاست و نظارت آن اداره واقع است

ماده ۴۰۳ - یکی از وظایف عمده فرمانفرما حفظ امنیت و وقایه رفاهیت و آسودگی اهالی ایالتی است که بعهده او واگذار شده لهذا در صورتیکه در ولایتی اغتشاش یا بی نظمی حاصل شود و با اقدامات حاکم آن ولایت قلع و قمع آن

اغتشاش نشده باشد فرمانفرما مکلف است که اقدامات مؤثره را بعمل آورده امنیت عمومی را برقرار نماید

ماده ۴۰۴ - در صورت بلیات سماوی از قبیل حریق و زلزله و طغیان آب و طوفان و غیره فرمانفرما باید کمال مراقبت را در فهمیدن حوائج اهالی و اعانت و کمک بدرماندگان و محنت زدگان بعمل آورد و اگر وسائل موجوده محلی کافی نباشد باید از دولت استمداد کند

ماده ۴۰۵ - فرمانفرما باید به عرایض و شکایات مردم با کمال دقت رسیدگی نموده مطالب حقه آنها را انجام بدهد برای این که در این موارد بیجهت مکاتبه نشده تضییع وقت نشود و رعایت انتظام امور شده باشد فرمانفرما باید مراقبت نماید که شکایاتی که باو از دوایر تابعه میشود بتوسط دوایر متبوعه آن دوایر باشد

ماده ۴۰۶ - از طرف دیگر فرمانفرما مکلف است اشخاصی را که در شکایت خود تهمت واقرا میزنند و یا محرک شکایات تهمت آمیز میشوند در حدود قوانین قویاً تعاقب نموده مراقبت نماید که در محکمه عدلیه بمجازات قانونی خود برسند

ماده ۴۰۷ - در صورت بروز امراض مسریه یا امراض سریع الانتشار فرمانفرما مکلف است که اقدامات مجدانه را در قلمرو مأموریتی خود برای جلوگیری از امراض مزبور و دفع و رفع آن بعمل آورد

ماده ۴۰۸ - هرگاه در قلمرو ایالتی حاصل زراعتی خراب و احتمال قحطی ارزاق و آذوقه برود در صورتیکه انبارهای ذخیره کافی نباشد باید فرمانفرما اقدامات مجدانه را در جلوگیری از قحطی بعمل آورد و در صورت عدم کفایت

وسایل موجوده محلی فرمانفرما از جاهای لازم استمداد مینماید و حتی المقدور سعی بلیغ در تحصیل وسایل برای کمک و اعانه قحطی زدگان و پیدا کردن کار برای آنها بعمل آورد

ماده ۴۰۹ - فرمانفرما مراقبت مخصوصی نسبت به پیشرفت زراعت و تجارت و حرفت و صنعت ایالتی که قلمرو مأموریت او است خواهد داشت و کمال همراهی و مساعدت را در پیشرفت امور مزبور و تحصیل زراعت که مبنای ثروت مملکت است خواهد نمود و در مواردی که اقدامی یا مساعدتی از طرف دولت لازم باشد ملاحظات خود را مفصلاً بمقامات عالیه راپورت خواهد کرد

ماده ۴۱۰ - برای پیشرفت امور مذکوره در ماده قبل فرمانفرما مکلف است از کلیه اتحصاراتی که در قلمرو مأموریتی او بتوسط اشخاص متفرقه برقرار میشود و مبتنی بر امتیاز نامه دولتی نیست قویاً مانع شده کار مقصرین را بمحکمه عدلیه رجوع نماید

ماده ۴۱۱ - چون پیشرفت تجارت منوط بصحت راههاست فرمانفرما مراقبت خصوصی نسبت بطرق و شوارع خواهد داشت

ماده ۴۱۲ - چون فرمانفرما رئیس کل ایالتی است که امور آن بعهد کفایت او محول شده باید مواظب باشد که صاحبمنصبان و مستخدمین ولایات و ایالت از حیث رفتار و اخلاق و صداقت و شایستگی موافق قوانین موضوعه و منظورات مقامات عالیه باشند و در خدمت از قوانین خدمتی تخلف و تجاوز ننمایند و تکالیف خدمتی را کاملاً بموقع اجرا آورده و هر کدام شغل خود را انجام دهند و هیچ وجه از حدودی که قانوناً برای هر اداره معین شده تجاوز ننمایند

ماده ۴۱۳ - فرمانفرما باید مراقبت نماید که قوانین راجعه به تعیین صاحبمنصبان و مستخدمین ادارات عملیه محفوظ بوده صحیحاً مراعات شود یعنی صاحب منصبان و مستخدمینی که باید به تعیین مقامات عالیه باشد بتوسط فرمانفرما بمقامات مزبوره معرفی شوند (در صورتی که محظور یا عذر موجبی نباشد این معرفی فرمانفرما منظور نظر خواهد بود) و صاحبمنصبان و مستخدمینی که تعیینشان بعهد ادارات و اشخاص عملی است بلا واسطه از طرف آن ادارات و اشخاص معین گردند

ماده ۴۱۴ - چون فرمانفرما نظارت عالیه نسبت بادارات و صاحبمنصبان قلمرو ایالت خود دارد و ناظر صحت اعمال آنهاست لهذا حق دارد که برای تشویق اشخاص لایق و صدیق و کافی از مقامات عالیه برای آنها خواهش ترفیع رتبه و امتیاز و مناصب نماید و صاحب منصبان و مستخدمین نا لایق و بد کردار را بتوسط ادارات و رؤسای متبوعه آنها در حدود قوانین تنبیه و سیاست نماید

ماده ۴۱۵ - فرمانفرماها حق دارند که موافق مواد (۱۰۷ - ۱۱۰)، قواعد مقتضیه را در قلمرو ایالت خودشان وضع نمایند و همچنان حق خواهند داشت قواعدی را که بتوسط حکام جزء فرمانفرمایی ایجاد شده تغییر بدهند یا تکمیل و یا نسخ نمایند مراتب را در این موارد فرمانفرماها به وزیر داخله اطلاع خواهند داد

سیم - در روابط فرمانفرماها

ماده ۴۱۶ - روابط فرمانفرماها در امور راجعه به آن ها بر سه

نوع است:

(اولاً) با ذات اقدس همایونی

(ثانیاً) با وزارتخانهها و ادارات مرکزی

(ثالثاً) با ادارات عملیه (ایالتی و ولایتی)

ماده ۴۱۷ - فرمانفرماها میتوانند در موارد مهمه در کلیه اموری که لازم بدانند مستقیماً عرایض را برتی بحضور مبارک اعلیحضرت اقدس همایونی تقدیم کنند ولی از طرف دیگر فرمانفرماها نباید در این حق خود سوء استعمال نمایند و لهذا فرمانفرماها فقط در موارد مهمه و در صورت ضرورت عرایض لازمه را مستقیماً بخواکبای همایونی عرض میکنند و در اموری که حل و تسویه آن امور بتوسط ادارات مزبوره باید بعمل آید مکلفند موافق قوانین و نظامنامهها بوزارتخانههای لازم رجوع نمایند

ماده ۴۱۸ - در مواردیکه فرمانفرماها مستقیماً بحضور مبارک بندکان همایونی راپرت عرض مینمایند چه فوری باشد چه غیر فوری باید مواد یا مفاد آن را با اطلاع وزیر داخله هم برسانند

ماده ۴۱۹ - هر گاه فرمانفرما صلاح ندانند که در راپرت اموری که از ولایات به وزارتخانهها به موجب قوانین موضوعه تقدیم می شود رأی و عقیده خود را اظهار دارد میتواند بخواهد که آن امور بتوسط فرمانفرما بوزارتخانه لازمه ارسال شود ولی اموری که به موجب قوانین موضوعه مستقیماً راجع بشخص فرمانفرما و اداره آن است حتماً باید بتوسط فرمانفرما به وزارتخانه اظهار شود

ماده ۴۲۰ - بنا بر آنچه در ماده قبل ذکر شده وزارتخانهها هم احکام و دستور العملهای راجعه بامور ولایتی را بتوسط فرمانفرما میدهند ولی در موارد فوری برای

عدم فوت وقت احکام و دستور العملهای وزارتخانهها مستقیماً بحاکم ولایت صادر خواهد شد و سوادى هم برای فرمانفرما و اطلاع و نظارت او در اجرای احکام صادره برای او فرستاده خواهد شد

ماده ۴۲۱ - در موقع اقدام جدیدی در اصلاح وضع ولایتی یا امری که راجع بمالیه دولت است عقیده فرمانفرما را وزارتخانه لازمه قبل از اقدام خواهد پرسید و هر گاه ایجاد قانونی لازم شود از ترتیب لایحه آن عقیده فرمانفرما هم باید ملحوظ و مقید باشد

ماده ۴۲۲ - در مواردیکه وزارتخانهها برای صاحبمنصبان و مستخدمین ادارات ولایتی استدعای ترفیع رتبه و امتیاز و مناصب مینمایند باید عقیده و رأی فرمانفرما را هم در فهرست عرایض قید کرده باشند صاحبمنصبان دوایر عدلیه و تقنین از این قاعده مستثنی هستند

ماده ۴۲۳ - روابط فرمانفرما با وزارتخانهها و مجلس وزراء موافق قواعدیست که در قوانین تأسیس وزارتخانهها و مجلس وزراء مندرج است

ماده ۴۲۴ - حاکم و اداراتی که در ولایات تشکیل شده اند مکلفند تمام احکام و دستور العملهای فرمانفرماها را که مبتنی بر قوانین است بموقع اجراء بگذارند

ماده ۴۲۵ - در صورتیکه فرمانفرما در مواقع سرکشی بولایت جزو ایالت اغتشاش یا بی نظمی در امور ولایتی مشاهده نماید و لازم بداند بدین جهت یا بجهت دیگری دستور العملی بدهد یا اقدامی بنماید بملاحظه انتظام جریان امور و خدمت اداره دستور العمل های لازمه را بریاست آن ولایت خواهد داد و اختلالات را بتوسط حاکم یا اداره ولایتی خواهد نمود

ماده ۴۲۶ - در موارد مهمه و فوق العاده و همچنان در موقعی که قانون جدیدی برای اجراء از مقامات عالیه بفرمانفرمائی میرسد فرمانفرما حق دارد که مجلسی از رؤسای تمام ادارات عملیه (که بموجب قوانین در ولایتی تشکیل شده) ترتیب داده و اگر نقصانی در قانون مشاهده شده یا اشکالی پیش آمده مراتب را از طرف تمام ادارات بمجلس وزراء تقدیم نماید و هرگاه با وجود این اقدام حکم مجلس وزراء در اجراء همان قانون صادر شد لازم است بدون تأخیر و مذاکره آن قانون بموقع اجرا گذارده شود

ماده ۴۲۷ - فرمانفرما در موقع توقف در یکی از دهات جزو قلمرو مأموریتی خودش می تواند بحکام ولایات اجازه بدهد که از قلمرو مأموریتی خودشان خارج شده برای مذاکره در امور راجعه بمشاغل آنها نزد فرمانفرما بیایند

ماده ۴۲۸ - فرمانفرما با ادارات ولایتی مطالب را تکلیف مینماید و آنها در جواب ملاحظات خود را تقدیم می کنند با ادارات شهری و محالی فرمانفرما ها حکم میفرستند در جواب راپرت میگیرید

ماده ۴۲۹ - قواعد ارتباط فرمانفرماها با ادارات و اشخاص نظامی علیحده مرتب و منضم بماده ۲۳۵ خواهد بود

چهارم - در دفتر خانه فرمانفرما

و صاحب منصبانی که نزد فرمانفرما هستند

ماده ۴۳۰ - هر فرمانفرمائی يك دفتر خانه دارد و چند نفر صاحب منصب در نزد فرمانفرما برای انجام مأموریت های مخصوص مقیمند

ماده ۴۳۱ - عده اجزای دفتر خانه فرمانفرما بموجب قانون علیحده تعیین خواهد شد

ماده ۴۳۳ - عزل و نصب صاحب منصبان دفتر خانه فرمانفرما بتصویب بلا واسطه خود اوست ولی قوانین راجعه بخدمت دولتی در باب شرایط صاحب منصبان و مستخدمین دولتی و غیره باید رعایت شود و ترتیب دفتر خانه فرمانفرما و همچنین ترتیب دفاتر و غیره در آن اداره بموجب نظامنامه و دستور العملهای وزارت داخله خواهد بود

ماده ۴۳۴ - عده صاحب منصبانی که برای مأموریت مخصوص معین شده اند می توانند از صاحب منصبان قلمی یا نظامی متقاعد یا غیر متقاعد باشند و عده آنها بموجب قانون معین خواهد شد ولی فرمانفرما می تواند این نوع صاحب منصبان را کمتر از عده قانونی داشته باشد عزل و نصب این نوع صاحب منصبان با اختیار فرمانفرما است ولی با استثنای صاحب منصبان نظامی حاضر رکاب که عزل و نصب آنها بصدور امر و اجازه ملوکانه است

فصل چهارم

در منضمات

اول - منضم بماده ۳۶

قواعد رجوع کردن مأمورین کشوری بقوای نظامی

ماده ۱ - مأمورین کشوری در موارد ذیل در صورت عدم کفایت تنظیمه و ضبطه برای حفظ و وقایه امنیت و انتظام امور بقوه نظامی رجوع مینمایند

(اول) در موقع حرکت دسته برای حفظ نظم و آسایش عمومی در بازار های عمومی و جاهائیکه محل اجتماع و ازدحام عوام الناس است
(دوم) برای حمل و نقل پول و اموال دولت

(سوم) برای اطفاء حریق و قلع و قمع حیوانات درنده و موذی و حشرات الارض و برای مساعدت لازم در موقع وقوع طغیان آب و طوفان و حدوث بلیات سماوی

(چهارم) برای اداره کردن مجوسین و اشخاصیکه بموجب قوانین توقیف شده اند

(پنجم) برای دستگیر کردن مجوسین فراری و فراریهای نظامی

(ششم) برای دستگیر کردن قطاع الطریق و مرتکبین جنحه و جنایت و جنایات در موقعیکه عدده آنها زیاد باشد یا احتمال مجادله از طرف آنها برود

(هفتم) برای برطرف کردن شورش و اغتشاشات

تبصره اول - در جاها تیکه مجوسین و توقیف شده گان هستند و نظمی و ضبطیه بقدر کفایت نیست برای حفظ و وقایه امنیت نیز میتوان بقوای نظامی رجوع کرد

تبصره دوم - هنگام حریق برای جلوگیری از غارت و یغما بحکم رئیس نظمی یا ضبطیه از تابین نظامی که برای مساعدت باطفاء حریق حاضر شده اند زنجیری تشکیل میشود که مانع از دخول مردم خارج بمحوطه که محل حریق است بشوند

ماده ۳ - غیر از موارد مذکور در ماده اولی در موارد ذیل نیز بموجب قوانین باید بقوه نظامی رجوع نمود:

- (اول) برای کشتیک در قراولخانه ها
- (دوم) برای حضور در موقع اجراء احکام محاکم عدلیه
- (سیم) برای مساعدت با ادارات و مأمورین عدلیه
- ماده ۴** - در موارد مذکور در ماده اولی و همچنان در موارد اول و سوم ماده

دوم اشخاص ذیل حق رجوع بقوای نظامی را دارند

(اول) فرمانفرماها

(دوم) حکام

(سیم) رؤسای بلوکات

(چهارم) رؤسای نظمی

(پنجم) مفتشین که از مرکز برای سرکشی بولایات مأمور میشوند

ماده ۴ - فرمانفرما و حکام و مفتشین مأمور از مرکز در صورت لزوم استعمال قوه نظامی برئین کل قشون ایالت یا ولایت رجوع میتفایند و در صورتیکه او در شهر دیگری باشد بتزدیکترین رئیس قشون محل

ماده ۵ - اشخاص مذکور در ماده سیم حق دارند در صورت لزوم از رئیس قراورن آنها عدده قراوران هم بخواهند

ماده ۶ - رؤسای بلوکات و رؤسای نظمی فقط در يك موقع حق دارند مستقیماً بقوای نظامی رجوع نمایند و آن مورد استعمال قوای نظامی است برای حضور و مساعدت در اجرای احکام محاکم عدلیه و در این مورد اشخاص مذکور مستقیماً برئین ساختوی محل رجوع میکنند

ماده ۷ - در سایر موارد رئیس بلوکات و رئیس نظمی در صورت لزوم قوه نظامی باید بحاکم ولایت رجوع نمایند مگر در مواردی که فوت وقت باعث خسارت بزرگ تواند شد مثلاً شورشیان اقدام بحریق و قتل و غارت نمایند تا نایره فته مشتعل شود در این صورت رئیس محال و رئیس نظمی مستقیماً به نزدیک ترین رئیس نظام محل رجوع نموده مراتب را فوراً بحاکم اطلاع میدهد

ماده ۸ - احتیاط قوای نظامی برای اجرای احکام محاکم عدلیه به تقاضای رؤسای

محاکم عدلیه یا مأمورین تحقیق بعمل می آید و ترتیب آن در قوانین عدلیه مندرج است در صورتی یکی از اشخاصی که حق مراجعه بقوای نظامی را دارند در محل باشند مأمورین عدلیه بتوسط آن شخص بقوای نظامی رجوع خواهند کرد

ماده ۹ - مراجعت بقوای نظامی در صورت عدم کفایت مستحفظین سرحدی برای گرفتن قاچاق جایز است و در این صورت رئیس اداره گمرکات ولایتی یا رئیس مستحفظین سرحدی و یادرموارد فوری هر یک از صاحبان جزء مستحفظین سرحدی می توانند به رئیس قشون محلی رجوع نمایند

ماده ۱۰ - صاحب منصبان کشوری و مستحفظین سرحدی در صورتی که به نزدیک ترین رئیس قشون محلی رجوع نمایند باید صاحبمنصبی را هم که ریاست بقوای نظامی احضار شده دارد فوراً مطلع نمایند یعنی اگر گروهان یا دسته را خواسته اند باید رئیس فوج یا رئیس با تالیونی را که گروهان یا دسته مزبور جزو آن بوده مطلع دارند

ماده ۱۱ - ترتیب حمل و نقل قشون بجای لازم و سرعت حرکت آن بحکم مأمورین کشوری است

تبصره - مخارج حمل و نقل قشون و تفاوت خرجی که حاصل میشود بعهده خزانه دولت است

ماده ۱۳ - در موارد مذکوره در ماده اولی از اول الی ششم و همچنان در مورد اول و سیم ماده دوم مأمورین کشوری که رجوع بقوه نظامی می نمایند باید برئیس قشون محلی اظهار دارند که برای چه قشون لازم است و بچه مقدار در مورد هفتم ماده اولی باید اظهار دارند که شدت شورش بچه اندازه است و جهت شورش چه بوده و احتمال تزیاید اغتشاش و شورش دیگری میبود یا نهدر این مورد

عده قشون و صف نظامی و لزوم و عدم لزوم توپخانه را خود رئیس قشون معین خواهد کرد

ماده ۱۳ - بعد از ورود قشون بمحل لازم حکومت فرماندهی قوه نظامی را بر عهده نمی گیرد و فقط به رئیس قشون احضار شده وضع امور و مقصود اصلی از احضار قشون را اظهار نموده جاهائی را که باید حفظ شود نشان میدهد و توفیقاتی که باید بعمل آید اخطار می کند بعد از تحصیل این اطلاعات رئیس قشون اقدامات لازمه را بعمل می آورد و قوای خود را طوری تقسیم می کند که با خودش همیشه عده کافی برای جلو گیری از اتفاقات غیر مترقبه داشته باشد مادامی که قشون احضار شده در محل است مأمورین کشوری و نظامی بهم دیگر اطلاعاتی را که تحصیل کرده اند می رسانند و کمال مساعدت را بیکدیگر می نمایند

ماده ۱۴ - در موارد شورش و اغتشاش رئیس قشون که احضار شده است باید در لزوم استعمال اسلحه منتظر تصویب مأمورین کشوری باشد و مأمورین مزبوره بقید مسئولیت فقط در صورتی این اقدام را تصویب نمایند که تمام وسایل اطفاء نایره اغتشاش استعمال شده و عمری نبخشیده باشد اگر در محلی مأمورین کشوری نباشد رئیس قشون احضار شده بصوابدید خود اقدام می نماید ولی هر گاه مأمور کشوری قبل از استعمال اسلحه وارد شده باید رئیس قشون متابعت دستور العملهای او را بنماید

تبصره - مأمورین کشوری مذکور در این ماده و مواد دیگر عبارتند از اشخاص مذکور در ماده سیم و همچنان اشخاصی که از طرف وزیر داخله یا مقتضینی که از مرکز برای سرکشی بولایت آمده اند و یا از طرف فرمانفرما یا حاکم

مأموریت مخصوصی بآنها داده شده است مأمورین کشوری در صورتی که بدون رعایت ماده ۱۴ استعمال اسلحه را تصویب نموده باشند مسئول و موافق قوانین مجازات خدمتی مورد سیاست خواهند بود

ماده ۱۵ - بعد از اینکه مأمورین کشوری استعمال اسلحه را تصویب نمودند رئیس قشونی که احضار شده اقدامات لازم را رأساً بعمل می آورد و قبل از اقدام باستعمال اسلحه مکلف است که بشورشیان اعلام نماید که بعد از سه شیور یا سه طبل حکم باستعمال اسلحه خواهد کرد بعد از این اعلام رئیس قشون بطوری که مقتضی و صلاح میدانند اقدام خواهد کرد ولی حکم استعمال اسلحه ناری را فقط وقتی خواهد نمود که ضرورت اقتضا نماید و بهیچوسیله دیگری نتوان شورش را بر طرف نمود

تبصره ۵ - رئیس قشون میتواند قبل از اعلام مذکور در این ماده شورشیان را توبیخ یا نصیحت یا تهدید نماید

ماده ۱۶ - رئیس قشونی که احضار شده فقط در صورت ضرورت مبرمه مجاز است قبل از تصویب مأمورین کشوری و اعلام مذکور در ماده (۱۵) اقدام به استعمال اسلحه نماید و این ضرورت وقتی است که شورشیان حمله و هجوم بقشون آورند یا اینکه لازم شود که بیک اقدام فوری اشخاصی را که بدست شورشیان افتاده اند و در شرف هلاکت هستند نجات داد

ماده ۱۷ - از زمانی که قشون شروع باستعمال اسلحه نمودند فقط تابع احکام رئیس قشون خواهند بود و بحکم او از استعمال اسلحه دست خواهند کشید رئیس قشون همیشه مشاهده نمود که شورش بر طرف شد یا مقصود از مساعدت قوه نظامی بعمل آمد دیگر رأساً اقدامی ننموده مراتب را فوراً بمأمورین کشوری اطلاع میدهد

و از این وقت حق اقدامات و دادن دستور العملهای لازمه برای حفظ انتظام و امنیت مجدداً بمأمورین کشوری معاودت مینماید

ماده ۱۸ - مأمورین کشوری اقدامات دقیقانه بعمل خواهند آورد که باشخاصی که داخل در شورشیان نیستند از استعمال اسلحه و عملیات نظامی آسیبی نرسد

ماده ۱۹ - هنگام عملیات نظامی مأمورین کشوری کلیه اقداماتی را که غیر از اقدامات نظامی است و بموجب قوانین بر عهده آنها تعلق می گیرد به عمل میآورند و این اقدامات آنها تا اندازه باید باشد که مانع از حصول مقصود معینی نباشد

ماده ۲۰ - مواظبت و مراقبت حال مجروحین که از قشون احضار شده نیستند بعهد مأمورین کشوری است و رئیس قشون هم باید کمال مساعدت را در این باب با وسائلی که دارد بمأمورین کشوری بنماید

ماده ۲۱ - هنگامی که میخواهند قشون احضار شده را در محل شورش جابدهند باید طوری نمود که تا بین از یکدیگر جدا نباشد بلکه برای تمام دسته که احضار شده بیک یا چند خانه داده شود

ماده ۲۲ - تعیین وقت و معاودت قشون از محل شورش بسته بصواب دید مأمورین کشور بست و این حرکت قشون از محل اغتشاش وقتی خواهد بود که اهالی احکام قانونی مأمورین کشوری را اطاعت بنمایند و مأمورین مزبور بتوانند بمشاغل خود بدون ممانعت مباشرت نمایند و هرگاه دسته قشونی که برای قلع و قمع شورش احضار شده و توقفت در خارج اقامتگاه خود بیش از هفت روز طول بکشد حاکم مکلف است که هر هفته مراتب را بوزیر داخله اطلاع دهد و رئیس اکل قشون ولایتی یا ایالتی را از جهاتی که مانع از مراجعت قشون احضار شده است مطلع ذارد

تبصره - ترتیب مأمور نمودن قشون برای جلوگیری از اغتشاش در قوانین نظامی مرتب است

دوم - منضم بماده ۲۲۶

در باب استعمال اسلحه توسط مأمورین ضبطیه و نظمییه و قراسوران

ماده ۱ - هر يك از عمال ضبطیه و نظمییه و قراسوران در موارد ذیل حق استعمال اسلحه را دارند

- (اول) بجهة مدافعه شخص خود از کسیکه با اسلحه بآنها حمله بیاورد
- (دوم) بجهة مدافعه شخص خود از يك یا چند نفر که بدون اسلحه حمله میآورند ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون استعمال اسلحه مدافعه شخصی امکان نداشته باشد
- (سیم) در صورتیکه مأمورین ضبطیه و نظمییه و قراسوران به بینند که يك یا چند نفر مورد حمله شده اند و جان آنها در خطر است
- (چهارم) در صورتیکه جانی یا مقصری را که عمال ضبطیه و نظمییه و غیره میخواستند توقیف نمایند اقداماتی نماید که در مورد اول و دوم این ماده مذکور است و جان عمال ضبطیه در مخاطره باشد

(پنجم) در موردی که محبوسی از حبس فرار نماید و در تعقیب و توقیف اقداماتی نماید که در مورد اول و دوم این ماده مذکور است

ماده ۲ - در کلیه این موارد عمال ضبطیه و نظمییه و غیره مکلفند که اوضاع و احوال استعمال اسلحه را حتی الامکان زود تر بنزدیکترین صاحب منصب نظمییه و ضبطیه و قراسوران اطلاع دهند

ماده ۳ - رئیس و صاحب منصبان ضبطیه و نظمییه باید مراقبت و مواظبت تامه را داشته باشند که عمال ضبطیه و نظمییه و غیره با کمال احتیاط در موارد فوق الذکر

اقدام نموده بدون ضرورت مبرمه استعمال اسلحه نمایند.

ماده ۴ - در مواردی که دسته از عمال ضبطیه و نظمییه و قراسوران برای اطفاء نایره شرش احضار میشوند استعمال اسلحه با رعایت شرایط ذیل جایز است. (اول) اقدام باستعمال اسلحه منوط با اجازه صاحب منصب ضبطیه است که اسکات شورشیان بعهده او واگذار شده و او هم حکم استعمال اسلحه را وقتی فقط خواهد داد که وسایل دیگر ثمری نبخشیده باشد

(دوم) صاحب منصب ضبطیه با نظمییه باید قبل از حکم باستعمال اسلحه سه دفعه با شورشیان اتمام حجت نموده اعلام کرده باشد که استعمال اسلحه خواهد کرد بعد از آن اقدام و ترتیب استعمال اسلحه منوط بصوابدید صاحب منصب مزبور است ولی استعمال اسلحه ناری فقط در صورتی جایز است که بهیچ وسیله دیگر نتوان شورشیان را ساکت نمود (سوم) در صورتیکه موقع مقتضی اتمام حجت فوق الذکر و فوت وقت نباشد مثلاً در موردیکه شورشیان حمله بعمل ضبطیه آورند بطوریکه جان آنها در مخاطره باشد یا آنکه اشخاص دیگر مورد حمله شورشیان واقع شوند و اقدام فوری برای استخلاص آنها لازم باشد بدون اتمام حجت حکم باستعمال اسلحه می توان کرد. (چهارم) عمال ضبطیه و نظمییه باید مواظبت نمایند که باشخصیکه داخل در

شورشیان نیستند آسیبی نرسد

(پنجم) مواظبت و مراقبت حال بحر و حین هنگام اسکات شورشیان بعهده عمال ضبطیه و نظمییه و غیره است

قانون مطبوعات

مصوب ه محرم الحرام ۱۳۲۶ قمری

موافق اصل بیستم از قانون اساسی عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین مبین آزاد و تمیزی در آنها ممنوع است ولی هر گاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات میشود اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند مقرر می شود طبع کتب و روز نامجات و اعلانات و لوايح در تحت قوانین مقررہ ذیل که از برای حفظ حقوق عموم و سد ابواب مضار از تجاوزات ارباب قلم و مطبوعات وضع میشود آزاد است هر کس بخواهد مطبعه دایر نماید یا کتاب و جریده و اعلاناتی بطبع برساند یا مطبوعات را بفروشد باید بدو عدم تخلف از فصول این قوانین را نزد وزارت معارف بالتزام شرعی ملتزم و متعهد شود

فصل اول - چاپخانه و کتابفروش

ماده ۱ - چاپخانه حق ندارد چیزی بطبع برساند بدون اینکه اسم نویسنده و رسم او را بداند و بدون اینکه اسم و رسم خود را در آخر آن مطبوع درج کند

ماده ۳ - کتاب فروش حق ندارد از مطبوعات آنچه را که نویسنده و مطبعه آن قانون راجع به نظارت مطبوعات در تاریخ ۱۰ عرق ۱۳۰۱ (دوره چهارم تقنینیه) تصویب شده است

بطور وضوح معرفی نشده اند بفروشد مگر کتبی که قبل از این تاریخ طبع شده و بجهتی دیگر از جهات قانونی ممنوع نباشد

ماده ۳ - کتاب فروش حق ندارد کتابی را بفروشد که قانوناً قدغن شده باشد

فصل دوم - طبع کتب

ماده ۴ - طبع کتب متداوله غیر از کتب ممنوعه و کتب جدیده و غیر از کتب مذهبی آزاد است کتب جدیده مذهبی باید قبل از طبع بنظر و تمیزی هیئتی که در اداره معارف بنام مجمع علوم دینی تشکیل می شود رسیده و تصویب شده باشد

ماده ۵ - از هر نسخه که بطبع میرسد چاپ کننده دو نسخه برای ضبط در کتابخانه ملی و تکمیل مجموعه مطبوعات میفرستد در پایتخت این دو نسخه را رسماً نزد وزارت علوم و در سایر بلاد بشعب وزارت علوم و اداره معارف می فرستند در هر صورت قبض رسید دریافت می کنند و در آن قبض باید عنوان کتاب و عده نسخ آن که بطبع رسیده مذکور باشد چاپ کننده بموجب این فصل ملتزم شرعیست که در صورت تخلف سه تومان الی شصت تومان مجانی دادنی باشد بسته بنظر حاکمه قضیه

فصل سوم - روز نامجات مقررہ

ماده ۶ - هر روز نامه و جریده باید بیک نفر مدیر مسئول داشته باشد متصف بصفات ذیل

- (۱) ایرانی باشد
- (۲) سنش بسی سال بالغ باشد
- (۳) زوال شرف از او نشده باشد یعنی مرتکب جنحه و جنایات و مشهور بفسق و فساد عقیده نباشد

ماده ۷۵ - اسم و رسم مدیر روز نامه و اسم مطبعه که در آن روز نامه چاپ میشود باید روی هر نمره روز نامه بطبع رسیده باشد هر يك از مدیر روز نامه و مطبعه بموجب این فصل ملتزم شرعیتند که در صورت تخلف از وظیفه خود از يك تومان الی سه تومان مجازاً دادنی باشند در صورتیکه در سنه واحده تخلف در این فصل مکرر واقع شود علاوه بر وجه ملزمی بهر تکراری يك تومان اضافه بدهد

ماده ۸۵ - قبل از طبع و انتشار هر روز نامه و ورقه مقرره مدیر جریده مکلف است که اظهارات ذیل را در روی يك ورقه بنظارت انطباعات بفرستد

- (۱) اسم و رسم مدیر روز نامه و محل اداره آن
- (۲) اسم و رسم مطبعه که روز نامه در آن بطبع خواهد رسید
- (۳) عنوان روز نامه و جریده و ترتیب طبع آن که بومیه است یا هفتگی است یا ماهانه
- (۴) عده چاپ هر نمره
- (۵) مسلك روز نامه و سیاق مطلب آن - در صورت تغییر هر يك از کیفیات فوق باید در ثانی معلومات لازمه بنظارت انطباعات داده شود و این اظهارات باید همه مکتوباً در روی ورقه معینه با امضای مدیر مسئول بعمل آمده آن ورقه نمبر دولتی خورده باشد بموجب این فصل مدیر مسئول روز نامه ملتزم است که در صورت تخلف از پنج الی پنجاه تومان دادنی باشد

ماده ۹۵ - در موقع انتشار هر يك از نمرات روز نامه دو نسخه روز نامه با امضای مدیر برای اداره معارف آن شهر که در آن طبع میشود و دو نسخه از برای کتابخانه و قرائتخانه ملی فرستاده میشود در صورت تخلف مدیر روز نامه پنج تومان مجازاً دادنی خواهد بود

تعرضات

ماده ۱۰ - هر گاه روز نامه و جریده نسبت بیکي از مأمورین دولتی یا بیکي از ادارات چیزی درج کرده باشد که بشغل ایشان بر بخورد آنچه را که در توضیح و رد ایراد آن شخص یا آن اداره نزد مدیر روز نامه بفرستد باید بدون تأخیر و تحریف در ستون اول نمره آتی روز نامه درج کند عبارت مقاله جوابیه میباید بیش از ضعف مقاله تعرضیه نباشد و الا مازاد را باید صاحب مقاله جوابیه اجرت چاپ از قرار عادلانه بدهد برای تخلف از این فصل مدیر روز نامه ازده الی صد تومان دادنی خواهد بود

ماده ۱۱ - در غیر اشخاص رسمی امتناع مدیر روز نامه از درج مقاله جوابیه مستوجب دادن پنج الی پنجاه تومان وجه ملزمی خواهد بود این نوع از مقالات باید در همان محل و بهمان حروف که مقاله اولیه مندرج بوده بطبع برسد

ماده ۱۲ - رد تعرض هر چند نوبت که تبادل بشود روز نامه از قبول آن ناکزیر است بشرحیکه در فصل دهم و یازدهم مذکور شد

ماده ۱۳ - مدیر روز نامه مسئول مقالات مندرجه در روز نامه است و همچنان مسئول اعلاناتی است که در روز نامه بطبع میرسد در مقالات با امضا وقتی مدیر مسئول نیست که منهای مسلمه واضحه چیزی در مقاله مندرج نباشد و الا مدیر نیز مسئول است

ماده ۱۴ - مدیر روز نامه مختار است مقاله و لواحق را که نزد او میفرستند مادی که شامل ممنوعات قانونی نباشد قبول کرده در روز نامه درج کند آنچه خلاف قانونی داشته باشد ممنوع است و لو از طرف ادارات رسمی اظهار شده باشد

ماده ۱۵ - در روز نامجاتی که درج اعلانات معمول است مدیر حق ظفره

و تعویق از درج اعلانات رسمی ندارد اجرت طبع از قرار معمول به آن ها داده می شود

روزنامجات خارجه

ماده ۱۶ - روز نامجات و اوراق که در خارجه بطبع میرسند بهر زبان که باشد بر حسب مصلحت ملك و ملت از ورود و انتشار ممنوع توانند شد هر گاه علت منع در يك نمره باشد تشخیص وزارت معارف برای جمع آوری و ضبط آن كافی است و در منع کلی مذاقه مجلس وزراء لازم است بموجب این ماده هر کس روز نامجات و اوراق ممنوعه را وارد کند یا انتشار بدهد از یکماه الی يك سال حبس خواهد شد

فصل چهارم - اعلانات

ماده ۱۷ - طبع و نشر اعلانات آزاد است لکن اگر مضمون اعلان شامل قبايح و فضايح باشد یا داعی بفساد و اختلال امور عامه مطبعه و متصدی هر دو مسئولند و اداره نظمیة حق توقیف اینگونه اعلانات را داشته مرتكب و متصدی را بمحکمه عدالت جلب خواهد کرد

ماده ۱۸ - اعلان و لایحه و آنچه از این قبیل مطلقاً بچاپ میرسد باید محل مطبعه را حاوی باشد تخلف از این ماده متصدی و مرتكب را از يك تومان الی سه تومان وجه ملزمی ملتزم خواهد کرد و یا بنظر حاکم قضیه از یکروز الی سه روز حبس میشود

ماده ۱۹ - اعلانات رسمی که از طرف ادارات دولتی بطبع میرسند روی کاغذ سفید خواهد بود سایر اعلانات از هر کس و هر جا روی کاغذ رنگین به طبع می رسد تا اعلانات رسمی از اعلانات شخصی ممتاز باشد در صورت تخلف

از این ماده متصدی پنج هزار دینار الی پانز ده هزار دینار دادنی خواهد بود در صورت تکرار تخلف در عرض يك سال از يك روز الی پنج روز حبس خواهد شد **ماده ۲۰** - در صورت باطل کردن یا دریدن و کندن اعلانات رسمی دولتی و اعلاناتی که در مواقع انتخاب و کلای ملت نصب میشود مرتكب از یکروز الی سه روز حبس خواهد شد چنانچه مرتکبین از اجزای ادارات دولتی باشند از شش روز الی یکماه حبس خواهند شد

ماده ۲۱ - مالکین بیوتات و عمارات حق منع از نصب اعلانات بدرو دیوار عمارات خود دارند و هر گاه کسی بدون اجازه در املاک خاصه نصب اعلان کند مالک حق ابطال دارد

ماده ۲۲ - سواى اعلانات رسمی و اعلانات انتخابیه هر اعلانی باید تمبر دولتی بخورد و قیمت آن تمبر بر حسب عده اعلان و قطع ورق آن مختلف میشود موافق قانونیکه در باب تمبر وضع خواهد شد طرفه از ادای حق تمبر باختلاف بالتزام شرعی از ده تومان الی پنجاه تومان مجازات میشود

دستفروش

ماده ۲۳ - هر کس بخواهد روزنامه و کتب در معابر شهر و گذر بگرداند و بفروشد باید خودشرا بکندخدای محله معرفی کرده پته بگیرد اسم منزل محل تولد اسم پدر و مدت اقامت در آن محله باید در روی پته نوشته شود پته مزبور مجانی است

ماده ۲۴ - تقصیر در تحصیل پته اجازه مذکوره در ماده ۲۳ یا دادن تعرفه غلط و اسامی عوضی مرتكب را به پنجقران الی پانزده قران مجاناً ملتزم خواهد کرد در صورت تکرار تقصیر محکوم بحبس خواهد شد در يك روز الی سه روز

ماده ۲۵ - دستفروش و دیگر از فروشندگان روز نامجات و لواج و اعلانات و اوراق متنوعه چه حاوی عبارات ممنوعه باشد چه مشمول به تصویر و اشکال قبیحه مأخوذ بمسئولیت می باشد و نظمیة نظر بحفظ حقوق عمومی حق تعاقب و جلب ایشان را به محکمه دارد

فصل پنجم - حدود تهصیر نسبت بجماعت

ماده ۳۶ - نطق و قرائت لواج و روز نامجات و دیگر مطبوعات در محافل عمومی یا نصب آنگونه مطبوعات یا مکتوبات بدر و دیوار و عرضه آنها بر انظار خلق بهر وسیله که بوده باشد مادامی که در آنها ترغیب و تشویق و تهییج خلق به ارتکاب جنحه و جنایات شده باشد اعم از اینکه منشأ اثر بشود یا نشود مستوجب سیاست مرتکب خواهد بود و به تشخیص حکومت عرفیه در محاکم عرفیه از دو ماه الی دو سال حبس خواهد شد

ماده ۳۷ - تحریص و تهییج بسرقت و قتل و نهب و غارت یا تضعیف قدرت مملکتی در خارجه اعم از اینکه مؤثر شود یا نشود یکسال الی پنجسال حبس و سیاست خواهد شد

ماده ۳۸ - سیاست اشخاصی که بانتشار اوراق و غیره باعث سلب امنیت و اختلال آسایش عمومی و انتظام داخله شوند همچنان اشخاصی که از مرتکبین قتل و غارت و منشئین فتنه و آشوب توقیر و تمجید کنند همان است که در ماده ۲۶ - ۲۷ مذکور شد

ماده ۳۹ - ترغیب و تشویق و تهییج اهل نظام بنسأ فرمائی و عدم انقیاد احکام نظامی در حکم ماده بیست و هفت است

ماده ۴۰ - مرتکبین منهیات مذکوره در مواد ۲۶ الی ۲۹ بحکم التزام شرعی

از ده تومان الی هزار تومان مجانی دادنی خواهند بود

تهصیرات نسبت بافراد

ماده ۴۱ - توهین بمقام منبع سلطنت ممنوع قانونی است و تخلف از این قانون مرتکب را اگر مدیران جراند باشند از سه ماه الی یکسال محکوم بحبس و یا بالتزام شرعی از ده تومان الی سیصد تومان دادنی خواهد کرد و اگر غیر از مدیر های جراند هستند بر حسب تشخیص عرفی مرتکب از سه ماه الی یک سال حبس خواهد شد جریده یا لایحه که آن سوء ادب را کرده باشد یا مقاله مندرجه آن شامل آن خلاف باشد توقیف خواهد شد و این توقیف ممکن است ابدی باشد

ماده ۴۲ - جعل اخبار و مقالات فتنه انگیز و انتشار آنها و نسبت آنها به کسی بدروغ ممنوع است مدیر روز نامه و معاونین او در تخلف از این ماده بالتزام شرعی پنجمتومان الی صد تومان دادنی خواهند بود یا آنکه از یکماه الی یکسال حبس خواهند شد

ماده ۴۳ - مقالات مضره بمذهب و عقیده اسلامیة هر کس در روزنامه یا اوراق دیگر درج کند از ده تومان الی سیصد تومان مجانی دادنی خواهد بود روزنامه یا ورقه مذکوره اگر مستمر باشد از یک ماه الی دو سال توقیف خواهد شد و صاحبش از یک ماه الی دو سال حبس طبع و انتشار و فروش اشکال قبیحه و مقالات مضره بعفت و عصمت یا مضره باخلاصی در همین حکم خواهد بود

ماده ۴۴ - هتک احترام و شرف و کسر اعتبارات شخصیه افراد یا هیئت مادامی که مرتکب از ثبوت آن عاجز باشد و مطلقاً هرگونه تخفیف و تحقیر خواه بمعنی باشد خواه بالفاظ نالایق مستوجب تهدید و سیاست خواهد بود

ماده ۳۵ - بموجب این ماده هر کس نسبتی از نسبتهای مندرجه در ماده ۳۲ را بوسائلی که در ماده بیست و شش مذکور است نطق لایحه درج مقاله در روزنامجات یکی از محاکم عدلیه یا اجزاء حریبه یا انجمنها یا ادارات دولتی بدهد از ده تومان الی سیصد تومان مجانی دادنی خواهد بود و با از هشت روزالی یکسال حبس خواهد شد اگر وسیله انتشار آن نسبتها روزنامه باشد در مدت مشخصه توقیف خواهد شد ممکن است انواع تنبیه و سیاست را در زمان واحد مقتضی بدانند بسته بنظر حاکم قضیه

ماده ۳۶ - همچنین است حکم نسبتهای مذکور در ماده ۳۴ هرگاه آن نسبتها بوزیری یا مبعوثی چه ازوکلائی مجلس شورای ملی چه ازوکلائی مجلس سنا یا یکی از کارگذاران امور دولتی یا از پیشوایان مذهب اسلام و وکلاء و شهود در صورتیکه آن نسبت و اقتراراجع به حیطه مسئولیت آنها باشد

ماده ۳۷ - نسبت بامور مذکوره در ماده ۳۴ اگر بافرا د ناس باشد مرتکب بموجب این ماده ملتزم است که از سه تومان الی دویست تومان مجانی دادنی باشد وسیله ارتکاب هرگاه روزنامه باشد یک هفته الی ششماه توقیف خواهد شد

ماده ۳۸ - نوشتن فحش و الفاظ قبیحه اکیداً ممنوع است مرتکب بقید این التزام در صورت ارتکاب چهار تومان الی پنجاه تومان مجانی دادنی خواهد بود هرگاه آن تجاوزات نسبت باشخاص مذکوره در ماده ۱۰ و ۲۶ باشد اگر نسبت باشخاص مذکوره در ماده ۳۷ باشد مرتکب ملتزم است که از سه تومان الی سی تومان مجانی دادنی باشد در صورت تکرار تقصیر بعلاوه روزنامه از هفت روز الی سه ماه تعطیل خواهد شد بسته باینکه تخطیبات از حقوق نسبت یکدام طبقه باشد

ماده ۳۹ - نسبت امور ممنوعه مذکوره در مواد این قانون باموات همچنان

در مقابل ورثه آن موجب مسئولیت مرتکب خواهد شد که بفراخور حال سیاست می شود

توهین و مجازات آن نسبت بسلاطین خارجه و مأمورین سیاسی

ماده ۴۰ - توهین بسلاطین دول متحابه اکیداً ممنوع است و مرتکب ملتزم است که از ده تومان الی سیصد تومان مجاناً دادنی باشد و یا از یکماه الی یک سال حبس شود ولدی الاقتضاء جمع هر دو قسم سیاست ممکن است

ماده ۴۱ - هتک احترامات مأمورین خارجه و هیئت سیاسیون خارجه که در مملکت سمت نمایندگی دارند ممنوع و مرتکب ملتزم است که از پنجتومان الی دویست تومان مجانی دادنی باشد و مرتکب از یک هفته الی سه ماه حبس خواهد شد

ماده ۴۲ - شکایات اجزاء خارجه ممکن است مستقیماً بآداره پلیس یا بواسطه وزارت امور خارجه بوزارت عدلیه یا محکمه عدلیه اظهار شود

موادیکه طبع و نشر آنها جایز نیست

ماده ۴۳ - طبع و نشر مراعاتی که محکمه برای حفظ ناموس نشر آنرا منع کرده مادامیکه در محکمه علناً قرائت نشده است ممنوع است مرتکب ملتزم ملزم است که از پنجتومان الی دویست تومان مجانی دادنی باشد و مرتکب غیر ملتزم از یکماه الی یکسال حبس می شود ولی شکایت مدعی و حکم قضیه را در هر حال روز نامه حق انتشار دارد

ماده ۴۴ - مذاکرات عمرانه محکمه را روز نامه حق انتشار ندارد و در صورت ارتکاب ملتزم است که از ده تومان الی دویست تومان مجاناً دادنی باشد

ماده ۴۵ - انتشار دستورالعملهای عمرانه نظامی و اخبار غفیه قشونی و

نقشه قلعه جات خاصه در موقع جنگ اکیداً ممنوع است و مرتکب ملتزم است از ده تومان الی هزار تومان مجسماً دادنی باشد و از يك سال الی پنج سال حبس شود در صورتی که تقصیر با روز نامه نگار باشد روز نامه او نیز ابداً توقیف گردد

فصل ششم - مجازات

ماده ۴۶ - تجاوزات قانونی که موجب سیاست مبشرین روز نامه و مطبعه و دیگر مطبوعات خواهد شد از طرف اداره انطباعات در معرض بازخواست در آمده در عدلیه مورد محاکمه خواهد شد اداره نظمی از تعاقب تقصیرات طبیعی یا اداره انطباعات متفقاً اقدام خواهد شد

ماده ۴۷ - هر گاه تخلفات مطبوعات نسبت به حدود افراد اشخاص باشد مداخله نظمی یا عدلیه با اداره انطباعات پس از تظلم طرف خواهد بود و هر گاه آن تخلفات نسبت به عموم باشد از طرف اداره انطباعات یا پلیس رأساً اقدام خواهد شد

ماده ۴۸ - در موارد تخلف از فصول این قوانین مرتکبین علی قدر مراتبهم در مقابل قانون مسئول خواهند بود و سیاست مندرجه که بحکم التزام بر مرتکبین وارد است در حق آنها جاری خواهد شد

- (۱) اقدام کنندگان بطبع مدیران روز نامه و سایر جراید اصالتاً
- (۲) دیران روز نامه و جرائد دیگر در صورت مسئولیت آنجا که تخلف از حدود ظهور نداشته و مطلقاً در صورت مساعدت آنها در اقدامات نامشروع منتهیه مضره آنجا که تخلف از حدود ظهور نداشته باشد مدیر روز نامه یا مطبعه باید جلوگیری کند و قبول مسئولیت دبیر رفع مسئولیت از ایشان نمیشود و منتها دیر هم مسئول است

(۳) رئیس مطبعه

(۴) فروشنده و نشر دهنده

(۵) اعلان کننده

مسئولیت این اشخاص مذکوره ۳ و ۴ و ۵ در وقتی است که مشارکت یا خیالات مضره مدیر و رئیس جریده و مطبعه نموده در القاء و افشای فتنه و فساد همدست باشند هر گاه یکی از متصدیان پنج گانه متواری شود سایرین علی قدر مراتبهم مسئول خواهند بود هر گاه نویسنده مقاله در خارجه باشد و مقاله از منتهیات چیزی را حاوی باشد و بطبع برسد مطبعه و مدیر ورقه مسئول خواهند بود و اگر چیزی را حاوی باشد که ثبوت بخواند مدیر روز نامه با مسئولیت شخصی حق درج دارد و الا فلا

ضبط و حبس روزنامهجات و غیره

ماده ۴۹ - مأمورین وزارت معارف که برای روز نامه معین میشوند و پلیس حق دارند روز نامه و دیگر جراید را در موارد ذیل توقیف کنند

- (۱) آنجا که روز نامه یا جریده یا لایحه مضر با اساس مذهب اسلام باشد
- (۲) آنجا که در روز نامه یا جریده یا لایحه هتک احترامات سلطنت شده باشد.
- (۳) آنجا که نقشه و طرح حرکت قشونی یا دیگر اسرار نظامی مکشوف شده باشد.
- (۴) آنجا که بندرجات روز نامه موجب هیجان کلی و اختلال آسایش عمومی شود.

- (۵) آنجا که دعوت بر مضادت قوای رسمیه مملکت شده باشد (۶)
- (۶) آنجا که اشاعه صور قبیحه بر ضد عصمت و عفت شده باشد (۷)
- ماده ۵۰** - های توقیف و عدم بقای آن باید در بیست و چهار ساعت با اطلاع محکمه قانونی (دیوانخانه محل) رسیده حکم توقیف یا سبب توقیف یا آزادی روز نامه و غیره باید کتباً اعلان بشود
- ماده ۵۱** - در مدت توقیف روز نامه یا جریده و سایر لوايح اشاعه مندرجات آن اکیداً ممنوع است و در تحت فصول این قانون نامه سیاست خواهد شد بسته باینکه بکدام فصل راجع باشد
- ماده ۵۳** - قوانین مندرجه در این قانون نامه مطبوعات در طهران از ده روز بعد از اینکه این قوانین بدستخط همایونی موشح شده باشد و در ولایات پس از یکماه مجری خواهد شد

قانون وظایف

مصوب ۱۳۲۶ قمری

وظیفه مرسومه است که به بازماندگان ارباب حقوق دیوانی از هر قبیل داده میشود

ماده اول - انتقال قسمتی از حقوق دیوانی شخص متوفی به ورثه او موقوف بانست که آن مقرری زیادتز از پانصد تومان نقد و ده خروار جنس نباشد در صورت زیاد بودن مبلغ و مقدار نقد و جنس برقرار شدن قسمتی از آن در حق ورثه موقوف بتصویب مخصوص وزیر مشولو مجلس شورای ملی است

ماده دوم - نصف بلا کسر مرسوم متوفی تا مدت پانزده سال در باره ورثه او برقرار میشود و نصف بلا کسر عبارت است از عددی که کسور آن یا کمتر از تومان در نقد و کمتر از من در جنس حذف شده باشد

ماده سوم - مراد از ورثه در اینجا عبارتست از اولاد و عیال و همچنین پدر و مادری که در کفالت متوفی باشد و همچنین نواده که پدر و مادرش فوت کرده و در کفالت متوفی باشد

ماده چهارم - پدر و نواده ذکور در حکم اولاد ذکور و مادر و نواده اناث در حکم اولاد اناث خواهد بود دو یا چند نواده که از يك اولاد باشند فقط سهم پدر یا مادر آنها در بین آنها تقسیم خواهد شد (ماده چهارم و پنجم)

عیال دائمه در صورت انحصار در حکم اولاد اناث است و در صورت تعدد

قسمت یکدختر ما بین زوجات متعدده تقسیم خواهد شد

ماده پنجم - تقسیم نصف بر قراری در حق ورثه للذکر مثل خط الاثین

خواهد بود

ماده ششم - هر يك از بازماندگان متوفی كه شغل دیوانی داشته باشند سهم وظیفه مزبوره مادامیکه مستخدم هستند از بابت مواجیکه در ازاء خدمت دولت میگیرند محسوب میشود

ماده هفتم - قوانین مذکوره شامل مقرریهاییکه در مقابل خدمت بمستخدمین دولت میدهند و همچنین شامل حقوق افراد نظام نمیشود زیرا که قوانین راجعه بمتوفیات مستخدمین ادارات دولتی و نظام در موقع تسویه بودجه وزارتخانها و ادارات معین میشود

ماده هشتم - محل غائب و متوفی بکلی متروک است و ضبط میشود و هرچه از روی استحقاق بکسی داده میشود از اصل عایدات دولت است

ماده نهم - تومانی هفت قران و سایر مخارج صدور فرمان بکلی منسوخ است

ماده دهم - این قانون شامل تمام متوفیاتی است که از چهاردهم ذیقعه الحرام یکهزار و سیصد و بیست و چهار تا کنون و از این بیعد اتفاق افتاده و میافتد

متتم قانون فوق مصوب ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۲۸ قمری در (بند سوم - قسمت قوانین دوره دوم تقنینیه) طبع شده است

قانون وظایف دوره دوم تقنینیه

ردیف	ماده	
	ک	د
۱	۲۱۲	۲۸۷
۲	۸۸۷	۷-۳
۳	۸۰۳	۲۶۵
۴	۵۲۵	۷۷۵
۵	۸۷۵	۸۸۵
۶	۱۶۵	

مصوبات دوره دوم قانون گذاری

فهرست

بند سوم

صفحه		عنوان
تا	از	
۳۸۶	۲۴۲	قسمت اول - قوانین
۴۰۷	۳۸۸	قسمت دوم - امتیازات
۵۶۳	۴۰۸	قسمت سوم - قوانین موقتی
۵۷۷	۵۶۵	قسمت چهارم - کتباتها
۵۸۹	۵۷۹	قسمت پنجم - تصویبات مالی
	۵۹۱	قسمت ششم - تصمیمات و مطالب متفرقه

ماده هفتم - عمل جاسوس متروک بکل مشروط است و ضبط میسرودم چه از روی استخبار کسی داده میشود و اصل جاسوس متروک است
 ماده نهم - توسل به عدت قریب و سوار جاسوس قریب بکل ممنوع است
 ماده دهم - این قانون شامل تمام متروکان است که از چهارم ذیحجه الحرام بگیرند و بیست و چهار تا یکم و از این بعد افسان اجناس و بیاید

مقرر قانون اول مصوب ۲۹ بهمن ۱۳۳۸ قمری در (مشموم - قسمت اول دوره دوم قسبه) طبع شده است

صفحه		عنوان
تا	از	
۱۲۸۸	۶۵۷	قانون راه و چهارم و سه استراحت دوگروزم
۲	۵۹۷	قانون نقشه و دو گروزم
۶	۶۳۲	قانون اصلاح عفت قانون اساسی
۲	۶۳۲	قانون ثبت اسان
۵	۷۱۲	قانون اصلاح قانون
۲	۷۱۲	قانون حیاتیات
۲	۷۱۲	قانونه الفانی
۷	۵۲۹	قانون تشکیل ریشات مالیاتی
۸	۳۳۳	قانون تعرفه صادرات و واردات
۲۸	۳۳۳	قانون اصلاح قسم قانون و طایف
۵	۳۳۳	قانون حکومیت خاص
۵	۳۳۳	قانون حقوق برابرت مشرفات کمش و محو آثار و مصالحه در مجال
۱۱۳	۷۸۲	قانون اصلاح استاج و اجاب مدرسه ابتدایی
۲۳۳	۷۸۲	قانون اصلاح مجلس شورایی ملی
۲۸۲	۵۸۲	قانون اساسی
۳۰	۷۸۲	قانون اساسی

فهرست

قسمت اول - قوانین

مصوب دوره دوم قانون گذاری

شماره ردیف	عنوان	صفحه	
		از	تا
۱	قانون انحصار نمک	۲۴۲	۲۴۳
۲	قانون مالیات بندی بر وسائط نقلیه	۲۴۳	۲۴۵
۳	قانون حمل اسلحه	۲۴۵	۲۴۶
۴	قانون تخفیف مخابرات و مراسلات راجع بخراید	۲۴۶	۲۴۷
۵	قانون راجع به روده	۲۴۷	۲۴۹
۶	قانون متمم قانون وظایف	۲۴۷	۲۵۰
۷	قانون قبول و نکول بروات تجاری	۲۴۹	۲۵۰
۸	قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه	۲۵۱	۲۵۶
۹	قانون تأسیس روزنامه رسمی	۲۵۶	۲۵۷
۱۰	قانون راجع به حفظ الصحه و آبله کوبی	۲۵۷	۲۶۷
۱۱	قانون محاسبات عمومی	۲۵۷	۲۸۵
۱۲	قانون دیوان محاسبات	۲۶۷	۲۸۵
۱۳	قانون تحدید تریاک	۲۸۵	۲۸۶
۱۴	قانون استقراض دو کروور و نیم لیره انگلیسی	۲۸۶	۲۸۷

شماره ردیف	عنوان	صفحه	
		از	تا
۱۵	قانون راجع بهخارج وجه استقراض دو کروورونیم لیره	۲۸۷	۲۸۸
۱۶	قانون تقمیشیه وجه دو کروورونیم لیره استقراض	۲۸۹	۲۸۹
۱۷	تفسیر اصل هفتم قانون اساسی	۲۸۹	۲۸۹
۱۸	قانون ثبت اسناد	۲۹۰	۳۱۰
۱۹	قانون اصلاح قانون قبول و نکول بروات	۳۱۰	۳۱۱
۲۰	قانون طبابت	۳۱۱	۳۱۴
۲۱	قانون الغای مالیات نمک	۳۱۴	۳۱۴
۲۲	قانون تشکیل ترتیبات مالیاتی مملکت ایران	۳۱۴	۳۱۶
۲۳	قانون تعرفه مخابرات تلگرافی	۳۱۶	۳۱۸
۲۴	تفسیر ماده هفتم متمم قانون وظایف	۳۱۸	۳۱۸
۲۵	قانون حکومت نظامی	۳۱۸	۳۲۰
۲۶	قانون حقوق وراث متوفیات کمتر از دو تومان	۳۲۰	۳۲۲
۲۷	قانون اجازه افتتاح نه باب مدرسه ابتدائیه	۳۲۱	۳۲۲
۲۸	قانون انتخابات مجلس شورای ملی	۳۲۲	۳۴۲
۲۹	قانون اساسی معارف	۳۴۲	۳۴۶
۳۰	نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی	۳۴۶	۳۸۶

ماده ۷ - برای جلوگیری و منع قاچاق وزارت فوائد عامه نظامنامه لازمه اینکار را تدوین نموده بموقع اجرا خواهد گذاشت .

ماده ۸ - برای جلوگیری از ترقی قیمت نمک وزارت فوائد عامه در نقاطی که صلاح میداند تأسیس انبار برای ذخیره داشتن نمک خواهد نمود .

ماده ۹ - عایدات خرج دروقته اداره نمک هرچه میشود باصورت مرتبی از کلیه عایدات و مخارج اداری آن در اس هر ماه تسلیم وزارتتالیه خواهد شد .

ماده ۱۰ - وزارت فوائد عامه کلیه معادن نمک حوزه طهران را تاده روز بعد از تاریخ اعلان این قانون از حالت حالیه که اجاره و استیجاره است خارج نموده و بشکل اداره امانی عمل خواهد نمود و در معادن نمک سایر ولایات نیز در ظرف سه ماه این ترتیب معمول خواهد شد .

قانون *

مالیات بلدی بر وسایط نقلیه *

مصوبه پنجم شهر ربیع الاول ۱۳۲۸ قمری

ماده اول - فقره اول : مالیاتهاییکه برای مصارف بلدی در بلاد ایران هر ماهه از وسایط نقلیه دریافت خواهد شد بقرار ذیل است

- (۱) درشکه مطلقا دوازده قران
- (۲) کالسکه ولاندو مطلقا پانزده قران
- (۳) چهارچرخه بارکش چهار قران
- (۴) دوچرخه بارکش دوقران وده شاهی
- (۵) دلچیان آهنیبوس پانزده قران
- (۶) چرخهای دستی سیار مخصوص کسب یکقران
- (۷) انوموبیل پنجتومان
- (۸) واگون انوموبیل هر یکی سه تومان
- (۹) گکاری یکتومان
- (۱۰) دوچرخه سواری پنجقران
- (۱۱) ولوسپید دوقران
- (۱۲) ولوسپید بخاری (موتوسیکل) پنجقران

(*) این قانون بموجب قانون مالیات راه و الغای عوارض و مالیاتهای بلدی مصوب

۱۹ بهمن ماه ۱۳۰۴ شمسی نسخ شده است

قسمت اول
قوانین

قانون *

انحصار نمک

مصوب سوم ربیع الاول ۱۳۲۸ قمری

ماده ۱ - انحصار استخراج و فروش نمک در سرمعادن اعم از سنگی و آبی در کلیه ممالک محروسه ایران بادولت است .

ماده ۳ - هرگاه یکی از معادن دائره قبل از انحصار در اراضی ثابت المملکيه مالك معینی واقع شده و در تصرف دولت نبوده باشد باید صاحب ملك آن معدن را بقیمت عادله سابقه بدولت بفروشد و یا آنکه دولت مداخل متوسط هیاتی که در پنج سال اخیر قبل از انحصار صاحب ملك از آن معدن استفاده مینموده است همساله بصاحب ملك عاید دارد .

ماده ۳ - اگر معدن تازه در اراضی ثابت المملکيه اشخاصی کشف شد مالك همان اراضی معدن را تا دو برابر قیمت عادله جریبانه قبل از کشف بدولت خواهد فروخت و الا آن شخص حق دائر کردن آنرا نخواهد داشت .

ماده ۴ - برای اداره کردن معادن نمک وزارت فوائد عامه تشکیل اداره مرکزی در طهران و ایجاد شعب در ولایات خواهد نمود .

ماده ۵ - کلیه مخارج استخراج نمک بمعده دولت است .

ماده ۶ - قیمت نمک در سرمعادن از قرار یکهزار یکقران متقال یکهزار دینار خواهد بود .

(*) این قانون بموجب قانون الغاء مالیات نمک مصوب ۳ جمادی الثانیه ۱۳۲۹ قمری نسخ شده است .

(۱۳) اسب و قاطر و شتر اعم از اسب کالسکه و درشکه و کاری و سواری یا باری دو قران

(۴) الاغ سواری یکقران

(۱۵) الاغ باری دهشاهی

(۱۶) گاومرغه کش یکقران

فقره ثانی: مالیات نهائیکه برای مصارف مزبوره از وسایط نقلیه که از خارج داخل شهر میشود در هر دفعه ورود دریافت خواهد شد بقرار ذیل است:

(۱) از هر کاری بدون ملاحظه عده اسب چهارقران

(۲) دو چرخه بار کش بدون ملاحظه عده اسب یکقران

(۳) چهار چرخه بار کش بدون ملاحظه عده اسب دوقران

(۴) کالسکه و درشکه بدون ملاحظه عده اسب سه قران

(۵) اتومبیل بکتومان

(۶) واگون اتومبیل ششقران

(۷) دلجان چهار قران

(۸) کابو بار کش والاغ سه شاهی قاطر واسب و یا بوی پنجشاهی شتر شش شاهی

ماده دوم - انجمن بلدی هر شهری از بلاد ایران اگر صلاح و مقتضی بداند حق دارد کسور اعتناری اضافه (یعنی چند صد یک) با تومان شمار نسبت باصل مالیات بلدی و وسایط نقلیه برای همان شهر تصویب نموده بتوسط حاکم بوزیر داخله پیشنهاد کند که پس از تصدیق بصورت لایحه قانونی بمجلس تقدیم نماید

ماده سوم - تادیه مالیاتهای مذکور در فقره اولی ماده (۱) بموجب قبض و بایط مخصوص خواهد بود که مدت اعتبار آن در بایط مصرح است مالها و چارپایان مذکور در فقره ثانیه از ماده اولی هم که از طرف شهرها بشهر نرزد میکنند میتوانند در هر ماهی بکرتیه مطابق وسایط نقلیه مذکور در فقره اولی در ماده یک مالیات داده و از اداره بلدی قبض و بایط ماهیانه برای خود تحصیل نمایند و وسایط نقلیه که دارای بایط ماهیانه باشند در حین خروج و دخول بشهر از تادیه مالیات و دخولیله مذکور در فقره ثانیه ماده (۱) معاف خواهند بود.

ماده چهارم - کالسکه و درشکه و امثال آنها که اسقاط شده و یا مثل مال التجاره برای فروش گذاشته اند از مالیات بلدی معاف خواهند بود ولی باید اداره بلدی قبلا جریخ آنها را بسته و مهر سری کند و هر وقت صاحب آلات مزبوره بخواهد آنها را بکار بیندازد یا ببرد باید اداره بلدی اطلاع می دهد که مهر خود را بردارد و از آن روز تادیه مالیات خواهد نمود و حق مهر کردن اداره بلدی در هر مرتبه دو قران خواهد بود

ماده پنجم - هر کس از تادیه مالیاتهای مزبوره در ظرف مدتی که بلدی معین میکند امتناع و تخلف نماید در دفعه اولی بعلاوه یک تالت و در دفعات بعد ضعف مبالغ اصل از او دریافت خواهد شد.

ماده ششم - مالیاتهای مذکور در مواد فوق بتوسط مباشرین اداره بلدی و سول شده و بر طبق دستور العملهای انجمن بلدی که موافق قوانین خواهد بود در تحت نظارت انجمن بلدی خرج خواهد شد

ماده هفتم - صاحبان وسایط نقلیه مکلفند بر اینکه خودشان یا اداره بلدی عده و وسایط نقلیه خود را از هر قبیل بعد از اعلان اداره مزبوره در مدت مهلتی که خود اداره معین میکند اظهار نموده بایط ماهیانه دریافت کنند در صورت تخلف از مضمون این ماده و تاخیر اظهار تایکماه ضعف مبالغ بلدی او دریافت میشود

ماده هشتم - وسایط نقلیه که از مالیات معافند بقرار ذیل است

(۱) وسایط نقلیه مخصوص سلطنت و دولت

(۲) وسایط نقلیه مخصوص مأمورین سیاسی دول خارجه

(۳) وسایط نقلیه عسگریه از هر قبیل

(۴) وسایط نقلیه متعلقه بخدمات صحیه

(۵) وسایط نقلیه مخصوص بخدمات بلدی

ماده نهم - این قانون در هر محل ده روز بعد از اعلان آن بموقع اجرا گذاشته می شود

تبصره ۵ - در مواردیکه نوشته شده است (بدون ملاحظه عده اسب) نه مقصود آنست که از مالهاییکه به کاری و دو چرخه و غیره بسته شده است مالیات علیحده گرفته نمیشود مگر در صورتیکه بگاری، و دلجان و کالسکه و درشکه زیاده از چهار مال و بیچار چرخه زیادتر از دو مال و بدو چرخه زیادتر از یک مال بسته شود که در آن موارد از مالهای زیادی موافق جزء هشتم فقره ثانیه مالیات اخذ میشود

قانون

حمل اسلحه

مصوب ۲۱ ربیع الاول ۱۳۲۸ قمری

ماده ۱ - هیچکس نباید در شهرها هیچ نوع اسلحه ناریه باخود حمل نماید

ماده ۲ - طبقات نظامی فقط در هنگام مأموریت خدمت نظامی و در مواقع

مشق اسلحه گرفته و بعد از ختم مأموریت مذکور یا عملیات نظامی اسلحه ناریه خود

را در مراکز مقررده خواهند گذاشت

ماده ۳ - مأمورین حفظ نظم و امنیت از قبیل پلیس و ژاندارم و امنیت فقط می توانند اسلحه را که دولت برای آنها معین داشته است حمل نمایند

ماده ۴ - اشخاص که بقصد شکار و با مسافرت با اسلحه میخواهند از شهر عبور نمایند باید بر حسب اجازه کتبی اداره نظمیّه باشد.

ماده ۵ - هر گاه کسی با مواد این قانون مخالفت نماید اسلحه او ضبط و خودش از بیست و چهار ساعت الی ده روز حبس یا از يك تومان الی بیست تومان جریمه شود.

ماده ۶ - این قانون در ظرف یک هفته پس از تاریخ انتشار در طهران و در ظرف یکماه در سایر بلاد بموقع اجرا گذاشته خواهد شد.

قانون

تخفیف مخابرات و مراسلات راجعه بجرايد

مصوب ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۲۸ قمری

ماده اول - اخبار جراید که حاوی وقایع اتفاقیه و اطلاعات تجارتي و بلتیکی میباشد و فقط برای طبع و نشر در روزنامه از نقطه بنقطه بخابره میشود بنصف قیمت معموله قبول و بخابره خواهد شد

ماده دوم - اخبار تلگرافی جراید که شامل اعلانات و مطالب شخصی و تظلمات مردم باشند تمام قیمت معموله از آنها اخذ میشود

ماده سوم - اجرت پستی جراید از نقطه بنقطه دیگر در داخله اعم از يك نمره بایسته نصف قیمت معمولی دریافت میشود.

قانون

راجع بروده

مصوبه پنجمین ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۲۸ قمری

ماده اول - روده و کیون وزه متصل بروده کلیه ذایع در تمام مملکت بعنوان مالیات متعلق بدولت است

ماده دوم - هر گاه محقق شود که کسی بدون اجازه دولت روده و کیون وزه فروخته است ضعف قیمت از فروشنده دریافت خواهد شد

ماده سوم - کسانی که برای مصارف داخلی روده و زه و کیون لازم داشته باشند در اتباع حق تقدم بر سایر مشتریان دارند و فقط بصنف زهتاب دو ثلث از قیمت عادله تخفیف داده می شود

ماده چهارم - ترتیب جمع آوری روده و زه و کیون و اداره این کار را وزارت مالیه مرتب خواهد نمود

ماده پنجم - این قانون در هر محل ده روز پس از اعلان بموقع اجرا گذارده خواهد شد.

قانون

متمم قانون وظایف

مصوبه ۲۶ ربیع الثانی سنه ۱۳۲۸ قمری

ماده اول - حقوق دیوانی متوفی هر مبلغی که زیاده از دو هزار تومان باشد ضبط خزانه دولت شده فقط دو هزار تومان آن موافق مواد ذیل بین ورثه تقسیم و تا پانزده سال در حق آنها برقرار خواهد بود

ماده دوم - از يك الی پانصد تومان موافق قانون وظایف نصف بلاکسر آن در حق ورثه برقرار میشود

* این قانون بموجب الفاء عوارض راجع بروده ، مصوب ۱۵ آذرماه ۱۳۰۵ شمسی (دوره ششم تقنینیه) نسخ شده است

ماده سوم - از پانصد و یک تومان الی یک هزار تومان هر قدر باشد ثلث بلا کسر آن بر نصف پانصد تومان اول اضافه خواهد شد.

ماده چهارم - از یک هزار و یک تومان الی یک هزار و پانصد تومان هر مبلغی که باشد ربع بلا کسر آن بر نصف اول و ثلث ثانی افزوده خواهد شد.

ماده پنجم - از یک هزار و پانصد و یک تومان الی دو هزار تومان هر مبلغی که باشد خمس بلا کسر آن بر نصف و ثلث و ربع فوق الذکر اضافه میشود.

ماده ششم - تقسیم آنچه در حق ورثه برقرار میشود موافق مواد سوم و چهارم و پنجم قانون وظایف خواهد بود.

ماده هفتم - در صورتی که وراثت حقوق دیوانی شخصی داشته باشند سهم هر یک از وراثت ذکور که بعلاوه حقوق شخصی متجاوز از شصت و چهل و یک تومان و سهم هر یک از وراثت اناث که بعلاوه حقوق شخصی متجاوز از سیصد و بیست تومان باشد تفاضل از سهم ارثی آن وارث کسر می شود و اگر حقوق شخصی وارث ذکور شصت و چهل و یک تومان و یا بیشتر و حقوق شخصی اناث سیصد و بیست تومان یا بیشتر باشد از حقوق متوفی چیزی باو داده نمی شود.

ماده هشتم - حقوق جنسی متوفی هر مقدار باشد وزارت مالیه به قیمت متوسط پنج سال اخیر در محل آن را تسعیر نموده و در جبر و مبلغ نقدی مذکور در ماده اول محسوب و بین ورثه تقسیم می شود در صورتی که حقوق دیوانی متوفی منحصر به جنس باشد قیمت آن موافق مواد فوق بین وراثت تقسیم می شود.

ماده نهم - این قانون از روز اعلان آن بموقع اجرا گذاشته شده و

بکلیه حقوق متوفیاتی که از تاریخ ذیقعد ۱۳۲۴ ببعد واقع شده و زائد بر پانصد تومان بوده و مجلس شورای ملی تا کون قرار قطعی در آن باب نداده است نیز تعلق میگیرد.

بموجب قانون مصوب ۲۱ رجب ۱۳۲۹ قمری ماده هفتم قانون فوق تفسیر شده است

قانون

قبول و نکول بروات تجارتي

مصوب پنجشنبه ۹ جمادی الاول ۱۳۲۸

ماده اول - چون بابت براهات باو حواله است و شخص براهات کننده در مقابل ذمه مشغول خود حواله میکند هر گاه پس از براهات کردن انکار مدیونیت کند از او پذیرفته نخواهد شد.

ماده دوم - حواله گیرنده ازلی میتواند باسم کسی دیگر حواله نماید و ذموی بسومی و هكذا هر چند نفر باشند در اینصورت تمامی حواله دهندگان برای قبول براهات کفیل یکدیگرند یعنی در صورت پروتست براهات هر لاحق بسابق خود رجوع کرده وجه براهات را دریافت مینمایند تا برسد بحواله کننده اولی.

ماده سوم - شخصی که براهات باو حواله شده تا زمانی که قبولی ننوشته است ذمه حواله کننده مشغول رجوع آن براهات است اگر چه تاریخ رؤیت آنرا نوشته باشد.

ماده چهارم - در صورتی که براهات ورودی نبوده بدین معنی که برای ادای وجه مهلت قرار داده شده خواه از حال رؤیت و خواه از حال تحریر دارنده براهات حق دارد براهات را ارائه داده قبولی بنویسند یا فقط تاریخ رؤیت را نویسند در سر وعده در صورت عدم نکول مطالبه وجه را بنماید.

ماده پنجم - هر گاه دارنده براهات مطالبه قبول یا نکول نماید باید شخصی که باو حواله شده منتهی در ظرف چهل و هشت ساعت آن براهات را صریحا قبول یا نکول نوشته مهر یا امضا نماید.

توضیح - کسیکه باو حواله شده باید برای قبول این جمله معین را بنویسد (من این براهات

موافق قانون مصوب پنجشنبه ۲۶ جمادی الاولی ۱۳۲۹ قمری مواد ۷ و ۳ و ۲ و ۱ تفسیر

و ماده ۶ الغاء شده است و همچنین بر طبق ماده ۲۴۲ قانون تجارت مصوب ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ شمسی قانون فوق با اصلاح آن نسخ شده است

را با افلان مقدار آن را قبول دارم) و برای نکول این چماه را بنویسد (من این برات را نکول میکنم)

ماده ششم - شخصی که با حواله شده هر گاه برات را قبولی نوشت باید وجه قبولی نوشته خود مازم است و نباید قبول معاق بشرط باشد

ماده هفتم - شخصی که با حواله شده میتواند قسمتی از مبالغ حواله شده را قبولی بنویسد در این صورت بقیه برات را دارنده برات میتواند پروتست نماید.

ماده هشتم - هر گاه در ظرف چهل و هشت ساعت مذکور در ماده پنجم شخصی که با حواله شده قبولی ننوشت دارنده برات بعد از انقضای مدت مزبوره حق دارد برات را با طاق تجارت برده مطالبه پروتست آن را بنماید و اطاق تجارت تا بیست و چهار ساعت از تاریخ این مطالبه برات را پروتست میکند در محلی که اطاق تجارت رسماً تاسیس نشده محکمه تجارت و در محلی که آن نیز تشکیل نشده محکمه ابتدائی حقوق و در جایکه آنها تشکیل نشده اداره حکومت محلی عمل پروتست را انجام میدهد.

ماده نهم - پس از پروتست برات شخص ثالثی میتواند باعتبار برات کننده اولی یا یکی دیگر از حواله کنندگان تادیه وجه حواله شده را بعهده گیرد در این صورت شخص مذکور باید قبول خود را در پروتست نامه نوشته و امضاء نماید و قبول این شخص حق رجوع دارنده برات را به حواله کنندگان اسقاط نمیکند.

ماده دهم - در صورتیکه برات پروتست شود دارنده برات مختار است که وجه برات را موافق مدلول آن از برات کننده در همان محل مطالبه نماید و یا رجوع بمحل صدور حواله نموده وجه برات را دریافت کند مخارج و خسارت وارده از پروتست برات بر عهده حواله کننده است مگر اینکه بموجب سند عدم ضمان خود را شرط کرده باشد.

ماده یازدهم - در صورتیکه برات ورودی بوده بدین معنی که بعد از رویت مهلتی برای ادای وجه مقرر نشده هر گاه از حین مطالبه وجه کسیکه برات بعهده او است تا چهل و هشت ساعت ادای وجه را نکند دارنده برات حق پروتست آن را داشته و بدون پروتست حق رجوع به حواله کننده ندارد.

ماده دوازدهم - این قانون سه ماه بعد از طبع و انتشار آن در کلیه ممالک محروسه ایران مجری خواهد شد

قانون

اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

مصوبه ۲۸ شعبان المعظم ۱۳۲۸ قمری

فصل اول

در ترتیب شعب ادارات مرکزی

ماده اول - ادارات وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه از قرار ذیل است:

(۱) دائرة وزارت مشتمل بر وزیر و کابینه وزیر

(۲) مدیر کل

(۳) اداره تعلیم عمومی

(۴) اداره معارف

(۵) اداره اوقاف

(۶) دائرة تحقیقات

(۷) دائرة تغذیس

(۸) دائرة محاسبات

(۹) هیئت شورای معارف

فصل دوم

در وظایف وزیر و اعضاء ادارات

ماده دوم - وظایف وزیر:

(۱) مسئولیت صحت مصارف اداره هر شعبه

(۲) اجرای قوانین موضوعه در ترویج معارف و تصحیح امور اوقاف

(۳) تهیه اسباب تحصیلات ابتدائی مجانی اجباری و تعمیم تحصیلات متوسطه و عالییه

(۴) ترتیب شعب ادارات وزارتخانه در ایالات و ولایات.

(۵) حفظ ارتباط اداره معارف ایران با سایر دول.

ماده سوم - وظائف مدیر کل :

(۱) مسئولیت امور اداره در نزد وزیر.

(۲) تدارک موجبات پیشرفت امور ادارات.

(۳) تصدیق مراتب لیاقت اجزاء و استحقاق آنها در نیل بمراتب و درجات

عالی تر.

(۴) تعیین حدود و حقوق اجزاء و اظهار آن در راپرتهائیکه بدولت یا بمجلس

شورای ملی تقدیم میشود.

(۵) ترتیب نظامنامه ها و مواظبت در اجرای آنها.

(۶) نظارت در اثابته ادارات مرکزی.

(۷) ترتیب بودجه وزارتخانه

(۸) امضای احکام و قرار داد های اداره قبل از امضای وزیر

(۹) تصدیق راپوتهای اداره که بامضای مدیران ادارات است.

(۱۰) نظارت در مالیه وزارتخانه و محاسبه آنها

(۱۱) امضاء در موارد ذیل عوض وزیر در صورتیکه وزیر اجازه داده باشد

(اولاً) در تعیین مدت اجازه مرخصی اجزاء جزو غیر از رؤساء

(ثانیاً) اجرای سیلسات و مجازات اداره در حق اجزاء جزو

(ثالثاً) توقیف مقرری و عزل اجزاء جزو موافق قانون تشکیلات اداره و قانون

استخدام

(رابعاً) امضاء و قبول غارج و مصارفی که از صد تومان تجاوز نکند و مبنی بر

قرار نامه باشد یا سابقاً بموجب دستخط یا امضای وزیر جاری شده باشد

(خامساً) تحدید تکالیف و وظائف خدمه وزارتخانه

(سادساً) تهیه یاد داشت های راجعه بامور مالیه وزارتخانه که باید بدیوان

محاسبات تحویل شود.

ماده چهارم - وظائف اداره تعلیم عمومی :

(۱) مراقبت در امور تعلیمات ابتدائیه و متوسطه

(۲) کسب اطلاع از دوران مدارس مرکزی و بلوکی و ایالات و ولایات.

(۳) ترتیب راپورتهای لازمه در تنظیمات مقتضیه و پیشرفت تعلیمات در مکاتب و

مدارس و ترتیب لواجیح در تشریح نواقص و انتشار آنها در روزنامهجات

(۴) احصاء مکاتب و مدارس مملکت و احصای شاگردان در طبقات. ثلثه

(۵) تدارک معلمین از برای فنون و علوم و تدریس در مدارس.

(۶) ترتیب کلاس های درس برای اکابر

(۷) تهیه وسائل برای پیشرفت کار مکاتب و طبع کتب.

(۸) ایجاد مدارس مجانی برای ایتمام.

(۹) ایجاد مدارس شبانه روزی برای شاگردان خارج و داخل که بخواهند در

مرکز تحصیل کرده باشند.

ماده پنجم - وظائف اداره معارف :

(۱) مراقبت در امور تعلیمات عالییه و فرستادن شاگرد بخارج

(۲) تشکیل کتابخانه و مجموعه های علمی و تاریخی.

(۳) تأسیس موزه های تاریخی و علمی و صنعتی

(۴) تحصیل عتیقیات و نظارت در حقاریات

(۵) نگاهداری آثار قدیمه و حفظ آنها از اندراس و فنا

(۶) نگاهداری اشیاء نفیسه و سایر اموال امکنه مقدسه و غیرها که ودایع ملی در

آنجاهست

(۷) تأسیس فرائضخانه و کتابخانه و مجمع های علمی و ادبی در مرکز و ایالات

و ولایات

ماده ششم - وظایف اداره اوقاف:

(۱) تحصیل صورت صحیح از وقف نامه ها و موقوفات مرکزی و ایالتی و ولایتی

و بلوکات در کل ممالک ایران

(۲) نظارت کلیه بر اعمال متولیان و نظار و تفتیش در وصول و ایصال عایدات

اوقاف و ممانعت از حیف و میل اولیاء و مباشرین وقف نسبت باعیان و منافع موقوفات

و تدارک موجبات آبادی آنها

(۳) اداره کردن موقوفاتی که تولیت آنها مستقیماً راجع بشخص سلطان عصر

یا دولت است

(۴) مراقبت در صرف عایدات اوقاف بمصارف مخصوصه خودش حسب ما

اوقفا اهلها.

(۵) اهتمام در صرف منافع موقوفاتی که مصرف معین ندارد و باید در مطلق

برای صرف شود در مصارف تعلیمات و فوآئد عمومی.

(۶) اداره کردن موقوفاتی که متولی مخصوص ندارد بموجب اذن از طرف یکی

از حکام شرع

ماده هفتم - وظایف اداره تحقیقات:

(۱) تسویه اختلافات بین متولی و نظار اوقاف و خدومه و موظفین موقوفات

(۲) تحقیق نوشتجات و اسناد راجعه باوقاف و رجوع بعدلیه در صورت لزوم

(۳) تحقیق جمع و خرج و عایدی اوقاف مختلفه

(۴) تحقیق و تمیز املاک موقوفه از املاک شخصی

ماده هشتم - وظایف دائره تفتیش:

(۱) تفتیش در مدارس ابتدائیه و متوسطه و عالییه و ملاحظه نظافت و حفظ

صحت آنها.

(۲) تفتیش در اجرای نظامنامهها و محاسبات و عایدات و کیفیت جریان امور

در کلیه ادارات وزارتخانه.

(۳) تقدیم راپرتهای هفتگی و ماهیانه و سالیانه از اوضاع مدارس و اوقاف و

پیشرفت کار تعلیمات و کتب رایجه در مکاتب و کیفیت امور سایر ادارات وزارتخانه

ماده نهم - وظایف دایره محاسبات:

(۱) ترتیب و نگاهداری کتب و دفاتر و اوراق لازمه برای حقوق اجزاء

وزارتخانه و حساب کلیه وجوه عایدت اداره معارف و اوقاف.

(۲) ترتیب صورتهای ماهیانه از برای هیئت شورای معارف و صورتهای ششماهه

در روزنامه.

ماده دهم - وظائف هیئت مشاوره:

(۱) حل غوامض امور معارف

(۲) تسویه اختلافات بین مکاتب و مدارس.

(۳) رد و قبول تالیفات معینه برای مدارس و مکاتب.

(۴) مشورت در تدارک نواقص تعلیمات و لوازم تحصیلات ثلاثه از وجوه اعانه

و غیره و ترجیح بعضی تدارکات بمقتضیات حال.

(۵) تعیین مصرف وجوه فوق العاده که برسم هدیه و اعانه میرسد و وجوه موقوفات که باختیار وزارت معارف گذارده شده باشد .

(۶) معاونت فکری به وزیر در هر نوع مسئله و مشکلی که به آن هیئت رجوع شود .

فصل سوم

ترتیب ادارات معارف و اوقاف در ایالات و ولایات

ماده یازدهم - برای ایفاء بوظایف مذکوره علاوه بر ادارات مرکزی در ایالات و ولایات نیز شعبه‌ها بر حسب لزوم تأسیس میشود

ماده دوازدهم - اداره کردن وزارت معارف و اوقاف موقفاتی را که تولیت آنها مستقیماً راجع بشخص سلطان عصر است با اجازه سلطان عصر خواهد بود

قانون

تأسیس روزنامه رسمی

مصوبه ۱۴ شهر شوال المکرم ۱۳۲۸ قمری

ماده واحده - در تحت مراقبت و نظارت وزارت تداخله به مخارج دولت در پایتخت روزنامه رسمی ایران تأسیس میشود که حاوی خواهد بود دستخط های سلطنتی و احکام وزارت خانه‌ها و اعطای امتیاز و شونات و عزل و نصبها و قوانین موضوعه و صورت مشروح جلسات دارالشورای ملی و هرگونه مطالب رسمی دیگر دولترا .

* فصل سوم مشتمل بر ماده ۱۱ و ۱۲ در تاریخ ۲۹ جمادی الثانیه ۱۳۲۹ قمری بقانون فوق ضمیمه و تصویب شده است

قانون

راجع بحفظ الصحه و آبله کوبی

مصوبه پنجم شهر ذیقعده الحرام ۱۳۲۸ قمری

ماده اول - از مالیات وسایط نقایه توانی یکقران برای اصلاح امور حفظ الصحه وبالخاصه تعمیم آبله کوبی و تقسیم سرم کلودرد دیفتری بطور مجانی تخصیص میشود

ماده دوم - وجوهیکه از این ممر حاصل میگردد بمجلس حفظ الصحه رسمی مرکزی دولت داده میشود که بنظارت و تصویب مجلس مذکور در تمام ممالک بمصرف برسد

قانون

محاسبات عمومی

مصوب ۲۱ صفر ۱۳۲۹ قمری

ماده ۱ - بودجه دولت سندی است که معاملات دخل و خرج مملکتی برای مدت معینی در آن پیش بینی و تصویب شده باشد . مدت هر بوره را سنه مالیه می گویند و عبارت است از یکسال شمسی

ماده ۲ - دوره عمل عبارت از مدتی است که قانون برای جریان معاملات بودجه يك سنه مالیه معین می نماید مدت مز بوره برای تشخیص و حواله مطالبات داتنین دولت تا روز آخر ماه سیم سال بعد است و برای ختم اعمال دائر بدریافت عایدات و پرداخت مخارج تا روز آخر سال بعد است

ماده ۳ - مقیاس زمان بعد از این در محاسبات دولتی سال های شمسی و ماههای شمسی (بروج) خواهد بود

ماده ۴ - هر گاه داتنین دولت ناروز آخر دوره عمل بمقام مطالبه حقوق خود بر نیایند حوالجانی که دروجه آنها صادر شده است باطل میشود بدون اینکه بحقوق تابت آنها خللی برسد یعنی آن حوالجات برای دوره عمل بعد تجدید میشود

* قانون فوق بموجب ماده ۱۰ قانون اصلاح وسایط نقایه شامل آن قانون بوده و لذا بر حسب قانون مالیات راه و العاء عوارض و مالیاتهای بلدی مصوب ۱۹ بهمن ماه ۱۳۰۴ شمسی نسخ شده است

* این قانون بموجب قانون مصوب ۱۰ اسفند ماه ۱۳۱۲ نسخ شده است

ماده ۵ - اعتباراتی که کل یا جزو آن تا درز آخر سنه مالیه موقع خرج پیدا نکرده باشد از بودجه برگشت خواهد کرد همچنین است اعتباراتی که موقع خرج پیدا کرده لیکن کل یا جزو آن در مواعد مقرر تشخیص یا حواله نشده باشد ولی این اعتبارات قسم اخیر را پس از برگشت از بودجه بدوره عمل بعد میتوان انتقال داد.
 مراد از اعتبارات وجوهی است که قبلا برای خرج معینی پیش بینی و تصویب شده باشد.
ماده ۶ - اعتباراتی که برای مخارج يك سنه مالیه معین شده است نباید بصرف مخارج سنه مالیه دیگر برسد.

تیمه بودجه

ماده ۷ - همه ساله هر وزیر باید بودجه مخارج وزارتخانه خود را برای سنه آتی حاضر نموده در ظرف ۳ ماه اول سال بوزارت مالیه بدهد.
ماده ۸ - وزیر مالیه باید تمام این بودجه‌ها را در یک مرکز جمع و بودجه عایدات را نیز بانها ضمیمه کرده بودجه کل دولت را تکمیل و تنظیم نماید.
ماده ۹ - این بودجه کل در اوایل تیمه آخر سال بر حسب دستخط همایونی برای سال بعد پیشنهاد مجلس شورای ملی خواهد شد.

تصویب بودجه

ماده ۱۰ - مجلس شورای ملی لایحه قانونی بودجه کل را در تیمه آخر سال در تحت شور و مباحثه در آورده و منتهی تا یازده روز قبل از عید نوروز تصویب می نماید و پس از آنکه بودجه کل از تصویب مجلس شورای ملی گذشت حکم قانون سالیانه مالیه پیدا می کند.

بودجه عایدات

ماده ۱۱ - هیچ مالیاتی وضع و دریافت نمیشود مگر اینکه مجلس شورای ملی آنرا تصویب و اعلیحضرت همایونی مضاء کرده باشد.
 هیچگونه مالیات مملکتی و عایدات دولتی دریافت نمیشود مگر بدستگیری مباشرین و تخصیبات اران خزانه دولتی و موافق عنوانی که قانونا مقرر شده باشد.
ماده ۱۲ - جز مالیاتی که بموجب قانون سالیانه بودجه تصویب می شود اخذ هرگونه مالیات دولتی دیگر بهر اسم و رسم که باشد ممنوع است عمالیکه امر باخذ این قبیل مالیاتهای متنوعه بدهند و اشخاصیکه فهرست و تعرفه و اسناد آنرا بسازند و کسانی که متصدی وصول آن بشوند

در شمار سارقین اموال دولت محسوب شده و از طرف دولت قانونا تعقیب و مجازات خواهند شد

بودجه مخارج

ماده ۱۳ - وزراء نمیتوانند علاوه بر ماخذ اعتباراتی که درج و بودجه برای آنها منظور شده است خرجی کرده و باعملی را متصدی شوند که موجب خرج خارج از اعتبارات معینه باشد مگر اینکه از طرف مجلس شورای ملی برای ادای آن خرج اعتبارات اضافی داده شده باشد.
ماده ۱۴ - هیچ وزیری نمی تواند بدست آویز محل مخصوص بر میزان اعتبارات اداره خود بیفزاید.

ماده ۱۵ - وزیر مالیه نمی تواند علاوه بر ماخذ اعتبارات هر وزارت خانه تادیه وجهی را اجازه دهد.

ماده ۱۶ - بودجه مخارج با رعایت تقسیم بفصول و مواد پیشنهاد مجلس شورای ملی خواهد شد.

ماده ۱۷ - بودجه هر وزارتخانه ماده باده از طرف مجلس شورای ملی تصویب میشود
ماده ۱۸ - اعتباراتی را که در مواد قانون بودجه معین شده است از یک ماده باده دیگر نمیتوان انتقال داد.

ماده ۱۹ - مخارج راجع بهیئت اجزاء و مأمورین (یرسئل) و اتاتیه هر وزارتخانه باید بکلی ممتاز و منفصل از یکدیگر پیشنهاد شود.

ماده ۲۰ - کلبه حقوق دیوانی بهر اسم و رسم که باشد باید در کتابچه علیحده مرتب شده جزو شعبه دیون عمومی و مستمریات تقاعدی وزارت مالیه باشد.

ماده ۲۱ - شعبه دیون عمومی در مقابل وزارت مالیه مسئول اجرا و تطبیق قوانین متعلقه بحقوق مزبور خواهد بود و هر سال يك حساب سالیانه از اضافات و موضوعات که در عرض آن سال بدفتر کل وارد شده بدفتر محاسبات کل و دیوان محاسبات خواهد داد.

ماده ۲۲ - حقوق مذکور در ماده ۲۰ و ۲۱ پس از طبع و توزیع سال اول در آتیه همه ساله بشرح و جزو در بودجه قلمداد نشده فقط میزان کل آن بانماین تفاوتی که نسبت بسال قبل حاصل شده است درج خواهد کرد.

ماده ۲۳ - تمام معاملات دولتی از خرید و فروتن و اجاره و استیجاز و مقاطعه و غیره باید باطلاع عموم و بترتیب مزایده و مناقصه صورت پذیرد سواى مستثنیاتی که قانون می کند

ماده ۲۴ - در موارد ذیل معاملات دولتی ممکن است بدون اطلاع عموم و ترتیب مزایده و مناقصه صورت بگیرد

(۱) معاملاتی که به ملاحظه صرفه و صلاح دولت باید مستور بماند

(۲) نسبت بخرید اشیائی که منحصر بفرد باشد
(۳) در مورد صنایع مستظرفه و امثال آن که انجام پذیر نخواهد بود مگر بدست صنعت گران مخصوص

(۴) برای اقداماتی که بعنوان امتحان از طرف دولت بعمل میاید
(۵) در معاملات یا اقداماتی که فوریت انجام آن در نزد هیئت دولت ثابت بوده و نتوان منتظر انقضای مدت اعلان عمومی و ترتیب مزایده و مناقصه گردید در اینصورت تا مبلغ پنج هزار تومان فقط بتصویب هیئت وزراء است و علاوه بر آن با تصویب دیوان محاسبات آن معامله انجام خواهد گرفت

ماده ۳۵- معاملاتی که پس از اعلان در ظرف مدت معینه قانونی داوطلبی پیدا نکرده باشد و یا اینکه داوطلبان شرایطی پیشنهاد نمایند که قابل قبول نباشد دولت می تواند آن معامله را با هر کس بخواهد انجام دهد مشروط بر اینکه از احدی که قبلا معین گردیده است تخلف نشود

ماده ۳۶- اعتبارات اضافی منظور نمیشود مگر بموجب قانون مخصوص اعتبارات اضافی بر دو قسم است: فوق العاده و منضمه - اعتبارات فوق العاده اعتباراتی است که پیش بینی آن در قانون بودجه غیر ممکن بوده و برای تأسیسات یا احتیاجات جدیده یا جهت توسعه تأسیسات خارج از حدود قانون بودجه لازم میشود - اعتبارات منضمه اعتباراتی است که برای تکافی مخارج بعضی اموری که در بودجه پیش بینی شده است لازم میشود
ماده ۳۷- قانونی که اعتبارات فوق العاده و منضمه را معین میکند باید محل مخارج آنرا از منابع مخصوص مشخص نماید

ماده ۳۸- در موقع تعطیل مجلس شورای ملی که موافق اصل هشتم قانون اساسی معین میشود اعتبارات منضمه و یا فوق العاده که راجع با احتیاجات جدیده باشد باید پس از مذاکره در مجلس وزراء بر حسب حکم شورای دولتی تصویب شود و تا زمانی که شورای دولتی تأسیس نشده است تصویب دیوان محاسبات کافی خواهد بود در ظرف یکماه اول افتتاح مجلس شورای ملی احکام مزبوره باید پیشنهاد شود تا بتصویب مجلس شورای ملی برسد

ماده ۳۹- هر ماه وزیر مالیه بر حسب مبلغ تقاضا شده سایر وزراء تقسیم وجوهی را که درآمده بد می تواند حواله کند معین نموده بمرض مالو کانه میرساند

تشخیص و حواله مخارج

ماده ۴۰- تشخیص خرجیکه بر خزانه دولت تحمیل میشود فقط راجع بوزراء یا اشخاصی است که از طرف وزراء مخصوصا مجاز باین امر هستند مراد از تشخیص آنست که

میزان بدهی دولت پس از رسیدگی باسناد در برابر هر يك از دائنین معین شود اسناد تشخیص قرض باید حاوی دلایل حقوق دائنین دولت بوده بترتیبی که قواعد مخصوصه هر اداره معین می کند نوشته شده باشد

ماده ۴۱- حواله سندی است که بموجب آن دائن باید طلب تشخیص شده خود را دریافت نماید حواله وزراء بر دو قسم است حواله مستقیم و حواله اعتباری
حواله مستقیم آنست که خود وزراء بلا واسطه در وجه يك یا چندین طلبکار دولت صادر می کنند.

حواله اعتباری سندی است که بموجب آن وزراء یا شخصیکه حواله کنندگان درجه دوم نامیده میشوند از قبیل حکام یا مامورین مخصوص اجازه می دهند تا مبلغ معینی در حق طلبکاران دولت حواله صادر نمایند این حوالجات اخیرا حوالجات ابلاغی مینامند

ماده ۴۲- هیچ خرج دولتی تادیه نخواهد شد مگر اینکه قبلا یکی از وزراء مستقیما آنرا حواله کرده باشد یا اینکه حواله کنندگان درجه دوم بموجب حواله اعتباری وزراء حواله ابلاغی داده باشند

ماده ۴۳- حوالجات وزراء باید بامضای دیوان محاسبات رسیده و مبلغ آن از حدود اعتبارات معینه و تقسیمات ماهیانه خارج نباشد و الا وزیر مالیه آن حواله را امضا نخواهد کرد

ماده ۴۴- وزراء اسناد مطالباتی را که حواله خزانه می کنند بحوالجات مستقیم ضمیمه می نمایند و همچنین حواله کنندگان درجه دوم اسناد را به صورت حوالجات ابلاغی که نزد حواله داران میفرستند منضم خواهند کرد

ماده ۴۵- وزراء خلاصه حواله مستقیم را و حواله کنندگان درجه دوم عین حواله ابلاغی را بطلبکار تسلیم میکنند که بموجب آن طلب خود را از خزانه دریافت دارند

ماده ۴۶- هر خلاصه حواله مستقیم و هر حواله ابلاغی که بموجب حواله اعتباری صادر میشود برای اینکه در یکی از صندوقهای دولتی وجه آن پرداخته شود باید مستند باسنادی باشد که از آن اسناد بطور صحیح و واضح معلوم شود که وجه معینی برعهده دولت بوده و پرداخت آن حواله ذمه دولتر کلا باجزه اذین مزبور بری خواهد ساخت

ماده ۴۷- تعیین اسناد مذکور در ماده فوق بسته بقرار داد وزیر مالیه یا هر يك از وزراءست که نسبت بانواع شعبات امور اسناد لازمه را در يك فهرست معین می کنند با ملاحظه شرایط ذیل:

(اولا) از باب مخارج اجزاء از قبیل مواجب و مزد و حق الرجعه صورتی از اسامی آنها که مطالب ذیل را دارا باشد:

(الف) رتبه یا شغل

(ب) خدمتیکه کرده است

(ج) مدت خدمت

(د) حقوقیکه بموجب قوانین یا نظامنامه یا احکام برقرار است

(ه) کسوراتیکه بموجب قانون یا نظامنامه یا احکام باید موضوع شود

ثانیا از بابت مخارج اثاثیه از قبیل خرید و اجاره اموال منقوله و غیر منقوله و خرید مواد ضروریه معیشت و مخارج بنائی و نگهداری و مرمت کاری عمارات و استحکامات نظامی (قلمه و برج و بارو) و طرق و شوارع و مخارج ساخت و مرمت و مواظبت اموال منقوله و غیر منقوله

(الف) سواد یا خلاصه مصدق از فرامین و احکام وزراء و قبالجات فروش و اجاره نامه و قراردادها

(ب) شرح اشیائی که تحویل شده و حسابهای که قطع شده و شرح تشخیص طلب در این مشروحه باید کاری که انجام شده و وجهی که بر ذمه دولت است معین گردد

تادیه مخارج

ماده ۳۸ - وزیر مالیه باید مراقب باشد که هر حواله مستقیم و اعتباریکه در حدود بودجه بوده و با اعضای دیوان محاسبات رسیده باشد و همچنین هر حواله ابلاغیکه در حدود حواله اعتباری باشد در همان موعد و محلیکه از جانب حواله کننده معین شده است کارسازی شود

ماده ۳۹ - تحویلداران نمی توانند وجهی را که بصندوق آنها حواله شده نیردازند مگر وقتی که بر خود آنها محقق شود در اسناد عیب و نقصی بوده و یا صحت قبوض مشکوک باشد و یا اینکه کار و خدمتی که وجه در ازاء آن داده میشود هنوز محقق نشده است و یا اینکه از حدود اعتبارات معینه یا تقسیمات ماهیانه متجاوز شده باشد

ماده ۴۰ - در صورت عدم قبول حواله مستقیم یا ابلاغی تحویلدار مکلف است که ملاحظات خود را کتبا به آورنده حواله بدهد و همانروز سوادى از ملاحظات مکتوبه برای وزیر مالیه بفرستد تا وزیر مشار الیه بلافاصله با وزیریکه حواله راجع با اداره اوست مذاکره نماید.

(محاسبات وزراء)

ماده ۴۱ - وزراء در آخر هر سنه مالیه حسابهای خود را باید مطابق مواد ذیل بطبع رسانیده بنمایندگان توزیع و در خارج منتشر نمایند:

(۱) حساب مخارج

(۲) حساب عایدات

(۳) محاسبات کل مالیه

حساب مخارج

ماده ۴۲ - در اول هر سال هر يك از وزراء صورتی از مخارج دوره عملی منقضیه وزارتخانه خود ترتیب میدهند این حساب شامل كافة عملیاتی خواهد بود که از افتتاح تا اختتام دوره بعمل آمده است و مطاب ذیل در آن مندرج خواهد بود:

(۱) اعتبارات معینه

(۲) مخارجی که از بابت حقوق دائنین دولت موقع خرج پیدا کرده است

(۳) وجوهی که بموجب حواله پرداخته شده است

(۴) تنمیه مخارج که باید پرداخته شود

(۵) فاضل اعتبارات بر مخارج

(۶) اعتباریکه کل یا جزو آن مصرف نشده و باید برگشت و یا بسال بعد منتقل شود

مطابق ماده (۵)

(۷) مقایسه مخارج مشروحه در فصول و مواد بودجه دوره عمل گذشته یا مخارج مشروحه در فصول و مواد بودجه دوره قبل از آن و تعیین اختلاف یا ذکر سبب آن

(۸) اعتبارات قطعی دوره عمل

ماده ۴۳ - حسابهای دوره عمل وزراء باید بیک نمط و از روی یک قاعده ترتیب شده و عین تقسیمات فصول و مواد بودجه را بشمارد

حساب عایدات

ماده ۴۴ - وزیر مالیه علاوه بر صورت مخارج وزارت مالیه که مطابق دو ماده فوق مندرج سایر وزراء ترتیب میدهد صورت کلیه عایدات دولتی را که حاری فقرات ذیل میباشد از بابت دوره عمل گذشته مرتب مینماید

(۱) تخمین عایدات

(۲) حقوق تحقیقی دولت از بابت عایدات و مالیات عمومی

(۳) وجوهیکه وصول شده است

(۴) تنمیه عایدات که باید وصول شود - وجوهیکه از بابت عایدات دوره عمل گذشته وصول میشود باید در جزو عایدات دوره عمل جاریه محسوب شود

(محاسبات کل مالیه)

ماده ۴۵ - وزیر مالیه در اول هر سنه مالیه صورت محاسبات کل سنه ماضیه را تهیه نموده منتهی تا چهار ماه از سال گذشته بمنجاس شورای ملی و دیوان محاسبات تقدیم مینماید

این حساب که مبنای اصلی لایحه قانونی تفریح بودجه خواهد بود باید شامل تمام عملیات راجعه بوصول و مصرف وجوه دولتی و حاکی از کیفیت امور عایدات و مخارج از اول سال تا آخر سال بوده باشد مستند این حساب مواد مشروحه ذیل است :

(اولاً) حساب مالیات و عایدات عمومی

- این حساب بترتیب سال و دوره عمل و اقسام عایدات باید فقرات ذیل را حاوی باشد
- (الف) حقوق تحقیقی دولت
- (ب) وجوهیکه از این بابت وصول شده است
- (ج) بقیه وجوهیکه باید وصول شود

(ثانیاً) حساب مخارج عمومی

- این حساب باید به نسبت سال و دوره عمل و وزارتخانه و فصول و مواد مراتب ذیل را تعیین کند
- (الف) حقوق ثابت دائن دولت که درازای خدمات انجام یافته عرض سال است
- (ب) وجوهیکه از بابت این حقوق پرداخته شده است
- (ج) تمه مخارجی که باید پرداخته شود

(ثالثاً) حساب خزانه

- این حساب باید مسائل ذیل را متضمن باشد :
- (الف) وجوهی که مابین تحویلداران دولت رد و پندل میشود
- (ب) صدور و استرداد تمسکات خزانه که بوعده است - مستند این حساب صورت مطالبات و دیون اداره مالیه و صورت قروض جاریه دولت خواهد بود

(رابعاً) حساب بودجه ها

- این حساب عبارت است از يك صورتیکه کیفیت قطعی و تحقیقی دوره عمل منقضیه و کیفیت تقریبی دوره عمل جاریه در آن مصرح باشد در این حساب باید از یکطرف در جز بودجه عایدات میان عایدات تخمینی و حقوق تحقیقی دولت با وجوهیکه از این بابت وصول شده است از طرف دیگر در جز بودجه مخارج میان اعتبارات و حقوق تحقیقی دائن دولت با وجوهیکه بموجب حواله و ابلاغ وزراء پرداخته شده است مقایسه بعمل آید
- ماده ۴۶** - وزیر مالیه صورتیکه جامع فقرات ذیل باشد همه ساله تهیه نموده طبع و نشر میسازد

(الف) صورت تمام اموال غیر منقوله دولت که مخصوص يك اداره دولتی یا تاسیسات عمومی است

(ب) صورت تمام اموال غیر منقوله دولتی که مخصوص يك اداره دولتی یا تاسیسات عمومی نیست

(ج) شرح تغییراتی که در عرض سال در املاک سابق الذکر بهم میرسد
ماده ۴۷ - صورت مذکور در ماده قبل (۴۶) بضمیمه صورت کلیه اموال منقوله دولتی همه ساله بعد از طبع و نشر به مجلس شورای ملی تقدیم میشود .

رسیدگی و تفتیش اداری حسابهای وزارتخانهها

ماده ۴۸ - حسابهاییکه از طرف وزراء طبع و نشر میشود با حسابهای کل مالیه مقابل و تفتیش خواهد شد

ماده ۴۹ - وزیر مالیه در آخر هر سال باید تشکیل يك کمیسیون دوازده نفری که مرکب خواهد بود از شش نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی سه نفر از سنا و سه نفر از دیوان محاسبات از حضور همایونی استدعا نماید - تکلیف کمیسیون مزبور به قرار ذیل است :
 (ادلا) بستن و ختم نمودن روزنامه و دفتر کل وزارت مالیه در آخر سال
 (ثانیاً) مطابقه نمودن حسابهای دخل و خرج که وزراء طبع کرده اند با دفاتر محاسبات هر کزی هر يك از وزارتخانهها .

(ثالثاً) مطابقه کردن صورت محاسبات کل مالیه با دفتر کل وزارت مالیه
 (رابعاً) رسیدگی بدفتر کل محاسبات بوسائلی که در دست است از قبیل مقابله دفتر مزبور با روزنامه و سایر دفاتر اداره محاسبات کل و با نتیجه حساب محاسبین جزو .
 (خامساً) نوشتن صورت مجلسی که حاکی کیفیت امر بوده و باید طبع و به وزیر مالیه و مجلس شورای ملی داده شود

ماده ۵۰ - دیوان محاسبات مأموریت دارد که در باره محاسبات مخارج و عایدات عمومی که هر سال صاحبان جمع نقدی به دیوان مزبور می دهند موافق قانون دیوان محاسبات رسیدگی و حکم نماید

ماده ۵۱ - دیوان محاسبات از روی اسناد و حساب هائی که صاحبان جمع میدهند به حساب های وزیر مالیه و سایر وزراء رسیدگی نموده و در ضمن راپورتیکه به مجلس شورای ملی تقدیم مینماید مطابقت حسابهای وزراء را با بودجه که از مجلس گذشته است تصریح نموده و نیز در راپورت مزبور معاینی که در محاسبات مشاهده نموده و اصلاحاتی که نظر میآورد پیشنهاد مینماید

تفریح بودجه

ماده ۵۳ - تفریح بودجه بموجب لایحه قانونی است که وزیر مالیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد میکند

ماده ۵۳ - موقع پیشنهاد کردن لایحه قانونی تفریح بودجه از روز ختم دوره عمل منتهی تا پانزده ماه بعد خواهد بود

ماده ۵۴ - لایحه مزبوره باید شامل صورت قطعی تمام اعتبارات و عایدات و مخارج دوره منقضیه بوده و نتیجه قطعی معاملات کل بودجه آنرا تصریح نماید و مستند آن صورت های ذیل است

- (۱) صورت حساب های وزراء و حساب کل مالیه
- (۲) صورت مجلس کمیسیون تفتیش
- (۳) رایزرت سالیانه دیوان محاسبات

ماده ۵۵ - لایحه قانونی تفریح بودجه با رعایت تقسیمات بقصول و مواد پیشنهاد مجلس شورای ملی خواهد شد

تعیین عایدات

ماده ۵۶ - صورتیکه در تحت عنوان عایدات بلاایحه قانونی راجعه به تفریح معاملات هر دوره عمل منضم خواهند شد مواد ذیل را ناطق می باشد

- (۱) بر آورد عایدات
- (۲) حقوق ثابت از بابت مالیات و عایدات عمومی
- (۳) وجوهانی که وصول شده است
- (۴) تمه عایدات که باید وصول شود

تعیین مخارج

ماده ۵۷ - صورتی که در تحت عنوان مخارج با رعایت تقسیمات بقصول و مواد بلاایحه قانونی راجعه بتفریح معاملات هر دوره عمل ضمیمه خواهد شد مراتب ذیل را مصرح می باشد

- (۱) اعتبارات معینه
- (۲) حقوق ثابته داتین دولت
- (۳) وجوه پرداخته شده
- (۴) تمه مخارجی که باید پرداخته شود

قانون

دیوان محاسبات

مصوب ۲۳ صفر ۱۳۲۹ قمری

بند اول - در تاسیس و تشکیل دیوان محاسبات

ماده ۱ - محل دیوان محاسبات در پایتخت مملکت است

ماده ۲ - دیوان محاسبات مرکب است از یک رئیس کل و سه نفر رئیس محکمه و شش نفر مستشار و دو از ده نفر ممیز

ماده ۳ - دیوان محاسبات دارای سه محکمه است که هر یک مرکب می باشد از یک رئیس و دو نفر مستشار

ماده ۴ - برای دیوان محاسبات یک نفر مدعی العموم و یک نفر دفتر دار کل بترتیبی که ذکر خواهد شد معین میشود - رئیس کل و مدعی العموم و دفتر دار کل اختصاص بهیچ محکمه ندارند و در هر یک از محاکم اولی سمت ریاست و دومی سمت وکالت عمومی و سومی برای هر نوع تحریرات می تواند حاضر شود .

ماده ۵ - تحریرات و نگارشات دیوان محاسبات از قبیل مراسلات صادره و نوشتن صورت مجالس محاکم و مجالس عمومی و یاد داشت های لازمه و همچنین ضبط دفاتر دیوان محاسبات و دفاتر مذاکرات و اصل احکام و صورت حسابها و هر نوع اسناد راجعه بآن و اسناد خرج و دادن سواد مصدق احکام و صورت های مطابق با اصل بمعهده اداره دفتر داری کل است

ماده ۶ - مجالس عمومی در مواقع لازمه از رؤساء و اعضاء محاکم علاوه بر تحت ریاست رئیس کل و وکالت عمومی مدعی العموم تشکیل میشود - تحریرات مجالس عمومی بمعهده دفتر دار کل است .

ماده ۷ - عده اعضاء هر یک از محاکم در موقع محاکمه و دادن رای نباید کمتر از سه نفر باشد و چنانچه کمتر باشد رئیس کل باید یکی از مستشاران محکمه دیگر را ضمیمه اعضاء آن محکمه نماید و هر گاه کلبه محاکم مشغول کار باشند بکنفر از ممیزین که مرجع رسیدگی آن کار نبوده ضمیمه خواهد شد

ماده ۸ - در مجالس عمومی اگر عده اعضاء غیر از مدعی العموم از هفت نفر کمتر باشد مذاکرات معتبر نخواهد بود

ماده ۹ - در محاکم و مجالس عمومی عده رای دهندگان باید فرد باشد و اگر زوج

* این قانون بموجب قانون مصوب ۲۴ دیماه ۱۳۱۲ نسخ شده است

شود رئیس کل بکنفر از هم‌میزین را بترتیبی که در ماده (۷) ذکر شد ضمیمه خواهد کرد واحکام با اکثریت آراء صادر میشود.

ماده ۱۰ - درموقع غیبت رئیس کل یکی از رؤسای محاکم که مدت خدمتش بیشتر است قائم مقام او میشود و درصورت تساوی مدت خدمت مابین رؤسای محاکم مسن ترین آنها قائم مقام رئیس کل میشوند.

ماده ۱۱ - در موقع غیبت رؤسای محاکم یکی از مستشاران که اقدم درخدمت است بجای او مقرر خواهد شد و درصورت تساوی خدمت مابین مستشاران مسن ترین آنها قائم مقام میشود.

ماده ۱۲ - انتخاب اعضای دیوان محاسبات موافق اصل (۱۰۱) قانون اساسی مورخ (۲۵) شعبان (۱۳۲۵) از وظایف مجلس شورای ملی است و درموقع انتخاب وزیر مالیه عده که کمتر از دوماوی عده که باید انتخاب شود نباشد بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید و مجلس میتواند عده لازم را از میان آن اشخاص یا از خارج انتخاب کند و باید آن اشخاص دارای شروط مقرر در ماده (۲۲) باشند.

ماده ۱۳ - مجلس شورای ملی درموقع انتخاب اعضای دیوان محاسبات ابتدا یک نفر برای ریاست کل و سه نفر برای ریاست محاکم با اکثریت نامه و هیجده نفر دیگر بسمت عضویت دیوان محاسبات با اکثریت نسبی انتخاب مینماید و این بیست و دو نفر از میان هیجده نفر اعضای شش نفر را با اکثریت نامه برای مستشاری انتخاب میکنند مابقی اعضای سمت همیزی خواهند داشت انتخاب رئیس کل فردی و سایر جمعی خواهد بود. در مورد انتخابات فوق هر گاه دو مرتبه اکثریت نامه حاصل نشد در مرتبه ثالث اکثریت نسبی کافی است.

ماده ۱۴ - همه ساله يك خمس از اعضاء دیوان محاسبات بطریق ذیل منفصل و عوض آنها انتخاب میشوند از ابتدای سال دوم تا اول سال پنجم هر سال يك خمس از اعضاء دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی بطور قرعه از شغل خود منفصل و عوض آنها را بترتیبی که در ماده (۱۲ و ۱۳) ذکر شد انتخاب مینماید و این قرعه در ظرف مدت مذکور بین اعضای کشیده میشود که در ابتداء انتخاب شده اند و در اول سال ششم قسمتی که از منتخبین سال اول باقی مانده طبعاً منفصل خواهند بود و از ابتدای سال هفتم ببعده همه ساله آن قسمت که پنج سال تمام داخل کار بوده اند از خدمت منفصل و عوض آنها انتخاب جدید بعمل میاید اعضای منفصله را میتوان مجدداً انتخاب کرد.

ماده ۱۵ - تعیین مدعی العموم از طرف دولت و بموجب فرمان همايونی خواهد بود
ماده ۱۶ - وزیر مالیه همه ساله اسامی اعضای را که پنج سال خدمت کرده و طبعاً منفصل خواهند شد بضمیمه اسامی اشخاصی که لایق انتخاب میدانند قبلاً بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید.

ماده ۱۷ - انتخاب دفتر دار کل با اکثریت نامه با دیوان محاسبات است سایر اجزاء دفتر را دفتر دار کل معین نموده و با تصویب رئیس کل بشغل خود بر قرار می گردند و مسائل راجعه بترقیع رتبه و عزل آنها باظهار دفتر دار کل و تصویب رئیس کل خواهد بود.

ماده ۱۸ - وزیر مالیه در صورت لزوم يك یا دو نفر و اكیل عمومی تصویب و با فرمان همايونی منصوب خواهند شد.

ماده ۱۹ - رئیس و اعضاء و اجزاء دیوان محاسبات باید قبل از شروع بکار در مجلس عمومی دیوان محاسبات قسم یاد کنند که از روی صحت و درستی بوظایف خود عمل نموده و نسبت بدولت و ملت خیانت نخواهند کرد.

ماده ۲۰ - مسائل راجعه بمنزل اعضاء دیوان محاسبات بتقاضای وزیر مالیه یا رئیس کل دیوان محاسبات با حضور اعضاء تمام محاکم مذاکره و اخذ رأی شده بتوسط وزیر مالیه به مجلس شورای ملی پیشنهاد و کسب تکلیف میشود در ایام تعطیل مجلس شورای ملی اگر عضوی قابل عزل شد موقتاً از کار خارج میشود تا پس از افتتاح مجلس شورای ملی تکلیف او معلوم شود.

ماده ۲۱ - مواجب اعضاء دیوان محاسبات و دفتر دار کل و مدعی العموم در فهرستی که ضمیمه این قانون است معین و با حقوق سایر اجزاء و مستخدمین دیوان محاسبات که عده آنها در نظامنامه داخلی معین میشود همه ساله جزو بودجه وزارت مالیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد میشود.

ماده ۲۲ - شرایط انتخاب شدن برای عضویت دیوان محاسبات بقرار ذیل است:

(۱) تبعیت ایران

(۲) سن سی لا اقل برای تمام اعضاء.

(۳) شرایط عمومی که برای کلیه مستخدمین ادارت دولتی معین میشود.

ماده ۲۳ - اشخاص ذیل از عضویت دیوان محاسبات محرومند مگر در صورتی که پس از قبول عضویت دیوان مزبور از شغل خود استعفا دهند.

(۱) کسانی که دارای شغل دولتی بوده و با متصدی یکی از معاملات دولتی باشند.

(۲) نمایندگان مجلس شورای ملی و سنا و اعضاء انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی.

ماده ۲۴ - اعضاء دیوان محاسبات که در زمان تعطیل مجلس شورای ملی مدت خدمتشان منقضی میشود باید بشغل خود باقی باشند تا وقتی که مجلس شورای ملی افتتاح شده و پس از آن مطابق ماده (۱۴) عمل شود.

ماده ۲۵ - هر يك از اعضاء که مستعفی یا متوفی یا معزول می شوند عوض آن را به ترتیبی که در ماده (۱۲) ذکر شد مجلس شورای ملی انتخاب مینماید ابتدای خدمت اعضای که بجای اعضاء مستعفی یا متوفی یا معزول انتخاب میشوند از ابتدای تاریخ انتخاب عضو مستعفی

با متوفی یا معزول حساب میشود.

ماده ۳۶ - هر ساله رئیس کل مستشار هر محکمه را بترتیبی بمحکمه دیگر انتقال خواهد داد که دو مستشار دو سال متوالی در یک محکمه نمانند.

ماده ۳۷ - مدعی العموم ساعی و مواظب خواهد بود که در هر موقع مراسم قانونی رعایت شود و در صورت مشاهده تخلف مراتب را برباست کل اطلاع داده اصلاح آنرا درخواست خواهد کرد.

ماده ۳۸ - هر گاه مجاکم دیوان محاسبات از انعقاد جلسات اهمال نمایند یا بتکالیف خود عمل نکنند یا از دائره نظم خارج شوند رئیس کل یا آنها اخطار خواهد کرد و در صورت لزوم میتواند بمجلس عمومی رجوع نماید مدعی العموم هم در موارد فرق حق دارد مراتب را بر رئیس کل اطلاع داده تشکیل مجلس عمومی را بتقاضا نماید.

ماده ۳۹ - در مواردیکه مجلس عمومی مطابق مواد فوق برای رسیدگی بشکایات تشکیل میشود رأی برتی از اعتراضاتیکه شده و نتیجه قرار داد مجلس بتوسط وزیر مالیه بمجلس شورای ملی داده خواهد شد.

ماده ۴۰ - در صورتی که اعضاء دیوان محاسبات در اجرای تکالیف خود اهمال ورزند یا اعمالی از ایشان مشاهده شود که با وظایف آنها منافات دارد مجلس عمومی دیوان محاسبات حق مواخذة و انفصال موقتی و عزل رانست بانها دارد ولی در صورت عزل موافق ماده (۲۰) رفتار خواهد شد.

ماده ۴۱ - درجات مؤاخذة را مجلس عمومی دیوان محاسبات در نظامنامه داخلی دیوان معین خواهد کرد این درجات از دفعه ثانی ببعد مستلزم کسر مقداری از مقرری ماهیانه خواهد بود که حد اقل آن یک سلس واحد اکثر آن نصف مقرری مزبور باشد.

ماده ۴۲ - ممبرینی که در انجام امور کوتاهی می نمایند رئیس کل حق مؤاخذة از آنها خواهد داشت و در صورت تکرار باحضور رؤسای مجاکم بازخواست خواهد شد.

ماده ۴۳ - اعضایی که موقتاً منفصل می شوند در مدت انفصال حق مقرری ندارند.

ماده ۴۴ - اعضاء دیوان محاسبات در هیچیک از معاملات دولتی نباید دخالت نموده یا واسطه واقع شوند.

ماده ۴۵ - مرخصی اعضاء دیوان محاسبات تا سه روز با اجازه رئیس کل خواهد بود علاوه بر آن بسته با اجازه مجلس عمومی است و این در صورتی است که رئیس کل و مدعی العموم تصدیق بدهند که غیبت عضویکه مرخصی میخواهد باعث نکت کار نخواهد شد.

ماده ۴۶ - اجازه مرخصی به بیش از یک تلت اعضاء دیوان محاسبات داده نخواهد شد.

بند دوم

حدود و وظایف دیوان محاسبات

فصل اول

در کلیات وظایف دیوان محاسبات

ماده ۳۷ - دیوان محاسبات موافق قوانین و قواعد مقررہ در کابیه عایدات و مخارج و اموال دولت نظارت و تفتیش مینماید.

ماده ۳۸ - پس از وضع قانونی برای تضمین صاحبان جمع دیوان محاسبات مراقب خواهد بود که صاحبان جمع مطابق شرایط مقررہ تضمین شوند.

ماده ۳۹ - دیوان محاسبات حسابهای وزارتخانه هارا بترتیبی که در فصل (۴) ذکر می شود رسیدگی کرده در صورت صحت تصدیق نامه مطابقت می دهد و در باره اشخاصی که نقود دولتی و با اجناسی را که در حکم نقد است متصدی می باشند و باید حساب خود را بدیوان محاسبات بدهند رسیدگی کرده وحکم میدهد.

ماده ۴۰ - دیوان محاسبات همه ساله بکلیه حسابهای بانکها و کمیابانی های داخلی و خارجه و اشخاصی که دارای امتیاز بوده و باید حقی بدولت بدهند رسیدگی و تفتیش مینماید.

ماده ۴۱ - دیوان محاسبات می تواند ازوزراء و ادارات وعمال آن هاهر نوع اطلاع و استادیکه متعلق بمادرات و مخارج دولت است و نوشتجات و توضیحاتیکه لازم دارد بخواهد و میتواند مستقیماً با آنها مکاتبه نماید.

ماده ۴۲ - اگر دیوان محاسبات در ضمن اجرای وظایف خود نقصی در اجرای قوانین و نظامنامههای ادارات دولتی راجع باهوز مالیه مشاهده کند بوزارت خانه متبوعه آن اداره اخطار مینماید.

فصل دوم - در تفتیش مخارج

ماده ۴۳ - کابیه احکام راجعه بمعاملات و امتیازات و تصویب مخارج و نصب و تعیین و ترفیع رتبه و نقل و تبدیل هامورین دولتی که موجب تولید خرج میشود و برقراری مواجب و مستمری و انفال آن که برخزانة دولت تحمیل می شود باید تماماً در دیوان محاسبات ثبت و تسجیل گردد.

ماده ۴۴ - در صورتی که فرامین و احکام مذکورہ در ماده فوق در دیوان محاسبات

تسجیل نشده باشد دیوان مذکور باید در موقع دادن راپورت سالیانه صورت علیحده هم از خارجگی که فرامین واحکام تسجیل نشده بودجه دولت تحمیل مینماید خارج نویس کرده بلاجه قانونی تفریح بودجه و راپورت سالیانه منضم نماید

ماده ۴۵ - هرگاه دیوان محاسبات در یکی از احکام و فرامین که با پیشنهاد میشود تبیینی باقوانین و نظامات موضوعه ملاحظه نماید پس از مذاکره از ثبت آن امتناع کرده و دلایل خود را بتوسط رئیس کل بوزارتخانه که مرجع آنها است ارسال میدارد در صورتیکه وزارتخانه مذکوره بدلائل دیوان محاسبات متقاعد نشد باید صورت مزبور را بمجلس وزراء پیشنهاد کند و هرگاه مجلس وزراء هم مقصود وزارتخانه مربوطه را تقویت کرد بدیوان محاسبات تکلیف مینماید که در آن تجدید نظر کند و در این صورت اگر دیوان محاسبات بعقیده اولیه خود باقی بماند احکام یا فرامین باقید احتیاط تسجیل نموده و بلافاصله راپورت آن را بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد

ماده ۴۶ - مسئولیت وزراء بانسجیل دیوان محاسبات مرتفع نمیشود.

ماده ۴۷ - حوالجات مستقیم و اعتباری باید بضمیمه اسناد آن بدیوان محاسبات ارائه و حواله مزبوره تسجیل شود موافقی را که حوالجات بعد از تادیه باید تسجیل شود قانون معین خواهد نمود.

ماده ۴۸ - دیوان محاسبات میتواند در مرکز مستقیما و خارج از مرکز بتوسط انجمنهای ایالتی و ولایتی یا مورین محلی و یا بتوسط اداره تفتیش که قانونا مقرر میشود در مخارج دولتی تفتیشات بعمل آورد.

ماده ۴۹ - دیوان محاسبات باید مراقب باشد که مخارج از بودجه مصوبه تجاوز نکند و انتقالات غیر قانونی در آن بعمل نیاید و تادیه وجوه بر وفق قوانین و نظامات مقرر باشد.

فصل سوم - در نظارت در دریافت عایدات

و اموال قندی و جنسی دولت

ماده ۵۰ - وزراء همه ساله صورتهای دریافت و پرداخت وجوهی را که در امتداد دوره عمل بتوسط مامورین دولت بعمل آمده است پس از رسیدگی در ادارات خود بدیوان محاسبات میفرستند.

ماده ۵۱ - حساب صندوق تحویلداران دولتی با تعیین کلیه موجودی صندوق اعم از نقود و اسناد و کیفیت آن اسناد در آخر هر سال تقدیم دیوان محاسبات میشود

ماده ۵۲ - راپرتهای مفتشین و سایر کارکنان دولت که مامور گرفتن حساب هستند و بجایهای لازم میدهند بدیوان محاسبات داده خواهد شد و همچنین را برتهائیکه ادارات

مختلفه بوزارت مالیه داده و حساب عایدات سالیانه را تصریح و محل ضل حساب را تعیین میکنند بدیوان محاسبات داده خواهد شد.

ماده ۵۳ - راپرتهائیکه راجع بوارذات و صادرات و موجودی و رسیدگی ابارها و مخازن دولتی است و نیز راپورت های راجعه بتمام معاملات قندی و جنسی صاحبان جمع بدیوان محاسبات تسلیم میشود.

فصل چهارم - در معاینه و رسیدگی بحسابهای وزراء

ماده ۵۴ - صورت حسابیکه هر يك از وزراء در آخر هر دوره عمل باید بدهند با محاسبات کل مالیه قبل از پیشنهاد بمجلس شورای ملی بتوسط وزیر مالیه بدیوان محاسبات داده خواهد شد

ماده ۵۵ - دیوان محاسبات حساب وزراء را با محاسبات کل مالیه رسیدگی کرده حاصل هر دو را جمعا و خرجا یا یکدیگر مقابله و مطابقت آنها را با قوانین بودجه تفتیش و تحقیق مینماید و از طرف دیگر نتیجه کلیات و جزئیات حسابهای مزبوره را با حسابهای صاحبان جمع که موافق ماده (۶۱) بدیوان محاسبات تسلیم میشود مقایسه کرده و معلوم میکند که موافقت دارد یا ندارد و در موافقی که لازم داند ریز حساب و اصل صورت حسابها را رسیدگی کرده هر گونه سندی برای اینکار لازم داشته باشد از مقامات لازمه میخواهد و پس از رسیدگی تصدیقنامه مطابقت که در ماده (۳۹) قید شده است میدهد.

ماده ۵۶ - دیوان محاسبات حساب هائی را که رسیدگی کرده بانضمام صورت مذاکره خود بوزارت مالیه میفرستد.

ماده ۵۷ - راپورتیکه در خصوص فقرات ذیل نوشته خواهد شد بصورت مذاکرات ماده فوق ضمیمه شده با لایحه قانونی تفریح بودجه بمجلس شورای ملی پیشنهاد میشود.

(۱) ملاحظات دیوان محاسبات در باب اینکه ادارات مختلفه دولتی چگونه قواعد اداری راجعه بمالیه خود را مجری داشته اند.

(۲) تغییرات و اصطلاحاتیکه برای تکمیل قوانین و نظامنامه های مالیه اداری و قواعد محاسبیه وجوه دولتی منضمی میداند.

ماده ۵۸ - رسیدگی و تصدیق حسابهای وزارتخانهها و محاسبات کل مالیه و مذاکرات راجعه بلاجه قانونی تفریح بودجه و به راپورت مذکور در ماده (۵۷) باید در مجلس عمومی دیوان محاسبات واقع شود.

فصل پنجم - در محاکمه محاسبات

ماده ۵۹ - دیوان محاسبات در باره حسابهای صاحبان جمع قندی دولت و اجناسی که

در حکم نفوذ است و حساب کار گزاران دیوانی که مأمور یا متصدی دریافت و پرداخت و محافظه وجوه دولتی هستند رسیدگی کرده و حکم میدهد و نیز در ماده حسابهای خزانه داران و مأمورین سایر تاسیسات عمومی که رسیدگی آن را قانون مجول بدیوان محاسبات کرده باشد حکم خواهد داد و نسبت به حساب صاحبان جمع اموال دولت رسیدگی کرده و تصدیق می دهد .

ماده ۶۰ -- احکام دیوان محاسبات در مورد حسابهای مذکور بدون استیناف خواهد بود .

ماده ۶۱ - صاحبان جمع و مأمورین مذکور در ماده (۵۹) باید صورت حساب های هر سه ماهه را تا دو ماه از سال بعد بدیوان محاسبات تسلیم نمایند .

ماده ۶۲ - در موارد ذیل دیوان محاسبات رأساً حکم به تسلیم صورت حساب خواهد کرد .

- (۱) در صورتیکه در مواعد معینه صاحب جمع صورت حساب را تسلیم نکرده باشد .
- (۲) در موقع انفصال صاحب جمعی از مأموریت خود .
- (۳) وقتی که در یکی از ادارات تشخیص داده می شود که صندوق صاحب جمع کسری پیدا شده است

در هر يك از این سه مرقع مدتیکه باید در ظرف آن صورت حساب تسلیم شود در حکم دیوان محاسبات معین خواهد شد و حکم مذکور با اهتمام مدعی العموم و بتوسط اداره متبوعه صاحب جمع بمشار الیه ابلاغ میشود .

ماده ۶۳ - هر گاه مدتی که از طرف دیوان محاسبات معین شده منقضی شود و صاحب جمع مزبور صورت حساب را تسلیم ننماید دیوان محاسبات میتواند بجرم این امر نماید تا هیاتی که از نصف مراجع و مدد معاش سالیانه و یا حق الجماله او متجاوز نباشد از مقرری آن صاحب جمع کسر شود و نیز میتواند نسبت باهمیت موقع انفصال موقتی و یا عزل دائمی او را از وزارتخانه متبوعه اش بخواهد این تشبیهات با شرایط نظارت و ریاستی که ادا ذات دولتی نسبت بمأمورین خود دارند منافات نخواهد داشت اگر چنانچه صاحب جمع بلز هم از ارائه حساب امتناع نماید به حکم دیوان محاسبات حساب صاحب جمع با اهتمام مدعی العموم هرب بدیوان محاسبات تسلیم می شود که پس از رسیدگی در باره آن حکم صادر کننده نوع مخارجی که از این بابت حاصل شود بمهده صاحب جمع است .

ماده ۶۴ - در موقع رسیدگی بحساب صاحب جمعی اگر دیوان محاسبات نظرانی داشته باشد بتوسط اداره متبوعه او موافق شرایطی که در فصل راجعه باصول محاکمات مقرر است بمحل اقامتش یا محلی که در یا بنیخت اختیار کرده ابلاغ خواهد شد مشار الیه میتواند مطابق قواعدی که در فصل مزبور مذکور است در ظرف پانزده روز از تاریخ ابلاغ حکم ملاحظاتی خود را تقدیم نماید

ماده ۶۵ - دیوان محاسبات پس از رسیدگی بحساب در باب نتیجه آن حکم صادر می کند

ماده ۶۶ - مدعی العموم حق دارد از هر حسابی اطلاع بپرسد .

ماده ۶۷ - صاحب جمع مزبور میتواند از تاریخ ابلاغ حکم تا پانزده روز مستقیماً یا به توسط اداره متبوعه خود بر حکم مزبور اعتراض نماید اگر محکومیت آن شخص راجع بقسمتهائی از حساب باشد که موافق ماده (۶۴) نظرات کتبی در آن باب برای او فرستاده شده است و در ظرف پانزده روز مقرر در ماده (۶۴) ملاحظاتی خود را در مقابل آن نظرات اقامه نکرده این اعتراض قبول نخواهد بود حکمی که از طرف دیوان محاسبات در باب قبول یا رد اعتراض صادر میشود مانع اجرای حکم اولی نخواهد بود مگر در صورتی که قبل از صدور حکم ثانوی دیوان محاسبات حکم بر توقیف اجرا نماید و در چنین موقع باید عقیده مدعی العموم خواسته شود .

ماده ۶۸ - هر گاه دیوان محاسبات در ضمن رسیدگی حساب تقاب و خیانتی مشاهده کند مطلب را بتوسط مدعی العموم دیوان محاسبات به مدعی العموم وزارت عدلیه و وزارت متبوعه صاحب جمع برای اینکه موافق قوانین معموله سیاست شود ابلاغ مینماید و در چنین موقع باید عقیده مدعی العموم نیز خواسته شود .

ماده ۶۹ - محاکمات راجعه بحساب در دیوان محاسبات عانی است .

ماده ۷۰ - احکام دیوان محاسبات بطریق فوق الماده در تحت دو عنوان ممکن است طرف ایراد واقع شود

(۱) بعنوان نقض حکم

(۲) بعنوان تجدید نظر

اقدام بدو وسیله فوق ممکن است هم از طرف صاحب جمع و هم از طرف مدعی العموم بعمل آید اعمال بهر يك از دو وسیله فوق موجب توقیف احکام اصلی نمیشود مهات تقاضای نقض از تاریخ ابلاغ رسمی حکم بصاحب جمع تا یکماه است

ماده ۷۱ - تقاضای نقض حکم فقط در مواردی است که ادعا شود بر اینکه دیوان محاسبات از حدود اختیارات خود تجاوز کرده و یا مرجعیت این کار را نداشته و یا آنکه قانون را از روی صحت تفسیر نکرده است و یا از اصول محاکمات تخلف نموده و این تخلف بدرجه اهمیت داشته باشد که نتوان حکم صادر را حکم قانونی دیوان محاسبات محسوب داشت لایحه این تقاضا بمجلس شورای دولتی پیشنهاد می شود و حکم مجلس شورای مزبور بتوسط وزارت مالیه بدیوان محاسبات تبلیغ می شود تا زمانیکه مجلس شورای دولتی تشکیل نشده است لایحه تقاضای نقض بدیوان تمیز پیشنهاد می شود و حکم دیوان مزبور بتوسط وزارت مالیه بدیوان

محاسبات تبلیغ میشود

- ماده ۷۳** - در صورتیکه حکم دیوان محاسبات نقض شود مجددا در مجلس عمومی رسیدگی و محاکمه بعمل آمده و حکم قطعی اخیر صادر میشود
- ماده ۷۴** - تقاضای تجدید نظر در مواقع ذیل باید قبول شود:
- (۱) اگر سهوی در نوشتن فقرات حساب یا در عمل حساب شده است
- (۲) اگر بواسطه معاینه حسابهای دیگر یا بهر ترتیبی که متصور است ثابت شود که چیزی از قلم افتاده یا دو دفعه بحساب آمده است
- (۳) اگر پس از صدور حکم اسناد تازه بدست آمده باشد بشرط آنکه ثابت شود اسناد مزبوره در موقع تصدیق حساب موجود بوده و صاحب جمع نتوانسته است بدست بیاورد
- (۴) اگر آن حکم از روی اسناد جعلی صادر شده باشد در سه شق اخیر بعد از اقباضی مدت سه سال از تاریخ صدور حکم تقاضای تجدید نظر وقتی قبول خواهد شد که صاحب جمع ثابت نماید که فقط دو ماه است فقرات از قلم افتاده یا فقرات مکرر شده را مانع شده است یا اسناد جدیدی بدست آورده و یا تصدیقی که در مقامات رسمی از بابت جمعیت سند داده شده است باستحضار او رسیده است
- ماده ۷۴** - در موقع ومدت معینه در ماده (۷۳) تجدید نظر ممکن است نظر بخواهش دیوان محاسبات یا مدعی العموم وقوع یابد و در این صورت در موقع مذاکرات صاحب جمع یا وکیلش باید حضور داشته باشد
- ماده ۷۵** - تجدید نظر فقط نسبت بقسمتهائی از حساب که موافق ماده (۷۳) مورد ایراد واقع شده و تصحیحاتی که نتیجه این عمل است منتج اثر خواهد بود
- ماده ۷۶** - بعد از تقاضای تجدید نظر - اولاً دیوان محاسبات پس از اصفای عقیده مدعی العموم مشورت کرده در باب قبول یا رد آن حکم میدهد
- ثانیاً در صورت مجددا بحساب رسیدگی کرده حکم قطعی را صادر می نماید
- ماده ۷۷** - احکام دیوان محاسبات باید برای اجرا بتوسط مدعی العموم بوزارتخانه متبوعه صاحب جمع تبلیغ شود
- ماده ۷۸** - برای اجرای احکام دیوان محاسبات قواعد مرجعیت و مسائل و ترتیبیاتی که قانون اخذ مالیات مستقیم تصریح خواهد کرد معمول خواهد بود
- ماده ۷۹** - تاویل و تفسیر احکام دیوان محاسبات با خود دیوان محاسبات است

بندسوم در اصول محاکمات

فصل اول - در مسائل کلیه

ماده ۸۰ - محاکمه در دیوان محاسبات بدو طریق است

- (اولاً) طریق معمولی که عبارت از محاکمات ابتدائی بدون استیناف است
- (ثانیاً) طریق فوق العاده که عبارت از محاکمه بطور تجدید نظر است و در قره تابه ماده (۷۰) ذکر شد
- ماده ۸۱** - در عرضحالی که بدیوان محاسبات داده می شود باید اسم شخص واسم پدر و اسم طایفه اگر داشته باشد و منزل و شغل و شرح ادعا و مدعا به و شرح دلایل و تعیین اسناد راجعه بصحت ادعا و تاریخ قید شود
- ماده ۸۲** - احکام دیوان محاسبات بر دو قسم است: مقدمانی و قطعی
- احکام قطعی آنست که درباره حساب صاحب جمع و در اصل مطاب صادر شده و عمل را ختم میکند
- احکام مقدمانی عبارت از قرار هائمی است که قبل از صدور حکم قطعی صادر و مقدمات امر ببعضی اقدامات میکند چه از بابت فوریت موقع وجه از بابت تحصیل بعضی اطلاعات برای پیشرفت کار - ولی عمل رسیدگی بحساب بموجب این قرارها ختم نمیشود
- ماده ۸۳** - احکام مقدمانی یا موقتی است یا اعدادی یا قرینه
- احکام موقتی نظر بفوریت موقع موقتا قرار می دهد تا موقع صدور حکم قطعی آن داده شود
- احکام اعدادی آنست که برای تکمیل رسیدگی حساب حکم ببعضی اقدامات می نماید بدون اینکه در اصل مطاب داخل شود
- احکام قرینه آنست که برای تهیه زمینه حکم داده میشود و بطوری است که نتیجه حکم رامیتوان از آن استنباط کرد
- احکام موقتی و اعدادی را چون مربوط باصل مطاب نیست نمیتوان استدعای نقض کرد مگر پس از صدور حکم قطعی ولی احکام قرینه را چون مربوط باصل مطاب است قبل از صدور حکم قطعی میتوان رجوع بنقض کرد
- بر احکام قطعی دیوان محاسبات موافق ماده ۶۷ میتوان اعتراض کرد
- ماده ۸۴** - در احکام دیوان محاسبات باستثنای احکام مذکور در ماده (۱۰۳) باید اسنادی که ارائه شده و نتیجه تحقیقاتیکه بعمل آمده است و نیز مستندات حکم قید شود
- ماده ۸۵** - در هر امری و در هر موقع قبل صدور حکم مدعی العموم حق دارد حاضر شده عقیده خود را اظهار کند محکمه هم میتواند عقیده مدعی العموم را بخواهد از این جهت لا اقل سه روز قبل باید صورت حساب و اسناد و راپورتها باهتمام رئیس محکمه و بتوسط دفتر داز کل بمدعی العموم ابلاغ شود و در صورتیکه مدعی العموم بخواهد اظهار عقیده نماید باید کتبا منضم بصورت حساب کند و اگر بخواهد در جلسه حاضر شود در راپورت خود قبل از وقت اطلاع خواهد داد

فصل دوم

در محاکمه ابتدائی

ماده ۸۶ - صاحبان جمع صورت حسابهای سال گذشته خودشانرا باید تا دو ماه از اول سال نو گذشته مرتب کرده خود یا وکیالتان امضا نموده و مستقیماً یا بتوسط اداره متبوعه دفتر دیوان محاسبات تسلیم و قبض رسید دریافت دارند و اسنادیکه تحویل داده اند فهرست بگیرند و نیز در صورت حساب مسکن صاحب جمع یا محل دیگری را که برای ابلاغ احکام دیوان محاسبات صاحب جمع در پایتخت اختیار کرده است باید معین شود.

ماده ۸۷ - مدعی العموم در اول هر سال صورتی از حسابها نیکه صاحبان جمع باید بدیوان محاسبات بدهند مرتب کرده بر رئیس کل بدهند و اگر در مواعد مقررده صاحب جمع صورت نفرستد رئیس کل و مدعی العموم موافق ماده (۶۳) مجازات او را درخواست خواهد کرد.

ماده ۸۸ - دفتر خانه دیوان محاسبات باید تمام صورت حساب هائی که میرسد ضبط و در دفتر مخصوص تاریخ ورود حساب های هر بوزه و اسناد و ضمیمه جات را ثبت نماید.

ماده ۸۹ - رئیس کل حسابها را همین معین بن تقسیم و بک پایند حساب را که راجع بیک صاحب جمع نباشد بیک نفر رجوع کرده و در روی صورت حساب معین می کند که معین راپورت آن حساب را پس از رسیدگی بکدام يك از محاکم باید بدهد معین و اعضاء محکمه که صورت حساب باجا رجوع شده است نباید با صاحب جمع نسبتاً و یا سبباً تا درجه چهارم قرابت داشته باشند.

ماده ۹۰ - يك معین نباید بحساب های دو دوره عمل متوالی يك صاحب جمع رسیدگی نماید.

ماده ۹۱ - دفتر دار کل باید ارجاع هر حساب را بمعین آن اطلاع داده و کلیه حساب و اسناد را تحویل متار الیه نماید و نیز صورتی از امور راجعه بهر محکمه را بر رئیس آن محکمه داده و بعلاوه در روز آخر هر ماه صورتی از حساب هائی که در ماه قبل بمعین بن رجوع شده بر رئیس محکمه مرجع حساب تسلیم نماید.

ماده ۹۲ - معین هر حساب باید شخصاً رسیدگی کرده و برای هر صورت حساب راپورت جداگانه بدهد راپورت مزبور مشتمل بر دو کتابچه علیحده خواهد بود که هر يك در فقرات ذیل معین عقیده معین است :

(۱) ملاحظات راجعه بصحت جمع و خرج و حاصل حساب - در این کتابچه ایراداتیکه معین بر دفاتر و میزان جمع و خرج دارد بیان مینماید یعنی اگر از بابت جمع بیش از آنچه صاحب جمع قلمداد کرده است باید بیای او محسوب شود و نیز از بابت خرج اگر بعضی وجوه

قلمدادی نباید قبول شود و همچنین اگر مسئولیتی از بابت قوانین و قواعد حساب بر عهده صاحب جمع وارد است تمام این ایرادات در این کتابچه قید خواهد شد.

(۲) ملاحظات راجعه بجمع از حیث مطابقت با قوانین مملکتی و ملاحظات راجعه بخرج از حیث مطابقت با اعتبارات مصوبه.

ماده ۹۳ - اگر معین در موقع رسیدگی بصورت حساب وجود صاحب جمع با وکیالتی را برای دادن توضیحات لازم داند او را احضار مینماید و اگر صاحب جمع با وکیالتی اسناد و اوراقی از برای اثبات صحت حساب ابراز کنند معین بصورت مزبور الحاق خواهد کرد و در صورتیکه معین در عمایات حساب سهو یا اشتباهی ملاحظه نماید حق دارد تصحیح آنرا بصاحب جمع تکلیف کند و هر گاه معین در باب صورت حساب بخواهد با صاحب جمع با وکیالتی مکاتبه نماید هر مراسله که مینویسد باید بر رئیس محکمه ارائه داده و اگر رئیس مزبور ارسال آنرا صلاح دانست بتوسط دفتر فرستاده خواهد شد.

ماده ۹۴ - معین در متن راپورت خود معین میکند که صاحب جمع باقی دارد یا فاضل و یا میزان جمع و خرج مطابق است و باید مفاسد داده شود یا لازم است که در باب تصفیه آن بعضی تحقیقات و اقدامات مقدماتی بعمل آید.

ماده ۹۵ - هر گاه معین در ضمن تحقیقات و رسیدگی ملاحظاتی در باب ترتیبات اداره متبوعه صاحب جمع داشته باشد راپورت جداگانه نوشته منضم بصورت حساب خواهد کرد.

ماده ۹۶ - صورت حساب و اسناد و راپورتهای مذکوره در ماده (۹۲) و (۹۰) پس از رسیدگی بحساب بتوسط دفتر دار کل بر رئیس محکمه مرجع داده میشود رئیس محکمه یکی از مستشارانرا با اطلاع اعضاء آن محکمه برای رسیدگی بر راپورت معین مینماید و در دفتری که در ماده (۸۸) ذکر شد تاریخ روزی که معین صورت حساب را تسلیم دفتر خانه کرده است یاد داشت میشود.

ماده ۹۷ - يك مستشار نباید برای رسیدگی بحسابهای دو دوره عمل متوالی يك صاحب جمع معین شود.

ماده ۹۸ - مستشار بر راپورت معین رسیدگی کرده معلوم مینماید که :

(اولاً) معین شخصاً بحساب رسیدگی کرده است یا خیر

(ثانیاً) اعتراضات و ملاحظات و ایراداتیکه معین بحساب در راپورت خود قید کرده است چه حالت دارد

(ثالثاً) معین اسناد خرج را با بابت های خرج تطبیق کرده صحت و سقم هر يك را معین و بنام آن اسناد رسیدگی کرده است یا خیر

ماده ۹۹ - مستشار پس از رسیدگی بمطالب ماده قبل رأی خود را در راپورت کتبی بیان و منضم بصورت حساب مینماید

ماده ۱۰۰ - در روز معین و در محکمه مرجع مستشاریکه بسمت مخبری معین شده با حضور ممیز یا ممیزین عقیده خود در باب حساب صاحب جمع و ابرادات ممیز بیان میکند و همچنین ممیز مخیر عقیده خود را توضیح میکند ولی حق رأی دادن ندارد.

ماده ۱۰۱ - مستشاران در هر يك از فقرات حساب رأی خود را بترتیب قدمت خدمت یا کبر سن داده و رئیس محکمه نتیجه راجعه بهر يك از فقرات حساب را در حاشیه رایورت قید کرده پس از آن حکم کلی در ذیل رایورت صادر و باعضای رئیس مستشاران میرسد.

ماده ۱۰۲ - در ضمن رسیدگی اگر محکمه ملاحظاتی داشته باشد موافق ماده (۶۴) صاحب جمع ابلاغ خواهد کرد.

ماده ۱۰۳ - اگر صاحب جمع باقی یا فاضل نداشته باشد این مسئله در حکم محکمه قید و حکم مزبور بمنزله مفاسد حساب خواهد بود.

ماده ۱۰۴ - در صورتیکه صاحب جمع باقی داشته باشد مبلغ آن در حکم دیوان محاسبات معین و امر بوصول آن خواهد شد و اگر فاضل داشته باشد حکمی که در آن باب صادر میشود بمنزله سند طلب او خواهد بود.

ماده ۱۰۵ - صورت اصل حکم را ممیز نوشته خود امضا میکند پس از آن باعضای رئیس محکمه رسانیده بدفتر دار کل میدهد که باعضای رئیس کل برساند و بعد از این ترتیبات سواد مصدق حکم مزبور بتوسط مدعی العموم برای وزارتخانه متبوعه صاحب جمع ارسال میشود.

ماده ۱۰۶ - پس از آنکه حکم صادر و اصل آن امضا شد دفتر دار کل مضمون آنرا در ذیل صورت حساب قید خواهد کرد.

ماده ۱۰۷ - در موقع رسیدگی اگر محکمه محکومیت یا تخلیص صاحب جمع را رأی ندهد و از برای تصفیه حساب خود را محتاج بحکم اعدادی یاقرینه داند نظرات دیوان محاسبات را در این باب موافق ماده (۶۴) مدعی العموم بتوسط اداره متبوعه صاحب جمع باو ابلاغ مینماید.

ماده ۱۰۸ - در موقع مذکور در ماده قبل به تمام بابت هائیکه مستندات راجعه بان خواسته شده در حکم دیوان محاسبات قید و حکم مزبور باعضای رئیس کل و دفتر دار کل میرسد در صورتی که محتاج باقاعه شهود یا بعضی تحقیقات دیگر باشد بیجا کم ابتدائی محل ماموریت داده میشود که رسیدگی کرده رایورت آن را به دیوان محاسبات ارسال دارند تا زمانی که محاکم ابتدائی در محل بر قرار نشده است این ماموریت را دیوان محاسبات بهر کس که طرف وثوق او باشد خواهد داد پس از اینکه این اقدامات بانجام رسید صورت تمام نوشته جات و اسناد در دفتر ضبط خواهد شد که طرف بتواند اطلاع بهم رساند و هر گاه در ضمن رسیدگی دیوان محاسبات خود بدو بدون خواهش صاحب جمع تحقیقاتی لازم داد مدعی - العموم مواظب انجام آن خواهد بود.

ماده ۱۰۹ - وزارت مالیه و سایر وزارتخانهها هر ماده فهرستی از احکام دیوان محاسبات

که بتوسط آنها فرستاده شده است نوشته اگر آن احکام در پایتخت بمحکوم ابلاغ شده وصول قبض رسید طرف مقابل و اگر احکام بولایات فرستاده شده است وصول آنرا بتوسط حکومت محل خواسته در مقابل فهرست حکم قید می کنند - پس از آن قبض رسید را بفهرست مزبور منضم و بدیوان محاسبات ارسال میدارد.

ماده ۱۱۰ - حکام ولایات هم در آخر هرماه بطریق فوق فهرستی از احکام دیوان محاسبات که در کرسی ایالات و ولایات مستقیما و در سایر شهرهای جزو بتوسط نواب حکومت بصاحبان جمع ابلاغ کرده اند باقبوض رسید بوزارت مالیه و سایر وزارتخانهها که واسطه تبلیغ بوده اند خواهند فرستاد که بدیوان محاسبات تسلیم شود.

ماده ۱۱۱ - در صورتی که صاحب جمع موافق ماده (۶۷) بخواهد بحکم محکمه اعتراض نماید باید در ظرف یازده روز پس از تاریخ ابلاغ حکم مستقیما یا بتوسط اداره متبوعه خود عرضحال اعتراض را بدیوان محاسبات بدهد تاریخ اعتراض در دفتر مذکور در ماده (۸۸) قید خواهد شد.

ماده ۱۱۲ - صورت عرضحال اعتراض برحسب امر رئیس کل به مدعی العموم داده می شود که عقیده خود را در باب رد یا قبول اظهار نماید.

ماده ۱۱۳ - عقیده مدعی العموم که کتبا بیان شده است باهتما مان خود مدعی العموم بصاحب جمع یا وکیلش ابلاغ و رایورتنی از این ابلاغ بدفتر خانه داده میشود که در دفتر ماده (۸۸) قیدشود.

ماده ۱۱۴ - صاحب جمع در ظرف یازده روز از تاریخ ابلاغ حق دارد جواب خود را بضمیمه اسناد ارسال دارد.

ماده ۱۱۵ - این جواب نیز بمدعی العموم داده میشود تا اینکه بتواند نظرات آخری خود را در محکمه اظهار نماید.

ماده ۱۱۶ - ده روز بعد از مدت معینه در ماده (۱۱۴) مدعی العموم و صاحب جمع یا وکیلش می توانند انعقاد محکمه را برای هذا کرات راجع به رد یا قبول اعتراض درخواست نمایند و بموجب این درخواست رئیس دیوان محاسبات امری در این باب صادر و مستشاری را بسمت مخبری معین میکند و اگر مداخله مستشار بامیزی که سابقا بسمت مخبری معین شده بودند لازم باشد در امر نامه مزبور قید خواهد شد این امر نامه باید بطرف مقابل ابلاغ شود.

ماده ۱۱۷ - مدعی العموم پنج روز قبل از شروع بر رسیدگی اعتراض باید اسنادی را که برای اثبات مطالب خود دارد بدفتر دیوان محاسبات بدهد تا صورتی از اسناد بجهة طرف مقابل فرستاده شده و مستحضر شود.

ماده ۱۱۸ - بعد از این اقدامات در روزی که معین شده محکمه منعقد و شروع بمحاکمه

مینماید و مستشاری که اخیراً برای مخبری معین شده بود دایرت آن حساب را اظهار و صاحب جمع باو کیش ملاحظات و توضیحات خود را داده و مدعی العموم رای قطعی خود را بیان مینماید .
ماده ۱۱۹ - همین که مذاکرات و مباحثات ختم شد محکمه در همان جلسه با در جلسه دیگر حکم صادر خواهد کرد و صورتی از آن بمدعی العموم داده خواهد شد تا بتوسط اداره متبوعه صاحب جمع باو ابلاغ نماید و صاحب جمع نیز می تواند سواد حکم مزبور را از دفتر بخواهد .

ماده ۱۲۰ - دفتر دار کل مضمون حکم را در ذیل صورت حساب قید خواهد نمود .
ماده ۱۲۱ - در مواقعی که صاحب جمع در مواعید مقرر حساب خود را بدیوان محاسبات تسلیم نکند و موافق ماده (۶۲) باید خود دیوان محاسبات اقدام نماید از اینقرار رفتار میشود مدعی العموم مراتب را کتبا بدیوان محاسبات اظهار میکند و حکمی از طرف دیوان مزبور که متضمن مهلت مذکور در ماده (۶۲) باشد صادر میشود حکم مزبور بتوسط مدعی العموم با اداره متبوعه صاحب جمع داده خواهد شد که باو ابلاغ کند .

ماده ۱۲۲ - اگر صاحب جمع یاو کیش در راس مدت حاضر شد مطابق ماده (۸۹) و بهندار رفتار میشود در صورتیکه در راس وعده حاضر نشوند رئیس محکمه بدخواست مدعی العموم می تواند روز محکمه را معین و یکنفر از مستشاران را بسمت مخبری برقرار کند .

ماده ۱۲۳ - در روز معین دیوان محاسبات موافق ماده (۶۳) صاحب جمع را بیک جزای تقلدی محکوم ساخته و حکم می کند که مدعی العموم حساب صاحب جمع را بوسایل مقتضیه ترتیب داده تسلیم نماید تا در محکمه رسیدگی شود این حکم با اداره متبوعه صاحب جمع داده میشود که باو ابلاغ کنند - بر این حکم دیوان محاسبات موافق ترتیبات مواد (۱۱۱) تا (۱۲۰) میتوان اعتراض کرد

فصل سوم

در تجدید نظر

ماده ۱۲۴ - تقاضای تجدید نظر باید در ظرف مدت مذکور در ماده (۷۳) بعمل آمده و تمام اسنادی که راجع به صحت تقاضا است منضم به رضحال شود این عرضحال با اسناد مزبوره باید بطرف ابلاغ شود پس از آن دیوان محاسبات در باب قبول استناد عای تجدید نظر شور کرده و بعد بترتیب معمول حکم صادر می کند

ماده ۱۲۵ - در صورت قبول تجدید نظر در حکمی که صادر می شود ذر دلایل

نخواهد شد حکم مزبور باهضای دفتر دار کل رسیده بشخصی که تقاضای تجدید نظر کرده یا بواکیش ابلاغ میشود و تاریخ ابلاغ در کتابچه ثبت و در ظرف سی روز از این تاریخ سواد دیگری بطرف شخصی که تقاضا نموده ابلاغ و پس از آن موافق ترتیباتیکه در باب محاکمه ابتدائی گفته شد عمل می شود

ماده ۱۲۶ - حکم قبول تجدید نظر باعث توقیف اجرای حکم اولی نیست ولی هر گاه توقیف حکم تقاضا شود دیوان محاسبات می تواند حکم را توقیف و برای این امر اگر لازم داند حکم بدادن وجه الضمانه نماید .

ماده ۱۲۷ - در صورتیکه تجدید نظر قبول نشود حکمی که صادر می شود باید مستند بدلیل بوده بشخصی که تقاضای تجدید نظر کرده است ابلاغ و اسناد مذکور در ماده (۱۲۴) را که تحویل دفتر کرده بود مسترد نماید

فصل چهارم - در محاکمه پس از ابطال حکم

ماده ۱۲۸ - پس از آنکه موافق ماده (۷۱) حکم دیوان محاسبات نقض شد در جلسه عمومی رسیدگی و محاکمه شده موافق ترتیباتی که در باب احکام ابتدائی گفته شد حکم قطعی صادر خواهد گردید ولی اعضائی که در صدور حکم نقض شده شرکت داشته اند نباید در محکمه ثانوی دخالت نمایند .

ماده ۱۲۹ - احکام صادره بموجب ماده قبل تغییر ناپذیر خواهد بود .

فصل پنجم

در رسیدگی بحسابهای وزراء و تهیه راپرت سالیانه

ماده ۱۳۰ - حساب های وزراء و محاسبات کل مالیه که موافق ماده (۵۴) بدیوان محاسبات داده میشود بدو ابعاد بحاکم رجوع خواهد شد و پس از رسیدگی رئیس محکمه یکی از مستشاران را مأمور می کند که از روی نتایج حاصله از رسیدگی محکمه راپورتی تهیه نموده و در روزیکه رئیس کل معین خواهد کرد تقدیم مجلس عمومی نماید .

ماده ۱۳۱ - هر يك از محاکم دیوان محاسبات پس از رسیدگی بحساب وزراء و صاحبان جمع در باب موافقت رفتار ادارات مختلفه دولتی با قواعد اداری راجعه بمالیه مذاکرات خواهد کرد

ماده ۱۳۲ - رئیس محکمه یکی از مستشاران آن محکمه را بسمت مخبری معین میکند تا راپورت کتبی در خصوص نتایج حاصله از مذاکرات ماده فوق تهیه نموده و بمجلس عمومی پیشنهاد نماید .

ماده ۱۳۳ - رئیس کل هر ساله کمیونی هر کب از روسای محاکم و سه نفر مستشار که هر يك را یکی از محاکم معین خواهد کرد و مدعی العموم تشکیل داده و در خصوص تغییرات و اصلاحات لازمه قوانین و قواعد اداری راجعه بمالیه و بنفوذ و اموال دولتی مشاوره می کند .

ماده ۱۳۴ - مستشار هر محکمه راپورتی در باب اصلاحات و اقداماتی که محکمه مزبوره در عرض سال و در ضمن اجرای وظایف خود لازم دانسته است تهیه نموده و بکمیسیون تقدیم می کند

ماده ۱۳۵ - رئیس کل یکی از مستشاران را مامور میکند که از روی نتایج مذاکرات کمیسیون راپورت کتبی تهیه نموده و بمجلس عمومی تقدیم کند .

ماده ۱۳۶ - پس از اینکه موافق سه ماده فوق مقدمات بعمل آمد رئیس کل جلسه عمومی را منقذ و در خصوص راپورت های محاکم مذکوره در مواد (۱۳۰) و (۱۳۲) و (۱۳۵) و راپورت کمیسیون مذاکره میکند پس از آن در يك یا چند جلسه متوالیه مذاکرات بعمل آمده و قرار راپورت سالیانه مذکوره در ماده (۵۷) داده میشود و رئیس کل یکی از مستشاران را برای تهیه راپورت معین مینماید .

ماده ۱۳۷ - پس از اینکه راپورت محاکم راجعه بمطابق حساب و وزراء و محاسبات کل مایه در جلسه عمومی مذکوره در ماده (۱۳۰) قرائت شد دیوان محاسبات در باب رسیدگی و تصدیق نامه مطابقت که در ماده (۳۹) و (۵۵) ذکر شده مذاکره کرده و راپورتی تهیه میکند راپورت مزبور و صورت مذاکرات به وزیر مایه تسلیم میشود تا بموجب ماده (۵۷) به ضمیمه لایحه قانونی تفریح بودجه بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید

بند چهارم - در ترتیبات کلی

ماده ۱۳۸ - در مواردی که بموجب مواد (۶۴) و (۶۷) و (۷۰) و (۱۱۴) مدتی من باب مهلت معین شده اگر طرف در پایتخت است همان مدت محسوب و اگر خارج از پایتخت است برای هر پنج فرسنگ يك روز بر مدت قانونی افزوده خواهد شد

ماده ۱۳۹ - دیوان محاسبات برای نظم و ترتیب محاکم و دفتر خود و تکالیف مستخدمین و تهیه لوازمات و آنچه برای اجرای قانون حاضر لازم است نظامنامه داخلی مرتب خواهد ساخت

ماده ۱۴۰ - اگر دیوان محاسبات ملاحظه کند عده محاکمی که بموجب این قانون معین است برای تصفیه و تفریح حساب های مفاسد نشده سنوات قبل از وضع این قانون کافی نیست یا تصویب وزیر مایه میتواند يك محکمه فوق الماده که عده اعضاء و معینین آن مطابق عده

اعضاء و معینین یکی از محاکم دیوان محاسبات بوده و اعضای آن موافق ماده (۱۲) انتخاب خواهند شد موقتا تشکیل دهد بقای این چنین محکمه موقتی بعد از دوسال از تاریخ احداث آن بسته با اجازه مخصوص مجلس شورای ملی است

ماده ۱۴۱ - مقرری اعضاء دیوان محاسبات و مدعی العموم و دفتر دار کل بقرار ذیل است :

رئیس کل	یکماهه	(۱۸۰۰)	قران
رؤسای محاکم و مدعی العموم	»	نفری (۱۳۰۰)	»
مستشاران و دفتر دار کل	»	(۱۰۰۰)	»
معینین	»	(۸۰۰)	»

قانون تحدید تریاک

مصوب ۱۲ ربیع الاول ۱۳۲۹ قمری

ماده اول - از تاریخ وضع این قانون از هر متقال تریاک مالیده سیصد دینار مالیات دریافت میشود .

ماده دوم - محض جلوگیری از مضار استعمال شیره سوخته تریاک اولاً در تمام نقاط مملکت کلیه سوخته تریاک بمأمورین وزارت مایه تسلیم میشود که ضبط نمایند و فقط بشوآن حق الزحمه برای هر متقال سه شاهی بکسانی که سوخته رابماهورین مزبور تسلیم مینمایند داده میشود و هر گاه کسی از تسلیم سوخته امتناع نماید و یا مخفی بدارد سوخته او ضبط با حضور همان شخص تلف میشود تا بیا مأمورین مزبور در هر نقطه عده و اسامی اشخاص را که شیره استعمال میکنند با مقدار شیره که در هر محل مصرف میشود معین نموده و از سوخته ضبط شده بقدر ضرورت نقاط مزبوره شیره تهیه کرده و بان اشخاص میدهند و در عوض هر متقال سه عباسی حق الزحمه دریافت میدارند و در آخر سال آنچه باقی بماند با اطلاع وزارت مایه تلف خواهند نمود .

ماده سوم - در نقاطیکه ترتیب ضبط سوخته تریاک قبل از وضع این قانون معمول بوده است مدلول ماده (۲) از تاریخ وضع این قانون بموقع اجرا گذاشته میشود و در نقاطیکه هنوز جاری نشده است سه ماه بعد از تاریخ مزبور مجری خواهد شد .

ماده چهارم - از اول سال سوم تا آخر سال هفتم بعد از وضع این قانون هر سال بهر متقال تریاک مالیده یکصد و پنجاه دینار بر مالیات سال قبل و بهر متقال شیره سوخته یکصد و

• بموجب قانون ۹ میزان ۱۳۳۳ قمری این مبلغ به یکشاهی تقابیل یافته است و بعد بموجب قانون ۲۶ تیرماه ۱۳۰۷ معاملات راجع به تریاک منحصر بدولت شده است

و پنجاه دینار بر مبلغ سال قبل افزوده میشود از اول سال هشتم استعمال شیره کلیتا و استعمال تریاک غیر از آنچه برای دوا لازم است ممنوع خواهد بود.

ماده پنجم - تریاکی که بتوان تجارت از مملکت خارج میشود از ادای این مالیات معاف خواهد بود.

ماده ششم - ترتیب اجرای این قانون و جلوگیری از قاچاق و تفتیش ترتیبات اداری آن موافق نظامنامه ایست که بانفای وزارت مالیه و داخله مدون میشود.

قانون

استقراض دو کروور و نیم لیره انگلیسی

مصوب ۳ جادی الاولی مطابق ۱۳ برج نور ۱۳۲۹ قمری

ماده ۱ - دولت مجاز است که دو کروور و نیم لیره انگلیسی با فرع صدی پنج و نزول صدی دوازده و نیم بتوسط بانک شاهنشاهی استقراض نماید.

ماده ۲ - ترتیب استهلاك و تأمین این استقراض از این قرار خواهد بود:

(۱) وجه استهلاك از قرار صدی نیم بعد از پنجسال از تاریخ این استقراض تأدیه خواهد شد.

(۲) اعتبار این قرض همان اعتبار قرض سابق مورخه غره حمل ۱۳۲۸ دولت بیانک شاهنشاهی خواهد بود موافق شرایط مندرجه در همان قرار داد (یعنی اولین عایدات گمرکات جنوب بعد از وضع غارجی که از این عمل باید داده شود)

(۳) در صورتیکه بانک شاهنشاهی راجع بعدم تأدیه اصل استقراض شرطی پیشنهاد نماید که بموجب آن دولت حق پرداخت کلیه وجه این استقراض را تا مدتی نداشته باشد دولت مجاز است پیشنهاد مزبور را قبول نماید مشروط بر اینکه مدت

مزبوره از تاریخ امضای قرار داد استقراض تا پنجسال بیشتر نباشد.

ماده ۳ - اسناد این استقراض از هر نوع مالیات و تحمیلات که بعد ها قرار گذاشته شود معاف خواهد بود.

ماده ۴ - پس از تأدیه سه میلیون و سیصد و نودشش هزار و ششصد و نود و هفت تومان طلب سابق بانک و سیصد و چهل هزار تومان وجهی که اخیراً بعنوان مساعدده استقراض گرفته شده است تتمه وجوه استقراض در بانک باقی خواهد بود تا وقتیکه لایحه مراجعه بخرج ولوایح تفتیشیه از تصویب مجلس شورای ملی بگذرد.

قانون

راجع بمخارج وجه استقراض دو کروور و نیم لیره

مصوب ۲۸ برج نور ۱۳۲۹ قمری

ماده اول - مبلغ سه کروور و بیست و پنجهزار تومان اعتبار برای مصارف قشونی تخصیص میشود بترتیب ذیل:

(اولاً) مبلغ دو کروور و سیصد و هفتاد و پنج هزار تومان برای مصارف پانزده هزار و هفتصد نفر قشون در ارد بیل . قراجه داغ . استراباد . خراسان و سیستان . بروجرد . لرستان . عربستان . کردستان . کرمانشاهان . فارس و بنادر مبلغ مزبور از بودجه کل قشونی تنگور بیل برگشت خواهد کرد.

(ثانیاً) یکصد و پنجاه هزار تومان اعتبار برای حقوق عقب افتاده سنه ایت تیل قشون

ماده دوم - دو بیست و بیست هزار تومان برای خرید اسلحه

ماده سوم - یکصد هزار تومان برای پرداخت حقوق عقب افتاده سفراء و مأمورین دولت ایران در خارج .

ماده چهارم - دویست هزار تومان برای مصارف اداره امنیه باین ترتیب که هشتاد هزار تومان برای اداره امنیه فارس و یکصد و بیست هزار تومان مطابق پیشنهاد بکه بعد از ورود متخصصین سوئدی دروزارت داخله تهیه و بمجلس شورای ملی پیشنهاد میشود

ماده پنجم - تنمۀ وجه استقراض تا یکصد و بیست و پنجهزار تومان برای حقوق عقب افتاده سنۀ ایت ایل امنیه و نظمیۀ .

ماده ششم - برای نظارت و مواظبت در تسعیر لیره و خرید نقره از وجه استقراض و نیز برای تهیه نقشه بجهت تفتیش مخارج مذکور فوق و حصول اطمینان کامل از اینکه وجوه کاملاً در محل خود بمصرف میرسد کمیونی مختلط از نمایندگان وزارتخانه های مختلفه در تحت ریاست وزیر مالیه تشکیل میشود اعضای کمیسیون مزبور هشت نفر از مستخدمین خارج و هفت نفر از مستخدمین ایرانی که بانتخاب وزراء خواهند بود عضو این کمیسیون میشوند

ماده هفتم - کمیسیون مزبور ترتیبی را که برای تفتیش و نظارت در مخارج و مصارف قشون صلاح میدانند اعم از اینکه از وجه استقراض باشد یا از عایدات دیگر دولت و نیز ترتیب تفتیش سایر مخارج و عایدات دولتی را بصورت لایحه به هیئت وزراء پیشنهاد مینماید تاپس از تصویب آنها بتوسط وزیر مالیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود

قانون

تفتیشیه وجه دو کروور و نیم لیره استقراض

مصوب نقره جمادی الثانیۀ مطابق ۹ جوزا ۱۳۲۹ قمری

ماده ۱ - تفتیش عالی و واقعی اعمال (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) لیره استقراضی که از بانک شاهنشاهی ایران موافق قانون پنجم ربیع الثانی ۱۳۲۹ شده و تفتیش مخارجی که برای این کار مطابق مواد یک و دو و سه و چهار و پنج قانون (۱۹) جمادی الاولی ۱۳۲۹ تخصیص شده در تحت نظارت خزانه دار کل بوزارت مالیه سپرده میشود .

ماده ۲ - تا موقعی که تشکیلات جدیدۀ وزارت مالیه ایجاد شود تفتیش اعمال و مخارج فوق الذکر موقتاً بیک شعبه که مخصوصاً تشکیل میشود سپرده خواهد شد شعبه مذکور در تحت نظارت خزانه دار کل خواهد بود .

ماده ۳ - در آخر هرماه وزارت مالیه صورت اوضاع مالیه راجعه باستقراض را در ضمن راپرت تقدیم دولت مینماید .

ماده ۴ - شعبه که در ماده دوم این لایحه ذکر شده قائم مقام کمیسیون خواهد بود که در قانون جمادی الاولی ۱۳۲۹ مندرج است .

تفسیر اصل هفتم قانون اساسی

مصوب ۷ جمادی اولی مطابق ۱۶ تور ۱۳۲۹ قمری

ماده ۱ - مراد از دوثلث اعضاء مجلس و سه ربع که در اصل هفتم قانون اساسی مسطور است دو ثلث و سه ربع اعضاء حاضرۀ در مرکز است در صورتیکه عده حاضرین در مرکز باندازه ای باشد که قانوناً مجلس بتواند تشکیل شود

ماده ۲ - مراد از عبارت آخر ماده هفتم قانون اساسی اکثریت آراء وقتی حاصل می شود که بیش از نصف حضار مجلس رأی بدهند این است که مرد با قبول مطلب مطرح شده وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار به رد یا قبول آن مطلب رأی بدهند .

قانون

ثبت اسناد

مصوب ۱۲ شهر جمادی الاولی ۱۳۲۹ قمری

باب اول

در تشکیل اداره ثبت اسناد

مقدمه

- ماده ۱** - اداره ثبت اسناد عبارت است از دائره ثبت اسناد و دفتر را کد کل
- ماده ۳** - دائره ثبت اسناد در حوزة های محاکم ابتدائی که قانونا تاسیس شده است تشکیل میشود دائره مذکوره مرکب است از :
- (اولاً) از مباشرین ثبت اسناد که در محلهائی که یا مقر محکمه ابتدائی است و یا در حوزة محکمه مذکوره واقع است معین میشوند
- (ثانیاً) از یک دفتر را کد که در تحت ریاست یک نفر هدیر در نزد محکمه ابتدائی تاسیس می شود .
- ماده ۳** - دفتر را کد کل که در تحت ریاست یک نفر دفتر دار کل است در مرکز در تحت اداره وزارت عدلیه تاسیس می شود
- ماده ۴** - عدله مباشرین ثبت در هر محل و حوزة محکمه ابتدائی منوط بمقتضیات محل و کیفیات حوزة مذکوره میباشد و آن عدله را وزیر عدلیه با موافقت وزیر مالیه و وزیر داخله معین نموده بمقامات لازمه پیشنهاد می نماید

فصل اول

در مباشرین ثبت و حقوق و تکالیف آنها

- ماده ۵** - مباشرین ثبت باید دارای شرایط ذیل باشند
- (اولاً) تابعیت ایران

* این قانون بموجب « قانون نسخ قانون ثبت اسناد » مصوب ۲۸ حمل ۱۳۰۲ شمسی (دوره چهارم) نسخ شده است

(ثانیاً) مذهب اسلام

(ثالثاً) سن آنها لا اقل بیست و پنج باید باشد

(رابعاً) دادن امتحان بطوریکه در ماده ۸ مقرر است

ماده ۶ - اشخاص مفصله ذیل نمیتوانند مباشر ثبت معین شوند

(اولاً) اشخاصیکه در تحت قیموهیت شرعی هستند

(ثانیاً) ورشکستگان بقصیر

(ثالثاً) مرتکبین جنایات از قبیل قتل و سرقت و غیرهما و معروفین بارتکاب جنایات که

شرعاً بر ائت خود را حاصل نکرده اند

ماده ۷ - مباشرین ثبت نمی توانند با شغل خود شغلی را در ادارات دولتی یا انجمنهای

بلدیه و ابالتی و ولایتی و غیرهما توأم نمایند و یا شغل و کالترا در محاکم عدلیه متصدی شوند

ماده ۸ - شغل مباشرت ثبت باشخاصی تفویض میشود که قبلاً امتحان سواد فارسی

و دانستن قوانین و نظایات رایجه ثبت اسناد را کاملاد در حضور رئیس محکمه ابتدائی ومدعی العموم

آن محکمه ومدیر ثبت داده باشند بر و گرام آن امتحان را وزارت عدلیه مرتب و بر ائی اطلاع

اهالی درج رایده محل اعلان می نماید .

تئیه - هر گاه شغل مدعی العموم در محکمه ابتدائی تاسیس نشده باشد بجای او دفتر

از معارف محل که صلاحیت امتحان نمودن را داشته باشند بمجلس امتحان دعوت میشوند

ماده ۹ - رئیس محکمه ابتدائی صورت اشخاصی را که امتحان داده اند یا اوراق

رایجه بکیفیات امتحان نزد رئیس محکمه استیناف فرستاده اشخاص مزبوره را معرفی میکند و

رئیس محکمه استیناف بعد از مذاقه لازمه نتیجه امتحاناترا بضمیمه عقیده خود بوزیر عدلیه راپرت

داده منتظر صدور تصدیق وزیر عدلیه برای نصب مباشر ثبت میشود

ماده ۱۰ - عزل مباشرین ثبت بعد از صدور حکم محکمه که صلاحیت حکم را دارد

بوزیر عدلیه است

ماده ۱۱ - مباشرین ثبت قبل از مباشرت بشغل خودشان باید در هیئت اجتماعی محکمه

ابتدائی قسم یاد نمایند که بصحت و درستی وظایف خود را انجام خواهند داد

ماده ۱۲ - مباشرین ثبت در خدمت دولتی محسوب و از حیث رتبه و حقوق و کفایت

خدمتی مقام معاونین منشی های (دفتر دار های) محاکم ابتدائی را دارند مقرری مباشرین ثبت

به موجب ماده ۱۳۳ معین میشود .

ماده ۱۳ - مباشرین ثبت مکلفند که وظایف خود را فقط در حوزة محکمه ابتدائی متبوعه

انجام بدهند و اقدامات آنها در خارج از حوزة مذکوره اثر قانونی ندارد ولی در حدود حوزة

محکمه ابتدائی متبوعه مباشرین ثبت وظایف خود را نسبت بکلیه ارباب رجوع انجام میدهند ولو

آنکه اقامتگاه ارباب رجوع در خارج حوزة مذکوره باشد

ماده ۱۴ - مباشرین ثبت مکلفند اسنادی را که نزد آنها میآوردند افشا نمایند و مضمون آن اسناد را بکسی نگویند مگر در مواردیکه قانون اجازه میدهد. تخلف از مفاد این ماده مستلزم مجازاتی میشود که در ماده ۱۰۳۴ مصرح است.

ماده ۱۵ - مباشرین ثبت مهری خواهند داشت که علامت شیر و خورشید را دارا و در زیر آن نوشته خواهد بود فلان (اسم) مباشر ثبت فلان جا (محل)

ماده ۱۶ - نمونه امضا و نمونه نقش مهر هر مباشر ثبت باید يك نسخه بدفتر را کد حوزه ابتدایی و نسخه دیگر بدفتر را کد کل فرستاده شود که ضبط شده و در مواقع لازمه برای تطبیق با امضاء و مهر مباشر ثبت موجود باشد.

ماده ۱۷ - دفاتر ثبت باید قبطان کشیده و صفحات آن نمره داز و نمره صفحات معین و ممضی با امضای رئیس محکمه ابتدایی و عضو آن بوده بهر رسمی محکمه مهور باشد.

ماده ۱۸ - دفاتر مباشرت ثبت از قرار تفصیل ذیل است :
(اولاً) دودفتر برای ثبت اسناد بطوری که قانون معین می کند - یکی برای معاملات راجعه با اموال غیر منقوله و دیگری برای سایر معاملات

(ثانیاً) دودفتر فهرست که در آن مباشر ثبت مفاد اسناد ثبت شده و تصدیقات خود را با قید سجلات و امضاء ها و همچنین کلیه اقداماتی را که موافق و ظایف خود بعمل میآورد نخستین می نویسد (بطور اختصار فهرست می کند)

(ثالثاً) دفتر نماینده عمومی که بترتیب حروف تهجی برای کلیه اسنادی که در نزد مباشر ثبت ثبت یا تصدیق شده ترتیب می شود.

(رابعاً) دفتر صورت اسنادیکه در مباشرت ثبت تودیع می شود
(خامساً) دفتر صورت اشخاصیکه ورشکسته یا در تحت قیمومیت یا ولایت شرعی اعلان شده اند

(سادساً) دفتر عایدات

ماده ۱۹ - صفحات دفاتر ثبت و تصدیق باید طولش هفت گره و عرضش پنج گره باشد و در هر صفحه ستونی خواهد بود برای اینکه صورت هائی که از ثبت یا سوادی که از سند داده می شود قید شود عدد سطور را در دفاتر ثبت و تصدیق با سایر تفصیلات وزیر عدلیه با موافقت وزیر عالی معین و بیجاهاى لازم اعلام مینمایند.

ماده ۲۰ - دفاتر فهرست باید تماماً بیک اندازه بوده و حاوی پنج ستون مفصله باشد :
ستون اول - برای نمره کارگذار ابتدای هر سال شمسی تجدید میشود

دوم - برای تاریخ روز و ماه و سال .

سوم - برای اسم و شهرت و شغل و محل اقامت اشخاصی که سند آنها ثبت میشود و باباً آنها تصدیق داده میشود

چهارم - برای مضمون ثبت یا تصدیقی که میشود و حقوقی که دریافت میشود .
پنجم - برای قبض رسید اشخاصی که سندشان ثبت شده است یا تصدیقی گرفته اند یا ثبت سندی و یا سوادی سندی که به آنها داده شده با قید اسم و شهرت و شغل قبض دهند .

ماده ۲۱ - سایر دفاتر موافق اندازه و اسامی ترتیب می شود که وزارت عدلیه معین و نمونه آنها را بجای لازم می فرستد دفاتر عایدات موافق قوانین محاسبات عمومی با استحضار وزارت عالی باید مرتب شود

ماده ۲۲ - پس از اتمام يك سال از اتمام دفاتر ثبت و فهرست مباشرت مکلف است در آخر هر دفتری عدله اسنادی را که در آن ثبت یا تصدیق شده و همچنین عنده اقداماتی را که فهرست شده همین و امضای نموده دفاتر ثبت و هر دو نسخه دفتر فهرست را بدفتر را کد ثبت اسناد تسلیم نماید

ماده ۲۳ - مدیر ثبت بصحت قیدیکه در آخر دفتر تسلیم شده بعمل آمده و با امضای مباشر ثبت رسیدگی نموده پس از تصدیق صحت و امضاء دفاتر مزبوره يك نسخه دفتر فهرست را بدفتر را کد تسلیم و دفتر ثبت را با نسخه دیگر دفتر فهرست بدفتر را کد کل ارسال میدارد

ماده ۲۴ - مرخصی مباشرین ثبت اسناد موافق قانون مرخصی مستخدمین دولت و با اجازه رئیس محکمه ابتدایی خواهد بود ولی باید مباشر ثبت در حین مرخصی و همچنین در حال مرضی که مانع از تصدیق شغل است يك نفر را که دارای اوصاف و شرایط مباشرت باشد به محکمه ابتدایی بجای خود معرفی کرده و مسئولیت اداء خسارتمی که قانوناً بر عهده اوست بعهده بگیرد .

ماده ۲۵ - در صورت فوت مباشر ثبت یا انفصال یا عزل او رئیس محکمه ابتدایی فوراً دفاتر را توقیف کرده بدفتر را کد می فرستد و روی مهر مباشر با سوهان دوخطی که همديگر را بطور عمودی تقاطع میکند کشیده آنها را از اعتبار میندازد

فصل دوم

در دفتر را کد و مدیر ثبت

ماده ۲۶ - دفتر را کد که در تحت نظارت مدیر ثبت است در نزد هر محکمه ابتدایی تأسیس میشود و مقصود از تاسیس آن حفظ نسخه از دفاتر فهرست و نمونه نقش مهر و امضاءهای مباشرین ثبت و اسناد و اوراق راجعه بدائرة ثبت اسناد است

ماده ۲۷ - مدیر ثبت از مستخدمین دولت مجسوب و از حیث تربیه و مقام و اوصاف و شرایط و حقوق و تکالیف خدمتی و عزل و نصب با عضو محکمه ابتدایی مساوی است

ماده ۲۸ - در جاهائیکه کثرت کار اقتضاء کند مدیر ثبت معاون داشته باشد

معاون او نیز از مستخدمین دولت محسوب و از حیث درجه و مقام و اوصاف و شرایط و حقوق و تکالیف خدمتی و غیره با منشی های دفتر دارهای محکمه ابتدائی مساوی است

ماده ۳۹ - هر گاه مدیر ثبت معاون نداشته باشد وظایف او را در صورت مرض یا غیبت او موقتاً یکی از منشی های محکمه ابتدائی یا انتخاب رئیس محکمه ابتدائی انجام میدهد

ماده ۳۰ - مدیر ثبت دارای مهر مخصوصی با علامت شیر و خورشید بوده و در زیر آن علامت نوشته خواهد بود (دفتر را کد ثبت اسناد فلان محل) نمونه امضای هر مدیر ثبت و همچنین نمونه نقش مهر دفتر را کد باید بکلیه دفاتر را کد ثبت اسناد و دفتر را کد کل فرستاده شود که در موقع تطبیق مهر و امضای اسناد حاضر باشد

ماده ۳۱ - علاوه بر تنظیم دفتر را کد دفاتر مفصله ذیل در دفتر مزبور باید ترتیب شود .

(اولاً) دفتر صورتهائیکه از ثبت دفاتر فهرست یا اشخاص لازم از دفتر را کد داده می شود .
(ثانیاً) دفتر مخصوصی برای ثبت اسامی املاک موقوفه که حوزه محکمه ابتدائی واقع است بترتیب حروف تهجی

(ثالثاً) دفتر فهرست امور جاریه

(رابعاً) دفتر عایدات .

دو باب ترتیب و طرز دفاتر مدیر ثبت با اجرای مقررات ماده ۱۷ و ۲۱ این قانون مکلف است .

فصل سیم

در دفتر را کد کل و دفتر دار کل

ماده ۳۲ - مقصود از تاسیس دفتر کل حفظ دفتر مذکور در ماده ۲۳ و نمونه امضاها و نقش مهر مباشرین ثبت و نمونه امضای مدیران ثبت و نقش مهر دفاتر را کد است .

ماده ۳۳ - دفتر دار کل در خدمت دولتی محسوب و از حیث رتبه و مقام و حقوق و تکالیف خدمتی با عضو محکمه استیناف مساوی است و در صورتیکه مشار الیه معاون داشته باشد معاون مزبور نیز در خدمت دولتی محسوب و از حیث رتبه و مقام و حقوق و تکالیف با منشی (دفتر دار) محکمه استیناف مساوی میباشد .

ماده ۳۴ - دفتر را کد کل دارای مهر مخصوص با علامت شیر و خورشید بوده و در زیر آن نوشته خواهد بود . (دفتر را کد کل ثبت اسناد)

ماده ۳۵ - نمونه امضای دفتر دار کل و نمونه نقش مهر دفتر را کد کل باید بکلیه دفاتر فرستاده شود که در مواقع لازمه موجود باشد

ماده ۳۶ - علاوه بر تنظیم دفتر را کد کل دفتر دار کل مکلف است دفاتر مفصله را ترتیب بدهد .

(اولاً) دفتر فهرست صورتهائیکه از ثبت دفاتر یا اشخاص لازم از دفتر را کد کل داده میشود

(ثانیاً) دفتر فهرست امور جاریه .

(ثالثاً) دفتر عایدات

ترتیب دفاتر مذکور موافق مقررات ماده ۱۷ و ۲۱ این قانون و دستور العمل وزارت عدلیه میباشد .

فصل چهارم

در نظارتیکه نسبت با اجرای اداره

ثبت اسناد بعمل میآید و در مسئولیت آنها

ماده ۳۷ - مباشرین و مدیران ثبت و معاونین آنها در اداره و در تحت نظارت آن محکمه ابتدائی هستند که در حوزه آن واقفند .

ماده ۳۸ - محکمه ابتدائی در صورت لزوم باید بتوسط یکی از اعضای خود یا توسط مأمور مخصوص دفاتر مباشرین و مدیران ثبت حوزه خود را تفتیش نموده صحت یا عدم آنرا معین و یک نسخه را بپورت خود را بر رئیس محکمه استیناف و نسخه دیگر را بوزارت عدلیه ارسال دارد

ماده ۳۹ - مباشرین و مدیران ثبت و معاونین آنها و همچنین دفتر دار کل و معاون او در مورد تقصیرات راجعه بشغل خودشان موافق قوانینی که برای صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه مقرر است مورد مسئولیت و مؤاخذه میشوند و در صورتیکه خیانت یا جنایتی از آنها ناشی شود موافق قوانین محکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد جلب و محاکمه میشوند .

ماده ۴۰ - در صورتیکه از مباشرین یا مدیران یا معاونان او رفتاری مشاهده شود که شایسته مقام آنها نبوده و در انظار عامه رکیک و قبیح باشد (ولو اینکه آن رفتار از اشخاص مذکور در خارج ارخندت ناشی شود) اطلاعات راجعه بان نوع رفتار و اعمال اشخاص مذکور بتوسط رئیس محکمه ابتدائی یا مدعی العموم آن محکمه بمحکمه ابتدائی پیشنهاد شده محکمه مذکور بعد از خواستن توضیحات از متهم و رسیدگی در جلسه اداری محکمه رای خود را در ابقا یا انفصال مباشر یا مدیر ثبت اظهار میدارد و در موارد مقتضی اقدامات لازمه را بلا تأخیر برای ضبط اسنادی که متعلق ببرد در مباشرت ثبت امانت است بعمل می آورد رای محکمه ابتدائی

باتمام اسناد ونوشتجاب نزد رئیس محکمه استیناف فرستاده میشود متار الیه رای خود را ضمیمه رای محکمه ابتدائی نموده مراتب را بوزارت عدلیه بیشتنهاد می نماید انفصال محکوم منوط بصدور حکم وزیر عدلیه است وحکم وزیر عدلیه قابل شکایت نیست .

ماده ۴۱ - شکایاتی که از مباشرین یا مدیر ثبت راجع بامتناع آنها از ثبت اسناد یا راجع به ثبت سندی وباتخلف آنها از وظایف قانونی خودشان می شود در آن محکمه ابتدائی باید رسیدگی شود که مباشرین ومدیرهای ثبت درحوزه آن واقفند .

ماده ۴۲ - هر گاه شکات مذکوره در ماده قبل از معاونین مدیر ثبت باشد در صورتیکه مدیر ثبت حاضر باشد خودش بشکایات مذکوره رسیدگی کرده آنچه را که موافق ماده ۳۹ از خصایص محاکمه است بدانجا ارجاع مینماید ولی در صورت مرض یا غیبت مدیر ثبت کلیه شکایات از معاون او راجع بمحکمه ابتدائی متبوعه است .

ماده ۴۳ - شکایت نامه از مباشرین یا مدیر وبامعاون او باید در مدت دوهفته از تاریخ وقوع ماده محکمه ابتدائی داده شود .

ماده ۴۴ - يك نسخه شکایت نامه بخود متشکی عنه و دیگری بمحکمه ابتدائی داده میشود ومتشکی عنه مکلف است که شکایت نامه را در مدت يك هفته یا توضیحانی که لازم میدانند بمحکمه متبوعه بفرستد محکمه مزبور در صورت لزوم طرفی را که باشاکی در معامله یا ترتیب سندی شرکت داشته از شکایت شاکی مطلع نموده ضمنا روز رسیدگی را اعلام میدارد .

ماده ۴۵ - در صورتیکه محکمه ابتدائی بعد از رسیدگی امتناع مباشر ثبت را از ثبت اسناد تصدیق کند شاکی میتواند در مدت دوهفته از تاریخ اعلام حکم محکمه یا حکم مذکور را استیناف نماید ولی هر گاه محکمه ابتدائی ثبت سندی را که مباشر ثبت نموده است یا تصدیقی را که داده است ناثبید نماید شاکی میتواند بجهت تکذیب اعتبار آن ثبت یا تصدیق در محکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد از ثبت آن سند اقامه دعوا نماید .

ماده ۴۶ - با دعای خسارت از مباشر ومدیر ثبت ومعاون او در محکمه ابتدائی متبوعه آنها رسیدگی میشود .

باب دوم

در مشاغل اداره ثبت اسناد

فصل اول - در مشاغل مباشرین ثبت و ترتیب انجام آن

قسمت اول

-- مواد عمومی --

ماده ۴۷ - مشاغل مباشرین ثبت از قرار تفصیل است :

اول - ثبت اسنادی که نزد آنها می آورند موافق قسمت دوم این فصل
دویم - دادن صورت از ثبت دفاتر اسناد همچنین سواد اسنادیکه ثبت میشود موافق
قسمت سیم این فصل

سیم - تصدیقاتیکه مباشرین ثبت موافق قسمت چهارم این فصل میدهند .
چهارم - پذیرفتن وحفظ کردن اصول اسنادی که در مباشرت ثبت امانت می گذارند .

ماده ۴۸ - در موارد ثبت یا تصدیق باید جهات ذیل قویا رعایت شود :

اولا - تاریخ سال و ماه وروز ودرمواقع لازمه ساعت .

ثانیا - اسم شخص و اسم پدر وشهرت در صورتیکه باشد ومحل اقامت مباشر ثبت

ثالثا - امضای او

ماده ۴۹ - در مواردی که مباشر ثبت صورتی از ثبت دفاتر یا سواد یا اسناد یا تصدیقی میدهد ذیل صورت وسواد وتصدیق را امضاومهر کرده نمره دفتر را در آنها قید کرده تاریخدادن آنها را صریحا در خود صورت یا سواد یا تصدیق با تمام حروف مینویسد .

ماده ۵۰ - هر گاه صورت و سواد وتصدیق در روی چند ورق نوشته شده باشد باید اوراق مذکوره قبطان کشیده وممهور ونمره صفحات معین و با امضای مباشر ثبت ممضی باشد .

ماده ۵۱ - امضای اشخاص در اسناد و تصدیقات وهمچنین قبض رسیدگی که در وقت گرفتن صورت و سواد و تصدیق میدهند در صورتیکه بزبان غیر فارسی باشد باید بزبان فارسی ترجمه و توسط مباشر ثبت تصدیق شود وهر گاه مباشر ثبت آن زبان خارجه را نداند ترجمه را بتصدیق عالم به آن زبان رسانیده امضای مترجم را تصدیق میکند

ماده ۵۲ - اسامی اشخاص که اسناد خود را برای ثبت می آورند یا تصدیقی میخواهند وباسندی را امضا می نمایند باید با قید محل امانت و شغل آنها بطوری صراحا نوشته شود که در هویت آنها تردیدی حاصل نشود .

ماده ۵۳ - هر گاه مباشر ثبت در هویت اشخاص شکی داشته باشد باید توسط دفتر معروف خود که طرف اعتماد او باشند تحقیقات لازمه بعمل آورد تحقیقات مذکوره را در دفتر وهمچنین در خود اسناد و تصدیقاتی که می دهد قید می کند در معاملات راجعه به غیر منقول تحقیقات باید توسط سه نفر معروف ومعتمد بعمل آید

ماده ۵۴ - در صورتیکه مباشر ثبت نتواند بوسیله مذکوره در ماده قبل هویت اشخاص را معلوم کند این نکته را در سند و تصدیق و دفتر قید کرده وسایل دیگری را که بواسطه آن هویت اشخاص را معلوم کرده ذکر می نماید .

ماده ۵۵ - وقتی که مباشر ثبت سندی راجع بنفع خود یا کسانی که در تحت ولایت یا وصایت یا قیمومیت او واقفند یا با او قرابت نسبی تا درجه چهارم یا سببی تا درجه سیم دارند یا در خدمت او هستند ثبت می نماید باید بمطالعین که در سایر اسناد مقرر است دفتر دیگر که

معمد بوده و اصحاب معامله را می‌شناسند منضم کرده با حضور ایشان سند را ثبت کرده بعضی ایشان نیز برساند والا آن ثبت نسبت بمواد و موازینکه بنفع اشخاص مزبوره راجع است از درجه اعتبار ساقط است .

قسمت دوم

در ترتیب ثبت اسناد و اعتبار آن

ماده ۵۶ - اسناد باید کلمه بکلمه من البدو الی الختم متنا و هاشا بلا تفاوت مطابق با اصل ثبت شود .

ماده ۵۷ - مباشر ثبت نمیتواند اسناد اشخاصی را که طرفین بایک طرف معامله آنها غیر بالغ یا مجنون یا سفیه هستند یا بواسطه ورثه استیجابی ممنوع از تصرفند ثبت نماید مگر اینکه ولی آنها آن معامله را کرده باشد و همچنین نمیتواند اسنادی را که موضوع معامله آنها از موقوفات یا از مشترکات عمومی یا مجهول المالك یا از املاك و اموال دولت بی اذن دولت است ثبت نماید و هر گاه در صلاحیت اشخاص شك داشته باشد باید بواسطه سه نفر در اموال غیر منقول و دو نفر در اموال منقوله تحقیق کرده و مراتب را ثبت نماید .

ماده ۵۸ - اشخاصی که توسط آنان تحقیقات مزبوره در ماده قبل بعمل می آید باید بالغ و امین و معروف مباشر ثبت باشند هر گاه مباشر ثبت آنها را نشناسد باید تصدیقی در باب هويت خودشان از یکی از ادارات رسمی ابراز نمایند .

ماده ۵۹ - هر گاه اشخاص مطلع یکی از صفات مفصله ذیل را دارا باشند ثبت اسناد از درجه اعتبار ساقط است :

- اولا - کور یا کنگ یا کر یا دیوانه یا غیر بالغ باشند .
- ثانیا - اشخاصی که در معامله ذی نفع اند یعنی در خود سند معامله راجع بقایده و نفع آنها چیزی نوشته شده است .
- ثالثا - خدهه مباشر ثبت و اجزاء او چه در مباشرت ثبت اسناد باشند و چه در خارج آن .

رابعا - اقوام اصحاب معامله نادرجه چهارم و همچنین خدام اصحاب معامله .

خامسا - اشخاصیکه بواسطه ارتکاب بجنایات محکوم شده اند .

ماده ۶۰ - مباشر ثبت نمیتواند برای ثبت اسنادی قبول کند که موضوع آن معامله که شده است مخالف قوانین شرع و ممالک باشد والا ثبت از درجه اعتبار ساقط است .

ماده ۶۱ - هر گاه اصحاب معامله یا مطمین زبان فارسی را ندانند و مباشر ثبت نیز زبان آنها را ندانند حضور مترجم لازم است .

ماده ۶۲ - در دفتر ثبت علاوه بر مندرجات ماده (۴۸) اسامی مطمین و وسائل تحقیق هويت آنها و هويت اصحاب معامله و همچنین اسنادی که اصحاب معامله یا مطمین در اثبات هويت خودشان ابراز نمایند و وکالتنامه مصدقه و کلا باید صریحا بعد از ثبت سند قید شود و نیز باید اسامی اشخاصیکه حق گرفتن صورت را دارند قید شود .

ماده ۶۳ - تصدیقنامه هويت و وکالتنامه در مباشرت ثبت ضبط و در روی آنها تاریخ سال و ماه و روز و نمره ثبت دفتر قید شود .

ماده ۶۴ - مباشرت قبل از ثبت سند حقی که بان تعلق میگردد با صاحب معامله یا وکلاء آنها اعلام مینماید و بعد از تحصیل رضایت آنها سند را ثبت میکند .

ماده ۶۵ - ثبت اسناد باید بزبان و خط فارسی باشد و سندیکه بغیر زبان یا خط فارسی است باید مطابقت ترجمه آن با اصل بدو بتصدیق عالم بان زبان یا خط رسیده ترجمه مصدقه را مباشر ثبت قبول و ثبت نماید و اگر فقط امضاء سند بغیر خط فارسی باشد باید بتصدیق عالم بان خط فارسی نوشته و باعضای آن عالم رسیده برای ثبت قبول شود .

ماده ۶۶ - ثبت باید خوانا بوده و اعداد راجعه بمبلغ و تاریخ و نمره لاقبل باید یکمرتبه با تمام حروف نوشته شود و همچنین تاریخ و نمره باید با تمام حروف در روی سندی که ثبت شده است نوشته شود .

ماده ۶۷ - فاصله سطور از همدیگر باید بیک اندازه بوده سطور در یکجا شروع شده و در یکجا ختم شود بالا بردن سطور در آخر سطر اکیدا ممنوع است باید هر جا که سطر بانها رسید مباشر ثبت بقیه مطالب را بسطر نو ببرد جای سفید و تصحیح و اضافه جایز است فقط بشرابط ذیل :

- اولا - جای سفید را باید بدو خطی که همدیگر را تقاطع نمایند از خیز استماده انداخت .
- ثانیا - در موقع تصحیح و اضافه باید روی کلماتی که اشتباه نوشته شده یا زیادی است خط نازکی بامر کب قرمز کشیده و هر گاه باید کلمات دیگر جای کلمات خط کشیده نوشته شود باید بین السطور بالای کلمات باطل شده نوشت .

ثالثا - نکات فوق الذکر (جای سفید و تصحیح و اضافه) باید در آخر ثبت قید شده باعضای اصحاب معامله برسد هر گاه رعایت ترتیبات مقرر در این ماده نشود ثبت از درجه اعتبار ساقط است و مباشرت موافق ماده ۸۱ و ۱۳۱ مجازات میشود .

ماده ۶۸ - تراشیدن و پاک کردن بهر نحوی از انحاء در دفتر ثبت اسناد بکلی ممنوع است هر گاه بخلاف از مفاد این ماده بشود کلمات تراشیده و همچنین کلیه آنچه که در محل پاک شده نوشته شده است از درجه اعتبار ساقط است و مباشرتینی که هر تکب این خلاف قانون شده است موافق ماده ۸۱ و ۱۲۱ مجازات میشود .

ماده ۶۹ - ثبت سند برای اصحاب معامله یا وکلای آنها در حضور مطمین قرائت و بااصل

سند مقابله و با امضای آنها تصدیق میشود .

ماده ۷۰ - اصحاب معامله که قرائت ثبت دفتر را بی حضور مطلعین استماع نموده اند در وقت امضای ثبت باید اعلام نمایند که ثبت را قرائت کرده یا قرائت آنرا استماع کرده اند و مراتب باید در دفتر قید شود .

ماده ۷۱ - در صورتیکه اصحاب معامله اشخاص کر یا کور یا گنگ باشند حضور مطلعین در قرائت و معامله ثبت سند لازم است .

ماده ۷۲ - اشخاصیکه سواد دارند میتوانند خودشان ثبت سند را خوانده رضایت خود را اعلام نمایند ، و این نکته باید قبل از امضای ایشان در دفتر قید شود .

ماده ۷۳ - در مواردی که معامله راجع باشخصی است که هم کسرتند و هم بیسواد بعلاوه مطمین مامولی باید شخصی هم که طرف اعتماد آنهاست و میتواند یا آنها با اشاره حرف بزند دعوت شود و شخص مذکور باید جامع تمام شرایط مندرجه در ماده ۹۰ باشد بجز شرایط قمره چهارم که مانع از دعوت او نخواهد شد .

ماده ۷۴ - مباشر ثبت باید بتوسط سئوالانیکه راجع بموضوع سند است یقین حاصل نماید که شخص کر و بیسواد اشاراتی را که یاد میشود میفهمد .

ماده ۷۵ - اشخاصی که هم کر و هم گنگ بوده و قادر بر قرائت باشند و طرف معامله هستند باید بعد از خواندن ثبت دفتر باخط خودشان در دفتر بنویسند که ثبت را خواندند و رضایت نامه دارند .

ماده ۷۶ - در موردی که اشخاص مذکور در ماده قبل سواد نداشته باشند باید بعلاوه شخصی که اشاره با آنها حرف میزند نیز شخصی را دعوت کرد که این اشارات را میفهمد این شخص باید جامع شرایط مطلعین باشد بجز شرایط قمره چهارم که مانع از پذیرفتن او نیست .

ماده ۷۷ - بعد از اجزای ترتیبات فوق الذکر ذیل ثبت را در خود دفتر ثبت اصحاب معامله و مطلعین و مباشر ثبت امضا میکنند .

ماده ۷۸ - هر گاه طرف یا طرفین معامله بواسطه بی سوادی یا جهات دیگری نتوانند امضا نمایند شخص دیگری به امر ایشان امضاء نموده و مطلعین نیز جهت را قید و امضا مینمایند .

ماده ۷۹ - هر گاه طرف معامله بواسطه مرض سخت یا موانع مشروع دیگری نتواند در مباشرت ثبت حاضر بشود - مباشرت ثبت می تواند در خارج از ساعاتی که برای کار در مباشرت معین شده در منزل آن شخص حاضر شده با رعایت تمام ترتیبات مقرر و وظایف خود را انجام بدهد .

ماده ۸۰ - برای اینکه تاریخ ثبت بیشتر ثابت و مصون از تغییر باشد مباشرت ثبت همه هه روزه هنگام بسته شدن مباشرت تمام دفاتر را می بندد مقصود از بستن دفاتر آنست که مباشرت در ذیل آخرین ثبت تاریخ روز و ماه و سال را گذاشته امضا می نماید تخلی از مفاد این ماده مستوجب مجازاتی میباشد که در ماده ۱۳۱ مقرر است .

ماده ۸۱ - هر گاه بواسطه تقصیر مباشرت ثبت سندی از اعتبار افتاده باشد متار الیه باید بعلاوه مجازات مقرر از عهده مصارف ثبت آن سند بر آید .

اعتبار ثبت اسناد

ماده ۸۲ - مقصود از ثبت اسناد موافق ترتیباتی که در این قانون مقرر است رسمی کردن اسناد ثبت شده است یعنی قطعی کردن تاریخ سند و ضبط خط و مهر و اقرار و حفظ مندرجات سند از تغییر و تبدیل .

ماده ۸۳ - سند رسمی از جهات مذکور در ماده قبل در محاکم عدلیه معتبر و در مقام دعوا محل اعتماد است بنا بر این کسیکه بر علیه او سند رسمی ابراز می شود نمی تواند اظهار بی اطلاعی یا شبهه و تردید نسبت به آن سند نماید فقط در مقام رد سند یا باید مجعول بودن آن را مدلل نماید و یا ثابت کند که سند رسمی بجهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است .

قسمت سیم

در دادن صورت از دفاتر ثبت اسناد و سواد اسناد

ماده ۸۴ - قواعد مقرر در مواد ۴۸ و ۵۲ و ۶۶ و ۶۸ در موقع دادن صورت ثبت سند و سواد نیز لازم الرعایه است و الا صورت و سوادیکه داده می شود از درجه اعتبار ساقط است .

ماده ۸۵ - صورت ثبت سند فقط باشخصی داده می شود که در دفتر ثبت معین شده یا بوی کلا و یا بورات آنها و یا بالاخره باشخصی که آن حق به آنها منتقل شده انتقال حق را بخود ثابت نمایند در مواردی که صورت ثبت سند باشخصی داده میشود که حق گرفتن صورت را ثابت کرده اند و ای اسم آنها در سند قید نشده است و همچنین در مواردی که صورت موافق ماده ۸۶ بحکم محکمه داده میشود باید نکات مذکور در دفتر و صورتی که داده می شود قید شود .

ماده ۸۶ - اشخاصی که در ماده قبل مذکور نیستند فقط بحکم محکمه که صلاحیت حکم را دارد میتوانند صورت بگیرند .

ماده ۸۷ - کسانی که خود حق گرفتن صورت ثبت یا سواد سند را داشته و صورت یا سوادی سابقا گرفته اند میتوانند نسخه دویم و سیم و هکذا از مباشرت ثبت بگیرند مباشرت ثبت

آن را داده و چندم بودن آن را در نسخه که داده در دفتر قید میکند .

ماده ۸۸ - مباشرین ثبت نمیتوانند سواد سندی را که در دفاتر ثبت شده بکسی غیر از اشخاصیکه حق گرفتن صورت را دارند بدهند .

ماده ۸۹ - مباشرین ثبت نمیتوانند با اشخاصی که حق گرفتن صورت یا سواد را ندارند در باب اسنادی که ثبت میشود اطلاعات یا توضیحات بدهند مگر در موارد مفصلا الذیل :

اولا - برای صاحبمنصبان عدلیه در صورتیکه اقبای و ظایف آنها اقتضا کند و کتاب این اقتضارا بمباشر ثبت اظهار نمایند .

ثانیا - برای امنای سایر دوایر دولتی در صورتیکه کتبا این لزوم را اظهار و اجازه رئیس محکمه ابتدائی را به آن اظهار نامه متضم نمایند .

ثالثا - بغير اشخاص مزبوره در فقره اول و دوم این ماده مشروط بر ضابطنامه کتبی یکی از اشخاصی که خود حق گرفتن صورت دارند یا موافق ماده ۸۶ بحکم محکمه که صلاحیت حکم را دارد .

ماده ۹۰ - مباشر ثبت تصدیق مطابق بودن صورت ثبت دفتر را با اصل ثبت و سواد سند را با اصل سند با تریببات مقررہ بعمل میآورد .

ماده ۹۱ - دادن صورت ثبت سند یا سواد سند هر دفعه باید در دفتر قید شده و نیز تصریح شود که بکی داده شده است .

ماده ۹۲ - اشخاصیکه صورت ثبت سند را میگیرند باید رسید آن را در دفتر فهرست مباشرت ثبت نوشته و امضا نمایند .

ماده ۹۳ - صورتیکه موافق قواعد مقررہ نوشته و داده شده است حکم خود ثبت دفتر و اصل سند را دارد و همچنین سوادیکه با رعایت ترتیبات قانونی داده شده است حکم اصل سند را دارد مادامی که مطابق نبودن صورت را یا ثبت دفتر یا ثبت دفتر را با اصل سند یا مطابق نبودن سواد را با اصل سند طرفی که بمایه او آن صورت یا سواد ابراز شده است ثابت نموده ولی در مواردی که قانون ابراز اصل سند را تقاضا میکند ابراز صورت یا سوادیکه از مباشرت ثبت اسناد گرفته شده است بجای اصل جایز نیست .

قسمت چهارم

در تصدیقاتیکه مباشرین ثبت میدهند

ماده ۹۴ - تصدیقاتیکه مباشرین ثبت بموجب خواست ارباب رجوع میتوانند بدهند

در موارد مفصلا الذیل

اولا - تصدیق مطابق بودن سواد با اصل سند

ثانیا - تصدیق اصالت امضاء

ثالثا - تصدیق اینکه درجه تاریخ سندی در دفاتر ثبت ثبت شده است

رابعا - تصدیق اظهاریکه از طرف شخصی توسط مباشر ثبت بشخص دیگری شده است

خامسا - تصدیق هويت

سادسا - تصدیق حیوة

ماده ۹۵ - تصدیق زنده بودن کسی را وقتی مباشر ثبت می تواند داد که یقین داشته

باشد آن شخص در حال حیوة است و اگر محتاج تشخیص هويت او باشد اقداماتی را که در تشخیص هويت مقرر است بعمل می آورد و باید در تصدیق نامه تصریح کند که تاجه تاریخ و بکدام وسیله یقین به حیوة آن شخص داشته وجه اقدام در اطلاع به حیوة یا تشخیص هويت او نموده است .

ماده ۹۶ - در موارد تصدیق مطابق بودن سواد با اصل سندی که بمباشر ثبت ارائه میشود

مستار الیه باید سواد را با اصل مطابق نموده و در تصدیق قید کند که چه کسی اصل را با ارائه داده و سواد از اصل برداشته شده است یا از سواد دیگری و در اصل یا سواد جای تراشیده یا پاک شده یا کلمات زیاد شده و یا ملاحظات مخصوص دیگری و ده بانه .

ماده ۹۷ - تصدیق اصل بودن امضا از قراردیل بعمل میآید : هر گاه سندی را طرفین

یا طرف در حضور مباشر ثبت امضا نکرده اند یا باید در حضور او امضا کنند و یا باید در حضور او اقرار نموده اقرار خود را امضا نمایند .

ماده ۹۸ - تشخیص هويت اشخاصی که تصدیق اصالت امضا میخواهند و مباشر ثبت

آنان را نمی شناسد بترتیبی که در ماده ۳ و ۴ معین شده است بعمل میآید و تصدیق اصل بودن امضارا مباشر ثبت در روی اصل سند نوشته و امضا میکند .

ماده ۹۹ - تصدیق اینکه درجه تاریخ سندی در دفاتر ثبت اسناد ثبت شده است در

روی خود سند بعمل میآید و قید میشود که چه شخص آن سند را آورده بود و درجه تاریخ و بخواهش چه شخص یا چه اشخاص آن سند در دفتر ثبت اسناد ثبت شده است .

ماده ۱۰۰ - در صورتیکه شخصی بخواهد بطرف خود اقبای حتی یا ادای تکلیفی را

اعلام نماید ممکن است که آن اعلام را توسط مباشر ثبت بعمل آورد مثلا اعلام موجر بمستأجر در تخلیه خانه یا اظهار طلبکار بمقروض در تأدیه دین ولی در کلیه این موارد باید اعلام برای نیل بمقصودی نباشد که برخلاف قوانین است .

ماده ۱۰۱ - مباشر ثبت در این موارد تصدیقنامه اعلامی را که توسط او بعمل

آمده است بهر يك از طرفین که بخواهند میدهند و جواب طرف را با اظهاری که با و ابلاغ

شده است در تصدین نامه میتوان قید نمود ولی مشروط بر اینکه یا طرف خودش آن قید را بخواهد و یا رضایت خود را ابراز و امضاء نماید.

ماده ۱۰۳ - در صورتیکه طرف غائب باشد یا بواسطه مرضی یا جهات مشروع دیگری یا بالاعتذر مباشر ثبت را نپذیرد یا پذیرفته جوایی باظهار او ندهد مباشر ثبت بخواهش رجوع کننده میتواند مراتب را تصدیق نماید.

ماده ۱۰۴ - تصدیق هیت کسی بدین طور بعمل میاید که بدو باید مباشر ثبت یقین کامل حاصل کند شخصی که تصدیق میخوهد فی الواقع خود او است و هر گاه تصدیق خواننده را نتشاسب باید موافق ماده ۵۳ و ۵۴ اقدامات لازمه در تشخیص هیت مشارالیه و حصول اطمینان بعمل آورد در این نوع تصدیقات باید مباشر ثبت تصریح کند که درجه تاریخ برای او یقین حاصل شده است که شخص تصدیق خواننده خود او است و اقداماتی را که برای تشخیص هیت او کرده است در تصدیق نامه قید کند.

ماده ۱۰۴ - تصدیقاتی که مباشر ثبت موافق شرایط مقرر در قانون میدهد در محاکم و ادارات دولتی معتبر و محل اعتماد است مگر اینکه کسیکه بر علیه او تصدیق مباشر ثبت ابراز میشود مجبور بودن تصدیقنامه را مدلل کند.

ماده ۱۰۵ - در هر تصدیقی که مباشر ثبت میدهد باید اسم اشخاص و شهرت و محل اقامت آنان و تاریخ سال و ماه و روز و در صورت لزوم ساعت و مضمون اقرار یا اظهار نوشته شود و در دفتر فهرست مباشرت ثبت تمام نکات مزبوره صریحا قید میشود.

قسمت پنجم

اسنادیکه در مباشرت ثبت امانت میگذازند

ماده ۱۰۶ - مباشرین ثبت می توانند در حضور شهود اسنادی را که در مباشرت ثبت امانت میگذازند قبول نمایند هر گاه صاحب امانت بخواهد امانت خود را در پاکت مهرور بمباشرت ثبت بسیار باید در حضور دو نفر شاهد یا زیاد تر صورت مجلس راجع باسناد نوشته شده و اسناد مذکوره در لاف پاکت گذارده و مهر شده بمباشرت تودیم شود.

ماده ۱۰۷ - مباشر ثبت قبض رسیدی نوشته خودش و اشخاصی که شاهد قضیه بوده اند امضا مینمایند و رسید را در دفتر فهرست ثبت میکنند.

ماده ۱۰۸ - هر گاه ارباب رجوع قبض رسید اکتفا نکرده بخواهند که در حضور شهود صورت مجلس نوشته شده تمام سند متنا و هامشا در آن صورت قید شود و اگر اسناد در لاف پاکت سر بهر است شکل ظاهری پاکت و مهر تصریح شود مباشر ثبت مکلف است که آن تقاضای ارباب رجوع را ایفا نموده صورت مذکور را ترتیب داده بعد از امضای خودش و

صاحب امانت و شهود صورت مذکور را مشارالیه در دفتر ثبت اسناد با ترتیبات مقرر ثبت نموده بصاحب امانت بدهد.

ماده ۱۰۹ - اشخاصی که امانات خود را پس میگیرند باید استرداد آنرا در حضور دو نفر شاهد معتمد در دفتر فهرست مهر و امضا نمایند و امانات فقط وقتی مسترد میشود که قبض رسید یا صورت مجلس را اعاده دهند یا صورت آنرا بترتیبی که در باب صورتهای اسناد تصریح شده تسلیم و باحکم محکمه را که صلاحیت دارد ابراز نمایند.

ماده ۱۱۰ - اشخاصی که قبض رسید یا صورت مجلس و یا صورت اسناد مذکوره را برای استرداد امانات ابراز مینمایند و معروف مباشر ثبت نیستند باید حق خودشان را در لرفتن امانات ثابت نمایند.

فصل دوم

در مشاغل مدیرهای ثبت و دفتر دارکل و ترتیب انجام آن

ماده ۱۱۱ - مشاغل مدیرهای ثبت از قرار تفصیل است:
اولا - ترتیب دفتر را کد و مسئولیت تنظیم آن موافق نظامنامه ای که وزیر عدلیه مرتب مینماید.

ثانیا - دادن صورت ثبت دفاتر و سواد اسناد متعلقه بدفاتر که در دفتر را کد مضبوط است و قبول و استرداد امانات که بدفتر را کد تودیع شده است.

ثالثا - فرستادن صورتی از ثبت املاک موقوفه بتمام مباشرین ثبت که در حوزه محکمه ابتدائی متبوعه مدیر واقفند.

رابعا - ترتیب دفتر اشخاصیکه ورشکسته اعلان شده و همچنین صورت اشخاصیکه در تحت قیمومت یا ولایت شرعی اعلان شده اند برای آنکه در مواقع لازمه با صورتیکه مباشرین ثبت موافق ماده ۱۸ ترتیب میدهند مطابقت شود.

ماده ۱۱۳ - دفتر دار کل مکلف است دفتر را کد کل را موافق نظامنامه که وزیر عدلیه مرتب مینماید تنظیم نماید و صورت ثبت دفاتری را که در دفتر را کد کن مضبوط است باشخاص ذی حق بدهد.

ماده ۱۱۴ - معاونین مدیر دفتر را کد و دفتر دار کل به آنان در انجام مشاغل مرجوعه کمک مینمایند ولی صورت ثبت دفاتر و سواد اسناد راجعه بدفاتر را فقط وقتی معاونین مزبوره میتوانند باشخاص لازم بدهند که مدیر یا دفتر دار کل غائب باشند و در این موارد باید معاونین موافق قوانین که برای مباشرین ثبت مقرر است رفتار نمایند.

فصل سوم

در حقوقی که اداره ثبت دریافت میدارد و ترتیب آن

ماده ۱۱۴ - حقوقی که مباشرین ثبت اسناد دریافت میدارند بر دو نوع است: حقوق نسبی و حقوق ثابت.

حقوق نسبی باسنادی تعلق میگیرد که متضمن نقل و انتقال اموال باشد.

حقوق ثابت باسنادی تعلق میگیرد که موضوع آن نقل و انتقال اموال نباشد.

ماده ۱۱۵ - تعرفه مخصوصی برای تعیین حقوقی که در اداره ثبت اسناد دریافت میشود مضمّن بانقانون میباشد.

ماده ۱۱۶ - هرگاه هر دو طرف معامله برای استفاده قانونی با اداره ثبت اسناد رجوع نمایند حقوق مقرر را باالمنصفه میردازند والا فقط طرفی که با اداره مذکور رجوع میکند ولی هرگاه اصحاب معامله قراری در باب تادیه حقوق مابین خودشان داده باشند موافق قرارداد آنان باید رفتار شود.

ماده ۱۱۷ - پس از ثبت سند مباشر ثبت مبلغ دریافتی را بانعام حروف در ذیل ثبت سند در دفتر و در روی سند میثوبسد ولی در صورتیکه معادل وجه دریافتی بر روی سند تمبر دولتی الصاق شده باشد نوشتن وجه در روی سند لازم نیست.

ماده ۱۱۸ - در خصوص دریافت حقوق دولتی مباشرین ثبت مکلف نیستند اسناد را در نوع و طبقه که طرفین اظهار میدارند قرار دهند و همچنین نباید بواسطه تاویلات و تفسیرات خود سرانه آنچه را که در مفاد عبارات اسناد مفهوم نمیشود فرض نمایند بلکه باید نوع حقیقی سند را مابعد قرارداد موافق تعرفه حقوق دولت را دریافت کنند.

ماده ۱۱۹ - مباشر ثبت حق دارد صحت اقراراتی را که در حضور او میشود و همچنین صحت مندرجات اسناد را برای حفظ حقوق دولتی تفتیش و تحقیق نماید.

ماده ۱۲۰ - ترتیب محاسبات اداره ثبت اسناد و تفتیش آن موافق محاسبات عمومی دولتی است - و وزیر عدلیه با موافقت وزیر مالیه دستور العمل اجرای آن را مرتب و ابلاغ مینماید.

باب سوم

در مجازات اجزای اداره ثبت و مقرری آنان

فصل اول - در مجازات

ماده ۱۲۱ - هرگاه اجزای اداره ثبت اسناد یکی از تعصیرات مفصله ذیل را مرتکب

شوند از شغل خود معزول و بهیچ خدمت دولتی قبول نمیشوند بعلاوه از دو سال الی چهار سال محبوس خواهند شد.

اول - اسنادی که بجهات ظاهره از سندیت افتاده قبول و ثبت نمایند مثل اسناد مجعوله و محکوم که وقلمرفته و امثال آنها.

دوم - سندی را که بدون حضور طرفین یا یک طرف یا وکیل ثابت الوکاله آنان ثبت کنند.

سوم - سندی را باسم کسانیکه آن معامله را انکرده اند ثبت کنند.

چهارم - تاریخ سندی یا ثبت سندی را در دفتر مقدم یا مؤخر ثبت کنند.

پنجم - قسمتی از دفاتر خود را مفقود یا محکوم کنند یا ورقی بکشند یا به تزویر دیگری ثبت سندی را از استفاده بیندازند.

ششم - دفتر را بتراشند و یا پاک کنند خواه کلمه را بکلمه دیگر تبدیل و یا حذف نمایند.

ماده ۱۲۲ - هرگاه اجزای اداره ثبت اسناد سندی را بدون تحقیق هویت اشخاص یا با عدم علم بصلاحت اصحاب معامله یا با علم بعدم قابلیت موضوع معامله ثبت کنند از شغل خود معزول و بهیچ خدمت دولت قبول نمیشوند.

ماده ۱۲۳ - هرگاه اجزای اداره ثبت اسناد سندی را که مفاد آن مخالف قوانین مقرر است ثبت کنند از ششماه الی یکسال از شغل خود منفصل میشوند.

ماده ۱۲۴ - هرگاه اجزای اداره ثبت اسناد صورت ثبت یا سواد سندی را بکسانیکه در این قانون و خصت داده نشده بدهند یا خود اسنادیکه نزد آنان می آورند افشا نماید یا مضمون آنها را بکسانیکه حق ندارند توضیحات یا اطلاعات دهند از شغل خود معزول شده و بهیچ خدمت دولتی قبول نخواهند شد.

ماده ۱۲۵ - هرگاه اجزای اداره مزبوره تصدیقاتی بدهند که مخالف واقع باشد از شغل خود معزول شده و بهیچ خدمت دولت دولتی قبول نخواهند شد.

ماده ۱۲۶ - هرگاه اجزای اداره ثبت اسناد سندی را که در اداره سر بسته تودیع شده باز کنند از شغل خود معزول شده و بهیچ خدمت دولتی قبول نگردیده و از یکماه الی ششماه محبوس میشوند و هرگاه خود یا مضمون سند تودیع شد، را بکسانی که حق استرداد آنها ندارند ارائه یا افشا کنند از شغل خود معزول شده و بهیچ خدمت دولتی قبول نشده بعلاوه از ششماه الی یکسال محبوس خواهند شد.

ماده ۱۲۷ - هرگاه اجزای اداره مزبوره وجه ثبت را زیاده بر مقداری که قانونا مرخصند نگاه داشته بجز آنه بپردازند بقدر آنچه زائد بر قدر قانونی نگاه داشته اند از مقرری خود روی آن گذاشته بجزانه دولت تسلیم کنند.

ماده ۱۲۸ - هرگاه اجزای اداره ثبت اسناد وجه ثبت را عمدتاً کمتر از تعرفه اخذ نمایند در دهمه اول در مقابل آنچه کسر گرفته اند و در دهمه دوم سه مقابل و در دهمه سوم چهار

مقابل از مقرری آنها مسترد بخزانه دولت میشود و اگر مقرری نداشته یا کفایت نکند در هر يك از صور مزبوره در مقابل هر يك تومان يك روز حبس خواهند شد و در دهمه چهارم علاوه بر ترتیب مقرر در دهمه سوم از شغل خود نیز منقصل میشوند.

ماده ۱۳۹ - هر گاه معلوم شود یکی از اجزاء اداره مزبوره بعد از از اخذ حقوق دولت تمام یا قسمتی از آنها پنهان کرده از شغل خود معزول شده و بهیچ خدمت قبول نمیشود بعلاوه از ششماه الی يك سال مقرری او مسترد و از شش ماه الی يك سال مجبوس می شود.

ماده ۱۴۰ - هر گاه اجزاء اداره ثبت اسناد علاوه بر تعرفه وجهی اخذ کرده و بحساب دولت نیاورده باشند موافق ماده ۱۲۸ مجازات می شوند و اگر زیاده را بحساب دولت آورده اند بواسطه غفلت موافق ماده ۱۳۱ مجازات میشوند و در هر دو صورت زیاده بصاحبش مسترد می شود.

ماده ۱۴۱ - هر گاه اجزاء اداره مزبوره مقررات این قانون را در اصلاح جای سفید و کلمات زاید و عده و فاصله و نواقض سطور و سایر ترتیبات مقرر در ماده ۶۷ و ۸۰ و همچنین دستور العملهای وزارت عدلیه را در ترتیب دفاتر رعایت نمایند در دهمه اول ثبت مقرری آنان و در دهمه دوم مقرری یکماهه تمام مقطوع و در دهمه سوم ششماه از این خدمت منقصل میشوند.

ماده ۱۴۲ - هر گاه اجزاء اداره مزبوره بواسطه تأخیر از وقت حضور یا غفلت و مسامحه امور اداره را معوق و معطل دارند در دهمه اول اخطار کتبی و در دهمه دوم اخطار کتبی بآقید دو ورقه خدمت و در دهمه سوم و چهارم و بعد از آن بهر دهمه بکسر مقرری یکماهه مجازات می شوند.

فصل دوم

در مقرری اجزاء اداره ثبت اسناد

ماده ۱۴۳ - مقرری اجزاء اداره ثبت اسناد موافق قانون مقرری مأمورین و مستخدمین دولتی معین میشود.

ماده ۱۴۴ - علاوه بر مقرری مذکور اضافه از محل عایدات مباشرت ثبت همه ماهه برای مباشرین ثبت مقرر میشود و مقدار آن نباید کمتر از صدی دو و بیشتر از صدی چهار عایدات مباشرت ثبت باشد و اضافه هر محلی را نظر بمقتضیات آن محل وزیر عدلیه بموافقت وزیر مالیه معین و بمقتضات لازمه پیشنهاد میکند.

ماده ۱۳۵ - هر ماه عشر مقرری هر يك از اجزاء اداره ثبت اسناد و عشر آنچه علاوه بر مقرری از عایدات به آنان داده می شود در صندوق عدلیه بعنوان ذخیره برای آنها محفوظ خواهد شد.

ماده ۱۳۶ - هر گاه یکی از اجزاء مرتکب تقصیری شده که بحسب این قانون مستلزم کسر مقرری او است از وجهیکه برای او ذخیره شده تادیه خواهد شد و در صورت عدم کفایت از مقرری آنان مسترد می شود.

ماده ۱۳۷ - هر يك از اجزاء که تا آخر سال مرتکب تقصیری که موجب انفصال یا کسر مقرری است نشده به حسب تقاضای خود او نصف آنچه در آن سال برای او ذخیره شده باو داده می شود و در صورت انفصال یا وفات تمام ذخیره بعد از تادیه حقوق متعلقه به آن به خود باواریت او داده میشود.

تعرفه اعمال اداره ثبت اسناد

ماده ۱۳۸ - حقوقیکه در اداره ثبت اسناد برای اعمال مقرر اخذ میشود از قرار تفصیل ذیل است:

(اول) برای ثبت اسنادیکه موضوع آنها عین مال غیر منقول است از قبیل قبایله و بیع شرط و رهن و مصالحه نامه و هبه نامه و صدق نامه و وصیتنامه و وقفنامه و امثال آنها از هر یک تومان نیم شاهی دریافت میشود.

(دوم) از ثبت اسناد متعلقه به اموال منقوله از نفود و اجناس و منافع اعیان از قبیل تمسکات و اجاره نامه و فته طب و قبض و صدق نامه و غیرها بهر يك تومانی ربع يك شاهی.

(سوم) برای ثبت کتبه اسنادیکه موضوع مالی ندارد از قبیل طلاقنامه و وکالتنامه و قرارنامه و استنهایه نامه و امثال آنها بهر سندی دو قران.

(چهارم) برای دادن صورت ثبت دفتر بهر صفحه از دفتر دو قران
(پنجم) برای دادن سواد سند بهر صفحه که نمونه آنرا وزارت عدلیه معین و اعلام مینماید دو قران

(ششم) از تصدیق مطابقت سواد با اصل و تصدیق اصالت امضا و تصدیق اینکه درجه تاریخ سندی ثبت شده و تصدیق اظهار یا اقرار کسی از هر یکی دو قران

(هفتم) از تصدیق هویت یا حیوة کسی بهر يك چهار قران

(هشتم) از تبلیغ اظهار کسی بکسی یا ثبت آن در دفتر پنج قران

(نهم) حق الامانه برای حفظ هر يك سندی که باز باشد یا يك یا کت سر بسته اگر چه متضمن چند سند باشد تا شش ماه و کمتر از آن هر چند باشد پنج قران و بعد از شش ماه اول تا شش ماه

دیگر پنج قران و هکذا. بهر شش ماه پنج قران و آخرین مدت بعد از شش ماه هر قدر باشد حکم شش ماه را دارد
(دهم) قبض رسید امانت که بصاحب امانت داده میشود بکفران
(یازدهم) صورت مجلس که بجای قبض امانت مرتب و بصاحب امانت داده میشود پنج قران.

تنبیها

(اول) در هر مورد حق تعرفه کمتر از یکشاهی معفو است.
(دوم) کسور صفحه در فقره چهارم و پنجم - اگر بطور تا نصف صفحه نرسیده است نصف قیمت دریافت می شود و اگر از نصف گذشت قیمت تمام صفحه دریافت می شود.

(سوم) مخارج حرکت در فقره هشتم بهمه رجوع کننده است
ماده ۱۳۹ - دایره ثبت اسناد در حوزه محاکم ابتدائی که قانوناً تشکیل شده تاسیس خواهد شد و وزارت عدلیه قبل از تاسیس دایره ثبت اسناد در محلی باید بدو بود - آخر از مقام مقننین گذرانیده بعد اقدام در تاسیس دایره مذکوره بنماید.

قانون

اصلاح قانون قبول و تکول بروات

مصوب چهارم برج جوزا مطابق ۲۶ جمادی الاولی ۱۳۲۹ قمری

ماده ۱ - اگر برات کننده در برات تصریح یاخذ وجه آن نموده بعد انکار مدیونیت کند از او پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۲ - برات گیرنده اولی میتواند وجه آنرا از کسی دیگر گرفته برات را باسم او نماید و دومی بسومی و هکذا هر چند نفر باشند در این صورت تمامی برات کنندگان مدیون بکلیگیرند باین معنی که در صورت پروتست برات هر لاجق سابق خود رجوع کرده وجه خود را دریافت می دارد تا برسد بحواله کننده اولی ولی اگر یکی از ایادی متوسطه غیر متمبر در آمد دارنده برات میتواند بسابق او رجوع کرده وجه خود را دریافت کنند.

ماده ۳ - هر گاه کسی که برات بهمه او است بعد از قبول نوشتن از اداء تمام یا قسمتی

این قانون بموجب ماده ۲۴۲ (قانون تجارت) مصوب ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ شمسی نسخ شده است.

از وجه آن امتناع کند دارنده برات آنرا مطابق مواد آتیه پروتست رسانیده و مطالبه وجه آنرا موافق ماده دوم مینماید.

ماده ۶ - نسخ شده است

ماده ۷ - شخصی که باحواله شده میتواند قسمتی از مبلغ حواله شده را قبولی بنویسد در اینصورت بقیه وجه برات را دارنده برات میتواند پروتست نماید در هیچ مورد قبولی نباید معاق بشترط باشد.

قانون طبابت

مصوب ۳ جمادی الاخری ۱۳۲۹ قمری

ماده ۱ - هیچکس در هیچ نقطه ایران حق اشتغال بهیچ يك از فنون طبابت و دندان سازی ندارد مگر آنکه از وزارت معارف اجازه نامه گرفته و ثبت وزارت داخله رسانیده باشد

ماده ۲ - در آتیه اسنادیکه وزارت معارف آن را رسماً شناخته و بصاحب آن اجازه نامه خواهد داد از این قرار است:

اولاً - تصدیق نامه هائیکه در مملکت ایران بتوسط مدارس طبیبی دولت داده میشود.

ثانیاً - تصدیق نامه های طبیبی دولتی ممالک خارجه.

ماده ۳ - گیرنده اجازه نامه طبابت مبلغ پنج تومان بصندوق وزارت معارف باید کارسازی نماید.

ماده ۴ - اشخاصی که هیچ يك از تصدیق نامه های مذکور در ماده دوم این قانون را ندارند و در تاریخ نشر این قانون از پنجسال کمتر در طهران مشغول طبابت بوده اجازه نامه بآنها داده نمیشود و از مداومت بشغل مزبور ممنوع خواهند بود.

در تاریخ ۲۸ شهریورماه ۱۳۰۶ قانونی راجع به اجازه نامه طبابت و در تاریخ دوم آذر ماه ۱۳۰۶ ماده الحاقیه قانون مذکور تصویب شده است.

ماده ۵۵ - اشخاصی که دارای هیچک از تصدیقاتهای مذکور در ماده دوم این قانون نیستند و بیش از پنج سال و کمتر از ده سال در طهران طبابت کرده اند اجازه نامه طبابت میتوانند بگیرند مشروط بر اینکه از تاریخ انتشار این قانون تا انقضاء مدت سه سال حاضر شوند که در حضور کمیسیون مخصوصی که بر طبق ماده هشتم این قانون در وزارت معارف منعقد میشود امتحان دهند یا آنکه تا مدت چهار ماه یکی از اسناد ذیل را بوزارت معارف ارائه دهند :

اولاً - تصدیق تحصیل و تلمذ در مطب یکی از اطباء معروف مشروط بر اینکه در آن تصدیق نامه ذکر شده باشد که دارنده آن لا اقل پنجسال بالاستمرار از تلامذه او بوده است .
ثانیاً - تصدیقنامه اطباء مریضخانه دولتی و امریکائی .

توضیح - تصدیقنامه های مذکور فقط تا چهار ماه بعد از نشر این قانون اعتبار خواهد داشت و وزارت معارف بر طبق آن اجازه نامه طبابت خواهد داد بعد از انقضاء آن مدت آن تصدیق نامهها از اعتبار خواهد افتاد و فقط اسناد مذکور در ماده دوم این قانون برای تحصیل اجازه نامه طبابت معتبر خواهد بود

ماده ۶۶ - اشخاصی که بیش از ده سال در طهران استمراراً مشغول طبابت بوده اند بهر حال حق دارند اجازه نامه طبابت بگیرند .

ماده ۷۵ - برای آنکه اشخاص مذکور در ماده پنجم و ششم این قانون بوزارت معارف معرفی شده اجازه نامه بگیرند از تاریخ نشر این قانون تا مدت چهار ماه کمیسیونی در وزارت معارف منعقد خواهد بود که اشخاص مزبور میتوانند خودشان را بآن کمیسیون معرفی نمایند و کمیسیون مزبور مرکب خواهد بود :
اولاً - از یک نفر از معلمین طب مدرسه دارالفنون .

ثانیاً - از یک نفر از اطباء مریضخانه دولتی .

ثالثاً - از یک نفر از اطباء مریضخانه آمریکائی

رابعاً - از یک نفر از اطباء معروف ایرانی .

ماده ۸۵ - از دو نفر نماینده وزارت معارف که یکی از آنان رئیس کمیسیون خواهد بود اشخاص مزبور را وزیر معارف تعیین خواهد نمود .

ماده ۸۶ - از تاریخ نشر این قانون تا مدت سه سال هر سال دو نوبت در بهار و پائیز يك کمیسیون در وزارت معارف منعقد خواهد شد برای اینکه مطابق ماده پنجم این قانون اشخاصی را که بیش از پنجسال و کمتر از ده سال در طهران طبابت کرده و هیچ نوع تصدیقی ندارند و خود را بکمیسیون مذکور در ماده قبل معرفی نموده اند بمعرض امتحان در آورند کمیسیون مزبور مرکب خواهد بود :

اولاً - از معلمین رسمی طبی دارالفنون .

ثانیاً - از چهار نفر از اطباء معروف .

ثالثاً - از یک نفر نماینده وزارت معارف که رئیس کمیسیون خواهد بود .

تعیین اشخاص مذکور با وزارت معارف است .

ماده ۹۴ - اشخاصی که تا تاریخ نشر این قانون در ولایات مشغول طبابت بوده یا در طهران و ولایات دندانسازی میکردند باید تا یکسال بعد از نشر این قانون خود را بوزارت معارف معرفی کرده برای مداومت بشغل مزبور اجازه نامه تحصیل نمایند لیکن پس از انقضای يك سال در هیچک از نقاط ایران به هیچکس اجازه نامه طبابت و دندان سازی داده نخواهد شد مگر بموجب اسناد مذکور در ماده دوم این قانون .

ماده ۱۰۰ - هر کس بر خلاف مقررات مواد فوق بشغل طبابت مشغول شود

در نوبت اول اخطار می شود و در نوبت دوم چهار ماه محسوس و در

نوبت سوم یکسال محسوس خواهد شد .

ماده ۱۱ - بعد از انتشار این قانون هیچ طیبی برای امور صحه و طیبه در ادارات دولتی مستخدم و اجیر نخواهد شد مگر اینکه بموجب اسناد مذکور در ماده دوم دارای اجازه نامه طبابت باشد.

ماده ۱۲ - نسخه رمز کلّیه ممنوع است و هر طیبی که نسخه رمز بدهد مجازات او چهار ماه حبس خواهد بود.

ماده ۱۳ - وزارت داخله مراقب خواهد بود که مدلول ماده اول این قانون از چهار ماه بعد از نشر آن در طهران و از یکسال بعد از نشر آن در ولایات بموقع اجرا گذاشته شود.

قانون

الغای مالیات نمک

مصوبه ۳ جمادی الاخری ۱۳۲۹

ماده واحده - مجلس شورای ملی قانون مورخه ۳ ربیع الاول ۱۳۲۸ راجع بانحصار نمک را نسخ مینماید.

قانون

تشکیل ترتیبات مالیاتی مملکت ایران

مصوبه ۱۵ جمادی الثانیه ۱۳۲۹ قمری

ماده ۱ - خزانه دار کل ممالک محروسه ایران مأمور نظارت مستقیم و واقعی تمام معاملات مالیاتی و پولی دولت ایران است و این معاملات شامل اخذ تمام عایدات از هر قبیل و تفتیش و محاسبات تمام مخارج دولتی میباشد.

⊗ رجوع بصفحه ۲۴۲

⊗ این قانون معروف به (قانون ۲۳ جوزا) و بموجب قانون (نسخ قانون ۲۳ جوزا) مصوب ۲۶ حوت ۱۳۳۳ قمری نسخ شده است

ماده ۲ - خزانه دار کل مکلف است تشکیلات ذیل را در وزارت عالیه برقرار نماید: (۱) اداره کل دریافت مالیات و عوارض و عایدات دولتی از هر قبیل اعم از مالیاتها و عوارض موجوده با مالیاتها یکجه در آئینه برقرار خواهد شد

(۲) اداره کل تفتیش و نظارت و محاسبات کلیه عایدات و مخارج مصوبه و نگاهداری دفتر های راجعه به آنها.

(۳) اداره کل معاملات نقدی که کلیه معاملات دولت با بانک و اعمال راجعه بضرر سکه و صرافی Change و استقراض و مرابحه و استهلاك و استحقاق و امتیازات و قرار داد های مالی اعم از اینکه قرار دادهای مزبور عایداتی برای دولت تحصیل نموده یا متضمن تعهدات مالی از طرف دولت باشد با رعایت قوانین مقرر راجعه به آن اداره خواهد بود

ماده ۳ - خزانه دار کل در هر یک از ادارات سه گانه مذکور در ماده دوم دوایر و شعباتی را که برای جریان امور آنها لازم بداند دایر خواهد نمود.

ماده ۴ - بعد از دایر نمودن تشکیلات مرکزی لئی الاقتصا خزانه دار کل تشکیلاتی را که برای اداره کردن مالیات در هر یک از ولایات لازم بداند برقرار خواهد کرد.

ماده ۵ - خزانه دار کل مأمور نگاهداری خزانه مملکت است و هیچیک از مخارج دولتی بدون امضا (در حوالجات مستقیم) و با تصدیق او (در حوالجات اعتباری) پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۶ - خزانه دار کل نظامنامه هائی را که برای اجرای اصلاحات مالیاتی مذکور در مواد فوق لازم است تدارک نموده و نظامنامه های مذکور بعد از آنکه به اعضای وزیر مالیه رسید و اعلان شد لازم الاجرا خواهد شد.

ماده ۷ - برای تشکیل هیئت مخصوص تفتیش مبلغ شصت هزار تومان بخرانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مزبوره مستخدمین جدید یا کتترات لازم شود - ترات آن موافق معمول به مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد شد.

ماده ۸ - تهیه بودجه مملکتی که باید از طرف دولت به مجلس شورای ملی پیشنهاد شود یکی از تکالیف خزانه دار کل خواهد بود و تمام وزارتخانه ها و مستخدمین دولتی مکلف هستند اطلاعاتی را که متعارف الیه لازم دارد بلا تاخیر تهیه و تسلیم نمایند.

ماده ۹ - خزانه دار کل مکلف است هر نوع صرفه جوئی که مقتضی باشد در مصارف و معاملات دولتی بعمل آورد و این یکی از تکالیف حتمیه او است.

ماده ۱۰ - خزانه دار کل مکلف است هر سه ماه یک مرتبه راپرت مفصّلی در خصوص وضع مالیاتی مملکت تهیه و بدولت پیشنهاد نماید.

ماده ۱۱ - خزانه دار کل مطالعات لازمه را در اصلاحات قوانین موجوده مالیه و ایجاد

منابع جدید عایدات که مقتضی و مناسب مملکت باشد مینماید که بتوسط هیئت دولت بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود .
ماده ۱۳ - اختیار اجزای اداری که بموجب مواد فوق در تحت ریاست خزانه دار کل دایر میشود با خود مشارالیه است .

قانون

تعرفه مخابرات تلگرافی

مصوبه ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۹ قمری

۱۵۵۱ - قیمت غایرات تلگرافی در تمام خاک ایران بخط فارسی تا ده کلمه اول دو هزار و ده شاهی و بعد هر کلمه پنج شاهی است .

ماده ۳ - پرداخت قیمت غایرات تلگرافی اعم از سؤال یا جواب بعهده تسلیم کننده صورت تلگراف است .

ماده ۴ - سؤال کننده میتواند مطالبه جواب کند در صورتیکه هنگام شماره سؤال قیمت هر عده کلمه را که برای جواب خود کافی میداند بدفتر تلگراف تحویل نماید که اول آن ده کلمه خواهد بود تلگراف خانه در آن صورت مکلف است عده کلماتی که وجه آن دریافت شده بمخاطب اعلام نماید .

ماده ۴ - هر گاه بعد از انقضای مدت پانزده روز جواب نرسید اداره قیمت جواب را بسؤال کننده رد خواهد کرد و پس از آن اگر مخاطب بخواهد جواب بدهد باید از عهده قیمت بر آید .

ماده ۵ - اداره تلگراف در برابر قیمت غایرات معادل وجهی که دریافت میدارد نمبر روی قبض که بحامل میدهد الصاق خواهد نمود که نصف آن روی قبض و نصف روی سوش (ته ورق کتابچه) خواهد بود .

ماده ۶ - قیمت قبض تلگرافی پنجشاهی است .
ماده ۷ - در مواقعی که اداره تلگراف بتواند قبول غایرات فوری و حضوری نماید قیمت غایرات حضوری دو برابر و غایرات فوری سه برابر تلگرافات معمولی است .

ماده ۸ - مدلول ماده سوم و چهارم و هفتم در روی تمام اوراق تلگرافی بطبع خواهد رسید .

ماده ۹ - اسم مقصد جزو کلمات محسوب میشود .

ماده ۱۰ - اشخاصی که خواسته باشند میتوانند آدرس خود را بطور اختصار باداره تلگراف معرفی نمایند و در این صورت اداره تلگراف مبلغ سه تومان سالیانه برای ثبت آدرس دریافت خواهد داشت .

ماده ۱۱ - قیمت غایرات تلگرافی بخط لاتین بهر زبانی که باشد در داخله مملکت تا ده کلمه اول سه هزار و ده شاهی است و بعد هر کلمه هفت شاهی است و در صورتی که عده کلمات معلوم نباشد هر دوازده حرف يك کلمه محسوب خواهد شد .

ماده ۱۲ - مواد این قانون شش ماه پس از امضاء در تمام مملکت مطابق نظامنامه اداری وزارت تلگراف بموقع اجرا گذاشته میشود و تمام مقررات سابق راجع باین مواد منسوخ خواهد شد .

ماده ۱۳ - غایرات تلگرافی سوای غایرات سلطنتی مجانی نخواهد بود و وجه گرفته میشود ولی برای هر وزارتخانه و انجمن های ایالتی و ولایتی مبلغی اعتبار داده میشود که اگر از آن مبلغ زیاد شد وجه آن را بدهند

ماده ۱۴ - برای اخذ سواد هر تلگراف موافق قوانین مقرر از هر يك کلمه

تا صد کلمه اداره تلگراف مبلغ دو هزار دینار دریافت میدارد .

ماده ۱۵ - هرگاه سواد تلگراف از یکصد کلمه تجاوز کرد بهر یکصد کلمه پانصد دینار دریافت خواهد شد .

تفسیر ماده هفتم

متمم قانون وظایف

مصوبه ۲۱ شهر رجب ۱۳۲۹ قمری

مقصود از حقوق شخصی وراثت که در ماده هفتم قانون وظایف ذکر شده اعم از حقوق نقدی تنها یا حقوق جنسی تنها یا حقوق نقدی و جنسی به ضمیمه یکدیگر است و ترتیب تقویم حقوق جنسی بنحوی است که در ماده هشتم قانون وظایف مقرر است

قانون

حکومت نظامی

مصوبه ۲۷ سرطان ۱۳۲۹ قمری

ماده ۱۵۵ - از وقتی که اعلان حکومت نظامی شود اموری که راجع به امنیت و آسایش عمومی است با تصویب هیئت وزراء بتوسط وزارت جنگ اجرا خواهد شد

ماده ۳۵۵ - باید محاکم نظامی موقتی تشکیل داده شود که با سرعت و شدت در تقصیرات و اقداماتی که بر ضد امنیت و آسایش عمومی است رسیدگی نمایند

⊛ رجوع بصفحه ۲۴۷ قانون (متمم قانون وظایف)

ماده ۴ - تمام حکام محاکم نظامی باید اهل نظام باشند

ماده ۴۰۵ - اشخاصیکه عملاً بر ضد دولت مشروطه و امنیت و آسایش عمومی

اقدام و خیانت آنها مدلل شده باشد محکوم بقتل خواهند بود

ماده ۵۵۵ - اشخاصی که سوء ظن مخالفت با دولت مشروطه و امنیت و انتظام عمومی در حق آنها بشود قوه مجریه حق توقیف آنان را خواهد داشت و پس از توقیف باستنطاق آنان شروع می شود هرگاه در استنطاق سوء ظن بکلی رفع نشود شخص مظنون در توقیف باقی و بعد از اختتام حکومت نظامی بدلیه تسلیم خواهد شد

ماده ۶۵۵ - هرگاه هیئت حاکمه محاکم نظامی تخفیف مجازات مقصری را مقتضی بدانند این حق را خواهند داشت که به توسط وزراء مشول از مقام نیابت سلطنت تخفیف مجازات شخص مقصر را درخواست نمایند و غیر از هیئت حاکمه احدی حق این توسط را نخواهد داشت

ماده ۷۵۵ - مامورینی که تابعین شهر بعهده آنان واگذار است در صورت سوء ظن حق دخول بمنازل و اجرای تحقیقات خواهند داشت در صورت مقاومت و مخالفت جبراً میتوانند داخل شوند و مخالف و مقاوم قهراً دستگیر و موافق حکم محکمه نظامی قویاً سیاست خواهد شد

ماده ۸۵۵ - روزنامه جات و مطبوعات اگر بر ضد اقدامات دولت انتشاراتی بطبع رسانند نمرات روزنامه و اداره روزنامه توقیف خواهد شد در صورتی که تحریک بحدیث دولت شده باشد متصدیان یا مدیران آنها موافق حکم محکمه نظامی مجازات خواهند شد .

ماده ۹۵۵ - مجازاتی که در حق مستخدمین دولت و کسانی که متصدی امور دولتی

بوده اند مقرر میشود قابل تخفیف نیست

ماده ۱۰ - اجتماعات و انجمن ها در مدت حکومت نظامی باید بکلی موقوف و متروک باشد اگر اجتماعی منعقد شود بمجرد اخطار اولی پلیس باید متفرق شوند و در صورت مقاومت یا مخالفت مقاوم یا مخالف جلب به محکمه نظامی و محکوم بمجازات خواهد شد هرگاه اجتماعات مزبوره کلاً یا بعضاً مسلح باشد مقارن همان اخطار اولی حاملین اسلحه توقیف و موافق حکم محکمه نظامی مجازات میشوند

ماده ۱۱ - حمل اسلحه از هر قبیل جز برای مأمورین دولت که مأمور نظم و امنیت عمومی هستند اکیداً ممنوع است هرگاه سلاحی در دست کسی غیر از مأمورین دولت دیده شود اسلحه ضبط دولت و حامل آن موافق حکم محکمه نظامی مجازات میشود.

ماده الحاقیه اول - مأمورینی که افشای اسرار تلگرافی و کتبی دولت را بنمایند جلب بمحکمه نظامی شده قویاً سیاست خواهند شد

ماده الحاقیه دوم - حکومت نظامی شامل نقاطی خواهد شد که دولت در آن نقاط اعلان حکومت نظامی را لازم بداند.

قانون

حقوق وراثت متوفیات کمتر از دو تومان

مصوبه ۱۷ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۹ قمری

ماده واحده - حقوق سهمی هر يك از وراثت که تقدماً جنساً در سال از دو تومان تجاوز نکند وزارت معالیه از طرف دولت پنج برابر مبلغ آنرا تقدماً بدون کم و کسر ب وراثت داده و آن حقوق را ابدی ضبط مینماید.

قانون

اجازه افتتاح نه باب مدرسه ابتدائیه

مصوبه ۲۸ سنبله مطابق ۲۶ رمضان ۱۳۲۹ قمری

ماده ۱ - نه مدرسه ابتدائی که هر يك دارای شش کلاس خواهد بود بشرح ذیل در مرکز طهران و مراکز ایالات اربعه تأسیس میشود
طهران (۵ باب) - شیراز (باب) - تبریز (باب) - مشهد مقدس (باب) - کرمان (باب)

برای هر يك باب از پنج باب مدرسه طهران دو بست و پنجاه تومان که یک هزار و دو بست و پنجاه تومان است و برای هر يك از مدارس مراکز ایالات دو بست تومان از طرف دولت داده میشود

ماده ۲ - در کلیه کلاس های مدارس ابتدائی دولتی پسران نظر بحال فقراء نصف از شاگردان بمانی و نصف دیگر با اجرت مختصری که در ماده سوم مذکور است قبول میشوند.

ماده ۳ - اجرتی که از شاگردان مدارس ابتدائی دولتی گرفته می شود از این قرار است.

در کلاس اول و دویم سالیانه شش تومان - کلاس سوم و چهارم نه تومان کلاس پنجم و ششم دوازده تومان - و این جمله ب سه قسط گرفته میشود

ماده ۴ - عده شاگردان هر کلاس متجاوز از سی نفر نخواهد بود.

ماده ۵ - عایدات مدارس مزبوره ابتدائیه تحویل وزارت معالیه شده بتصویب شورای معارف بمصرف تکمیل و توسعه مدارس ابتدائیه میرسد



در جلسه نهم شوال المکرم مطابق دهم میزان ۱۳۲۹ نسبت بمقرری مصوبه ماده اولی معین و مبرهن شد که دو بیست و پنجاه تومان و دو بیست تومان که از طرف دولت داده میشود ماهیانه است

قانون

انتخابات مجلس شورای ملی
مصوب ۲۸ شهر شوال المکرم مطابق ۲۹ میزان ۱۳۲۹ قمری

فصل اول

عده نمایندگان و تقسیم آنان بایالات و ولایات

ماده ۱ - عده نمایندگان ملت برای مجلس شورای ملی در مملکت ایران یکصد و سی و شش نفر است

ماده ۲ - تقسیم نمایندگان ملت نسبت بجمعیت تخمینی ولایات از قرار شرح جدولی است که بآخر این قانون منضم شده است

فصل دوم

شرایط انتخاب کنندگان

ماده ۳ - انتخاب کنندگان باید دارای شرایط ذیل باشند

اول - تبعه ایران باشند

دویم - لااقل بیست سال داشته باشند

سوم - در حوزه انتخابیه متوطن یا لااقل از شش ماه قبل از موقع انتخاب در آنجا ساکن باشند

§ قسمتی از مواد قانون فوق بموجب قانون (نسخ و اصلاح قسمتی از مواد قانون انتخابات) مصوب ۱۳۰۴ شمسی (دوره پنجم تقنینیه) اصلاح و ماده بندی آن تغییر نموده است

ماده ۴ - کسانی که از حق انتخاب کردن محرومند

اول - نسوان

دویم - کسانی که خارج از رشد و آنها که در تحت قیمومت شرعی هستند .

سوم - تبعه خارجه

چهارم - اشخاصیکه خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع شرایط بثبوت رسیده باشد .

پنجم - اشخاصیکه کمتر از بیست سال دارند

ششم - ورشکستگان بتقصیر

هفتم - متکدبان و اشخاصیکه بوسائل بیشر فانه تحصیل معاش مینمایند

هشتم - مرتکبین قتل و سرقت و سایر مقصرتی که مستوجب حدود قانونی

اسلامی شده اند

نهم - مقصرین سیاسی که برضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و

اقدام کرده اند

ماده ۵ - کسانی که بواسطه شغل و مقام خود از انتخاب کردن محرومند

اول - اهل نظام بری و بحری باستانی صاحب منصبان اقتخاری

دوم - صاحب منصبان و اجزای امنیه و نظمی در محل خدمت

فصل سوم

شرایط انتخاب شوندگان

ماده ۶ - انتخاب شوندگان باید دارای صفات ذیل باشند

اول - متدین بدین حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله باشند مگر اهل

دیانت از نمایندگان ملل متنوعه (مسیحی و زردشتی و کلیمی)

دوم - تبعه ایران باشند .

سوم - خط و سواد فارسی باندازه کافی داشته باشند .

چهارم - در محل انتخاب معروف باشند .

پنجم - سن ایشان کمتر از سی و زیاده از هفتاد سال نباشد .

ششم - معروف بامانت و درستکاری باشند .

ماده ۷ - اشخاصی که از انتخاب شدن محرومند :

اول - شاهزادگان بلا فصل (ابناء و اخوان و اعمام پادشاه) :

دوم - نسوان .

سوم - تبعه خارجه .

چهارم - مستخدمین امنیه و نظمیه و اهل نظام بری و بحری باستانی صاحبمنسبان

افتخاری .

پنجم - حکام کل و جزو و معاونین ایشان در قلمرو مأموریت خود .

ششم - سایر مستخدمین دولتی قابل انتخاب هستند بشرط آنکه پس از انتخاب

برای مدت نمایندگی از شغل خود استعفاء دهند .

ششم - ورشکستگان بتقصیر .

هفتم - مرتکبین قتل و سرقت و سایر مقصرینی که مستوجب حدود قانونی

اسلامی شده اند .

هشتم - متجاهرین بفسق و اشخاصی که فساد عقیده دینی و خروجشان از دین

حنیف اسلام در نزد یکی از حکام شرع جامع الشرائط ثابت و یا بشیاع رسیده باشد .

نهم - مقصرین سیاسی که بر ضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام

و اقدام کرده اند .

فصل چهارم

در تشکیل انجمن نظارت

ماده ۸ - در مرکز هر حوزه انتخابیه مطابق صورتیکه در جدول منضم باین

قانون معین شده حکومت محل انجمنی باسم انجمن نظارت انتخابات موقتاً تشکیل می

دهد که متصدی ومسئول صحت انتخابات باشد و اگر تمام اهالی يك حوزه انتخابیه

نشانند در مرکز حوزه حاضر شده انتخابات را بعمل آورند انجمن نظارت مرکزی

با تصویب حکومت در نقاط لازمه انجمنهای نظارت جزو تشکیل خواهد داد که

متصدی انتخابات شوند .

ماده ۹ - در محل هایی که انجمن ایالتی یا ولایتی قانوناً برقرار است انجمن

نظارت مرکب خواهد بود از سه نفر از اعضای انجمن ایالتی یا ولایتی بان انتخاب خود

انجمن و چهار نفر از مردمان معروف به امانت و با سواد از طبقات اربعه علماء و

تجار و اصناف و اعیان و ملاکین به تعیین حاکم - انجمن نظارت انتخابات در هر محل

در تحت نظارت حاکم محل خواهد بود .

ماده ۱۰ - در جاهائیکه انجمن ایالتی و ولایتی نیست انجمن نظارت انتخابات

مرکب خواهد بود از سه نفر از معتمدین اهل محل بعلاوه چهار نفر از طبقات اربعه

مذکور در ماده هشتم بتعیین حکومت .

ماده ۱۱ - انجمن نظارت از میان اعضای خود یک نفر رئیس و يك یا دو نفر

منشی انتخاب مینماید .

ماده ۱۲ - انجمن نظارت دو هفته بعد از انجام انتخابات حوزه انتخابیه

متفرق میشوند .

فصل پنجم
طریق انتخابات

ماده ۱۳ - انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی در کلیه مملکت ایران بطور یکدگرجه و مستقیم است.

ماده ۱۴ - در محلهائیکه موافق تقسیم انتخابات حق انتخاب یکفر نماینده دارند انتخاب فردی عمل میشود و در محلهائیکه بیش از یکفر نماینده باید انتخاب نمایند انتخاب جمعی خواهد بود.

توضیح - مراد از انتخاب جمعی آنست که هر يك از انتخاب کنندگان در ورقة رأی بعد از مجموع انتخاب شوندگان آن محل اسامی اشخاص مینویسند و مراد از انتخاب فردی آنست که هر يك از انتخاب کنندگان در ورقة رأی اسم يك شخص را مینویسند.

ماده ۱۵ - انتخاب نمایندگان با کثرت نسبی است.

ماده ۱۶ - در صورت تساوی آراء بین دو یا چند نفر هر عده که عمل حاجت باشد بحکم قرعه معین میشود.

ماده ۱۷ - ایلات عمدتاً موافق حوزه بندی انتخابات هر کدام يك نماینده مستقیماً بعضویت مجلس شورای ملی میفرستند و سایر ایلات که اسم آنها برده نشده در جزو هر حوزه که هستند رأی خواهند داد.

ماده ۱۸ - در هر يك حوزه انتخابیه که چندین نقطه آن در انتخابات شرکت دارند هر گاه بعضی از آن نقاط در مدتی که انجمن مرکزی در حدود همین قانون معین می کند انتخابات خود را بعمل نیاورند حق انتخاب آنان ساقط میشود و انتخابات سایر نقاط آن حوزه معتبر است.

ماده ۱۹ - هر يك از انتخاب کنندگان زیاده بر يك مرتبه حق رأی دادن ندارند مگر در صورتیکه تجدید انتخاب لازم شود.

ماده ۲۰ - انتخاب کنندگان مجبور نیستند نماینده خود را از ساکنین محل خود انتخاب کنند.

فصل ششم

کیفیت دادن تعرفه برای تشخیص انتخاب کنندگان

ماده ۲۱ - انجمن نظارت اعلانی مرتب نموده بمناسبت اهمیت محل از ده روز الی يك ماه قبل از موعد انتخاب اشاعه میدهد اعلان مزبور مطالب ذیل را دارا خواهد بود.

اول - شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان.

دوم - محل و اوقاتی را که انجمن نظارت یا شعب آن ورقة تعرفه خواهد داد.

سوم - مکان و زمانیکه انجمن نظارت برای اخذ رأی حاضر خواهد بود.

چهارم - عده نمایندگان که صاحبان تعرفه باید منتخب نمایند.

ماده ۲۲ - اشخاصیکه شرایط انتخاب کردن را دارا هستند اگر در ظرف

مدتی که انجمن نظارت بجهت گرفتن تعرفه معین نموده است تعرفه نگیرند در آن انتخابات حق ایشان ساقط است.

ماده ۲۳ - تعرفه که به انتخاب کنندگان داده می شود محتوی فقرات ذیل

خواهد بود:

اول - نمره و تاریخ

دویم - اسم دارنده تعرفه و اسم پدر او و شغل و منزل او

سوم - زمان و مکانیکه دارنده تعرفه باید حاضر شده رأی خود را بدهد.

چهارم - ساعت افتتاح و اختتام مجلس انتخاب .

پنجم - مهر یا امضای اعضای انجمن نظارت

ماده ۲۴ - انجمن نظارت یا شعب آن تمام تعرفه هائی را که میدهد بترتیب نمره در کتابچه مخصوصی ثبت می کند .

فصل هفتم

در اخذ و استخراج آراء و تعیین انتخاب شدگان

ماده ۳۵ - بمناسبت اهمیت عمل مدت اخذ رأی از يك الى پنج روز خواهد بود بتعیین انجمن نظارت و پس از انقضای موعدهی که انجمن نظارت برای اخذ رأی معین میکند دیگر ورقه رأی از کسی قبول نخواهد شد

ماده ۳۶ - دادن رأی باید غفی باشد و باین جهت دارنده تعرفه قبل از ورود به مجلس انتخاب اسم يك یا چند نفر منتخبین خود را مطابق عده که اعلان شده است روی کاغذ سفید بسی نشان باید نوشته و پیچیده با خود داشته باشد

ماده ۳۷ - پس از حضور اعضای انجمن نظارت و افتتاح مجلس انتخاب در ساعتی که اعلان شده قبل از شروع به گرفتن اوراق رأی رئیس انجمن نظارت جعبه را که برای ضبط اوراق رأی معین شده است در حضور اعضای انجمن و حاضرین از انتخاب کنندگان باز نموده خالی بودن آن را می نمایاند آنگاه در حضور جمع درب جعبه غتموم شده اوراق رأی از شکافی که فوق جعبه است انداخته میشود

ماده ۳۸ - هر يك از دارندگان ورقه تعرفه پس از ورود بمجلس انتخاب در کمال آرامی تعرفه و ورقه رأی خود را یکی از اعضا که برای این کار معین شده

است میدهد گیرنده تعرفه نمره تعرفه را بصوت بلند میگوید تا منشی انجمن نمره را در کتابچه ثبت تعرفه پیدا کرده نشان کند پس از نشان کردن نمره گیرنده تعرفه آنرا ابطال نموده بصاحبش رد مینماید و ورقه رأی او را بدون نگاه کردن در جعبه انتخاب می اندازد صاحبان تعرفه با احتیاط مواردی که تجدید انتخاب لازم شود تعرفه باطله خودشان را محفوظ خواهند داشت

انتخاب کنندگان پس از دادن ورقه رأی و پس گرفتن تعرفه باطله در صورت تنگی جا و اختلال نظم و ترتیب انتخاب بامر رئیس از مجلس انتخاب خارج میشوند .
ماده ۳۹ - در محل هائی که انتخاب در یکروز تمام نمیشود در ختام مجلس آنروز تمام اعضا با احتیاطات لازمه جعبه و دفاتر را جمع بانتهای خود را بسته محفوظ گذاشته مهر کرده روز بعد همان اعضا آنرا باز میکنند .

ماده ۴۰ - بعد از اعلان انجام انتخاب رئیس انجمن جعبه انتخاب را در حضور اعضا و حاضرین از انتخاب کنندگان خالی نموده امر باستخراج آراء مینماید .

ماده ۴۱ - یکی از اعضا اوراق انتخاب را شمرده عده آن را با عده رأی دهندگانی که نمره تعرفه آنها در کتابچه ثبت تعرفه نشان شده است تطبیق میکند در صورت زیادتی اوراق رأی بعد از اوراق زاید از کلیه برداشته شده باطل میشود و نتیجه در صورت مجلس نوشته میشود

ماده ۴۲ - اوراق انتخاب را یکی از اعضا بصوت بلند يك يك خوانده بيك نفر دیگر از اعضا می دهد و سه نفر دیگر از اعضا اسامی را برتیبی که خوانده میشود مینویسند .

ماده ۴۳ - هرگاه در اوراق انتخاب زیاده یا کمتر از عده معینه اسامی نوشته باشند تقصی در امر انتخاب حاصل نخواهد شد در صورت اول آن عده اسامی که زیاد نوشته شده از آخر ورقه خوانده نمیشود .

ماده ۳۴ - از اوراق رأی آنچه سفید یا لایقره باشد یا آنکه صحیحاً معرفی انتخاب شده را نکند یا امضاء انتخاب کننده را نداشته باشد یا بیش از يك ورق باشد محسوب نخواهد شد ولی عیناً ضمیمه صورت مجلس میشود.

ماده ۳۵ - بلافاصله بعد از شماره و استخراج آراء رئیس نتیجه را بصورت بلند اعلام می نماید اوراق انتخاب را تا موقع انحلال انجمن نظارت محفوظ میدارند و در آن هنگام در محضر حکومت و حضور جمعی از وجوه محل اوراق مذکور را معبوم می کنند باستثنای آنها که در مواد قبل ذکر شده و باید ضمیمه صورت مجلس بشود.

ماده ۳۶ - در هر حوزه انتخابیه انجمنهای نظارت نقاط جزو صورت مجلس انتخابات خودشان را با مضای اعضای انجمن رسانیده بانجمن نظارت مرکزی حوزه انتخابیه می فرستند تا در آنجا با ملاحظه صورت مجلسهای انتخابات کلیه نقاط مشترک که آن حوزه تشخیص نماینده منتخب حوزه را بنمایند.

ماده ۳۷ - هر گاه بعضی از انجمنهای نظارت نقاط جزو صورت مجلس انتخابات خود را در مدتی که انجمن مرکزی برای آنها معین کرده بانجمن مزبور نفرستادند انجمن مرکزی انتخابات آن حوزه را خاتمه داده نتیجه را معین می کند ولی این امر مانع از حق شکایت رای دهندگان آن نقاط نخواهد بود.

ماده ۳۸ - منشی انجمن نظارت مرکزی صورت مجلس انتخابات را در سه نسخه حاضر کرده بمهر حکومت و با مضای اعضای انجمن نظارت رسانیده يك نسخه بحکومت نسخه دیگر بتوسط حکومت و وزارت داخله بمجلس شورای ملی و نسخه ثالث با کتابچه ثبت اوراق تعرفه بانجمن ایالتی یا ولایتی عمل میفرستد.

ماده ۳۹ - اشخاصی که ورقه تعرفه ندارند حق ورود بمجلس انتخاب ندارند.

ماده ۴۰ - ورود در عوطه انتخاب یا داشتن اسلحه اکیداً ممنوع است.

ماده ۴۱ - اسامی انتخاب شده گان بعد از اتمام انتخابات از طرف حاکم محل اعلان میشود.

ماده ۴۲ - نمایندگان که بعضویت مجلس شورای ملی انتخاب میشوند باید بمهر یا امضاء اعضاء انجمن نظارت و حکومت محل اعتبار نامه در دست داشته تسلیم دفتر مجلس شورای ملی نمایند.

ماده ۴۳ - مادام که منتخبین اعتبار نامه نمایندگی نگرفته اند هر گاه یکی از ایشان فوت شود یا قبول نمایندگی ننماید از بقیه منتخبین کسی که نسبتاً حائز اکثریت است بنمایندگی معین میشود ولی پس از دریافت اعتبار نامه باید مطابق ماده (۵۲) همین قانون عمل شود.

فصل هشتم

در شکایات راجعه بانتخابات

ماده ۴۴ - اگر از انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان کسی در بین انتخابات شکایت یا ایرادی راجع بانتخابات داشته باشد مانع از انجام انتخاب نخواهد شد ولی شرح آن شکایت باید در صورت مجلس درج شود.

ماده ۴۵ - انجمن نظارت بعد از ختم انتخابات تا یک هفته شکایات راجع به انتخابات را می پذیرد پس از آن پذیرفتن شکایات را ختم کرده در ظرف یک هفته دیگر بشکایات واصله رسیدگی مینماید.

ماده ۴۶ - متشکیان از انتخابات یا از انجمن نظارت می توانند پس از افتتاح مجلس شورای ملی شکایات خود را در ظرف ماه اول بمجلس شورای ملی اظهار نمایند و حکم مجلس شورای ملی قاطع خواهد بود شکایات راجعه بانتخاباتی که بعد از افتتاح مجلس شورای ملی بعمل می آید باید در ظرف ماه اول بعد از انحلال انجمن نظارت بمجلس شورای ملی اظهار شود.

ماده ۴۷ - انتخاباتیکه مبنی بر تهدید یا تطمیع بوده باشد از درجه اعتبار ساقط است و تهدید و یا تطمیع کننده از سه ماه الی يك سال محبوس میشود و برای يكالی دو دوره انتخابیه از حق انتخاب محروم خواهد بود.

ماده ۴۸ - حق اعتراض بر انتخابات را اشخاصی دارند که حق انتخاب کردن را داشته باشند.

فصل نهم

مواد مختلفه

ماده ۴۹ - همینکه نصف بعلاوه يك نفر از نمایندگان ملت در طهران حاضر شدند مجلس شورای ملی افتتاح می یابد و رای ایشان با کثرت مناط اعتبار و مجری است

ماده ۵۰ - مدت دوره تقنینیه دو سال شمسی است و ابتدای آن از روزی است که مجلس شورای ملی افتتاح میشود

ماده ۵۱ - مخارج مسافرت نمایندگان را از محل انتخاب الی طهران ذهاباً و ایاباً از قرار فرسخی پنجقران دولت ادا می کند مخارج لازمه متعلقه بانتخابات را به اطلاع حکومت دولت می پردازد

ماده ۵۲ - هر گاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی استعفا دهد یا فوت شود اگر بیش از سه ماه به آخر دوره تقنینیه باقی باشد اهل محل بجای او انتخاب خواهند کرد ولی اگر اهل محل در ظرف سه ماه از زمان اخطار نماینده خود را انتخاب نکردند مجلس شورای ملی يك نفر را عوض نماینده مستعفی یا متوفی انتخاب می کند

ماده ۵۳ - سه ماه بآخر هر دوره تقنینیه مانده از طرف دولت اعلان شروع بانتخابات جدید داده خواهد شد و مردم می توانند هر يك از منتخبین سابق را اگر بخواهند دو باره انتخاب کنند .

اسامی ولایات و ایالات	اسامی نقاط جزو هر حوزه	تعداد نمایندگان	مرکز انتخابیه
آذربایجان - نوزده نفر	تبریز ، اوجان عباس ، مهرانه رود ، دهخوارقان ،	۹ نفر	تبریز
	کوکان ، عجب شیر ، ارومق و انزاب ، الان براغوش ،		
	هشتگرد		
	اردبیل ، مشکین و آستارا ، نمین و لکج خلخال ، اجارود	۲	اردبیل
سراب - کرم رود	قراچه داغ و ایلات ، خانرود - بدوستان	۱	اهر
	مرآغه - بناب - چهار اویدای و ایلات ، میوند و آب ، افشار	۲	مرآغه
	چهار دولی - صائن قلعه		
ارومی و توابع	ساوجبلاغ مکری ، ساندوز	۱	ساوجبلاغ
	ارومی و توابع	۱	ارومیه
خوی ، ماکو ، سلماس ، مرند - کرکریکانات		۲	خوی

اسامی ولایات و ایالات	اسامی نقاط جزو هر حوزه	مرکز انتخابیه	تعداد نمایندگان
استرآباد - بکفر	استرآباد و توابع و بندر جز	استرآباد	۱ نفر
اصفهان - دینپور	اصفهان، بر خوار، مارین، بروچی رود، قهاب، کراچ برا آن، رود شتین - اردستان، مهاآباد، قهیاپه	اصفهان	۳
	قمش، سمیرم، جرقویه، ابرقوه - لنجان، دهاقان، اسفرجان	قمش	۱
	فریدن، چهار محال، نجف آباد، کرون، دحق	نجف آباد	۱
بروجرد و اردستان ۴ نفر	بروجرد، سیلاخور، جایلق، بختیاری، چهار لنگ	بروجرد	۲
	خرم آباد، بیشکوه، پشتکوه	خرم آباد	۲

اسامی ولایات و ایالات	اسامی نقاط جزو هر حوزه	مرکز انتخابیه	تعداد نمایندگان
خراسان و سیستان - ۱۵ نفر	مشهد، چناران، رادکان - پیوه ژن، گلکان و شاندریز، درزاب، اردم، میان ولایت، سرجام، تبادکان، جولانی خانه، اخومه، جام - باخرز	مشهد	۴ نفر
	کلوت، دره جز، سرخس	دره جز	۱
	ترشیز، کوه سرخ، بجستان	ساقان آباد	۱
	سبزوار، مزینان، جوین، بام، صفی آباد، سرولافت	سبزوار	۲
	تریت حیدریه و بلوکات و مهولات خوافین	تریت	۱
	نیشابور و توابع	نیشابور	۱
	قوجان و شیروان	قوجان	۱
	بجنورد و اسفراین و جاجرم	بجنورد	۱
	طیس، تون، بشرویه، گنا باد	تون	۱
	قاینات - خوسف - نهبندان طیس مسینا	بیرچند	۱
سیستان	سیستان	۱	

اسامی ولایات و ایالات	اسامی نقاط جزو هر حوزه	مرکز انتخابیه	عده نمایندگان هر حوزه
خمسه ۳ نفر	زنجان و توابع ، حومه سلطانیه ، ابهر رود ، طارمات ، افشار ، اریاد ، انگوران ، دیرین و سایر بلوکات	زنجان	۳ نفر
سمنان و دامغان - یکنفر	سمنان ، دامغان ، جندق ، بیابانک	سمنان	۱ نفر
ساوه و زرنده یک نفر	ساوه - زرنده - خلجستان - مزلفانچای و توابع	ساوه	۱ نفر
شاهرود و بسطام - یکنفر	شاهرود - بسطام - نردین و توابع	شاهرود	۱ نفر
تهران ، کن ، سولقان ، لواسانات ، شمیرانات ، قصران ، لورا ، شهرستانک و سایر توابع -	تهران ، کن ، سولقان ، لواسانات ، شمیرانات ، قصران ، لورا ، شهرستانک و سایر توابع -	تهران	۱۲ نفر
غان ، فشافویه	غان ، فشافویه	خرنوبندالمظیم	۱ نفر
خوار ، ورامین	خوار ، ورامین	ایوانکی	۱ نفر
شهریار ، ساوجبلاغ ، اشتهارد ، یرقان ، فشدند	شهریار ، ساوجبلاغ ، اشتهارد ، یرقان ، فشدند	گردان	۱ نفر

اسامی ولایات و ایالات	اسامی نقاط جزو هر حوزه	مرکز انتخابیه	عده نمایندگان هر حوزه
دماوند و فیروز کوه	دماوند ، فیروز کوه	دماوند	۱ نفر
سازمان - دو نفر	سلطان آباد ، کزاز ، فراهان ، خلجستان ، نهرش ، آشتیان ، گرگان ، سرا ، بزچلو ، سربند ، و فس	سلطان آباد	۲ نفر
دزفول - چهار نفر	دزفول و توابع	دزفول	۱ نفر
شوشتر - چهار نفر	شوشتر و ناصری و توابع	شوشتر	۱ نفر
محمدره - چهار نفر	محمدره و فلاحیه و جراحی و سایر بناادر	محمدره	۱ نفر
بنی طرف - چهار نفر	بنی طرف و حویزه و بساتین	بنی طرف	۱ نفر
شیراز ، سروستان ، کوم ، زرقان ، دشتک ، ارسنجان ، مرودشت ، نیریز ، اصطهبانات ، کازرون ، خشت ، بیضا ، اردکان	شیراز ، سروستان ، کوم ، زرقان ، دشتک ، ارسنجان ، مرودشت ، نیریز ، اصطهبانات ، کازرون ، خشت ، بیضا ، اردکان	شیراز	۵ نفر
فسا ، داراب	فسا ، داراب	فسا	۱ نفر

اسامی ولایات و ایالات	اسامی نقاط جزو هر حوزه	مرکز انتخابیه	عده نمایندگان هر حوزه
قم - بکفر	آباد ، افلید ، بوانات	آباد	۱ نفر
	بهبهان ، کوه کاویه ،	بهبهان	۱ نفر
	بوشهر ، برازجان ، خورموج ، شبانکاره ، تنگستان	بوشهر	۲ نفر
	لار ، لنگه ، بستک	لار	۱ نفر
	عباسی ، میناب ، فورك ، طارم	عباسی	۱ نفر
	چهرم ، فیروز آباد ، فراه بند	چهرم	۱ نفر
قزوین - دربار	قزوین ، طالقان ، خرقان ، افتخاریکشاو ، الموت ، رودبار ، بلوک زهرا ، و ایالات و غیره	قزوین	۲ نفر
	قم و توابع	قم	۱ نفر
کاشان دوتنفر	کاشان و نطنز و جوشقان و توابع	کاشان	۲ نفر

اسامی ایالات و ولایات	اسامی نقاط جزو هر حوزه	مرکز انتخابیه	عده نمایندگان هر حوزه
کرمانشاه - بکر	سنندج ، تپلاق ، اسفند آباد ، چهار دیوان ، حسین آباد ، قرانوره ، ساران ، هوماتو ، کلانترزان ، کوماشی ، مریوان ، اورامان ، تخت زادم ، کاردود ، مور مور ، بیلوار ، امیر آباد ، جوانرود ، اورامان لهون ، روانسر	سنندج	۳ نفر
	شادی آباد	سنندج	۳ نفر
	سقر ، بانه ، خور خوره ، تیلکوه	سقر	۱ نفر
کرمانشاه - چهار بکر	کرمانشاه و اطراف - ماهیست ، درد فرامان - میاندر بند زیر دربند ، باده - جلال وند ، کهر ، ذهاب ، کرند ، قصر شیرین ، سنجایی ، گوزان ، سنقر ، کلپائی ، چمچال ، دنور ، هرسین ، بیستون ، صحنه ، کنگاور	کرمانشاهان	۴ نفر
	و سایر توابع	کرمانشاهان	۴ نفر
کروس بکفر	بیجار و توابع	بیجار	۱ نفر

مرکز انتخابیه	عده نمایندگان هر حوزه	اسامی نقاط جزو هر حوزه	اسامی ولایات و ایالات
کرمان	۲ نفر	چترود ، کرمان ، ماهان ، قناتستان ، لنکر ، سراسیابین هوتک ، جویار ، باغین ، کوبرات ، کوهپایه ، خبیص ، نکابات ، کشتیت ، سیرج ، کولک ، راور ،	کرمان و بلوچستان ۷ نفر
رفسنجان	۱	رفسنجان ، انار ، نوق ، زرنده ، کوهپنان ، خنمان ،	
سیرجان	۱	سیرجان و ایلات سته ، یاریز ، بردسیر ، اقطاع ، ایل افشار ، ایل لك ، بزنجان ، ارزویه ، رابر ، قریه العرب	
یم	۱	راین ، نهرود ، یم ، نرماشیر ، ریگان	
جیرفت	۱	جیرفت اسفندقه ، جبال بارز ، رود بار ، ساردویه ، مهمنی .	
فهرج	۱	بلوچستان	
کلپایگان	۱ نفر	کلپایگان و خواستار .	کلپایگان و خواستار کمره و محلات - دو نفر
محلات	۱	کمره ، سایر البلوک ، محلات	

مرکز انتخابیه	عده نمایندگان هر حوزه	اسامی نقاط جزو هر حوزه	اسامی ولایات و ایالات
رشت	۲ نفر	رشت و توابع - رحمت آباد ، رود بار	گیلان - شش نفر
انزلی	۱	انزلی ، غازیان و توابع و تولم	
کرگانرود	۱	خمسه طوالتش ، ماسوله	
فومن	۱	فومن ، شفت ، کسکر	
لاهیجان	۱	لاهیجان ، لنکرود ، رود سر ، دیلمان - عمالو	
ساری	۲ نفر	ساری - اشرف ، سواد کوه ، بندپی - علی آباد ، دودانگه چهار دانگه	مازندران - پینشتر
بارفروش	۳	بارفروش ، آمل ، مشهدسر ، لاریجان ، نور ، کجور کلار دشت ، کلارستان	
دولت آباد	۲ نفر	ملایر و نویسگان ، نهاوند ،	ملایر و نویسگان - ۲ نفر

اسامی ولایات و ایالات	اسامی نقاط جزو هر حوزه	نام و نام خانوادگی نماینده هر حوزه	مرکز انتخابیه
همدان - دو نفر	همدان - دردب ، بلوک مهربان ، بلوک سرد رود - بلوک حاجیابو ، بلوک عاشقو ، خدا بنده لو ، محال اسدآباد	۲ نفر	همدان
یزد - چهار نفر	یزد - حومه - اردکان ، کزاب ، رستاق ، اشک زور ، می بند ندوشن ، مهریز - هرات ، مروست ، بافق ، بهاباد و شهر بابک ، تفت - پیشکوه ، پشت کوه ، میان کوه نائین ، باقران - محمدیه ، عقدا ، انارک	۳ نفر	یزد
ایلات - پنج نفر	بختیاری شاهسون آذر بایجان ترکمان بموت و کوهکلان قشقایی ایلات خسه فارس	۱ نفر ۱ ۱ ۱ ۱	بشمین وزارت داخله
مال متروحه - چهار نفر	ارامنه آذر بایجان و کلدانیان ارامنه نقاط جنوب زردشتی کلیمی	۱ نفر ۱ ۱ ۱	بشمین وزارت داخله

قانون اساسی معارف

مصوبه پنجاه و نهم شهر ذی قعدة

مطابق با نهم عقرب ۱۳۲۹ قمری

- ماده ۱ -** مکتب و مدرسه عبارت است از تأسیساتی که برای تربیت اخلاقی و علمی و بدنی ابناء نوع دائر میگردد .
- ماده ۳ -** پرگرام مدارس و مکاتب از طرف وزارت معارف معین میگردد و باید در پرگرام حیثیت علمی و صنعتی و نشو و نماى بدنی ملحوظ باشد
- ماده ۳ -** تعلیمات ابتدائیه برای عموم ایرانیان اجباری است
- ماده ۴ -** طریق تحصیل آزاد است لیکن هر کس باید آن اندازه از معلوماتی را که دولت برای درجه ابتدائی معین نموده تحصیل کند
- ماده ۵ -** هر کس مکلف است اطفال خود را از سن هفت ب تحصیل معلومات ابتدائیه و ا دارد اعم از این که در خانه باشد یا در مدرسه
- ماده ۶ -** در صورت لزوم طبی یا وجود مانع با اطلاع مأمورین معارف تأخیر شروع در ارسال طفل بمکتب جایز است
- ماده ۷ -** ملل غیر اسلامی در مدارس دولتی حق تقاضای تحصیل مذهب خودشان را ندارند . مجبور ب تحصیل شرعیات اسلامی نیز نخواهند بود
- ماده ۸ -** مکاتب و مدارس بر دو قسم رسمی و غیر رسمی
- رسمی آنستکه از طرف دولت دایر شده باشد . غیر رسمی آنستکه بانی مخصوص داشته باشد
- ماده ۹ -** هر کس مدرسه غیر رسمی افتتاح کند باید به اطلاع دولت برساند
- ماده ۱۰ -** کسی که میخواهد مدرسه افتتاح کند باید رعایت شرایط ذیل را بنماید .

- ۱ - مدیر مدرسه کمتر از سی سال نباید داشته باشد
- ۲ - بنای مدرسه را موافق ملاحظات حفظ الصحه که از طرف وزارت معارف مقرر شده است فراهم نماید
- ۳ - در مدارس ابتدائی مدیر باید دارای تصدیقنامه تحصیلات مدارس متوسطه و در مدارس متوسطه دارای تصدیقنامه تحصیلات عالی باشد.
- ۴ - مدیر مدرسه باید معروف بسوء عقیده و اخلاق و عادات ذمیه نبوده مرتکب جنحه و جانی نشده باشد و معلمینی را هم که انتخاب می کند باید علاوه بر شرایط مزبوره هر کدام در فن خود تصدیق رسمی وزارت معارف را دارا باشند.
- ماده ۱۱ - هر کس در هر جا تحصیل کرده باشد تا در مقام امتحان رسمی بر نیامده است در مدارس رسمی دولتی پذیرفته نخواهد شد.
- ماده ۱۲ - مفتشین دولتی در کل مدارس و مکاتب رسمی و غیر رسمی حق ورود و تفتیش دارند و هیچ مدیری در هیچ موقعی حق مخالفت ندارد.
- ماده ۱۳ - مدارس که از اموال اوقاف دا بر است نیز از حیث امور اخلاقی و حفظ صحتی و ترتیب تعلیمات و امتحانات و غیرها تا اندازه که با غرض واقف موافقت کند در تحت نظارت وزارت معارف است.
- ماده ۱۴ - وزارت معارف باید تدریس کتبی را که مضر باخلاق و دین محصلین است ممنوع نماید و کتبی که از طرف وزارت معارف ممنوع شده باشد در هیچ مدرسه نباید تدریس شود.
- ماده ۱۵ - مدارس و مکاتب بر چهار نوع است
 - ۱ - مکاتب ابتدائی دهکده
 - ۲ - مکاتب ابتدائی بلدی

- ۳ - مدارس متوسطه
- ۴ - مدارس عالی
- ماده ۱۶ - هر يك از مكاتب و مدارس چهار گانه پروگرام مخصوص قانونی خواهد داشت و وزارت معارف مسئول اجرای آن پروگرام ها است
- ماده ۱۷ - پروگرام مكاتب و مدارس ابتدائیه و متوسطه باید تعلیم واجبات دینی را بقدر لزوم شامل باشد
- ماده ۱۸ - وزارت معارف ترتیب درجات و مراتب تحصیلیه را معین نموده برای هر کدام امتحانات و تصدیقنامه ها بر قرار خواهد نمود که دخول در خدمات دولتی موقوف بداشتن آن تصدیقنامه ها خواهد بود
- ماده ۱۹ - در هر ده و در هر محله از قصبات يك مكاتب ابتدائی دهکده دایر میشود.
- ماده ۲۰ - در شهرها بر حسب عده نفوس و حاجت اهالی و کفایت مالیه محلیه يك یا چندین مدرسه ابتدائی و متوسطه دایر خواهد شد
- ماده ۲۱ - مدارس عالییه در طهران و در مراکز عمده دایر خواهد شد
- ماده ۲۲ - مخارج مدارس ابتدائیه در قصبات و بلاد بعهدۀ دولت و مخارج آنها از محل مالیاتی که در هر محل بموجب قانون بر قرار می شود پرداخته خواهد شد
- ماده ۲۳ - مخارج مكاتب دهکده نیز بر عهده دولت و بموجب قانون از مالکین دهکده و اهالی دریافت خواهد شد
- ماده ۲۴ - مخارج مدارس غیر مجانی دولتی از محل حق التعلیمی است که از شاگردان اخذ میشود و چنانچه کسری داشته باشد بر عهده دولت است
- ماده ۲۵ - مکاتب و مدارس مجانی که بخرج دولت اداره میشود فقط برای

تمتع اطفال فقرا و اشخاصی است که رسماً عدم بضاعت آنها از طرف مأمورین رسمی محلی تصدیق شده باشد

ماده ۳۶ - ابنیه متعلقه بمکاتب و مدارس و سایر متعلقات مدارس از منقول و غیر منقول در تحت نظارت وزارت معارف است

ماده ۳۷ - قبول محصلین بی بضاعت در مدارس متوسطه و عالیه بطور مجانی بموجب قانون مخصوص خواهد بود

ماده ۳۸ - مجازات بدنی در مکاتب و مدارس ممنوع است

نظامنامه داخلی مجلس

شورای ملی

مصوب ۲۶ ذی الحجه ۱۳۲۷ قمری

فصل اول

ریاست سنی - هیئت رئیسه موقتی

رسیدگی باعتبار نامه ها

ماده اول - در اولین جلسه مجلس پس از افتتاح چه در دوره تقنینیه و چه در دوره اجلاسیه سالیانه مسن ترین نمایندگان بمقام ریاست نشسته و چهار نفر از جوان ترین اعضا حاضران را انتخاب هیئت رئیسه دائمی بسمت منشی گری معین میشوند.

ماده دوم - در ابتدای دوره تقنینیه در همان جلسه اول فوراً پس از تعیین رئیس سنی در مجلس علنی یا کثرت تام يك رئیس و دو نایب رئیس که هر سه موقتی هستند متوالیاً بانتخاب فردی معین میشوند

هرگاه در دونوبت اکثریت تام بدست نیامد در نوبت ثالث آنکس که نسبتاً اکثریت دارد منتخب است اعم از اینکه در نوبت اولی و ثانی در مورد او رأی داده یا نداده باشند

اگر عده آراء در مورد چند نفر مساوی شد يك نفر از آنها بحکم قرعه منتخب خواهد شد

برای استخراج آراء سه نفر از اعضا بحکم قرعه معین میشوند و پس از اتمام عمل نتیجه را رئیس سنی اعلام می کند

ماده سوم - رئیس موقتی فوراً بمقام خود جلوس نموده پس از آن بحکم قرعه نمایندگان حاضر را بشش شعبه متساویه تقسیم می کند

بعد از تقسیم نمایندگان بشعبات متساویه هر چند نفر که باقی بمانند یا بعد برسند مرتباً از شعبه اول يك يك شعبه افزوده میشوند

ماده چهارم - شعبات بدون فوت وقت برسیدگی اعتبار نامه ها و تشخیص صحت سقم انتخابات شروع میکنند بدین طریق که اعتبار نامه ها و صورتهای مجلس انتخابات بترتیب حروف تهجی حوزه های انتخابیه و بطور مساوی مابین شش شعبه تقسیم میشوند

هر يك از این شعب باید يك مخبر از برای دادن راپورت انتخاب نماید هر يك از شعبات برای تسهیل امر و سرعت عمل می تواند از میان خود بحکم قرعه يك یا چند کمیسیون که هر يك اقل از مرکب از سه نفر باشد معین کند ولی بالاخره رسیدگی در خود شعبه بعمل آمده راپورت آن شعبه بتوسط مخبر بمجلس داده میشود

ماده پنجم - پس از آنکه مخبرین راپورتهای شعب را در مجلس قرائت نمودند در مورد انتخاباتی که صحت آن را شعبات تصدیق نموده و در مجلس معارض ندارند

مجلس جداگانه رأی میدهد و رئیس اسامی آنهائیکه صحت انتخابشان محقق شده اعلام میکند

در صورتیکه را پرت شعبه مشعر بر عدم صحت انتخابی باشد یا اینکه در باب انتخاب شخصی از بین نمایندگان معارض باشد مباحثه آن در همان روزیکه راپرت قرائت میشود واقع نخواهد شد

ماده ششم - نمایندگان که هنوز صحت و سقم انتخابشان محقق نشده است حق نطق و دادن رأی را ندارند ولی چه در شعبه و کمیسیون و چه در مجلس در مورد انتخاب خودشان نمی توانند رأی بدهند و طرح قانونی هم نمی توانند پیشنهاد کنند

در صورتیکه پذیرفتن نماینده بموجب رأی مجلس بعهدۀ تعویق افتاده باشد نماینده مزبور در هیچ امری حق دادن رأی ندارد

فصل دوم

هیئت رئیسه دائمی

ماده هفتم - وقتیکه صحت اعتبار نامه سه ربع نمایندگان حاضر تصدیق شد میتوان بان انتخاب هیئت رئیسه دائمی شروع نمود

ماده هشتم - هیئت رئیسه دائمی مرکب است از یک رئیس و دو نایب رئیس و چهار منشی و سه مباشر که یک نفر از آنها رئیس دفتر خواهد بود انتخاب رئیس و نواب رئیس و منشیان و مباشرین موافق ماده (۲) خواهد بود باستثنای آنکه تعیین منشیان و مباشرین بطریق انتخاب جمعی است

ماده نهم - هیئت رئیسه دائمی تا ششماه در مشاغل خود باقی است و همه ساله در چهاردهم میزان و چهاردهم حمل تجدید انتخاب بعمل میآید

ماده دهم - در موقع افتتاح مجلس که عبارت از اول هر دورۀ اجلاسیه است پس از انتخاب هیئت رئیسه دائمی موافق اصل (۱۰) قانون اساسی مجلس خطابه بحضور اعلیحضرت همایونی عرض میکند و در ضمن دایر شدن مجلس را اطلاع میدهد

ماده یازدهم - اگر رئیس قبل از انقضاء مدت ریاست استعفا یا فوت نماید من ترین نایبان رئیس مجلس را منعقد و استعفا نامه را قرائت یا فوت را اعلام کرده مجلس را ختم می کنند و در ظرف سه روز در تحت ریاست همان نایب رئیس مجدداً مجلس منعقد و بطوریکه در ماده (۸) ذکر شد رئیس انتخاب میشود

فصل سوم

شعبات کمیسیونها - راپرتها - اسناد و نوشتجات

ماده دوازدهم - شعبیکه بر طبق ماده (۳) تشکیل یافته هر سه ماه بسه ماه بطور قرعه تجدید میشوند مقصود عمده از تشکیل این شعبات آن است که هر وقت مطلب بالایحه یا طرح قانونی پیشنهاد مجلس میشود رجوع بشعبات بکنند که در آنجا ملاحظه و مذاقه شده و اگر تشکیل کمیسیونی لازم آید هر یک از شعبات پس از مذاکرات و مباحثات موافق عدۀ که مجلس معین کرده است برای عضویت کمیسیون انتخاب کنند و نیز هر وقت کمیسیونی باید تشکیل شود رجوع بشعبات می شود که اعضای آن را از بین خود انتخاب کنند مگر اینکه بترتیب ماده (۲۲) عمل شود

رئیس و منشی هر شعبه مطابق ماده دوم انتخاب میشود در موقع مذاکرات یا انتخابات بدون اینکه نصف بعلاوه یک نفر حاضر باشند

نباید رأی بدهند

انعقاد شعبات تا وقتی که رئیس آن معین نشده است؛ عهده رئیس مجلس است

ماده سیزدهم - شعبات در کارهای خودشان باید موافق دستوری که مجلس معین کرده است رفتار نمایند و در هر جلسه باید صورت مجلسی از مذاکرات خود ترتیب داده و اسامی اشخاصی که حاضر اند در صورت مزبور ذکر شود

ماده چهاردهم - در شعبات شروع بمذاکره طرح یا لایحه قانونی ممکن نیست مگر بیست و چهار ساعت بعد از آنکه آن لوایح با طرحهای قانونی توزیع شده باشند با استثنای موافقی که فوریت آن از طرف مجلس تصدیق شده باشد

ماده پانزدهم - مجلس شورای ملی هر ششماه مقارن تجدید انتخاب هیئت رئیسه هفت کمیسیون از میان خود بطریق انتخاب جمعی معین میکند که اسامی آنها از قرار تفصیل ذیل و هر يك نظر بتعیین مجلس مرکب از شش الی دوازده عضو است

(اولا) کمیسیون خارجه

(ثانیا) کمیسیون داخله

(ثالثا) کمیسیون نظام

(رابعاً) کمیسیون عدلیه

(خامساً) کمیسیون قوانین مالیه

(سادساً) کمیسیون معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

(سابعاً) کمیسیون پست و تلگراف و فواید عامه و فلاحت و تجارت و صنایع این کمیسیونها بهیچوجه با سایر کمیسیونهایی که ممکن است مجلس تشکیل آنها را رای دهد منافات نخواهد داشت.

ماده شانزدهم - در ابتدای هر دوره اجلاسیه سالیانه هر يك از شعبات يك نفر عضو برای کمیسیون محاسبات مجلس معین می نماید و تمام محاسبات راجعه بمجلس بعهدۀ این کمیسیون است چنانکه ذکر خواهد شد هیچ يك از اعضاء هیئت

ماده ۱۵ بوجوب قانون ۲۶ مهرماه ۱۳۰۵ اصلاح شده است

رئیس نمیتواند در این کمیسیون بسمت عضویت معین شود

ماده هفدهم - در رأس هر سه ماه در موقع تجدید شعبات يك کمیسیون شش نفری موسوم بکمیسیون عراض و مرضی و يك کمیسیون دیگری مرکب از شش یا دوازده نفر موسوم بکمیسیون مبتکرات معین میشود

ماده هیجدهم - يك کمیسیون موسوم بکمیسیون بودجه مرکب از هیجده نفر در اول هر دوره اجلاسیه از شعبات معین میشود

در جلسات این کمیسیون اعضاء حاضر و غایب و معذوره معین و فردای آن روز اسامی آنها در روزنامه رسمی درج خواهد شد.

مطالب ذیل راجع باین کمیسیون است:

(۱) تمام مطالب راجعه ببودجه سال بعد

(۲) تمام لوایح یا طرح قانونی که موجب تغییر دخل و خرج سال

بعد است

ماده نوزدهم - اگر لوایح یا طرحهای قانونی که متضمن تقاضای وجوه اضافی یا فوق العاده سال جاریه یا گذشته است بمجلس پیشنهاد شد آن لوایح و طرحها باید بکمییون بودجه سال اخیر رجوع شود مگر در صورتیکه دوره تقنینیه بسر آمده و طوری شود که انعقاد کمیسیون سال قبل ممکن نباشد در چنین موقع لوایح فوق رجوع بکمیسیون بودجه موجوده میشود

ماده بیستم - مجلس همیشه میتواند رسیدگی لوایح و طرحهای قانونی را که در ماده (۱۹) و قهره ثانی ماده (۱۸) ذکر شد بکمیسیون مخصوص دیگری رجوع نماید ولی چنین کمیسیون مخصوص که مأمور رسیدگی لوایح مزبوره است فقط باید در کلیه لایحه راپرتی بدهد بدون آنکه بتواند در باب خرج عقیده پیشنهاد نماید.

هر گاه رای کمیسیون مزبور بالاوجه مساعد باشد باید نتیجه ملاحظات خود را بکمیسیون بودجه اطلاع داده و این کمیسیون در ظرف ده روز عقیده خود را در باب تصویب خرج پیشنهاد کند

در این صورت عقیده و رأی کمیسیون بودجه باید مستند بدلائل موجه بوده و طبع شده و ضمیمه راپورت کمیسیون مخصوص بشود

مواردی که بموجب این نظامنامه فوری نامیده میشوند از قواعد فوق مستثنی است.

ماده بیست و یکم - مجلس بملاحظه اهمیت طرح یا لایحه قانونی میتواند رأی بدهد که از هر شعبه يك يادو یا سه نفر برای عضویت کمیسیون مخصوص آن طرح یا لایحه انتخاب شوند

ماده بیست و دوم - بر حسب خواهش يك نفر از نمایندگان در موقع رجوع لایحه یا طرح قانونی بشعبات مجلس می تواند قرار بدهد تعیین اعضای کمیسیون یا در خود مجلس و یا در شعبات بترتیب انتخاب جمعی موافق اکثریتی که در ماده (۲) ذکر شده بعمل آید

در صورتی که تعیین اعضای کمیسیون ها بطریق انتخاب جمعی بشعب راجع شود باید هر شعبه علیحده آراء خود را استخراج نموده و مجموع آراء در شعبه اول تعداد شده و بر رئیس مجلس اظهار و او بمجلس اعلام نماید

ماده بیست و سوم - کمیسیونهایی که برای امور مخصوص تشکیل شده اند هر گاه طرح یا لایحه قانون جدیدی مربوط بهمان امور پیشنهاد شود مجلس میتواند طرح یا لایحه جدید را بهمان کمیسیون رجوع نماید

راپورتهائی که کمیسیونهای دوره سابق تقنینیه به مجلس پیشنهاد کرده اند

ممکن است بکمیسیون های جدید رجوع شود و این یا بر حسب خواهش خود کمیسیونهای جدید و یا بر حسب تقاضای ده نفر از نمایندگان است

چنین تقاضا باید بتوسط رئیس مجلس اظهار شود در صورتیکه این خواهش از طرف کمیسیونها باشد لازم باخذ رأی نیست و اگر از طرف نمایندگان باشد بدون مباحثه بقیام و فعود رأی گرفته میشود

هر کمیسویی که راپورت کمیسیون دوره سابق باو رجوع شده باشد میتواند همان راپورت را بدون تغییر قبول نماید و در این صورت کمیسیون مزبور یکی از اعضاء خود را برای تأیید و مدافعه آن معین میکند

در صورتیکه کمیسیون تغییر يك یا چند ماده آنرا لازم بداند راپورتی که بمجلس میدهد فقط عمود بهمان مواد خواهد بود

ماده بیست و چهارم - در صورتی که یکی از اعضای کمیسویی از عضویت کمیسیون یا نمایندگی استعفا داده یا فوت نماید باید همان شعبه که شخص مستعفی یا متوفی را عضویت کمیسیون انتخاب کرده بود دیگری را بجای او معین نماید و اگر دوره شعبه مزبوره بسر آمده است باید برای همین امر موقتا منعقد شود در دو مورد اخیر یعنی در صورت استعفا از نمایندگی و فوت هر گاه در موقع انعقاد شعبه مذکوره نماینده دیگری بجای مستعفی یا متوفی داخل مجلس شده است باید موقتا داخل آن شعبه شده او در انتخاب عضو کمیسیون شرکت نموده پس از آن بترتیب مقرر ماده (۳) داخل شعبه خود بشود.

و هر گاه در موقع انعقاد شعبه مذکوره هنوز بجای متوفی یا مستعفی دیگری به مجلس داخل نشده است شعبه مزبور بدون اینکه منتظر شود عضو کمیسیون را معین میکند.

ماده بیست و پنجم - کمیسیون‌ها پس از انتخاب بدون تأخیر در تحت ریاست منس‌ترین اعضا خود منعقد و یک رئیس و یک نایب رئیس و بمناسبت اهمیت يك یا دو منشی و يك مخبر که عقیده کمیسیون را به مجلس راپورت میدهد بترتیب ماده (۲) انتخاب مینمایند.

تمام کمیسیونهای ماده (۱۵) باید دو ماه بدو ماه صورتی از خلاصه اعمال در مجلس علنی تقدیم نمایند و صورت مزبوره در روز نامه رسمی طبع خواهد شد هر طرح یا لایحه قانونی که بکمیسیون راجع میشود باید راپورت آن منتهای در ظرف دو ماه از تاریخ ارجاع داده شود والا صاحب لایحه حق دارد از مجلس درخواست کند که مباحثه آنرا جزو دستور مجلس قرار دهند.

در هر جلسه اسامی اعضاء حاضره کمیسیون در صورت مجلس ثبت میشود.

ماده بیست و هشتم - راپورت کمیسیون در خصوص طرح یا لایحه قوانینی که بآن ارجاع شده در مجلس علنی داده میشود در صورتیکه مجلس تصویب نماید در همان جلسه قرائت میشود.

راپورت مزبور با استثنای مواردیکه مجلس فوریت آن را تصدیق میکند لااقل بیست و چهار ساعت قبل از مباحثه طبع و توزیع میشود.

ماده بیست و هفتم - هیچ يك از نمایندگان نمی تواند در زمان واحد در بیش از دو کمیسیون که مشغول کارند عضویت داشته باشد مگر در کمیسیون تحقیق انتخاب و کمیسیون محاسبات مجلس که از این قاعده مستثنی است.

کمیسیون هائی که تمام راپرتهای خود را بمجلس تقدیم نکرده اند کمیسیون مشغول بکار محسوب میشوند بنا بر این در موقع انعقاد شعبات برای انتخاب اعضاء کمیسیون بتوسط هیئت رئیسه صورت اعضائی که موافق قسمت اول همین ماده غیر

قابل انتخابند بر رئیس آن شعبه داده میشود. در صورتیکه شخصی غیر قابل انتخاب بود و در شعبه منتخب شده باشد رئیس مجلس بر رئیس شعبه مراتب را اطلاع داده تجدید انتخاب را در خواست می نماید.

ماده بیست و هشتم - تمام اسناد و نوشتجات راجعه بموادى که باید در کمیسیون‌ها و شعبات مباحثه شود بتوسط رئیس مجلس بآن کمیسیونها داده میشود. اعضاء مجلس میتوانند اسنادی که برای تدقیق لوایح قانونی بکمیسیونها یا شعب فرستاده شده ملاحظه نمایند لیکن اسناد مزبوره از کمیسیون باید بیرون نرود و باعث تاخیر کار کمیسیون هم نشود.

پس از آنکه مجلس در باب لایحه یا طرحی رأی داد اسناد و صورت جلسات راجه بآن در دفتر ضبط میشود.

فصل چهارم

در باب لوایح قانونی که از طرف دولت پیشنهاد میشود

ماده بیست و نهم - لوایح قانونی که از طرف دولت پیشنهاد می شود باید بتوسط یکی از وزراء یا معاونین وزراء در مجلس علنی داده شود.

در صورتیکه مجلس یا وزیر یا معاون او قرائت آنرا لازم دانند آن لایحه پس از قرائت تسلیم رئیس میشود.

ماده سی - لوایح مذکور که طبع و توزیع خواهند شد باید دارای مقدمه باشد که متضمن دلایل آن است.

لوایح بتوسط رئیس مجلس بشعبه‌ها یا چنانکه در ماده (۲۲) ذکر شد بکمیسیون موجود فرستاده میشود که پس از راپورت آن کمیسیون لایحه قانونی در مجلس مطرح

شور شود.

ماده سی و یکم - وزراء یا معاونین ایشان می توانند برای دادن توضیحات در کمیسیون حاضر شوند و همچنین کمیسیون می تواند وزراء را برای دادن توضیح دعوت نماید.

ماده سی و دوم - هرگاه دولت لایحه قانونی به مجلس فرستاده و یرونی اصل (۲۴) قانون اساسی تصویب عهد نامه که با یکی از دول خارجه بسته می شود تقاضا نمود در باب مواد عهد نامه رأی گرفته نمی شود و تغییری هم در متن آن داده نمی شود.

اگر در ضمن شور اول یا دوم بعضی از نمایندگان در برخی از شرایط اعتراض و ایرادی دارند این اعتراض و ایراد باید بتوان رجوع بکمیسیون در مجلس اظهار شود قبول یارد رجوع بکمیسیون وقتی مطرح میشود که لااقل بیست و چهار ساعت قبل اعتراضات مزبوره طبع و توزیع شده باشد.

هرگاه مجلس پس از مباحثات در باب ارجاع بکمیسیون این مسئله را قابل توجه دانست آنوقت بکمیسیون رجوع مینماید.

در موقع شور قانونی کمیسیون راپورتی در باب موارد اعتراض طبع و توزیع کرده و در ضمن آن عقیده خود را در باب تصویب یا رد یا تعویق لایحه بیان مینماید و پس از آن مجلس ملاحظات خود را کرده و رأی قطعی میدهد.

در صورت رد یا تعویق لایحه مجلس بدین طریق رأی میدهد: مجلس شورای ملی بدولت تکلیف میکند که درباب شرایط معترض علیها مجدداً با دولت متعاهده داخل مذاکره و گفتگو شود.

در مواقعی که فوریت لایحه مزبوره از طرف مجلس تصدیق شده باشد شرایطی

که بکمیسیون رجوع میشود راپرت آنرا کمیسیون مزبور معجلاً پس از ختم مباحثات شرایط بلا اعتراض بمجلس پیشنهاد میکند.

فصل پنجم

در طرحهای قانونی که از طرف اعضای

مجلس پیشنهاد میشود

ماده سی و سوم - هر طرحی را که نماینده پیشنهاد میکند باید بطرز قانون ماده بماده نوشته شده و دارای مقدمه که متضمن دلایل آن است بوده باشد.

طرح مذکور پس از آنکه پانزده نفر مذاکره آنرا تصویب کرده باشند کتباً برئیس داده میشود رئیس میتواند آن را بکمیسیون مبتکرات رجوع نماید.

ماده سی و چهارم - همچنین هر نماینده میتواند طرحی را ولو اینکه مذاکره آن را پانزده نفر تصویب نکرده باشند بتوسط رئیس به کمیسیون مبتکرات بفرستد ولی راپرت کمیسیون در باب آن طرح وقتی مطرح مذاکره در مجلس خواهد شد که اقل پانزده نفر از نمایندگان مذاکره آن را تصویب کرده باشند.

ماده سی و پنجم - پس از آنکه پانزده نفر مذاکره طرحی را تصویب نمودند اگر طرح مزبور بکمیسیون مبتکرات رجوع شد راپرت آن کمیسیون باید افلا بیست و چهار ساعت قبل از مذاکره طبع و توزیع شود و هرگاه بکمیسیون مبتکرات رجوع نشده باشد روز مباحثه منوط بقرار داد مجلس است و باید افلا بیست و چهار ساعت قبل آن طرح طبع و توزیع شده باشد.

ماده سی و ششم - هر طرحی که بکمیسیون مبتکرات رجوع میشود باید در ظرف پانزده روز راپورت مختصری از آن طرح به مجلس داده شود و تصریح نماید که آن طرح قابل توجه یا رد یا تعویق است و نیز می تواند فوریت طرح را

اظهار نماید

ماده سی و هفتم - در روزی که برای مباحثات معین شده است مجلس در باب طرح مزبور اساساً و بطور کلی مذاکره کرده و در خصوص قبول توجه یا عدم توجه رأی میدهد.

ماده سی و هشتم - در صورت عدم توجه آن طرح رد شده محسوب می شود و در صورت قبول توجه بشعبات فرستاده می شود که کمیسیونی برای آن تشکیل دهند و نیز ممکن است بکمیسیونی که قبل از وقت تشکیل و مربوط باین طرح است رجوع نمایند

هرگاه کمیسیون مبتکرات ملتفت شود که طرح مزبور مربوط به کمیسیونی است که قبل از وقت تشکیل شده میتواند از مجلس تقاضا نماید که آن طرح را بهمان کمیسیون رجوع نمایند.

ماده سی و نهم - بعد از وصول راپرت کمیسیون طرح قانونی بموقع شور گذارده خواهد شد

ماده چهلم - صاحب یا صاحبان طرح قانون حق دارند که در کمیسیون حاضر شده توضیحات بدهند

ماده چهل و یکم - صاحب طرح در هر موقع ولو در موقع مباحثات حق دارد که آنرا مسترد دارد اگر عضو دیگری طرح مزبور را اختیار کرد مذاکرات اعاده میشود

ماده چهل و دوم - اگر طرح قانون که از طرف نماینده پیشنهاد شده است راجع بیکي از وزرای مسئول باشد موافق اصل (۴۰) قانون اساسی باید آن وزیر را مطلع نموده که خود یا معاون او حاضر شده مذاکرات در حضور او بعمل آید

ماده چهل و سیم - هرگاه طرحی بمجلس آمده قابل توجه نشد آن طرح

را تا شش ماه دیگر نمیتوان مجدداً بمجلس پیشنهاد کرد ولی اگر قابل توجه شده و بعد بشعبات یا کمیسیونی فرستاده شده مجدداً برای مباحثه بمجلس آمده چنانچه در این موقع آن طرح رد شود تا سه ماه دیگر نمی توان دوباره آنرا بمجلس پیشنهاد کرد.

مدلول این ماده در باره عهد نامه جاتیکه با دول خارجه بسته می شود بحری نیست.

فصل ششم

در باب استیضاح و سؤالات از وزراء

ماده چهل و چهارم - هر نماینده که از وزیری میخواهد استیضاحی نماید باید تقاضای خود را کتباً برتیس داده و موضوع استیضاح را در ضمن معین نماید رتیس آنرا در مجلس قرائت میکند و مجلس باید آن تقاضا را قبول نموده پس از آنکه از اظهارات وزیر یا وزراء در باب تعیین روزیکه استیضاح باید بعمل آید مستحضر شد بدون مباحثه در اصل موضوع قرار روز استیضاح را میدهد استیضاحاتی که در باب امور سیاسی داخلی مملکت است نباید بیش از یکماه بعهدہ تعویق بماند

ماده چهل و پنجم - استیضاح نماینده از نماینده ممنوع است

ماده چهل و ششم - در روز معین بعد از آنکه وزیر یا هیئت وزراء در مجلس حاضر و توضیحات داده شده پس از ختم مذاکرات هر يك از نمایندگان حق دارد نسبت بوزراء از مجلس رأی مثبت یا منفی یا ساکت خواستار شود

ماده چهل و هفتم - رأی مثبت آنست که تصدیق مجلس را نسبت باظهارات هیئت وزراء بیان نماید

و رأی منفی بعکس متضمن عدم تصدیق مجلس نسبت بوزراء است
و رأی ساکت آنست که در باب تصدیق و عدم آن ساکت است
ماده چهل و هشتم - رأی ساکت از ایقرار داده می شود
مجلس شورای ملی پس از استماع توضیحات وزیر یا هیئت وزراء مباحثات
مطلب مطرح شده را ختم مینماید - رأی مثبت یا منفی از ایقرار است:
مجلس شورای ملی پس از استماع توضیحات وزیر یا وزراء اظهارات ایشان را
تصدیق نموده و مباحثه مطلب مطرح شده را ختم مینماید
یا این که: مجلس شورای ملی پس از استماع توضیحات وزیر یا وزراء با کمال
تأسف اظهارات ایشان را موقم قبول ندانسته و مباحثات مطلب مطرح شده را ختم
مینماید
ماده چهل و نهم - تقاضای رأی مثبت و منفی باید کتباً بر رئیس داده شود.
ماده پنجاهم - رأی ساکت در صورتیکه از طرف یکی از اعضاء خواسته
شود حق تقدم دارد باین معنی که اول در مورد رأی ساکت اخذ رأی میشود اگر
قبول نشد در رأی مثبت یا منفی رأی گرفته می شود
ماده پنجاه و یکم - هرگاه رأی ساکت رد شود مجلس میتواند مستقیماً در
باب رأی مثبت و منفی رأی داده یا این که بتقاضای یکی از نمایندگان مسئله را
رجوع بشعبات نماید که پس از راپرت کمیسیون منتخب از شعبات مجلس رأی خود
را بدهد
در صورت رجوع بشعبات مانند موارد فوری پس از اصغای راپرت کمیسیون
رأی داده خواهد شد
چنانچه عقیده کمیسیون در مجلس قبول نشود خود مجلس در باب رأی مثبت
و منفی رأی خواهد داد

ماده پنجاه و دوم - در هر موقعی که مجلس مستقیماً رأی میدهد حق تقدم
و تأخر آراء مثبت و منفی بسته بقرار داد خود مجلس است.
ماده پنجاه و سوم - استیضاحی که تقاضا شده است وبعد صاحب آن مسترد
ساخته نمایندگان دیگر میتوانند آنرا اختیار نموده عنوان نمایند
در باب سؤالات
ماده پنجاه و چهارم - نمایندگان میتوانند در بدو یا ختم مجلس از وزراء
سؤالات نمایند از موضوع سؤال باید قبل از وقت وزیر را مستحضر نمود
ماده پنجاه و پنجم - فقط نماینده که سؤال نموده حق دارد بطور اختصار
مجدداً بوزیر جواب بگوید
ماده پنجاه و ششم - در مطالبی که استتار آنها لازم است وزیر میتواند امتناع
از جواب نماید

فصل هفتم

در مباحثه لوایح قانونی و اصلاحات

ماده پنجاه و هفتم - باستثنای موارد فوری هیچ لایحه قانونی را نمیتوان قطعاً
رأی داد و قبول کرده مگر اینکه دو مرتبه و افلا بفاصله پنجروز در باره آن شور
شده باشد
ماده پنجاه و هشتم - وقتی که مباحثات لایحه بطور کلی ختم شد باید مواد
آن لایحه بک يك مباحثه شود
رئیس در اینخصوص از مجلس رأی میخواهد اگر در باب مباحثات ماده بماده
رأی داده نشد رئیس رد لایحه را اعلام میکند و اگر مباحثات ماده بماده قبول شد
شروع بمباحثات شده در باب هر يك از مواد و اصطلاحات راجعه مذاکرات بعمل میآید پس

از آن در خصوص شور ثانوی مجلس رأی میدهد
در شور ثانوی در خصوص هر يك از مواد لایحه و اصلاحات راجعه رأی
گرفته میشود پس از این ترتیبات يك رأی قطعی در کلیه لایحه داده میشود ولی قبل از
دادن این رأی هر يك از نمایندگان حق دارد ملاحظاتی که بطور کلی در رد یا قبول
لایحه دارد اظهار نماید

ماده پنجاه و فهم - ترتیبات شور مرتبه اول و مرتبه دوم در موارد ذیل
مجری نخواهد بود

(اولاً) بودجه دخل و خرج مملکتی

(ثانیاً) قوانینی که راجع بتقاضای وجوهی برای غارجه مخصوص است

(ثالثاً) قوانین راجع بمنافع محلی

در این سه فقره يك شور کافی است و مباحثات آن بترتیب موارد فوری است
چنانکه ذکر خواهد شد

ولی در هر صورت اصلاحات یا مواد الحاقیه که در ضمن شور پیشنهاد
میشود باید موافق ترتیبات ماده شصت و سه بعمل آید

ماده شصتم - اصلاحاتی که از طرف يك یا چند نفر از نمایندگان پیشنهاد
میشود ماده قانون یا فصل بودجه را که اصلاح راجع به آن است باید تصریح نماید
اصلاحات مزبوره نوشته شده برتیس داده میشود و رئیس آنرا بکمسیون مربوطه
آن میفرستد

اصلاحاتی که پس از توضیح و تشریح تأیید و مدافعه نشود مجلس در باره
آن شور نخواهد کرد

اصلاحاتی که از طرف نماینده پیشنهاد میشود مانند طرح قانونی قبل از وقت باید
قابل توجه شود

ماده شصت و یکم - هر اصلاحی که در بین جلسه پیشنهاد شده ولی رأی در
باره آن گرفته نشده باشد باید قبل از جلسه آتیه طبع و توزیع شود

اصلاحات جدیدی که بعد از ختم شور اول پیشنهاد میشود باید اقلاً يك روز
قبل از شروع بشور ثانوی بکمسیون مربوط بان رجوع و طبع و توزیع شود

ماده شصت و دوم - اصلاحاتی که در ضمن مباحثات شور اول و ثانی پیشنهاد
میشود در صورتیکه غیر بکمسیون مربوط بان تقاضا نماید باید رجوع بکمسیون

شود

ماده شصت و سوم - اصلاحاتی که در ضمن شور ثانوی پیشنهاد میشود در
صورتیکه از طرف کمسیون ارجاع آن خواسته نشود صاحب اصلاح بطور اختصار

آنرا توضیح و استدلال میکند و فقط اعضاء کمسیون حق جواب دارند پس از آن
مجلس در باب قبول توجه یا عدم قبول توجه رأی میدهد

در صورت قبول توجه آن اصلاح بکمسیون فرستاده میشود

در باره این قبیل اصلاحات نمی توان همان روزی که پیشنهاد شده است رأی داد
ماده شصت و چهارم - در صورتیکه صاحبان اصلاحات تقاضا نمایند حق

دارند در کمسیون حاضر شده توضیحات بدهند
ماده شصت و پنجم - در قانون بودجه هیچ طرحی را که مستلزم ازدیاد

* این قسمت بعداً بموجب اصلاح مصوب ۲۱ رجب ۱۳۲۹ قمری بطریق ذیل اصلاح شده است:
اصلاحاتی که در شور اول از طرف نماینده پیشنهاد میشود پس از قرائت در مجلس مطلقاً باید
به کمسیون مربوطه به آن رجوع شود ،
* بموجب اصلاح مصوب ۲۱ رجب ۱۳۲۹ لفظ (اول) حذف شده است

مقرری یا مدد معاش یا وظیفه باشد بعنوان ماده الحاقیه یا بعنوان اصلاح نمیتوان پیشنهاد کرد و همچنین است طرحی که خواه مستلزم احداث تأسیسات یا شغل یا وظایف بوده خواه باعث توسعه هر يك از این سه قشره خارج از حدود قوانین جاریه باشد

فصل هشتم

در باب عرایض

ماده شصت و ششم - عرایض باید کتبی و با امضاء یا مهر بوده و صاحب بطور واضح خود را معرفی کرده باشد و بعلاوه محل اقامت عارض و یا در صورت تعدد امضاء منزل یکی از عارضین قید شده باشد

عرایضی که بمجلس داده می شود باید باسم رئیس باشد و ممکن است بتوسط یکی از نمایندگان هم عریضه داده شود و در این صورت نماینده مزبور در حاشیه عریضه تسلیم آنرا قید کرده و امضاء می نماید چنانچه عریضه از طرف اجتماعاتی باشد که در معابر عامه تشکیل یافته است پذیرفته نخواهد شد

ماده شصت و هفتم - رئیس پس از ملاحظه عرایض مزبوره آن را بدایره صورت مجلس رجوع مینماید و در آنجا عرایض بترتیب ورود در کتابچه مخصوصی نمره گذاشته شده اسم و منزل عارض و همچنین خلاصه عریضه ثبت میشود و در صورتیکه عریضه بعنوان رئیس نباشد اسم نماینده که عریضه بتوسط او داده شده است ثبت میشود

ماده شصت و هشتم - عرایض پس از آنکه ثبت شد بکمیسیون عرایض فرستاده

میشود لیکن آنهاییکه راجع بطرح قانونی باشد که در تحت ملاحظه کمیسیون مخصوصی است رئیس مجلس مستقیماً بهمان کمیسیون ارجاع میکند و این ارجاع هم ممکن است از طرف کمیسیون عرایض شود هر يك از اعضاء مجلس میتوانند از مضمون عرایض مستحضر شوند در این صورت باید بر رئیس کمیسیونی که آن عرایض به آنجا محول شده است رجوع نمایند

ماده شصت و نهم - کمیسیون پس از رسیدگی بعرایض آنها را بترتیب ذیل مرتب مینماید:

- (۱) عرایضی که رجوع آنها را یکی از وزراء تخانها صلاح میدانند
 - (۲) عرایضی که علاوه بر ارجاع یکی از وزراء تخانها کمیسیون صلاح میدانند که بملاحظه مجلس برسد
 - (۳) عرایضی که رجوع آنها را بمجلس و وزراء بیفایده میدانند
- دایره صورت مجلس صاحب عریضه را از هر يك از این سه قراریکه کمیسیون در باره عریضه او داده است مسبوق داشته و نمره عریضه را باو می دهد

✽ **ماده هفتم -** هر هفته يك ورقه که متضمن مطالب ذیل است طبع شده

بین نمایندگان توزیع میشود

(۱) اسم و منزل صاحب عریضه و نمره عریضه

(۲) موضوع عریضه بطور اختصار

✽ ماده ۷۰. بعداً بموجب اصلاح مصوب دوم ذیقعد ۱۳۲۸ قمری جمله اول بطریق ذیل اصلاح شده است:

د هر هفته چهار نسخه که متضمن مطالب ذیل است نوشته در اطاق تنفس گذاشته می شود ،

(۳) اسم مخبر کمیسیون

(۴) قرار یکه کمیسیون در باب عریضه داده است و بطور اختصار دلایل آن معذک کمیسیون میتواند در صورتیکه اعضاء حاضر متفقاً رأی داده باشند فقط در ورقه بذکر نمره و اسم صاحب عریضه و قراریکه کمیسیون در آن خصوص داده اکتفا نماید

ماده هفتاد و یکم - هر نماینده حق دارد تا مدت یک ماه بعد از تقسیم ورقه مزبور در مجلس علنی راپورت عریضه را بخواهد قطع نظر از اینکه عریضه مزبور داخل در طبقه اول یا دوم یا سیم بوده باشد

در صورت چنین تقاضا راپورت باید بمجلس داده شود پس از انقضای موعده فوق الذکر هر یک از قرارهای سه گانه کمیسیون قطعی خواهد بود

ماده هفتاد و دوم - راپورت عریض را کمیسیون در مجلس علنی میدهد تقدم با فوریت رسیدگی بهر یک از آنها را میتوان تقاضا نمود مجلس رأی خود را در این تقاضا که دلیل آن باید مختصراً بیان شود اظهار میدارد

غیر کمیسیون یا یکی از وزراء میتواند در این باب اظهارات نماید

ماده هفتاد و سوم - کمیسیونهای مخصوص که بعضی عریض بانها رجوع میشود باید در راپورت خود متذکر آن عریض بشوند

وزراء منتها در ظرف دو ماه بواسطه ورقه که طبع و بین اعضاء توزیع میشود اشعار خواهند نمود که در خصوص عریض که بانها فرستاده شده چه اقدامی کرده اند

فصل نهم - در موارد فوری

ماده هفتاد و چهارم - در موقعیکه لایحه یا طرح قانونی پیشنهاد میشود و وزراء یا صاحب طرح یا یکی از نمایندگان میتوانند از مجلس تقاضا نمایند که فوری بودن آن را تصدیق نماید **ماده هفتاد و پنجم** - این چنین تقاضا با مقدمه که حاوی دلایل آن باشد اظهار میشود و پس از آن مجلس در فوریت و عدم فوریت آن رأی میدهد

ماده هفتاد و ششم - اگر مجلس فوریت آن مطلب را تصدیق نماید مطلب مزبور رایباً شعبات یا یکی از کمیسیونهای مربوط بآن که از سابق تشکیل شده رجوع مینماید و نیز مجلس میتواند خود فوراً بآن لایحه یا طرح قانونی رسیدگی کند و این در صورتی است که مخصوصاً در این باب رأی داده شود

ماده هفتاد و هفتم - طرح یا لایحه قانونی که فوریت آن تصدیق شده باشد فقط یک نوبت در باره آن شور میشود و در این شور بدو باره آن بطور کلی و رویهم رفته مباحثه میشود پس از آن در باب صلاحیت مذاکره فردا فرد مواد آن رئیس از مجلس کسب رأی مینماید

ماده هفتاد و هشتم - اگر مجلس از مباحثه در مواد امتناع نماید آن طرح یا لایحه رد شده محسوب میشود و الا مباحثات اعاده شده و مذاکرات منحصر بهر یک از مواد و اصلاحات راجعه خواهد بود

ماده هفتاد و نهم - هر اصلاح یا ماده الحاقیه که در ضمن مباحثات اظهار میشود باید دلایل آن بطور اختصار بیان شود در صورتیکه وزیر یا غیر کمیسیون تقاضا نماید باید آن اصلاح یا ماده الحاقیه بکمیسیون رجوع شود

هر گاه ارجاع بکمیسیون تقاضا نشود در باب قبول توجه از مجلس رأی خواسته میشود مجلس پس از استماع اظهارات غیر کمیسیون در این باب رأی میدهد

اصلاح یا ماده الحاقیه در صورت قبول توجه بکمیسیون ارجاع میشود
ماده هشتاد - پس از دادن رأی در باره هر يك از مواد لایحه یا طرح قانونی باید برای کلیه آن نیز رأی گرفته شود
 و قبل از این رأی اخیر هر نماینده حق دارد که در رد و قبول آن ملاحظات خود را بطور کلی اظهار دارد
 و همچنین مجلس میتواند قبل از رأی دادن به مجموعه لایحه یا طرح مذکوره آنرا بکمیسیون رجوع نماید تا کمیسیون در آن تجدید نظر کرده با رعایت تناسب فصول و مواد آنرا مرتب نماید
 و اگر کمیسیون این ارجاع را بخواهد باید لایحه یا طرح مزبور بکمیسیون فرستاده شود

کمیسیون نتیجه عمل خود را بدون فوت وقت تقدیم مجلس نموده و لایحه یا طرح قرائت شده و مباحثاتی که در آن باب میشود فقط راجع بانشاء آن لایحه یا طرح خواهد بود لاغیر

ماده هشتاد و یکم - در صورتیکه مجلس فوریت لایحه یا طرحی را تصدیق نماید مباحثه و رأی دادن در آن بطور معمول صورت میگیرد

طرح یا لایحه قانونی که فوریت آنرا مجلس تصدیق کرده باشد در صورت تقاضای یکی از نمایندگان و پس از آنکه راپورت کمیسیونی که مأمور رسیدگی آن است تسلیم شده باشد مجلس میتواند فوریت آن را سلب نماید
 در صورتیکه مباحثات مواد فرداً فرداً شروع شده باشد سلب فوریت نمیتوان تقاضا نمود ولی پس از ختم مباحثه مواد و قبل از رأی گرفتن در کلیه قانون ممکن است

فصل دهم

طریقه رأی دادن

ماده هشتاد و دوم - رأی دادن در مجلس طبقه بر سه قسم است:

(۱) قیام و قعود

(۲) رأی علنی

(۳) رأی غنی

ماده هشتاد و سیم - در تمام مسائل باید بقیام و قعود رأی گرفت مگر در مواقعی که در مواد (۸۵) و (۸۶) و (۹۰) این نظامنامه قید شده است

ماده هشتاد و چهارم - نتیجه رأی به قیام و قعود را رئیس و منشیان

تشخیص میدهند

هر گاه دفعه اولی نتیجه مشکوک باشد در دفعه ثانی بهمان طریق رأی گرفته میشود در اینصورت در میان دفعه اولی و دفعه ثانی کسی حق نطق ندارد و همچنین اگر دفعه ثانی هم مشکوک شد و لازم رأی گرفتن بواسطه اوراق باشد ما بین این دو عمل نیز کسی حق نطق ندارد

ماده هشتاد و پنجم - در موارد ذیل اخذ رأی علنی با اوراق حتمی است

(اولاً) بعد از اینکه دو دفعه بواسطه قیام و قعود نتیجه مشکوک باشد

پ (ثانیاً) در تمام لوایح قانونی که تقاضای اجازه غنای مینماید

پ (ثالثاً) در لوایح قانونی که مالیات یا عوارض بر قرار میکند و یا مالیات و

* قمره دوم و سوم ماده ۸۵ در جلسه ۲۱ رجب ۱۳۲۹ قمری بطریق ذیل تفسیر شده

« هر چند تاکنون در مجلس عمل بر این بوده که در هر يك از مواد لوایح قانونی مذکور فوقتره دوم و سوم ماده هشتاد و پنجم با اوراق اخذ رأی شود لیکن ماده مزبور این ترتیب را حتمیت نداده و رأی با اوراق در موقع اخذ رأی کلی لوایح مزبوره کفایت می کند

عوارضی که سابقاً بر قرار بوده است تغییر میدهد

ماده هشتاد و ششم - رأی علنی با اوراق را هر موقع میتوان تقاضا نمود مگر در موارد ذیل :

(اولاً) در صورتیکه در تغییر و توضیح یکی از مواد این نظامنامه اختلافی حاصل شده و منجر بدادن رأی شود

(ثانیاً) در مواردی که در مواد (۱۱۱) و (۱۲۷) و (۱۳۲) ذکر شده است

رأی علنی با اوراق را ممکن است قبل از اینکه از روی قاعده قیام و قعود رأی گرفته شود تقاضا نمود

و همچنین است در صورتیکه بعد از یکمرتبه مطابق قیام و قعود رأی گرفته شده و نتیجه مشکوک باشد

ماده هشتاد و هفتم - تقاضای رأی علنی با اوراق باید کتباً بعمل آید و لااقل پنج نفر از اعضای مجلس آن را امضاء نموده بر رئیس بدهند ولی در صورتیکه بکدفعه بواسطه قیام و قعود رأی گرفته شده و مشکوک شد تقاضای شفاهی یکی از نمایندگان کافی است

اسامی این پنج نفر فوق بالاسامی رأی دهندگان مخالف و موافق در صورت مجلس نوشته خواهد شد

ماده هشتاد و هشتم - ترتیب گرفتن رأی علنی با اوراق از اینقرار است : هر نماینده دارای دو ورقه مختلف اللون است که اسم آن نماینده در روی آنها چاپ شده است

ورقه سفید علامت قبول و ورقه آبی علامت رد است

و در موقع گرفتن رأی پیشخدمت مخصوص اطاق مجلس ظرف رأی را نزد هر نماینده برده و نماینده ورقه خود را در آن میاندازد پس از آنکه تمام اوراق جمع شد رئیس ختم اخذ اوراق را اعلام میکند و فوراً ظرف رأی را در محل نطق آورده و منشیان استخراج آراء نموده و نتیجه را رئیس اعلام مینماید

هیئت رئیس باید بعد از سایرین رأی بدهند

ماده هشتاد و نهم - در صورتیکه ده نفر از نمایندگان تقاضا نمایند اخذ رأی علنی با اوراق باید در محل نطق بعمل آید بشرط اینکه این تقاضا کتباً نوشته شده و امضا شده باشد

اسامی امضاء کنندگان يك يك خوانده شده و حضور آن‌ها در مجلس معین می شود و ترتیب اخذ رأی از اینقرار است :

هر نماینده پس از آنکه يك مهره تقشیه از یکی از منشیان گرفت ورقه رأی خود را در ظرف رأی که در محل نطق است انداخته مهره را در ظرفی که در روی میز منشیان دست راست است میاندازد و بعد شماره اوراق و مهره های تقشیه موافق ماده قبل بعمل آمده و تطبیق میشود

ماده نودم - در تمام مواقعی که اخذ رأی علنی با اوراق ممکن یا حتمی القبول است هر گاه پانزده نفر از اعضاء کتباً تقاضا نمایند باید رأی غنی گرفته شود اسامی اشخاصی که این تقاضا را می کنند در روز نامه رسمی درج خواهد شد

ماده نود و یکم - اخذ رأی غنی بترتیبی است که در باب اخذ رأی علنی با اوراق در محل نطق ذکر شد ولی در عوض اوراق مهره های سفید و سیاه استعمال میشود مهره سفید علامت قبول و مهره سیاه علامت رد است

منشیان مهره های رأی را در يك ظرفی ریخته و بطور آشکار شماره نموده و مهره های سفید را از سیاه جدا مینمایند و از همبقرار مهره های تقشیه

را می‌شمارند

نتیجه را لا اقل سه منشی معین نموده و رئیس آنرا اعلام میدارد

ماده نود و دوم - در موقع اخذ رأی علنی یا اوراق یا اخذ رأی غفی هر گاه خواندن اسامی نمایندگان برای تحقیق حضور تقاضا شود مجلس بدون مباحثه در آن باب رأی میدهد

در اینصورت اسم هر يك از نمایندگان را یکی از منشیان بصدای بلند ذکر کرده و همان شخص رأی خود را در ظرف مخصوص میاندازد پس از ختم این عمل مجدداً اسامی قرائت میشود تا آنهاائیکه در دفعه اول خارج اطاق بودند بتوانند رأی بدهند.

ماده نود و سوم - انتخاباتیکه در مجلس عمومی یا در شعبات یا در کمیسیونها میشود باید برای غفی باشد

در موقع انتخابات در مجلس عمومی یکطرف در محل نطق و دیگری در روی میز منشیان گذارده میشود

هر نماینده ورقه رأی خود را در پاکت سرباز گذاشته در ظرف اول و مهره تفتیشیه را در ظرف ثانی میگذارد

برای استخراج آراء سه نفر بقرعه معین میشود

در انتخابات مجلس عمومی بغیر از انتخابات هیئت رئیسه بطریق ذیل عمل میشود یکی از ظرفها در اطاق مجاور مجلس در تحت نظارت یکی از منشیان و دو نفر از نمایندگان که بقرعه معین شدند گذاشته میشود هر يك از نمایندگان ورقه رأی خود را آمده در آن ظرف میاندازد بدون اینکه جلسه برای این امر تعطیل شود

مستخرجین آراء در محاذی اسامی رای دهندگان علامتی میگذارند ساعت شروع باخذ رای و ختم آنرا رئیس بتصویب مجلس معین مینماید استخراج آراء بطریق معمول بعمل می آید

قسمت اخیر ماده ۹۳ بوجوب قانون ۲۱ آذرماه ۱۳۰۶ اصلاح شده است

فصل یازدهم

در باب بعضی ترتیبات راجعه برآی و مذاکرات

ماده نود و چهارم - هر يك از نمایندگان حق دارد از مجلس تقاضا نماید که طرح یا لایحه قانونی که بمجلس آمده است مسکوت عنه بماند باین معنی که شور و مذاکره در آن طرح یا لایحه صلاح و مناسب نیست

در طرحهای قانونی که فوریت آن از مجلس خواسته شده باشد اگر طرح مزبور بکمیسیون مبتکرات رجوع شده باشد تقاضای سکوت را نمی‌توان پیشنهاد کرد مگر بعد از وصول راپورت کمیسیون مزبور و اگر بکمیسیون مبتکرات رجوع نشده باشد پس از آمدن طرح بمجلس برای قبول توجه در هر موقع میتوان سکوت را تقاضا نمود در باره لوایح قانونی که از طرف دولت پیشنهاد میشود تقاضای سکوت پس از وصول راپورت کمیسیون در هر موقع ممکن است

در موقعی که راجع بطرح یا لایحه قانونی تقاضای سکوت شود در خصوص رد یا قبول این تقاضا قبل از آن که در باره خود مطلب اخذ رأی شود رأی گرفته می‌شود.

ماده نود و پنجم - در صورتیکه در مطلب معینی تقاضاهای مختلف در مجلس شده و منجر باخذ رأی شود تعیین حق تقدم و تأخر یا مجلس است مگر مواقعی که تقدم آن در این نظامنامه مصرح است.

ماده نود و ششم - اصلاحاتی که در باره مطلبی پیشنهاد میشود قبل از خود مطلب در باره آن اصلاحات رأی گرفته میشود.

ماده نود و هفتم - تقاضاهائیکه راجع بدستور مذاکرات مجلس یا راجع بحق تقدم است و نیز آنهاائیکه راجع بر عایت نظامنامه داخلی است همیشه بر مسئله اصلی

تقدم دارد و مذاکرات مسئله اصلی را توقیف مینماید ولی هرگاه شخصی مشغول نطق در مسئله اصلی شده باشد تا نطق او تمام نشود مطالب مذکور تقاضا نمیشود

ماده نود و هشتم - در طرحها و لوایح قانونی اولاً باید ماده بماده و بعد در کلیه آن رأی گرفته شود

ماده نود و نهم - در مسائل و موادی که مشتمل بر فقرات مختلفه است اگر تجزیه آن ولو از طرف یک نفر خواسته شود باید آن ماده یا مسئله تقسیم شده و جزو و جزو رأی گرفته شود ولی پس از آنکه در جزو آخر رأی گرفته شد مجدداً باید در مجموع قسمت‌هایی که قبول شده است رأی گرفته شود

ماده صد - عده کافی برای مذاکرات و گرفتن رأی موافق اصل هفتم قانون اساسی است تشخیص عده حضار بعهدده هیئت رئیسه است

ماده صد و یکم - نتیجه مذاکرات مجلس را رئیس با صدای بلند از این قرار اعلام میکند

مجلس فلانمطلب را قبول کرد یا مجلس فلانمطلب را رد کرد

فصل دوازدهم

ترتیب جلسات

ماده صد و دوم - افتتاح جلسات و حفظ ترتیب مذاکرات و اجرای نظامنامه و حفظ نظم بعهدده رئیس است

هر يك از نمایندگان در صورتیکه از نظامنامه تخلفی مشاهده شود حق دارد مراتب را اخطار نماید

ماده صد و سوم - منشیان مجلس مواظب و ناظر تحریر صورت مجلس خواهند بود.

صورت مجلس هر جلسه را یکی از منشیان در ابتدای مذاکرات جلسه بعد قرائت میکند و صورت مزبوره پس از قبول مجلس بامضای رئیس یا نایب رئیس که در آن جلسه بجای رئیس بوده است و نیز اقلاً بامضای دو نفر از منشیان می رسد.

ماده صد و چهارم - قبل از آنکه داخل موضوع مباحثات شوند رئیس نوشتجات و مطالبی که راجع بمجلس است باطلاع نمایندگان میرساند

ماده صد و پنجم - نوشتجاتیکه بمجلس میرسد ممکن است باسم رئیس فرستاده شده یا در جلسه رسمی بمقام ریاست تقدیم شود مجلس در صورتی که مفید بدانند امر بطبع آن نوشتجات مینماید

ماده صد و ششم - هر يك از اعضاء که میخواهد نطق نماید باید اول از رئیس اجازه خواسته پس از تحصیل آن بکرسی نطق رفته و مطلب خود را عنوان نماید

و اگر کسی خواسته باشد که در جای خود ایستاده نطق مختصری نماید آنهم موقوف با اجازه رئیس است

ماده صد و هفتم - منشیان اسامی نمایندگان را بترتیبی که در مجلس یا در خارج مجلس اجازه میخواهند ثبت میکنند

اگر اجازه نطق راجع بلوایح یا طرح قانونی باشد قبل از تسلیم راپرت کمیسیون بمجلس اسامی نمایندگان برای نطق ثبت نمیشود

ماده صد و هشتم - در مباحثات ناطقین باید متناوباً بترتیب مخالف و موافق نطق نمایند

در باره وزراء یا معاونین آنها و یا غیرین کمیسیونها که مأمور تأیید و دفاع

اوضاع یا طرح قانونی هستند لازم به ثبت اسم نیست و هر وقتی که اجازه نطق بخواهند اجازه بآنها داده میشود

ماده صد و نهم - اگر در ضمن مباحثات و نطق افترا و تهمت به یکی از نمایندگان زده شود یا عقیده و اظهار او بر خلاف واقع جلوه داده شود و نماینده مذکور برای تیر نه و رفع اشتباه اجازه نطق بخواهد بدون رعایت نوبت اجازه داده خواهد شد

ماده صد و دهم - ناطق باید از موضوع مباحثه خارج نشود چنانچه خارج شود رئیس او را متذکر میسازد و اگر ناطق مزبور بخواهد توضیحاتی بدهد که او از موضوع خارج نشده است یا آنکه خارج از موضوع شدن دلایل دارد در این باب اجازه داده نخواهد شد

ماده صد و یازدهم - هر گاه رئیس در ضمن يك نطق دو نوبت بناطقی اخطار انحراف از موضوع نمود و باز ناطق مداومت نماید در دفعه سیم رئیس بتصویب مجلس میتواند ناطق را از تکلم در آن موضوع در تمام جلسه منع نماید و مجلس در این باب بدون مباحثه بقیام و قعود رأی میدهد

ماده صد و دوازدهم - کلیه قطع کلام و استعمال الفاظ زشت و تعرضات شخصی و هر گونه حرکات و نمایشاتی که موجب بی نظمی مجلس باشد ممنوع است
ماده صد و سیزدهم - رئیس قبل از اینکه مباحثه مطلبی را ختم نماید عقیده مجلس را کسب میکند - اگر در باب عدم ختم مباحثات اجازه نطق خواسته شد فقط بيك نفر اجازه داده میشود در صورتیکه در این باب اخذ رأی لازم شد بواسطه قیام و قعود رأی گرفته میشود - هر گاه در نوبت اول و ثانی نتیجه مشکوک شد مباحثات اعاده میشود

پس از ختم مباحثات دیگر بکسی اجازه نطق داده نمیشود مگر در باب

ترتیب عبارتی که از روی آن مجلس باید رأی بدهد
ماده صد و چهاردهم - چنانچه در مجلس همه و غوغا بر پا شود بقسمی که رئیس نتواند از آن جلوگیری نماید از جای خود قیام میکند

چنانچه بر خاستن رئیس موجب اسکات نشود اعلام می کند که جلسه را تعطیل خواهد کرد با وجود این اگر سکوت حاصل نشود جلسه را يك ساعت تعطیل کرده و نمایندگان بشعبات خود میروند و پس از اقتصای ساعت مجدداً جلسه منعقد میشود

و هر گاه اغتشاش و غوغا عود کنند رئیس جلسه را ختم کرده بروز دیگر عول خواهد کرد

ماده صد و پانزدهم - رئیس قبل از این که جلسه را ختم نماید در باب دستور جلسه آتی یعنی تعیین روز و ساعت و موضوع مذاکرات بمجلس رجوع می نماید دستوری که باین ترتیب قرار داده شده است در محوطه مجلس و در روز نامه های رسمی اعلان خواهد شد ولی مجلس در هر موقعی که لازم بداند می تواند دستور خود را تغییر بدهد

ماده صد و شانزدهم - بطور کلی تمام تکالیف رئیس در موقع غیبت بعهدہ نایبان رئیس است

فصل سیزدهم

در باب غیبت و مرخصی

ماده صد و هفدهم - هیچ يك از نمایندگان بدون اجازه مجلس نمی تواند غیبت نماید ولی در صورت فوریت رئیس میتواند اجازه داده و بعد مجلس را در اولین جلسه مسوق نماید

ماده صد و هجدهم - در موقعی که مرخصی خواسته میشود بکمیسیون مخصوص مرخصی رجوع شده و کمیسیون مزبور رأی خود را میدهد رئیس در موقعی که استدعای مرخصی را بمجلس عرضه میدارد رأی کمیسیون را هم در باب هر يك از آنها اظهار میدارد

ماده صد و نوزدهم - نماینده که بدون مرخصی غیبت کرده است مقرری او برای مدت غیبت مقطوع است و همچنین است در باره اشخاصی که بیش از آنچه اجازه داده شده است غیبت مینمایند

ماده صد و بیستم - اشخاصی که بدون عذر موجه غایب میشوند جزو غائبین بدون اجازه هستند

• اشخاصی که در سه جلسه متوالی یا شش مرتبه در ظرف سی روز بدون عذر موجه تیمساعت از موعد مقرر تخلف می کنند بمنزله آنهائی هستند که یکروز غیبت غیر موجه کرده باشند.
• نمایندگان که در سه جلسه متوالی یا شش مرتبه در ظرف سی روز در موقع

• جلسه دوم ماده ۱۲۰ در جلسه ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۲۹ قمری (دوره دوم تقنینیه) بطریق ذیل اصلاح شده است:

• نمایندگان از وقت مقرر برای انعقاد مجلس بدون اجازه تاخیر نمایند یا در موقع دادن رأی در مطالبی که جزو دستور آن جلسات است بدون عذر موجه غیبت نمایند بهر نیم ساعت تاخیر و بهر سه غیبت در يك جلسه در موقع دادن رأی نهم مقرری يك روزه آنها کسر خواهد شد و بعلاوه مدت غیبت آنها در صورت مجلس و در روزنامه رسمی اعلان میشود.

• جلسه سوم ماده ۱۲۰ در جلسه ۲۹ سنبله ۱۳۰۳ شمسی (دوره پنجم تقنینیه) بقرار ذیل اصلاح شده است:

• نمایندگان که در سه جلسه متوالی یا شش مرتبه در ظرف سی روز در موقع دادن رأی در مطالبی که جزو دستور آن جلسات است بدون عذر موجه حاضر نباشند بمنزله کسانی هستند که بمده همان جلسات بدون عذر موجه غیبت کرده اند و نمایندگان که در جلسات مقرر شده و کمیسیون بدون عذر موجه تاخیر کرده اند نسبت بهر نیم ساعت تاخیر يك درازدهم مقرری روزانه آنها کسر خواهد گردید بدون اینکه برای هر يك جلسه کمیسیون این جرم از نصف مقرری يك روزه تجاوز نماید بعلاوه هر يك از اعضا، کمیسیونها که در دو جلسه متوالی و یا در چهار جلسه متناوب بدون عذر موجه در مدت سی روز به کمیسیون حاضر نشوند از عضویت مستعفی خواهند بود.

دادن رأی در مطالبی که جزو دستور آن جلسات است بدون عذر موجه حاضر نباشند و نیز آنها تیکه در سه جلسه متوالی یا شش مرتبه در ظرف سی روز در کمیسیونها یا شعبات بدون عذر موجه حاضر نشوند بمنزله کسانی هستند که بمده همان جلسات بدون عذر موجه غیبت کرده اند

مراتب فوق را باید مبشرفین تشخیص و معین نمایند اسامی غائبین بی عذر موجه در روز نامه های رسمی قید خواهد شد

ماده صد و بیست و یکم - اعتراضات راجعه به غیبت به هیئت رئیسه اظهار می شود و هیئت مزبوره پس از آن که عقیده کمیسیون را تحصیل کرد در باره آن حکم میکند

فصل چهاردهم

در باب انتظام مجلس

ماده صد و بیست و دوم - تنبیهاتیکه از بابت حفظ نظم در مورد نمایندگان میتوان مجری داشت از اینقرار است

اولاً - اخطار

ثانیاً - اخطار با قید در صورت مجلس

ثالثاً - مؤاخذه

رابعاً - مؤاخذه با ممنوع بودن از حضور در جلسات موقتاً

ماده صد و بیست و سوم - اخطار که از مختصات رئیس است درباره ناطقین است که از دائره نظم خارج میشوند و نیز درباره اعضا نیست که بواسطه عدم رعایت ماده (۱۱۲) باین اقسام دیگر باعث بی نظمی میشوند

ماده صد و بیست و چهارم - در صورتیکه یکی از نمایندگان در دفعه اولی اخطاری شده باشد و در همان جلسه مجدداً مستحق همین تنبیه بشود این دفعه اسم او در

صورت مجلس قید خواهد شد

ماده صد و بیست و پنجم - اخطار باقید در صورت مجلس موجب قطع عشر مقرری یکماهه است

ماده صد و بیست و ششم - ناطقی که باو اخطاری شده و اطاعت نماید هر گاه برای برائت ذمه اجازه نطق بخواهد داده خواهد شد

هر نماینده که بدون اجازه حرف زده یا نطقی نماید و از این جهت باو اخطاری بشود هر گاه، برای برائت ذمه اجازه نطق بخواهد داده نخواهد شد مگر در آخر جلسه الا اینکه رئیس اجازه نطق را مقتضی بداند

پس از بیانات نماینده در برائت ذمه خود هر گاه رئیس قانع نشده و اخطار را در مورد آن شخص برقرار داشت مراتب را منشیها یاد داشت خواهند کرد

ماده صد و بیست و هفتم - هر گاه بناطقی در یک جلسه دو مرتبه اخطار شود مجلس میتواند در صورت تقاضای رئیس حق نطق را در آن جلسه از او سلب نماید.

رأیی که در این باب گرفته میشود بقیام و قعود بدون مذاکره خواهد بود

ماده صد و بیست و هشتم - مؤاخذه در موارد ذیل است

اولاً - نماینده که پس از اخطار باقید در صورت مجلس در همان جلسه مجدداً از دایره نظم خارج میشود

ثانیاً - نماینده که در ظرف سی روز شش مرتبه مورد اخطار شده باشد

ثالثاً - نماینده که در مجلس منشأ غوغائی شده یا اینکه محرك امتناع جمعی از کار بشود

رابعاً - نماینده که یک یا چند نفر از نمایندگان دیگر فحش داده یا تهدید نماید

ماده صد و بیست و نهم - مؤاخذه با منع حضور در موارد ذیل است
اولاً - نماینده که پس از مؤاخذه در همان جلسه مجدداً از دایره نظم خارج می شود

ثانیاً - نماینده که در ظرف ششماه دو مرتبه مؤاخذه شده باشد
ثالثاً - نماینده که مردم را در مجلس علنی به زدو خورد یا جنگ خانگی یا بضدیت و نقض قوانین اساسی دعوت و ترغیب نماید

رابعاً - نماینده که نسبت به مجلس یا قسمتی از مجلس یا رئیس هتک شرف نماید

خامساً - نماینده که نسبت بیک یا چند نفر از هیئت دولت فحش داده یا تهدید نماید

سادساً - نماینده که نسبت بدولت توهین نماید
ماده صد و سی و یکم - در صورتیکه تنبیه مؤاخذه با منع حضور در باره نماینده رای داده شده باشد نماینده مزبور تا هفت جلسه حق شرکت در امور مجلس ندارد

پس از رأی مجلس رئیس نماینده را دعوت به بیرون رفتن میکند هر گاه اطاعت نکند رئیس جلسه را ختم مینماید ولی مجدداً میتواند منعقد کند

در صورت عدم اطاعت و نیز در صورتیکه مؤاخذه با منع حضور در باره نماینده باشد که در ظرف ششماه قبل همین تنبیه در حق او مجری شده باشد تنبیه فوق مضاعف خواهد بود

ماده صد و سی و یکم - چنانچه شخص نماینده قبل از انقضاء مدت معینه داخل عمارت مجلس بشود بحکم مباشرین دستگیر شده در محل مخصوص که برای این

امر معین شده است مدتی که متجاوز از سه روز نباشد توقیف میشود
اگر نماینده مزبور داخل محل انعقاد مجلس بشود پس از آنکه هیئت رئیسه
حضور او را به مجلس اخطار نمود رئیس جلسه را ختم نموده و مباشرین بحکم رئیس
در توقیف نماینده بطوریکه در فوق ذکر شد اقدام مینمایند

ماده صد و سی دوم - مؤاخذه و نیز مؤاخذه بامنع حضور باید به تقاضای
رئیس باشد اخذ رأی بقیام و قعود خواهد بود

نماینده که در باره او یکی از این دو فقره تنبیهات خواسته شده است حق دارد
خود شخصاً اگر بعضی اظهاراتی دارد بنماید یا بتوسط دیگری از نمایندگان از طرف
خود آن اظهارات را به مجلس عرضه دارد

رأی مجلس در باب مؤاخذه و مؤاخذه بامنع حضور در صورت مجلس قید
خواهد شد

ماده صد و سی و سوم - مؤاخذه موجب قطع ربع حقوق یک ماهه و مؤاخذه
بامنع حضور موجب قطع نصف حقوق یکماهه است

ماده صد و سی و چهارم - در صورتیکه در محوطه مجلس از طرف یکی از
نمایندگان جنحه یا جنایتی بروز نماید رئیس مراتب را با اطلاع مجلس رسانیده و مذاکرات
فی الفور قطع میشود

در صورتیکه نماینده مزبور بخواهد توضیحات بدهد اجازه داده میشود پس از
آن باید بحکم رئیس از مجلس خارج شده و به محلی که در ماده (۱۳۱) ذکر شد
برود چنانچه اطاعت ننماید یا اینکه در مجلس غوغائی بشود رئیس جلسه را ختم
می نماید

هیئت رئیسه وقوع جنحه و جنایت را بدیوانخانه اطلاع میدهد

فصل پانزدهم

در باب دوائر و محاسبات

ماده صد و سی پنجم - اداره مجلس در تحت دو شعبه منشعب میشود

(۱) شعبه تقنینیه

(۲) شعبه اداری

شعبه تقنینیه عبارت است از دارالانشاء هیئت رئیسه و دایره تحریر صورت

مجلس و صورت مشروح مجلس و دایره تدنویسی و دایره ارسال مراسلات و مطبوعات

راجع بقوانین

شعبه اداری عبارت است از دارالانشاء مباشرت و دایره دفتر خانه و کتابخانه

و صندوق و ابنیه مجلس

ماده صد و سی و ششم - شعبه تقنینیه در تحت ریاست و نظارت عالی رئیس

مجلس است ولی غار جیکه برای دوائر این شعبه لازم میشود باید قبل از وقت بتصدیق

مباشرین رسیده باشد

شعبه اداری در تحت ریاست و نظارت مباشرین است

ماده صد و سی هفتم - تحقیق و تصفیه محاسبات مجلس راجع بکمسیون

محاسبات است و لو اینکه محاسبات تفریح نشده سابق باشد و نیز تفتیش کلیه اشیاء

منقوله مجلس بر عهده کمسیون مزبور است

بودجه مجلس را هر ساله مباشرین معین کرده بکمسیون محاسبات میدهند و

کمسیون پس از مذاقه و رسیدگی برای تصویب آنرا در مجلس علنی بعرض

میرسانند

مغارج مجلس مانند بودجه مملکتی باید برای مدت یکسال معین شود در آخر هر سال کمیسیون محاسبات از انجام وظایف محوله راپرتی بمجلس میدهد

ماده صد و سی و هشتم - مباشرین از میان خود یک نفر برای محاسبات مغارج بانتخاب معین میکنند

برای اینکه حوالجات در صندوق مجلس کار سازی شود

اولاً - باید در بودجه مجلس آن خرج تصویب شده باشد

ثانیاً - اسنادیکه برای صحت خرج در نظامنامه محاسبات مجلس معین شده است منضم بان حواله باشد

ثالثاً - آن حواله باید بامضای مباشری که برای محاسبات مغارج مجلس معین شده است رسیده باشد

فصل شانزدهم

در باب نظم داخلی و خارجی مجلس

اختیارات رئیس

ماده صد و سی نهم - حفظ امنیت محوطه مجلس محول بر رئیس است
عده قوای نظامی که برای این امر لازم است بسته بقرار داد خود رئیس و در تحت اوامر او است

ماده صد و چهلم - رئیس از طرف مجلس حافظ و مجری قواعد نظم مجلس است

ماده صد و یکم - بغیر از وزراء و معاونین ایشان و رئیس دارالانشاء و رئیس کابینه هیئت رئیسه و نیز رئیس و اعضاء دایره صورت مجلس و رئیس و اعضاء دایره تند نویسان مجلس و همچنین پیشخدمتان مخصوص اطلاق

مجلس هیچکس بهیچ عنوان در موقع جلسه در محل مخصوص اجلاس نمایندگان حق دخول ندارد

ماده صد و چهل و دوم - غیرین جراید و تماشاچیان با داشتن بلیط در محل مخصوص که خارج از محل اجلاس نمایندگان برای آنها معین شده است حق دخول دارند

ماده صد و چهل و سیم - غیرین جراید و تماشاچیان باید ساکت بنشینند و اگر از طرف یکی از آنها علامت تکذیب یا تصدیق مشاهده شود فوراً اخراج خواهد شد

ماده صد و چهل و چهارم - هر تماشاچی که باعث اغتشاش مذاکرات بنا اختلال نظم شود فوراً بمعاکم مرجع جلب میشود

فصل هفدهم

در مسائل متفرقه

ماده صد و چهل و پنجم - هیئتها بیکه مجلس صلاح میدانند در بعضی از مواقع از طرف مجلس حضور بهم رسانند عده اعضاء آنها بسته بقرار داد مجلس است

ماده صد و چهل و ششم - در موافقیکه هیئت مزبور به مأمور به گفتگو و مذاکره مطلق نباشد از قبیل تبریک و تشریفات و غیره اعضاء آن هیئت بقرعه معین میشوند و رئیس یا یکی از نمایان رئیس و دو نفر از متشیان لزوماً جزء هیئت مزبوره هستند ولی در مواردیکه هیئت مأمور مذاکره و گفتگوئی است اعضاء آن بسته بانتخاب مجلس است

ماده صد و چهل و هفتم - هر نماینده که بانتخاب او رسیدگی و صحت آن معلوم شده است میتواند از شغل نمایندگی استعفا بدهد

هر گاه نماینده قبل از رسیدگی استعفا بدهد این مسئله باعث توقیف رسیدگی

نخواهد شد

ماده صد و چهل و هشتم - استعفا نامه بعنوان رئیس مجلس نوشته میشود و رئیس در ظرف یک هفته آنرا با اطلاع مجلس رسانیده و بعد سوالی برای وزیر داخله می فرستد

ماده صد و چهل و نهم - هیئت رئیسه در باب ترتیب صورت مجلس و صورت مشروح مجلس و نیز در باب ترتیبات داخلی دوائر و تعیین شغل و تکالیف اجزاء نظامنامه مرتب خواهد کرد و نیز مباشرین يك نظامنامه در باب محاسبات مجلس مرتب کرده بمجلس پیشنهاد می کنند

ماده صد و پنجاهم - نظامنامه داخلی مجلس مورخه بیست و نهم شعبان ۱۳۲۴ منسوخ و از درجه اعتبار ساقط است

مواد الحاقیه

۱ - در انتخاباتیکه با کثرت نسبی از طرف مجلس میشود هر گاه یکی از منتخبین استعفا دهد بجای او انتخاب جدید خواهد شد

۳ - نمایندگان که در کمیسیون بودجه عضویت ندارند می توانند بدون شرکت در مباحثات هنگام انعقاد جلسات کمیسیون بودجه حاضر شده و مذاکرات را استماع نمایند

۳ - مقرری نمایندگان مجلس شورای ملی از تاریخی که صحت اعتبار نامه ایشان در مجلس تصدیق شود محسوب خواهد بود

شماره	شرح	صفحه	
		ب	پ
۱	دستور مقرر برای مجلس شورای ملی	۸۸۷	۱۰۶۲
۲	قانون انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی	۱۰۶۶	۲۸۲
۳	قانون انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی		
۴	قسمت دوم قانون انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی	۲۸۲	۲۸۲
۵	قسمت دوم امتیازات مصوب دوره دوم قانون گذاری	۳۸۶	۲۸۲
۶	قانون انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی	۸۸۷	۲۸۲
۷	قانون انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی	۲۸۲	۲۰۲
۸	قانون انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی		
۹	قانون انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی	۲۰۲	۲۰۳
۱۰	قانون انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی	۲۰۳	۲۰۳
۱۱	قانون انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی	۲۰۳	۲۰۳

شماره ترتیبی	عنوان	صفحه	
		از	تا
۱	قانون راجع به قرارداد پوست بره	۳۸۸	۳۹۰
۲	قانون امتیازنامه طلاشوئی آستانه عراق	۳۹۰	۳۹۲
۳	قانون امتیاز تاسیس کارخانه چرم و صابون سازی به ربیعزاده و شرکا	۳۹۲	۳۹۳
۴	قانون تجدید قرارداد نقره با بانک شاهنشاهی	۳۹۴	۳۹۶
۵	قانون اجازه امتداد لوله نفض از بیجار خاله الی کنار شهر رشت	۳۹۶	۳۹۸
۶	قانون امتیاز چرم سازی	۳۹۸	۳۹۹
۷	قانون امتیاز تاسیس سیم نقاله	۳۹۹	۴۰۲
۸	قانون قرارداد استخراج معدن اکسید و فر جزیره هرمز	۴۰۲	۴۰۳
۹	قانون راجع باجاره خالصجات اطراف طهران و خوار	۴۰۴	۴۰۴
۱۰	قانون اجازه خرید بیست کروور مثقال نقره	۴۰۴	۴۰۵
۱۱	قانون واگذاری انحصار ادرانی از مشهدس الی بافروش	۴۰۵	۴۰۷

قسمت دوم
امتیازات

قسمت دوم

امتیازات

قانون

راجع به قرارداد پوست بره

مصوب ۱۶ جمادی الاول ۱۳۲۸ قمری

مابین اولیای دولت قویشوکت روسیه بتوسط وزیر مختار دولت معظم الیهما از يك طرف و اولیای دولت علیه ایران بتوسط وزیر مالیه از طرف دیگر این قرار نامه حاضره از تاریخ شهر جمادی الاولی ۱۳۲۸ به تفصیل ذیل منعقد گردید

(اولاً) - قرار دادی که در بیست و هفتم شهر صفر ۱۳۲۷ هجری مطابق اول حمل سنه تخاقوی ٹیل فیما بین مأمورین محمد علی میرزا و اقامت نرسس اف تاجر باشی روس در طهران منعقد و در ۱۴ ماه مارت سنه ۱۹۰۹ در دفتر اسناد سفارت سنیه روس در تحت نمرة ۹۰ ثبت گردیده و حال متعلق بتجارتخانه برادران علی اف میباشد از طرف هردو دولت محکوم به بی اعتباری و نسخ گردید

(ثانیاً) - در عوض وجهی که تجارتخانه برادران علی اف برای انعقاد قرار داد مزبوره منسوخه صرف نموده دولت علیه ایران متعهد است مبلغ دو بیست هزار تومان بدون تنزیل به پول ایران در مدت پنجسال به اقساط متساویه هر سالی چهل هزار تومان تمام برای اول اکتبر هر سال به تجارتخانه برادران علی اف بپردازد و شروع به پرداخت این وجه از هذه آلسنه خواهد بود

(ثالثاً) - ضامن ترتیب پرداخت هر ساله وجه مزبور به عمل آن از حیث مبلغ وموعده به تجارتخانه برادران علی اف حق جوازی است که اولیای دولت علیه ایران

در هذه السنه ایت ٹیل قانوناً مقرر می فرمایند که از این تاریخ از پوست بره که در تمام خاک ایران خریداری می شود چه در مدت این قرارداد و چه بعد از آن در نقاطی که صلاح میدانند غیر از کمرکات از قرار ذیل اخذ مینمایند

از پوست شیراز دانه سه شاهی

از پوست خراسان دانه پنج شاهی

از پوست سایر نقاط ایران دانه هفده شاهی ونیم

(رابعاً) - برای مزید اطمینان از وصول مرتب اقساط مذکور در فصل سوم دولت علیه ایران از این تاریخ تا انقضای مدت این قرارداد کشتار بره و خرید و فروش پوست آنرا در ممالک محروسه جز بترتیبی که در فصل هفتم این قرار داد مذکور است قدغن فرموده و بهیچ عنوان عوارضی دیگر بر پوست بره تحمیل نخواهد نمود

(خامساً) - تمام وجوهی که از این عایدات جمع می شود متدرجاً بتوسط اولیای دولت علیه ایران بشعبه طهران بانک استقراضی ایران در حساب تملی اف ها تحویل خواهد شد تا تکمیل مبلغ چهل هزار تومان مذکور و دولت علیه متعهد است که قبل از تکمیل مبلغ مزبور از این عایدات بهیچوجه بمصارف دیگر نرساند و در صورتیکه این عایدات کفایت تکمیل وجه فوق الذکر را نمایند اولیای دولت ایران متعهدند که در هر صورت برای اول ماه اکتبر هر سال کسر این وجه را از عایدات دیگر دولتی برسانند

(سادساً) - اولیای دولت علیه ایران متعهدند که این حق جوازی را که از پوست های بره خریداری برادران علی اف هم باید همیشه در یافت نمایند تا مدت پرداخت اقساط پنجگانه تقدماً نگرفته قبض رسید مأخوذ دارند و همان قبوض بجای وجه نقد تا چهل هزار تومان مذکور در فصل فوق تسلیم بانک استقراضی خواهد شد

(سابعاً) - در مدت این پنج سال هر گاه دولت علیه ایران برای محافظت نسل بره بخواهد هر سال يك ماه بمناسبت هر محلی در تمام ایران غیر از فارس اگشتار بره را قدغن نماید این قرار داد مانع نخواهد بود و مقرر گردید که خریداران پوست بره از طبعه روس هیچیک حق ندارند احدی را بگشتار بره مجبور کنند
(ثامناً) - این قرارداد که نخستین نوشته شده برای طرفین بدون تغییر لازم الاجرا میباشد

قانون

امتیاز نامه طلاشویی آستانه عراق

مصوب ۱۹ شعبان ۱۳۲۸ قمری

- ۱ - امتیاز طلاشویی در طول رود خانه دواب و شعبی که داخل برود خانه میشود از قریه آژنا تا قریه ده سفید که طول آن عبارت از ده هزار و پانصد و هفتاد ذرع است و عرض از هر طرف ساحل یکصد و چهل و چهار ذرع است بمدت بیست سال شمسی با آقای میرزا علی محمد خان و شهاب الممالک و حاجی سید ابوالحسن و حسین آقا تاجران طهرانی داده میشود
- ۲ - امتیاز و استخراج سایر فلزات در حدود معینه ذیل بشرکاء داده میشود بمدت سی سال شمسی - حد شمالی از قریه آژنا بطرف مغرب پنجاه ذرع که منتهی میشود بقریه پاموسی - حد غربی از قریه پاموسی بطرف جنوب غربی هشت هزار ذرع که منتهی میشود بقطعه که در نقشه بعلاص (ب) تخصیص داده شده - حد جنوبی از نقطه (ب) بطرف شرق هفت هزار ذرع که منتهی میشود بقطعه که در نقشه بعلاص (د) معرفی شده - حد شرقی از نقطه (د) بطرف شمال شرقی هشت هزار ذرع که منتهی میشود بقریه آژنا موافق حدود مزبور کلیه اراضی که در حوزه این امتیاز واقع میشود

تخمیناً يك فرسخ مربع و بشکل چهارضلعی غیر منظم که قریه آستانه تقریباً در مرکز واقع میشود

- ۳ - هر گاه صاحبان امتیاز در ضمن طلاشویی یا استخراج معادن مذکور معادن جواهرات یا اشیاء عتیقه کشف نمایند از این امتیاز خارج و متعلق بدولت خواهد بود
- ۴ - از کل عایدات از معادن فلزات ده درصد و از عین طلای استخراج شده نیز بدون موضوع نمودن خرج ده درصد باید بدولت عاید دارند
- ۵ - هیچیک از صاحبان امتیاز و شرکاء و اشخاصیکه این امتیاز و حق شرکت بآنها منتقل میشود مجاز نخواهند بود قسمت خود را به تبعه خارجه انتقال نموده و یانزد آنها وثیقه و رهن بگذارند هر گاه خود یا وراث آنها داخل تبعیت خارجه شوند این حق از او ساقط و باید امتیاز و سهم خود را بتبعه داخله انتقال نماید و در صورتیکه کسی از تبعه داخله خریدار نباشد دولت بقیمت عادلانه خریداری خواهد نمود

۶ - اگر صاحبان امتیاز بخواهند از اتباع خارجه برای شرکت یا کمپانی قبول نمایند باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد

۷ - صاحبان امتیاز اگر بخواهند در حوزه امتیاز ایجاد راهی نمایند جهت حمل و نقل مواد معدنی از محل استخراج به مرکز حوزه مجاز هستند

۸ - زمین هائیکه صاحبان امتیاز میخواهند طلاشویی و یا استخراج معادن و یا ایجاد راه نمایند اگر متعلق بمالک مخصوص باشد ترخیصه خاطر مالک بمعهد صاحبان امتیاز است

۹ - صاحبان امتیاز اگر در طلاشویی از تاریخ امضاء تا یکسال شروع به استخراج نکرده و در معدن سایر فلزات تا مدت دو سال دیگر استخراج نمودند این امتیاز از

درجه اعتبار ساقط خواهد بود

۱۰ - هرگاه در طول مدت امتیاز یکسال در تلاش و دو سال متوالی در معادن بدون اجازه و اطلاع وزارت فواید عامه تعطیل و تأخیر نمایند امتیاز لغو و از درجه اعتبار ساقط خواهد شد

۱۱ - اشیاء و اموال غیر منقوله از هر قبیل بعد از انقضای مدت متعلق به دولت خواهد بود

۱۲ - پس از انقضای مدت امتیاز با تساوی شروط حق تقدم با صاحبان این امتیاز خواهد بود

قانون

امتیاز تاسیس کارخانه چرم و صابون سازی

به ربیع زاده و شرکاء

مصوب ۱۴ ذیحجه ۱۳۲۸ قمری

ماده اول - آلات و ادوات يك دستگاه ماشین چرم سازی و يك دستگاه ماشین صابون پزی و يك دستگاه ماشین روغن کشی که ربیع زاده و شرکاء وارد میکنند از حقوق کمر کی معاف خواهد بود و همچنین ادوات ضمیمه که برای ماشین های مزبوره وارد میکنند

ماده دوم - ادویه و دهنیات متعلق بصابون سازی در مدت شش سال از حقوق کمر کی معاف خواهد بود

ماده سوم - صورت اسامی و مقدار ادویه و دهنیاتی که در هر سال برای کارخانه لازم است تا مدت شش سال موقوف بتعیین و تصدیق وزارت فواید عامه

خواهد بود

ماده چهارم - هرگاه معلوم شود که ربیع زاده و شرکاء ادویه و دهنیاتی که برای استعمال در کارخانه آورده اند بفروش رسیده باشد بعد از معافیت کمر کی بکلی عروم خواهد بود

ماده پنجم - در صورتیکه راجع بمنابع این کارخانه مالیاتی در مملکت وضع شود کارخانجات مزبوره از تاریخ امضای آن قرارداد تا پنجسال از مالیات معاف خواهند بود ولی مالیات صغری معموله را باید بپردازد

ماده ششم - علامت و مهر و قالبهای مخصوص این کارخانجات بکلی ممنوع از تقلید است

ماده هفتم - در صورتیکه ربیع زاده و شرکاء بخواهند در کنار رودخانه کرج یا جاجرود بنای کارخانه های فوق را بنمایند معادل ده هزار ذرع اراضی بایر اطراف رودخانه چنانچه متعلق بدولت باشد و قابل بنای کارخانه باشد از طرف دولت بر ربیع زاده و شرکاء تا مدتیکه کارخانه چرم سازی در آن نقطه برقرار است داده میشود

ماده هشتم - ربیع زاده و شرکاء میتوانند از آب رودخانه بقدر شرب اجزاء کارخانه و حوض های دوائی جهت نرم نمودن و شست و شوی چرمها بمصرف برسانند

ماده نهم - فاضل آب فاسد کارخانه بهیچ وجه نباید داخل رودخانه بشود

ماده دهم - این تخصیصات برای ربیع زاده و شرکاء مادامی که مستقر است که تمام شرکاء تبعه داخله باشند هرگاه به نحوی از اتباع خارجه در این شرکت دخالت پیدا کنند از آن تاریخ بعد این تخصیصات از شرکاء سلب خواهد شد

قانون

تجدید قرار داد نقره
با بانک شاهنشاهی

مصوب ۲۶ ربیع الاول ۱۳۲۹ قمری

ماده اول - وزارت مالیه مجاز است که قرار داد مورخه اول حمل ۱۳۳۸ را در باب خرید و حمل نقره با بانک شاهنشاهی ایران با رعایت تغییرات ذیل از اول حمل ۱۳۲۹ تا آخر حوت ۱۳۳۰ تجدید نماید:

(۱) تعیین مقدار نقره که بموجب قرار داد سابق يك صد و بیست گرومقال بوده بسته بصلاحدید دولت است که در رأس هر ماه مقدار آن را معین خواهد نمود
۲ - مقدار نقره که بانک بطور مساعده برای دولت تهیه خواهد نمود الی سیصد هزار لیره بوده و میزان منفعت از بابت کلیه وجوهاییکه بانک پیشکی میدهد بقرار صدی پنج خواهد بود

ضمیمه

بموجب قرار داد حاضر که فیما بین بانک شاهنشاهی ایران از طرفی و اولیای دولت اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی ایران ادام الله بقاء دولته از طرف دیگر منعقد است بانک شاهنشاهی ایران تعهد می نماید که بشرايط ذیل برای ضرب در ضرابخانه مبارکه نقره قرص بابت حساب دولت علیه ایران خریداری نموده و با ایران حل نماید (اول) - مدت دوام این قرار داد از تاریخ بیست و یکم ماه مارس (۱۹۱۰) الی بیست و یکم ماه مارس (۱۹۱۱) مسیحی که مطابق است با اول حمل (۱۳۲۸) الی اول حمل (۱۳۲۹) در یکسال تمام خواهد بود (دوم) - چون دولت علیه ایران حل نقره را برای ضرب در ضرابخانه بکلی

منحصر بخودشان فرموده اند فقط بانک شاهنشاهی وکالت میدهند که نقره را بابت حساب دولت علیه خریداری نموده حل بپهران نماید و دولت علیه ایران در مدت دوام این قرار داد تعهد میفرمایند که هیچ مقدار نقره بتوسط دیگری حمل نفرمایند مگر بتوسط بانک شاهنشاهی ایران لاغیر و نقره را هم که بتوسط دیگران از خارجه حل شده باشد خریداری نفرمایند و نیز دولت علیه تقبل مینماید که قیمت نقره و تمام خارجه حل آنرا بپهران بانضمام حق بیمه و غیره هر چه را که بانک شاهنشاهی از بابت دولت علیه ایران داده است بطوریکه در ماده هشتم ذکر شده عاید و مرحمت فرمایند.

(سوم) - دولت علیه ایران تعهد میفرمایند که هر مقدار برات خارجه برای حل نقره مطلوب لازم شود تمام را از بانک شاهنشاهی ایران ابتیاع فرمایند لاغیر (چهارم) - قیمت کلیه اینگونه بروات این قسم معین میشود که در هر مظنه که بانک شاهنشاهی ایران بروات تلگرافی حواله لندن را خریداری کند از قرار صدی سه ربع علاوه بر آن میزان با دولت حساب نماید هنگامی که مظنه برات خارجه معین میشود قیمتیراهم که از آنقرار نقره باید خریداری شود آنهم در همان مجلس معلوم و معین خواهد شد

(پنجم) - مقدار نقره که در تحت شرایط این قرار داد باید حل شود عبارت از یکصد و بیست گرومقال خواهد بود ولی مقرر است که هرگاه بواسطه نرخ بروات خارجه و قیمت نقره حل این مقدار مقرون بصرفه نباشد در آنصورت طرفین هیچیک مجبور به حل آن نخواهند بود

(ششم) - دولت علیه ایران تقبل میفرمایند بمیزان قیمت تمام نقره که در عرض مدت استقرار این قرار حل میشود بقرار صدی ربع بانک شاهنشاهی ایران حق العمل مرحمت فرمایند و این حق العمل از روی قیمت نقره که به لیره داده می شود

حساب شده بهمان میزانی که قیمت هر ققره نقره ایتیاغی تسعیر میشود به قران مسعر گردد. (هفتم) - بانک شاهنشاهی ایران تقبل مینماید هر مبلغ تنخواهی که بدفعات برای خریداری نقره لازم شود الی مبلغ دویست هزار لیره انگلیسی تدارک و تهیه نماید و معادل عوض آنرا از عمل کرد ضرب آن نقره از ضرابخانه مبارکه مأخوذ و دریافت دارد میزان منفعت کلیه این وجوهائیکه بانک پیشکی میدهد بقرار صدی نه در سال خواهد بود

(هشتم) - تمام نقره هائیکه در عرض راه الی طهران و در بانک و در مدت سکه شدن و غیره در ضراب خانه خواهد بود در حکم و ثقیه و جوه پیشکی داده بانک است ولی مقرر است که فواید تقریبی حق دولت علیه است از هر ققره نقره که در ضراب خانه فرستاده بشود باید به خود دولت برسد و هر گاه لازم شود بدفعات میتواند آن را از پیش در یافت فرماید مشروط بر اینکه تأدیه و پرداخت قیمت نقره و مخارج و تزیین بانک کاملاً ملاحظه و منظور نظر باشد و نیز مقرر است که مقدار نقره موجودی ضراب خانه در دفعات واحده برای آنکه ضراب خانه بدون انفصال بتواند مشغول کار باشد فریب پنجاه هزار لیره کافی خواهد بود.

قانون

اجازه امتداد لوله نخط از

بیجار خاله الی کنار شهر رشت

مصوب لیه ۲۶ رمضان ۱۳۲۹ قمری

ماده اول - از طرف دولت علیه به برادران نوبل اجازه داده میشود که از کنار بندر بیجار خاله لوله آهنی برای جریان نخط بطول یک فرسخ مستقیماً تاراه شوسه پیر بازار و رشت کشیده در محل موسوم به (کوماکو) به راه شوسه مزبور

داخل نموده و از کوماکو تا کنار شهر رشت لوله را متوازی با راه و از کنار راه عبور داده به انبار اداره نوبل کنار شهر رشت وارد نماید توضیح آنکه کلیه مسافتیکه بطول آن لوله کشیده میشود دو فرسخ و سبعم فرسخ خواهد بود.

ماده دوم - برادران نوبل برای کشیدن لوله از صاحبان املاک اراضی لازمه را بعارض یک ذرع و نیز محل ابنیه چوبی و انباری را که برای اینکار لازم است باطلاع و تصویب اولیای دولت علیه و رضایت صاحبان اراضی باسند کتبی و امضای طرفین بمهرکار گذاری برای یک مدتی که زیاده از پانزده سال نباشد اجازه خواهند کرد.

ماده سوم - مدت این اجازه پانزده سال خواهد بود و پس از انقضای مدت برادران نوبل باید تمام لوله ممتده و اشیاء منقوله خود را برداشته و فقط پیل و عماراتی را که برای محافظت لوله بنا نموده اند بصاحبان املاک بلا عوض واگذار کنند مگر در موردیکه با اجازه دولت بدیگری انتقال یابد.

ماده چهارم - در هر هفته اداره نوبل باید ربع آن مقدار نخطی را که ممکن است از لوله جاری شود برای تجار نخط فروش اتباع داخله جریان دهد و ترتیب تقسیم جریان این مقدار نخط را تجار داخله با کمپانی نوبل باطلاع کار گذاری کیلان خواهند داد مشروط بر اینکه تجار مزبور نخط خودشان را با کرجی در بیجار خاله حاضر نموده و از اداره نوبل در رشت بوسیله بوشکه مخصوص خود و یا بواسطه لوله که از انبار نوبل به انبار های شخصی خود خواهند ساخت تحویل بگویند.

ماده پنجم - اشخاصی که حق حمل ربع نخط را در هر هفته با این لوله دارند از تجار داخله باید بوده و با تجار تخانه های خارجه رسماً شراکت نداشته باشند.

ماده ششم - قرار کرایه نخطی که تجار داخله بتوسط لوله جاری میکنند دولت با کمپانی نوبل بطور عدالت و رعایت طرفین خواهد داد.

ماده هفتم - دهنه لوله که اداره نوبل خواهد کشید دو کره و نیم خواهد بود.

ماده هشتم - مستحفظی لوله مزبور با مالکین اراضی است عملجات و مستحفظین تماماً اتباع دولت علیه خواهد بود و حقوق مستحفظی از کمپانی نوبل برضایت آنان ادا خواهد شد.

ماده نهم - اداره نوبل نمیتواند بهیچ اسم و سم بعنوان خسارت لوله یا غیر آن از صاحبان اراضی یا اولیای دولت علیه ایران ادعای خسارتی بنماید و هر گاه اختلافی مابین کمپانی نوبل و صاحبان اراضی یا مستحفظین لوله روی بدهد تسویه آن در کار گذاری خواهد شد و کمپانی نوبل حق هیچ نوع تعرض مستقیماً یا آنها نخواهد داشت.

ماده دهم - این اجازه بهیچوجه شامل انحصار نیست و دولت علیه میتواند بهر کس بخواهد اجازه تمدید لوله برای نطق بدهد.

قانون

امتیاز چرم سازی

مصوبه غره ذیقده ۱۳۲۹ قمری

ماده واحده - وزارت تجارت مجاز است که بترتیب ذیل در آوردن ماشین آلات چرم سازی با جلالیانس تبعه دولت علیه ایران مساعدت نماید:

اول - ماشین و آلات چرم سازی تا مبلغ سی هزار تومان ارزش از حقوق کمر کی معاف خواهد بود.

دوم - هر مقدار دواجات و رنگ که برای مصرف پنج سال صنعت چرم سازی لازم

و مخالف با قوانین مملکتی نباشد جلالیانس مجاز است تا مدت پنج سال پس از امضاء باتعین مقدار مصرف کارخانه از طرف وزارت فواید عامه بدون پرداختن حقوق کمر کی از خارج وارد نماید.

سوم - تا مدت دو سال پس از امضاء اگر جلالیانس ماشین و آلات چرم سازی را تهیه نکرده و بکار نیندازد از این دوقطره معافیت محروم خواهد بود.

چهارم - دوقطره اختصاص معافیت از حقوق کمر کی که دولت برای این اجازه به جلالیانس تبعه دولت علیه ایران میدهد شخصی و بهیچوجه قابل انتقال بغیر نخواهد بود.

قانون

امتیاز تاسیس سیم نقاله

مصوبه پنجم ذیقده ۱۳۲۹ قمری

ماده اول - امتیاز تاسیس سیم نقاله مطابق مواد ذیل از کهریزک بطهران و از طهران به اوشان بشرکت قند سازی داده میشود.

ماده دوم - شرکت قند سازی میتواند در موقع لزوم از مرکز (اوشان) رشته سیم نقاله خود را تا بهر یک از معادن ذوغال سنک که میتواند از برای خود در حدود لار و رودبار تهیه نماید (و نیز از مرکز کهریزک از برای حمل چندر که میتواند در ورامین و شهریار تهیه کند) پس از اجازه وزارت فواید عامه امتداد دهد.

ماده سوم - مدت این امتیاز از تاریخ امضاء پنجاه سال شمسی است.

ماده چهارم - هر مقدار ذوغال برای مصرف کارخانه و اداره قند سازی

اکهریزک لازم باشد پس از تعیین وزارت فواید عامه از هر گونه مالیات و عوارض دولتی در ظرف مدت مزبور معاف است

ماده پنجم - خارج از مصرف کارخانه هر مقدار ذوغال سنگی که بمصرف فروش میرسد باید حقوقی را که فعلاً برقرار است یا بعد ها از طرف دولت بطور عمومی برقرار میشود بپردازد

ماده ششم - شرکت مزبوره نباید ذوغال را در ده سال اول از خرواری سه تومان و پنجهزار دینار در مراکزی که سیم کشیده میشود زیاد تر بفروشد مگر در مواردی که معادن یا خط راه دچار صدمه و خسارتی بشود که دولت زیادی قیمت را معین و تصویب نماید و بعد از ده سال هر پنجسال به پنجسال دولت با کمپایی نرخ ذوغال را معین خواهد نمود

ماده هفتم - شرکت متعهد می شود که هر مقدار ذوغال سنگی که از برای مصارف سوخت کارخانجات که در طهران و اطراف طهران فعلاً دایر است یا بعد از این دایر خواهد شد و از روی موازین علمی از طرف دولت معین و تشخیص داده شود بطور استثناء بعد از وضع سهم استهلاك سرمایه و سایر مخارج بعلاوه ده يك فایده خالص بفروش برساند

ماده هشتم - شرکت مجاز است بعلاوه ذوغال سنگ اجناس دیگر و مسافر را با سیم نقاله حمل و نقل نماید و نیز از کلیه عایدات که از حمل و نقل اجناس و اشخاص عاید شرکت میشود مطابق دفاتر شرکت ده يك باید بعد دولت پرداخته شود

ماده نهم - هر گونه لوازم سیم نقاله و لوازم استخراج ذوغال از معدن راجع باین امتیاز از خارجه وارد بشود با اطلاع وزارت فواید عامه از حقوق گمرکی معاف خواهد بود

ماده دهم - در نقاطی که پایه های سیم نقاله در اراضی بایرة دولتی واقع

میشود برای نصب پایه های سیم مزبور باندازه يك دایره که قطر آن هشت ذرع میباشد دولت بشرکت واگذار مینماید و در اراضی شخصی بعد از تحصیل رضایت مالک بقیمتی که مالک راضی باشد و همچنین در اراضی دایر دولتی قیمت عادله عملی را خواهد پرداخت

ماده یازدهم - هر نقطه از نقاط که خط سیم نقاله واقع شود و شرکت بخواهد در آن عمل انبار یا جای کارگران بنا نماید در صورتیکه در اراضی بایره دولت واقع شود بدون ادای هیچ وجهی با تعیین وزارت فواید عامه دولت اراضی لازمه را بشرکت اعطا خواهد فرمود

ماده دوازدهم - شرکت مزبور حق ندارد که این امتیاز را جزء با کلاً بنحوی از انحاء به تبعه خارجه انتقال داده یا وثیقه ورهن بگذارد مگر با اجازه مجلس شورای ملی و نیز شرکت حق ندارد سهام شرکت را به تبعه خارجه واگذار نماید مگر با اجازه دولت و با تعهد قبول شرایط نظامنامه داخلی شرکت که با رضای دولت خواهد رسید

ماده سیزدهم - بعد از انقضاء مدت این امتیاز خط سیم مزبور بهر نقطه که کشیده شده باشد با تمام متعلقات آن مجاناً بدولت علیه واگذار میشود

ماده چهاردهم - پس از انقضاء مدت این امتیاز در صورتیکه دولت بخواهد این خط سیم را بدیگری واگذار نماید با تساوی شروط این شرکت حق تقدم خواهد داشت

ماده پانزدهم - هر گاه شرکت مزبور از تاریخ امضاء این امتیازنامه تا مدت سه سال بدون عذر موجه و موانع قوت العاده که وزارت فواید عامه صحت آنرا تصدیق نماید سیم نقاله و کارخانه قند سازی را دایر نماید این امتیاز از درجه

اعتبار ساقط خواهد بود

ماده شانزدهم - هر گاه در ظرف مدت این امتیاز شرکت مزبوره از دایر داشتن کارخانه قند سازی منصرف شود و یا کارخانه را بکلی تعطیل نماید این امتیاز صورت اجازه را خواهد داشت و شرکت سیم نقاله باید قرار داد جدیدی در قیمت ذوغال با دولت بدهد

قانون

قرار داد استخراج معدن اکسیددوفر جزیره هرمز

مصوب ۱۰ ذیحجه ۱۳۲۹ قمری

ماده اول - دولت معدن اکسیددوفر جزیره هرمز را از ابتدای حمل ایت نیل ۱۳۲۸ تا مدت ده سال شمسی بشرايط ذیل با آقای حاجی معینالتجار واکذار مینماید مشروط بر اینکه کلیه تعهداتی که مطابق يك قرار داد علیحده که در کابینه وزراء سابق بتاريخ ۱۶ شهر ذیحجه ۱۳۲۸ با مستر استریک مقرر گردیده تا انقضاء مدت قرار داد که پنج سال شمسی است حاجی معینالتجار کاملاً مرعی داشته و هر گاه برخلاف فصول آن قرار داد رفتاری کند که موجب ضرر دولت باشد خسارات وارده بر دولت را از عهده بر آید .

ماده دوم - دولت متعهد میشود که از هر مقدار خاکی که علاوه بر سیزده هزار تن اکسیددوفر موجودی حاجی معینالتجار که دولت ایتباع کرده و مبلغ بیست و چهار هزار لیره که در ازای یازده هزار و دو بیست و نود و چهار تن وجه قیمت آن بمعزی الیه حواله شده که برداشت نماید تا میزان سی هزار تن که بموجب قرار داد باید بمستر استریک تحویل داده شود صدی پانزده بعنوان مصارف استخراج بحاجی معینالتجار بدهد

مشروط بر اینکه اگر خاک موجودی حاجی معینالتجار کمتر از سیزده هزار تن شد قیمت کسر را تا سیزده هزار تن از قرار هر تنی چهل و دو شلینگ و نیم بدولت علیه بپردازد و اگر خاک موجودی بیشتر از سیزده هزار تن گردید حاجی معینالتجار قیمت مقدار علاوه را مطالبه نخواهد کرد .

ماده سوم - حاجی معینالتجار ملتزم است که بقیه قیمت خاک خریداری مستر استریک را بعد از وضع سیزده هزار تن تا انقضای مدت قرار داد استریک بدولت کار سازی دارد و در صورت نرساندن اقساط مقرر دولت قادر بر فسخ این قرار داد خواهد بود .

ماده چهارم - اگر تا انقضاء مدت قرار داد دولت با مستر استریک که پنجسال اول باشد حاجی معینالتجار اضافه بر سی هزار تن که در این مدت بمستر استریک فروخته شده باستریک یا دیگری بفروشد معادل صدی هفتاد و پنج باید قیمت آنرا بدولت کار سازی دارد .

ماده پنجم - پس از انقضاء مدت قرار داد استریک هر مقدار خاکی که از جزیره مزبور استخراج شود مقررأ صدی هفتاد و پنج آن حق دولت است و صدی بیست و پنج از بابت مصارف و حق الزحمه بحاجی معینالتجار تعلق خواهد گرفت .

ماده ششم - تمام معاملاتی که حاجی معینالتجار در مدت ده سال در خصوص خاک قرمز اکسیددوفر با هر کس بنماید باید با اطلاع دولت باشد .

ماده هفتم - اگر حاجی معینالتجار در مدت ده سال بیش از آن مقدار خاکی که بمصرف فروش میرسد استخراج و ذخیره نماید متعلق بدولت خواهد بود

ماده هشتم - قرار داد لازم بر طبق مواد فوق فیما بین وزارت فواید عامه و آقای حاج معینالتجار نسخین مبادله میگردد .

قانون

راجع باجاره خالصجات اطراف طهران و خوار

مصوب ۲۲ جمادی الاخری ۱۳۲۹

ماده اول - وزارت مالیه در صورتیکه موفق باداره کردن خالصجات دولتی اطراف طهران و خوار نشود مجاز است املاک مزبوره را بطور مزایده با تصویب خزانه دار کل باجاره دهد در صورت تساوی شرایط و حصول اطمینان از پرداخت مال الاجاره حق تقدم با رعایای عمل خواهد بود

ماده دوم - مستأجرین باید تبعه دولت ایران باشند و در تحت تأمین و حمایت خارجه هم نباشند و هر گاه در ظرف مدت اجاره حصه یکی از شرکا یکی از تبعه خارجه انتقال یابد دولت حق فسخ آنرا نسبت بان حصه خواهد داشت
ماده سیم - مدت اجاره از پنج سال باید تجاوز نکند

قانون

اجازه خرید بیست کروور متقال نقره

مصوب ۱۰ شعبان ۱۳۲۹

ماده اول - وزارت مالیه مجاز است که باقای میرزا عبدالله معین الرعایا اجازه دهد که از ابتدای برج اسد هذبه السنه تنگوزئیل لغایت يك سال شمسی با مراعات قرار داد بانك شاهنشاهی مقدار دوازده کروور متقال نقره از قرار هر متقال يك قران و نیم شاهی نقره خالص تسلیم نموده بعد از ضرب سکه عوض آنرا قران مسكوك دریافت دارد

ماده دوم - وزارت مالیه مجاز است که باقای میرزا محسن معتمد التجار اجازه

دهد که از ابتدای برج اسد هذبه السنه تنگوزئیل لغایت يك سال شمسی با مراعات قرار داد بانك شاهنشاهی مقدار هشت کروور متقال نقره از قرار متقالی بکقران و نیم شاهی نقره خالص تسلیم نموده بعد از ضرب سکه عوض آن را قران مسكوك دریافت دارد

ماده سوم - آقایان معین الرعایا و معتمد التجار در صورت لزوم مجازند این بیست کروور متقال نقره را اضافه بر قرار داد دولتی بتوسط بانك شاهنشاهی در ظرف یکسال شمسی وارد نموده و در ضرابخانه سکه نمایند

قانون

واگذاری انحصار عراده رانی از مشهدسر الی بار فروش

مصوب ۲۴ جمادی الاخر ۱۳۲۸

ماده اول - انحصار عراده رانی از مشهدسر الی بار فروش از قرار شروط مفصله در ذیل بشهریار خدا داد پاری معروف بساسانی تبعه دولت علیه ایران واگذار میشود

ماده دوم - خط راه همان راهی است که تاکنون بمحولات بتوسط قاطر و یابو از بار فروش بمشهدسر و از مشهدسر بسیار فروش حل و نقل میشود و ابتداء آن ازلب دریای بندر مشهدسر یعنی از آن نقطه است که مال التجاره و غیره از دریا نقل بخشگی میشود و انتهای آن شهر بار فروش است

ماده سوم - ساسانی تعهد میکند قطعه راه مذکور در فوق را بخرج خود تعمیر و عراده رو نماید یعنی امتداد سه فرسخ راه را شوسه ساخته بعرض پنج ذرع و هر کجا که خط راه کمتر از پنج ذرع باشد باید اراضی طرفین راه را برضای مالک و تصدیق

خبره خریداری نموده بر عرض راه بیفزاید که هیچ نقطه راه کمتر از پنج ذرع نباشد و دو نهر جنبین خط راه باید خارج و اضافه بر عرض راه و هر کدام يك ذرع باشد.

ماده ۴ - ساسانی متعهد است از مکاریها و اشخاصی که در این خط راه بتوسط چارپایان مسافرت مینمایند و حمل و نقل مال التجاره و سایر عمولات میکنند بهیچ اسم و رسم حق العبور مطالبه نکند و کما فی السابق در مسافرت و حمل و نقل محمولات آزاد باشند

ماده پنجم - اتباع خارجه بهیچ قسم مداخله و شرکت در این قرار داد نباید داشته باشند یعنی ساسانی حق هر نوع بیع و شرا و نقل و انتقال و اجاره و وثیقه دادن و شرکت در این راه را با اتباع خارجه یا کسی که در حمایت خارجه باشد ندارد و هر گاه یکی از شرکاء تبعه یکی از دول خارجه شد حق شرکت از او سلب خواهد شد باین معنی که سهم خود را باید یکی از تبعه داخله بقیمت عادلانه انتقال بدهد ولی شرکت با تبعه داخله را مجاز است.

ماده ششم - ساسانی مجاز است که هر قسم عراده از قبیل چهار چرخه و غیره در این راه بکار بیندازد و اگر دیگران خواسته باشند عراده از هر قبیل راه بیندازند ذهاباً و ایاباً مبلغ پنجهزار دینار باید به ساسانی بپردازند ذهاباً دو هزار و پانصد دینار ایاباً دو هزار و پانصد دینار.

ماده هفتم - مدت این امتیاز از تاریخ امضای آن لغایت (۱۸) سال شمسی تمام است.

ماده هشتم - صاحب امتیاز باید بعد از انقضای مدت امتیاز تمام خط راه را دائر و آباد و عراده و آنچه متعلق براه و ملزومات عراده رانی است تعمیر شده و بی عیب بکار گذاران دولت واگذار نموده تحویل بدهد و دوتوقفگاه در دو محل مقصد

و مرکز ساخته و بعد از ختم مدت بدولت واگذار نماید.

ماده نهم - هر گاه در زمان امتیاز ساسانی کار گذاران دولت علیه خواسته باشند امتیاز راه آهن این خط را یکی از اتباع دول خارجه یا داخله بدهند یا خود دولت بخواهد بسازد ساسانی حق خواهد داشت که آنچه را برای ساختن راه خرج کرده از قیمت عراده و غیره از روی ثبت و صورت دفتر تجارت خود به تقسیم ۱۸ ساله مدت امتیاز از دولت یا از کسیکه میخواهد این امتیاز را بگیرد دریافت داشته راه و عراده های خود را واگذار نماید (۲) یعنی باید خرجی که از برای ساختن راه و عرابه نموده است به هیجده قسمت نموده هر چند سالی که از مدت امتیاز گذشته است حتی نخواهد داشت و هر چند سالی که باقی مانده است باید بهمان نسبت باو بپردازند.

ماده دهم - هر گاه ساسانی از تاریخ امضاء قرارنامه الی ششماه شروع بکار کرد و تا دو سال راه را ساخت و تمام کرد که همه جا عراده رو باشد قرارنامه منسوخ خواهد شد.

ماده یازدهم - ساسانی وقتی میتواند اخذ حق العبور نماید که راه از هر حیث تمام شده باشد و تمام راه وقتی مصدق خواهد شد که از طرف مأمورین وزارت فوائد عامه بازدید شده و راپورت آن بوزارت خانه رسیده تصدیق نامه در دست صاحب امتیاز بوده باشد بدون داشتن این تصدیق نامه دیناری باسم حق العبور از مترددین حق اخذ نخواهد داشت.

ماده دوازدهم - ساسانی متعهد است عمه جاتی که در این راه خواهد گذاشت تبعه دولت علیه باشد.

ماده سیزدهم - هر گاه در طول مدت امتیاز در حسن ترتیب و دوران راه از طرف صاحب امتیاز قصوری شود و خرابی در راه بهم رسد که ساسانی در اصلاح آن مسامحه نماید کار گذاران دولت خود آن اصلاحات را مرمت نموده مصارف مزبوره را با اضافه خرج مأمور از صاحب امتیاز دریافت خواهند کرد.

قسمت سوم
قوانین موقتی
مصوب کمیسیون قوانین عدلیه

قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و حکام صالحیه
مصوب کمیسیون عدلیه مورخ ۲۱ شهر رجب ۱۳۲۹ قمری

کتاب اول

اصول تشکیلات عدلیه

مقدمه

ماده ۱ - محاکم عدلیه بر دو نوع است . عمومی و اختصاصی .
ماده ۲ - محاکم عمومی آنست که حق رسیدگی بشام دعاوی دارد غیر آنچه قانون
صراحتاً استثنا کرده است
محاکم عمومی بدو درجه است . اول ابتدائی دوم استیناف برای مواردیکه قانون معین میکند
ماده ۳ - برای سهولت جریان و تسویه امور و عدم تراکم دعاوی در محاکم ابتدائیه
محاکم صالحیه در جاهائی که قانون معین میکند برقرار میشود .
ماده ۴ - محاکم اختصاصی آنست که بهیچ امری حق رسیدگی را ندارد غیر آنچه
قانون صراحتاً اجازه داده است مثل محاکم تجارت و نظامی و غیرها که تشکیلات و ترتیبات
آنها بموجب قانون علیحده معین میشود .
ماده ۵ - مافوق محاکم مزبوره در ماده (۲) فقط در پادشخت مملکت ایران دیوان
تمیز تشکیل میشود
ماده ۶ - تقسیمات مملکت ایران از حیث تأسیس محاکم عدلیه از قرار تفصیل ذیل است
این قانون بموجب قوانین ۲۵ حمل ۱۳۰۲ و ۲۷ تیر ماه ۱۳۰۷ نسخ و اصلاح شده است

۱	ماده ۱ - محاکم عدلیه بر دو نوع است . عمومی و اختصاصی .
۲	ماده ۲ - محاکم عمومی آنست که حق رسیدگی بشام دعاوی دارد غیر آنچه قانون صراحتاً استثنا کرده است
۳	محاکم عمومی بدو درجه است . اول ابتدائی دوم استیناف برای مواردیکه قانون معین میکند
۴	ماده ۳ - برای سهولت جریان و تسویه امور و عدم تراکم دعاوی در محاکم ابتدائیه
۵	محاکم صالحیه در جاهائی که قانون معین میکند برقرار میشود .
۶	ماده ۴ - محاکم اختصاصی آنست که بهیچ امری حق رسیدگی را ندارد غیر آنچه قانون صراحتاً اجازه داده است
۷	ماده ۵ - مافوق محاکم مزبوره در ماده (۲) فقط در پادشخت مملکت ایران دیوان تمیز تشکیل میشود
۸	ماده ۶ - تقسیمات مملکت ایران از حیث تأسیس محاکم عدلیه از قرار تفصیل ذیل است

فهرست

قسمت سوم - قوانین موقتی

مصوب

دوره دوم قانون گذاری

ردیف	عنوان	صفحه	
		از	تا
۱	قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و حکام صلحیه	۴۰۸	۴۴۵
۲	قوانین موقتی اصول محاکمات حقوقی	۴۴۶	۵۶۳

(اولاً) حوزه صلحیه (ثانیاً) حوزه ابتدائیه (ثالثاً) حوزه استینافیه
 ماده ۷ - حوزه صلحیه عبارت است از قسمتی از خاک ایران که در قلمرو یک محکمه صلحیه است
 ماده ۸ - حوزه ابتدائیه عبارت است از قسمتی از مملکت ایران که در قلمرو یک محکمه
 ابتدائی واقع است و هر یک از حوزه های ابتدائیه مشتمل است بر حوزه های صلحیه
 ماده ۹ - حوزه استینافیه مرکب است از حوزه های ابتدائیه
 ماده ۱۰ - قوه قضائیه دیوان تمیز شامل کلیه محاکم عدلیه مملکت ایران است
 ماده ۱۱ - صلحیه ها و محاکم ابتدائی و استیناف بهابیت امور و قضایا موافق قوانین
 رسیدگی کرده حکم میدهند و دیوان تمیز در غیر مواردی که قانون استتفا کرده داخل در
 ماهیت دعاوی نشده فقط حق نقض و ابرام احکام و نظارت در محافظت قوت قانون و اجراء آنرا
 بالسویه در تمام محاکم عدلیه دارد .
 ماده ۱۲ - برای تحقیقات راجعه بجنحه و جنایات مستنطقین معین می شوند .
 ماده ۱۳ - در نزد محاکم عدلیه اداره مدعی عمومی برای ایفای وظایف مقررده تاسیس میشود
 ماده ۱۴ - حدود و وظایف و ترتیب اقدامات محاکم و ادارات عدلیه بموجب قوانین
 مقررده تعیین میشود
 ماده ۱۵ - رؤساء و اعضاء محاکم و ماحیان مناصب و مستخدمین عدلیه را دولت
 معین می کند
 ماده ۱۶ - در معیت محاکم اشخاص مفصلا ذیل میباشد :
 (۱) مامورین اجراء و احضار و اعلام
 (۲) منتظرین خدمت رسمی
 (۳) و کلاء رسمی
 (۴) طبیب قانونی و مترجم (در صورت لزوم) . ترتیبات راجعه بتاسیس هر کدام از مشاغل
 مزبوره بموجب قانون معین میشود

باب اول

در تشکیل محاکم عمومی

فصل اول

در محاکم صلحیه

ماده ۱۷ - محاکم صلح در جاهای مفصلا الذیل تاسیس میشوند :
 (اولاً) در شهرها . (ثانیاً) در مرکز بلوکات .

ماده ۱۸ - ممکن است در يك بلوك یا شهر بزرگی بحسب مقتضیات محلی صالحیه های متعدده تشکیل شود (در اینصورت آن شهر یا بلوك بچندین حوزه صالحیه تقسیم میشود) ، ونیز ممکن است بواسطه مقتضیات محلی از برای چند محله یا بلوك يك صالحیه تاسیس شود (در این صورت آن چند محل يك حوزه صالحیه را تشکیل مینماید) .

ماده ۱۹ - عده حوزه های صالحیه را نظر بمقتضیات وقت ومحل وزیر عدلیه معین ویس از تصویب مقامات لازمه صورت آنرا اعلان مینماید .

ماده ۲۰ - محکمه صالحیه عبارت است از امین صالح و بگنفر فقیه که صلاحیت قطع وفصل دعاری راجعه بمحکمه صالح را در موارد امور شرعی داشته باشد . فقیه مذکور موسوم است بحاکم صالح .

ماده ۲۱ - برای امین صالح علامت و مهر مخصوصی مقرر است .

ماده ۲۲ - امانی صالح برای رسیدگی دائمی محل معینی خواهند داشت ولی شکایات را با رعایت حدود قانونی در هر نقطه از نقاط حوزه خود قبول میکنند و در موارد لازمه موافق اصول محاکمات خودشان تنها یا باتفاق فقیه محکمه بمحل وقوع دعوا رفته در محل رسیدگی مینمایند .

ماده ۲۳ - در صورت غیبت یا مرض امین صالح یکی از ابناء صالح نزدیکترین محل بطوریکه قبلا مابین ابناء صالحیه مقرر شده موقتا وظایف او را انجام میدهد و یا قائم مقامی برای امین صالح غایب یا مریض موقتا بحسب نظامات معین میشود .

ماده ۲۴ - ابناء صالح بقدر لزوم اجزاء تحریر و ثبت و ضبط خواهند داشت . احضار و اعلام وهمچنین اجرای احکام محاکم صالحیه به عهده اشخاصی است که در موارد (۱۹۶) الی (۲۲۹) مقرر است .

ماده ۲۵ - محاکم صالح در تحت نظارت اداره مدعیهای عمومی و وزیر عدلیه واقعند .

ماده ۲۶ - بحاکم غیر قطعی محاکم صالح موافق اصول محاکمات در محکمه ابتدائی که در حوزه آن واقعند استینافا رسیدگی میشود .

احکام قطعی محاکم صالحیه قابل تمیز نیست .

ماده ۲۷ - محکمه صالح فقط در حوزه صالحیه خود حق رسیدگی را دارد .

ماده ۲۸ - هر گاه متداعیین و سایر اشخاصی که در محل رسیدگی ابناء صالح حضور دارند رعایت نظم وترتیب و قواعد مقرر را ننمودند ابناء صالح باید دو دمه اخطار نمایند و در صورتیکه اخطارات آنها بی نتیجه ماند مرتکب خلاف اگر از متداعیین است از دو الی بیست و چهار ساعت نسبت بدرجات تقصیر محکوم بشوقیف خواهد بود و اگر از غیر متداعیین است امین صالح باید او را از محکمه اخراج نماید .

ماده ۲۹ - هر گاه از اشخاص مذکور در ماده قبل توهینتی نسبت بامین صالح یا یکی از اجزاء محکمه واقع شود امین صالح حق دارد که صورت مجلسی در این باب مرتب نموده با

مرتکب نزد مدعی العموم بدایت بفرستند .

ماده ۳۰ - محاکم صالح حق دارند با تمام ادارات مستقیما مکاتبه نمایند .

ماده ۳۱ - ابناء صالح مکلفند که راپورت های راجعه بجرایان امور حوزه صالحیه خودشان را سامالی دو مرتبه مرتب نموده يك نسخه آنرا در موعد مقرر مستقیما بوزارت عدلیه و نسخه دیگر را در امور حقوقی بر رئیس محکمه ابتدائی متبوعه و در امور جزائی بمدعی العموم محکمه مذکور بفرستند که بعد از ملاحظه اشخاص مذکور موافق ترتیب مقرر و در موعدی که وزارت عدلیه معین واقعات می کند بان وزارت ارسال شود . علاوه بر راپورتهای سالیانه امانی صالح مکلفند که بر حسب تقاضای وزارت عدلیه یا اداره مدعی العموم در هر موقع اطلاعات و راپورتهای لازمه را بدهند .

ماده ۳۲ - ترتیب دفاتر صالحیهها بموجب دستورالعمل وزارت عدلیه موافق نظامنامههای داخلی محاکم معین میشود .

ماده ۳۳ - دستورالعمل هائیکه برای اجرای قوانین یا توضیحات آن لازم است با امانی صالحیه داده شود اداره مدعی العموم لایحه آنرا مرتب کرده و بعد از مذاقه بوزیر عدلیه پیشنهاد می کند .

فصل دویم

در محاکم ابتدائیه

ماده ۳۴ - در هر حوزه ابتدائیه يك محکمه ابتدائی برای رسیدگی بدعاری حقوقیه و جزائی تشکیل میشود . صورت محل هائیکه باید در آنهاجا محاکم ابتدائی تشکیل شود و عده اطافهای محاکم ابتدائی را بحسب اقتضاء محل و کثرت وقت دعوی وزارت عدلیه معین ویس از تصویب مقامات لازمه اعلان مینماید .

ماده ۳۵ - در هر محل که محکمه ابتدائی فقط دارای يك اطاق باشد در آن اطاق گاهی بامور حقوقی و گاهی بامور جزائی رسیدگی میشود و در جاهائیکه اطافهای محکمه متعدد است تخصیص اطافهای مزبور بهریک از نوع دعوی حقوقی و جزائی باموافق مقتضیات محلی باوزارت عدلیه است .

ماده ۳۶ - محکمه ابتدائی در تحت ریاست بگنفر رئیس می باشد و رئیس مزبور در صورت تعدد اطافها بقدر لزوم معاونین خواهد داشت . رئیس محکمه ریاست یکی از اطافها و معاونین ریاست اطافهای دیگر را در عهده میدارند .

ماده ۳۷ - در هر يك از اطافها علاوه بر رئیس اطاق دو عضو موظف خواهند بود . لا اقل یکی از اعضاء هر اطاقی باید از اهل علم بوده بصیرت کامله بمسائل و احکام فقهیه داشته باشد .

ماده ۳۸ - در هر محکمه ابتدائی يك دفتر دار برای تحریرات لازم - و ثبت تقریرات و ضبط اوراق و غیره مقرر است . دفتر دار مزبور مدیری دفتر خانه محکمه را بمعده داشته در صورت تعدد اطاقهای محکمه بقدر لزوم در تحت ریاست خود تقریر نویس و ثبات و ضباط خواهد داشت .

ماده ۳۹ - عده اجزای دفتر خانه موافق مقتضیات وقت و محل بتوسط وزیر عدلیه معین و بتصویب مقامات لازمه میرسد .

ماده ۴۰ - محاکم ابتدائی دعاوی حقوقیه و جزائیه را که بموجب قوانین راجع بانها است پذیرفته و آنچه را که خارج از صلاحیت آنها است رد مینمایند .

دعاوی راجعه بمحاضر شرع را محاکم ابتدائی پذیرفته به محاضر مزبوره رجوع میکنند و همچنین اطاقهای حقوقی دعاوی حقوقی و اطاقهای جزائی دعاوی جزائی رسیدگی کرده و آنچه را که از خصایص آنها نیست زدنموده با اطاقی را که مرجع است بمتداعین اعلام می نمایند .

ماده ۴۱ - محاکم ابتدائی دعاوی حقوقیه را که بموجب قوانین موضوعه راجع بانها است و همچنین دعاوی جزائیه را در تقصیری که بدرجه جنحه است بدایه و بقرارداد های غیر قطعی محاکم صاحبه استینافا رسیدگی نموده حکم میدهند و در جنایات در جاهائیکه محکمه جنائی تشکیل نشده مطابق اصول محاکمات جزائی رسیدگی نموده حکم میدهند .

ماده ۴۲ - در جاهائیکه محکمه تجارتی تشکیل نشده اطاق حقوقی محکمه ابتدائی دعاوی تجارتی نیز موافق قانون محاکم تجارت رسیدگی نموده حکم میدهند .

ماده ۴۳ - در صورتیکه محکمه ابتدائی دارای يك اطاق باشد بکنفر مستنطق در آن محکمه مقرر است و هر گاه محکمه مذکور بیش از يك اطاق داشته باشد عده مستنطقین را با رعایت مقتضیات محلی و کثرت و قلت دعاوی وزیر عدلیه معین مینماید .

مستنطقین بدو درجه تقسیم میشوند و مستنطق درجه اول رئیس دائره استنطاق میباشد . در صورت قلت دعاوی جزائی وزیر عدلیه میتواند یکی از اعضاء محکمه را با رعایت ماده (۷۶) بسمت مستنطقی معین نماید .

ماده ۴۴ - در جاهائیکه محاکم عدلیه کاملاً موافق قوانین مقرر تشکیل شده در معیت محکمه ابتدائی دائره ثبت اسناد بطوریکه قانون مخصوص آن معین می کند تاسیس میشود .

فصل سیم

در محکمه استیناف

ماده ۴۵ - در هر حوزه استینافیه يك محکمه استیناف تاسیس میشود . وزیر عدلیه عده حوزه های استینافیه و جاهائی را که باید مقرر محکمه استیناف باشد و

همچنین عده اطاق های محکمه استیناف را با ملاحظه مقتضیات محل معین نموده بمقامات لازمه پیشنهاد میکند .

ماده ۴۶ - در صورتیکه محکمه استیناف دارای يك اطاق باشد يك رئیس و يك معاون دوم و دو نفر عضو خواهد داشت که گاه بامور حقوقی و گاه بامور جزائی رسیدگی خواهند نمود و هر گاه محکمه مذکور دارای دو اطاق باشد مرکب خواهد بود از يك رئیس و يك معاون اول (رئیس شعبه) و دو معاون دوم و چهار عضو . در این صورت رئیس محکمه استیناف ریاست یکی از اطاقها را بالخصوص بمعده گرفته و ریاست اطاق دیگر را بمعده معاون اول و اگر مینماید یکی از اعضاء بنوبت عضو محقق معین و جلسه محکمه مرکب از سه نفر میباشد .

ماده ۴۷ - در معیت هر يك از محاکم استیناف دفتر خانه مقرر است دفتر دار محکمه مدیری دفتر و ثبت و ضبط اوراق محکمه را در عهده خواهد داشت و تقریر نویس های محکمه در مقابل او مسؤولند .

ماده ۴۸ - محاکم استیناف احکام و قرار های محاکم ابتدائی حوزه خود را در امور حقوقیه و جزائیه و تجاری موافق اصول محاکمات و قانون تجارت استینافا رسیدگی مینماید . صلاحیت محاکم استیناف در جنایات در اصول محاکمات جزائی مقرر است .

فصل چهارم

در تشکیل دیوان تمیز

ماده ۴۹ - دیوان تمیز فقط در پای تحت تاسیس میشود .

ماده ۵۰ - دیوان تمیز منشعب می شود بدو اطاق حقوقی و جزائی تجزیه امور جزائی از امور حقوقی و تخصیص اطاق جداگانه بهر کدام از نوع امور مذکور منوط بمقتضیات وقت و تصویب وزیر عدلیه و مقامات لازمه است .

ماده ۵۱ - هر اطاقی مرکب است از يك رئیس اطاق و چهار مستشار . یکی از رؤسای اطاق ریاست دیوان تمیز بر عهده دارد .

ماده ۵۲ - دیوان تمیز با حکامی که در اصول محاکمات حقوقی و جزائی مقرر است تمیزاً بدون داخل شدن در ماهیت و اصل دعاوی و قضایا رسیدگی می کند جز در مواردی که اصول محاکمات استثناء می کنند .

ماده ۵۳ - در دیوان تمیز يك دفتر خانه مقرر است که در تحت ریاست يك دفتر دار میباشد . تقریر نویسهای محکمه تمیز در تحت ریاست متار الیه ثبت و ضبط را در عهده داشته مسئول او خواهند بود دفتر خانه مذکور بقدر لزوم اجزاء خواهد داشت .

فصل پنجم

در ترتیبات داخلی محاکم عمومی

مبحث اول

در جلسات محاکم

ماده ۵۴ - جلسات محاکم عمومی بدو طریق میشود . جلسه محاکمه واداری (مشاوره) ماده ۵۵ - جلسه محاکمه نیز بدو قسم است : اولاً بطور معمولی که هر اطاق بدعاوی مرجوعه رسیدگی نموده حکم میدهد ثانیاً بطور فوق العاده و آن در صورت تعدد اطاقها تشکیل مییابد از اجتماع عمومی اعضاء اطاقها در تحت ریاست رئیس محکمه

موارد جلسات فوق العاده محاکم بموجب قوانین و نظامنامه ها مقرر است

ماده ۵۶ - جلسات محاکمه (خواه معمولی باشد خواه فوق العاده) علنی است مگر در مواردی که اصول محاکمات حقوقی و جزائی استثناء کرده است

ماده ۵۷ - جلسات اداری (مشاوره) محاکم برای انجام امور راجعه بانتظامات داخلی محاکم و ترتیب دستور العمل ها و تهیه ابواب و دادن قرار هائی است که باید در جلسات اداری بعمل آید وقانون و نظامنامه ها موارد آنرا معین کرده و آن نیز بدو قسم است بطور معمولی که هر اطاق بامور راجعه بان اطاق رسیدگی نموده قرار میدهد و بطور فوق العاده که در صورت تعدد اطاقها اعضاء اطاقها در تحت ریاست رئیس محکمه بامور مرجوعه رسیدگی مینمایند

جلسات اداری محکمه در هر حال غیر علنی است

ماده ۵۸ - برای اینکه جلسات معمولی محاکم قانونی محسوب شود در جلسات معمولی محاکم ابتدائی و استیناف علاوه بر رئیس اطاق لاقبل دونه از اعضاء محکمه باید حاضر باشند و در جلسات معمولی محکمه تمیز علاوه بر رئیس اطاق چهار نفر از اعضاء

ماده ۵۹ - جلسات فوق العاده (اجتماع عمومی) محاکم وقتی قانونی میباشد که لاقبل دو نایب اعضاء محکمه در تحت ریاست رئیس محکمه باقائم مقام او در جلسه حاضر باشند و عده اعضاء نباید زوج باشد

ماده ۶۰ - پس از انعقاد محکمه هر يك از رؤسا و اعضاء باید در دفتری که برای حاضر و غایب در محکمه مقرر است اسم خودشان را بنویسند و ذیل اسمی را رئیس یا قائم مقام او امضاء نماید و پس از شروع بمحاکمه محضوی که حاضر نبوده حتی ندارد اسم خود را در دفتر بنویسد

ماده ۶۱ - در دفتر مزبور باید مدت و تفصیل محاکماتیکه در جلسات میشود قید شده

و همچنین تصریح شود باینکه جلسه محاکمه بوده یا اداری معمولی بوده یا فوق العاده و در صورتیکه در موعد معین محاکمه نشود باینکه در ساعات کم و کسری روی دهد باید تخلف را در دفتر توضیح نمود .

ماده ۶۲ - مدعیان عمومی محکمه ابتدائی یا قائم مقام آنها باید سواد دفتر مذکور را در دوم و هفدهم هر ماهی بیار که استیناف بفرستند ولی بدو تحقیقات لازمه خود را در صحت یا عدم صحت آن دفتر باید نموده باشند

ماده ۶۳ - مدعیان عمومی استیناف پس از اینکه تحقیقات و تدقیقات خود را نمودند در تهران در پنجم و بیستم هر ماه صورت دفتر را بوزیر عدلیه تقدیم می نمایند و در ولایات ماهی یک مرتبه صورت دفتر را بوزارت عدلیه می فرستند

ماده ۶۴ - ترتیب نشستن رؤسا و اعضاء محاکم در جلسات محکمه بر حسب رتبه و اقدمیت در خدمت خواهد بود

ماده ۶۵ - دعاوی که بهر يك از شعب یا اطاقهای محکمه رجوع شده است به ترتیب الاقدمت بالا قدم رسیدگی میشود جز در امور فوری که تقدم آن منوط برای رئیس است

ماده ۶۶ - محکمه میتواند تحقیق و تدقیق امور را بیک یا چند نفر از اعضاء خود محول نماید و این عضو را در محکمه ابتدائی و استیناف عضو محقق و در محکمه تمیز عضو ممیز نامند اعضاء مذکور مکلفند که صورت اسناد دعاوی را مرتب نموده بدفتر دار محکمه بدهند که در دفتر ثبت شود و راپورت مذکور باید در مدتیکه محکمه معین می کند حاضر شود تاریخ رجوع عمل باعضاء مذکور توسط دفتر دار در محکمه ثبت میشود

ماده ۶۷ - در صورتیکه پس از انقضای مدت معینه محقق یا ممیز راپورت خود را نداد باید دلیل آنرا کتبا بر رئیس اطاق یا شعبه تقدیم نموده نزدیک مدت را بخواهد و در صورتیکه مدت مهلتی که داده میشود منقضی شده و راپورت مزبور باز تهیه نشود انشغال بدیگری تفویض خواهد شد و مراتب بتوسط مدعی العموم بوزارت عدلیه راپورت می شود

ماده ۶۸ - در جلسات محکمه هیچکس از اعضاء بدون اجازه رئیس نمیتواند تکلم نمایند و اگر خواستن توضیحی را از متداعیین لازم بداند بعد از تحصیل اجازه از رئیس سؤال خواهند کرد

ماده ۶۹ - هیچکس حق ندارد در حین محاکمه کلام متکلم را قطع نماید جز رئیس در موردی که بیانات متکلم را خارج از موضوع بحث دید باید اخطار نماید

ماده ۷۰ - بعد از انعقاد محکمه از مدتی که برای محاکمه مظلومی معین میشود نباید قسمتی بجلسه اداره یا باهور دیگری مصروف گردد

ماده ۷۱ - امور راجعه بمحاکم بر دو نوع است . فوری و عادی . امور فوری بر عادی مقدم است

ماده ۷۲ - پس از انعام محاکمه اعضاء و رئیس محکمه بطوریکه در اصول محاکمات

مقرر است مشاوره نموده و رئیس محکمه در اخذ آراء از رای کوچکترین عضو محکمه از حیث اقدمیت شروع کرده بعد از گرفتن رای سایر اعضاء رای خود را اظهار خواهد کرد

مبحث دوم

در مراتب رئیس و معاونین و اعضاء

ماده ۷۳ - در صورتیکه محکمه دارای اطاقهای متعدده باشد رئیس محکمه ریاست هر يك از اطاقها را که بخواهد اختیار میکند و در مواردیکه لازم شود ریاست هر يك از اطاقها را نیز می تواند بنماید ولی در اینصورت باید در تمام مدت جلسه ریاست داشته باشد. اطاقیکه رئیس ریاست آنرا اختیار کرده اطاق اول نامیده میشود.

ماده ۷۴ - در صورتیکه رئیس محکمه بانجام مشاغل و تسویه امور مرجوعه که مخصوص او است مشغول بوده باغایب باشد یکی از اعضاء همان اطاق بحکم اقدمیت قائم مقام او خواهد بود.

ماده ۷۵ - در صورتیکه معاون رئیس بواسطه اشتغال با امور مرجوعه یا غیبت نمی تواند در اطاق خود حاضر شود یکی از اعضاء همان اطاق بحکم تقدم در خدمت قائم مقام او خواهد بود.

ماده ۷۶ - در مورد دو ماده قبل یکی از مستنطقین یا یکی از اعضاء معاون را (رجوع ماده ۲۲۱) میتوان برای تکمیل عده جلسه محکمه دعوت نمود ولی مستنطقی که تحقیقات دعوی جزائی را کرده در محاکمه ریاست همان دعوی نمی تواند عضویت دعوت شود.

ماده ۷۷ - در مواردیکه عده اطاقهای محکمه متعدد بوده و دفتر دار نتواند تشخیصه ایفای وظیفه در تمام جلسات محکمه نماید در هر اطاقی در غیاب او یکی از تقریر نویسها قائم مقام او میباشد ولی در جلسات فوق العاده محکمه باید خود دفتر دار تشخیصه حاضر باشد.

ماده ۷۸ - اشخاصیکه باهم قرابت نسبی تا درجه چهارم قرابت سببی تا درجه سیم دارند می توانند در یک جلسه بسمت ریاست یا عضویت باهمدیگر (مجتمعا) حاضر باشند.

ماده ۷۹ - سالی یکمرتبه تبدیل اعضاء و رئیس هر يك از اطاقها خواهد شد بدین ترتیب که رئیس و اعضاء اطاقی با اطاق دیگر مامور میشوند بطوریکه رئیس و اعضاء يك اطاق بیش از یکسال باهم نباشند. تبدیل رئیس و اعضاء در جلسه فوق العاده اداره محکمه مرتب بعد از امضای زیر عدلیه بموقع اجرا گذارده میشود.

مبحث سیم

در تقسیم کارها

ماده ۸۰ - عرایض به رئیس محکمه داده می شود و مشارالیه باید وقت معینی برای گرفتن عرایض تعیین نماید.

ماده ۸۱ - کلیه عرایض را باسئنانای اموری که در ماده آتیه مذکور است رئیس محکمه میان اطاق ها تقسیم می کند و رئیس باید همیشه پیشرفت و سرعت جریان امور را در تقسیم کارها منظور دارد

ماده ۸۲ - بدعاوی راجعه بدولت و ایالات و ولایات و تاسیسات و خیریات عمومی در اطاقی که رئیس محکمه بالخصوص ریاست دارد رسیدگی می شود

و هر گاه دعاوی مذکور از نوع امور جزائی بوده و رئیس محکمه ریاست اطاق حقوقی را بالخصوص اختیار کرده باشد بدعاوی مذکور بر حسب اصول در اطاق جزائی رسیدگی می شود

ماده ۸۳ - بعد از اینکه عرایض تقسیم شد جواب امور بهمه رؤساء اطاق ها خواهد بود

ماده ۸۴ - در دفتر خانه محکمه باید دفتر مخصوصی برای اموری که راجع بتکالیف رئیس است موجود باشد و هر دفعه مطلبی که ثبت میشود باید باسم طرفین باو کلای ایشان در آن دفتر مندرج گردد در ستون مخصوص ارجاعاتی که رئیس محکمه باطاقها نموده و همچنین تصریح اینکه دعوا از امور مستعجله است یا عادی شده کلیه مندرجات باامضاء رئیس برسد و همچنین کلیه امور راجعه بهر يك از اطاقها بترتیب نمره در دفتری ثبت خواهد شد

مبحث چهارم

در نظم اطاق محاکمه

ماده ۸۵ - نظم اطاق محکمه بمهده رئیس اطاق است و در اجتماعات عمومی بمهده رئیس محکمه و در صورت غیبت رئیس باقائم مقام اوست

تقسیمه - من بعد در این مبحث برای اختصار بجای رئیس اطاق یا رئیس شعبه یا رئیس محکمه لفظ رئیس فقط استعمال خواهد شد

ماده ۸۶ - افتتاح و ختم جلسه با رئیس یا قائم مقام اوست

ماده ۸۷ - در اطاق محاکمه اشخاص خارج از هیئت محاکمه یا پار که با اصحاب دعوا عایده در جائیکه برای آنها معین شده می نشینند

ماده ۸۸ - برای اجرای اوامر رئیس در اطاق محکمه یک نفر از مامورین اجرا خواهد بود در صورتیکه مامورین اجرا بواسطه مشاغل خودشان نتوانند حاضر شوند بتصویب رئیس محکمه یک نفر از مامورین احتضار یا پیشخدمتهای محکمه قائم مقام او خواهد شد

ماده ۸۹ - اداره کردن جلسه بمهده رئیس است و مشارالیه حافظ نظم و ترتیب بوده مراقبت مینماید که با ترتیبات مقرره محاکمه بعمل آید و اشخاصی که حق تکلم و دخالت را در محاکمه دارند بعد از تحصیل اجازه از رئیس بیانات خود را مینمایند

ماده ۹۰ - اشخاصیکه در اطاق محاکمه هستند باید قواعد نظم و ترتیب را قویا رعایت

نموده اوامر رئیس را اطاعت نمایند

ماده ۹۱ - هر گاه اشخاص خارجی (تماشاچی) از مفاد ماده قبل تجاوز نمایند رئیس حق دارد آنها را از اطاق محاکمه اخراج نماید و اگر مقاومت نمایند از يك الى بيست و چهار ساعت حکم توقیف آنها را بدهد

ماده ۹۲ - هر گاه در مورد ماده قبل ممکن نباشد خاطی را معین کرد و اختطارات رئیس مقرر نمی شود رئیس میتواند کلیه اشخاص خارجی را از محکمه خارج نماید .

ماده ۹۳ - هر گاه تخلفات مذکور در ماده (۹۱) از طرف اصحاب دعوا یا وکلای آنها ناشی شود رئیس دو ذمه اخطار و ضمناً بخاطی اعلام مینماید که در دمه سیم او را مجازات خواهد داد و هر گاه باز خاطی مرتکب خلاف قاعده شده رئیس با اهمیت تقصیر از شش الى چهل و هشت ساعت حکم توقیف او را خواهد داد .

ماده ۹۴ - مفاد ماده قبل لازم الرعایه است همچنین در مواردیکه یکی از اصحاب دعوا الفاظی استعمال کند که باعث هتک عرض و ناهوس طرف مقابل است یا نسبت بطرف خود افساء کند اوضاع و احوالی را که هیچ مربوط بقضیه که در تحت محاکمه است نبوده و برای توضیح مطلب لزومی نداشته باشد .

ماده ۹۵ - هر گاه از طرف اشخاصی خارج یا متداعیین توهین یا هتک شرف نسبت بر رئیس یا اعضاء محکمه بشود رئیس حق دارد صورت مجلسی در این باب مرتب نموده با مقصر بمحکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد بفرستد .

ماده ۹۶ - برای حفظ و وقایع نظم و ترتیب و همچنین در مواردی که امنیت و آزادی محکمه تهدید میشود رئیس حق دارد از نظمیة یادرواقع قوتی از نزدیک ترین قوه نظامی استمداد نماید . این تقاضای رئیس باید بلا تأخیر و همان طوری که خواسته است مجری شود .

مبحث پنجم

در راپورت های محاکم

ماده ۹۷ - محاکم و ادارات مدعیان عمومی باید سالی دو مرتبه راپورت های احصائیه خود را در جریان امور و عده امور تسویه شده و متراکم و سایر اطلاعات بوزیر عدلیه تقدیم نمایند . طرز و ترتیب راپورت های مذکور موافق نمونه خواهد بود که وزیر عدلیه مرتب و بمحاکم و ادارات مذکور خواهد فرستاد .

ماده ۹۸ - راپورت های مذکور در ماده قبل را رؤساء محاکم بامدعی العموم محکمه که در نزد آن ماموریت دارد ترتیب خواهند داد .

ماده ۹۹ - راپورت های محاکم ابتدائی در جلسه فوق العاده اداری محاکم مذکور

مداقه شده و بمحکمه استیناف متنوعه ارسال میشود .

ماده ۱۰۰ - در محکمه استیناف از راپورت های محاکم ابتدائی و راپورت های محکمه استیناف راپورت عمومی مرتب و بعد از مداقه در جلسه فوق العاده اداری بوزیر عدلیه تقدیم میشود .

ماده ۱۰۱ - راپورت های مدعیان عمومی محاکم ابتدائی بامدعی العموم محکمه استیناف تقدیم و هشتر الیه از راپورت های مزبوره و راپورت پارکه استیناف راپورت عمومی ترتیب داده بوزیر عدلیه تقدیم میکند .

ماده ۱۰۲ - راپورت های محکمه تمیز در جلسه فوق العاده اداری مطرح شده بوزیر عدلیه فرستاده میشود .

ماده ۱۰۳ - هر گاه توضیحاتی لازم باشد که در راپورت های محاکم نتوان مندرج نمود لایحه جداگانه مشتمل بر توضیحات مذکور بر راپورتها منضم و ما حصل راپورت بار راپورت های گذشته مطابقه و مقایسه خواهد شد .

ماده ۱۰۴ - هر گاه عده کلیه امور بی اندازه زیاد یا کم شده باشد یا همین زیادی و کمی در نوعی از امور حاصل شده باشد باید جهة آن را محاکم و ادارات تصریح نمایند . وزیر عدلیه از راپورت های محاکم و ادارات مدعیان عمومی راپورت عمومی ترتیب داده بمقامات لازمه پیشنهاد میکند راپورت مزبور برای اطلاع عامه طبع و منتشر خواهد شد .

ماده ۱۰۵ - علاوه بر راپورت های که رؤساء محاکم و مدعیهای عمومی دودقه در عرض سال میدهند باید محاکم و ادارات مدعی عمومی اطلاعاتی را که وزیر عدلیه از آنها میخواهد در مواعیدی که از طرف وزارت عدلیه مقرر گشته بوزیر عدلیه تقدیم نمایند . دستور العمل و طرز راپورت های مذکور را وزارت عدلیه مرتب و بجاهای لازم اعلام مینماید .

ماده ۱۰۶ - ترتیب محاسبات عایدات عدلیه و راپورت های راجعه بان بطوری است که وزیر عدلیه با موافقت وزارت مالیه معین و اعلام خواهد کرد .

باب دوم

در تشکیل اداره مدعیهای عمومی

مقدمه

ماده ۱۰۷ - مسئولیتی که ناشی میشود از جرم دارای دو حیث است ، یکی حیثیت شخصی و دیگری حیثیت عمومی . حیثیت شخصی در وقتی است که ضرر جرم یا تقصیر بشخص معین مطلق گیرد و حیثیت عمومی در موقعی است که ضرر راجع بحقوق عامه باشد . لهذا اداره مدعیهای عمومی بحکم قانون برای حفظ حقوق عامه تاسیس میشود .

ماده ۱۰۸ - مدعیهای عمومی عبارت اند از هیئتی از رؤساء ضابطین عدلیه که در موارد مقرر قانونی در محاکم عدلیه حاضر بوده وظایف خود را نسبت به حفظ حقوق عامه و نظارت اجرای قوانین انجام میدهند .

ماده ۱۰۹ - در موارد محاکمات جزائیه مدعی عمومی یا قائم مقام او حاضر میباشد اعم از اینکه محاکمه راجع بجنحه باشد یا جنایت . در این موارد مدعی عمومی حکم و کیل جماعت را دارد یعنی و کیل است برای مدافعه و حفظ حقوق و منافع عامه .

ماده ۱۱۰ - در محاکمات حقوقی مدعی عمومی بر طرف است جز در مواردیکه قانون باو دخالت میدهد .

ماده ۱۱۱ - از حینی که مدعیان عمومی نماینده دولتند در محاکم عدلیه بجزریان امور در محاکم کی که در نزد آنها مأموریت دارند نظارت داشته مراقب می باشند که تجاوز از حدود قانونی نشود و تجاوزات و سوء جریان امور را بمقامات لازمه راپورت مینمایند .

فصل اول

در تشکیل و ترکیب اداره مدعیهای عمومی

ماده ۱۱۲ - اداره مدعیان عمومی در تحت ریاست فایقه وزیر عدلیه تشکیل میشود . اداره مزبوره مشتمل میشود به سه شعبه مفصله الذیل . شعبه دیوان تمیز . شعبه محکمه استیناف . شعبه محکمه ابتدائی .

تنبیه - برای اختصار بجای شعبه اداره مدعی عمومی من بعد لفظ یار که استعمال میشود .
ماده ۱۱۳ - یار که دیوان تمیز مرکب است از مدعی عمومی کل و یک نفر معاون او که موسوم است بوکیل عمومی محکمه تمیز .

ماده ۱۱۴ - یار که محکمه استیناف عبارت است از مدعی عمومی اول و یک وکیل عمومی برای هر اطاقی و (در صورت لزوم) یک معاون و کیل عمومی .

ماده ۱۱۵ - یار که بدایت تشکیل میشود از مدعی عمومی محکمه ابتدائی و یک نفر معاون او برای هر اطاقی از اطاقهای حقوقی و جزائی .

ماده ۱۱۶ - کلیه ترتیبات اداره و اعمال هر یار که تفویض بندعی العموم آن یار که است ووکلای عمومی در تحت ریاست مدعی عمومی بامور راجعه بخودشان رسیدگی مینمایند .

ماده ۱۱۷ - هر گاه مدعی عمومی بعلت مخصوصی از اجراء وظیفه خود باز ماند یکی از ووکلای عمومی بحکم اقدمیت در خدمت قائم مقام او خواهد بود همچنین در صورت مرض یا غیبت مدعی عمومی یکی از وکلای عمومی بحسب قدمت در خدمت وظایف او را انجام میدهد .

ماده ۱۱۸ - مدعی عمومی هر يك از وکلای عمومی را که صلاح بداند مأمور بامور

هر يك از اطاقهای محکمه که در نزد آن مأموریت دارد مینماید و وکلای عمومی در موقع حضور در هر يك از اطاق محاکم بنام مدعی عمومی نطق و اظهار رأی خواهند کرد .

ماده ۱۱۹ - وکلای عمومی در امور مهمه باید نتیجه عقاید خودشان را بمدعی عمومی اظهار دارند . در صورتیکه مشار الیه عقیده و کیل عمومی را تصویب نکرد و وکیل عمومی اصرار در حفظ عقیده خود نمود مدعی عمومی میتواند وکیل عمومی دیگری را انتخاب نماید که مطالب را چنانکه مدعی عمومی عقیده دارد در محکمه اظهار نماید .

ماده ۱۲۰ - در مواردیکه قانون حضور مدعی العموم را در محکمه تقاضا مینماید مدعی العموم باید حاضر شده وظایف خود را انجام بدهد . و هر گاه نتواند در تمام اطاقهای محکمه بشخصه حاضر شود در هر اطاقی که صلاح بداند حاضر میشود ولی در جلسات عمومی محاکم و همچنین در موارد مهمه جلسات معمولی مدعی عمومی باید شخصا حاضر شود .

ماده ۱۲۱ - هر گاه یکی از وکلای عمومی از ایفای وظیفه خود منذور ماند و سایر وکلای عمومی نیز بواسطه مشاغل فوق العاده یا فوتی نتوانند بجای او معین شوند بحکم وزیر عدلیه یکی از اعضاء محکمه موقتا وظیفه وکیل عمومی را انجام میدهد .

فصل دوم

در وظایف مدعی عمومی

مبحث اول

در امور حقوقی

ماده ۱۲۲ - مواردی را که مدعی عمومی باید دخالت در محاکمات حقوقی نماید موارد ابلاغ گویند و در موارد مذکوره رئیس محکمه مکلف است اوراق راجعه بدعوا را بمدعی عمومی آن محکمه قبل از استماع دعوا تبلیغ نماید .

ماده ۱۲۳ - موارد ابلاغ از قرار تفصیل است .
اولا - دعاوی راجعه بمنافع عامه و حقوق عمومی مثل شارع عام و میاه و انهار و مراتع میباحه و امتثال آنها چه آن دعوی مابین اهالی دو محل باشد یا یک محل چه طرفین دعوا محصور باشند و چه نباشند .

ثانیا - دعاوی راجعه بدولت چه اندعوی متعلق بجزانه مالیه باشد یا جزانه اوقاف عمومی یا دیون عمومی یا عوارض دولتی وغیره .

ثالثا - در دعاوی راجعه بوجوه بریه و امور خیریه که جهت عمومی داشته باشد (نسبت بوضیعت نامه های عمومی و وقف نامه های عمومی و امتثال ذلك)

رابعا - در موارد نقض قوانین موافق ماده (۱۳۶)

خامسا - در دعاوی متعلقه بصلاحت محاکم ورد حکام عدلیه .

سادسا - در دعاوی متعلقه بصغیر و مجنون و سفیه که قیم یا ولی خاص دارند .

سابعا - در دعاوی حقوق راجع بافلاس .

تا هنا - در موارد ادعای جعلیت اسناد و محاکمه آن .

تاسعا - در دعاوی حقوقی شخصیه که ناشی گردد از جرائم چه در محکمه جزائیه بدعاوی

مذکور رسیده گئی شود وجه در محکمه حقوق .

ماده ۱۳۴ - هر گاه دعوا راجع به صغیر یا مجنون یا سفیه بوده و اشخاص مذکور نفی

یا ولی خاص نداشته باشند . و همچنین در مواردیکه دعوا راجع است بنایب مفقود الاثر که حیات

ومات او معلوم نیست مدعی العموم قبل از مداخله بمجتهد جامع شرایط عادل اطلاع داده و بعد

از تعیین قیم یا ولی مداخله مینماید .

ماده ۱۳۵ - مدعی عمومی حق دارد اوراق هر دعوائی را که بخواهد از محکمه مطالبه

کند تا جدا کند آنچه را که تعلق بوظیفه او دارد

ماده ۱۳۶ - مدعی عمومی هر محکمه حق مراقبت و نظارت بر تمام احکام صادره از آن

محکمه را دارد

ماده ۱۳۷ - مداخله در محاکمات شرعیه خارج از وظیفه مدعی العموم است و در محاکم

تجارت اگر دعوی افلاس باشد حق مداخله دارد بطوریکه در ماده (۱۳۳) مذکور است

ماده ۱۳۸ - مدعی عمومی در هر دعوائی که مداخله مینماید باید طرفدار حق بوده و

بافکار و رای خود تقویت نماید طرفی را که بمقتضای قانون محق فهمیده است

ماده ۱۳۹ - مدعی عمومی در مدت سه روز از فرادای تبلیغ اوراق باید مداخله یا عدم

مداخله را کتبا بر رئیس محکمه اطلاع دهد و در صورت عدم مداخله باید محکمه قبل از صدور

حکم افادات مدعی عمومی را در عدم مداخله شفاها استماع نموده در اوراق ضبط و در صورت

حکم درج نماید

ماده ۱۴۰ - اگر زیاده از سه روز مدعی عمومی اوراق را معطل ننوده و جواب بمحکمه

تدهد مسئول خواهد بود و اگر از تعطیل اوراق ضرر و خسارتی بر متداعیین وارد آید حق شکایت

بر او و مطالبه ضرر و خسارات را از او دارند

ماده ۱۴۱ - اگر محکمه قرار داد بر مداخله مدعی العموم در محاکمه مشارالیه نمیتواند

امتناع نماید بلکه حاضر شده و عقیده خود را اظهار میدارد

ماده ۱۴۲ - در صورتیکه مدعی عمومی مداخله خود را بر رئیس محکمه اطلاع داد باید

از طرف محکمه روز و وقت رؤیت دعوی باو اخطار شود تا در وقت مقرر حاضر شود

ماده ۱۳۳ - مداخله مدعی العمومی در موارد ابلاغ بر دو قسم است مداخله اصلیه و

مداخله تبعی

ماده ۱۳۴ - مداخله اصلیه در مواردیست که دعوا مربوط بحقوق عمومی و منافع عامه

است (رجوع بفقرة اول و دوم و سیم و چهارم ماده ۱۲۳) در این صورت مدعی العموم مثل

مدعی یا مدعی علیه دخالت مینماید (زیرا که وکیل است از جهة مدافعه و حفظ حقوق عمومی)

و چون حقوق و اختیارات او همان حقوق و اختیارات مدعی یا مدعی علیه است لذا اگر متداعیین

خصوصی دعوی خود را باصلاح ختم نمایند صلاح آنها خللی بحقوق عمومی وارد نمی آورد و مدعی

عمومی بنام حقوق عمومی محاکمه را تعقیب میکند و اگر محکمه حکم داد و مدعی العموم بر

آن حکم تسلیم نمود مدعی العموم حق اعتراض (استیناف و اعاده محاکمه و تمیز) را موافق

اصول محاکمات حقوقی دارد . و همچنین هر گاه مدعی یا مدعی علیه خصوصی محکوم شده و تسلیم

بر حکم محکمه نمود مدعی عمومی باوجود تسلیم آنها حق اعتراض را دارد

ماده ۱۳۵ - در مداخله تبعی (رجوع بفقرة پنجم و ششم و هفتم و هشتم ماده ۱۲۳)

مدعی العموم چون طرف نیست و فی الواقع بسمت مشاور حقوق در محکمه حاضر شده بیان عقیده

می نماید . لهذا اگر متداعیین خصوصی متنازع خود را باصلاح ختم یا بر حکم محکمه تسلیم نمودند

مدعی العموم تعقیب نمی نماید و حق هیچگونه اعتراض را ندارد

ماده ۱۳۶ - در موارد نقض قوانین فقط وقتی مدعی العموم مداخله مینماید که بموجب

حکم قطعی نقض قانون شده و هیچیک از طرفین در موعد مقرر تمیز آن حکم را خواستار نشده

باشند . در این صورت مدعی العموم هر محکمه مراتب را بدعی العموم دیوان تمیز اطلاع میدهد

که او برای محافظت قانون تمیز حکم را بخواهد لیکن در اینموارد نقض دیوان تمیز در بساره

طرفین دعوا مؤثر نمیباشد و فقط برای حفظ قانون است

ماده ۱۳۷ - در صورت مداخله اصلیه هر چند مدعی عمومی بصفت مدعی محاکمه مینماید

ولی نمی تواند ابتداء شروع بمحاکمه نماید بلکه بعد از اقامه دعوا نمودن مدعی خصوصی

مداخله مینماید

ماده ۱۳۸ - در کایه مداخلات مدعی عمومی کفایت نمی کند که تقریر و افادات خود

را شفاها و علنا اظهار دارد بلکه باید کتبا بمحکمه بدهد

ماده ۱۳۹ - در صورتیکه مدعی عمومی مداخله اصلیه در دعوی نماید باید در تمام جلسات

محاکمه خودش یا قائم مقامش حاضر شود و استماع شهادت شهود و تقریر خصم را بنماید و اگر

محتاج بکشف و تحقیق موضوع مدعی به گردد باید در مقام کشف آن نیز حاضر شود و باید

حکم در حضور او بطرفین قرائت و تفهیم شود

و در صورتی که مداخله عمومی مداخله تبعی باشد حضور او در جلسات محاکمه و در روز

کشف متنازع فیه بجهت معاینه و در روز صدور حکم و قرائت آن بر طرفین هیچیک لازم نیست

فقط باید بعد از ختم مذاکرات طرفین اظهار عقیده نماید

ماده ۱۴۰ - در صورت مداخله تبعی مدعی عمومی محکمه نباید استماع نماید افادات مدعی عمومی را مگر بعد از تمام شدن افادات و مذاکرات متداعیین و متداعیین حق ندارند که بعد از تقریر مدعی عمومی تکلم نمایند بلکه محاکمه بانطق مدعی العموم ختم می شود و اگر متداعیین بر تقریر او اعتراض داشته باشند می توانند برورقه نوشته به رئیس تقدیم دارند

ماده ۱۴۱ - اگر مداخله مدعی عمومی اصلیه باشد هر يك از متداعیین می توانند با اجازه رئیس اعتراض و دفاع از خود نمایند (زیرا که مدعی عمومی در این صورت متخاصم است)

ماده ۱۴۲ - مدعی عمومی نباید داخل شود در اطاق مذاکره بیا اینکه با اعضای محکمه شرکت در دادن رای نماید

ماده ۱۴۳ - مدعی عمومی از جمیع مصارف و رسوم متعلقه بتمام محاکم معاف است و در مواردی که برای استیناف و تمیز تأمینات لازم است مدعی عمومی مستثنی است .

ماده ۱۴۴ - مدت استیناف و مدت تمیز از برای مدعی عمومی در مداخلات اصلیه همان مدت مقرر از برای مدعی شخصی میباشد و در مورد ماده (۱۳۶) مدت مقرر ندارد هر وقت مطلع شود می تواند تمیز نماید .

مبحث دوم

در امور جزائی

ماده ۱۴۵ - مدعی های عمومی مکلفند اعمالی را که متضمن خلاف یا جنحه یا جنایت است تعقیب و تعاقب نمایند

ماده ۱۴۶ - وظایف مدعیهای عمومی از حیث تعقیب و تعاقب مجرمین و طریق عمل کردن آنها بوظایف خود و حدود اختیارات آنها در اصول محاکمات جزائی مصرح است .

باب سیم

در حکم و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه

فصل اول

در شرایط و اوصاف

ماده ۱۴۷ - رؤساء و اعضاء محاکم و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه کلیه باید دارای شرایط و اوصاف ذیل باشند :

(اولا) تابعیت ایران ، (ثانیا) دین اسلام ، (ثالثا) سن که باید کمتر از آنچه ذیل معین شده است نباشد .

(۱) برای اعضاء و وکلای عمومی محکمه ابتدائی و مستنطقین درجه دوم و دفتر دارهای محاکم و اشخاصی که در یک مقام با اشخاص مذکور هستند (۲۵) سال .

(۲) برای مدعی العموم بدایت و اعضاء و وکلای عمومی محکمه استیناف و مستنطقین درجه اول و معاونین و وکلای عمومی استیناف و اشخاصی که در یک مقام با آنها هستند (۳۰) سال .

(۳) برای رؤساء محاکم ابتدائی و مدعی العموم استیناف و اعضاء تمیز و اشخاصی که در مقام با آنها مساویند (۳۵) سال .

(۴) برای رؤساء محاکم استیناف و مدعی العموم تمیز و رؤساء تمیز (۴۰) سال .

(رابعا) دادن امتحانات علمی و عملی در انجمن امتحان وزارت عدلیه موافق پروگرامی که وزیر عدلیه مرتب و بعد از گذشتن از مقامات لازمه طبم و اعلام خواهد کرد (مادامیکه مدرسه حقوق تاسیس و اعضاء و اجزاء برای محاکم و ادارات عدلیه تهیه نشده است)

ماده ۱۴۸ - اشخاص مقصلا ذیل نمیتوانند در عدلیه مستخدم شوند

اولا - اشخاصی که بواسطه ارتکاب جنحه و جنایت در تحت محاکمه هستند یا بواسطه اتهام جنحه و جنایت در تحت محاکمه بوده برائت ذمه حاصل نکرده اند .

ثانیا - کسانی که بواسطه ارتکاب جنحه و جنایات محکوم بحبس یا مجازاتی شدیدتر شده اند ، ثالثا - اشخاصیکه ورشکسته اعلان شده اند .

رابعا - اشخاصیکه در تحت قیمومت یا ولایت شرعی هستند .

خامسا - کسانی که معروف بفساد عقیده اسلامی باشند

سادسا - اشخاصیکه متظاهر بر ارتکاب منکرات و انصاف باخلاق ذمیمه هستند

سابعا - کسانی که از ادارات دولتی بعد از محاکمه اخراج شده اند .

فصل دوم

در نصب حکام و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه

ماده ۱۴۹ - رؤساء و مستشاران دیوان تمیز و رؤساء و اعضاء محاکم استیناف و رؤساء محاکم ابتدائی و اشخاصیکه با حکام مذکور در یک رتبه هستند بتصویب وزیر عدلیه معین و

بصدور فرمان های بومی منصوب میشوند . و اعضاء محاکم ابتدائی و مستنطقین درجه دوم و امنای صاحبیه و اشخاصی را که با آنها در یک رتبه هستند وزیر عدلیه معین و بصدور حکم او منصوب

می شوند .

ماده ۱۵۰ - در سورتیکه جای عضوی در محاکم ابتدائی یا استیناف یا جای مستنطقی

از شود در جلسه فوق العاده اداری محکمه با حضور مدعی العموم در باب اشخاصی که شرایط مذکور در فصل اول را دارا بوده و لیاقت اشغال جای خالی را دارند مذاکره بعمل آمده صورت اشخاص لایق را ترتیب میدهند .

ماده ۱۵۱ - بعد از اینکه اشخاص مذکور رضایت خود را با اشغال جای خالی اظهار کردند صورت مذکور در ماده قبل بتوسط رئیس محکمه بوزیر عدلیه تقدیم می شود

ماده ۱۵۲ - وزیر عدلیه از صورت مذکور در ماده قبل یا از اشخاص دیگری که شرایط و اوصاف فصل اول را دارا هستند اشخاصی را که صلاح میدانند موافق قانون معین مینماید .

ماده ۱۵۳ - مدعی العموم کل (دیوان تمیز) و مدعی العموم استیناف بتصویب وزیر عدلیه و اذن حاکم شرع معین و بصدور فرمان هما یونی منصوب میشوند . معاون مدعی العموم استیناف (مدعی العموم بدایت) از میان اشخاصی که مدعی العموم استیناف معرفی نموده بتصویب وزیر عدلیه معین و بصدور فرمان هما یونی منصوب میشود .

ماده ۱۵۴ - دفتر دار های محاکم ابتدائی و استیناف و تمیز و سایر اجزاء دفتر خانه محاکم را وزیر عدلیه معین و بصدور حکم او منصوب میشوند .

ماده ۱۵۵ - منشی های هر یار که را مدعی العموم آن یار که معین میکنند و در نصب منشی های مزبوره حکم وزیر عدلیه صادر میشوند .

ماده ۱۵۶ - حکام و صاحبمنصبان عدلیه که تازه بمشغله خود معین شده اند قبل از مباشرت بشغل خودشان در جلسه فوق العاده علنی محکمه که در آن بازرد آن مهوریت دارند باید بموجب سورتیکه جدا گانه معین شده است قسم یاد نمایند . امانت صلح در جلسه فوق العاده علنی محکمه ابتدائی قسم یاد مینمایند . ورقه قسم را رؤساء محاکم بدائرة سجل احوال وزارت عدلیه خواهند فرستاد .

ماده ۱۵۷ - تقریر نویسها و سایر اجزاء محاکم و منشیهای ادارات مدعی عمومی در جلسه معمولی علنی قسم یاد مینمایند .

فصل سیم

در عزل و حرکت حکام عدلیه و صاحبمنصبان

اداره مدعی العموم و مرخصی آنها

ماده ۱۵۸ - در موارد منصله حکام عدلیه و صاحب منصبان اداره مدعی العموم از شغل خود عزل میشوند .

۱) در صورتی که مرتکب عملی شوند که بر خلاف شرف آنها باشد یا دلالت کند بر

از نشاء یا عدم درستی و فساد اخلاق .
۲) اشتغال بشغل یا حرفه دیگری از قبیل تجارت و دلالتی و غیره با داشتن مقام رسمی در خدمت عدلیه .

۳) در صورتیکه اعمال و افعالشان عالماً عامداً مغایر قانون و نظامات عدلیه باشد .
۴) در صورتیکه بواسطه ارتکاب جنحه و جنایت در محکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد محکوم شده باشند .

۵) در مواردیکه فاقد شرایط و اوصافی شوند که برای حکام و صاحبمنصبان و مستخدمین عدلیه مقرر است (مواد ۱۴۷ و ۱۴۸)

ماده ۱۵۹ - در موارد ماده قبل عزل حکام عدلیه و صاحبمنصبان اداره مدعی العموم بعد از رسیدگی بحکم مجلس عالی (رجوع بماده ۱۸۱) بعمل میاید و وزیر عدلیه حکم مجامع مذکور را بموقع اجراء میگذارد .

ماده ۱۶۰ - هر گاه حکام و صاحبمنصبان و مستخدمین عدلیه بواسطه مرضی در مدت چهارماه نتوانند در سر خدمت حاضر شوند و با وجود آن استعفاء از شغل خود ننمایند باید با آنها اخطار شود که استعفا نمایند .

و هر گاه در مدت دو هفته بعد از این اخطار استعفاء نکرده مستعفی محسوب خواهند شد این اخطار را اعضاء محاکم و اجزاء ادارات رؤساء مستقیم آنها خواهند کرد .

ماده ۱۶۱ - صاحبمنصبان و مستخدمین عدلیه سالی یکبار حق مرخصی دارند و موعد آن بتوسط وزیر عدلیه معین خواهد شد .

ماده ۱۶۲ - اجازه مرخصی در صورتیکه علاوه بر آنچه قانوناً برای حکام و صاحبمنصبان و مستخدمین عدلیه مقرر شده استعفاء شود متوط بتصویب وزیر عدلیه است .

فصل چهارم

در حقوق و حدود حکام و صاحبمنصبان و مستخدمین عدلیه

ماده ۱۶۳ - حکام و صاحبمنصبان و مستخدمین عدلیه در خدمت دولتی محسوب و از کلیه حقوق و امتیازاتی که برای مستخدمین دولت مقرر است بهره مند میباشند .

ماده ۱۶۴ - حکام و صاحبمنصبان و مستخدمین عدلیه نمیتوانند با شغل خود هیچ شغل و حرفه دیگری چه در ادارات رسمی باشد چه غیر رسمی توأم نمایند ولی قبول عضویت اقتضاری در انجمنهای خبریه در صورتیکه مانع از ایفای وظایف ایشان نباشد جایز است .

ماده ۱۶۵ - مراتب حکام و صاحبمنصبان اداره مدعیان عمومی و مستخدمین عدلیه از قرار ذیل است :

- ۱ - ریاست دیوان تمیز و مدعی عمومی دیوان مذکور .
 - ۲ - ریاست شعبه دیوان تمیز .
 - ۳ - مستشاری دیوان تمیز و ریاست محکمه استیناف و مدعی عمومی استیناف و وکالت عمومی دیوان تمیز .
 - ۴ - ریاست شعبه استیناف و وکالت عمومی استیناف
 - ۵ - ریاست محکمه ابتدائی و مدعی عمومی محکمه ابتدائی
 - ۶ - عضویت محکمه استیناف و معاونت وکالت عمومی استیناف و مستظفی درجه اول و ریاست شعبه ابتدائی و ریاست محکمه تجارت
 - ۷ - عضویت محکمه ابتدائی و معاونت مدعی عمومی بدایت و مستظفی درجه دوم و امانت صلح
 - ۸ - معاونت عضویت محکمه ابتدائی .
 - ۹ - دفتر داری محاکم .
 - ۱۰ - تقریر نویسی محاکم و منشی گری اداره مدعیهای عمومی
 - ۱۱ - ثباتی و ضابطی محاکم .
 - ۱۲ - مامورین اجراء
- ماده ۱۶۶** - محاکم عدلیه یای تخت و ولایات از حیث عدد امور راجحه بانها و وقت و کثرت دعاوی به سه درجه منقسم میشوند و ترتیب مقرری هر یک از درجات مذکوره بطوری است # علیحده موافق قانون معین گردیده .
- ماده ۱۶۷** - وقتی که محاکم عدلیه بهیئت اجتماع باید در مواقع رسمی حاضر شوند بترتیب ذیل خواهند بود .
- (اول) دیوان تمیز . (دوم) محکمه استیناف . (سوم) محکمه ابتدائی . (چهارم) محکمه تجارت . (پنجم) محکمه صالحیه .

فصل پنجم

در نظارت بمحاکم و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه

- ماده ۱۶۸** - مقامات مفصله نسبت بمقاماتی که ذیلاتصریح شده است نظارت دارند : دیوان تمیز با مجلس عمومی آن نسبت بشام محاکم ایران غیر از اداره مدعی های عمومی . محاکم استیناف نسبت بمحاکم ابتدائی غیر از یار که استیناف و بدایت . محکمه ابتدائی نسبت بمحاکم صالحیه .
- ماده ۱۶۹** - حق نظارت اقدامات مفصله را حاوی است . مقام بالاتر حق دارد .
اولا - در مورد شکایات از احکام موافق اصول محاکمات از مقام یائین تر اطلاعات و توضیحات لازم را بخواهد .

- ثانیا - در صورت مشاهده بی نظمی یا سوء استعمال یا هسامجه در انجام وظایف مقررده از وزیر عدلیه خواستن نماید که اختطارات لازمه نسبت بمقام یائین تر بعمل آید .
- ثالثا - هر گاه مقامات یائین تر از حدود خود تجاوز نمایند تا اندازه که اصول محاکمات به مقامات بالاتر اجازه میدهد آن اقدامات را فسخ مینمایند .
- ماده ۱۷۰** - رؤساء محاکم عدلیه نسبت بر رؤساء شعب و معاونین و اعضاء و اجزاء دفتر خانه محاکم حق نظارت را دارند و هراقت مینمایند که امور از نظم و ترتیب خارج نشده و اعضاء و اجزاء از وظایف خود تخلف ننمایند .
- ماده ۱۷۱** - صاحب منصبان و اجزاء یار که بدایت در تحت نظارت مدعی العموم بدایت و صاحب منصبان و اجزای یار که استیناف و مدعی العموم بدایت در تحت نظارت مدعی العموم استیناف واقفند و تمام مدعیهای عمومی استیناف و مدعی العموم دیوان تمیز در تحت نظارت ریاست عالیه وزیر عدلیه واقفند .
- ماده ۱۷۲** - محاکم و رؤساء آنها حق ندارند در امور اداره مدعی العموم دخالت یا نظارتی نمایند و هر گاه بی نظمی در اداره مزبوره مشاهده کنند یا بر رئیس آن اداره اطلاع میدهند یا بوزیر عدلیه راپورت مینمایند .
- ماده ۱۷۳** - مدعی العموم و وکلای عمومی هر گاه بی نظمی یا اختلال و اغتشاشی در محاکم مشاهده کنند مستقیما بر رؤساء آن محاکم اطلاع میدهند و یا بمدعی العموم اول استیناف و مشار الیه مکلف است که اطلاعات مزبوره را بوزیر عدلیه راپورت نماید .
- ماده ۱۷۴** - وزیر عدلیه نظارت عالیه و عمومی نسبت بکلیه محاکم و ادارات عدلیه ایران دارد و میتواند هر نوع اطلاعات و توضیحاتی که لازم بداند از محاکم عدلیه و رؤساء آنها بخواهد و نیز میتواند بتوضیحات کتبی اکتفا نموده تقاضای توضیحات شفاهی کند .
- ماده ۱۷۵** - وزیر عدلیه حق دارد تفتیشات لازمه را در محاکم و ادارات مدعی العموم و سایر دوایر عدلیه نموده اختطارات و اقدامات لازمه را برای جلوگیری از بی نظمی یا تراکم امور یا مسامحه و ماطله و امتثال آن نماید و در مواقعیکه لازم بداند آنها را بمرعش مسؤولیت و مؤاخذه و سیاست درآورد .
- ماده ۱۷۶** - تفتیش مذکور در ماده قبل را وزیر عدلیه میتواند مستقیما بیکی از مامورین وزارتخانه یا اشخاصی که طرف اطمینان اوهستند و یا بیکی از رؤساء و اعضاء محاکم یا یار که ها رجوع نماید .
- ماده ۱۷۷** - وزیر عدلیه میتواند بمدعی های عمومی تعلیمات لازمه در جلوگیری از بی نظمی امور داخلی محاکم و نقض قوانین و قواعد و انتظامات داخلی آنها بدهد .
- ماده ۱۷۸** - دفترخانه های محاکم در تحت نظارت رؤساء محاکم است و اجزاء دفترخانه در تحت نظارت دفتردار و وظایف مقررده را انجام میدهند .

فصل ششم

در مسئولیت حکام و صاحبان منصبان و مستخدمین عدلیه

ماده ۱۷۹ - تخلف حکام و صاحب منصبان عدلیه از حدودیکه برای آنها مقرر شده و همچنین تقصیرات راجعه بخدمت یا مسامحه و معاطله آنها در انجام وظایف خودشان باعث مسئولیت و مجازات اداره انتظامی است .

ماده ۱۸۰ - تنبیهات و سیاست که برای حکام و صاحب منصبان عدلیه در صورت محکومیت آنها در رسیدگی اداری انتظامی مقرر است از قرار ذیل است :

- اولا - تحذیر کتبی .
- ثانیا - توبیخ و شمانت کتبی بدون درج در ورقه خدمت .
- ثالثا - توبیخ و شمانت کتبی با درج آن در ورقه خدمت .
- رابعا - کسر گذاشتن از مقرری ماهیانه الی یک ثلث در مدت از یک ماه الی شش ماه .
- خامسا - تنزل از شغلی بشغلی پائین تر .
- سادسا - انفصال موقتی .
- سابعا - انفصال از شغل و خدمت عدلیه .

ماده ۱۸۱ - رسیدگی بتقصیرات اداره رؤساء و اعضاء محاکم و معاونین اعضا محاکم ابتدائی و صاحب منصبانی که با آنها در بک مقام هستند در مجلس رسیدگی اداری (یا مجلس رسیدگی عالی) که در وزارت عدلیه تشکیل میشود بعمل خواهد آمد . و رسیدگی بتقصیرات دفتر دار و اجزاء دفترخانه محاکم و اشخاصی که با آنها در بک مقام هستند در مجلس فوق العاده اداری همان محکمه که در آن مشغول خدمت هستند

ماده ۱۸۲ - رسیدگی اداری شروع میشود
اولا - بتکلیف وزیر عدلیه و آن در صورتی است

- ۱ - که شکایتی از حکام و صاحب منصبان عدلیه از طرف اشخاصی بشود و پس از تحقیقات اولیه معلوم شود که شکایت وارد است
- ۲ - بموجب شکایت محکمه
- ۳ - بموجب اطلاعات صحیحه که بوزیر عدلیه رسیده یا خود وزیر عدلیه تحصیل کرده

(ثانیا) در مواردی که بموجب حکم محکمه که صلاحیت دارد حاکم یا صاحب منصب عدلیه محکوم بارتکاب جنحه یا جتایی شده و وزیر عدلیه برای صدور قرار عزل مقصر را بمجلس اداری میفرستد

ماده ۱۸۳ - وزیر عدلیه نسبت بحکام و صاحبان منصبان و مستخدمین عدلیه و رؤساء محاکم

نسبت بدفتر دار و اجزاء دفتر خانه محاکم مذکور حق تحذیر کتبی و توبیخ و شمانت را ؛ درج آن در ورقه خدمت بدون رسیدگی اداره دارند
ماده ۱۸۴ - رسیدگی اداری بعد از انقضای یک سال از زمان وقوع تقصیر جایز نیست و قانونا نمیتواند شروع شود

ماده ۱۸۵ - در مواردی که رسیدگی اداری بشکایت محکمه شروع میشود جهات آنرا رئیس محکمه در جلسه معمولی اداری محکمه با اسناد و دلایل مطرح مینماید و بعد از مذاقه لازم صورت مجلس نوشته شده بوزیر عدلیه تقدیم میشود

ماده ۱۸۶ - در صورتیکه از ملاحظه و رسیدگی بشکایت متظلمین از حکام عدلیه علت صحیحی برای رسیدگی اداری کشف شود آن رسیدگی اداری را نمیتوان موقوف داشت و اینک متظلم شکایت خود را پس بگیرد

ماده ۱۸۷ - مجلس رسیدگی عالی بعد از تحصیل اطلاعات و خواستن توضیحات و جرم آوری اسناد و اوراق لازمه شروع بر رسیدگی مینماید

ماده ۱۸۸ - هر گاه مجلس مذکور حضور متشکی عنه یا متهم را لازم بداند باید مشا را لیه شخص حاضر شود و در صورتیکه بدون عذر موجه در موعد مقرر حاضر نشد این عذر حضور او باعث توقیف رسیدگی نخواهد شد

ماده ۱۸۹ - در محاکمه اداری رد اعضاء مجلس بموجب اصول محاکمات جایز است
ماده ۱۹۰ - رسیدگی مجلس عالی غیر علنی است

ماده ۱۹۱ - قبل از اینکه مجلس رسیدگی عالی حکم بدهد رای مدعی عمومی را که صلاحیت حضور را دارد میشنود و بعد توضیحات آخری متهم را اصفا میکند

ماده ۱۹۲ - هر گاه در حین رسیدگی اداری تقصیر دیگری کشف شود موافق اوضاع و احوال یا مجلس بهر دو تقصیر تواما رسیدگی میکند و یا بتقصیری که اخیرا کشف شده است جداگانه موافق ترتیبات مقرر رسیدگی مینماید

ماده ۱۹۳ - حکم مجلس بعد از صدور فوراً بمتهم ابلاغ میشود و هر گاه غایب باشد بمحکمه برای ابلاغ حکم احضار میشود و در صورتیکه در محکمه دیگری که در شهر دیگری است باشد بدان محکمه فرستاده میشود که در جلسه فوق العاده اداری آن محکمه بمحکوم ابلاغ شود .

ماده ۱۹۴ - هر گاه در حین محاکمه اداری کشف شود که مقصر مرتکب جنحه یا جتایی شده محاکمه مجلس عالی توقیف و مقصر موافق اصول محاکمات جزائی بمحکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد جلب میشود و پس از صدور حکم قطعی محکمه مذکور مجلس عالی بر رسیدگی تقصیر اداره مداومت کرده حکم میدهد هر گاه مقصر در مورد جنحه یا جتایت در محکمه

عمومی محکوم بحبس یا جزائی شدیدتر شده باشد مجلس رسیدگی عالی حتما حکم عزل را میدهد
ماده ۱۹۵ - هرگاه حکام و صاحبمنصبان و مستخدمین عدلیه بواسطه اتهام بیجنجه یا جنایت
جانبی بمحاکمه جزائی شوند در صورتیکه مجازات تقصیر متهمین موافق قانون حبس یا جزائی
شدیدتر باشد متارالیهام از شغل خود موقتا منفصل خواهند شد و انفصال یا عودت آنها بشغل
خودشان منوط بختم محاکمه جزائی و رأی مجلس عالی است

باب چهارم

در دوایر و اشخاصی که وابسته بمحاکم میباشند

فصل اول

در مامورین اجرا و مامورین احضار و اعلام

مبحث اول

در شرایط و اوصاف مامورین اجرا

ماده ۱۹۶ - مامورین اجرا برای اجرای احکام و قرار دادهای محاکم معین میشوند
عده مامورین مذکور را وزیر عدلیه موافق مقتضیات محل و وقت معین مینماید
ماده ۱۹۷ - مامورین اجرا باید همان شرایط و اوصاف را دارا باشند که در مواد (۱۴۷)
(۱۴۸) برای مستخدمین عدلیه مقرر است

ماده ۱۹۸ - مامورین اجرا را در طهران وزیر عدلیه و در ولایات مدعی العموم بدایت یا
رئیس محکمه ابتدائی (در صورتیکه مدعی العموم نباشد) معین میکنند

ماده ۱۹۹ - اشخاص مذکور نمیتوانند بشغل خودشان مباشرت نمایند مگر بعد از ودیعه
گذاشتن وجه الضمانه در صندوق عدلیه که هرگاه از اعمال غیر قانونی آنها خسارتی بر کسی
درد آمد و در محکمه ثابت شود از وجه الضمانه مذکور برداشته شود. مقدار وجه الضمانه مذکور
را در طهران وزیر عدلیه و در ولایات محکمه ابتدائی معین میکند عوض وجه الضمانه مامورین اجرا
میتوانند ضامن معتبر بدهند و مبلغ ضمانت نیز جدا گانه معین میشود.

ماده ۲۰۰ - مامورین اجرا باید قبل از مباشرت بشغل خودشان در جلسه اداری فوق العاده
محکمه که در نزد آن ماموریت دارند قسم یاد نمایند.

ماده ۲۰۱ - پس از یاد کردن قسم مزبور بمامورین اجرا تصدیق نامه داده میشود و
بملأه صاحبمنصبان مزبور لباس و مهر مخصوصی خواهند داشت (موافق نظامنامه)

ماده ۲۰۲ - محل اقامت مامورین اجرا را که در نزد محکمه ماموریت دارند باید رؤساء
محاکم مذکور معین نمایند و تغییر محل اقامت بدون اجازه رئیس محکمه مستلزم انفصال آنها
از شغل خودشان است.

ماده ۲۰۳ - محل اقامت اشخاص مذکور باید در همان شهر یا محلی که مقرر محکمه
است بوده ولی بکلی خارج از محکمه باشد.

ماده ۲۰۴ - نصب مامورین اجرا بعد از یکسال از مباشرت آنها بشغل خودشان بعمل
می آید.

ماده ۲۰۵ - در صورت عدم کفایت مامورین اجرا محاکم میتوانند اجرای احکام را
بصاحب منصبان نظمیہ رجوع نمایند و در این موارد حق الزحمه که برای مامورین اجرا مقرر است
بصاحبمنصبان نظمیہ داده خواهد شد.

ماده ۲۰۶ - مامورین اجرا و صاحبمنصبان نظمیہ در مورد اجرای احکام در تحت نظارت
مدعی العموم بدایت و در مواقعی که شک و شبهه در مفاد قوانین راجعه بسا اجرا یا مضمون حکم
برای آنها حاصل شود یا بعضی از مواد حکم را نفهمند باید بر رؤساء محاکمی که حکم داده اند
رجوع نموده دستور العمل بخواهند.

مبحث دوم

در حقوق مامورین اجراء

ماده ۲۰۷ - برای مامورین اجرا حقوق دولتی مقرر است. بملأه حقوق دولتی مامورین
مزبوره حق الزحمه مخصوصی از حق اجرای احکام که دولت اخذ می کند دریافت خواهند داشت
مقدار حق الزحمه مزبوره از احکامی که مقدار مدعا به آن معین است از هر يك صد تومان چهار
قران میباشد و یا از هر ده تومان چهارصد دینار کمور ده تومان بحساب نمایاند

ماده ۲۰۸ - حق الزحمه مذکور در صندوق مخصوصی که وزیر عدلیه معین خواهد کرد
جمع شده سالی دومرتبه ها بین مامورین اجرای حوزه های ابتدائی تقسیم خواهد شد.

ماده ۲۰۹ - هرگاه بعضی از مامورین اجرا قبل از انقضای مدت شش ماه منفصل یا فوت
شدند نسبت بمدت خدمت آنها قسمت آنها بخود یا ورثه آنها داده خواهد شد.

ماده ۲۱۰ - مامورین اجرا در صورتیکه در انجام وظایف خود ساعی بوده و خلاف قوانین
و نظامات عدلیه رفتار نکرده باشند مثل مستخدمین دولتی حق ارتقاء رتبه و درجات را خواهند
داشت (موافق قانون استخدام و نظامنامه ها)

ماده ۲۱۱ - در صورتیکه نسبت بمامورین اجرا در موقع اجرای احکام مقاومت یا سوء
رفتاری شود متارالیهام حق دارند از نظمیہ محل استعانت نمایند و مامورین نظمیہ مکلفند که بدون

تاخیر بانها کمک نمایند. این استعانت باید بموجب سند کتبی باشد مگر در موارد فوری.
ماده ۳۱۳ - هرگاه توهین یا مقاومتی نسبت بمامورین اجرا شود مشار الیهم صورت مجلسی در آن باب مرتب و با مضای شهود و مطمین و اجزای تنظیمی (در صورتیکه باشند) میرسانند همچنین در صورتیکه تنظیمی محل تقاضای آنها را انجام ندهد صورت مجلسی مرتب میشود و با مضای مطمین میرسد.
ماده ۳۱۴ - صورت مجلس مذکور بصدی العموم بدایت با یکی از معاونین او تبلیغ میشود تا تحقیقات و تفتیشات لازمه و جاب مقصرین بمحکمه قانونی بعمل آید.

مبحث سوم

در تکالیف مامورین اجراء

ماده ۳۱۴ - اجرای احکام محاکم م. وفاق قوانین مقرر در اصول محاکمات بمعهده مامورین اجرا است.

ماده ۳۱۵ - مامورین اجرا می توانند ماموریتی را قبول نمایند که راجع بعیال آنها یا باشخاصی است که با آنها قرابت نسبی تا درجه چهارم و قرابت سببی تا درجه سیم دارند و همچنین اجرای احکامی را که راجع است بمخدومین یا خادمین آنها و لو نسبت بزمان سابق.

ماده ۳۱۶ - مامورین اجرا باید در دفاتر مخصوصی کلبه اقدامات خود را ثبت نمایند و دفاتر مذکور را موافق ترتیبی که در اصول محاکمات مقرر است نگاه داشته و بجا های لازمه در مواقع مقرره تقدیم میکنند.

ماده ۳۱۷ - مجازات اداری مامورین اجرا از قرار تفصیل است:

- (اولا) توبیخ و شمانت.
- (ثانیا) کسر مقرری ماهیانه الی یک ثلث از یکماه الی ششماه.
- (ثالثا) محرومیت از حق الزحمه مقرر در ماده (۲۰۷)
- (رابعا) تنزل از شغلی بشغلی
- (خامسا) انفضال موقتی

(سادسا) انفصال از خدمت عدلیه. توبیخ و شمانت و توقیف را خود رئیس محکمه یا مدعی العموم بدایت میتواند بعد از اینکه شخصا رسیدگی کرد مجری دارد. سایر مجازات های اداری در طهران بحکم وزیر عدلیه و در ولایات بحکم جلسه فوق العاده اداری محکمه معین میشود.
ماده ۳۱۸ - هرگاه بر مدعی العموم بدایت معلوم شود که مامور اجرا وجوهی را که نزد او امانت بوده است غریب کرده است و وجه مزبور بیش از وجه الضمان است فوراً از محکمه ابتدائی توقیف اموال او را بقدر کفایت خواسته مقصر را بمحکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد جلب می کند.

ماده ۳۱۹ - شکایت از عمال تنظیمی که در تحت نظارت و اوامر صاحب منصب اجرا انجام وظایف مینمایند راجع بمامور اجرا است.

ماده ۳۲۰ - هرگاه بواسطه اقدامات غیر قانونی مامورین اجرا خسارتی بر اشخاص وارد شود مشار الیهم موافق قانون مجازات اداری خواهند شد.

ماده ۳۲۱ - مامورین اجرا که وجه الضمان آنها کلا یا جزاً بتدبیه خسارات صرف شده است موقتا از شغل خود منفصل و فقط پس از تودیع وجه الضمانه یا تکمیل مقدار قانونی آن بشغل خود معاودت خواهند نمود

مبحث چهارم

در رئیس مامورین اجرا

ماده ۳۲۲ - برای مامورین اجرای هر حوزه استثنایه یک نفر رئیس اجرا معین میشود

ماده ۳۲۳ - رئیس مزبور را در طهران وزیر عدلیه تعیین و منصوب مینماید و در ولایات مدعی العموم استیناف انتخاب و معرفی می نماید و پس از تصویب وزیر عدلیه بحکم او منصوب میشود.

ماده ۳۲۴ - وظایف رئیس مذکور از قرار تفصیل است.

- ۱ - نظارت نسبت بمامورین اجرا از حیث اجرای وظایفشان
- ۲ - تسویه اختلافاتی که فیما بین آنها روی میدهد
- ۳ - رسیدگی بشکایاتی که از آنها در مواقع انجام وظایفشان میشود
- ۴ - تقسیم حق الزحمه مقرر در ماده (۲۰۷) مابین آنها
- ۵ - تحذیر و توبیخ و شمانت صاحب منصبان اجرا در موارد تقصیرات جزئی یا قصور و اقدام در مقامات لازمه برای دادن مجازات شدید تر در موارد تقصیرات مهمه
- ۶ - در موارد مهمه رئیس مامورین اجرا خودش اجرای احکام را می نماید.

ماده ۳۲۵ - اشخاصی که از اقدامات رئیس مامورین اجرا شکایت دارند در ظرف دو هفته از وقوع ماده شکایت در طهران بوزیر عدلیه و در ولایات بمدعی العموم استیناف شکایت خود را رجوع مینمایند

مبحث پنجم

مامورین احضار و اعلام

ماده ۳۲۶ - احضار و اعلام بمعهده مامورین اجرا است و مامورین مذکور برای تبلیغ

احضار و اعلام در تحت نظارت خودشان مامورین احضار خواهند داشت. عده مامورین مزبوره بتعمین رؤساء، محاکم و تصویب وزیر عدلیه است
ماده ۳۳۷ - مقررات مواد ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۲۰۲ و ۲۰۴ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۷ و ۲۲۰ شامل مامورین احضار نیز میباشد.
ماده ۳۳۸ - مامورین احضار از مستخدمین دولت محسوب نیستند ولی مواجسی برای آنها بطوری که بوجه وزارت عدلیه معین میکنند مقرر است
ماده ۳۳۹ - مامورین احضار لباس و مهر مخصوص داشته در مواقع انجام وظایف خودشان موافق اصول محاکمات و نظامات عدلیه رفتار مینمایند

فصل دوم

در مباشرین و دفتر را کد ثبت اسناد و مدیریت
ماده ۳۴۰ - تشکیل و ترتیب دائره ثبت اسناد و حقوق و حدود و تکالیف و ترتیب انجام وظایف آنها بطوریست که در قانون مخصوص مقرر است

فصل سوم

در منتظرین رجوع شغلی

ماده ۳۴۱ - اشخاصیکه دارای شرایط و اوصاف مقررده بوده امتحان دخول بخدمت عدلیه را داده اند ولی بواسطه نبودن جا منتظر خالی شدن محل و اشغال آن با ترتیبات مقررده هستند منتظرین خدمت نامیده میشوند.
ماده ۳۴۲ - اشخاص مذکورده را رئیس محکمه میتواند برای کمک یا اعضاء محکمه یا باجزای دفتر خانه و فرا گرفتن و آموختن عملیات کار دعوت نماید.
ماده ۳۴۳ - منتظرین مادامیکه داخل در خدمت عدلیه نشده اند موظف نمیشوند ولی در مواردیکه معاون عضوی واقع میشوند که بدون عذر موجه غایب شده است یا استعفاء یا فوت نموده و یا بالاخره بشفل دیگری معین شده است مقرری آن عضو را دریافت مینمایند.
ماده ۳۴۴ - منتظرین را فقط بمحاکم ابتدائی و دفترخانه آن و یار که بدایت میتوان پذیرفت و عده منتظرین خدمت در هر محکمه ابتدائی بعهده اطاق ها خواهد بود مادامیکه اشخاص مذکورده در دفترخانه محکمه بمیباشند تابع قوانین و نظامات عدلیه بوده اوامر و دستورالعمل های مقامات لازمه را مجری میدارند.
ماده ۳۴۵ - همینکه جایی باز شد رئیس محکمه منتظرین وابسته محکمه خود را امتحان عملی موافق پروگرام مقرر نموده و صورت امتحانات را با شرح اخلاق و رفتار آنها چنانکه در ماده (۱۵۰) مذکور است بوزارت عدلیه میفرستد.

فصل چهارم

در وکلای رسمی عدلیه

مدیحت اول

در شرایط و اوصاف وکلای رسمی

ماده ۳۳۶ - وکلای عدلیه بر دو قسمند: رسمی و غیر رسمی وکلای رسمی اشخاصی هستند که شغل خودشان را وکالت در محاکم قرار داده و بدین صفت معرفی شده اند. وکلای غیر رسمی کسانی هستند که عمل بوکالت را شغل خود قرار نداده و اگر وکالتی را میکنند بر سبب اتفاق میباشد.
ماده ۳۳۷ - وکلای رسمی باید دارای صفات ذیل باشند:
(اولا) تابعیت ایران (ثانیا) سن که لا اقل باید سی سال باشد.
(ثالثا) معلومات معینه که پروگرام آن بتوسط وزارت عدلیه جداگانه مرتب و اعلام خواهد شد و اشخاصی که داوطلب شغل وکالت رسمی در عدلیه هستند باید موافق پروگرام مزبور در مجلس امتحان (۱۴۷) امتحانات لازمه داده تصدیقنامه در دست داشته باشند.
ماده ۳۳۸ - اشخاص مفصله نمیتوانند وکلای رسمی یا غیر رسمی شوند.
(اولا) اشخاصی که بواسطه ارتکاب بجنحه و جنايات که مجازات آنها حبس یا جزائی شدید تر است در تحت محاکمه هستند.
(ثانیا) محکومین بمجازات مذکورده.
(ثالثا) اشخاصی که از خدمت دولتی بعد از محاکمه اخراج شده اند.
(رابعا) اشخاصی که شغل موظفی در ادارات رسمی دولتی یا ملتی دارند.
(خامسا) اشخاصی که بحکم محکمه از وکالت ممنوعند.
(سادسا) اشخاص ورشکسته.
(سابعا) کسانی که در تحت قیمومت یا ولایت شرعی هستند.
ماده ۳۳۹ - اشخاصی که میخواهند در عدلیه وکیل رسمی شوند باید قبل از امتحان استدعا نامه ارسال داشته در آن اسم و اسم پدر و شهرت و اقامتگاه و سن و شغل سابق خود را درج نمایند بانضمام شهادت نامه در حسن اخلاق خود از معارف و معتمدین محل خود استدعای نامه مزبور در طهران بوزیر عدلیه و در ولایات بر رئیس محکمه استیناف یا ابتدائی داده میشود.
ماده ۳۴۰ - امتحانات مذکورده در ماده (۳۳۷) در طهران در وزارت عدلیه و در ولایات

در محاکم استیناف با حضور مدعی العموم استیناف بعمل میآید. صورت اشخاصی که امتحان داده و اوصاف مقرر را دارا هستند با اوراق امتحانیه بوزارت عدلیه فرستاده میشود دادن تصدیقنامه در طهران منوط بتصویب وزیر عدلیه و در ولایات بتصویب رئیس محکمه استیناف است و مقامات مذکوره مکلفند که مدافعه لازمه را در عدم تخلف از مواد این فصل بعمل آورند.

ماده ۲۴۱ - وکلای رسمی عدلیه پس از آنکه بر طبق مواد فوق صلاحیت خودشان را ظاهر داشتند باید قبل از مباشرت بشغل خودشان در محکمه استیناف در جلسه اداری قسم یاد نمایند. صورت قسم نامه جداگانه مرتب است.

ماده ۲۴۲ - هر گاه پس از دادن تصدیق نامه ثابت شود که داوطلب شغل وکالت اظهاراتش جعلی و دارای صفات مقرر نبوده تصدیقنامه از او مسترد و بمحکمه که با الاحیث دارد جلب و از ششماه الی یکسال بسته با اهمیت تقصیر محکوم مجبوس خواهد بود.

ماده ۲۴۳ - مدعی العموم هر گاه در امتحانات و اجرای مواد این فصل مسامحه یا بی نظمی مشاهده کند بوزیر عدلیه راپورت خواهد کرد.

ماده ۲۴۴ - تصدیق نامه همه ساله در برج حمل تجدید میشود و برای تصدیقنامه تعرفه ذیل مقرر است.

(۱) برای وکالت در محاکم صحابه پنج تومان.

(۲) برای وکالت در محاکم ابتدائی و استیناف ده تومان.

(۳) برای وکالت در محکمه تمیز یازده تومان.

شخص واحد میتواند هر سه تصدیق را گرفته و در تمام محاکم حق وکالت رسمی را داشته باشد
ماده ۲۴۵ - اشخاصی که تصدیقنامه وکالت رسمی را ندارند و وکیل اتفاقی هم نیستند نمیتوانند در محاکم عدلیه وکالت نمایند.

ماده ۲۴۶ - هر گاه محاکم مشاهده کنند که وکلای رسمی از حدود خود تجاوز مینمایند یا هر تکب اعمالی میشوند که در انظار قبیح و رکیک بوده موافق مقام آنها نیست حق دارند راساً یا به تکلیف مدعی العموم در جلسه اداری فوق العاده محکمه بر رفتار و اعمال آنها رسیدگی کرده مجازات اداری ذیل را بانها بدهند:

(اولاً) توبیخ و شامت.

(ثانیاً) ممنوع داشتن آنها از شغل وکالت از يك الى سه ماه

(ثالثاً) خارج کردن اسامی وکلای رسمی از لوحه وکلای رسمی عدلیه در جلسات

مزبوره مدعی العموم باید عقیده خود را اظهار دارد.

ماده ۲۴۷ - در مورد ققره دوم و سوم ماده قبل هر گاه وکلای محکوم و مدعی العموم شکایتی از حکم محاکم داشته باشند در ظرف دوهفته از تاریخ اعلام حکم میتوانند از حکم محکمه ابتدائی استیناف و از حکم محکمه استیناف تمیز بدهند.

ماده ۲۴۸ - علاوه بر مجازات مذکوره در ماده قبل وزیر عدلیه میتواند تحقیقات لازمه را جمع بر رفتار و اعمال وکلای عدلیه نموده و در صورتیکه اطلاعات صحیحه از سوء اخلاق یا اعمال آنها تحصیل کرد آنها را از وکالت در عدلیه ممنوع دارد

ماده ۲۴۹ - اسامی وکلای رسمی عدلیه باید در دفتر مخصوص و همچنین در لوحه مخصوص که در اطاق پذیرائی محکمه نصب می شود ثبت شود

مبحث دوم

در تکلیف وکلای

ماده ۲۵۰ - وکلاء عدلیه حق ندارند ادعای موکلین خود را بخود بطور مصانعه و ساختگی یا در ظاهر باسم دیگری و در باطن بخود بای نحوکان انتقال نمایند. در صورت وقوع چنین امری دعای آنها در عدلیه پذیرفته و استماع نخواهد شد.

ماده ۲۵۱ - وکلاء رسمی عدلیه باید قبل از دخالت در کار با موکل خودشان قرار شرایط لازمه را در حق الوکاله بدهند ولی نمیتوانند اجرت بویعیه قرار داد نمایند و این سندیست شده را باید بمحکمه ارائه بدهند.

ماده ۲۵۲ - عموم وکلاء باید قبل از شروع بمحاکمه وکالت نامه معتبره نمبر شده بمحکمه تقدیم کنند. و در صورتیکه يك نفر از وکلاء در کابیه امور شخصی موکل خودش وکالت داشته باشد گذشته از آنکه وکالت نامه كل باید تمیر شود باید برای هر دعوائی که متعلق بموکل اوست يك سواد وکالت نامه كل را تمیر کرده بمحکمه بدهد.

ماده ۲۵۳ - در صورتیکه ثابت شود که وکیل خیانت بموکل خود نمود و با ط.رف ساخته با اولین خیانت اسم او از لوحه وکلاء محو شده و خواه وکیل رسمی باشد خواه غیر رسمی در روزنامه درج میشود و هرگز بوکالت پذیرفته نخواهد شد. و این مجازات مانع از دعوی خسارتی که موکل میتواند بوکیل اقامه نماید نخواهد بود.

ماده ۲۵۴ - در صورتیکه وکیل بوکالت نامه نقلی داخل در عمل وکالت شود علاوه بر اینکه در محکمه که صلاحیت دارد محکوم به مجازات خواهد شد اسم او از لوحه وکلاء محو و خواه وکیل رسمی باشد خواه غیر رسمی در روزنامه اعلان و حکم بر بطلان عملی که استناداً بان وکالت کرده است میشود علاوه باینکه عهده کابیه خسارات وارده بر موکل خود نیز برآید.

ماده ۲۵۵ - در صورتیکه وکیل در عدم حضور خود عنتر موجهی داشته باشد باید قبل از افتتاح محکمه بر رئیس محکمه کتبا اظهار دارد و اگر وکیل در توکیل باشد يك نفر وکیل معتمدی را قائم مقام خود نماید و با آنکه بنزدیکتر روزی که محکمه برقرار است حضور خود را مقرر دارد
ماده ۲۵۶ - هر گاه وکیل در وقت مقرر در محکمه حاضر نشده و بتقصیر او کار محکمه

بتأخیر افتاد در جلسه دوم اظهارات او بدون الصاق تمبر يك تومان بوکالت نامه و در جلسه سوم بدون الصاق دو تومان مسموع نخواهد شد و در دهمه چهارم از مدت يك ماه الی سه ماه بتعیین آن محکمه در تمام محاکم بوکالت پذیرفته نخواهد شد و بعلاوه موکل حق ادعاء و مطالبه خسارت را از وکیل خواهد داشت

ماده ۳۵۷ - وکلاء باید کاتبه اسناد راجعه بدعوی را حاضر داشته که در موقع لزوم ارائه دهند و در صورتیکه موکل نخواهد اسنادش را تفویض وکیل نماید باید خودش با وکیل حاضر شود و یا بکسی که محل وثوق اوست بدهد تا در موقع محاکمه ارائه شود

ماده ۳۵۸ - در صورتیکه وکیل برای اثبات مدعای موکل خود دلیل موجهی داشته باشد ولی ابراز آن دلیل در انصاعت از امکان خارج باشد باید در محکمه ملتزم شود که در روز معین حاضر شده و عمل را ختم نماید

ماده ۳۵۹ - وکلاء بهیچوجه نمی توانند از موضوع محاکمه خارج شوند و هر دهمه که میخواهند نطق کنند باید از رئیس محکمه اجازه بخواهند

ماده ۳۶۰ - در وکالت نامه باید اسم و شهرت وکیل و موکل و محل اقامت آنها و موضوع و حدود وکالت مصرح باشد

ماده ۳۶۱ - اقدامات وکیل باید در حدود وکالتش باشد و وظایف او بطوری است که در قوانین شرع و نظامات عدلیه مقرر است

ماده ۳۶۲ - هر گاه موکل در محکمه که صلاحیت دارد اثبات کند که وکیل نگاهل در حفظ حقوق او کرده در این موضوع وکالت وکیل دیگر پذیرفته نشده و بتادیه حق الوکاله که گرفته است و سایر خسارات موکل بعد از ثبوت ملزم خواهد شد

ماده ۳۶۳ - در صورتیکه وکیل از وکالت خود استعفاء نماید باید طوری قبلاً بموکل خود اطلاع داده باشد که متنازک الیه بتواند وکیل جدیدی بمحکمه معرفی نماید و هر گاه وکیل بمفاد این ماده عمل نکند و موجب فوت حقی از حقوق قانونیه موکل شد وکیل مستعفی ملزم است از عهده خسارت و مصارف متعارفه که از این جهت بر موکل وارد شده بر آید

مواد الحاقیه با اصول تشکیلات عدلیه

ماده (۱) - اکیداً ممنوع است که حکام عدلیه و صاحب منصبان اداره مدعی العموم دسته بندی یا انجادی نمایند برای تعطیل محاکم و ادارات یا توقیف جریان امور عدلیه یا برای اقدام دیگری بهیئت اجتماع از قبیل ترتیب اعتراض نامه و ابطال آن - قدغن مزبور شامل دفتر دارهای محاکم و تقریر نویسها و ثبات و ضباط و مأمورین اجرا و احضار و وکلای رسمی عدلیه نیز میباشد

ماده (۲) - اقدام مذکور در ماده قبل مستلزم انفصال فوری مقصرین بوده و متفصلین دیگر بخدمت عدلیه پذیرفته نخواهند شد

کتاب دوم

در محاضر شرعیه و حکام صالحیه

باب اول

در تشکیلات محاضر شرعیه و مجالس فوق العاده

ماده ۱ - محاضر شرعیه که مراجع رسمی محاکم عدلیه است و موافق مقررات قانونیه امور بان ارجاع و احکام صادره از آن بموقع اجرا گذاشته میشود در مرکز و ایالات و ولایات بحسب مقتضیات محل تعیین خواهد شد

ماده ۲ - مراجع رسمی مذکوره محاضری خواهد بود که وزارت عدلیه بمداز تشخیصات قانونی آنها را بدین سمت شناخته و مرجع قرار میدهد ولی هر گاه متداعیین بتراضی هجتهد دیگری را برای ارجاع امر خود از عدلیه تقاضا نمایند عدلیه این تقاضا را قبول کرده ارجاع مینماید حکم صادر از محضر مزبور مثل احکام صادره از مراجع رسمی خواهد بود

ماده ۳ - هر محضری عبارت است از يك نفر مجتهد جامع الشرایط که حاکم محضر ناعیده میشود و دو نفر معاون قریب الاجتهاد

ماده ۴ - وزارت عدلیه شخصی را که لااقل دونفر از علماء مرجع تقلید مشخص و معرفی نمودند بمرجعیت و قضاوت خواهد شناخت

ماده ۵ - در محلی که تصدیق شده گان مراجع تقلید بقدر کفایت نباشند وزارت عدلیه میتواند از تصدیق شده گان مزبور تقاضا نماید اشخاص دیگری را معرفی و تصدیق نمایند و بعد از معرفی و تصدیق دونفر از آنان وزارت عدلیه میتواند تصدیق شده گان را برسیمت بپذیرد

ماده ۶ - هر گاه عده تصدیق شده گان در محلی بیشتر از قدر کفایت باشد وزارت عدلیه کسانی را که اکثر تصدیقا هستند و در صورت تساوی تصدیقات اوفق آنان را مرجع قرار خواهد داد

ماده ۷ - اگر عده تصدیق شده گان در محلی کمتر و در محلی زیادتر از قدر کفایت باشد وزارت عدلیه میتواند عده ناقصه را از زاید تکمیل نماید

ماده ۸ - وزارت عدلیه در محل از اشخاصی که بترتیب مواد مذکوره فوق مشخص و معرفی شده اند مستقیماً یا بتوسط رئیس عدلیه محل تقاضای تصدی قضاوت را مینماید و هر يك از اشخاص مذکوره که قبول تقاضای وزارت عدلیه را نمودند در مرکز مستقیماً و در ایالات و ولایات بتوسط رئیس عدلیه محل بوزارت مزبوره اطلاع خواهند داد

ماده ۹ - اسامی اشخاصی که قبول قضاوت را نموده اند بامشخصات و معینات و محل اقامت در دفتر تسجيل احوال و دفتر حوزه ابتدائیه ثبت خواهد شد و حقوق آنان و معاونین و محررین آنان برقراری است که در بودجه معین است

ماده ۱۰ - حاکم هر محضر دو نفر معاون و یک نفر محرر خود را موافق شرایط مقرر در انتخاب و بوزیر عدلیه معرفی مینماید

ماده ۱۱ - مجلس فوق العاده مرکب است از حکام محاضر شرعیه و حکام صالحیه

ماده ۱۲ - عده اعضای مجلس فوق العاده لافل پنج نفر خواهد بود

ماده ۱۳ - هر گاه در محلی حکام محاضر شرعیه و صالحیه که مراجع هستند از پنج نفر کمتر باشند از سایر اهل علم آن محل کسانی که دارای شرایط قضاوت باشند برای عضویت مجلس فوق العاده موقتاً دعوت خواهند شد و آراء آنها منوط اعتبار است

ماده ۱۴ - در موقعی که یکی از حکام شرعیه یا صالحیه فوت شود یا استعفاء دهد یا بسبب از اسباب از شغل خود منصرف شود مجلس فوق العاده منعقد شده با اکثریت آراء شخصی را که قابل قضاوت باشد مشخص و بوزارت عدلیه معرفی مینمایند و وزارت عدلیه مختار است که شخص تصدیق شده را بمرجعیت رسمی بشناسد یا بقسمی که در ماده (۴) و ماده (۵) مذکور است رفتار نماید

ماده ۱۵ - حکام محاضر شرعیه و محاکم صالحیه بزوال صفت اجتهاد یا عدالت که در مجلس فوق العاده بثبوت برسد بکلی از شغل قضاوت منصرف میشوند

ماده ۱۶ - حکام محاضر شرعیه و صالحیه بیکدیگر از سه جهت از مرجعیت رسمی منصرف میشوند (۱) در صورتیکه در مطلبی که بانان مرجوع شده موجبات قطع دعوی موجود باشد ولو بحلف و قسم و فصل را باندازه طول بدهند که باعث تضییع حقوقی شود (۲) در صورتیکه از وظایف مقرر قانونی که در مواد سابقه و آتیه مذکور و معین شده تخلف نمایند

(۳) در صورتیکه بدون تصویب وزارت عدلیه غیبت یا مسافرت نمایند

ماده ۱۷ - انفصال یکی از حکام محاضر شرعیه و صالحیه در موقع تخلف از وظایف مقرر قانونی بعد از تکرار آنست دومرتبه که در کت اولی و ثانیه از طرف وزارت عدلیه بانان کتبا اخطار میشود و در دهم سوم از شغل خود منصرف میشوند و پس از آن وزارت عدلیه آنان را برسمیت نخواهد شناخت

ماده ۱۸ - هر گاه بکسی از حکام محاضر شرعیه یا حکام صالحیه برای امر مهمی بخواند بیشتر از دو هفته غیبت از محضر یا محکمه نماید باید شخصی را که بصفحت اجتهاد و عدالت متصف باشد در مجلس فوق العاده معرفی و مشخص نماید بعد از تصدین اکثریت مجلس مزبور بوزارت عدلیه پیشنهاد مینماید و پس از تحصیل تصویب وزارت عدلیه میتواند غیبت یا مسافرت نماید

باب دوم

در وظایف و ترتیب جلسات محاضر شرعیه و مجلس فوق العاده

ماده ۱۹ - اشتغال محاضر شرعیه بامور راجعه بانها موافق دستوری خواهد بود که وزارت عدلیه معین می نماید

ماده ۲۰ - حکم صادر از محاضر را اولاً حاکم محضر و بعد از آن دو نفر معاون امضاء خواهند نمود

ماده ۲۱ - در احکام صادره از محاضر ذکر مدارک و دلایل حکم لازم است

ماده ۲۲ - ثبت و ضبط تقریرات و تحریرات در محاضر شرعیه بعهده محرران است

ماده ۲۳ - احکام محاضر در دفتر محضر باید بتمام کلمات ثبت شود و محرر نمره ثبت را در خود حکم قید نماید

ماده ۲۴ - تقریرات طرفین و شهود و اسامی آنان و دلایل و قراین که طرفین بان استناد مینمایند باید در صورت مجلس قید شود

ماده ۲۵ - محاکمات محضر عانی خواهد بود مگر در صورتیکه منافی عصمت باشد یا طرفین سری بودن را تقاضا نمایند

ماده ۲۶ - حکم صادر از محضر قطعی است و موافق قانون بوقع اجرا گذاشته میشود و شکایت از حکم محضر موجب تأخیر اجرا نمیشود مگر در صورتیکه از مجلس فوق العاده حکم صریح در توقیف اجرا صادر شود

ماده ۳۷ - حاکم محضر بعد از صدور حکم نمیتواند حکم خود را تغییر بدهد مگر در موردیکه قانونا اعاده محاکمه (تجدید نظر) جایز باشد .

ماده ۳۸ - مراجع رسمی از رسیدگی باهری که بانها ارجاع شده و حق رسیدگی دارند نمی توانند امتناع نمایند مگر در صورتیکه دلیل موجه داشته باشند .

ماده ۳۹ - چون محاکم ابتدائیه هر حوزه امور شرعیه خود را باید بمحاضر شرعی که در همان حوزه واقع است ارجاع نماید هر يك از محاضر شرعیه بااموری رسیدگی خواهند کرد که از محکمه ابتدائیه که محاضر مزبوره در حوزه همان محکمه واقع است ارجاع میشود .

ماده ۴۰ - اموری که در مجلس فوق العاده رسیدگی می شود از این قرار است .

- ۱ (اموری که در یکی از محاضر شرعیه یا در نزدیکی از حکام صالح بیچیده و مشکل باشد و محضر یا محکمه صالح تقاضای رسیدگی و حل آنرا در جلسه فوق العاده بنمایند .
- ۲ (شکایتی که از حکم یا حاکم یکی از محاضر شرعیه یا معاونین آنها یا حکام صالحه نموده باشند و از عدلیه ارجاع شده باشد اعم از اینکه مدعی عمومی باشد یا خصوصی .
- ۳ (مطالبی که راجع به تنظیمات و ترتیب محاضر شرعیه است که پس از مذاکره و مشاوره تصفیه نموده بوزارت عدلیه پیشنهاد مینمایند تا اقدامات مقتضیه در رفع نواقص بعمل آید .
- ۴ (مسائل فقهیه که حکم شرعی آن از برای یکی از حکام محاضر یا حکام صالح محل شبهه باشد .

۵ (تعیین عوض حاکم محضر شرع یا محکمه صالحه که مستغنی یا متوفی یا منفصل شده باشد در صورت تقاضای وزارت عدلیه بقسمی که در ماده ۱۴ مذکور است .

ماده ۴۱ - حکم صادر از مجلس فوق العاده با اکثریت آراء خواهد بود و در صورت تساوی آراء رای طرفی که حکام محاضر شرعیه در آن طرف زیاد تر است مرجح است .

ماده ۴۲ - حاکمی که از او یا حکم او شکایت شده در وقت رسیدگی بان شکایت نمیتواند عضو مجلس فوق العاده واقع شود ولی او را برای دادن توضیحات میتوانند حاضر نمایند .

ماده ۴۳ - در مجلس فوق العاده هسن ترین حکام محاضر شرعیه سمت ریاست خواهد داشت و نظم جلسه بعهده او خواهد بود .

ماده ۴۴ - مجلس فوق العاده در هر هفته يك روز منقذ میشود ولی در موقع لزوم وزارت عدلیه میتواند تکتیر جلسات را تقاضا نماید .

باب سیم

در تشخیص و تعیین حکام صالحیه

ماده ۴۵ - محکمه صالحیه خواه در محلات شهرها و خواه در مرکز بلوکات چنانچه در اصول تشکیلات عدلیه مقرر است دارای يك نفر فقیه عادل خواهد بود که لااقل ادنی درجه اجتهاد را دارا باشد .

ماده ۴۶ - تشخیص حکام صالحیه در بدو امر بطریق امتحان خواهد بود .

ماده ۴۷ - تصدیق دوفتر از مراجع تقلید درباره حکام صالح کافی و مستغنی از امتحان است

ماده ۴۸ - بعد از تشکیل محاکم صالحیه هر گاه حاکمی مستغنی یا متوفی یا بسببی از اسباب منفصل گردید وزارت عدلیه مخیر است که بطریق امتحان عوض او را منتخب کند یا از مجلس فوق العاده تقاضا نماید عرض او را تشخیص داده بوزارت عدلیه معرفی نماید .

ماده ۴۹ - شرایط و اوصاف حکام صالح عینا همان شرایط و اوصافی است که برای امای صالحیه تعیین شده است .

ماده ۴۰ - ترتیب تعیین و نصب حکام صالح بالا تفاوت موافق ترتیب تعیین و نصب امای صالحیه خواهد بود .

ماده ۴۱ - موجبات انفصال حکام صالح موافق موجبات انفصال حکام محاضر شرعیه است . بعلاوه تخلف از مقررات قانونی محاکم صالحیه نیز موجب انفصال آنان است .

ماده ۴۲ - هیئت ممتحنه مرکب خواهد بود لااقل از سه نفر از تصدیق شدگان مراجع تقلید با حضور نماینده از طرف وزارت عدلیه .

تبصره ۵ - مراد از تصدیق شدگان کسانی هستند که لااقل دو نفر از مراجع تقلید اهلیت و لیاقت آنانرا برای قضاوت و رسیدگی با امور شرعیه تصدیق کرده باشند .

ماده ۴۳ - اکثریت آراء هیئت ممتحنه مناط اعتبار خواهد بود .

ماده ۴۴ - هیئت ممتحنه بعد از تصدیق اهلیت و تشخیص قابلیت امتحان شده گان صورت مجلس امتحان و آراء خود را بتوسط نماینده وزارت عدلیه بوزارت مزبوره ارسال خواهند داشت

ماده ۴۵ - هر گاه امتحان شدگان زیاد تر از کمات حوزه ابتدائیه باشند با تساوی درجات آنان اهالی مجلس برای صالحیه همان محل مقدم و مرجع بردیگران خواهند بود .

ماده ۴۶ - هر گاه امتحان شدگان در يك محل زیاد تر از احتیاج محل باشند بانسای سائر شروط وزارت عدلیه بقرعه حکام صالح را معین خواهد کرد .

قوانین موضوعه امور را قطع و فصل نمایند

ماده ۴ - اکیدا ممنوع است که محاکم عدلیه بعد از اینکه قوانین موضوعه مملکتی کامل یا صریح نیست و یا ناقص و متناقض است صدور حکم را توقیف کنند. متخلفین از این قاعده در حکم اشخاصی خواهند بود که استنکاف از احقاق حق کرده باشند
ماده ۵ - در محاکم عدلیه به اهمیت دعای حقوقی فقط تا دو درجه می توان رسیدگی نمود

ماده ۶ - در محاکم عدلیه هیچ دعوائی نمیتواند از حیث ماهیت قابل رسیدگی در درجه بالاتر باشد مادام که در درجه پائین تر در آن باب حکم صادر نشده است
ماده ۷ - هیچ اداره دولتی و مقام رسمی نمی تواند حکم محکمه عدلیه را تغییر بدهد مگر خود محکمه که حکم داده است یا محکمه بالاتر در مواردیکه قانون معین می کند.

باب اول

اصول محاکمات حقوقی در محاکم صلحیه

فصل اول

در صلاحیت محاکم صلحیه

ماده ۸ - امور راجعه به محاکم صلحیه از قرار تفصیل ذیل است
اولا دعاوی مشروحه ذیل در صورتیکه مدعی به بیش از دو دست و پنجاه تومان نباشد
۱ (دعاوی راجعه بابعان اموال از منقول و غیر منقول
ب (دعاوی راجعه بدیون از قبیل نمن و میس و قرض و اجرت عمل کارگر و شاگرد و خادم و خادمه و حق الجمله و حق الوکاله و حق النفق و الکسوه و حق السبق و امثال آن و دعاوی راجعه بخرات و غرامت از قبیل خسارات وارده بر حاصل و محصول زراعتی و مستغلات و املاک و امثال آن در صورتیکه مدعی به بیش از مبلغ دو دست و پنجاه تومان نباشد یا در هنگام اقامه دعوی مقدار مدعی به را نتوان صحیحاً تعیین کرد.

کتاب سوم

(*) قوانین موقتی اصول محاکمات حقوقی

مصوب کمیسیون قوانین عدلیه

مورخ ۲۶ رمضان و ۱۹ ذی قعدة ۱۳۲۹ قمری

مواد عمومی

ماده ۱ - محاکم عدلیه بدعاوی حقوقی که راجع بآنها است موافق قوانین رسیدگی کرده حکم یا فصل مینمایند و آنچه را که موافق قانون راجع بآنها نبوده از خصایص محاکم اختصاصی است رد مینمایند و اموریکه راجع بمحاضر عدول مجتهدین جامع شرایط است پذیرفته و بطوریکه قانون معین میکند بمحاضر مزبوره ارجاع کرده و بر طبق احکام آنها حکم اجرا میدهد

ماده ۲ - محاکم عدلیه فقط وقتی شروع برسیدگی دعاوی حقوقی می نمایند که صاحبان دعوی این تقاضا را بطوری که قانون معین میکند کرده باشند

ماده ۳ - محاکم عدلیه مکلفند که بدعاوی موافق قوانین رسیدگی کرده و بموجب آن حکم داده یا فصل نمایند. و در صورتی که قوانین موضوعه مملکتی کامل یا صریح نباشد و یا ناقص و یا متناقض باشد باید محاکم عدلیه موافق روح و مفاد عمومی

* قسمتی از این قانون بموجب قانون ۲۳ جوزا ۱۳۰۲ و مقررات موقتی مصوب طبق اختیارات ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ و قوانین ۲۹ اسفند ماه ۱۳۰۶ و ۱۱ دی ماه ۱۳۰۷ و ۲۶ اسفند ۱۳۰۸ و ۳ تیر ماه ۱۳۰۹ و ۷ تیر ماه ۱۳۰۹ و ۲۵ آبان ۱۳۱۰ نسخ و اصلاح شده است و مواد منسوخه و اصلاح شده با حروف ریز جیده شده است.

ج) دعاوی راجعه بمنافع چه متعلق باشغاس باشد از قبیل اجیر و عمله و کارگر چه متعلق بمنافع اعیان باشد از قبیل مال الاجاره و حق السكنی و امثال آن .

د) دعاوی راجعه بحقوق مالی مثل حق الشفعه حق العبور حق المجری و امثال آن .

ه) دعاوی راجعه بحقوق غیر مالی مثل حق الحضانه حق الوصایه حق الولایه و امثال آن و دعاوی حاصله از هتک شرف بواسطه اظهار شفاهی یا کتبی علنی یا غیر علنی غیر از مواد مطبوعات و همچنین دعاوی حاصله از ضرب و شتم در صورتیکه مدعی اقامه دعوی حقوقی کند نه جزائی .

ثانیاً - دعاوی تصرف عدوانی در غیر منقول تا هر مقداری که باشد در صورتیکه این دعوی در ظرف سه ماه از تاریخ تصرف عدوانی اقامه شود و الا دعوی راجع بمعکمه ابتدائی است .

ثالثاً - دعوی ضمانت از حق کسی در ملک دیگری از قبیل حق العبور حق مرتع حق مجری حق ناودان و امثال آن در صورتیکه از زمان ضمانت اولیه بیش از سه ماه نگذشته باشد والا بمعکمه ابتدائی رجوع خواهد شد .

رابعاً - خواست تأمین و حفظ دلائل و امارات مدعی به تا هر مبلغی که باشد .

خامساً - اصلاح ذات البین در هر دعوائی و تا هر مقداری که مدعی به باشد موافق مواد (۸۸) و (۵۶) .

ماده ۹۵ - دعاوی مفصله ذیل بمحاکم صلحیه راجع نیست ولو مقدار مدعی به

دویست و پنجاه تومان یا کمتر باشد :

(۱) دعاوی مربوطه بمنال دیوانی .

(۲) دعاوی راجعه بامتیازاتی که از طرف دولت داده میشود .

ماده ۱۰۰ - دعاوی در همان محکمه صلحیه اقامه میشود که مدعی در حوزه آن ساکن یا مقیم است

و هر گاه مدعی بخواهد میتواند صلحیه نیز رجوع نماید که مدعی علیه در حوزه آن اقامتگاه دائمی یا موقتی دارد ولی در بلوکات هر گاه مدعی بمعکمه اقامتگاه خودش رجوع نماید باید مخارج عادیه مسافرت و توقف مدعی علیه را که احضار شده است بشار الیه بپردازد و بعد هر گاه حقانیت او ثابت شد مدعی میتواند در جزو خسارت خود این مصارف را هم موافق قانون از مدعی علیه بیحق ادعا و مطالبه نماید .

ماده ۱۱ - دعاوی راجعه باموال غیر منقوله در صلحیه باید اقامه شود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است اگر چه مدعی و مدعی علیه هم در آن حوزه ساکن یا مقیم نباشند .

ماده ۱۲ - هر گاه يك ادعا راجع بچند مدعی علیه باشد که در حوزه های صلحیه مختلفه مقیمند مدعی میتواند یکی از صلحیه های مزبوره را اختیار کرده اقامه دعوی نماید .

ماده ۱۳ - در تمام موارد طرفین میتوانند تراضی نموده بپهر محکمه صلحیه که بخواهند رجوع نمایند . تراضی طرفین در دفتر محکمه صلحیه قید شده بامضای طرفین میرسد و در صورتیکه متداعیین سواد نداشته باشند این نکته قید میشود .

ماده ۱۴ - ادعای متقابل یعنی دعوائی که در جواب دعوی مدعی اقامه میشود و مبتنی بر يك اساس و از يك منشا ناشی شده یا بیکدیگر مربوط بیکدیگر باشد راجع به همان محکمه صلحیه است که دعوی اصلی در آنجا اقامه شده است . ولی هر گاه ادعای متقابل نظر بقدر مدعی به راجع بمحاکم صلحیه نباشد حاکم صلح رسیده گی ننموده بطرفین اعلام میکند که بمعکمه ابتدائی حقوق رجوع نمایند .

ماده ۱۵ - در موارد اختلافاتی که در باب صلاحیت ما بین محاکم صلحیه

حاصل میشود هر گاه طرفین اختلاف در حوزه يك محکمه ابتدائی واقع باشند

رفع اختلاف در همان محکمه ابتدائی بعمل می آید و اگر در حوزه های

محاکم ابتدائی مختلفه واقع باشند رفع اختلاف راجع بمعکمه ابتدائی است که

دعوی مختلف فیه بدو در حوزه آن اقامه شده . و هر گاه دعوی مختلف فیه

در يك تاریخ در حوزه های مختلفه محاکم ابتدائی اقامه شده باشد رفع اختلاف

با محکمه استیناف است .

ماده ۱۶ - اگر اختلافی در باب صلاحیت ما بین محاکم صلحیه و محاکم

ابتدائی حاصل شود رفع آن با آن محکمه استینافی است که طرفین اختلاف در حوزه

آن واقعند . و هر گاه طرفین اختلاف در حوزه های استینافیه مختلفه واقع باشند

رفع اختلاف بمعده آن محکمه استیناف است که دعوی مختلف فیه بدو در حوزه

آن اقامه شده است . و هر گاه دعوی مختلف فیه در يك تاریخ در حوزه های مختلفه

محاکم استینافی اقامه شده باشد رفع اختلاف با دیوان تمیز است .

ماده ۱۷ - ارباب رجوع در موارد حدوث اختلاف یکی از محاکمی که

طرف اختلاف هستند رجوع نموده تعیین محکمه را که صلاحیت رسیدگی دارد درخواست مینمایند. و درخواست مذکور با توضیحات خود محکمه بمقامی که موافق ماده (۱۵) و (۱۶) صلاحیت رفع اختلاف را دارد تقدیم شده رسیدگی بدعوائی که باعث اختلاف شده است تا صدور حکم آن مقام بتأخیر مینافتد.

فصل دوم

در عرضحال و احضار

ماده ۱۸ - عرضحالی که بمحاکم صلحیه در اقامه دعوی داده میشود ممکن است کتبی یا شفاهی باشد.

ماده ۱۹ - عرضحال شفاهی را محکمه صلحیه در دفتر ثبت کرده برای عارض قرائت می کند و بعد بامضای عارض میرساند. هرگاه عارض سواد نداشته باشد دیگری از طرف عارض امضا می نماید و جهت آن در دفتر قید میشود.

ماده ۲۰ - هرگاه عرضحال خارج از صلاحیت محکمه صلح باشد محکمه صلح قرار عدم قبول عرضحال را با جهات آن داده عرضحال را بصاحبش رد میکند. و هرگاه عرضحال شفاهی باشد محکمه صلح بخواهش عارض سواد از قرار خودش بعارض میدهد.

ماده ۲۱ - در عرضحال چه کتبی باشد و چه شفاهی باید عارض اطلاعات ذیل را بدهد:

۱ - اسم و شهرت و محل اقامت و شغل خود و مدعی علیه و همچنین اطلاعات مذکوره را در باب مطلعین از قضیه در صورتی که مدعی باطلاع آنها استناد میکند بر سبیل اجمال قید میکند.

۲ - دلایل موجوده ادعای خود را.

۳ - مقدار مدعی به مکرر در مواردی که تعیین مقدار ممکن نیست.

۴ - توضیح اینکه چه میخواهد یا چه اقدامی باید بشود.

ماده ۲۲ - مقدار مدعی به مبلغی است که در عرضحال صریحاً قید شده است بضمیمه اجرت الثقل و خسارت که بوجه مدعی به تا روز اقامه دعوی ضمیمه شده و عارض تأدیبه آنرا تقاضا میکند.

ماده ۲۳ - هرگاه در مقدار مدعی به اختلافی ما بین متداعین حاصل شود باید در موعدی که محکمه صلح معین می کند مقدار مدعی به بواسطه تحقیقات محلی یا استعلام از مطلعین و اهل خبره معین شود.

ماده ۲۴ - مدعی میتواند اسناد خود را بمحکمه صلح سپرده قبض رسیده دریافت دارد.

ماده ۲۵ - بموجب عرضحال مدعی محکمه صلح مدعی علیه را احضار و بدعی موعده حضور او را اعلام میدارد.

ماده ۲۶ - احضار متداعین بتوسط احضار به عمل میآید و در احضار نامه نکات مفصل ذیل باید تصریح شود:

۱ - اسم و شهرت و شغل و محل اقامت مدعی و مدعی علیه.

۲ - موضوع ادعا.

۳ - باید در کجا احضار شونده حاضر شود.

۴ - تاریخ حضور (روز و ماه و سال) با تعیین ساعت در مواقع لازمه.

۵ - اسم مأمور احضار و یا اداره که احضار نامه را تبلیغ می کند.

۶ - هرگاه احضار شونده حاضر نشود چه نتیجه برای او خواهد داشت. در مورد دعوت مطلعین و سایر اشخاص تاریخ و محل دعوت و اینکه بقاضای کمی و جهة دعوت چیست باید تصریح شود و مطلعین مجبور بحضور نیستند.

احضار نامه باید دو نسخه باشد و هر دو نسخه را امین صلح امضا می کند.

ماده ۲۷ - موعده مقرر برای حضور مدعی علیه در محکمه نباید از تاریخ ابلاغ احضار نامه بدعی علیه کمتر از یک روز باشد و نیز برای هر چهار فرسخ مسافت از اقامتگاه مدعی علیه تا محکمه بر مدت مزبوره بکروزه علاوه میشود.

ماده ۲۸ - احضار نامه باشخاص لازم یا بتوسط مأمورین احضار یا پلیس محل و یا ضابط و کد خدا و غیره ابلاغ میشود.

ماده ۲۹ - احضار به باید بخود احضار شونده ابلاغ شود و در صورتیکه احضار شونده غایب باشد احضار به مأمور احضار یکی از اهل خانه مدعی علیه یا به مباشر ملک و یا یکی از همسایگان او در صورتیکه ابلاغ احضار به را در عهده بگیرند تسلیم نموده در نسخه دیگر رسید میگیرد.

ماده ۳۰ - در صورتیکه هیچک از اشخاص مذکور در ماده قبل نباشند مأمور احضار يك نسخه احضاربه را در شهر بصاحبمنصب یا کمیسی نظمی و در ده بکند خدا میسازد و در نسخه دیگر رسید میگیرد .

ماده ۳۱ - مأمور احضار در حین ابلاغ احضار نامه روی آن تاریخ ابلاغ را قید میکند و در نسخه دیگر احضار نامه گیرنده آن باید رسید و تاریخ ابلاغ احضاربه را نوشته امضا نماید و آن نسخه ثانوی را مأمور احضار به محکم صلح تسلیم میکند . هر گاه گیرنده احضاربه نتواند یا نخواهد امضاء بدهد در روی هر دو نسخه صریحاً نوشته میشود که احضاربه بکی و درجه تاریخ تسلیم شده و چرا امضا نشده است .

ماده ۳۲ - مأمور احضار در موارد ذیل نمیتواند تبلیغ احضار نامه نماید .

۱ - بوالدین و اجداد و احفاد خود .

۲ - باقربای خود تا درجه سوم و همچنین به مخدوم و خدمه سابق خود .

ماده ۳۳ - موعدی را که بمحکم صلح برای حضور متداعین معین کرده است برضایت آنها میتواند بتأخیر بیندازد .

فصل سوم

در اقدامات و رسیدگی محکمه صلح

مبحث اول

در حضور متداعین و رسیدگی محکمه صلح در مواردی که محکمه مذکور حق حکم را دارد **ماده ۳۴ -** در موعد مقرر طرفین یا شخصاً در محکمه صلح حاضر میشوند یا وکیل می فرستند .

ماده ۳۵ - رسیدگی محکمه صلح علنی و شفافی است ولی در مورد عصمت محاکمه سری خواهد بود .

ماده ۳۶ - در موارد ذیل مدعی علیه میتواند جواب مدعی را نداده دعوی را رد کند .
۱ - وقتیکه رسیدگی بدعوائی خارج از صلاحیت محکمه صلح است و یا راجع بمحکمه صلح دیگری است .

۲ - وقتی که همان محکمه صلح یا محکمه صلح دیگری و یا در محکمه دیگری همان دعوی مابین همان اشخاص یا دعوائی دیگری که مناسبت تامه با ادعای مدعی دارد سابقاً عنوان شده و در تحت رسیدگی است .

۳ - در صورتیکه ادعای مدعی تماماً راجع بمدعی علیه دیگری است .

۴ - در صورتیکه مدعی صلاحیت اقامه دعوا را ندارد .

۵ - در صورتیکه وکیل مدعی وکالت از طرف او ندارد .

ماده ۳۷ - بعد از شروع بر رسیدگی محکمه صلح بدو تکلیف صلح بطرفین

نموده و سعی خود را در اصلاح ذات البین حتی در حین محاکمه تعقیب می کند و فقط در صورت عدم موفقیت بعد از رسیدگی حکم میدهد .

ماده ۳۸ - در صورت اصلاح صلح نامه کتبی نوشته شده بامضای طرفین

یا وکلای آنها میرسد . و کاریکه بمصلحه تمام شده از سر گرفتن آن جایز نیست .

ماده ۳۹ - در صورت عدم اصلاح بعد از شروع بر رسیدگی محکمه صلح بمدعی تکلیف

می کند که ادعای خود را بیان و اوضاع و احوال را تصریح کرده دلایل خود را اقامه کند و بعد جواب توضیحات مدعی علیه را گوش می کند بعد بمدعی و مدعی علیه بیوت اجازه دادن توضیحات را میدهد و خودش توضیحات لازمه را میخواهد و همچنین مشاهده کرد که مسئله روشن و بقدر کفایت توضیح شده است مذاکرات را طرفین ختم می کند .

ماده ۴۰ - در دعوی تصرف عدوانی کسی در اموال غیر منقوله دیگری در صورتیکه

اقامه دعوی مزبور در ظرف سه ماه از تاریخ تصرف عدوانی بعمل آمده و مدعی به بیش از دوست و پنجاه تومان باشد محکمه صلح داخل در مذاقه استادی که دلالت بر حق مالکیت می نماید نشود لهذا هر گاه در باب تصرف عدوانی ما بین طرفین گفتگو و منازعه باشد محکمه صلح تحقیقات خود را فقط در باب تصرف آن نموده مال غیر منقول را بتصرف متصرف اول میدهد بدون اینکه بدارک و مبنای حق مالکیت برسد و بطرفین اعلام میدارد که در باب حق مالکیت بمحکمه ابتدائی رجوع کنند .

ماده ۴۱ - تأخیر رسیدگی بخواهش يك طرف فقط در موارد ضرورت بتصدیق محکمه و

باندازه لزوم قبول میشود .

ماده ۴۲ - هر گاه یکی از متداعین تحصیل سندی یا سوادى را که برای توضیح کار

او لازم است از ادارات یا مقامات رسمی لازم بدانند محکمه صلح باید بر حسب خواهش او تصدیق کتبی بدهد که فلان سند یا سواد آن و یا فلان استعمال برای فلان امر لازم است .

ماده ۴۳ - در موارد ذیل رسیدگی بدعوا توقیف می شود :

۱ - برضایت تمام صاحبان دعوا

در صورت قوت یا خون یا ظهور و عدم صلاحیت یکی از صاحبان دعوا

۲ - در صورتیکه یکی از اتقادات مذکور در قفره دوم نسبت بوکیل یکی از صاحبان

دعوا بعمل آید .

ماده ۴۴ - رسیدگی که موافق ماده قبل توقیف شده بخواهش یکی از متداعین یا اصحاب دعوا مجدداً شروع می شود.

ماده ۴۵ - محکمه صلح همینکه تعیین رسیدگی بدعوائی خارج از صلاحیت او است باید محاکمه را قطع کند.

ماده ۴۶ - در مواردیکه محکمه صلح بواسطه ابهام یا عدم تصریح دچار اشکالاتی درخین رسیدگی میشود باید مواد دستور محاکم صلح را با مواد دستور محاکمات حقوقی سایر محاکم تطبیق نموده رفع اشکال خود را بنماید.

مبحث دوم

در رسیدگی محکمه صلح در مواردیکه محکمه مذکوره

قطع حق اصلاح را دارد

ماده ۴۷ - رجوع بمحاکم صلحیه برای اصلاح ذات البین یا بتراضی طرفین دعوا و یا بمیل یکی از آنان بعمل می آید.

ماده ۴۸ - ترتیب احضار و اعلام در مواردیکه محکمه صلح فقط حق اصلاح ذات البین را دارد همان است که در فصل دوم مذکور است ولی در احضار نامه باید تصریح شود که معروض برای اصلاح بمحکمه دعوت میشود.

ماده ۴۹ - بعد از حضور متداعین محکمه باظهارات و دلایل طرفین رسیدگی و تکلیف صلح وسی در اصلاح ذات البین مینماید. در صورت عدم موفقیت باصلاح تحقیقات و عدم موفقیت خود را در دفتر نوشته بامضای طرفین میرساند. و هرگاه یکی از طرفین یا هر دو طرف نخواهند امضا کنند مراتب را محکمه صلح قید میکند.

ماده ۵۰ - در مورد ماده قبل محکمه صلح نباید طرفین را بیجهت معطل نماید و همینکه مشاهده نمود که طرفی یا طرفین حاضر باصلاح نیستند باید طرفین را بحال خودشان واگذار کرده و اعلام نماید که دعوای خود را بمحاکمی که صلاحیت حکم را دارند رجوع نمایند.

ماده ۵۱ - هرگاه بعد از تبلیغ دو احضار نامه معروض حاضر نشده یا کتباً جواب داد که حاضر باصلاح نیست محکمه مراتب را در دفتر قید کرده و بعارض اعلام میدارد که بمحکمه که صلاحیت حکم را دارد رجوع نماید.

ماده ۵۲ - هرگاه مدعی علیه بعد از تبلیغ يك یا دو احضاریه حاضر شده و بعد استنکاف از حضور نمود محکمه صلح بموجب ماده قبل رفتار مینماید.

ماده ۵۳ - استنکاف مدعی علیه از حضور در محکمه صلح یا عدم قبول صلح بعد از حضور در هر حالی از احوال مانع نمیشود که طرفین کارشانرا در محکمه دیگری که صلاحیت اصلاح را دارد بطیب خاطر رجوع نمرده خواستار اصلاح شوند.

ماده ۵۴ - همینکه محکمه صلح باصلاح ذات البین موفق شد مراتب را در دفتر قید کرده بامضای طرفین میرساند و صلح نامه ممضی بامضای امین صلح و حاکم صلح و مهور بمهر محکمه مرتب نموده در دو نسخه بطرفین تسلیم مینماید.

ماده ۵۵ - هرگاه محکمه صلح از عرض حال مدعی مشاهده نماید که امر از امور مستعجله و فوری بوده و اقدام لازم خارج از صلاحیت محکمه است یا محکمه تصور کند که اقدام او در احضار طرف و اصلاح ذات البین موجب تضییع حق عارض خواهد شد بمشار الیه اعلام میدارد که بمحکمه که صلاحیت اقدام را دارد رجوع کند و مراتب را در دفتر خود قید می کند

فصل چهارم

در دلائل و تحقیقات

مبحث اول

مواد عمومی

ماده ۵۶ - مدعی باید ادعای خود را ثابت کند و مدعی علیه که اعتراض میکند باید اعتراض

خود را مدلل دارد و الا اعتراض او منشاء اثر نیست.

ماده ۵۷ - محکمه صلح خودش درصدد تحصیل دلایل بر نمی آید مدرک حکم اوقفط دلایلی است که طرفین اقامه میکنند.

ماده ۵۸ - هرگاه بعد از اصرار اظهارات طرفین محکمه صلح مشاهده کند که بعضی از اوضاع و احوال که برای حل مسئله اهمیت دارد بدون دلیل مانده مطلب را بطرفین اعلام نموده موعدی را برای دادن توضیحات و اقامه دلایل معین میکند.

ماده ۵۹ - اشخاصی که ظنن هستند بر اینکه تحقیقات محلی و استطلاع از مطلقین و استعلام از اهل خبره بدها، ممکن نخواهد بود یا لاقط مشکل خواهد شد میتوانند از محکمه صلح خواهش کنند که دلایل آنان را تأمین کند.

ماده ۶۰ - خواهش تأمین دلایل چه در حین محاکمه و چه قبل از اقامه دعوا ممکن است.

ماده ۶۱ - خواهش تأمین دلایل در صورتیکه قبل از اقامه دعوا باشد راجع است بمحکمه صلحی که موضوع معاینه یا تحقیق در حوزه آن واقع است یا اشخاص مطلع در حوزه آن مقیمند. و هرگاه بعد از اقامه دعوی (در حین محاکمه) باشد اقدام آن راجع بمحکمه صلحی است که مشغول برسیدگی است. در این مورد در صورتیکه تأمین دلایل فوریت داشته باشد طرفین میتوانند با اجازه محکمه که مشغول برسیدگی است بمحکمه صلحی که دلایل در حوزه آن واقع است رجوع نمایند. و محکمه حق ندارد در دادن اجازه با وجود فوریت مطلب مساعه نماید.

ماده ۶۲ - خواهش تأمین دلایل چه کتبی باشد چه شفاهی باید حاوی نکات ذیل باشد:

- ۱ - اسم و شهرت خواهش کننده و طرف او.
- ۲ - اشاره با اوضاع و احوالی که مبتنی است بر دلایلی که تأمین آنرا میخواهند.
- ۳ - جهت خواهش تأمین دلایل.

ماده ۶۳ - در مواردیکه تأمین دلایل فوریت داشته باشد اجازه آنرا محکمه

صلح میدهد بدون اینکه بدو طرف را احضار کند و ایستقرار محکمه صلحیه قابل شکایت نیست.

ماده ۶۴ - بعد از تأمین دلایل محکمه صلح بخواهش مستدعی تأمین موافق دستوری رفتار مینماید که در باب معاينه محل و خواستن عقیده اهل خبره و استعلام از اهل محل مقرر است.

ماده ۶۵ - در مواردیکه مستدعی تأمین دلایل طرف خود را معین نکرده اجرای آن در صورتی بعمل می آید که از برای خواهش کننده ممکن نباشد اسم طرف خود را معین نماید.

ماده ۶۶ - مقصود از تأمین دلایل حفظ آنست و بهیچوجه دلالت نمیکند بر اینکه دلایلی که تأمین شده حتماً در حین محاکمه مدرک ادعای صاحب آن خواهد بود یا دلایل تأمین شده حتماً معتبر خواهد بود.

ماده ۶۷ - هرگاه طرف مستدعی تأمین برای حضور در موقع اجرای تأمین احضار نشده باشد و یا احضار به باو نرسیده باشد حق دارد در حین رسیدگی بدعوا تخلقی را که از ترتیب قانون شده است خاطر نشان کند.

مبحث دوم

در باب شهود

ماده ۶۸ - هرگاه در دعاوی که راجع بمحاکم صلحیه است طرفین یا طرفی محتاج باقامه شهود شدند و محکمه صلح اقامه آنرا مفید و موافق قانون دانست موضوع شهادت را معین کرده بطرفین اعلام میدارد.

ماده ۶۹ - در روز معین شهود در محکمه حاضر شده بعد از اظهار اسم و شغل و سن و محل اقامت خودشان متعهد میشوند که حقیقت را بگویند و هرگاه شهود قرابت نسبی یا سببی با یکی از متداعیین داشته باشند نیز اظهار داشته و درجه قرابت خود را معین میکنند و همچنین اگر خادم یا مخدوم یکی از متداعیین باشند نیز اعلام میدارند. و در موارد قرابت و یا خادم و مخدوم بودن شهود

در امور شرعیه موافق ماده (۷۴) عمل مینماید .

ماده ۷۰ - شهود شهادت خودشان را يك يك در حضور حاکم صلح و متداعین (هرگاه حاضر باشند) ادا مینمایند . و هرگاه یکی از متداعین اظهاری راجع بر رد شهود داشته باشد پس از اظهار در صورت مجلس قید شده و بامضای رد کننده میرسد . و هرگاه رد کننده سواد نداشته باشد یا نتواند امضا کند این نکته در صورت مجلس قید میشود . قبول یا عدم قبول حاکم صلح رد کننده را بقانون شرع انور خواهد بود .

ماده ۷۱ - متداعین حق ندارند در حین اداء شهادت کلام شهود را قطع کنند ولی بعد از آن حاکم صلح میتواند بخواهش طرفین یا خودش رسماً سؤالات لازمه را از شهود بکند .

ماده ۷۲ - هرگاه برای غور رسی بشهادت شهود مایه محل لازم یا مفید باشد حاکم صلح شهادت شهود را در محل استماع میکند .

ماده ۷۳ - شهادت شهود با قید اسم و شهرت و شغل و محل اقامت و قرائت و تمهیدی که داده اند تماماً در صورت مجلس درج و برای هر يك از شهود قرائت شده بامضای آنها میرسد و در صورت بی سوادی یا عدم استطاعت امضا این نکته در صورت مجلس قید میشود و بعد صورت مجلس بامضای حاکم صلح و تقریر نویس میرسد .

ماده ۷۴ - کیفیت اداء و شروط شهادت و اختلاف شهود و اختلاف اظهارات آنها و رد و جرح شهود بعد از اداء شهادت یا امتناع آنها از اداء شهادت و سایر مسائل راجعه بشهود موافق قوانین شرع انور خواهد بود .

مبحث سوم

در حلف و تحلیف

ماده ۷۵ - در مواردیکه محاکمه طرفین منجر بحلف و تحلیف شود این نکته در صورت مجلس قید و حلف و تحلیف در حضور حاکم صلح (قبه) بعمل خواهد آمد .

ماده ۷۶ - اتیان بقسم راجع بخود متداعین است و ربطی بوکیل ندارد .

مبحث چهارم

در اقرار

ماده ۷۷ - هرگاه یکی از متداعین در حین رسیدگی یا محاکمه کتباً یا شفهاً اقرار صریح با امری کند که دلالت بر حقانیت طرف اونماید دلایل دیگری از طرف بهیچوجه خواسته نخواهد شد

ماده ۷۸ - اقرار یکی از شرکاء در امری فقط در باره اقرار کننده معتبر است و ضرر

متوجه سایر شرکاء نمیشود مگر اینکه بوجهی شرعی ملزم باشند .

مبحث پنجم

در اسناد کتبی

ماده ۷۹ - اسناد کتبی خواه رسمی باشد خواه عادی و کلیه نوشتجاتی که طرفین ابراز میکنند باید مورد مذاقه محکمه صلح بشود .

ماده ۸۰ - اعتبار اسناد رسمی بنحویست که در باب دوم این کتاب و قانون ثبت اسناد مذکور است .

ماده ۸۱ - هیچکس نمیتواند اظهار بی اطلاعی نسبت بسندی کند که خودش آن سند را داده و امضا کرده و یا از طرف او آن سند داده شده است و بامضای او رسیده است بلکه در مقام رد یا باید ادعای جعلیت نسبت بآن نماید و یا مدلل نماید که بجهتی از جهات قانونی آن سند از اعتبار افتاده است و اگر سکوت کند سکوت او دلیل بر قبول نیست .

ماده ۸۲ - اگر ادعای جعلیت نسبت باسناد کتبی که برای صدور حکم اهمیت دارد اقامه شود محکمه بدو بطرفی که آن اسناد را ابراز کرده تکلیف میکند که آن اسناد را پس بگیرد . هرگاه صاحب اسناد باین تکلیف راضی نشد حاکم صلح بطرفی که ادعای جعلیت اسناد را کرده است عاقبت وخیم آن ادعا را در صورت عدم ثبوت آن خاطر نشان میکند اگر با وجود آن مدعی جعلیت در ادعای خود ثابت و مصر باشد حاکم صلح رسیدگی کار را توقیف کرده اسنادی را که نسبت ساختگی بآنها داده شده نزد مدعی عمومی محکمه بدایت میفرستد که موافق قانون در محکمه بدایت بسطه جعلیت اسناد رسیدگی شود .

ماده ۸۳ - ادعای جعلیت نسبت باسنادیکه برای صدور حکم اهمیت ندارد مانع از توقیف محاکمه نمیشود .

مبحث ششم

در معاینه محلی و عقیده اهل خبره

ماده ۸۴ - معاینه محلی با حضور اهل خبره یا بی حضور آنها بخواهش یکی از متداعین یا بتصوب محکمه صلح بعمل میاید .

ماده ۸۵ - معاینه در حضور امین صلح یا قبه محکمه و متداعین و دو نفر شاهد صحیح که کتباً یا شفهاً احضار شده باشند بعمل میاید .

ماده ۸۶ - هرگاه متداعین بعد از آگاهی و اعلام بدون عندر صحیح در وقت مقرر حاضر

نشوند عدم حضور آنان مانع از معاینه نمیشود و حق شکایت هم بعد از معاینه از محکمه صلح نخواهند داشت.

ماده ۸۷ - محکمه صلح میتواند بنظر خودش یا بخواهش متداعین یا یکی از آنان اطلاعات اهل خبره را بخواهد.

ماده ۸۸ - در این صورت متداعین بتراضی يك یا سه نفر از اهل خبره انتخاب میکنند و هرگاه تراضی نشد عده لازم را خود محکمه صلح معین میکند و در اینصورت طرفین حق دارند که بسوازیں رد یا جرح شهود آنانرا رد یا جرح کنند.

ماده ۸۹ - از معاینه محلی و اعدادات اهل خبره صورت مجلسی مرتب میشود که با رضای امین یا حاکم صلح و متداعین و شهود و خبره میرسد و هرگاه کسی از حضار سواد نداشته باشد در صورت مجلس قید میشود. در صورتیکه معاینه محلی و عقیده اهل خبره قاطع باشد حاکم صلح میتواند فوراً در خود محل حکم بدهد.

فصل پنجم

در تأمین مدعی به

ماده ۹۰ - تأمین مدعی به بخواهش مدعی در صورتی بعمل میاید که یا استاد رسمی در دست بوده یا مدعی به در معرض تقریب و تضییع بوده و تدارک آن ممکن نباشد.

ماده ۹۱ - ترتیب تأمین مدعی به که از محاکم صلحیه تقاضا میشود موافق قوانینی است که در باب دوم این کتاب مصرح است.

ماده ۹۲ - بقاضای مدعی محکمه صلح حق دارد از مدعی علیه که اقامتگاه معین دائمی و اموال غیر منقول ندارد تقاضا کند که در صورت استیفاء حکم امین صلح وثیقه یا کفیل معتبر از اهل محل برای تأمین مدعی به بدهد.

ماده ۹۳ - هرگاه مدعی علیه آن تقاضا را قبول نکرد محکمه صلح حق دارد اموال منقوله مدعی علیه را باندازه مدعی به توقیف کند.

فصل ششم

در حکم

ماده ۹۴ - محکمه صلح بعد از شنیدن اظهارات و دلایل طرفین تمام اوضاع و احوال مسئله را در نظر گرفته و اهمیت اعتبار دلایل را سنجیده حکم میدهد و این حکم نباید برخلاف قوانین باشد.

ماده ۹۵ - محکمه صلح حق ندارد در باب چیزی حکم بدهد که ادعاشده است یا بیشتر از آنچه متداعین تقاضا کرده اند حکم بدهد.

ماده ۹۶ - در موارد احکام قطعی محکمه صلح در خود حکم موعود را معین میکنند که محکوم علیه در ظرف آن موعود طوعاً حکم را مجری دارد.

ماده ۹۷ - در صورتیکه بر محکمه صلح ثابت شود که محکوم علیه نمیتواند تمام محکوم به را بپردازد میتواند بنظر مبلغ محکوم به و استطاعت محکوم علیه برای تادیه وجه اقساطی قرار داده و در آن باب تصدیق به طرفین بدهد.

ماده ۹۸ - هرگاه محکوم علیه در سر وعده اقساط را نرسانیده محکمه صلح بقاضای محکوم له حکم تأدیه بلا تأخیر وجه را میدهد.

ماده ۹۹ - احکام غیر قطعی (قابل استیفاء) محکمه صلحیه فقط در موارد ذیل و آنهم در صورت تقاضای محکوم له در صورتیکه بتوان تصور کرد که توفیق اجرا باعث اشکالات اجرای حکم در آتی خواهد شد موقتاً قابل اجراست.

۱ - در موردیکه حکم محکمه صلح مبتنی بر سند رسمی است ادعای جعلیت نسبت بآن استناد نشده است یا حکم محکمه صلح بموجب سند غیر رسمی است ولیکن طرفی که برضد او آن سند اقامه شده است اعتبار و اصالت آن سند را اعتراف کرده است.

۲ - در مواردیکه محکمه صلح در باب تصرف عدوانی کسی در اموال دیگری حکم تخلیه نداده است و یا بواسطه انتقاضی مدت اجاره حکم داده که شیشی اجاره شده بصاحبش رد و تسلیم شود.

۳ - هرگاه در موارد اجیر شدن و اجیر کردن و استخدام و ادعائی که از این نوع تعهدات شخصی حاصل میشود محکمه صلح حکم بدهد که شخص اجیر شده یا مستخدم مرخص است

۴ - هرگاه مدعی تأمین صحیح برای اجرای موقت بدهد و برعهده بگیرد تمام خساراتی را که از نسخ یا نقض حکم محکمه صلح در درجات بالا تر حاصل تواند شد.

۵ - در موارد احکام غیابی در صورتیکه ابلاغ سواد حکم غیابی بمحکوم علیه غایب عادتاً ممکن نباشد.

ماده ۱۰۰ - در تمام صور نخبه در ماده قبل از شخصی که خواستگار اجرای موقت شده باین ترتیب تأمین خواست میشود اگر موضوع حکم اموال معین باشد صورتی از آن برداشته بدست امینی سپرده تسلیم آنرا بمحکوم له و همچنین فروش آنرا ممنوع میدارند. و هرگاه مدعی به وجه باشد بعد از وصول در جای مطمئن توقیف میکنند و در سایر موارد کفیل معتبر گرفته میشود.

۱۰۱ - ماده - بعد از صدور حکم محکمه صلح حکم را بطور اختصار نوشته و متداعین علناً اعلام میدارد .

۱۰۲ - ماده - در حین اعلام محکم محکمه صلح مکلف است برای طرفین توضیح نماید که حکم قطعی است یا غیر قطعی و بکدام محکمه و در چه مدت می تواند رجوع کنند و هر گاه در مدت مقرر اقدام نکردند حکم قطعی خواهد شد .

۱۰۳ - ماده - محکمه صلح باید حکم خود را در ظرف یک هفته از تاریخ صدور آن نوشته بمحکوم له داده و سواد حکم کتبی را نیز با مشخص لازم در ظرف سه روز از تاریخ رجوع بدهد

۱۰۴ - ماده - احکام کتبی محکمه صلح باید مواد ذیل را حاوی باشد :

- ۱ - تاریخ صدور حکم .
- ۲ - اسم و شهرت و شغل متداعین .
- ۳ - اوضاع و احوال کار بطور اختصار .
- ۴ - ما حصل حکم و دلایل و ملاحظاتی که مدرك حکم است .
- ۵ - مقدار خساراتی که محکوم له از محکوم علیه مطالبه نموده و حکم صادر شده یا در تحت رسیدگی است .
- ۶ - تصریح باینکه حکم فوری الاجرا یا قابل اجرای موقت است .
- ۷ - امضای حاکم (قیبه) و امین صلح .

فصل هفتم

در احکام غیابی و اعتراضات

۱۰۵ - ماده - هر گاه مدعی علیه بعد از دو مرتبه احضار در محکمه صلح حاضر نشده و توضیحات کتبی هم (موافق ماده ۱۰۶) فرستاد حاکم صلح بخواهش مدعی شروع به رسیدگی نموده بعد از تحقیقات حکم غیابی میدهد . و هر گاه در اثنا محاکمه مدعی حاضر نشد و بجز محکمه هم اطلاع نداد که در غیاب او رسیدگی نمایند حاکم صلح رسیدگی را موقوف میدارد ولی مدعی می تواند تجدید رسیدگی و محاکمه را تقاضا نماید و باید ب همان محکمه عرض حال مجدد بدهد . محکمه در صورت تقاضای مدعی علیه بدلیل رسیدگی کرده حکم غیابی میدهد .

۱۰۶ - ماده - مدعی علیه می تواند حاضر شده توضیحات کتبی خود را مستقیماً یا توسط وکیل فرستاده و خواهش کند که سواد حکم محکمه را باو ابلاغ نمایند . در این صورت توضیحات کتبی مدعی علیه بدعی ارائه شده و حکمی که صادر میشود غیابی نخواهد بود . در این موارد در صورتیکه توضیحات شفاهی مدعی علیه ضرورت داشته باشد حاکم صلح مدعی علیه یا وکیلش را احضار میکند .

قانون مجازات حقوقی

۱۰۷ - ماده - مدعی نیز میتواند از حاکم صلح خواهش کند که در غیاب او رسیدگی کرده سواد حکم را باو ابلاغ کند . ولی اگر حاکم صلح حضور مدعی یا وکیل او را لازم دید احضار خواهد کرد . و هر گاه مدعی تقاضای محکمه صلح را اطاعت نکرد رسیدگی موقوف میشود مگر اینکه مدعی علیه خواهش رسیدگی و صدور حکم کند .

۱۰۸ - ماده - هر گاه حاکم صلح مطلع شود که جهت عدم حضور مدعی یا مدعی علیه مانعی بوده که رفع آن ممکن نبوده است یا آنکه احضار نامه بوقوع نرسیده است رسیدگی را بتعویق انداخته موعد مجددی برای حضور متداعین معین می کند و مراتب را بطرفی که حاضر شده شفاها و بطرف غائب کتباً اعلام داشته و جهات عدم حضور را در صورت مجلس قید میکند

۱۰۹ - ماده - هر گاه مدعی علیه در سر موعد حاضر نشد ولی قبل از صدور حکم حاضر شد بیانات او را باید محکمه صلح استماع نماید و حکمی که بعد از استماع توضیحات و دلایل او صادر میشود غیابی محسوب نمیشود .

۱۱۰ - ماده - سواد حکم غیابی بمحکوم علیه غایب باید ابلاغ شود و در ظرف دو هفته از روز وصول حکم محکوم علیه غایب حق دارد اعتراض نموده تجدید رسیدگی را بخواهد . و هر گاه در مدت مقرر بدون عذر موجه اعتراض نکرد حکم قطعی بموقع اجرا گذاشته خواهد شد و غایب بر حجت خود باقی میماند و اعتراض او همه وقت مسموع است و احکام غیر قطعی را محکوم علیه فقط میتواند در مدت مقرر استیناف نماید

۱۱۱ - ماده - همین که اعتراض نامه محکوم علیه رسید محکمه صلح موعد جلسه را معین و بطرفین اطلاع میدهد و بعد از رسیدگی مجدد حاکم صلح حکم داده حکم سابق را از اعتبار می اندازد

۱۱۲ - ماده - خواه در حین اظهار اعتراض و خواه پس از آن تا زمان صدور حکم مجدد محکوم علیه که حاضر شده میتواند توقیف اجرای موقت حکم غیابی را هر گاه درباره او صادر شده بخواهد و باین خواهش او باید در ظرف سه روز جواب قطعی داده شود . هر گاه حاکم صلح اجرای موقت را موقوف گذاشت و طرف تأمین مدعا را خواست اقدام لازم برای تأمین مدعا به موافق قوانین بعمل میاید

۱۱۳ - ماده - در صورتیکه در رسیدگی ثانوی باز مدعی علیه حاضر نشد بخواهش مدعی حکم غیابی ثانوی صادر میشود و این حکم غیابی بموقع اجرا گذاشته شده و غایب بر حجت خود باقی میماند . و در موارد احکام غیر قطعی حکم غیابی را میتوان در حدود قوانین استیناف نمود

فصل هشتم

در شکایت از احکام و قرارهای محاکم صلحیه

۱۱۴ - ماده - احکام یا حکم صلح (قیبه محکمه) قطعی است

ماده ۱۱۵ - احکام امنای صلح را در صورتیکه مبلغ مدعی به بیش از بیست تومان بوده باشد یا این صکه قیمت مدعا به معلوم نباشد میتوان در محکمه ابتدائی حقوق استیناف نمود و مدت استیناف از تاریخ اعلام حکم بیست و یک روز است. بعد از انقضاء مدت مزبوره حکم امین صلح قطعی می شود

ماده ۱۱۶ - در شکایت استینافی باید مستانف جهات عدم صحت حکم را بیان کند و ادعای جدیدی در این شکایت پذیرفته نمیشود

ماده ۱۱۷ - عرضحال استینافی در دو نسخه بهمان امین صلحی که حکم داده است داده میشود و او مکلف است که فیض رسید بستانف داده یک نسخه از شکایت نامه را با اوراق رسیدگی و تمام متعلقات کار بمحکمه ابتدائی بفرستد و نسخه دیگری را بطرف مقابل ابلاغ نماید.

ماده ۱۱۸ - از اقدامات امین صلح نمی توان قبل از استیناف حکم او شکایت نمود مگر در موارد مفصله ذیل که قبل از صدور حکم هم ممکن است:

- ۱ - شکایت از تعطیل و تمویق رسیدگی
- ۲ - شکایت از عدم قبول عرضحال و اعتراض نامه بر حکم عیابی و عرض حال استینافی و اعاده محاکمه (تجدید نظر)

ماده ۱۱۹ - قرار هائی را که امین صلح میدهد میتوان فقط باحکم استیناف نمود مگر قرار هائی را که امین صلح در باب درخواست تامین مدعا به و اجرای موقت میدهد که بدون حکم هم میتوان استیناف کرد

ماده ۱۲۰ - در کلبه مواردیکه بیوجب دو ماده قبل میتوان از قرار های امین صلح شکایت یا استیناف نمود از قرارهای حاکم صلح هم شکایت یا استیناف ممکن است جز در مورد عدم قبول عرضحال استینافی

ماده ۱۲۱ - در موارد سه ماده قبل شکایت باید در ظرف یک هفته از تاریخ اقدامی که باعث شکایت یا ابلاغ قرار هائی که داده شده است بعمل آید مگر شکایت از تعطیل و تمویق که مدت ندارد و در هر وقت قابل استماع است

ماده ۱۲۲ - شکایت از قرارهای امین و حاکم صلح مستقیماً بخواهد محکمه ابتدائی داده میشود. در محکمه ابتدائی شکایت های مذکوره در ماده (۱۱۸) و (۱۱۹) بدون احضار متداعیین رسیدگی می شود. ولی هر گاه متداعیین خواستند حاضر شوند توضیحات شفاهی آنها را محکمه استماع نمی کند.

فصل نهم

در ترتیب رسیدگی استینافی در محکمه ابتدائی

ماده ۱۲۳ - روز محاکمه را محکمه معین کرده بطرفین در ضمن احضار به اطلاع میدهد

ماده ۱۲۴ - مستانف علیه می تواند تارواری که برای محاکمه معین شده است توضیحات کتبی خود را بمحکمه ابتدائی بدهد. عدم حضور متداعیین مانع از رسیدگی و صدور حکم نمی شود. همچنین عدم حضور یکطرف مانع از دادن توضیحات شفاهی طرف دیگر نمیشود

ماده ۱۲۵ - رسیدگی استینافی باحکام امنای صلح عانی است و شفاهی اول حکم اه بین صلح که باعث شکایت شده است قرائت میشود بعد مواد شکایت مستانف بعد توضیحات کتبی مستانف علیه (هر گاه باشد) پس از آن مابین طرفین مذاکره شفاهی شروع میشود

ماده ۱۲۶ - تحقیقات راجعه بصحت دلایل را یا خود محکمه ابتدائی یا یکی از اعضاء آن بر حسب ماموریت از طرف محکمه مجری میدارد

ماده ۱۲۷ - رئیس محکمه می تواند توضیحات لازمه را از طرفین بخواهد و همین صکه مشاهده نمود که مسئله بقدر کفایت روشن شده است مذاکره شفاهی را قطع می کند

ماده ۱۲۸ - رئیس محکمه باید سعی کانی برای اصلاح ذات البین بنماید و هر گاه طرفین راضی باصلاح شدند این نکته در صورت مجلس قید و بافضای طرفین میرسد

ماده ۱۲۹ - در مواردی که باید موافق قانون مدعی العموم محکمه ابتدائی در محاکمه حقوقی حاضر شود خود یا معاونش حاضر شده قبل از صدور حکم عقیده خود را اظهار میدارد

ماده ۱۳۰ - امین صلح را که حکم داده است و حاکم صلح را که قرار داده است می توان برای توضیحات بمحکمه خواست

ماده ۱۳۱ - ترتیب اتخاذ آراء قطعی اعضاء محکمه و صدور حکم و اعلام و انشاء آن بطوری است که برای محاکم ابتدائی معین شده است

ماده ۱۳۲ - احکام استینافی محاکم ابتدائی قطعی است و در حدود قوانین اجرا میشود

فصل دهم

در تمیز احکام محاکم ابتدائی که استینافاً صادر می شود

ماده ۱۳۳ - در موارد ذیل می توان احکام محاکم ابتدائی را که استینافاً صادر شده است تمیز نمود:

- ۱ - در صورت نقض قوانین یا سوء تفسیر آن
- ۲ - در صورتی که مواد قانون اصول محاکمات رعایت نشده باشد و آن مواد باندازه مهم باشد که بواسطه نقض آن مواد نتوان حکم را حکم قانونی دانست

فصل یازدهم

در رد و جرح امنای صلحیه

ماده ۱۳۴ - در موارد مفصله ذیل امین صلح باید خودش از رسیدگی امتناع نماید و

متداعین می توانند او را رد نمایند

- ۱ - وقتیکه امین صلح نفع شخصی در ادعائیکه اقامه شده است داشته باشد
 - ۲ - وقتیکه امین صلح با یکی از متداعین قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم داشته باشد
 - ۳ - وقتیکه امین صلح قیم یکی از متداعین است یا کفیل امور اوست و یا یکی از متداعین مباشر امور امین صلح است
 - ۴ - وقتیکه امین صلح یا زوجه او وارث یکی از متداعین هستند
 - ۵ - وقتیکه امین صلح با یکی از متداعین یا اشخاصی که با آنها قرابت سببی یا نسبی دارند محاکمه جزائی داشته اند و یک سال از زمان ختم آن محاکمه نگذشته است
 - ۶ - در صورتیکه مابین امین صلح و یکی از متداعین یا عیال او محاکمه حقوقی در محکمه دیگری مطرح است
 - ۷ - وقتی که امین صلح سابقاً اظهار عقیده کتبی در باب ادعائی که اقامه شده نموده است .
- ماده ۱۴۵ -** رد امین صلح باید با تعیین مدرك باشد . در صورتیکه رد از طرف مدعی باشد باید قبل از شروع برسدگی و اگر از طرف مدعی علیه است لا اقل در نوبت اول که محکمه حاضر میشود بعمل آید .
- هر گاه اعلام رد کتبی نباشد باید در صورت مجلس قید و بامضای رد کننده برسد .
- ماده ۱۳۶ -** همین که امین صلح اظهارات مدعی یا مدعی علیه را صحیح دانست رضایت خود را در ورقه رد یا در صورت مجلس قید و امضاء کرده عرضحال عارض را با منضمات آن نزد نزدیکترین محکمه صلح برای رسیدگی می فرستد .
- ماده ۱۳۷ -** هر گاه امین صلح اظهارات راجعه برد را مقرون بصحت تعدید اعلام رد را با توضیحات خودش در ظرف دو روز از تاریخ وصول اظهار مزبور نزد مدعی العموم محکمه ابتدائی که در حوزه آن واقع است فرستاده منتظر حکم محکمه مذکوره میشود . محکمه مذکوره مکلف است که در ظرف یک هفته با حضور مدعی العموم رسیدگی کرده حکم قطعی بدهد حضور متداعین در رسیدگی محکمه ابتدائی لازم نیست .

فصل دوازدهم

در اجرای احکام محاکم صلحیه

- ماده ۱۳۸ -** احکام محاکم صلحیه در موارد مفصله ذیل قطعی و قابل اجرا است :
- ۱ - احکام حاکم صلح .
 - ۲ - احکام قطعی امنای صلحیه .
 - ۳ - احکام غیر قطعی امنای صلحیه در صورتی که در موعد مقرر استیناف نشده .

- ۴ - احکام غیابی حاکم صلح که در مدت مقرر اعتراض نشده .
 - ۵ - احکام غیابی امنای صلحیه که در موعد مقرر اعتراض و استیناف نشده .
- ماده ۱۳۹ -** در مواردیکه حکم محکمه صلح قطعی شده و همچنین در موارد اجرای موقت محکمه صلح بخواهش ذیعق ورقة اجرائیه باو میدهند .
- ماده ۱۴۰ -** احکام محاکم صلح بتوسط اشخاصیکه در باب چهارم قانون موقتی تشکیلات عدلیه نوشته شده بوقع اجرا گذارده میشود . تمام اشخاص مفصله در حین اجرای حکم تابع اوامر محکمه صلح هستند .
- ماده ۱۴۱ -** اجرای احکام محاکم صلح موافق قوانینی است که کلیه برای اجرای احکام عدلیه مقرر است .

باب دوم

اصول محاکمات حقوقی در محاکم ابتدائیه

فصل اول

در تجدید صلاحیت محاضر شرعیه و محاکم ابتدائی

مبحث اول

در صلاحیت محاضر شرعیه

- ماده ۱۴۲ -** دعاوی حقوقی غیر از مواردیکه قانوناً از خصایص محاکم صلحیه است ابتدا بمحاکم ابتدائی رجوع میشود .
- ماده ۱۴۳ -** دعاوی حقوقی راجع بامور عرفیه و همچنین امور شرعیه که خارج از صلاحیت محاکم عدلیه نباشد محاکم عدلیه بترتیبی که قانون محاکمات حقوقی معین می کند رسیدگی خواهد کرد .
- ماده ۱۴۴ -** امور شرعیه موضوعاتی است که بموجب قوانین شرع ازور اسلام مقررات
- ماده ۱۴۵ -** موارد ذیل را محاکم عدلیه بمحضر عدول مجتهدین ارجاع خواهند کرد
- ۱ - موردیکه منشاء اختلاف نزاع چهل بچکم شرعی یا چهل بموضوعات شرعیه باشد .
 - ب - دعاوی راجعه ببتکاح و طلاق .
- از ماده ۱۴۲ الی آخر در تاریخ ۱۹ ذی قعد ۱۳۲۹ تصویب شده است .

- ج - احکام غیابی در امور شرعی .
 د - مواردیکه حکم بافلاس یا حکم بجز مفسد یا حکم بتوقیف مال ممتنع از ادای دین یا حکم بتقاس لازم میشود .
تبصره ۵ - اگر چه حکم بافلاس کلبتاً از وظایف حکام شرع است لیکن مراد از حکم بافلاس که در اینجا ذکر شده افلاس حقوقی است .
 ه - مواردیکه قطع و فصل خصومت جز یا قاضی شهود (بینه) یا بعلف و احواف ممکن نیست و - مواردیکه احکام شرعی طرفین یا یکی از آنان متناقض یا مجمل یا مبهم باشد .
تبصره ۶ - مراد از احکام احکام صادره از حکام شرع است در قضایانه مطلق اسناد و نوشتهجات .
 ز - مواردی که نزاع در اصل و قیبت یا اصل و وصیت یا تولیت متولی یا وصایت وصی باشد
 ح - مواردیکه نصب متولی یا ناظر شرعی یا قیم یا وصی لازم شود .
ماده ۱۴۶ - در مواردیکه شرعی و عرفی بودن امر محل اشتباه شود ترازی متداعین برای رسیدگی عدلیه لازم است .
ماده ۱۴۷ - در مواردیکه امر شرعی مشتبّه باشد که امور مذکوره در ماده (۴) از مختصات محاضر شرع است یا از امور مشترکه است عدلیه حق رسیدگی گر چه طرفین ترازی نمایند نخواهد داشت و باید بمحضر عدول مجتهدین رجوع نماید .
ماده ۱۴۸ - غیر از موارد ماده (۱۴۵) در امور شرعی در صورتیکه متداعین بدو ترازی برسیدگی محاکم عدلیه نمایند محکمه رسیدگی خواهد کرد والا بمحضر شرع ارجاع خواهد نمود
ماده ۱۴۹ - در مورد شکایت از حکم یا حکم شرع عدلیه مطابق قانون تشکیلات بجله عمومی عدول مجتهدین ارجاع خواهد کرد .

مبحث دوم

در صلاحیت محاکم ابتدائی

- ماده ۱۵۰** - محاکم ابتدائی بکلیه دعاوی که بموجب قانون راجع بمحاکم عمومی است رسیدگی مینماید باستثناء اموری که قانون بمحاکم صلحیه اختصاص داده .
ماده ۱۵۱ - ادعایا در محکمه ابتدائی اقامه میشود که مدعی در حوزه آن ساکن یا اقامتگاه دائمی دارد و یا در محکمه که مدعی علیه در حوزه آن ساکن یا اقامتگاه دائمی دارد و مستثنیات این ماده بموجب قوانین معین است . هر گاه مدعی بمحکمه اقامتگاه خود رجوع نماید باید مخارج عادیه مسافرت و اقامت مدعی علیه را در محل

- اقامت خود بپردازد و بعد در صورتیکه ذبحق شد میتواند مبلغی را که از این بابت تادیه کرده است در جزء خسارت خود منظور داشته از طرف خود مطالبه نماید .
ماده ۱۵۲ - محلی که شخص در آنجا از حیث شغل یا کسب یا خدمت قلمی یا نظامی و یا علاقه ملکی اقامت دارد اقامتگاه دائمی محسوب میشود .
ماده ۱۵۳ - هر گاه میزان اقامت شخص مدعی علیه از حیث علاقه ملکی است و علاقه ملکی در محل های متعدد دارد مدعی از میان آن محل ها محلی را انتخاب میکند که مدعی علیه در آنجا است .
ماده ۱۵۴ - هر گاه مدعی علیه اقامتگاه دائمی نداشته باشد مدعی میتواند در محل اقامت موقتی مدعی علیه اقامه دعوا نماید . توقف مختصر مسافر در حین مسافرت که عادتاً وافی بمدت اتمام محاکمه نیست از این قاعده مستثنی است و اقامت موقتی حساب نمیشود .
ماده ۱۵۵ - در مورد اقامت موقتی مدعی علیه میتواند خواهش کند که کار را بمحکمه احاله نمایند که اقامتگاه دائمی او در حوزه آن واقع است . در اینصورت محکمه بارضایت مدعی مسئول مدعی علیه را اجابت می نماید . مدعی علیه که نتواند اقامتگاه دائمی خود را در ایران ثابت نماید حق چنین خواهشی را ندارد .
ماده ۱۵۶ - هر گاه مدعی علیه در خارج ایران بوده و در ایران اقامتگاه دائمی او معین نباشد مدعی میتواند اقامه دعوا در محکمه نماید که مدعی علیه در حوزه آن اموال غیر منقوله دارد .
ماده ۱۵۷ - دعاوی حاصله از حق مالکیت و هر حق دیگری نسبت باموال غیر منقوله و همچنین ادعای بر خسارتی که باموال غیر منقوله وارد آمده است در محکمه رسیدگی میشود که اموال غیر منقوله در حوزه آن واقع است .
ماده ۱۵۸ - ادعای که راجع است بمدعی علیهم متعدد یا اموال غیر منقول

متعدد که در حوزه های مختلف ابتدائی اقامت دارند و یا واقعند یا انتخاب مدعی در یکی از محاکم مذکوره که صلاحیت دارد اقامه میشود .

ماده ۱۵۹ - دعوای متقابل (دعوایی که در جواب ادعای مدعی اقامه میشود و مربوط بان ادعا است) در همان محکمه که دعوای اصلی مطرح رسیدگی است اقامه میشود مگر اینکه دعوای متقابل خارج از صلاحیت آن محکمه باشد

ماده ۱۶۰ - هر گاه هنگام رسیدگی بدعوایی دعوی دیگری پیدا شود که از حیث ضمانت مربوط با دعای اولی (اصلی) باشد با دعای ثانوی نیز در همان محکمه اولی رسیدگی خواهد شد . ولی اگر بقرینه یا بعضی نوشتجات ثابت شود که ادعای اولی فقط برای جلب مدعی علیه دعوای ثانی است بمحکمه که قانوناً مرجع آن دعوا نیست مدعی علیه دعوای ثانی حق دارد که آن دعوا را از آن محکمه بمحکمه که راجع است احاله نماید .

ماده ۱۶۱ - در تمام دعاوی متداعیین میتوانند بتراضی محکمه ابتدائی دیگری را غیر از آنچه قانون معین میکند برای رجوع انتخاب نمایند .

مبحث سوم

در اختلاف حاصله از صلاحیت محاکم عدلیه و ترتیب

تسویه آن در محاکم عدلیه

ماده ۱۶۲ - هر محکمه باید خودش معین کند دعوایی که در محکمه اقامه شده است بان محکمه راجع است یا نه و نباید از محکمه که از حیث درجه بالاتر است در آن باب تعلیمات بخواهد اشخاصی که از قرار محکمه در باب صلاحیت آنها شکایت دارند میتوانند بمحاکمی کفایلاً مذکور است رجوع کنند سواد مصدق قرار محکمه را در باب رد یا قبول عرضحال باید بشکایت نامه ضمیمه نمایند بدین ترتیب مسئله اختلاف در صلاحیت محاکم مطرح میشود

ماده ۱۶۳ - تسویه اختلافات حاصله فیما بین محاکم ابتدائی راجع بمحکمه استیناف است هر گاه طرفین اختلاف در یک حوزه استیفیه نباشند تسویه اختلاف راجع بدیوان تمیز است

ماده ۱۶۴ - شکایت نامه در دو نسخه داده میشود یکی بمحکمه استیناف تقدیم و یک نسخه آن بطرف مقابل ابلاغ شده بعد ترتیبی که برای رسیدگی بقرار های محاکم ابتدائی در محکمه استیناف

مقررات اقدام میشود و رسیدگی محکمه ابتدائی موقتاً تا صدور حکم محکمه عالی باید توقیف شود

ماده ۱۶۵ - اختلافات راجعه بصلاحیت در محکمه استیناف با حضور مدعی

العموم آن محکمه مطرح و قطع و فصل میشود .

ماده ۱۶۶ - اختلاف حاصله مابین محاکم ابتدائی و محاکم تجارתי نیز موافق مواد - (۱۶۲) الی (۱۶۵) تسویه میشود

ماده ۱۶۷ - تسویه اختلافات حاصله فیما بین محاکم استیناف راجع بمحکمه تمیز است .

ماده ۱۶۸ - اشتباهات حاصله از اینکه کاری که در محاکم عدلیه مطرح شده است راجع بمحاکم عدلیه است با ادارات دیگر دولتی باید در محاکم حل و تسویه شود .

ماده ۱۶۹ - طرح اختلاف در مورد ماده قبل یا بواسطه شکایت اشخاص از قرار محکمه بعمل میاید و با اداره که کار را خارج از صلاحیت محکمه عدلیه میداند بتوسط مدعی العموم مراتب را به دلایل لازمه بر رئیس آن محکمه اعلان می کند .

ماده ۱۷۰ - در مورد شکایت اشخاص از قرار محکمه ابتدائی در باب صلاحیت (رجوع بماده ۱۶۲) و همچنین در مورد اختلاف حاصل فیما بین محکمه مذکوره و اداره دولتی حل مسئله راجع بمحکمه استیناف است . و رسیدگی محکمه ابتدائی تا صدور حکم محکمه استیناف توقیف میشود لیکن محکمه ابتدائی میتواند موافق قوانین تأمین مدعی به را بخواهد .

ماده ۱۷۱ - در محکمه استیناف مجلس مخصوصاً در تحت ریاست رئیس اول آن محکمه مرکب از حاکم محل و سه نفر عضو محکمه استیناف و دو نفر از رؤساء ادارات محلی بحکم اقدمیت تشکیل و با حضور رئیس اداره که طرف اختلاف است بموضوع اختلاف رسیدگی میشود . و حکمی که از مجلس مذکور با اکثریت پس از اظهار عقیده مدعی العموم استیناف صادر میشود قطعی است .

ماده ۱۷۳ - هر گاه طرفین اختلاف محکمه استیناف و یکی از ادارات دولتی باشد بشرطی که در ماده (۱۶۸) مذکور است حل مسئله بمحکمه تمیز رجوع میشود.

ماده ۱۷۳ - در مورد ماده قبل در محکمه تمیز مجلس مخصوصی مرکب از پنج نفر اعضاء شعبه حقوقی محکمه تمیز و پنج نفر از اعضاء شورای دولتی در تحت ریاست رئیس اول محکمه تمیز تشکیل و بمسئله مختلف فیها رسیدگی و حکم قطعی صادر میشود.

فصل دوم

در وکلای متداعیین

ماده ۱۷۴ - وکلای متداعیین باید دارای شرایط و اوصافی باشند که در مواد (۲۳۶ الی ۲۳۸) قانون تشکیلات عدلیه مقرر است.

ماده ۱۷۵ - وکالت نامه که بوکیل رسمی و غیر رسمی داده میشود باید بعد از تصدیق موقین محلی بتصدیق مباشر ثبت اسناد یا حاکم صلح برسد و یا در محاضر شرع که مراجع رسمی عدلیه اند یا در یکی از ادارات رسمی دولتی یا ملتی که موکل شغل و خدمتی در آن اداره دارد تصدیق شود و یا بالاخره در دفترخانه حکومتی یا نظمیہ مصدق شود که بعبارة اخری علم بتحقیق وکالت حاصل شود.

ماده ۱۷۶ - هر گاه در محلی مباشر ثبت اسناد و حاکم صلح و ادارات دولتی هیچکس نباشند تصدیق موقین اهل محل کافی است.

ماده ۱۷۷ - هر گاه وکالت نامه غیر مصدق یا وکالت شفاهی باشد باید موکل در محکمه حاضر شده اقرار بصحت وکالت وکیل یا وکالت نامه و امضای خود نموده این نکته در دفتر محکمه ثبت شده بامضای موکل برسد.

تنبیه - در امور راجعه بمحاکم صلحیه تصدیق ضابطه یا کد خدا یا اداره پلیس

محل هم پذیرفته است. و هر گاه وکالت شفاهی باشد در نزد حاکم صلح اظهار و در دفتر ثبت و بامضای موکل میرسد و اگر موکل سواد نداشته باشد شخص دیگری از طرف او امضاء مینماید و این نکته در دفتر قید میشود.

ماده ۱۷۸ - وکیل نماینده موکل خودش است و هر اقدامی که در حدود وکالت نامه نماید کاملاً بموکل تعلق میگیرد.

ماده ۱۷۹ - در وکالت نامه باید صریحاً قید شود که وکیل حق اقدامات ذیل را کلایاً بعضاً دارد و الا اقدامات وکیل در این موارد بموکل تعلق نخواهد یافت.

۱ - حق استیناف - ۲ - حق دادن تمیز - ۳ - حق صلح - ۴ - حق انتخاب محضر شرع - ۵ - حق اظهار جعلیت نسبت بسند طرف مقابل و جواب دادن بطرف در صورتیکه او چنین اظهاری بکند - ۶ - حق انتخاب حکم برای حکمیت - ۷ - حق وکالت در توکیل - ۸ - حق تعیین مصدق

ماده ۱۸۰ - موکل حق دارد هر زمان که بخواهد وکیل خود را معزول کند و باید بمحکمه مراتب را کتباً یا شفاهاً اطلاع بدهد در اینصورت هر گاه موکل مدعی علیه است محکمه مجبور نیست که رسیدگی را بتعویق بیاندازد. ولی اگر مدعی است بستمه بخواهد مدعی علیه است که محکمه کار را توقیف نماید و یا منتظر تعیین وکیل جدیدی نشده رسیدگی را تعقیب بکند

ماده ۱۸۱ - اقدامات وکیل که در حدود وکالت نامه او قبل از اعلام عزل بخود او و بمحکمه شده است کاملاً معتبر خواهد بود. اظهار شفاهی در عزل وکیل باید در صورت مجلس قید و بامضای موکل برسد.

ماده ۱۸۲ - وکیل حق دارد که از وکالت خود استعفاء کند ولی بعد از استعفاء محکمه وکالت او را برای طرف مقابل نخواهد پذیرفت و در صورت غیبت موکل

و کیل باید طوری قبل از وقت او را از استعفای خود مطلع نماید که موکل بتواند در موعد مقرر شخصاً در محکمه حاضر شود یا وکیل جدیدی بفرستد.

ماده ۱۸۳ - هر گاه موکل در همان شهریکه مقرر محکمه است نباشد باید وکیل استعفای خود را در همان وقتی که بموکل مینویسد به محکمه اعلام نماید.

ماده ۱۸۴ - رئیس محکمه در این صورت نظر بسافت موعدی را معین می کند که تا انتضای آن وکیل استعفاء نکرده در حدود وکالت خود کارهای موکل خود را انجام بدهد اگر وکیل قبول کرد تا انتضای موعد در وکالت خود باقی خواهد بود.

ماده ۱۸۵ - در صورت فوت وکیل کاریکه در تحت رسیدگی است توقیف میشود تا وقتی که موکل وکیل جدیدی معین کند و یا تا زمانیکه طرف مقابل موکل احضار او را از محکمه بخواهد. هر گاه بعد از احضار در موعد مقرر طرف غائب حاضر نشد و وکیل جدیدی هم معین نکرد محکمه بخواهش طرف برسدگی مداومت مینماید.

فصل سوم

در عرایض

ماده ۱۸۶ - محکمه بدون عرضحال شروع برسدگی نمیکند و در عرضحال باید نکات مفصله قید شود:

(۱) تعیین محکمه که بآن عرضحال داده میشود (۲) اسم و رسم پدر و شغل و اقامتگاه مدعی و مدعی علیه (۳) تعیین قیمت مدعا به مگر اینکه ممکن نباشد (۴) بیان اوضاع و احوالی که باعث ادعا شده است بطوریکه مقصود واضح و روشن باشد (۵) اقدامی را که از محکمه تقاضا میکند.

ماده ۱۸۷ - دعاوی متعدده که مدرك و مبنای آنها مختلف است نباید در يك عرضحال نوشته شود و او اینکه راجع بیک شخص باشد. در این موارد برای هرا دعائی باید عرض حال خصوصی داده شود.

ماده ۱۸۸ - عرضحال را می توان شخصاً بمحکمه داد یا بتوسط وکیل یا پست فرستاد. وکالت وکیل را در دادن عرضحال میتوان روی خود عرضحال قید کرد.

ماده ۱۸۹ - بواسطه مرض یا بی سوادی ممکن است که کسی دیگر از طرف عارض عریضه

را امضاء کند ولی این نکته باید در عرضحال یا جهت آن قید شود. و نیز هر گاه کسی از جانب دیگری عرضحال میدهد باید در عرضحال جهة حق عریضه دادن را صریحاً قید کند.

ماده ۱۹۰ - باید عرضحال بزبان فارسی نوشته شود ولی امضاء ممکن است بزبان غیر فارسی باشد. در این صورت مترجم محکمه یا کسی که معروف محکمه است و زبان امضاء را می داند امضاء را تصدیق می کند.

ماده ۱۹۱ - مطالبی که بعرضحال ضمیمه میشود (۱) اسنادی که مدرك ادعای عارض است یا سواد سند مصدق آنها و در صورتیکه مدعی نخواهد که اصل یا سواد مصدق خود را بعرضحال ضمیمه کند میتواند بعضی از فقرات یا نکات اسناد مذکوره را خارج نویس کرده ضمیمه نماید و یا مفاد سند را در عرضحال یا در ورقه جداگانه بیان نماید (۲) هر گاه اسناد در زبان غیر فارسی نوشته شده باشد و مدعی اسناد مزبور را بعرضحال ضمیمه کرده باشد باید ترجمه اسناد مزبوره بزبان فارسی نیز ضمیمه شود (۳) وکالت نامه وکیل در موقعی که او عرضحال میدهد.

ماده ۱۹۲ - در باب اسنادی که ضمیمه می شود قواعد مفصله ذیل باید رعایت شود.
۱ - باید در خود عرضحال یا در فهرست جداگانه توضیحات و اسنادیکه ضمیمه میشود صریحاً قید شود.

۲ - هر گاه مدعی سواد سندی را به عرضحال خود ضمیمه مینماید باید سواد مصدق باشد یا سوادى را که متداعین تصدیق کرده اند به محکمه بدهند.

۳ - در صورتیکه اسناد خیلی مفصل باشد مثل دتتر تجارتي و امثال آن جاهائیکه مدرك عرض اوست از دتتر خارج نویس کرده ضمیمه عرضحال می نماید.

ماده ۱۹۳ - مواردیکه عرضحال مسترد می شود از قرار ذیل است:
۱ - وقتی که در عرضحال معین نیست که چه کس اقامه دعوا کرده است و مدعی علیه کیست و مدعی به چیست و مدعی چه اقدامی را تقاضا می کند.

۲ - وقتی که خود مدعی عرضحال را نداده و صلاحیت عریضه دهنده در دادن عریضه معلوم نیست.

۳ - وقتی که قیمت مدعی به معین نشده است و بقیه از موردی است که تعیین آن ممکن نیست و یا مدعی به مالی نیست. در کلیه این موارد عرضحال بتوضیح جهة عدم قبول آن به صاحب آن مستقیماً (هر گاه خودش حاضر باشد) یا توسط وکیل و یا بابت اعاده میشود که عرضحال بطوریکه قانون تقاضا میکند داده شود.

ماده ۱۹۴ - از این اقدام رئیس محکمه عارض میتواند در ظرف دو هفته از روز اعلام یا وصول عرضحالی که مسترد است به محکمه استیناف شکایت نماید.

ماده ۱۹۵ - مواردیکه عرضحال را قبول کرده ولی بجزای قانونی نمی اندازند از قرار ذیل است.

اولاً - در صورتیکه مدعی محل اقامت مدعی علیه را معین نکرده یا بطور مبهم نشان داده و قید هم نکرده است که محل اقامت مدعی علیه را نمی‌داند .
ثانیاً - وقتی که برضحال و سواد آن و سواد اسناد موافق قانون تبر الصاق نمیر شده است .
ثالثاً - در مواردیکه استاد یا سوادهای مذکوره در عرضحال یا در فهرستی که ضمیمه عرضحال شده است نباشد .

رابعاً - وقتی که مخارج اعلان یا مخارج لازم دیگری تأدیه نشده باشد .
خامساً - هرگاه محل اقامت مدعی معین نشده باشد . در موارد چهار فقره اولی این ماده بعدی نواقص عرضحال را اطلاع داده از روز ابلاغ هفت روز مهلت میدهند که نواقص مزبوره را رفع نماید و هرگاه نکرد عرضحال را بصاحبش مسترد میدارند . پس از آن تجدید اقامه دعوا مستلزم تجدید عرضحال است در مورد فقره آخری اعلانی در باب اینکه عرضه بمجرای قانونی نیفتاده نوشته شده در اطاق پذیرائی محکمه در مدت یکماه بدیوار نصب می‌شود و عرضحال با منضمات آن در دفترخانه محکمه بطور امانت میماند تا صاحبش پیدا شود .

ماده ۱۹۶ - بعد از اینکه عرضحال قبول و بمجرای افتاد رئیس محکمه کار را موافق نوبت مقرر یکی از اعضاء مسیبارد که در تحت نظارت او مقدمات کار تهیه شود و عرضحال را بمنضمات آن بدفترخانه محکمه برای اقدامات لازمه میفرستد
تسویه - ترتیب جریان کار در دفترخانه و ترتیب دوسیه و غیره در نظامات داخلی محاکم مقرر است

فصل چهارم

در تقویم مدعی به

- ماده ۱۹۷** - قیمت مدعی به مبلغی است که در عرضحال قید شده است
ماده ۱۹۸ - تقویم مدعا به ترتیب ذیل جعل می‌آید
- ۱ - در صورتیکه مدعی به وجه معین باشد قیمت مدعا به عبارت است از وجه نقد مذکور در عرضحال علاوه خسارتی که از تعویق تأدیه آن تا روز اقامه دعوا بر داین وارد شده است لیکن اثبات مدعی به دایم الملازمه باثبوت خسارت نیست
 - ۲ - در دعاوی راجعه باموال غیر متقوله قیمت مدعا به مبلغی است که مدعی معین کرده و مدعی علیه در جلسه اول محاکمه آن مبلغ را تکذیب نکرده است
 - ۳ - در دعاوی چند نفر مدعی که هر یک یک قسمت از کل را مطالبه می نمایند قیمت مدعا به مساویست با حاصل جمع تمام قسمتهائیکه مطالبه میشود
 - ۴ - در دعاوی که موضوع آن حقوقی است که بیواعده معین پرداخته می شود مثل مال الاجاره و وجه کرایه و غیره قیمت مدعا به حاصل جمع تمام اقساطی است که مطالبه میشود هر

گاه تأدیه حق مزبور محدود بزمان معین نباشد بامادام العمر باشد قیمت مدعا به مساویست با حاصل جمع آنچه که باید در ظرف ده سال کارسازی شود

ماده ۱۹۹ - در مواردیکه مابین متداعیین در تعیین قیمت اموال غیر متقوله که موضوع ادعا است منازعه و اختلافی حاصل شود حدوسط قیمت هائیکه متداعیین معین کرده اند مدعی به محسوب خواهد شد یعنی قیمتی را که مدعی و مدعی علیه اظهار کرده اند جمع نموده حاصل جمع را تصعیف می نمایند . هرگاه موضوع اختلاف مابین اظهارات متداعیین زیاد باشد یا در صورتیکه از برای محکمه تردیدی در باب قیمت واقعی مدعا به غیر متقول حاصل شود به تحقیقات محلی و استعمال عقیده اهل خیره محکمه قیمت واقعی را معین میکند

فصل پنجم

در اقدامات محکمه قبل از رسیدگی بدعوا

مبحث اول

احضار بمحکمه و ابلاغ احضار نامه

ماده ۲۰۰ - در روی عرض حال که قبول شده است رئیس محکمه حکم احضار مدعی علیه را میدهد هرگاه محل اقامت مدعی علیه معین باشد بتوسط احضاریه احضار میشود و الا بتوسط اعلان در مطبوعات

ماده ۲۰۱ - احضاریه در دو نسخه نوشته شده و نکات مشروحه ذیل را حاوی است

- ۱ - تاریخ ۲ - اسم و شهرت و شغل و محل اقامت مدعی و مدعی علیه ۳ - اسم مأمور احضار ۴ - موضوع ادعا ۵ - تعیین محکمه که رسیدگی خواهد نمود ۶ - موعد احضار ۷ - نتیجه عدم حضور مدعی علیه موافق قانون هرگاه در احضاریه رعایت نکات مفصله نشده باشد احضاریه باطل است و حکم بطلان باید از محکمه که احضاریه فرستاده است داده شود

ماده ۲۰۲ - احضار نامه با سواد عرضحال مدعی و سواد نوشتجات و اسناد (در صورتیکه برضحال ضمیمه شده باشد) بعدی علیه در محلی که مدعی نشان داده است ابلاغ میشود

ماده ۲۰۳ - هرگاه مدعی علیه در حوزه همان محکمه اقامت داشته باشد که او را احضار میکند احضار نامه بتوسط مأمور احضار ابلاغ میشود و اگر در حوزه محکمه دیگری است احضار نامه توسط آن محکمه ابلاغ میشود . و اگر مدعی علیه در جایی باشد که محکمه نداشته باشد احضار نامه بتوسط اداره پلیس محل ابلاغ خواهد شد . احضار نامه راجعه بعدی علیه که در خارجه اقامت دارد بتوسط وزارت خارجه تبلیغ میشود

ماده ۲۰۴ - احضار نامه بمنضمات آن بخود مدعی علیه ابلاغ میشود و هر گاه مشارالیه

در منزل خود نباشد یکی از اهل خانه یا کسان او که متصدی امور او هستند تبلیغ میشود. و اگر اشخاص مذکور نباشند یا نخواهند رسید بدیند مامور احضار در شهر يك نسخه را با دانه نظیبه یا کبیری محل و در دهه کس خدا تسلیم کرده در نسخه ثانوی رسید میگردد

ماده ۳۰۵ - مامور احضار در حین ابلاغ احضار نامه بدعی علیه تاریخ ابلاغ را در نسخه احضار نامه که ابلاغ میکند قید کرده رسید در نسخه ثانوی احضار نامه میگردد. و در نسخه ثانوی نیز تاریخ ابلاغ را یادداشت میکند. هر گاه گیرنده احضار نامه نخواهد یا نتواند رسید بدهد این نکتہ را مامور در نسخه ثانوی احضار نامه باجهه آن یادداشت میکند

ماده ۳۰۶ - مامور احضار میتواند در مواقع لازمه يك یا دو نفر شاهد از اهل محل و یا از اداره نظیبه محل با خود همراه بردارد که در صورت امتناع مدعی علیه از قبول احضار نامه از مراتب مطلع و شاهد باشند

این نکتہ در نسخه دیگر احضار نامه قید و با مضای شهود میرسد

ماده ۳۰۷ - احضار نامه را میتوان بدعی علیه در خارج خانه او هم ابلاغ کرد

ماده ۳۰۸ - دعاوی راجع بورشکسته يك نسخه احضار نامه بکسی ابلاغ میشود که بحکم محکمه مامور اداره کردن امور مقلس است و دیگری بخود مقلس و در نسخه ثالث و رابع رسید گرفته می شود

ماده ۳۰۹ - در صورتیکه مدعی علیه یکی از ادارات رسمی باشد احضار نامه بر رئیس آن اداره ابلاغ میشود. و هر گاه رئیس مذکور احضار نامه را قبول نکند یا قایب باشد احضار نامه بامین صالح محل یا مدعی العموم محکمه ابتدائی ابلاغ و مشار الیه يك نسخه احضار نامه را گرفته نسخه ثانوی را امضا میکند

ماده ۳۱۰ - اسامی اشخاصیکه احضار میشوند اعلان شده و در اطاق انتظار محکمه پدیدوار نصب میشود. و این اعلان تا روزیکه برای حضور احضار شونده در محکمه مقرر است باید در اطاق مذکور بماند

ماده ۳۱۱ - مامور احضار نمیتواند در موارد ذیل ابلاغ احضار نامه نماید :

۱ - با شخصیکه اسلاف یا اعقاب او هستند

(۲) به برادر و خواهر و برادر زاده و خواهر زاده و غیره تا اقربای درجه سیم

(۳) بیال و اقربای عیال خود تا درجه سیم (۴) بخدمت و خدمه سابق (۵) در مظان تهمت

ماده ۳۱۲ - هر گاه مدعی علیه بوجوب احضار نامه اولیه حاضر نشد در احضار نامه دوم باید این مطلب صریحا قید شود

ماده ۳۱۳ - در صورتیکه احضار نامه موافق مقررات این فصل ترتیب یا تبلیغ نشود بحکم محکمه که احضار فرستاده است از درجه اعتبار ساقط است

ماده ۳۱۴ - در صورتیکه مدعی نتواند محل اقامت مدعی علیه را معین کند بتوسط اعلان در مطبوعات احضار میشود

ماده ۳۱۵ - هر گاه در عرض حال مدعی اشاره شده است که مدعی علیه در فلان جای ایران اموال غیر منقولی دارد علاوه بر اعلان مذکور در ماده قبل احضار نامه را برای مباشر یا مستاجر علاقه مدعی علیه نیز میفرستد

ماده ۳۱۶ - احضار مدعی علیه در مطبوعات سدهمه متوالی باید اعلان شود. مقصود از مطبوعات روزنامه های رسمی یا نیم رسمی یا بیست و ولایات است و همچنین بعضی از روزنامه های بزرگ و بیرون خارجه طبع میشود ولی بیبیل مدعی اعلان در سایر جراید هم که زیاد منتشر میشود جایز است جز آنکه تجار اعلان در روزنامه های غیر رسمی جزو خسارت مدعی در صورتیکه ذیحق شود محسوب نخواهد شد مضمون اعلان در روزنامه ها همان مضمون احضار نامه است با فهرست اسنادی که مدعی بعرض حال خودش ضمیمه کرده

تنبیه - وزیر عدلیه در اول هر سال مطبوعات را که بزرگان خارجه منتشر میشود و اعلانات عدلیه باید در آن درج شود معین کرده در روزنامه های رسمی و نیر رسمی اعلان میدارد

مبحث دوم

موعد احضار به محکمه

ماده ۳۱۷ - مواعد مفصله برای حضور متداعیین در محکمه مقرر است

۱ - هر گاه اشخاصی که احضار میشوند در ایران اقامت داشته باشند دوهفته و در موارد فوری با اجازه رئیس محکمه کدر روی عرض حال باید قید شود احضار مدعی علیه زودتر هم ممکن است

۲ - هر گاه در خارجه اقامت داشته باشد. برای ممالک دول همجوار دوماه و برای ممالک دول غیر همجوار سوماه و برای ممالک پهنه مثل (امریکا) و اقصای شرق و غیره چهار ماه

ماده ۳۱۸ - مواعد مفصله در تفره اول و دوم ماده قبل از روز ابلاغ احضار نامه بدعی علیه محسوب میشود و از برای اشخاصیکه در ایران هستند بهر چهار فرسخ مسافت اقامتگاه مدعی علیه تا مقر محکمه یکروز اضافه میشود. موعد مذکور در تفره سوم از روز طبع آخرین اعلان در مطبوعات محسوب میشود

ماده ۳۱۹ - هر گاه مدعی بعد از اعلان در مطبوعات از محل اقامت مدعی علیه مطلع شد میتواند خواهش فرستادن احضار نامه بنماید و در این صورت مواعد موافق تفره اول و دوم مماند (۲۱۷) معین میشود

ماده ۳۲۰ - در صورت احضار چند نفر مدعی علیه بموجب يك عرض حال طویل ترین موعد احضار که در باره یک نفر از آنان باید قانونا معین شود شامل تمام آنان شده و در يك موعد احضار می شوند

ماده ۲۳۱ - هر گاه احضار شونده در خارج اقامتگاه دائمی داشته و در ایران احضار نامه باو تبلیغ شود موعد احضار موافق ققره اول ماده (۲۱۷) خواهد بود مگر اینکه محکمه باقتضای موقع بر موعد احضار بفرزاید

ماده ۲۳۲ - در صورتیکه قواعد راجعه باحضار رعایت نشده و این عدم رعایت باعث بطلان احضار نامه و تجدید موعد بشود طرفی که از نقض قواعد احضار متضرر شده میتواند از کسی که باعث خسارت شده تمام خسارت خود را مطالبه و بعد از ثبوت دریافت نماید .

مبحث سوم

در حضور محکمه و انتخاب محل اقامت

ماده ۲۳۳ - در موعد مقرر متداعین باید خود یا وکیلشان در محکمه حاضر شده در دفتر خانه محکمه محل اقامت خود را معین کنند .

ماده ۲۳۴ - کلیه نوشتجات راجعه بتداعین از محکمه بجهت اقامتی که معین کرده اند فرستاده میشود و مادام که تئیر محل اقامت خودشان را بمحکمه اطلاع نداده اند نمیتوانند بدم اطلاع از مقدار نوشتجاتی که باقامتگاه اولی آنان فرستاده شده معتذر شوند .

ماده ۲۳۵ - هر گاه متداعین یا وکلای آنها محل اقامت خودشان را معین نکنند کلیه نوشتجات راجعه بآنان در دفتر خانه محکمه میانند و متداعین نمیتوانند بدم اطلاع از مفاد آن نوشتجات معتذر شوند .

مبحث چهارم

در مقدمات کتبی دعوا

ماده ۲۳۶ - در موعدی که برای حضور در محکمه معین شده است مدعی علیه باید جواب کتبی بادهای مدعی (عرض حال او) بدهد و در این جواب صریحاً قید میشود که مدعی علیه ادعای مدعی و دلایل او را قبول یا رد میکند در صورت رد مدعی علیه میتواند اوضاع و احوال و دلایلی را که دارد کتباً تصریح کند . در باب تقدیم اسناد مدعی علیه موافق ققره اول و دوم و سوم ماده (۱۹۱) و تمام فقرات ماده (۱۹۲) رفتار خواهد کرد .

ماده ۲۳۷ - بعد از وصول جواب مدعی علیه سواد آن با منضمات بدهی ابلاغ شده ببله رسیدگی معین و بطرفین اعلام میشود .

ماده ۲۳۸ - هر گاه مدعی علیه در رأس موعد مقرر جواب نداد مدعی میتواند از رئیس محکمه تعیین جلسه رسیدگی فوراً بخواهد و مدعی علیه با احضار نامه برای جلسه رسیدگی احضار می شود .

ماده ۲۳۹ - هینکه کاری بجله رسیدگی محول شد در دفتری که نوبت رسیدگی کارها را معین میکنند ثبت میشود .

فصل ششم

در رسیدگی بدعوا

ماده ۲۴۰ - قرائت راپورت عضو محکمه و مذاکرات طرفین در جلسه علنی محکمه بعمل میآید .

ماده ۲۴۱ - هر گاه رسیدگی علنی منافی با اصول منصفی یا نظام اجتماعی (تحمل امنیت و آسایش عمومی) یا مضر با اخلاق حسنه باشد محکمه بصوابدید خود تصدیق مدعی العموم میتواند مشاوره نموده قرائت جلسه سری را بدهد . این قرار محکمه در دفتر محکمه ثبت و علایقه اعلام می شود .

ماده ۲۴۲ - همچنین جلسه محکمه را بتراضی طرفین یا بتقاضای یکطرف میتوان سری نمود بشرطی که محکمه خواهش آنان را موافق ماده قبل بدانند و مدعی العموم موافق باشد .

ماده ۲۴۳ - قرائت محکمه در باب سری بودن جلسه همیشه بعد از اظهار عقیده مدعی العموم در آن باب بعمل میآید .

ماده ۲۴۴ - راپورت کار را عضو محکمه بهوجب اسناد یا دلائلی که طرفین در عرض حال و جواب بر عرض حال کتباً بمحکمه تقدیم کرده اند میدهد ولی بهیچوجه مجاز نیست که اظهار عقیده نماید .

ماده ۲۴۵ - بعد از راپورت مزبور مذاکرات طرفین شروع میشود هر گاه یکطرف حاضر نباشد طرف دیگر میتواند توضیحات شفاهی خود را بدهد .

ماده ۲۴۶ - مذاکرات طرفین عبارتست از اینکه اول مدعی و بعد مدعی علیه تقاضای خودشان را بیان کرده اوضاع و احوال و دلایل آنرا ذکر میکند .

ماده ۲۴۷ - در مذاکرات شفاهی هر يك از متداعین میتوانند دلایل تازه که در لوائح کتبی خودشان ذکر نکرده اند اقامه کنند . در صورت اظهار اوضاع و احوال جدیدی که در لوائح طرفین ذکر نشده یا اقامه دلایل جدیدی برای ثبوت مطلب طرف مقابل میتواند استمهال نموده تاخیر جلسه را خواهش کند .

ماده ۲۴۸ - مدعی میتواند تقاضای اولی خود را که در عرض حال تصریح کرده کم و کسر کند ولی بهیچوجه نمیتواند آنرا زیاد کند یا ماهیت ادعای خود را تغییر دهد و یا کتباً تقاضایی بکند که از عرض حال او مستقیماً مفهوم و حاصل نیست .

ماده ۲۴۹ - موارد منضله تغییر ماهیت ادعا یا تقاضا حساب نمیشود .

- (۱) وقتی که مدعی موضوع ادعای خود را واضعتر معین و محدود میکند .
 (۲) وقتی که مدعی اجرت المثل و خسارت خود را معین و علاوه میکند .
 (۳) در صورت نقد یا فروش اموال مدعی که مشار الیه قیمت آنرا از مدعی علیه میخواید .
ماده ۲۴۰ - در صورتیکه مدعی بخواند تغییر در ماهیت تقاضای خود بدهد باید مراتب را کتباً در همان جلسه بمعکله اظهار کند .
ماده ۲۴۱ - رئیس محکمه و با اجازه او اعضای محکمه می توانند در صورت مبهم بودن اظهارات طرفی توضیحات لازمه را خواسته تقاضای جواب صریح در رد یا قبول اوضاع واحوال دلایل و اسناد بنمایند .
ماده ۲۴۲ - در صورتیکه در يك ادعا چند تقاضا شده باشد و اختلاط آنها با یکدیگر باعث اشکال رسیدگی شود محکمه میتواند آن چند تقاضا را از یکدیگر مفروق نموده قرار بدهد که طرفین توضیحات خودشان را نسبت بهر تقاضائی جدا گانه بدهند .
ماده ۲۴۳ - در أثناء مذاکرات شفاهی رئیس محکمه تکلیف صلح بطرفین می کند و هر گاه طرفین مصالحه نمودند مراتب در صورت مجلس نوشته شده بامضای طرفین میرسد و مفاد آن غیر قابل استیناف است .
ماده ۲۴۴ - هر گاه مصالحه نشد مذاکرات طرفین امتداد می باید و هیکله رئیس محکمه مسئله را بعد از اصغای مذاکرات و دلایل طرفین واضح و روشن دید مذاکره را ختم می کند .
ماده ۲۴۵ - مدرک حکم محکمه دلایل کتبی است که طرفین بمعکله تقدیم می کنند و همچنین دلایل شفاهی آنان که در حین مذاکره شفاهی اظهار میدارند و در صورت مجلس نوشته شده بامضای طرفین میرسد .

مبحث دوم

در دعوی متقابل

- ماده ۲۴۶ -** مدعی علیه حق دارد که در مقابل ادعای مدعی اقامه دعوا نماید و چنین دعوی را در صورتیکه مربوط بدعوی اولی (اصلی) باشد دعوی متقابل نامند و بدان دعوی در همان محکمه یا دعوی اصلی رسیدگی میشود مگر اینکه دعوی متقابل نوعاً از صلاحیت محکمه خارج باشد .
ماده ۲۴۷ - در صورتیکه ادعای مدعی علیه در مقابل ادعای مدعی دعوی متقابل نباشد یا باشد ولی رسیدگی به آن دعوی خارج از صلاحیت آن محکمه باشد محکمه با ادعای مدعی علیه در ضمن دعوی اصلی رسیدگی نمی کند بلکه باید مدعی علیه در همان محکمه یا محکمه که صلاحیت

- دارد علیحده اقامه دعوی نماید .
ماده ۲۴۸ - دعوی متقابل لااقل در جلسه اولی محکمه اقامه میشود .
ماده ۲۴۹ - هر گاه در جلسه محکمه اقامه دعوی متقابل شد جلسه رسیدگی را بخواهی یکی از طرفین میتوان تأخیر انداخت در صورت تأخیر رسیدگی رئیس محکمه مدتی را از سه روز الی یک هفته معین میکند که مدعی علیه عرضحال کتبی داده اسناد و دلایل خود را بمعکله ابراز نماید .

مبحث سوم

عقیده مدعی العموم

- ماده ۲۵۰ -** مداخله مدعی العموم در محاکمه حقوقی در مواردی است که در باب دوم قانون موقتی تشکیلات عدلیه مقرر است مواد (۱۲۲) لی (۴۴) قانون مزبور .
ماده ۲۵۱ - در جلسه رسیدگی بعد از راپورت عضو غیر و مدافعه طرفین مدعی العموم عقیده خود را اظهار میدارد و مفاد عقیده مشار الیه در صورت مجلس قید میشود .

فصل هفتم

در ترتیبات اختصاری محاکمه

- ماده ۲۵۲ -** هر گاه متداعیین تراضی نمایند و محکمه هم مانعی نداشته باشد کتبه دعوی را میتوان بترتیبات اختصاری رسیدگی نمود .
ماده ۲۵۳ - علاوه بر ماده قبل در موارد مفصله ذیل قواعد محاکمه اختصاری باید رعایت شود .
 (۱) دعوی حاصله از معاملات و قرار داد هائیکه موضوع آن وجه یا اموال منقوله باشد و همچنین اجاره و استیجاره خانه و انبار و دکاکین و امثال آن .
 (۲) ادعای خسارت از بابت خسارات وارده بر اموال منقوله کسی .
 ۳ - ادعای خسارت وارده بر اموال غیر منقوله و بصرف عدوانی کسی در اموال غیر منقوله دیگری در صورتیکه حق مالکیت مدعی در اموال غیر منقوله ثابت باشد .
 ۴ - منازعات و اختلافاتیکه از اجرای احکام محاکم حاصل میشود .
 ۵ - دعاوی راجعه بامتيازاتی که برای استکشافات و اختراعات داده شده است .
ماده ۲۵۴ - در محاکم اختصاری رئیس محکمه بموجب عرضحال روز جلسه رسیدگی را معین میکند و طرفین احضار میشوند . این موعده باید طوری معین شود که مابین ابلاغ احضارنامه

و روز رسیدگی کمتر از یک هفته و بیشتر از دو هفته نباشد . بموعد مزبور مدت مسافت هم اضافه میشود .
ماده ۳۵۵ - در امور فوریه اگر مسافت اقامتگاه مدعی علیه از محکمه بیش از چهار فرسخ نیست رئیس میتواند روز جلسه را زودتر از موعده که در ماده قبل مقرر شده معین نماید و حق دارد که طرفین را برای اول جلسه محکمه که بعد از روز ابلاغ احضار نامه خواهد شد احضار کند .

ماده ۳۵۶ - مدعی باید تمام اسناد خود یا سواد آنها را با عرضحالی که میدهد تقدیم کند و مدعی علیه باید تمام اسناد خود را در اول جلسه محاکمه که حاضر میشود ابراز نماید .

ماده ۳۵۷ - در صورتیکه مدعی نتوانسته باشد بواسطه کمی مدت اسناد لازمه را حاضر کند حق دارد تعویق جلسه را تقاضا کند و هرگاه محکمه این خواهش مدعی علیه را مقرون بصحت دانست جلسه دیگری معین میکند و تأخیر آن جلسه دیگر جایز نیست مگر بتراضی طرفین .

ماده ۳۵۸ - مدعی نیز می تواند تعویق جلسه را بخواهد ولی فقط در صورتیکه مدعی علیه اقامه دلایلی کند که تکذیب آن برای مدعی مقدور نباشد مگر بارائه اسناد جدیدی . در این صورت برای حاضر کردن اسناد جدید جلسه دیگری معین میشود و تعویق جلسه دیگر جایز نیست مگر بتراضی طرفین . هرگاه محکمه بقرین حاصل کند که دعوی بیچیده و مشکل بوده و بسرافعات شفاهی توضیح نمیشود میتواند بطرفین تکلیف کند که هر کدام در اوراق کتبی تقاضا و دلایل خودشان را بمحکمه تقدیم کنند .

ماده ۳۵۹ - سایر ترتیبات محاکمه اختصاری مثل ترتیبات محاکمه عادی است .

فصل هشتم

در دلائل و تحقیقات

مبحث اول

مواد عمومی

ماده ۳۶۰ - مواد عمومی راجع بدلائل و تأمین دلائل و امارات بترتیبی است که در مواد (۵۶) الی (۶۷) این کتاب مقرر است .

مبحث دوم

در تحقیقات از اهل محل

ماده ۳۶۱ - در موارد منازعات راجعه بساحت و حدود ملک در صورتیکه یکی از

طرفین یا هر دو طرف باطلاع اهل محل متضک شوند ولو اینکه بطور کلی ذکر کنند و اسامی مطمئن را نبرند محکمه میتواند تحقیقات محلی بمنل آورد .

ماده ۳۶۲ - برای اجرای تحقیقات محلی محکمه یکی از اعضای خود را مأمور نموده وقت تحقیقات را مستقیماً یا بتوسط اداره نظمی محل بطرفین اطلاع میدهد .

ماده ۳۶۳ - طرفین میتوانند بعد از ورود عضو محکمه بمحل در باب تحقیقات از اهل محل تراضی بانتخاب اشخاصی نمایند که در محل ساکن یا مقیمند و نیز میتوانند در محل تراضی نموده حل مسئله را بتصدیق مصدقین که مرضیا انتخاب کرده اند واگذار نمایند .

ماده ۳۶۴ - عضو محکمه صورت اشخاصی را که متداعیین انتخاب کرده اند مرتب نموده بامضاء طرفین میرساند .

ماده ۳۶۵ - در صورت عدم تراضی طرفین در انتخاب اشخاص عضو محکمه اقدام باستماع مطمئینی که طرفین یا یکی از آنان باومعرفی مینمایند میکند . طرفین حق دارند که مطمئین یکدیگر را در موارد مفصله رد کنند .

۱ - در صورتیکه یکی از مطمئین خادم یا مخدوم یکی از طرفین است .

۲ - اشخاصیکه با یکی از متداعیین قرابت نسبی یا سببی تا درجه سیم دارند یا قیم یا مباشر یا وکیل یکی از طرفین هستند و با یکی از متداعیین محاکمه دارند پدر قضیه ذینفند .

ماده ۳۶۶ - ترتیب استعمال و اجرای تحقیقات از اشخاص مذکوره در ماده قبل بطوری است که برای شهود مقرر است و باید بقید التزام کتبی متعهد شوند که موافق حقیقت امر و حقانیت اطلاعات خود را اظهار کنند .

ماده ۳۶۷ - عدم حضور متداعیین مانع از اجرای تحقیقات نخواهد بود .

ماده ۳۶۸ - تعیین صحت و اعتبار تحقیقات محلی منوط بنظر محکمه است مگر در مواردی که طرفین تراضی در انتخاب اشخاص نموده و حل مسئله را فقط بتصدیق آنها واگذار کرده اند .

مبحث سیم

در اسناد کتبی

اول در ترتیب ابراز و خواستن اسناد کتبی

ماده ۳۶۹ - اسناد کتبی عبارتست از کاتبه نوشتجات طرفین اعم از اینکه رسمی باشد یا عادی .

ماده ۳۷۰ - هرگاه طرفی سندی ابراز کند که در آن سند بسند دیگری رجوع شده باشد طرف مقابل حق دارد ابراز آن سند دیگر را هم بخواهد .

ماده ۳۷۱ - هر کدام از متداعیین حق دارند ابراز اصل اسناد طرف را بخواهند مگر اینکه طرف مقابل ثابت نماید که اصل سند مفقود شده است و تحصیل آن بهچگونه ممکن نیست .

ماده ۲۷۲ - هر گاه سندی مدرك ادعا یا اظهار یکی از طرفین بوده در نزد طرف مقابل باشد بتقاضای طرف باید آن سند ابراز شود. و در اینصورت طرفی که ابراز سند را از طرف مقابل تقاضا میکند باید صریحاً اظهار کند که چه سندی را میخواهد و جهت ادعای او که آن سند در نزد طرف مقابل است چیست.

ماده ۲۷۳ - در مورد ماده قبل در صورتیکه طرف مقابل اعتراف وجود سند را در نزد خود نموده ولی امتناع از ابراز آن نماید محکمه میتواند آن سند را از جمله دلایل مثبتیه مسئله بداند.

ماده ۲۷۴ - در موارد دعاوی راجعه بامور تجارته و حرفتی هر گاه طرفی اشاره بدفاتر و اسناد شرکتی بکند دفاتر و اسناد مزبور باید در محکمه ابراز شود. در صورتیکه تسلیم دفاتر و اسناد مزبوره در محکمه ممکن نباشد محکمه عضوی را مامور مینماید که با حضور طرفین دفاتر و اسناد مزبوره را معاینه و آنچه لازم است خارج نویس نماید.

ماده ۲۷۵ - هر گاه ابراز تمام سند یا اظهار غلطی مفاد آن در محکمه برای یکی از متداعین یا شخص ثالثی یا اداره دولتی بملاحظات شخصی یا دولتی صحیح یا مناسب نباشد محکمه یکی از اعضای خود را ماموریت میدهد که با حضور طرف یا طرفین آن سند را معاینه و فقط آنچه را که لازم و راجع بکار است خارج نویس نماید.

ماده ۲۷۶ - برای تحصیل اصل سند یا اطلاعات دیگری که راجع بمسئله متنازع فیها و در ادارات دولتی یا نزد مستخدمین دولتی است از محکمه تصدیقی بتقاضا کننده داده میشود که فلان سند یا فلان اطلاع در فلان موعده لازم است.

ماده ۲۷۷ - ادارات و مستخدمین دولتی باید فوراً سواد مصدق اسناد را یا اطلاعات لازمه شخصی که تصدیق نامه محکمه را ابراز میکند بدهند چه خواهش اوشغلی باشد چه کتبی. تمثیلیه بدون ابراز تصدیق نامه هم ادارات و اشخاص مذکوره مکلفند که اطلاعات لازمه و سواد مصدق اسناد را بشخصی که تقاضا میکند بدهند ولی تقاضا باید کتبی باشد.

ماده ۲۷۸ - هر گاه ابراز اصل اسناد لازم باشد ادارات و اشخاص مذکوره در ماده (۷۶) بعد از ابراز تصدیق نامه محکمه اصل اسناد را مستقیماً بخود محکمه میفرستند. فرستادن دفاتر امور جاریه بحکمه لازم نیست. استخراج از آن دفاتر در صورتیکه مصدق تصدیق اداره باشد کافی است.

ماده ۲۷۹ - هر گاه یکی از متداعین از بابت دعوی جنحه و جنایت ادعای خسارته نماید که رجوع به دوسه آن جنحه و جنایت لازم باشد باید دوسه مزبور بحکمه که تقاضای آنرا کرده است فرستاده شود.

ماده ۲۸۰ - هر گاه ادارات و مستخدمین دولتی نتوانند در موعدهای که محکمه معین کرده است اسناد یا اطلاعات لازمه را بدهند تصدیقی بتقاضا کننده داده تصریح مینماید که برای چه

تاریخ اسناد یا اطلاعات را خواهند داد و بموجب این تصدیق محکمه موعده جدیدی برای رسیدگی معین میکند.

دوم - در اعتبار اسناد کتبی

ماده ۲۸۱ - محکمه نمیتواند هیچ سندی را بدون مذاقه در مفاد آن و بدون دلیل رد کند
ماده ۲۸۲ - اسنادیکه راجع بمعاملات و تعهدات و تقلبات میباشد بردو نوع است اسناد رسمی و عادی. اسناد رسمی از قرار تفصیل ذیل است:

۱ - اسنادیکه در اداره ثبت اسناد بطوری که قانون معین کرده ثبت یا تصدیق شده باشد
۲ - تجلیات و تصدیقات محاضر شرعیه که مراجع عدلیه اند در امور راجعه بآنها

۳ - تصدیقات محاکم عدلیه در صورتیکه خارج از صلاحیت آنها نباشد و همچنین تصدیقات ادارات دولتی در اموری که راجع بآنها است در صورتی که تصدیق خارج از صلاحیت آنها نباشد.

ماده ۲۸۳ - اسناد عادی سندی است که غیر از اسناد رسمی باشد.

ماده ۲۸۴ - اسناد رسمیه در حق طرفین و وراث و قائم مقام آنها معتبر است تا اندازه که قانون معین کرده (رجوع بقانون ثبت اسناد و مواد آتیه).

ماده ۲۸۵ - اسناد عادی در دو مورد اعتبار اسناد رسمی را داشته در باره طرفین مآهدين و وراث و قائم مقام آنان معتبر است.

اولاً - در مواردی که اسناد مزبوره را طرفی که بر علیه آن اقامه شده است تصدیق نماید ثانیاً در صورتیکه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که رد کرده است فی الواقع امضا و مهر نموده است.

ماده ۲۸۶ - اظهار شك و تردید و اظهار بی اطلاعی نسبت باسناد رسمی پذیرفته نیست و فقط میتوان ادعای جعلیت نسبت باسناد مذکوره نمود و یا ثابت نمود که اسناد مذکوره بجهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است.

ماده ۲۸۷ - اظهار شك و تردید نسبت باسناد عادی جایز است مگر از طرف شخصی که باسم او آن سند نوشته شده و مهر و امضای او را دارد نسبت باین نوع اسناد نیز فقط ادعای جعلیت پذیرفته است.

ماده ۲۸۸ - هر گاه رعایت قانون تمیر در اسنادی که موافق قانون مزبور بایستی تمیر شده حق تمیر را ببردازد نشده باشد عدم رعایت قانون مزبور باعث رد آن اسناد در محاکم عدلیه نمیتواند بود ولی در صورتیکه حق قانونی تمیر این نوع اسناد تأدیبه نشده باشد محکمه موافق قانون تمیر مجازات خاطی را معین میکند.

ماده ۲۸۹ - سواد اسناد در صورتیکه توسط ادارات یا اشخاصی که صلاحیت تصدیق را دارند تصدیق شده باشد حکم اصل سند را دارد مگر در مواردی که طرف مقابل عدم تطابق سواد را با اصل دعوی ثابت نماید.

ماده ۳۹۰ - در مواردی که سواد مصدق حکم اصل سند را دارد بجای اصل اسناد پذیرفته است مگر در مواردی که قانون ابراز اصل سند را تقاضا میکند .

ماده ۳۹۱ - اسنادی که در ممالک خارجه موافق قوانین آن ممالک نوشته شده است در محاکم عدلیه ایران اسناد قانونی شناخته میشود مادامیکه مفاد آنها مخالف با قوانین ایران نباشد مگر آنکه اعتبار آنها تکذیب و بدرجه ثبوت برسد .

ماده ۳۹۲ - در مورد ماده قبل اسنادیکه در ممالک خارجه نوشته شده است فقط در صورتی در محاکم عدلیه ایران پذیرفته است که (اولاً) سفارت یا قونسولگریهای ایران در خارجه تصدیق کرده باشند که اسناد مذکور موافق قوانین مملکت متوقف قهای آنان نوشته شده است و (ثانیاً) مفاد اسناد مذکوره برخلاف قوانین ایران نباشد .

ماده ۳۹۳ - دفتر تجارتهی در مورد دعوی تاجری بر تاجری در صورتیکه این دعوی از محاسبات و مطالبات تجارتهی حاصل شده باشد دلیل حساب میشود .

ماده ۳۹۴ - دفتر تجارتهی در موارد مفصله ذیل دلیل محسوب نمیشود (اولاً) در صورتیکه مدلل شود که اوراق جدیدی بدقتر داخل کرده اند یا دقتر تراشیدگی دارد . (ثانیاً) وقتی که در دفتر بعضی بی ترتیبی و اغتشاش کشف شود که بر نفع صاحب دقتر باشد (ثالثاً) وقتی که تاجر بموجب همان دفتر سابقاً اقامه دعوی را در باب طلبی نموده و مدلل شده است که تأدییه طلب او شده است و در ادعای خود بیعق است . (رابعاً) وقتی که بحکم محکمه صاحب دفتر ورشکسته بتصیر اعلام شده است .

(خامساً) در مواردیکه موافق قوانین تاجر مسلوب الحقوق اعلام شده است در موارد مذکوره دفتر تجارتهی که بر نفع صاحب آن دلیل نمیشود بر ضرر او سندیت دارد .

ماده ۳۹۵ - امضائیکه در روی نوشته یا سندی باشد بر علیه امضاکننده دلیل است .
ماده ۳۹۶ - هر گاه امضای اجرای تعهدی در خود تعهد نامه نشده و در نوشته علیحده شده باشد آن نوشته بر علیه امضاکننده دلیل است در صورتیکه در نوشته مصرح باشد که بکدام تعهد یا معامله مربوط است .

ماده ۳۹۷ - در اسناد رسمی تاریخ سند معتبر است ولی در اسناد عادی تاریخ سند فقط در باره اشخاصی معتبر است که در ترتیب آن شرکت نموده اند و همچنین در باره وراثت و قایم مقام آنان . ولی سایر اشخاصی که ضروری برای خود در آن اسناد تصور میکنند میتوانند تاریخ سند را تردید یا تکذیب نمایند (رجوع بناده ۲۸۴ الی ۲۸۷) .

ماده ۳۹۸ - اسنادی که در محکمه ابراز میشود و معتبرند ممکن است بر نفع طرف مقابل دلیل باشد در این موارد ابرازکننده سند حق ندارد از سند خود استغاث نماید و یا از محکمه خواهش کند سند او را کان لم یکن فرض کنند .

ماده ۳۹۹ - اگر در حین ترتیب و یا بعد از ترتیب یا رد و بدل اسناد رسمی میانین

چند نفر بعضی از آنان مقاوله نامه مخفیانه منعقد نمایند که نتیجه آن نسخ کلیه یا بعضی از مواد آن باشد مقاوله مذکوره فقط در حق اشخاصیکه آنرا امضا یا مهر کرده اند معتبر خواهد بود و سایرین بر رعایت مفاد آن مجبور نمی باشند .

مبحث چهارم - در اقرار

ماده ۳۰۰ - اقرار کتبی است در صورتیکه در یکی از نوشتجات که بمعکمه داده شده است اظهار شده باشد . و شفاهی است در موردیکه در حین مذاکره در محکمه بعمل آید . در اقرار شفاهی طرفی که میخواهد از اقرار طرف دیگر استفاده نماید باید از محکمه خواهش کند که مخصوصاً اقرارش برود در صورت مجلس قید شود .

ماده ۳۰۱ - هر گاه کسی اقرار باسری نماید که دلیل حقانیت طرف است خواستن دلیل دیگر برای ثبوت آن حق لازم نیست .

ماده ۳۰۲ - اگر محکمه از دلایل و شواهد علم حاصل کرد باقرار شخصی در حکم اقرار شفاهی است .

ماده ۳۰۳ - اقرار یکی از شرکاء دلیل است فقط نسبت بشخصی که اقرار کرده و شامل سایر شرکاء نمیشود مگر اینکه بوجهی شرعی ملزم باشند .

ماده ۳۰۴ - اقرار مدعی افلاس در امور راجعه باموال خود بلا لحظه حفظ حقوق دیگران منشاء حکم نمیشود تا افلاس یا عدم افلاس او معین شود .

فصل نهم

در رسیدگی بصحت دلایل

مبحث اول - در مواد عمومی

ماده ۳۰۵ - رسیدگی بدلائل بخواهش یکی از متداعین و یا بنظر خود محکمه بعمل میآید . ولی محکمه وقتی رسیدگی بدلائل اقدام میکند که در باب صحت آن مابین طرفین منازعه باشد

ماده ۳۰۶ - رسیدگی بدلائل در جلسه علنی محکمه بعمل میآید باستثنای مواردیکه موافق قانون رسیدگی را میتوان یکی از اعضای محکمه مجول کرد

ماده ۳۰۷ - تاریخ و محل رسیدگی بطرفین اطلاع داده میشود و منوط بمیل متداعین است که متودشان حاضر شوند یا وکیل بفرستند

ماده ۳۰۸ - عدم حضور متداعین بعد از اطلاع مانع از اجرای تحقیقات و رسیدگی نمی شود مگر اینکه حضور آنان برای تصدیق اصالت و هویت موضوع تحقیقات لازم باشد

ماده ۳۰۹ - در باب تحقیقات صورت مجلس مرتب و بامضای متداعین که حضور داشته اند میرسد
ماده ۳۱۰ - هرگاه موضوع تحقیقات در حوزه محکمه دیگری واقع است سواد قرار محکمه که مشغول رسیدگی بدعوی است بدان محکمه ارسال میشود . بعد از وصول سواد مزبور محکمه مذکوره مکلف است که تحقیقات لازمه را بعمل آورده صورت مجلس تحقیقات خود را بمحکمه مشغول رسیدگی بدعوا است بفرستد

مبحث دوم - در معاینه محلی

ماده ۳۱۱ - محکمه میتواند بنظر خودش یا بخواهش یکی از متداعین برای معاینه محلی یک یا چند نفر از اعضای خود را مامور کند

ماده ۳۱۲ - در فرار محکمه راجع با اجرای معاینه محلی محل و موضوع و وقت معاینه باید معین شود .

ماده ۳۱۳ - صورت معاینه محلی باید نوشته شود و بامضای اشخاصیکه معاینه را اجرامی دارند و متداعین برسد . نقشه محل در صورت لزوم باید منضم بصورت مزبور شود

ماده ۳۱۴ - صورت مذکور در جلسه محکمه قرائت میشود و طرفین حق دارند که توضیحات شفاهی خودشانرا بدهند ولی حق ندارند اعتراض بکنند که بموجب معاینه محلی مدلل شده و در موقع ترتیب صورت معاینه آن اعتراض را نکرده اند

ماده ۳۱۵ - صورت معاینه محلی را نمیتوان بواسطه شهودی که در حین معاینه حاضر نبودند و باحاضر بوده و اعتراضات خود را در موقع ترتیب صورت مجلس مزبور قید نکرده اند تکذیب کرد

ماده ۳۱۶ - مخارج معاینه محلی را محکمه از برای هر دفته علیحده معین نموده بدفتر خانه محکمه اطلاع میدهد . هرگاه معاینه محلی را یک طرف خواستار شده مخارج آن برعهده اوست . و اگر طرفین تقاضا کرده اند یا بنظر محکمه بوده است بالنصفه برعهده طرفین است

مبحث سوم - عقیده اهل خبره

ماده ۳۱۷ - در مواردیکه موضوع تحقیقات مطالبی است که اطلاعات مخصوصه لازم دارد محکمه میتواند بنظر خودش و یا بخواهش یکی از متداعین عقیده اهل خبره رجوع کند

ماده ۳۱۸ - محکمه موضوع تحقیقات و اشخاصی را که برای تحقیقات انتخاب شده اند و موعد حضور آنان را در محکمه یا جای دیگر در قرار داد خود معین میکند و در مسائلی که تحقیقات منفصله دقیقانه لازم است یکی از اعضای خود را برای نظارت تحقیقات مزبوره مامور میکند

ماده ۳۱۹ - اهل خبره را باید طرفین تراشی معین کنند و هرگاه تراشی نشد خود محکمه بقرعه معین میکند . عده منتخبین باید طاق باشد

ماده ۳۲۰ - فقط اشخاصی باید میزری را قبول کنند که بمناسبت علم یا شغل و یا کسب

دارای معلوماتی که لازم است باشند و ممیزین می توانند استعفا نموده یا قانونا مردود شوند

ماده ۳۲۱ - در صورتی که اهل خبره به تراشی طرفین تعیین شده باشند رد آنان پذیرفته نمیشود . در صورتی که در تعیین اهل خبره تراشی نشده باشد رد آنان در مدت سه روز از روز اعلام محکمه بتداعین راجع به تعیین اهل خبره باید اظهار شود مگر اینکه جهات رد بعد معلوم شود . در صورت اخیر رد اشخاص خبره که معین شده اند باید قبل از شروع آنان تحقیقات بعمل آید

ماده ۳۲۲ - هرگاه تحقیقات در خارج از محلی که محکمه واقع است باید اجرا شود . محکمه میتواند تعیین اهل خبره را (در صورت عدم تراشی طرفین) بصوی که مأموریت نظارت و اجرای تحقیقات را دارد واگذار کند که در آنجا بقرعه معین کند

ماده ۳۲۳ - اهل خبره باید عقیده خود را با جهات آن کتباً اظهار کنند . در صورتیکه اهل خبره سواد نداشته باشند یا زبان فارسی را خوب ندانند و همچنین در موردی که موضوع تحقیقات ساده و روشن است محکمه می تواند بعقیده شفاهی آنان اکتفا کند ولی عقیده شفاهی اهل خبره در این موارد در صورت مجلس درج و بامضای آنان میرسد

ماده ۳۲۴ - در صورتیکه تکمیل یا توضیح تحقیقات اهل خبره لازم شود محکمه می تواند تکمیل یا توضیح لازم را از آنان بخواهد و با عقیده اشخاص خبره دیگری را که مجدداً معین شده اند تحصیل کند

ماده ۳۲۵ - در مواردی که اهل خبره بعد از قبول مأموریت بدون عذر موجه حاضر نشوند و باحاضر شده در موعد مقرر عقیده خود را اظهار ننمایند مستحق حق الزحمه نیستند و بجای آنان موافق قانون اشخاص دیگری انتخاب یا معین خواهند شد .

ماده ۳۲۶ - حق الزحمه اهل خبره را قبل از مباشرت آنان به تحقیقات در صورتی که متداعین معین نکرده اند باید محکمه تعیین کند و مقدار حق الزحمه که محکمه معین می کند بسته بکمیت و کیفیت و وقت و ارزش زحمتی است که اهل خبره متحمل شده اند . قرار محکمه در این باب باید موراً مجری شود و اهل خبره نمی توانند از اینقرار محکمه شکایت نمایند .

ماده ۳۲۷ - مخارج تحقیقات را بدو هر کدام از متداعین که رجوع بخواهش کرده باید بپردازد . و هرگاه این اقدام را طرفین متفقاً خواستار شده اند و یا بنظر محکمه رجوع باهل خبره لازم شده است مخارج بالنصفه بعهده طرفین است .

ماده ۳۲۸ - در صورتی که عقیده اهل خبره با اوضاع و احوال محقق و معلوم مسئله موافقت نداشته باشد محکمه متابعت آن عقیده را می نماید .

مبحث چهارم

در رسیدگی با اسناد کتبی

اول - قواعد عمومی

ماده ۳۳۹ - رسیدگی باصل محاسبه و دفاتر یا در محکمه بعمل میاید یا در مجلسی که اسناد کتبی آنجا است، و این رسیدگی را میتوان در صورت لزوم بیکی از اعضاء محکمه محول کرد.

ماده ۳۴۰ - موعده رسیدگی بطرفین اطلاع داده میشود که هر گاه بخواهند حاضر باشند.
ماده ۳۴۱ - در رسیدگی بمحاسبه ذیل هر صفحه را که رسیدگی شده عضو محکمه و طرفین امضاء میکنند و هر گاه مدعی و مدعی علیه متعدد باشند از هر طرف يك نفر انتخاب و ذیل صفحه ها را امضاء می کنند.

ماده ۳۴۲ - بعد از ختم تحقیقات صورت مجلسی ترتیب داده و تصریح می نمایند که مواد اختلافات یا منازعه کدام است.

ماده ۳۴۳ - هر گاه صورت محاسبه و حساب ها طولانی و درهم باشد محکمه می تواند برای واضح کردن آن اهل خبره را معین کند.

ماده ۳۴۴ - هر گاه در سین ابراز سندی که بزبان غیر فارسی نوشته شده است ترجمه فارسی آن سند تقدیم می شود نظر باهیت آن سند و مناد آن منوط برای محکمه است که بآن ترجمه اکتفا نماید و با تحقیقات لازمه در تطابق آن با اصل عمل آورد. ولی هر گاه طرفی که برضد او آن سند ابراز شده است این تحقیقات را بخواهد محکمه باید آنرا مجری دارد.

ماده ۳۴۵ - در مورد ماده قبل تحقیقات راجع بترجمه اسناد کتبی یا بتوسط مترجمین عدلیه یا بتوسط خبره بعمل میاید.

دوم - رسیدگی با اسناد در صورت اظهار تردید

(شک و شبهه) در اعتبار آن

ماده ۳۴۶ - هر گاه طرفی اظهار تردید در اعتبار سندی که طرف دیگر ابراز کرده بنماید یا اظهار دارد که از صحت و سقم آن اطلاعی ندارد محکمه بترتیب ذیل رفتار خواهد کرد.

ماده ۳۴۷ - اظهار تردید باید بعد از ارائه سند طرف مقابل تا انتهای جلسه اول محاکمه بعمل آید.

ماده ۳۴۸ - در مقابل این اظهار تردید طرف دیگر باید در همان جلسه صریحاً اعلام

نماید که آن سند را استرداد میکند یا نه. هر گاه صاحب سند اعتراضی نکرده و با سند خود را استرداد نمود محکمه با اسناد دیگر رجوع می کند ولی این رفتار و اظهار صاحب سند دلیل بر بطلان آن نخواهد بود. هر گاه صاحب سند سند خود را استرداد نکرد باعتبار آن سند رسیدگی میشود

ماده ۳۳۹ - رسیدگی باعتبار سند از قرار تفصیل است:

- ۱ - تدقیق در صحت سند و تطبیق مفاد آن با اسناد دیگر
- ۲ - تحقیقات از شهودی که در سند قید شده است و یا از شهود و اماراتی که طرفین به شهادت آنان برای تکذیب یا ثبوت اصالت متمسک شده اند.
- ۳ - مطابقت خط و امضای سند متنازع قیه با خط و امضای اسنادی که اصالتشان ثابت و معتبر است.

ماده ۳۴۰ - تدقیق در صحت سند و تطبیق مفاد آن با اسناد دیگر ممکن است از طرف رئیس محکمه بعهده یکی از اعضاء محکمه واگذار شود و عضو مذکور بعد از اجرای تحقیقات ذیل سند را امضاء میکند و در این مورد برای تطبیق با سند مشکوک باید اسنادی را انتخاب کرد که یا رسمی باشد و یا طرفین اصالت آن اسناد را اعتراف کرده باشند.

ماده ۳۴۱ - هر گاه تراشیدگی و امثال آن در سند باشد عضو محکمه در صورت مجلس قید و با امضای طرفین میرساند.

ماده ۳۴۲ - تدقیق خط و مهر بترتیبی بعمل میاید که در مواد (۳۰۶) الی (۳۱۳) مقرر است.

سوم - در ادعای جعلیت اسناد

ماده ۳۴۳ - ادعای جعلیت اسناد را در کلیه احوال محاکمه میتوان نمود و طرفی که میخواهد ادعای جعلیت کند باید اعلام نامه مخصوصی در این باب بمحکمه بدهد هر گاه در حین جلسه این اظهار بشود در صورت مجلس محکمه قید و با امضای اظهار کننده میرسد.

ماده ۳۴۴ - نسخه ثانوی اعلام نامه مدعی جعلیت و یا سواد صورت مجلس بخود طرف مقابل یا موکل او در صورتیکه وکیل وکالت جواب چنین اعلام نامه را داشته باشد ابلاغ میشود. و مشارالیه مکلف است که در ظرف يك هفته صریحاً جوابی که دارد بدهد.

ماده ۳۴۵ - در صورتیکه در سر وعده جواب طرف مقابل نرسد و یا جوابی برسد که مشعر بر استرداد سند باشد محکمه آن سند را از تعداد دلایل صاحب سند خارج کرده بوجوب دلایل دیگر اگر موجود باشد رسیدگی میکند.

ماده ۳۴۶ - در صورتیکه طرف مقابل اعتراض نموده بخواهد از سند خود استفاده کند مضمون آن بصدی جعلیت ابلاغ و در ظرف يك هفته مشارالیه باید دلایل خود را کتباً بمحکمه تقدیم کند. هر گاه مدعی جعلیت در ادعای خود باقی ماند محکمه بخواهش او قرار رسیدگی بادهای جعلیت را می دهد.

ماده ۴۴۷ - قرار محکمه در باب رسیدگی با دلایل مدعی جعلیت بطرف ابلاغ میشود. و مشارالیه مکلف است که در ظرف یک هفته از روز ابلاغ اعتراض خود را با دلایل بمحکمه تقدیم کند و اصل سندی را که موضوع ادعای جعلیت است در ظرف سه روز از تاریخ اعلام قرار مذکور بمحکمه تسلیم نماید والا محکمه میتواند بخواهش مدعی جعلیت سند مذکور را ازینزو دلایل طرف خارج نماید.

ماده ۴۴۸ - محکمه بعد از وصول اعتراض طرف مقابل تحقیقات لازمه را بطوریکه در رسیدگی باصالت اسناد و خط و مهر قانوناً مقرر است بعمل می آورد و هرگاه رجوع باهل خبره و تحقیقات از شهود و مطلعین لازم شود محکمه وظایف خود را موافق قوانین مقرره مجری میدارد و نتیجه تحقیقات در جلسه محکمه قرائت و پس از استماع مذاکرات شفاهی طرفین و اظهار عقیده مدعی العموم محکمه قرار لازم را در باب عدم جعلیت و یا جعلیت سند داده و در صورت اخیر سند جعلی را از عناد دلایل صاحب سند خارج مینماید.

ماده ۴۴۹ - شخصی که ادعای جعلیت سندی را نموده و در موعد مقرر بدون غلظ صحیح دلایل خود را بمحکمه تقدیم ننموده و یا تقدیم نموده ولی محکمه ادعای او را بی مدرک و مأخذ دانسته محکوم است بهجائزاتی که از برای مقتری معین شده است.

ماده ۴۵۰ - در صورتیکه بعد از اجرای تحقیقات محکمه جعلیت سند ثابت شود بندوق اینک جاعل آن معلوم باشد. و همچنین در موردیکه مدعی جعلیت شخص معینی را که در حال حیات است بساختن آن سند متهم نماید محکمه حقوق سند مزبور را با اوراق راجعه بسلبه جعلیت نزد مدعی عمومی میفرستد. و در صورت اخیری (اتهام شخص بساختن سندی) محکمه حقوق رسیدگی بکار را توفیق نموده منتظر ختم عمل در محکمه جرا میشود. و یا بخواهش یکی از متداعیین رسیدگی کار را تا اندازه که مربوطه بسند متنازع فیه و ادعای جعلیت نیست دنبال کرده با تمام میرساند.

ماده ۴۵۱ - هرگاه بواسطه اتهام شخصی بساختن سندی کار بتوسط مدعی عمومی بمحکمه جرا ارجاع شد و محکمه جرا حکم برائت متهم را صادر و قرار در باب جعلیت یا اصالت سند نداد بخواهش یکی از متداعیین محکمه حقوق می تواند اجرای تحقیقات را در باب سند ناموده و قرار رد یا قبول آنرا بدهد.

ماده ۴۵۲ - در حکمی که محکمه در باب جعلیت اسناد می دهد باید تکلیف اسناد و نوشتجات راجعه بادعای جعلیت معین شود. هرگاه وجود اسناد و نوشتجات مزبوره در دفتر خانه محکمه دیگر لزومی نداشته باشد محکمه قرار اعاده آنها را بصادقان آنها از متداعیین و مطلعین و غیره میدهد و اسنادی که ادعای جعلیت بآنها شده ولی بجعلیت آنها حکم صادر نشده است نیز بصادقان اسناد رد میشود. و همچنین اسنادی که از ادارات خواسته شده است و یا در یکی از تأسیسات عمومی امانت بوده بخود آنها مسترد میشود. و اسنادی که جعلیت آنها ثابت شده دو

حضور محکمه و مدعی العموم ابطال و در دفتر محکمه ضبط میشود.

ماده ۴۵۳ - در کابیه موارد مذکوره در ماده قبل اعاده اسناد و نوشتجات فقط وقتی بعمل میاید که حکم محکمه در آن باب قطعی شود مگر اینکه بواسطه تقاضای ادارات یا تأسیسات عمومی صدور حکم مخصوصی در باب استرداد لازم شود.

ماده ۴۵۴ - هر یک کدام از اعضاء و منشی های محاکم حق ندارند از اسناد و نوشتجاتی که ادعای جعلیت بآنها شده است سوادای یکی بدهند مگر بحکم محکمه ولی از نوشتجاتیکه ادعای جعلیت نسبت بآنها نشده است منشی محکمه برضایت طرفین می تواند سوادای بآنان بدهد.

ماده ۴۵۵ - هرگاه منشی های محاکم از مفاد ماده قبل تخلف ورزند اولاً - از شغل خودشان منتقل خواهند شد ثانیاً - از بیست الی چهل تومان از مقرر آنان کسر خواهد شد.

چهارم - در تدقیق خط و مهر

در مورد اظهار تردید و ادعای جعلیت

ماده ۴۵۶ - هرگاه کسی که خط و مهر باو اسناد داده شده در حال حیوة است از او مطالبه می شود که مجدداً چیزی بخط خود بنویسد تا تطبیق نمایند. و در این باب و در خود خط و مهر نهایت تدقیق بعمل می آورند.

ماده ۴۵۷ - هرگاه خط و مهر بکسی اسناد داده شده است که فوت شده و ورثه متوفی تکذیب یا اظهار تردیدی یا بی اطلاعی نمایند ترتیب تدقیق آنست که سه نفر از اهل خبره بتراضی طرفین معین می شوند و در صورت عدم تراضی محکمه بقرعه معین میکند که در تحت نظارت عضو محکمه بسند متنازع فیه رسیدگی شود و مراتب در صورت مجلس قید و باعضای طرفین میرسد.

ماده ۴۵۸ - اگر در نزد شخصی که مهر یا خط خود را انکار میکند نوشته از نوشتجات مشروحه در ماده بعد پیدا شود یا خط و مهر او متایسه و تطبیق میشود و اگر پیدا نشد منکر را مجبور بکتابت می نمایند تا خطی را که انکار کرده با خط جدید مطابقت شود.

ماده ۴۵۹ - هرگاه طرفین در نوشتجاتی که اساس تطبیق و معاینه اسناد میشود و متفق نشدند نوشتجات ذیل را مأمور محکمه مأخذ معاینه و تطبیق قرار میدهد:

- ۱ - نوشتجاتی که دارای مهر یا امضای مصدق در حضور محکمه یا مباشرت ثبت اسناد میباشد و یا آنهاائی که راجع بدهاوی بوده و در حضور محکمه ممضی و مهور شده اند.
 - ۲ - بعضی نوشتجات رسمیه که منکر در موقع دیگری نوشته باشد.
 - ۳ - اسناد عادی که منکر سابقاً اقرار و اعتراف کرده باشد یا اینکه آن اسناد بخط و مهر اوست.
- تصرفه - خط و مهر اسنادی را که منکر انکار می کند اساس تطبیق نمیتوان قرار داد.

ماده ۳۶۰ - اگر اوراق و نوشتجاتی که باید تطبیق شود در یکی از ادارات باشد در مورد ادعای جعلیت باید اوراق مذکوره را بمحل تطبیق بیاورند ادارات دولتی بقید مسئولیت مکلفند که حکم محکمه را در این باب مجری دارند والا مدعی جعلیت که از عدم اجرای حکم محکمه متضرر شده است حق دارد ادعای خسارت را از ادارات بنماید .

ماده ۳۶۱ - اگر محل اوراق مذکوره ممکن نباشد و یا داورنده آنها در شهر یا محل دیگری اقامت داشته باشد محکمه بوجوب راپورت عضو محکمه حکمی میتواند صادر کند که بموجب آن بتدقیق خط و مهر در محلی که نوشتجات و اوراق مذکوره واقع است بعمل آید .

ماده ۳۶۲ - اشخاصی که نوشته شدن سند متنازع قیه و یا مهر و امضاء شدن سند مزبور را دیده اند و همچنین اشخاصی که در بعضی اتفاقات مطلعند و از اطلاعات آنان میتوان حقیقت مسئله را کشف نمود احضار شده اظهارات آنان بعد از دادن التزام درصحت شهادت استماع و سند مذکوره بآنان ارائه و کلیه اظهارات آنان در صورت مجلس قید شده بامضای آنان میرسد .

ماده ۳۶۳ - پس از تدقیقات و رسیدگی در خصوص صحت و سقم خط تکذیب شده یا تردید شده لایحه متضمن مراتب رسیدگی و نتیجه آن از طرف عضو محکمه و اهل خبره نوشته و امضاء شده با اسناد متنازع فیها بمحکمه تقدیم میشود و محکمه در حضور طرفین لایحه مزبوره را قرائت و بعد از مذاکرات طرفین قرار لازم در باب اعتبار اسناد متنازع فیها یا عدم اعتبار میدهد .

فصل دهم

در اظهارات و تقاضاهای اتفاقی

مبحث اول

در ایرادات

ماده ۳۶۴ - مدعی علیه که بمحکمه احضار شد است میتواند بدون اینکه جواب مدعی را بدهد در مواد مفصله ذیل ایراد نماید :

- (۱) - وقتیکه دعوی راجع بمحکمه دیگری است .
 - (۲) - وقتیکه در همان محکمه یا محکمه دیگری همان مسئله ما بین همان اشخاص در تحت رسیدگی است و یا اگر همان مسئله نیست مسئله است که با ادعای مدعی ارتباط کامل دارد .
 - (۳) - در موردی که ادعای مدعی بکاملاً راجع مدعی علیه دیگری است .
 - (۴) - در صورتیکه شخصی که اقامه دعوا کرده صلاحیت آنرا ندارد .
 - (۵) - در صورتیکه وکیل طرف مقابل وکالت از موکل خود نداشته باشد .
- ماده ۳۶۵ -** در مورد فقره پنجم ماده قبل حق ایراد را مدعی هم دارد .

ماده ۳۶۶ - تقض قوانین راجعه بترتیب صورت عرضحال باعث نمیشود که مدعی علیه از دادن جواب امتناع نماید .

ماده ۳۶۷ - در فقره اول و چهارم و پنجم ماده (۳۶۴) خود محکمه هم مکلف است قطع نظر از اینکه ایراد از طرف متداعیین شده یا نشده از رسیدگی بدعوی امتناع ننماید .

ماده ۳۶۸ - خواه مدعی علیه ایرادات مذکوره در ماده (۳۶۴) را در ضمن جواب کتبی که بادعای مدعی میدهد درج نکند خواه علیحده محکمه مکلف است که بدو قبل از رسیدگی بساهیت دعوا بایرادی که شده است علیحده رسیدگی کرده قرائی بدهد .

ماده ۳۶۹ - قرار محکمه در باب قبول ایراد قابل شکایت است و میتوان قبل از استیناف حکم محکمه در باب ماهیت دعوا قرار مذکور را استیناف نمود قرار محکمه را در باب رد ایراد فقط در موردی میتوان قبل از صدور حکم در اصل دعوا استیناف نمود که ایراد راجع بصلاحیت محکمه باشد موعده این شکایت از روز اعلام قرار محکمه یک هفته است و بنظر محکمه است که نسبت باوضاع و احوال کار بمحاکمه اصل دعوا مداومت نماید و یا آنرا تا صدور حکم محکمه استیناف توقیف کند .

ماده ۳۷۰ - در مواردی که مدعی علیه ایرادات مفصله ذیل را بنماید حق ندارد از محکمه بخواهد که بایرادات و علیحده از ماهیت دعوا رسیدگی شود .

۱ - ایراداتیکه مدعی حق اقامه دعوی را ندارد .

۲ - ایراداتیکه حق دعوا قبل از اقامه آن بواسطه تأدیبه مدعی به یا اجرای قرار داد یا تهید یا بواسطه صدور حکم محکمه عدلیه یا مصالحه و امثال آن ساقط شده است .

مبحث دوم

در تأمین مدعی به

اول - قواعد عمومی

ماده ۳۷۱ - تأمین مدعا به را میتوان در ابتدای دعوا یا در حین معاکه درخواست نمود .

ماده ۳۷۲ - در خواست تأمین مدعا به را در ابتدای دعوا در صورتی محکمه می پذیرد که بداند عدم قبول آن باعث تضییع حقوق مدعی در آتی خواهد شد .

ماده ۳۷۳ - در صورتیکه محکمه در خواست تأمین مدعی به را که در عرضحال شده است رد نماید مدعی میتواند در حین معاکه از نو در خواست مزبور را بنماید .

ماده ۳۷۴ - در خواست تأمین را فقط در ادعائی میتوان نمود که قیمت یا عین مدعی به آن معین باشد .

ماده ۳۷۵ - قبول یا رد در خواست تأمین مدعی به منوط بظنر محکمه است مگر در صورتیکه ادعای مدعی مبتنی بر اسناد رسمی و امارات صدق یا مدعی به در معرض تضییع باشد .
ماده ۳۷۶ - قرار محکمه را در باب در خواست تأمین میتوان علیحده از استیناف اصل دعوا استیناف نمود . شکایت از قبول تأمین باعث تعویق اجرای آن نمیشود ولی شکایت از قرار محکمه در باب موقوفی حکمی که در باب تأمین صادر شده بود باعث تعویق اجرای آن میشود و تأمین بحالت خود باقی میماند .

ماده ۳۷۷ - تأمین مدعی به را رئیس محکمه با حضور دو نفر عضو محکمه میتواند اجازه بدهد در صورتیکه در خواست آن وقتی شده است که محکمه جلسه ندارد و بظنر رئیس محکمه اقدام تأمین تأخیر پذیر نیست .

ماده ۳۷۸ - در صورت ماده قبل رئیس محکمه حکمی بعنوان دایره اجرا صادر میکند که مثل احکام محاکم بیوقع اجرا گذارده میشود . ولی رئیس محکمه مکلف است که در اولین جلسه محکمه اقدام خودش را بمحکمه اعلام نماید و تصدیق یا تغییر حکم رئیس منوط بقرار محکمه است .
ماده ۳۷۹ - در صورتیکه مدعی علیه بموجب حکم قطعی عدلیه بری الذمه بشود حق خواهد داشت خساراتی را که باو از تأمین مدعی به تعلق گرفته است از مدعی مطالبه کند .

دوم - اقسام تأمین مدعی به

ماده ۳۸۰ - اقسام تأمین مدعی به از قرار تفصیل است . توقیف اموال غیر منقوله مدعی علیه توقیف اموال منقوله و دادن ضامن و در صورت عدم امکان اقسام مذکوره دادن کفیل .

تبصره - مالی که درخواست تأمین آن شده باید از مستثنیات دین نباشد .

ماده ۳۸۱ - مدعی باید در حین استدعای تأمین قیمت آنرا نیز معین کند .

ماده ۳۸۲ - اموال غیر منقوله که توقیف می شود باید متناسب باشد با مبلغ مدعی به و مدعی به باید در حین درخواست تأمین صریحاً قید کند که کدام مال غیر منقوله مدعی علیه را میتوان توقیف نمود .

ماده ۳۸۳ - هرگاه ابرای قسمی از اقسام تأمین برای ادعای مدعی کافی نباشد نظنر بمقدار مدعی به میتواند کلیه اقسام را اجرا نمود .

ماده ۳۸۴ - در موقع تأمین توقیف غیر مدعی به از اموال مدعی علیه جایز نیست مگر در صورتیکه توقیف عین مدعی به ممکن نباشد .

ماده ۳۸۵ - هرگاه ملکی که عین مدعی به توقیف شود مدعی علیه حق ندارد محصولات آن را تصرف کند یا اشجار آن را بیندازد مگر باندازه که برای حفظ خود ملک ازخرابی لازم است و در این مورد محکمه می تواند بخواهش مدعی ببتداعین اجازه نظارت نسبت بمحصولات و کلیه اشجار واقعه در ملک بدهد .

ماده ۳۸۶ - در خواست مدعی علیه را در باب تغییر قسمی از تأمین قسمی دیگر یا مالی بمال دیگر در صورتی محکمه می تواند قبول نماید که مدعی راضی باشد باستانه دو مورد ذیل که رضایت مدعی لازم نیست .

۱ - هرگاه مدعی علیه ثابت نماید که تأمینی که تکلیف می کند معادل تأمین سابق است و برقراری تأمین سابق او را تضییق می نماید .

۲ - در صورتی که مدعی علیه در عوض اقسام مذکوره در ماده (۳۸۰) بقدر کفایت وجه نقد یا اسناد معتبره به نرخ روز تأمین بدهد .

سوم - در ترتیب توقیف اموال غیر منقوله

ماده ۳۸۷ - حکم کتبی محکمه در باب توقیف باداره ثبت اسناد ارسال و در آن صریحاً اسم و اسم پدر و لقب و شغل مدعی علیه و موضوع ادعا و مقدار مدعی به و اسم ملک توقیف شده قید می شود حکم مذکور توسط دایره ثبت اسناد بدایره اجرا فرستاده می شود .

ماده ۳۸۸ - مدعی می تواند سواد این قرار را هر چند نسخه که لازم باشد برای ارائه به مقامات رسمی از محکمه بخواهد و مادام که قرار محکمه در اعتبار خود باقی است سواد های مزبوره حکم اصل قرار محکمه را دارد .

ماده ۳۸۹ - بعد از زوال حجت توقیف رفع آن نیز بموجب حکم کتبی محکمه که باداره ثبت اسناد ارسال می شود بعمل می آید و مدعی علیه حق گرفتن سواد را بطوریکه در ماده قبل مصرح است دارد اعتبار سواد همان است که در آن ماده قید شده .

ماده ۳۹۰ - مخارج تحصیل حکم کتبی محکمه در توقیف و رفع آن و مخارج سواد حکم مذکور و مخارج اداره ثبت اسناد موافق تعرفه است که قانوناً مصرح است .

چهارم - ترتیب توقیف اموال منقوله

ماده ۳۹۱ - اموال منقوله مدعی علیه در محل خود توقیف میشود . توقیف اموالی که ضایع شدنی است ممنوع است .

ماده ۳۹۲ - در ضمن در خواست توقیف مدعی باید معین کند که کدام مال باید توقیف شود و نزدکی است و در کجا واقع است و نکات مذکوره در حکم کتبی محکمه نیز باید صریحاً قید شود .

ماده ۳۹۳ - توقیف اموال منقوله به ترتیبی باید بعمل آید که قانون اجرای احکام عدلیه معین کرده است .

ماده ۳۹۴ - بعد از اینکه صورتی از اموال توقیف شده برداشته شد باید در همانجا که

واقع است مهر و موم شده و از صاحب آن اموال التزام حفظ آن اموال گرفته شود و در صورت تفریط مجازات صاحب اموال بطوری است که در قانون اجرای احکام عدلیه مقرر است.

ماده ۳۹۵ - هر گاه صاحب اموال از دادن التزام امتناع نماید اموال مزبور به شخص دیگری بطوری که قانون اجرای احکام عدلیه معین می کند سپرده خواهد شد.

ماده ۳۹۶ - هر گاه اموال منقوله یا وجوه نقدی که باید توقیف شود در نزد شخص ثالثی باشد ورثه اجرائیه در باب توقیف آن شخص ثالث ابلاغ و قبض رسد در یافت میشود و مراتب را فوراً بدعی علیه نیز اعلام مینمایند سایر اقدامات در این باب به ترتیبی است که در قانون اجرای احکام عدلیه مقرر است.

پنجم - در باب ضمانت

ماده ۳۹۷ - برای تأمین مدعی به ممکن است يك یا چند نفر ضمانت بشوند در صورتیکه ضمانت يك نفر نباشد هر کدام از آنان باید صریحاً قید کنند که چه مقدار از مدعی به را تضمین می نمایند.

ماده ۳۹۸ - ضمانت میتواند فقط ضمانت تأدیه وجه را بشمارد یعنی قید نماید که در صورت ثبوت مدعی به برعهده من است که فلان مبلغ را بپردازم و یا صریحاً ضمانت تأدیه فوری وجه را نباید ضمانت اولی را ضمانت مقید و دومی را ضمانت مطلق یا کامل نامند.

ماده ۳۹۹ - ضمانت اشخاص مقصود قبل قبول نمیشود.

- (۱) اعضاء محاکم و اداره مدعی العموم.
- (۲) وکلای رسمی عدلیه برای موکلین خود.
- (۳) کلیه اشخاصی که بموجب قانون حق قرار داد یا تهدی را ندارند.
- (۴) مفسدین.

ماده ۴۰۰ - قبول ضمانت راجع به محکمه است که قرار تأمین مدعی به را داده است.

ماده ۴۰۱ - مدعی علیه که در دعوی خود ضمانت میدهد یا باید ضمانتها را شخصاً در محکمه حاضر کند و یا ضمانت نامه بخط و مهر و امضای خود آنان که در اداره ثبت اسناد تصدیق شده به محکمه تقدیم کند در هر دو مورد مدعی علیه مکلف است در صورت تقاضای مدعی استطاعت ضمانتهای خود را در محکمه ثابت کند.

ماده ۴۰۲ - رئیس محکمه بعد از حاضر شدن ضمانت یا وصول ضمانت نامه بخط و مهر ضمانت روزی را معین میکند که طرفین در جلسه محکمه حاضر شده در باب پذیرفتن ضمانت مذاکره نمایند.

ماده ۴۰۳ - محکمه از ضامنی که حاضر شده اطلاعات لازمه را در باب عایدات و محل اقامت و شغل و اوضاع و احوالی که بموجب ماده (۳۹۹) میتواند مانع ضمانت او بشود از او بخواهد.

ماده ۴۰۴ - در موردی که مدعی در روز معین حاضر نشود محکمه میتواند ضمانتی را که برای کلیه مدعی به یا قسمتی از آن کافی است قبول کند:

ماده ۴۰۵ - ضمانت ضامنی که خودش در محکمه حاضر شده در صورت مجلس قید و با امضای او میرسد و این تصدیق صورت مجلس همان اثر ضمانت نامه را دارد که به خط و مهر و امضای ضامن باشد.

ماده ۴۰۶ - هر گاه حکم قطعی محکمه را محکوم علیه بگری نداشت ضامن کامل مکلف است که بعد از ابلاغ ورثه اجرائیه مبلغی را که ضمانت کرده است فوراً بپردازد ولی ضامن مقید در صورتی مشغول است که دارائی محکوم علیه کفایت تأدیه محکوم به را ننماید یا محکوم علیه از اداء امتناع نماید.

ماده ۴۰۷ - قبل از صدور حکم قطعی مدعی بهیچوجه حق ندارد تأدیه مدعی به را از ضامن بخواهد ولی بعد از صدور حکم مذکور مدعی میتواند توقیف مال ضامن کامل را باندازه که ضمانت کرده است موقتاً تا وقتی که محکوم به اداء نشده است بخواهد.

مبحث سوم

در جلب شخص ثالث

ماده ۴۰۸ - مدعی علیه در صورتی که خود را محق به جلب شخص ثالثی به محکمه دانسته خواستار آن بشود باید عرضحال در این باب به محکمه قبل از موعدی که برای حضور او در محکمه معین شده است بدهد.

ماده ۴۰۹ - مدعی نیز در صورتیکه بخواهد برای جواب با اعتراض مدعی علیه شخص ثالثی را به محکمه جلب کند میتواند در جلسه اول محکمه این اظهار را بشمارد ولی عرضحال خود را در این باب باید لااقل فردای آن روز بدهد.

ماده ۴۱۰ - باید در عرضحال اسم و شهرت و شغل و محل اقامت شخص ثالث وجهه جلب او به محکمه صریحاً قید شود.

ماده ۴۱۱ - محکمه يك نسخه از سواد عرضحال راجع به جلب شخص ثالث را به مشارالیه و دیگری بطرف مقابل از متداعیین ابلاغ می نماید.

ماده ۴۱۲ - بعد از وصول عرضحال رئیس محکمه مشارالیه نظر به محل اقامت شخص ثالث و طبیعت کار موعدی را برای حضور او معین می کند و اگر جلسه محکمه معین شده باشد آن را تغییر میدهد.

ماده ۴۳۱ - هر گاه یکی از متداعیین در باب جلب شخص ثالث اعتراض نماید محکمه باید بعد از رسیدگی باظهارات طرفین قرار لازم را بدهد.

ماده ۴۱۴ - هر گاه شخص ثالث حاضر نشد محکمه رسیدگی را تعقیب می کند در این صورت و در صورتیکه شخص ثالث جواب داده از حضور خود استتکاف ورزد طرفی که جلب شخص ثالث را خواستار شده است میتواند از محکمه تا مین مدعی به را نسبت بشخص ثالث بخواهد.

ماده ۴۱۵ - شخص ثالث در صورتیکه حاضر شد مجاز است که تمام توضیحات کار را که در دفتر خانه محکمه است ملاحظه نماید و توضیحات کتبی بدهد و در تمام مذاکرات شفاهی شرکت نماید.

ماده ۴۱۶ - مخارج اظهار شخص ثالث بعهده کسی است که جلب او را خواستار شده است ولی اگر شخص ثالث حاضر نشد طرفی که خواستار جلب او شده بود بعد از ختم دعوی اصلی می تواند ادامه دعوی بر او نماید.

مبحث چهارم

دخول شخص ثالث بدعوا

ماده ۴۱۷ - هر گاه شخص ثالثی بلاخطه نفعی که برای او از محقق شدن یکی از متداعیین حاصل است بخواهد در دعوی شرکت نماید میتواند در هر مرحله از مراحل کار عرضحال داده اظهار نماید که با کدام يك از متداعیین میخواهد شرکت نماید و سواد عرضحال شخص ثالث به متداعیین ابلاغ میشود.

ماده ۴۱۸ - از قرار محکمه که راجع به رد یا قبول عرضحال مذکور در ماده قبل صادر می شود متداعیین و شخص ثالث میتوانند قبل از استیناف اصل دعوا شکایت نمایند.

ماده ۴۱۹ - هر گاه دخالت شخص ثالث مربوط به محقق شدن مدعی یا مدعی علیه نبوده و مقصود از دخالت او اظهار حق است مستقلاً نسبت بهالی که موضوع دعوا مابین متداعیین است باید در عرضحال صریحاً قید شود که طرف او یکی از متداعیین است یا هر دو طرف و تمام جهات و دلایل را ذکر نماید.

ماده ۴۲۰ - ترتیبات رسیدگی در موارد دخول شخص ثالث همان است که کلیه برای رسیدگی به دعوی مقرر است و عرض حال را باید خود شخص ثالث یا وکیل ثابت الوکاله اش بدهد و سواد آن به متداعیین ابلاغ شود.

مبحث پنجم

در رد حکام عدلیه

ماده ۴۲۱ - حکام عدلیه در موارد منفصله ذیل باید از رسیدگی امتناع نمایند و متداعیین

نیز حق خواهند داشت آنها را رد کنند.

(۱) وقتیکه خود حاکم یا عیال او یا اشخاصیکه با حاکم قریب نسبی تا درجه سوم دارند و همچنین اشخاصی که با مشار الیه قریب سببی تا درجه سوم دارند یا معاکمه راجع به خدمه حاکم است.

(۲) وقتیکه حاکم یا عیال او وارث یکی از متداعیین است و یا با یکی از متداعیین دعوا دارد.

(۳) وقتی که حاکم قریب یا ولی یکی از متداعیین است یا کفیل امور او است و یا آنکه یکی از متداعیین مباشر امور حاکم است.

ماده ۴۲۲ - امتناع حاکم از رسیدگی یا رد او باید لافظاً در جلسه اول رسیدگی بعمل آید مگر آنکه جهت رد حاکم در حین محاکمه حادث شود.

ماده ۴۲۳ - اظهار رد باید کتبی باشد و یا شفاهی اظهار شفاهی در صورت مجلس قید و ابضای اظهارکننده میرسد در اظهار رد باید جهات آن با دلایل ذکر شود.

ماده ۴۲۴ - خواهش رد به محکمه ابلاغ و محکمه مکلف است که لافظاً تا جلسه دیگر جواب بدهد هر گاه جواب مذکور بدون عذر موجه بیش از مدت معینه به تعویق افتد دلیل پراعتراف حاکم مردود خواهد بود.

ماده ۴۲۵ - جواب حاکمی که رد را قبول نکرده است بی حضور او در جلسه مشاوره (سری) محکمه با حضور مدعی العموم مطرح مذاقه می شود.

ماده ۴۲۶ - قرار محکمه در باب قبول رد حاکم قطعی است و قابل شکایت نیست ولی قرار محکمه در باب عدم پذیرفتن رد قابل شکایت است قبل از استیناف حکم در اصل دعوا.

ماده ۴۲۷ - شکایت نامه به محکمه که قرار داده است در ظرف سه روز از اعلام قرار منبوز داده می شود و محکمه مکلف است که شکایت نامه را بلا تأخیر به محکمه عالی یا استعراج از صورت مجلس و منضات آن و سواد قرار محکمه بفرستد مادام که محکمه عالی در باب شکایت رأی نداده است حاکم مردود نمی تواند در همان کار رسیدگی نماید.

ماده ۴۲۸ - هر گاه چند نفر از اعضاء محکمه رد شوند و عده باقی مانده برای رسیدگی کافی نباشد رسیدگی توقیف شده اظهار رد و جواب های اعضاء مردوده به محکمه عالی فرستاده میشود که تکلیف را معین کنند و محکمه عالی در صورتیکه خواهش رد را قبول کرد برای تکمیل عده اشخاصی که موافق قانون تشکیلات صلاحیت دارند قائم مقام معین می کند و یا آن کار را به محکمه دیگری که در همان درجه باشد محول می کند.

ماده ۴۲۹ - در محکمه تمیز در صورتیکه دارای بیش از يك شعبه باشد به مسائل راجعه به رد و امتناع حکام عدلیه در مجلس عمومی رسیدگی میشود.

مبحث ششم - در توقیف و تعقیب و بطلان محاکمه

ماده ۴۳۰ - توقیف محاکمه در موارد مفصله ذیل بعمل می آید :

۱ - برضایت اصحاب دعوا .

۲ - در صورت فوت یا جنون یا مسلوب الحقوق شدن یکی از متداعین و یا وکیل یکی از آنان .

ماده ۴۳۱ - در موارد تفرقه دوم ماده قبل در صورتی که محاکمه بدرجه صدور حکم رسیده باشد یعنی مذاکرات شفاهی طرفین ختم شده باشد محکمه می تواند عقیده مدعی العموم را در مواردی که قانون تقاضا می کند شنیده حکم بدهد .

ماده ۴۳۲ - در صورتی که توقیف محاکمه برضایت اصحاب دعوا شده باشد طرفین باید همان وقت بمعکله اعلام نمایند که کدام یک از آنان مخارج محاکمه را بعهده بگیرند .

ماده ۴۳۳ - هرگاه یکی از متداعین از بابت مخارج محاکمه مقروض محکمه باشد در صورت توقیف محاکمه موراً حکم بتأدیه مخارج مزبور می شود بدون آنکه محکمه منتظر تعقیب محاکمه (بعد از توقیف) بشود .

ماده ۴۳۴ - در موقع عزیمت یکی از متداعین بمحل ماموریت نظامی یا ماموریت دولتی یا مسافرت عادی محاکمه توقیف نمیشود و محکمه فقط مهلت کافی بعازم مسافرت یا ماموریت برای تعیین وکیل میدهد .

ماده ۴۳۵ - در صورت توقیف محاکمه محکمه می تواند بخواهش یکی از اصحاب دعوا مدعی به را موافق قانون تامین نماید .

ماده ۴۳۶ - تعقیب محاکمه بعد از توقیف با رضایت متداعین و بخواهش یکی از آنان بعمل می آید و در صورت آخری باید عارض کتباً خواهش تعقیب محاکمه را نموده از محکمه احضار طرف را بخواهد .

ماده ۴۳۷ - تعقیب محاکمه در همان محکمه بعمل می آید که توقیف شده است .

ماده ۴۳۸ - هرگاه محاکمه توقیف شده و در مدت یک سال از تاریخ توقیف خواهش تعقیب محاکمه نشود آن محاکمه گنایم بکن فرض خواهد شد و برای تجدید محاکمه عارض باید عرضحال مجدد بدهد .

ماده ۴۳۹ - هرگاه در دوسه محاکمه توقیف شده اقرار و اعترافات طرف و اطلاع مظلومین ضبط شده باشد و بعد درحین محاکمه مجدداً اشخاص مذکور (مظلومین) درحال حیات باشد متداعین میتوانند در محاکمه مجدد از دوسه محاکمه توقیف شده استفاده نمایند .

فصل یازدهم

در حکم

مبحث اول

در صدور حکم

ماده ۴۴۰ - بعد از ختم مذاکره شفاهی متداعین و اظهار عقیده مدعی العموم محکمه هرگاه بتواند فوراً رأی میدهد و الا رئیس و اعضاء باطاق مخصوص رفته بعد از مشاوره در امریکه موضوع محاکمه بوده اظهار علم خودشان را مینمایند .

ماده ۴۴۱ - اتخاذ رأی باین ترتیب بعمل می آید که رئیس محکمه اول از رأی کوچکترین عضو محکمه از جهت مقام شروع کرده بعد از همه رأی خود را اظهار مینماید .

ماده ۴۴۲ - رأی محکمه با اکثریت آراء اعضاء آن معلوم می شود .

ماده ۴۴۳ - رأی محکمه باید کتباً نوشته شده بامضای رئیس و اعضاء محکمه برسد و این رأی کتبی در جلسه علنی محکمه باید قرائت شود ولو اینکه مذاکره شفاهی طرفین در جلسه سری بعمل آمده باشد محکمه بعد از امضای رأی کتبی حق تغییر آنرا ندارد .

ماده ۴۴۴ - در رأی کتبی نکات مفصله باید قید شود :

۱ - تاریخ جلسه محکمه .

۲ - اسم و شهرت اعضاء محکمه که رأی داده اند و مدعی العموم که عقیده خود را اظهار داشته .

۳ - اسم و شهرت مدعی و مدعی علیه .

۴ - موضوع دعوی و جهات و دلایل حکم و تصریح اجرای موقت در صورتیکه در آن باب رأی داده شده باشد و همچنین تصریح اینکه مخارج محاکمه بر عهده کیست .

ماده ۴۴۵ - درامرر غامضه که مشاوره طولانی لازم داشته باشد هیئت محاکمه میتواند رأی را تا جلسه دیگر که نهایت آن پنج روز است بتأخیر اندازد ولی رئیس محکمه مکلف است که این نکته را در جلسه علنی محکمه اعلام نماید .

ماده ۴۴۶ - بعد از قرائت رأی کتبی محکمه رئیس روزی را معین میکند که حکم محکمه نوشته شده برای قرائت بطرفین داده شود و آن روز قانوناً روز اعلام حکم محسوب میشود .

ماده ۴۴۷ - حکم محکمه باید در ظرف پنج روز از روز اعلام رأی کتبی انشاء و امضای رئیس و اعضاء و منشی محکمه برسد .

ماده ۴۴۸ - رأی محکمه با راجع بماهیت دعوا است کتباً و یا به بعضی مسائل که در حین رسیدگی بدعوا حادث و مطرح میشود رأی محکمه در صورت اولی حکم و در صورت ثانوی قرار نامیده میشود.

ماده ۴۴۹ - احکام و قرارهای محکمه را یکی از اعضاء که در وقت دادن رأی جزوا کثرت بوده بانتخاب رئیس انشاء می کند در حکم باید علاوه بر رأی کتبی نکات مفصله تصریح شده باشد.

۱ - تقاضای متداعین و عقیده مدعی العموم (در صورتیکه اظهار عقیده نموده)
۲ - دلائل محکمه که مدرک حکم است.

ماده ۴۵۰ - بعد از اینکه حکم تهیه شد طرفین میتوانند آنرا در دفتر خانه محکمه قرائت نموده و سوادای از آن یا از صورت مجلس و اعلانات و احکامات محکمه راجع بآن حکم بگیرند.

ماده ۴۵۱ - بجای سواد طرفین حق دارند که خلاصه حکم را که عبارت از رأی کتبی محکمه و ملاحظاتی که مبنای رأی محکمه بوده بخواهند سوادها و خلاصه احکام بامضای رئیس محکمه و منشی میرسد.

ماده ۴۵۲ - هر گاه منشی (دفتردار) قبل از اینکه حکم موافق قانون بامضاء برسد سواد آن را بیکسی بدهد از شغل خود معزول و بخدمت دولتی قبول نخواهد شد.

ماده ۴۵۳ - هر گاه مدعی های عمومی بعد از مذاقه در اصل احکام ملاحظه کنند که برخلاف قوانین صادر شده است بوظیفه خود رفتار نمایند.

ماده ۴۵۴ - هیچ حکم یا قرار را نمیتوان مجری داشت مگر اینکه بطرفین یا بواکیل آنان اعلام شده باشد.

ماده ۴۵۵ - هر گاه وکیل استعفا کرده یا فوت شده باشد اعلامات لازم با قید جهت آن سوکل میشود.

مبحث دوم - در احکام غیابی

ماده ۴۵۶ - در اموریکه رسیدگی به آن اخصائس مجاکم عدلیه است در صورتیکه یکی از متداعین یا هر دو طرف در موعد مقرر در جلسه مجاکم حاضر نشوند قواعد ذیل باید مرعی شود.

۱ - هر گاه مدعی علیه حاضر نشد مدعی میتواند از محکمه خواهش کند که به توضیحات شفاهی او رسیدگی گردد حکم بدهد و یا آنکه مدعی علیه را مجدداً احضار کند.

۲ - هر گاه مدعی حاضر نشد بدون اینکه از محکمه خواهش کرده باشد که در غیاب او رسیدگی کرده حکم بدهد محکمه رسیدگی را موقوف نموده و بخواهش مدعی علیه حکم خسارات وارده بر مدعی علیه را بواسطه احضار بی جهت مینهد و با آنکه بخواهش مدعی علیه شروع بر رسیدگی کرده و اقداماتیکه باید محکمه قانوناً برای تهیه حکم از قبیل رسیدگی بدلائل و غیره بنماید بعمل می آورد در صورت موقوفی مجاکم مدعی میتواند عرض حال مجدد داده تجدید مجاکم نماید.

ماده ۴۵۷ - هر گاه هیچ کدام از طرفین حاضر نشدند بدون اینکه از محکمه خواهش رسیدگی را در غیاب خودشان کرده باشند رسیدگی بدعوا از نوبت خارج و بدان کار رسیدگی نخواهد شد مگر اینکه یکی از متداعین رسیدگی بدعوا را بخواهد.

ماده ۴۵۸ - هر گاه مدعی علیه حاضر نشد ولی در جواب کتبی خود از محکمه خواهش نمود که در غیاب او بوجوب جوابی که داده است رسیدگی کرده و حکم بدهد این حکم محکمه غیابی محسوب نخواهد شد در این مورد مدعی علیه میتواند از محکمه خواهش کند که سواد حکم محکمه را باقامتگاه واقعی او برساند منوط بنظر محکمه است که حضور مدعی علیه را در این موارد برای دادن توضیحات شفاهی بخواهد یا نه.

ماده ۴۵۹ - مدعی علیه نیز می تواند خواهش کند که محکمه در غیاب او رسیدگی کرده حکم بدهد و چنین حکمی غیابی محسوب نخواهد شد هر گاه حضور مدعی را محکمه برای دادن توضیحات شفاهی لازم بداند می تواند او را احضار کند و اگر مدعی حاضر نشد محکمه رسیدگی را موقوف میدارد و یا بخواهش مدعی علیه شروع بر رسیدگی می کند.

ماده ۴۶۰ - در صورتیکه مدعی اقامه دلایلی کند که محتاج به رسیدگی باشد مدعی علیه در موعد مقرر حاضر نشود محکمه بدون اینکه حکم در ماهیت دعوا نماید قرار در باب رسیدگی بدلائل میدهد و این قرار محکمه در حکم حضوری محسوب بوده از این جهت قابل اعتراض نخواهد بود.

ماده ۴۶۱ - هر گاه مدعی علیه غایب قبل از اینکه محکمه رأی بدهد حاضر شد محکمه حضور او را بدیرتوجه توضیحات شفاهی او را منظور خواهد داشت و حکمی که پس از آن صادر می شود غیابی محسوب نخواهد شد.

ماده ۴۶۲ - هر گاه در کاری مدعی علیهم متعدد باشند و بعضی حاضر شده برخی حاضر نشوند حکم محکمه بعد از رسیدگی نسبت بهم آنان که حاضر نشده اند غیابی خواهد بود همین طور است در موارد مدعی های متعدد حکمی که باحضور بعضی از آنان صادر می شود نسبت بقائین از آنان غیابی محسوب خواهد بود.

ماده ۴۶۳ - سواد حکم غیابی به محکوم علیه غایب در اقامتگاهی که انتخاب کرده و به محکمه اطلاع داده است ابلاغ میشود و هر گاه مدعی علیه غایب اقامتگاه خود را اطلاع نداده است در اقامتگاهی که مدعی به محکمه نشان داده است ابلاغ می شود.

ماده ۴۶۴ - هر گاه اقامتگاه محکوم علیه غایب را مدعی معین ننماید حکم غیابی اعلان می شود و هر گاه مدعی علیه غایب مال غیر مقولی دارد سواد حکم بدانجا نیز فرستاده می شود.

ماده ۴۶۵ - محکوم علیه غایب می تواند بر حکم غیابی اعتراض نماید و مدت این اعتراض هشت روز است قبل از اقتضا مدت مزبوره اجرای حکم غیابی جایز نیست مگر در مواردی که محکمه قانوناً حکم اجرای موقت را داده باشد.

ماده ۴۶۶ - مدت مذکوره در ماده قبل از تاریخ ابلاغ واقعی سواد حکم غیابی بدعی

علیه غایب حساب میشود حق مساوت هم برای هر چهار فرسخ محل اقامت محکوم علیه غایب از مقرر محکمه يك روز منظور می شود .

ماده ۴۱۷ - هر گاه محکوم علیه غایب در مدت مقرر اعتراض ننمود اعتراض او دیگر پذیرفته نخواهد شد ولی مشار الیه می تواند در مدت مقرر حکم صادر را استیناف نماید .

ماده ۴۱۸ - در اعتراض خود بر حکم غیابی محکوم علیه غایب باید یا جواب دعوی مدعی را بدهد یا اگر جواب خود را سابقاً داده است بآن اشاره کرده نسخ حکم غیابی را خواستار شود .

ماده ۴۱۹ - عرضحال اعتراض در دو مورد به صاحبش عودت داده می شود .

۱ - در صورت انقضای مدت اعتراض

۲ - در صورتیکه وکیل وکالت نامه خود را بعرضحال ضمیمه نکرده باشد و مراتب در صورت مجلس معاکه قید می شود ؛

ماده ۴۲۰ - عرضحال اعتراض بلا اثر میباشد و قرار محکمه در آن باب صاحب آن اعلام میشود که توافقی را رفع نماید .

۱ - وقتیکه موافق ترفه که ثانویاً مقرر است مخارج معاکه تادیه نشده باشد .

۲ - وقتی که تده سوادها پذیر کفایت نباشد . در صورتیکه سواد سندی را با اعتراض نامه منضم نموده باشد .

ماده ۴۲۱ - قرار محکمه را در باب عدم قبول اعتراض بر حکم غیابی میتوان قبل از صدور حکم محکمه دراصل دعوا استیناف نمود ولی قرار محکمه را در باب قبول اعتراض فقط میتوان با حکم در اصل دعوا استیناف کرد .

ماده ۴۲۲ - چنانکه محکمه اعتراض محکوم علیه غایب را قبول کرد سوادى از اعتراض و منضات آنرا بطرف مقابل فرستاده روز جلسه را معین و بطرفین اعلام میکند بعد از رسیدگی مجدد محکمه حکمی میدهد که حکم سابق را از اعتبار میاندازد .

ماده ۴۲۳ - اعتراض محکوم علیه غایب حکم اجرائی موقت را توقیف نمیکند مگر اینکه در اول اعتراض یا در حین معاکه ثانوی مادام که حکم مجدد صادر نشده است محکوم علیه غایب توقیف اجرائی موقت حکم غیابی را بخواهد باین خواهش مدعی علیه محکمه مکلف است که بقبول یا عدم قبول در ظرف سه روز جواب بدهد .

ماده ۴۲۴ - در موارد مستعجله در باب توقیف اجرائی موقت حکم غیابی رئیس محکمه می تواند رأی بدهد ولی مکلف است که بعد موافق ماده (۳۷۸) رفتار نماید .

ماده ۴۲۵ - هر گاه محکوم علیه غایب بعد از اعتراض و قبول اعتراض او برای رسیدگی ثانوی باز حاضر نشد و حکم غیابی ثانوی صادر شد محکوم علیه غیاب دیگر نمیتواند برای حکم

ثانوی مجدداً اعتراض نماید ولی میتواند حکم ثانوی را در مدت مقرر استیناف نماید
ماده ۴۲۶ - هر گاه مدعی در مدت يك سال اجرائی حکم غیابی را که صادر و موافق قانون بمحکوم علیه غایب اعلام شده تقاضا نکند دیگر حق تقاضای اجرائی آنرا نخواهد داشت .

مبحث سوم - در اجرائی موقت احکام

ماده ۴۲۷ - احکام محاکم ابتدائی مادام که اعتبار احکام قطعی را نیافته است اجرائی نمیشود مگر اینکه خود محکمه در باب اجرائی موقت در احکام قرار بدهد .

ماده ۴۲۸ - اجرائی موقت احکام فقط بخواهش یکی از متداعیین میشود و آنهم مخصوص است بموارد مفصله ذیل :

۱ - وقتی که حکم بموجب استنادی صادر شده که اعتبار آنها معقق است و یا آنکه حکم بموجب استناد عادی صادر شده ولی طرف اعتبار آن اسناد را اعتراف کرده .

۲ - وقتی که موعد اجازه منقضی شده و بموجب حکم محکمه مستاجر محکوم شده است برد یا تسلیم یا تخلیه عین مستاجر .

۳ - در موقتی که محکمه حکم کرده است که عین مدعی به از تصرف عدوانی خارج شده به مالک ذیق تسلیم شود .

۴ - وقتی که در منازعات راجعه باجیر نمودن و اجیر شدن حکم محکمه در باب مرخصی اجیر صادر شده است .

۵ - در کلیه مواردی که اوضاع و احوال مدلل کند که بواسطه تاخیر اجرائی حکم یا قرار محکمه خسارت کلی برای محکوم له حاصل خواهد شد و یا آنکه تاخیر باعث عدم اجرائی حکم یا قرار در آتیه خواهد بود .

ماده ۴۲۹ - تأمین که در مورد اجرائی موقت از محکوم له خواسته میشود بطوری است که در ماده (۳۸۰) معین است .

ماده ۴۳۰ - محکمه می تواند نسبت بخواهش اجرائی موقت موضوع کلی قرار اجرائی بعضی از اجراء آن را بدهد ولی در صورتیکه تفکیک جزء از کل ممکن باشد .

ماده ۴۳۱ - در صورتیکه از اجرائی موقت حکم برای محکوم علیه خسارتی وارد نیاید که نتوان مقدار آنرا صحیحاً معین کرد و تأمین از محکوم له گرفت خواهش اجرائی موقت پذیرفته نمی شود ولو اینکه محکوم له تأمین لازم را بدهد موافق ماده (۴۲۹) .

ماده ۴۳۲ - هر گاه محکمه ابتدائی در حکم یا قرارى که میدهد در اجرائی موقت آن حکم یا قرار رائی نداده باشد دیگر نمیتواند مجدداً در آن باب رأی بدهد و محکوم له فقط میتواند بچکمه استیناف رجوع نموده اجرائی موقت را بخواهد .

ماده ۴۳۳ - محکمه استیناف خواهش محکوم له را بطرف ابلاغ کرده رسیدگی کرده حکم می دهد بدون اینکه رسیدگی بخواهش اجرائی موقت را منوط بر رسیدگی بماهیت دعوی بدارد

باب سیم
در استیناف احکام
فصل اول
مواد عمومی

ماده ۴۸۴ - احکام غیر قطعی محاکم ابتدائی در موعودی که قانون معین مینماید قابل استیناف است.

ماده ۴۸۵ - احکام مفصله الذیل قابل استیناف نیستند.

- ۱ - احکامی که از محاکم ابتدائی استینافاً صادر شده (نسبت باحکام محاکم صلحیه).
- ۲ - احکام غیر قطعی محاکم ابتدائی که بواسطه انقضای موعود استیناف قطعی شده اند.
- ۳ - احکام محاکم ابتدائی که بر طبق احکام عدول مجتهدین جامع الشرایط کتباً صادر شده است.
- ۴ - احکامی که بر طبق حکم حکم یا مصدقین صادر شده است که متذاتین بوجوب سند در تعیین آنان تراضی کرده رای آنان را قاطع دعوی دانسته اند.
- ۵ - در صورتیکه مدعیین بوجوب سند تراضی کرده باشند که بدعوی آنان فقط یک دفعه رسیدگی و بطور قطعی حکم صادر شود.
- ۶ - احکام مستند با قرار اسناد یا صورت مجلس در دو مورد مذکور قهره چهارم و پنجم باید با مضای اصحاب دعوا تهور و مضمی باشد.

ماده ۴۸۶ - دعوائی که غیر قابل استیناف است در صورتی که متداعیین هم باستیناف آن راضی باشند و در حکم محکمه ابتدائی هم ذکر نشده باشد که آن حکم بطور قطعی صادر شده است استیناف نمی شود حتی اگر اتفاقاً در آن حکم قید شده باشد که استیناف آن ممکن است باز آن حکم را استیناف نمی توان نمود.

ماده ۴۸۷ - اگر دعوا را جهات عدیده باشد ممکن نیست یکی از آن جهات را تقریباً استیناف نمود ولی ممکن است قرار هائی را که قبل از صدور حکم یا با حکم داده می شود در مواردی که قانون اجازه داده است علیحده از حکم استیناف نمود رجوع بمواد (۱۶۲) و (۱۶۳) و (۳۶۹) و (۳۷۶) و (۴۱۸) و (۴۲۶) و (۴۷۱) و (۴۸۴) و (۵۰۴)

ماده ۴۸۸ - قرار هائیکه از محکمه در خصوص دعوی صلاحیت صادر می شود قابل استیناف است لیکن در صورتیکه رسیدگی بدعوا از وظایف محکمه بوده که رسیدگی کرده است

و بیک سبب قانونی نقل آن به محکمه دیگر هم ممکن بوده ولی قبل از شروع به محاکمه نقل آن را به محکمه دیگر در خواست نموده اند در این صورت قراریکه در آن خصوص داده میشود قابل استیناف نخواهد بود.

ماده ۴۸۹ - لازم است تقاضای استیناف از طرف مدعی یا مدعی علیه و یا قائم مقام آنان مثل وراث و اوصیاء و وکلا، ماذون بر استیناف و سایر اشخاصیکه قانوناً این سبب را دارند بشود.

فصل دوم

در موعود استیناف

ماده ۴۹۰ - مهلتی که برای استیناف احکام محاکم ابتدائی معین شده است برای اشخاصیکه در ایران مقیمند (۳۱) روز است و برای کسانی که در خارجه مقیمند مدت موافق ماده (۲۱۷) است مهلت استیناف از تاریخ ابلاغ حکم بطرفین یا محل اقامت آنان محسوب میشود هرگاه محل اقامت یکی از متداعیین که در ایران مقیمند در شهریکه مقر محکمه استیناف است نباشد بر مدت مقرر به هر چهار فرسخ مسافت یک روز علاوه می شود.

ماده ۴۹۱ - در موارد حکم غیابی مدت استیناف از روز انقضای مهلت اعتراض محسوب می شود.

ماده ۴۹۲ - مهلت استیناف قرار های محکمه که قابل شکایت استینافی است از روز اعلام آن قرار ها بطرفین یک هفته است.

ماده ۴۹۳ - اگر صدور حکم از روی سند معمول باشد مدت مهلت استیناف از تاریخ اثبات جعلیت آن سند در محکمه محسوب میشود و اگر یکی از طرفین را سندی بوده باشد که مدار حکم بر آن سند است و محکومیت طرف مذکور بواسطه کتمان آن سند در دست طرف مقابل باشد مهلت استیناف از تاریخ وصول آن سند بدست صاحب خود شروع میشود در صورت اخیری صاحب سند باید روز وصول سند را بدست خود فقط بوجوب نوشته ثابت نماید.

ماده ۴۹۴ - در صورت فوت یا جنون مستانف قبل از انقضای مدت استیناف جریان استیناف توقیف شده و ابتدای مدت از تاریخ ابلاغ حکم بوراث یا قیم یا قائم مقام مستانف محسوب خواهد شد ابلاغ حکم را میتوان بنام وراث من حیث الجعوع نمود بدون تعیین اسم و شغل آنان.

ماده ۴۹۵ - با انقضای مدت استیناف حق استیناف هر یک از طرفین ساقط می شود ولی اگر در مدت استیناف از طرف قائم مقام طرفین استیناف نشده باشد منقضی حق خواهد داشت که در محکمه ابتدائی بر قائم مقام خود اقامه دعوا نماید.

فصل سوم

در عرضحال و مقدمات رسیدگی استینافی

ماده ۴۹۶ - استیناف دعوا بتقدیم عرضحال میشود و این عرضحال باید مستقیماً به محکمه استیناف داده شود و تاریخ تقدیم و ثبت آن ابتدای دعوای استینافی خواهد بود لازم است در آن عرضحال اسم و شهرت و شغل و محل اقامت متناقص و مستأنف علیه و حکم و قراریکه استیناف می شود و اینکه صدور حکم از کدام محکمه است و تاریخ ابلاغ آن بمتناقص و جهت استیناف و طلب حضور متناقص علیه یا وکیل او بنحکه درج شود.

ماده ۴۹۷ - بمرضحال مذکور باید ضمیمه شود .

۱ - لایحه که متضمن ادعا و اعتراضات متناقص باشد .

۲ - التزامنامه متناقص که هر گاه غیر محق در آید خسارات وارده بر متناقص علیه را از مصارف محاکم ابتدائی و استینافی خواهد پرداخت .

۳ - قبض صندوق محکمه در باب ودیعه نهادن مبلغی که عبارت است از صدی چهار مبلغ محکوم به حکم محکمه ابتدائی و هر گاه موضوع استیناف مالی نباشد مطلقاً ده تومان است .

۴ - وکالت نامه مصدقه وکیل در صورتیکه عرضحال را وکیل تقدیم می کند .

ماده ۴۹۸ - از مبلغ مذکور در ماده قبل در صورتیکه متناقص غیر محق در آید بمتناقص علیه در ازای مصارف مجاکمه و خسارات وارده بر او که ثابت شده تادیه خواهد شد و تادیه مصارف مجاکمه بر تادیه خسارات مقدم است و اگر متناقص محق شد مبلغ مذکور به او مسترد میشود هر گاه مصارف و خسارات متناقص علیه بعد از ثبوت حقانیت او بیش از مبلغی است که در صندوق گذاشته شده است متناقص بوجوب التزامنامه بحکم محکمه خواهد پرداخت .

ماده ۴۹۹ - هر عریضه استینافی که دارای شرایط مذکور در ماده (۴۹۶) و (۴۹۷) نباشد قبول نخواهد شد عدم قبول عرضحال باید در ظرف سه روز از تاریخ ورود عرضحال بدتر خانه محکمه استیناف از طرف دفتر خانه مذکور به مامورین اعلام شود که نواقص را رفع نماید و اگر بمرتب شدن عریضه جدیدی محتاج باشد متناقص را تا انقضای مهلت استیناف این حق خواهد بود هر گاه بواسطه مسامحه یا اجمال مامورین محکمه اعلام مذکور در موعد مقرر بعمل نیامد و مهلت استیناف منقضی شد متناقص میتواند بحکمه شکایت نماید و محکمه بعد از ثبوت حقانیت متناقص مهلت استیناف او را تجدید نموده مراتب را بدعی الموم اطلاع می دهد .

ماده ۵۰۰ - در صورتیکه مهلت استیناف منقضی شده باشد عرضحال متناقص بوجوب فرار محکمه استیناف باو مسترد میشود .

ماده ۵۰۱ - سواد مصدق عرضحال با منضمات آن بمتناقص علیه ابلاغ میشود و مشار الیه

قانون محاکمات حقوقی

در ظرف يك هفته لایحه که متضمن جوابهای او است ترتیب داده و بحکمه تقدیم مینماید پس از آن جلسه رسیدگی معین و بطرفین اعلام می شود هر يك از متناقص و مستأنف علیه باید شخصاً یا وکیل آنان در روز معین برای رؤیت دعوا در محکمه استیناف حضور بهم رسانند و اگر یکی از آنان بر خلاف این قاعده رفتار کرد بوجوب درخواست طرف حکم غیابی داده میشود ولی در این صورت محکوم علیه غایب می تواند بر حسب قانون در محکمه استیناف بان حکم اعتراض نماید .

ماده ۵۰۲ - در موارد استیناف احکامیکه با ترتیبات اختصاری صادر شده است ترتیب لایحه از طرف متناقص و مستأنف علیه لازم نیست بلکه متناقص باید فقط عرضحال استینافی بضمیمه قبض صندوق و التزامنامه که در ماده (۴۹۷) مذکور است تقدیم نماید و نسخه ثانوی عرضحال با احضار به طرف مقابل ابلاغ و برای جلسه که معین شده است احضار میشود .

ماده ۵۰۳ - اگر دريك حکم یا قراریکه استیناف شده اجرای موقتی آنها درج نشده باشد استیناف آن حکم یا آن قرار اجرای آنها را بتأخیر میندازد .

ماده ۵۰۴ - هر گاه اجرای موقت حکم یا قراریکه قابل استیناف است قانوناً جایز بوده و این نکته در حکم یا قرار تصریح نشده باشد متناقص علیه میتواند قبل از رسیدگی بدعوای استیناف عریضه تقدیم کرده و تأمین بدهد که در صورت محکومیت خود مبلغ محکوم به را رد نماید و پس از آن از محکمه استیناف اجرای موقتی آن حکم یا قرار را درخواست کند و همچنین اگر محکمه ابتدائی بدون سبب قانونی قرار اجرای موقتی حکم را داده باشد متناقص میتواند که بر وفق اصول متناقص علیه را معجلاً به محکمه استیناف جلب و اجرای موقتی آن حکم را منع نماید .

ماده ۵۰۵ - اگر محکمه ابتدائی در مواردیکه قانوناً مأذون به اصدار حکم قطعی بوده در حکم خود قطعی بودن حکم را قید نماید و یا قید کند که آن حکم قابل استیناف است استیناف آن حکم قبول نخواهد شد و هر گاه محکمه در مواردیکه مأذون باصدار حکم قطعی نبوده در حکم خود قطعی بودن آنرا قید کرده باشد استیناف آن حکم قبول خواهد شد در مورد اخیر محکمه استیناف اجرای حکم را تعطیل نمیکند تا وقتی که غیر قطعی بودن آن ثابت شود بعد از ثبوت باید معجلاً طرفین را احضار و تکلیف حکم را معین نماید .

فصل چهارم

در شرایط و ترتیب رسیدگی استینافی

ماده ۵۰۶ - ممکن نیست که در محکمه استیناف ادعای جدیدی نمود یعنی ادعائی غیر از آنکه در محکمه ابتدائی شده است ولی دعاوی مفصله ادعای جدید محسوب میشود .

۱ - اگر متناقص تقاضای تادیه قیمت مالی را بنماید که در محکمه ابتدائی محکوم به بوده است که طرف فروخته و یا مفقود داشته .

- ۲ - در صورتیکه در مقابل اصل ادعا که راجع بطلب باشد ادعای تقاس یا حساب بشود .
 ۳ - ادعای وجه اجاره و پس افتادن آن و سایر متفرعات از قبیل ضرر و زیان که بعد از صدور حکم ابتدائی بدعی به اصلی تعلق گرفته .
 ۴ - وقتی که ابراز دلایل جدیدی برای ابطال ادعای اصلی بشود .
ماده ۵۰۷ - کسی غیر از صاحبان دعوی که در محاکمه ابتدائی بوده اند حق ندارد داخل دعوی استینافی شود .
ماده ۵۰۸ - اگر مستأنف دعوی خود را بدون عذر موجه قانونی سه ماه متوالی ترک نماید بنا بخواهش مستأنف علیه محکمه در سقوط دعوی استینافی قرار داده و حکم محکمه ابتدائی بمنزله حکم قطعی محسوب میشود .
ماده ۵۰۹ - اصول و قواعدی که در محاکم ابتدائی در خصوص ترتیبات محاکمه و صدور حکم رعایت میشود در محاکم استینافی نیز مرعی خواهد بود مگر در مواردیکه صریحاً تکلیف آنها در این باب کتاب معین است .
ماده ۵۱۰ - محکمه استیناف هر گاه دید حکمی که تقاضای استیناف آن شده قابل استیناف نبوده قرار دادی عرضه حال را رد و حکم محکمه ابتدائی را تایید می کند و هر گاه بعد از رسیدگی مستأنف را محق دید مجدداً ببا هیت دعوا رسیدگی نموده حکم میدهد .
ماده ۵۱۱ - هر گاه با حکمی که از محکمه استیناف قبلاً صادر می شود اعتراض شود بدعوی اعتراضی در خود محکمه استیناف بروتق اصول محاکمات رسیدگی می شود .
ماده ۵۱۲ - احکام حضوریکه از محاکم استیناف صادر می شود و همچنین احکامی که غیاباً صادر شده و در موعد مقرر برای اعتراض عریضه اعتراض داده نشده باشد قطعی محسوب می شود .
ماده ۵۱۳ - هر یک از طرفین که در محکمه استیناف غیر محق درآمد به تادیبه کلیه مصارفی که طرف کرده و مطالبه می نماید اعم از مصارف محکمه ابتدائی و استیناف به نحوی که در ماده (۴۹۷) و (۴۹۸) مذکور است محکوم خواهد شد .

باب چهارم

در وسایلی فوق العاده برای اعتراض بر حکم

فصل اول

در اعتراض شخص ثالث بعد از صدور حکم

ماده ۵۱۴ - اگر در خصوص دعوائی حکمی صادر شود که بر حقوق شخص ثالث خللی

- وارد آورد و آن شخص چه اصالتاً و چه بتوسط وکیل نه در حین محاکمه و صدور حکم بمحکمه احضار شده و نه در محاکمه دخالت کرده باشد ممکن است که بر آن حکم اعتراض نماید .
ماده ۵۱۵ - در مورد ماده قبل شخص ثالث حق دارد که بهر گونه حکم و قرار صادر از محاکم ابتدائی و استیناف اعتراض نماید و همچنین چون حکم در حق غیر از کسانی که او را معین کرده اند نافذ و مجری نیست شخص ثالث می تواند بر حکم او هم اعتراض نماید .
ماده ۵۱۶ - اعتراض مذکور در دو ماده قبل بر دو قسم است اعتراض اصلی و اعتراض طاری (غیر اصلی) اعتراض اصلی عبارت است از اعتراضی که ابتداء از طرف شخص ثالث واقع شود در حالی که فیما بین او و شخصی که حکم در حق او صادر شده است سابقاً دعوائی بوقوع نرسیده باشد اعتراض طاری (غیر اصلی) اعتراض یکی از طرفین است بر حکمی که سابقاً از یک محکمه صادر شده و در اتنای محاکمه طرف دیگر برای اثبات مدعای خود آن حکم را ابراز نمود .
ماده ۵۱۷ - هر گاه محقق شود که دعوی شخص معترض بی اصل است معترض بتحمل خساراتی را که از بابت اعتراض او بطرف مقابل وارد آمده و ثابت شده محکوم می شود .
ماده ۵۱۸ - اعتراض اصلی را باید بموجب عریضه تقدیم نمود و این عریضه بمحکمه رجوع می شود که حکم معترض علیه از آنجا صادر شده و احضار طرفین نیز بعمل می آید .
ماده ۵۱۹ - اعتراض طاری (غیر اصلی) کتیباً یا شفاهاً بدون اینکه محتاج به تقدیم عرضه حال جدید و احضار طرفین باشد بمحکمه که دعوی در آنجا رؤیت می شود بیان خواهد شد ولی اگر درجه آن محکمه پست تر از محکمه باشد که حکم معترض علیه را صادر کرده است لازم است که معترض عریضه بمحکمه که حکم را صادر کرده است تقدیم نماید و طرفین موافق اصول بآن محکمه احضار شوند .
ماده ۵۲۰ - ممکن است که اعتراض طاری (غیر اصلی) تا روز اجرای حکم معترض علیه اقامه شود و بعد از اجرای حکم معترض علیه هم شخص ثالث می تواند اعتراض نماید و هر گاه مدلل نماید که حقوقی که اساس و مأخذ اعتراض است بجهتی از جهات قانونی ساقط نشده است .
ماده ۵۲۱ - در صورت وقوع اعتراض طاری غیر اصلی از طرف شخص ثالث هر گاه محکمه موافق اصول و کیفیات مسئله مشاهده کند حکمی که در خصوص اعتراض مذکور صادر میشود تغییر در اصل دعوی خواهد داد حکم اصل دعوی را بتأخیر انداخته منتظر نتیجه دعوی اعتراض می شود والا به دعوی اصلی رسیدگی کرده منفرداً قطع می نماید .
ماده ۵۲۲ - اعتراض شخص ثالث اجرای احکام قطعی را بتأخیر نمی اندازد ولی اگر ثابت گردد که از اجرای حکم معترض علیه خطر یا ضرری واقع خواهد شد که جبران آن در آتیسه ممکن نخواهد بود محکمه که دعوی اعتراض در آن اقامه شده است بعد از تحصیل تأمین صحیح از شخص معترض قرار دادی در تأخیر اجرای حکم معترض علیه بدست معین می دهد ؛
ماده ۵۲۳ - اگر محقق شود که اعتراض شخص ثالث مقبول است از حکم معترض علیه

فقط مواد راجعه بحقوق شخص معترض رد می شود و باقی مواد حکم بجای خود باقی میماند ولی اگر مواد حکم مذکور غیر قابل تفکیک باشد در اینصورت کلیه آن حکم رد می شود.

فصل دوم

در اعاده محکمه - (تجدید نظر)

مبحث اول

در موارد اعاده محاکمه

ماده ۵۲۴ - در صورت وجود یکی از جهات اعاده محاکمه در احکامی که بطور قطعی حضوراً از محاکم ابتدائی و استیناف صادر شده و همچنین در احکامی که غیاباً صادر و قطعی شده (بواسطه انقضای مدت اعتراض در محکمه استیناف و انقضای مدت استیناف احکام غیابی محکمه ابتدائی) میتوان اعاده محاکمه نمود.

ماده ۵۲۵ - در این صورت باید خود یا وکیل شخصی که مستدعی اعاده محاکمه است عریضه متضمن استدعای خود تقدیم و جهت یا جهاتی را که برای اعاده محاکمه قانوناً معین شده است در عریضه خود بیان نماید.

ماده ۵۲۶ - جهات اعاده محاکمه از قرار تفصیل است.

۱ - صدور حکم در مطلبی که موضوع ادعاه نبوده.

۲ - در صورتیکه حکم بمقدار بیشتر از مدعی به صادر شده است.

۳ - در صورتیکه از محکمه ابتدائی یا استیناف حکم قطعی صادر شده و حکم مذکور مغایر یا حکم سابق است که همان محکمه در خصوص همان دعوا و مسابین همان اصحاب دعوا داده است بعبارة آخری در صورت صدور حکم جدیدی برخلاف حکم سابق بدون اینکه سبب قانونی وجود داشته و موجب این مغایرت باشد.

۴ - در موردی که در مفاد يك حکم مواد متضاد باشد.

۵ - در صورتیکه طرف مقابل مستدعی اعاده محاکمه حیل و تقلبی نموده باشد که در حکم محکمه اثری داشته باشد.

۶ - اگر ثابت گردد که اسناد و نوشتجاتی که اساس حکم و قرار محکمه اتخاذ شده است مزور و مجعول بوده است.

۷ - اگر بعد از صدور حکم اسناد و نوشتجاتی که راجع بآن حکم است بدست صاحب آن نیاید و ثابت شود که آن اسناد و نوشتجات را طرف مقابل مکتوم داشته و یا باعث کتمان آنها بوده.

۸ - هرگاه محقق شود که در مواردیکه قانون دخالت مدعی العموم را در محاکمه حقوقی تقاضا میکند محاکمه بدون مداخله او شده و حکم بر علیه طرفی صادر شده که حضور مدعی العموم برای حفظ منافع اوست.

مبحث دوم

در موعد اعاده محاکمه

ماده ۵۲۷ - مدت مهلت معینه برای اعاده محاکمه همان است که برای استیناف قانوناً معین شده است و هرگاه عرضحال اعاده محاکمه در ظرف همان مدت تقدیم نشود قبول نخواهد شد.

ماده ۵۲۸ - اگر حکم در حضور طرفین صادر شده باشد مدت استدعای اعاده محاکمه در غیر از موارد مندرجه در مواد (۵۳۰) الی (۵۳۳) از تاریخ ابلاغ حکم طرفین یا به محل اقامت آنان و اگر غیابی باشد از انقضای مدت معینه برای اعتراض و استیناف یعنی از تاریخ قطعی شدن بر آن حکم محسوب میشود.

ماده ۵۲۹ - اگر سبب اعاده محاکمه فقره اول و دوم ماده (۵۲۶) و طرفی که متضرر شده است اداره خیرات عمومی باشد از موعد مقرر مستثنی است.

ماده ۵۴۰ - در مورد ماده قبل هر وقت مدعی (اداره خیرات عمومی) بتواند ثابت کند که حکم در خارج از موضوع ادعا یا زیاد تر از مقدار مدعی به صادر شده حق اعاده محاکمه را خواهد داشت.

ماده ۵۴۱ - مدت اعاده محاکمه در مواردی که از خصایص محاکم عدلیه است در حق صغار که ولی یا قیم نداشته اند از تاریخ حکم بصفار یا به محل اقامت آنان بعد از وصول بحد بلوغ محسوب میشود و هر گاه ولی یا قیم داشته اند در روز ابلاغ حکم بولی یا قیم محسوب میشود.

ماده ۵۴۲ - اگر سبب اعاده محاکمه معمول یا مزور بودن اسنادی باشد که ابراز شده یا بواسطه حيله و تقلبی که طرف مقابل کرده یا بجهت وجود بعضی اسناد و نوشتجات مکتومه در نزد طرف مقابل یا اشخاص دیگر که ابراز آنها در حین محاکمه نشده در این سه مورد مهلت قانونی برای تقدیم عرضحال اعاده محاکمه از روز ثبوت جعلیت اسناد یا محقق شدن حيله و تقلب طرف مقابل در محکمه که صلاحیت دارد یا روز وصول نوشتجات مکتومه بدست صاحب آنها محسوب خواهد شد ولی در مورد کشف تقلب و اسناد مکتومه لازم است که اثبات بروز آن بواسطه اسناد کتبی باشد.

ماده ۵۴۳ - اگر محکوم علیه قبل از انقضای مدت اعاده محاکمه وفات کند یا ممنون شود ابتدای مدت از تاریخ ابلاغ حکم بورثه یا ولی محسوب خواهد شد.

مبحث سیم

در استدعای اعاده محاکمه و ترتیب رسیدگی

ماده ۵۴۴ - عرضحال اعاده محاکمه باید بهمان محکمه داده شود که حکم را صادر کرده است و همان هیئت محاکمه که حکم را داده اند اعاده محاکمه مینمایند اگر استدعای اعاده محاکمه برای ابطال حکمی باشد که از يك محکمه صادر شده و در

محکمه دیگر در حین رسیدگی بدعوای دیگری جزء دلایل اقامه شده است و استدعای اعاده محاکمه به محکمه آخری داده شود آن محکمه مکلف است که عرضحال اعاده محاکمه را به محکمه که حکم را صادر کرده است رجوع نماید و خودش موافق احوال و کیفیات مسئله کاری را که در تحت رسیدگی است تاختم اعاده محاکمه توقیف نماید و یا رسیدگی را تعقیب کرده به انجام برساند.

ماده ۵۴۵ - عریضه اعاده محاکمه قبول نمیشود مگر اینکه عارض برای تأدیه ضرر و زیانی که بطرف مقابل میتواند وارد شود مبلغی در صندوق محکمه و دیعه گذاشته قبض آن را بر عرضحال ضمیمه کند مبلغ مذکور در اعاده محاکمه معادل باصدی پنج مبلغ یا قیمت محکوم به خواهد بود و دیعه گذاشتن مبلغ مذکور باعث نمی شود که متضرر نتواند بیش از آن مبلغ ادعای خسارات نماید هر گاه استدعای اعاده محاکمه راجع بدولت و ادارات دولتی است و دیعه مبلغ مذکور لازم نیست در مواردی که نتوان محکوم به را تقدیر کرد (موضوع آن مالی نباشد) مقطوعاً بیست و پنج تومان و دیعه گذاشته می شود.

ماده ۵۴۶ - استدعای اعاده محاکمه اجرای حکمی را که اعاده آن استدعا شده است بتأخیر نمی اندازد و اگر تأخیر اجرای آن استدعا شده باشد محکمه نمیتواند بمجرد استدعای بهیچوجه من الوجوه حکم بتأخیر اجراء نماید.

ماده ۵۴۷ - در محاکمه که بموجب استدعای اعاده محکمه میشود غیر از جهاتی که در ماده (۵۲۶) مندرج است سبب دیگری را نمیتوان موضوع محاکمه قرار داد.

ماده ۵۴۸ - اگر ظاهر گردد که استدعای اعاده محاکمه مبنی بر اساس نیست استدعای مذکور رد و عارض بتأدیه خسارت طرف مقابل از وجه نقدی که در صندوق محکمه و دیعه گذاشته است محکوم می شود و هر گاه طرف مقابل ثابت نماید که خسارت او بیش از مبلغی است که در صندوق محکمه و دیعه گذاشته است عارض غیر محق

بتأدی به باقی خسارت طرف مقابل نیز محکوم می شود.

ماده ۵۳۹ - اگر اسبابی که برای اعاده محاکمه ذکر شده موافق قانون موجود باشد قراری در محکمه داده میشود که بموجب آن استدعای اعاده محاکمه قبول شود و مبلغی که در صندوق محکمه امانت است بصاحب آن رد شود و اجرای حکم سابق به تأخیر افتد و طرفین بحالت قبل از صدور حکم سابق که باعث اعاده محاکمه شده است معاودت مینمایند ولی اگر محکوم به سابق حاوی چند ماده بوده و اعاده محاکمه راجع به بعضی از آن مواد باشد اجرای بقیه مواد به تأخیر نمی افتد.

ماده ۵۴۰ - پس از اینکه محکمه در باب قبول اعاده محاکمه قرار لازم داد بماهیت دعوی در همان محکمه با حضور طرفین رسیدگی و تحقیقات شده حکم جدیدی صادر می شود.

ماده ۵۴۱ - در خصوص حکمی که بر حسب استدعای اعاده محاکمه صادر شده است دیگر استدعای اعاده محاکمه نمیتوان نمود.

فصل سوم

در تمیز احکام

مبحث اول

در مواد عمومی

ماده ۵۴۲ - احکام مفصله الذیل قابل تمیز هستند.

- ۱ - احکام حضوری معاکم استیناف.
 - ۲ - احکام غیابی معاکم استیناف که مدت اعتراض بر آنها منقضی شده است.
 - ۳ - احکام قطعی معاکم ابتدائی.
 - ۴ - احکام قابل استیناف که از معاکم ابتدائی چه حضوراً و چه غیاباً صادر شده ولی بواسطه انتضای مدت استیناف قطعی گشته اند.
- ماده ۵۴۳ -** احکام مفصله قابل تمیز نیست.

- ۱ - احکامیکه از معاکم عدلیه بر طبق احکام عدول مجتهدین جامع شرایط صادر شده.
- ۲ - احکامیکه مستند باقرار ضریح باشد.
- ۳ - حکم حکم و مصدقین که طریقین در انتخاب آنان تراصی نوده و بموجب التزام قانونی حکم آنانرا قاطع دانسته اند.

۴ - در صورتیکه طریقین بالتزام قانونی ملتزم بموقوف حق تمیز شده باشند.
ماده ۵۴۴ - مهلت تمیز برای سکنه ایران دو ماه است و برای کسانیکه مقیم ممالک خارجه اند سه ماه و ابتدای این مدت از قرار تفصیل است:

- ۱ - برای احکام معاکم استیناف (الف) - در صورتیکه حکم حضوری باشد از روز ابلاغ آن بطرفین (ب) - در صورتیکه غیابی باشد از روز انتضای مدت اعتراض بر آن.
- ۲ - برای احکام معاکم ابتدائی (الف) - در صورتیکه حکم حضوری بطور قطعی صادر شده باشد از روز ابلاغ آن بطرفین (ب) - اگر حکم حضوری قابل استیناف بوده استیناف شده باشد از روز انتضای مدت استیناف (ج) - هر گاه حکم محکمه ابتدائی غیابی باشد از روز انتضای مدت استیناف.

ماده ۵۴۵ - مدت تمیز بواسطه فوت محکوم علیه توقیف شده و ابتدای مدت از تاریخ ابلاغ حکم پورته یا قیم آنان محسوب خواهد شد.

مبحث دوم

در ترتیب استدعای تمیز

ماده ۵۴۶ - استدعای تمیز بموجب تقدیم عرضحال می شود و این عرضحال در طهران مستقیماً بمحکمه تمیز و در خارج طهران به محکمه استیناف و اگر نباشد به محکمه ابتدائی تقدیم خواهد شد و قبض رسید در نبات میشود.

ماده ۵۴۷ - عرضحال در طرف مدت مذکور در ماده (۵۴۴) یکی از مقامات مذکور باید داده و ثبت شود و الا مدت تمیز منقضی خواهد شد و لازم است که در عرضحال تاریخ روز و ماه و سال و اسم و شهرت و شغل و محل اقامت مدعی و مدعی علیه و اینکه حکمی که تمیز میشود از کدام محکمه صادر شده و تاریخ ابلاغ حکم محکمه کنی بوده است و چه مفاسرتی با قانون دارد ضریحاً قید شود.

ماده ۵۴۸ - به عرضحال مذکور در ماده قبل باید منضم شود.

- ۱ - صورت حکمی که تمیز میشود.
- ۲ - لایحه مضمین مواد ادعا و ادله مستدعی تمیز و ایضاح و تفصیل اعتراضات او.
- ۳ - قبض صندوق محکمه ابتدائی یا استیناف در وصول مبلغی سکه برای ضمانت ضرر و

زبان طرف مقابل در صورت محق بودن او بودیمه گذاشته میشود مقدار این مبلغ مساویست با صدی پنج قیمت محکوم به حکمی که تمیز میشود و هر گاه محکوم به را نتوان تقدیر کرد (یعنی موضوع حکم مالی نباشد) بازده تومان مقطوعاً ودیمه گذاشته میشود .

ماده ۴۹۹ - عرضحالی که بر وفق دو ماده قبل نباشد قبول نمیشود و اگر مدت تمیز منقضی نشده باشد به مستدعی تمیز در ظرف سه روز از طرف دفتر خانه اعلام می شود که نواقص عرضحال را رفع کند و اگر مدت تمیز منقضی شده باشد عرضحال بصاحبش رد میشود .

ماده ۵۰۰ - هر گاه دفتر خانه محکمه ابتدائی یا استیناف نواقص عرضحال تمیزی را در موقع خود عارض اعلام ننماید و مدت تمیز منقضی گردد عارض میتواند بمحکمه تمیز شکایت نماید و محکمه مذکور بعد از رسیدگی و اثبات حقانیت عارض دو هفته مهلت میدهد که نواقص عرضحال خود را تکمیل نماید و هر گاه در مدت مذکور عارض نواقص مذکور را رفع نکرد عرضحال قطعاً رد میشود و هر گاه محکمه ابتدائی یا استیناف بدون سبب قانونی عرضحال را رد کند پس از شکایت بدیوان تمیز محکمه تمیز قراری در بر قرار می شود حق تمیز عارض داده و مهلتی که در هر حال نباید بیش از مهلت قانونی باشد برای تقدیم عرضحال معین میکنند و مراتب را در هر دو مورد بمدعی العموم محکمه تمیز اعلام میدارد .

ماده ۵۰۱ - استدعای تمیز اجرای احکام را تا وقتی که احکام تقض نشده است بتأخیر نمی اندازد ولی هر گاه اجرای حکم موجب ضرر و زیانی برای مستدعی شود که تدارک آن در آتی ممکن نباشد و مستدعی تمیز تا مین صحت بطوریکه برای تأمین مدعی به مصرح است بدهد بر اینکه در صورت عدم حقانیت مثل محکوم به را تسلیم طرف مقابل خواهد نمود اجرای حکم بتأخیر می افتد هر گاه لازم شود که محکوم به تقاضی ودیمه گذاشته شود در طهران بصدوق وزارت عدلیه و در ولایات بصدوق محاکم تسلیم میشود .

ماده ۵۰۲ - سواد عرضحال و لایحه که موافق ماده (۵۰۱) باید منضم بعرض حال باشد از طرف دفتر دار محکمه مصدق شده و در عرض یک هفته از تاریخ تقدیم آن بمدعی علیه ابلاغ میشود و مدعی علیه نیز مکلف است که در ظرف یک هفته از تاریخ وصول سواد عرضحال و لایحه یاو لایحه جوابیه متضمن اظهارات و مدافعات و تسلیم ادله که بر ضد اعتراضات مدعی دارد ترتیب داده و بدفتر خانه محکمه که تقدیم عرضحال شده است بدهد .

ماده ۵۰۳ - در صورتیکه عریضه تمیزی به محکمه ابتدائی یا استیناف تقدیم شده باشد دفتر دار محکمه مکلف است سواد عرضحال و متضمنات آنرا مصدق نموده و بمدعی علیه ابلاغ نماید و پس از اینکه لایحه جوابیه را در ظرف یک هفته در یافت داشت توضیحات طرفین را رئیس محکمه در لاف باد داشت اگر لازم باشد با اولین بیت بمحکمه تمیز ارسال داند و اگر عرض حالی که مستدعی بطریق مذکور در فوق بدفتر خانه محکمه تقدیم نموده است جامع شرایط مقتضیه نباشد بشارت الیه اخطار میشود که شرایط را تکمیل نماید ولی اگر مستدعی تمیز آنرا تکمیل نکند و هم

چنین در صورتیکه مدعی علیه در ظرف یک هفته لایحه جوابیه را ندهد عریضه تمیزی بتأخیر نیافتاده فوراً بمحکمه تمیز فرستاده میشود در این صورت دفتر دار ابتدائی یا استیناف باید در یادداشتی که بعریضه مذکور منضم و به محکمه تمیز ارسال میدارد تاریخ تقدیم عرضحال و متضمنات آن را و کیفیت اخطاری که بستدعی شده است تصریح نماید و هر یک از مأمورین محاکم که بواسطه عدم رعایت این ماده و ماده (۵۰۰) سبب تأخیر ارسال عریضه و باعث ضرر یکی از طرفین شده مورد مجازات خواهد بود .

مبحث سیم

در احضار متداعیین و ترتیب رسیدگی

ماده ۵۰۴ - پس از وصول عریضه به محکمه تمیز و انتضای یک هفته از ابلاغ آن بمدعی علیه بحسب ترتیب ثبت عرایض در دفتر مخصوص روز حضور در محکمه معین شده و طرفین یا وکیل آنان به محکمه احضار می شوند و اگر مدعی علیه در طهران اقامت داشته باشد مهلتی که در ورقه احضار معین میشود نباید کمتر از یک هفته از تاریخ ابلاغ ورقه مذکور باشد و اگر در خارج باشد برای هر چهار فرسخ مسافت یک روز بر مدت مذکور اضافه میشود .

ماده ۵۰۵ - اوراق احضار که بخارج داده میشود باید از طرف رئیس محکمه تمیز بر رئیس محکمه ابتدائی که در محل اقامت احضار شونده واقع است فرستاده شود رئیس مذکور مکلف است که ورقه مذکور را به محض وصول به شخص یا به محل اقامت احضار شده موافق اصول احضار ابلاغ و رسید احضار شونده را در ضمن مراسله جوابیه بر رئیس محکمه تمیز ارسال دارد .

ماده ۵۰۶ - رئیس هر شعبه عرایض و اعتراضات واجوبه و استاد طرفین را با دوسه محکمه که حکم آن تمیز می شود با نظریات یک یا چند نفر از اعضای شعبه برای تحقیق و تدقیق داده و مدتی که زیادتر از ده روز نباشد از برای دادن رایرت معین می نماید .

ماده ۵۰۷ - بعد از اینکه ممیز تحقیقات خود را تمام و در حضور اعضا قرائت نمود بدیوان دیوان تمیز در مسئله رد یا قبول عرضحال تمیزی موافق قانون مذاقه نموده قرار رد یا قبول را میدهد و هر گاه قرار قبول داد شروع بر رسیدگی تمیزی در اصل دعوی می نماید و رئیس شعبه آنچه را که صلاح بداند از متداعیین استفسار می کند و سؤال و جواب را منشی نوشته طرفین در خاتمه آن مهر و امضا می نماید .

ماده ۵۰۸ - بعد از اتمام استفسار از طرفین در رایرت ممیز آنچه ضرورت داشته باشد اصلاح میشود .

ماده ۵۰۹ - ترتیب رسیدگی و اتمام مذاکره و گرفتن رای به طریقی است که موافق

اصول محاکمات مقرر است .

ماده ۵۶۰ - بعد از اینکه اعضاء شعبه حقوق رای دادند طرفین اخصار و رای دیوان تمیز از تقض و ابرام بر آنها قرائت می شود .

ماده ۵۶۱ - صورت رای با امضاء اعضاء شعبه باید بهنشی تسلیم شود که در دفتر یا قید نمره و تاریخ ثبت نماید .

ماده ۵۶۲ - محکمه تمیز بدعوا از روی لوابح و نوشتجات رسیدگی و تدقیق میکند اخصار طرفین به محکمه فقط برای توضیح اظهارات و اعتراضات و جواب هائی است که در عریضه و لوابح آنها بیان شده است بنا بر این بعد از آنکه در روز معین نوشتجات موجوده در حضور طرفین یا در غیاب یکی از آنان در صورت عدم حضور بعد از اخصار قرائت شد محکمه به تدقیقات تمیزی مباشرت کرده و حکمی که صادر میشود معتبر خواهد بود .

ماده ۵۶۳ - اگر تدقیق دعوی در روز معین تمام نشد و بجزله دیگری معول گشت روز حضور معین شده بطرفین اعلام می شود و اگر طرفین در روز مذکور حاضر نشدند در غیاب آنان بر رسیدگی مداومت خواهد شد .

ماده ۵۶۴ - هر گاه علاوه بر توضیحات و اوراقی که طرفین تقدیم کرده اند اطلاع سایر نوشتجات مقتضی باشد محکمه تمیز میتواند سایر اوراق را خواسته مطالعه نماید .

ماده ۵۶۵ - مقصود از تمیز تدقیق در حکمی است که تمیز شده و در صورت توافق حکم مذکور با قوانین و اصول محاکمه آن حکم ابرام والا تقض میشود .

مبحث چهارم

در موارد تقض و ابرام

ماده ۵۶۶ - در موارد چهارگانه ذیل احکام تقض میشود (۱) اگر محکمه که حکم داده است خارج از صلاحیت قانونی خود بدعوائی رسیدگی کرده (۲) هر گاه رسیدگی موافق صلاحیت قانونی محکمه بوده ولی حکم برخلاف قانون صادر شده (۳) اگر ادعائی بر خلاف اصول محاکمه رسیدگی شده و عدم رعایت اصول مذکور بدرجه اهمیت دارد که حکم را از اعتبار حکم قانونی میندازد (۴) اگر احکامیکه از دو محکمه در يك موضوع و ماده صادر شده میان هم دیگر باشد

ماده ۵۶۷ - هر گاه قضیه در محکمه ردیوت شده باشد که رسیدگی بآن اصالتا از خصایض آن محکمه نبوده و همچنین اگر بدعوائی تجارتی در محکمه حقوق و یا بدعوائی حقوقی در محکمه تجارتی و یا بدعوائی که از خصایض محاکم شرعیه است در محاکم عرفیه و یا بدعوائی که از خصایض محکمه ابتدائیه است در محکمه استیناف و یا بدعوائی که از خصایض محکمه استیناف است در محکمه ابتدائی یا خارج از مرجع استینافی آن دعوی رسیدگی شده باشد حکم صادر تقض میشود ولو اینکه

در اتنای رسیدگی خواه در محکمه ابتدائی و خواه در استیناف از قبل هیچک از متداعیین در این خصوص اعتراض نشده باشد ولی اگر دعوائی از خصایض یکی از محاکم تجارتی بوده و در محکمه تجارتی دیگر رسیدگی شده و یا راجع به یکی از محاکم ابتدائیه بوده و در محکمه ابتدائیه دیگر ردیوت شده و در اتنای رسیدگی هیچک از طرفین اعتراض نکرده اند حکم صادر تقض نمیشود .

ماده ۵۶۸ - حکم صادر در خصوص دعوائی مادام که حکم مذکور با قوانین جاریه که در حین وقوع آن دعوی معتبر و مجری بوده مخالف نباشد تقض نمیشود .

ماده ۵۶۹ - هر گاه عین مفاد حکم مطابق یکی از مواد قانونی است ولی اسباب موجه حکم با ماده قانونی دیگری که معنی دیگری دارد تطبیق شده آن حکم تقض میشود .

ماده ۵۷۰ - اگر در دعوائی که از قرارداد ناشی شده بفراد صریح سند یا بقانون و نظامنامه متعلقه بآن قرارداد معنی دیگری داده شود حکم صادر در آن خصوص تقض میشود

ماده ۵۷۱ - اصول و کیفیاتی که برای تأیید مفاد حکمی در خود حکم مندرج است در محکمه تمیز معتقد و معتبر محسوب است ولی چنانچه از اوراقی که اساس آن اصول و کیفیات است و یا از اسناد و نوشتجاتی که طرفین در حین محاکمه ابراز میکنند عدم صحت مندرجات مذکور ثابت گردد حکم مذکور تقض میشود

ماده ۵۷۲ - هر گاه در یکی از محاکم بر خلاف اصول محاکمه بدعوائی رسیدگی شده باشد در دو مورد حکم آن محکمه تقض میشود

۱ - هر گاه اصول محاکمه که رعایت نشده بوظایف محکمه راجع بوده و عدم رعایت اصول مزبور بدرجه اهمیت داشته که در حکم محکمه نافذ و مؤثر بوده و بهمان جهت نمیتوان حکم محکمه را حکم قانونی دانست

۲ - اگر مدعی یا مدعی علیه بعد رعایت اصلی از اصول ترتیبات محاکمه اعتراض نموده باشند و بآن اعتراض رسیدگی نشده باشد

ماده ۵۷۳ - اگر احکام متغایر از يك محکمه و یا از محاکم ابتدائیکه در حوزه يك محکمه استیناف هستند صادر شده و در موقع اعاده محاکمه یا استیناف بر خلاف قوانین مقرره نسخ نشده باشد در محکمه تمیز تقض میشود

ماده ۵۷۴ - هر گاه احکام متغایر از دو محکمه صادر شده و احکام مذکور متعلق بیک دعوی و راجع به متداعیین معین باشد بدون اینکه صورت قضیه تغییر کرده باشد در این صورت حکم نای تقض و حکم اولی نیز در صورتیکه مخالف قانون باشد تقض میشود

ماده ۵۷۵ - اگر يك حکم متغایر صریح قانون باشد با اصول ترتیبات محاکمه رعایت نشده باشد و آن عدم رعایت بدرجه اهمیت داشته باشد که در حکم محکمه مؤثر و آن را از اعتبار حکم قانونی میندازد آن حکم تقض میشود ولو دلایلی که بستمدعی تمیز برای تقض اقامه میکند کافی و موجب تقض نباشد

مبحث پنجم

در اقدام محکمه تمیز بعد از نقض

ماده ۵۷۶ - محکمه تمیز باصل و ماهیت دعوائیکه حکم آن را نقض میکند رسیدگی ننموده رسیدگی را به محکمه که قانون معین میکند محول میدارد

ماده ۵۷۷ - اگر حکم بواسطه عدم صلاحیت محکمه نقض شده محکمه تمیز دعوی را مستقیماً بمحکمه که صلاحیت رسیدگی را دارم محول می کند و در سایر موارد شعبه دیگر همان محکمه که حکم منقوض را داده است رجوع میکند و اگر محکمه بیش از یک شعبه نداشته باشد خود دیوان تمیز محکمه را که در عرض محکمه حاکمه است معین و رسیدگی مجدد را بدان ارجاع مینماید

ماده ۵۷۸ - اگر یکی از دو حکم متعارض هم که بصورت قطعی صادر شده موافق قانون بوده و دیگری نقض شود مجدداً بدعوی رسیدگی نمیشود ولی هر گاه هر دو نقض شوند دعوی بمحکمه که موافق ماده قبل محول میشود تا بعد از رسیدگی حکم مجدداً صادر شود

ماده ۵۷۹ - برای تصحیح حکم منقوض یا تجدید رسیدگی بدعوی بعد از نقض تقدیم عریضه جدید لازم نیست بلکه ارائه حکم محکمه تمیز کافی است

ماده ۵۸۰ - هر گاه حکمی در محکمه تمیز بواسطه وجود یک یا چندین سبب از اسبابی که موجب نقض میشود نقض شده و برای تجدید رسیدگی به محکمه مرجوعه محول گشته اگر مفاد حکم تانی که صادر میشود بهمان علت و اسبابیکه مفاد حکم منقوض مبتنی بر آن بوده مستند باشد و مجدداً یکی از طرفین نقض آن را بخواهند هیئت عمومی محکمه تمیز در خصوص آن حکم تدقیقات جدیدی بعمل آورد و عنداللزوم آنرا نقض میکند و اگر حکمی سکه در خصوص نقض تانی داده میشود مستند به همان علت و اسبابی باشد که موجب نقض حکم اولی شده بود محکمه که دعوی به آن محل میشود بامتثال حکم محکمه تمیز مکلف است

ماده ۵۸۱ - در حکمی که در محکمه تمیز صادر میشود باید اسم و شهرت و شغل و محل اقامت طرفین و حکمی که به تمیز رجوع شده است و خلاصه اعتراضات و ادله طرفین و اسبابی که موجب نقض یا تصدیق آن حکم میشود ذکر شود

ماده ۵۸۲ - تمام احکام دیوان تمیز باید بتوسط مدعی العموم دیوان مذکور بوزیر عدلیه تقدیم شود

مبحث ششم

در تمیزیکه از طرف مدعی العموم تقاضا میشود

ماده ۵۸۳ - چنانچه در ماده (۱۳۶) قانون تشکیلات عدلیه مقرر است مدعی العموم دیوان

تمیز حق دارد برای محافظت قانون حکم قطعی را که بر خلاف قوانین صادر شده تمیز نماید
ماده ۵۸۴ - تقاضای تمیز از طرف مدعی العموم دیوان تمیز مدت ندارد هر وقت مطلع شد میتواند تمیز نماید

ماده ۵۸۵ - رسیدگی تمیزی که تقاضای آن از طرف مدعی العموم شده چون برای حفظ قانون است بدون حضور متداعیین بعمل می آید و هر گاه حکم نقض شد نقض بلاارجاع خواهد بود
ماده ۵۸۶ - نقض محکمه تمیز در مورد سه ماده قبل فایده برای متداعیین نخواهد داشت

باب پنجم

در مواعد

فصل اول

قواعد عمومی در حساب کردن مواعد

ماده ۵۸۷ - مواعیدی را که قانون معین نکرده باید بنظر و تصویب محکمه معین شود و مواعیدی را که محکمه معین میکند باید موافقت داشته باشد با امکان انجام امری که برای ایفای آن موعد تقاضا تعیین شده (ماه که در مواعد قانون معین شده و میشود سی روز تمام است)

ماده ۵۸۸ - هر گاه روز آخر موعد مصادف شود با روز تعطیل ادارات آن روز که ادارات تعطیل است بحساب نمی رود و روز آخر موعد روزی خواهد بود که ادارات بعد از تعطیل باز میشوند

تبصره - در تعطیل ادارات اعیان ملی و مملکتی و روزهای مخصوص سوگواری مذهبی رعایت خواهد شد

ماده ۵۸۹ - هر گاه در روزی که برای حضور تعیین متداعیین در محکمه معین شده است محکمه جلسه نداشته یا مانعی برای رسیدگی داشته باشد انقضای موعد روزی خواهد بود که محکمه جلسه داشته و حاضر باشد

ماده ۵۹۰ - در مواعیدی که محکمه روز و تاریخ انقضای آنرا مخصوصاً معین

کرده است در همان روز و تاریخ منقضی میشود.

فصل دوم

در دادن مهلت و تجدید مواعد

ماده ۵۹۱ - دادن مهلت فقط یکدفعه جایز است باستثناء دو مورد ذیل که می توان بیش از یکدفعه مهلت داد (۱) در صورت تراضی متداعیین یا اصحاب دعوا (۲) در صورتی که تقاضا کننده مهلت ثابت نماید که عدم انجام کاریکه محکمه خواسته است بواسطه حدوث مواعی بوده که رفع آن مواعی در حیطة اقتدار تقاضا کننده نبوده است .

ماده ۵۹۲ - دادن مهلت بعد از انقضای مدت قانونی در موارد ذیل ممنوع است
۱ - برای اعتراض بر حکم غیابی و تقدیم عرضحال استینافی چه از حکم و چه از قرار محکمه و عرضحال راجع باعتراض شخص ثالث بعد از صدور حکم و اعاده محاکمه و تمیز .

۲ - وقتی که متداعیین بعد از انقضاء موعدی که معین شده بود مجدداً استمهال نمایند مگر اینکه در مورد فقره ثانوی بمحکمه ثابت نمایند که در اعلام مدت مهلت مزبور سهو یا خطائی شده است که بدان جهت رعایت قوانین راجعه بموعد را ممکن نبود .

ماده ۵۹۳ - مرض متداعیین را با امکان توکیل نمی توان جهت عدم استفادة از موعد و استمهال قرارداد .

ماده ۵۹۴ - خواهش تجدید موعد در صورتی پذیرفته است که مواعی یا معاذیر تقاضا کننده مشروع بوده و رفع مواعی در حیطة اقتدار او نباشد .

ماده ۵۹۵ - خواهش تجدید موعد منقضی بمحکمه راجع است که اوراق و

نوشتهجات بآن محکمه ارسال شده است و همان محکمه بتقاضای مزبور رسیدگی کرده قرار میدهد .

ماده ۵۹۶ - هر گاه کسی استدعای تجدید موعد نماید باید در ظرف دو هفته استدعای مزبور بعمل آید و ابتدای این موعد از تاریخی است که محکمه قرار خود را در باب انقضای موعد مقرر اعلام نموده است حق مسافت یک روز برای هر چهار فرسخ بر موعد مزبور علاوه میشود .

ماده ۵۹۷ - سواد خواهش تقاضا کننده بطرف مقابل اعلام و تاریخ حضور طرفین در محکمه معین و بآنان ابلاغ میشود .

ماده ۵۹۸ - در صورت قبول خواهش تقاضا کننده موعد جدیدی معین و این موعد جدید بهیچوجه نباید بیش از موعدیکه قانوناً مقرر است باشد و ابتدای موعد مجدداً از تاریخ اعلام قرار محکمه در باب قبول خواهش تجدید موعد حساب خواهد شد .

باب ششم

در اجرای احکام محاکم عدلیه

فصل اول

در قواعد عمومی

مبحث اول

در مقدمات اجرا

ماده ۵۹۹ - هیچ حکمی از احکام محاکم عدلیه بموقع اجرا گذاشته نمیشود مگر اینکه قطعی شده یا قرار اجرای موقت آن در مواردی که قانون معین میکند از

محکمه که صلاحیت دارد صادر شده باشد .

ماده ۶۰۰ - احکام محاکم عدلیه فقط وقتی بموقع اجرا گذاشته می شود که محکوم له این تقاضا را از محکمه بکند و محکوم له که اجرای حکم خود را می خواهد باید کتباً یا شفاهاً صدور ورقة اجرائیه را تقاضا نماید .

ماده ۶۰۱ - ورقة اجرا باید بامضای رئیس و منشی محکمه رسیده بمهر محکمه مهور باشد هر گاه مدعی یا مدعی علیه متعدد باشند یا حکم راجع باموال منقول یا غیر منقول متعدد باشد میتواند بعده هر کدام ورقة اجرائیه داد .

ماده ۶۰۲ - در ورقة اجرائیه باید اسم مأمور اجرا صریحاً نوشته شود و بعد از تبلیغ ورقة اجرائیه تمام عملیات اجرا بمعده اوست .

ماده ۶۰۳ - مأمور اجرا مکلف است بتقاضای محکوم علیه اصل ورقة اجرائیه را باو ارائه دهد .

ماده ۶۰۴ - حکمی که موضوع آن معین نیست قابل اجرا نمیباشد .

ماده ۶۰۵ - محکوم علیه و محکوم له میتوانند هر يك دونفر شاهد برای حضور در حین عملیات اجرا دعوت نمایند ولی عدم حضور شهود مانع از اجرای حکم نخواهد بود .

ماده ۶۰۶ - محکوم له حق دارد وسیله اجرای حکم را بمأمور اجرا بنماید و هر گاه مشارالیه آن وسیله را در نظر نگرفت تقاضا کند که این نکته در دفتر مشارالیه نوشته شود .

ماده ۶۰۷ - محکوم له حق دارد در حین عملیات اجرا حاضر باشد ولی نمیتواند دخالت در امر اجرا نموده تعلیماتی بدهد که از وظایف مأمور اجرا است .

ماده ۶۰۸ - مأمور اجرا باید مطالب مفصله در دفتر خودش درج نماید

(۱) - اسم و اسم پدر خود و محکمه که از آن مأموریت دارد (۲) - مفاد حکم

محکمه که بموقع اجرا گذاشته میشود و تاریخ وصول ورقة اجرائیه باو (۳) - اسم و شهرت و شغل محکوم له و محکوم علیه و شهودی که حاضرند (۴) - تاریخ شروع باجرا و عملی که در آنجا حکم اجرا میشود (۵) - اقداماتی که کرده است و تاریخ هر اقدامی (۶) - تصریح بمهلت هائی که داده شده است یا توفیقاتی که در حین اجرا بعمل آمده است (۷) - مقدار محکوم به و تاریخ تسلیم آن بمحکوم له (۸) - حق اجرائی که بخزانة تسلیم شده است .

ماده ۶۰۹ - مأمور اجرا بتقاضای محکوم له و محکوم علیه باید سواد مصدقی از مندرجات دفتر خود بآنان بدهد و حق سواد در تعرفه معین است .

ماده ۶۱۰ - بعد از مباشرت باجرا مأمور اجرا حق ندارد اجرای حکم را تعطیل یا توقیف و یا قطع نماید مگر بقرار محکمه که حکم داده است یا برابر فیض محکوم له که از محکوم علیه مبلغ محکوم به رسیده است و یا بالآخره رضایت نامه کتبی محکوم له در تعطیل یا توقیف و یا قطع اجرا تخلف مأمور اجرا از وظایف خود باعث مجازاتی که معین شده است خواهد بود .

ماده ۶۱۱ - مأمور اجرا محکوم به را به محکوم علیه تسلیم نموده فیض رسید میگیرد و هر گاه محکوم به نباید بمشارالیه داده شود بمحکمه که حکم داده است تسلیم می شود .

ماده ۶۱۲ - در صورتیکه مال محکوم علیه کفایت حق طلبکار یا طلبکاران را ننماید مأمور اجرا مبلغ محکوم به را بمحکمه تسلیم می نماید که موافق فصل ششم این باب رفتار بشود .

ماده ۶۱۳ - اجرای حکم را مأمور اجرا در روی ورقة اجرا قید کرده بمحکمه که آنرا داده است مسترد میدارد و بمحکوم علیه فیض اجرای حکم را میدهد .

ماده ۶۱۴ - هر گاه محکوم علیه در حین اجرا فوت شود تا زمان معین شدن

ورثه یا قیم (در صورت صغیر بودن آنها) اجرا توقیف میشود.

ماده ۶۱۵ - شکایت از مامورین اجرا و تخلفات آنان از حدود قانونی به مدعی العموم محکمه راجع است که مامور اجرا در آن محکمه ماموریت دارد ولی منازعات راجعه بمفاد احکام راجع است بمحکمه که حکم داده است.

ماده ۶۱۶ - شکایات مزبوره باید در ظرف دو هفته از تاریخ وقوع ماده شکایات یا اظهارات بعمل آید و الابی اثر خواهد ماند.

ماده ۶۱۷ - شکایت از مامورین اجرا باعث تعویق یا توقیف اجرای حکم نمیشود مگر اینکه قرار محکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد بتقاضای مدعی العموم آن باب صادر شود.

ماده ۶۱۸ - در مورد حدوث اختلاف و منازعه در مفاد حکم تقدیم احضار نامه باعث تأخیر اجرای حکم خواهد شد تا زمانیکه محکمه که حکم را داده است قرار لازم را بدهد.

ماده ۶۱۹ - بعد از وصول اظهار نامه محکمه سواد اظهار نامه را بطرف مقابل ابلاغ نموده معجلاً مشار الیه را برای رسیدگی احضار می کند ولی عدم حضور احضار شده باعث تعویق رسیدگی و دادن قرار نمی شود.

مبحث دوم

در کیفیت اجرا

ماده ۶۲۰ - هر گاه محکوم علیه طوعاً مدلول حکم محکمه را قبول ننموده مامور اجرا بموجب مواد آتیه مدلول حکم را اجرا مینماید.

ماده ۶۲۱ - هر گاه محکوم به عین معین از منقول یا غیر منقول است و برای مأمور اجرا ممکن است که گرفته بمحکوم له تسلیم نماید عیناً گرفته بدی حق خواهد

داد و اگر برای تسلیم آن یا تخلیه محل مدتی لازم باشد باندازه لزوم مهلت داده میشود

ماده ۶۲۲ - اگر محکوم علیه اقدام بتصرف دادن محکوم به نکند مأمور اجرا موافق قانون اقدام کرده بتصرف محکوم له میدهد و هر گاه محکوم به عین معین است ولیکن محکوم علیه اصرار در انکار دارد یا مخفی کرده است و دست رسی بآن شیئی نیست محکوم علیه ممتنع محسوب خواهد شد

ماده ۶۲۳ - هر گاه محکوم علیه ممتنع مال منقول یا غیر منقول دیگری دارد برای اداء دین او در ازای عین محکوم به توقیف میشود (رجوع بفصل دوم این باب) و اگر مال دیگری که دست رس بآن باشد نداشته باشد یا مال منقول یا غیر منقول محکوم علیه ممتنع ایفای دین او را ننماید موافق مواد آتیه رفتار میشود.

ماده ۶۲۴ - در صورتی که محکوم علیه مدعی افلاس شده و اثبات نمود یا افلاس او از سابق معلوم بود شخص اواز توقیف مصون است ولیکن ذمه مدیرین مشغول است و هر وقت تمکن حاصل نماید محکمه بموجب اظهار طلبکار در صدد مطالبه حق او بر میاید
تنبیه - مقصود از مفلس غیر از ورشکسته بتقصیر است یا ورشکسته به بی احتیاطی که مجازات آنان در قانون مجازات معین شده

ماده ۶۲۵ - اگر افلاس محکوم علیه معلوم نیست و خودش هم در صدد اثبات افلاس بر نیامده و امتناع از ادای دین دارد مجبوس میشود و هر گاه در اتنای حبس افلاس او محقق شد رها میشود.

ماده ۶۲۶ - اگر طلبکار خودش قبل از انقضاء مدت حبس استدعای خلاصی مجبوس را نماید مجدداً حق استدعای حبس او را نخواهد داشت.

ماده ۶۲۷ - هر گاه محکوم له ثابت نماید که محکوم علیه در صدد فرار است حق دارد بتوسط مامور اجرا ضامن یا کفیل از او بخواهد در صورتیکه محکوم علیه امتناع از دادن ضامن یا کفیل نماید به تقاضای محکوم له توقیف میشود.

فصل دوم

در توقیف اموال منقوله

مبحث اول

در مواد عمومی

ماده ۶۳۸ - عدم حضور محکوم له و محکوم علیه و شهود مانع از اجرای توقیف نخواهد بود.

ماده ۶۳۹ - مأمور اجرا باید در موارد مفصله ماموری از نظمیة برای حضور در عملیات توقیف دعوت نماید (۱) هر گاه در خانه یا اطلاق بسته است و یا قفل است و باز نمیکنند (۲) هر گاه توقیف در غیاب محکوم علیه بعمل میاید.

ماده ۶۴۰ - اشیاء مفصله که از مستثنیات دین است توقیف نمیشود (۱) لباس و اشیاء و اسبابی که برای ایفای حوائج ضروریه مدیون و خانواده او لازم است (۲) آذوقه موجوده بقدر احتیاج يك ماهه مدیون و نفقه و کسوه اشخاص واجب النفقه (۳) اسناد مدیون با مستثنای کاغذ های قیمتی و سهام شرکت ها (۴) لباس رسمی و نیم رسمی مدیون و همچنین اسلحه و اسب نظام حاضر خدمت (۵) اسباب و آلات زراعتی و حرفتی و صنعتی که برای شغل مدیون لازم است و همچنین دوابی که برای زراعت لازم است.

مبحث دوم

در ترتیب صورتی که از اموال منقوله

بر داشته می شود

ماده ۶۴۱ - قبل از توقیف اموال منقوله باید صورتی مرتب شود که در آن

کایه اسامی اشیاء نوشته شود و در موقع لزوم کیل و وزن و عدد اشیاء معین شود در صورت اشیاء طلا و نقره هر گاه عیار آنها معین باشد قید میشود در جواهرات عدد و اندازه و صفات و اسامی آنها معین می شود و در کتابها اسم کتاب و مؤلف و تاریخ طبع و در صورت تصویر و پرده های نقاشی مفاد پرده و طول و عرض آنها و اسم نقاش و در مال التجاره چه در انبار باشد و چه در جای دیگر اسم مال التجاره و عدده عدل و نمره آنها تصریح میشود از سهام و کاغذ های قیمتی عدد و نوع و قیمت اسمی آنها در صورت معین میشود.

ماده ۶۴۲ - در صورت اشیاء کلیاً باید نو یا مستعمل بودن آنها قید شود.

ماده ۶۴۳ - در مواردی که صورت اشیاء موجود باشد مأمور اجرا صورت جدیدی ترتیب نداده بهمان صورت رسیدگی کرده اختلاف را قید می کند.

ماده ۶۴۴ - هر گاه نسبت به اشیائی که باید توقیف شود اشخاص ثالث اظهار حقی نمایند مأمور اجرا اسم مدعی و چگونگی اظهار او را قید می کند.

ماده ۶۴۵ - عدد و کیل و وزن باید تمام حروف و با اعداد نوشته شود صورت باید قیطان کشیده و مههور به مهر مأمور اجرا باشد.

ماده ۶۴۶ - در صورت باید تاریخ شروع و انجام نوشته شده و تصحیحات که در صورت سهو و اشتباه بعمل میاید در آخر صورت تصریح و به امضای مأمور اجرا برسد تراشیدن و پاک کردن در صورت ممنوع است.

ماده ۶۴۷ - در مواردی که داین و مدیون و شهود حاضر باشند صورت با امضای آنها میرسد و هر گاه امتناع از امضا نمایند مراتب در صورت قید می شود.

ماده ۶۴۸ - اشخاص مذکور در ماده قبل می توانند ایرادات خود را در باب صورت مرتبه به مأمور اجرا اظهار نمایند و هر گاه مأمور اجرا ایرادات آنرا قبول نکرده در آخر صورت جهات آنرا قید می کند.

ماده ۶۳۹ - به تقاضای داین و مدیون مامور اجرا باید سوادی از صورت مرتبه بانها بدهد حتی که از آنها گرفته میشود موافق تعرفه است .

ماده ۶۴۰ - هر گاه از اموال منقوله در جای محفوظ معینی باشد مامور اجرا مدخل آنجا را بسته و مهر وموم می نماید . و هر گاه اشیاء جای محفوظ و معین نباشد بهر کدام از اشیاء کاغذی وصل کرده مهر می کند داین و مدیون نیز می تواند مهر خود را پهلوی مهر مامور اجرا بزنند .

ماده ۶۴۱ - هر گاه طول توقیف باعث فساد بعضی اشیاء توقیف شده بشود باید اشیاء مزبور را جدا کرده طوری توقیف نمایند که بتوان سرکشی و مراقبت نمود .

ماده ۶۴۲ - هر گاه داین و مدیون در موقع عملیات توقیف حاضر نشوند یا حاضر شوند و ایرادی نمایند بعد حق ایراد و شکایت را از اقدامات مامور اجرا نخواهند داشت باستثنای مواردی که توقیف باید معجلا بدون انتظار حضور داین و مدیون مجری شود (مثلا در مورد توقیف اشیائی که ضایع شدنی است)

مبحث سوم

در تقویم اموال منقوله

ماده ۶۴۳ - تقویم اموال منقوله در حین توقیف بعمل می آید و در صورت درج می شود . تقویم را داین می کند با حضور مدیون و در صورت اختلاف در قیمت اشیاء هر کدام از طرفین حق دارند تقاضای تقویم مقوم را نمایند مخارج مقوم بعهدۀ شخصی است که او را خواستار شده است .

ماده ۶۴۴ - هر گاه طرفین در انتخاب مقوم تراضی نمایند یا طرفی حاضر نشود یا امتناع از تقویم نماید مدعی العموم و در غیاب او رئیس محکمه مقوم را معین میکنند . عده مقومین باید طاقی باشد و در صورتیکه اکثریت حاصل نشود حد وسط قیمت های

مقوم را مامور اجرا اختیار می کند .

مبحث چهارم

در حفظ اموال توقیف شده

ماده ۶۴۵ - اموالی که باید توقیف شود در همانجا که هست توقیف میشود و در صورت لزوم بجای محفوظی نقل میشود . در هر حال باید اموال توقیف شده را بشخص مسئولی سپرد .

تبصره - اموال دیگری را باسم مال مدیون در غیر خانه مدیون نمی توان توقیف کرد .

ماده ۶۴۶ - هر گاه در انتخاب چنین شخص مسئولی داین و مدیون تراضی نکردند مامور اجرا معین میکند .

ماده ۶۴۷ - مامور اجرا باید حتی المقدور کسی را معین نماید که دارائی داشته و بدون نقل اشیاء بجای دیگر مسئول حفظ آن شود .

ماده ۶۴۸ - مامور اجرا نمی تواند بدون تراضی کتبی طرفین اموال توقیف شده را باشخاص ذیل بسپارد : (۱) باقوام و اقربای خود تا درجه سوم (۲) بداین و مدیون و عیال آنان و همچنین باشخاصی که با داین و مدیون قرابت نسبی و سببی تا درجه سوم دارند و بمخدوم و خدمۀ آنان مگر اینکه شخص دیگری برای حفظ اموال توقیف شده پیدا نشود .

ماده ۶۴۹ - سواد صورت اموال توقیف شده بشخصی که مسئولیت حفظ را بر عهده گرفته داده شده و قبض رسید دریافت میشود .

ماده ۶۵۰ - شخص حافظ حق الحفظ میگیرد . و هر گاه داین و مدیون در این باب تراضی نکردند حق مزبور موافق تعرفه مقرر خواهد بود .

ماده ۶۵۱ - حافظ اشیاء توقیف شده حق ندارد اشیاء توقیف شده را استعمال نماید یا بکسی بدهد و الا از حق الحفظ مقرر محروم و بعلاوه مسئول خسارات وارده خواهد بود .

ماده ۶۵۲ - هر گاه حافظ اموال توقیف شده در اموال مذکوره تعدی نماید علاوه بر تادیه خسارت وارده از يك ماه الی یکسال بسته باهمیت تقصیر حبس خواهد شد
ماده ۶۵۳ - هر گاه اشیاء توقیف شده منافی داشته باشد حافظ اشیاء مزبور به باید حساب آنرا بدهد .

ماده ۶۵۴ - حق الزحمه حافظ اشیاء توقیف شده را در صورتیکه مدیون امتناع از ادای دین کرده مشارالیه با اطلاع مأمور اجرا میبردازد و در صورتیکه اشیاء فروخته شود از بقیه اشیاء میعه داده میشود و هر گاه مدیون امتناع نکرده باشد داین تادیه می کند .

مبحث پنجم

در توقیف اموال منقوله مدیون که در نزد اشخاص ثالث است

ماده ۶۵۵ - هر گاه معلوم شود که وجه نقد یا اموال منقوله دیگری از مدیون نزد اشخاص ثالث میباشد ورقه اجرائیه در باب توقیف آن بشخص ثالث ابلاغ و رسید ورقه دریافت میشود و مراتب را فوراً بمحکوم علیه نیز کتباً اعلام مینمایند .

ماده ۶۵۶ - بموجب رسیدی که می سپارند اشخاص ثالث مکلفند که اموال توقیف شده را بصاحب آن ندهند .

ماده ۶۵۷ - مقامات رسمی بعد از گرفتن ورقه اجرائیه مکلفند که از اموال محکوم علیه که در نزد آنهاست چیزی بمشار الیه ندهند مگر اشیائی که از مستثنیات دین است .

ماده ۶۵۸ - نقض دوماده قبل موجب مسئولیت شخص ثالث و مقامات رسمی در مقابل محکوم له خواهد بود . و در صورتیکه محکوم علیه مفلس باشد کسی که مال را بمحکوم علیه داده باید تادیه خسارت محکوم له را بقدر آنچه داده بنماید

ماده ۶۵۹ - هر گاه بموجب قرارداد اشخاص ثالث وجهی با قسط معینه بمحکوم علیه دادنی باشند در التزامی که بعد از ابلاغ ورقه اجرائیه میدهند باید صریحاً قید نمایند که چند قسط پرداخته شده و تادیه اقساط دیگری بر ذمه آنها هست یا نه وجه وقت خواهند داد و بعد از ابلاغ ورقه اجرائیه باشخاص ثالث اقساط را باید در نزد خود آنان توقیف نمود یا در نزد امینی که متداعیین یاد این و مدیون انتخاب کرده اند . و هر گاه تراضی نکنند در نزد امینی که محکمه معین می کند

ماده ۶۶۰ - در مورد ماده قبل هر گاه معلوم شود اشخاص ثالث اطلاعاتی که داده اند موافقت با واقع امر ندارد و کمتر از آنچه نزد آنان بود صورت داده اند باید از عهده خسارت محکوم له بر آیند

ماده ۶۶۱ - در صورتیکه حقوق دیوانی مدیون توقیف شود مراتب ذیل لازم الرعایه است (۱) هر گاه مدیون معیل یا صاحب اولاد باشد فقط ربع حقوق او بداین تادیه میشود و الا ثلث (۲) خرج مسافرت و مواجب اهل نظام که در جنک هستند توقیف نمیشود

ماده ۶۶۲ - در مواز دیکه طلب داین باید از حقوق دیوانی پرداخته شود و ورقه اجرائیه بداره بتوجه مدیون یا اداره لازمه دیگر ابلاغ و کسر از حقوق و تادیه آن بداین بعهدۀ رئیس آن اداره است

فصل سوم

در توقیف اموال غیر منقوله

مبحث اول

مواد عمومی

ماده ۶۶۳ - در مواردی که محکوم علیه امتناع از ادای محکوم به ننوده و محکوم به غیر منقول باید بتصرف طلبکار داده شود. و همچنین در مواردی که تأدیه دین باید از اموال غیر منقوله داین بعمل آید مأمور اجرا اطلاع نامه بمدیون فرستاده اعلام میدارد که هر گاه در ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ آن طلب داین تأدیه نشود مال غیر منقول بتصرف محکوم له داده خواهد شد یا از مال مذکور ادای دین بعمل خواهد آمد در همان وقتی که اعلان مذکور بعمل می آید مال غیر منقول مدیون توقیف و بدایره ثبت اسناد اطلاع داده میشود

ماده ۶۶۴ - از روز وصول اعلام مذکور مدیون نمیتواند مال غیر منقول را بکسی دیگر انتقال بدهد مگر بشرط معین در ماده (۶۶۵) و نیز حق ندارد از اشیاء و اسباب متعلقه بمال غیر منقول چیزی بفرود یا انتقال دهد. از اشجار و جنگل فقط باندازه میتواند بیاندازد که برای حفظ مال غیر منقول از خرابی لازم باشد. تخلف از مفاد این ماده مستلزم حبس است که بسته با اهمیت تقصیر بنظر محکمه از يك ماه الی شش ماه معین خواهد شد و بعلاوه در موقعیکه محکوم علیه معین باشد مسؤل خساراتی است که بر داین وارد آمده است

ماده ۶۶۵ - در مدت دو ماه که معین شده قبل از انقضای مدت مزبوره مدیون میتواند مال غیر منقول توقیف شده را بفروشد یا رهن بگذارد

(۱) در موردی که قبل از اجرای صیغه معامله مبلغ محکوم به را با اطلاع محکمه

که مال توقیف شده در حوزه آن واقع است بمدیون پرداخته قبض رسید دریافت دارد (۲) در صورت رضایت داین در فروش مال غیر منقوله بتوسط مدیون

ماده ۶۶۶ - قرار دادها و تعهدات راجعه بمال غیر منقول در صورتیکه قبل از ابلاغ اطلاع نامه منعقد شده باشد بعد از آنهم در قوت خود باقی است ولی هر گاه قرارداد یا تعهدی بعد از ابلاغ اطلاع نامه منعقد شده باشد مدیون میتواند تقض آنرا از محکمه بخواهد. در صورتیکه ثابت کند فرار دادهای مذکوره بر ضرر مال غیر منقول منعقد شده است

مبحث دوم

در ترتیب صورت اموال غیر منقوله

ماده ۶۶۷ - بعد از انقضاء موعده مذکوره در ماده (۶۶۳) مأمور اجرا بترتیب دادن صورت اموال غیر منقوله مباشرت می کند و تاریخ اقدام خود را بمدیون اطلاع میدهد. **ماده ۶۶۸ -** در صورت مزبور باید قید شود (۱) تاریخ و مفاد ورقه اجراییه که بموجب آن اجرای حکم بعمل می آید (۲) عملی که مال غیر منقول در آنجا واقعست یعنی در کدام ولایت و بلوک و ناحیه یا شهر و محله واقع است (۳) توصیف مال غیر منقول بطریق اختصار (۴) مال مزبور متعلق به کی است مال يك مالك است یا مشاع است اشخاص دیگر حقی بان مال دارند یا نه و اگر دارند چه نوع حقی است بچه مبلغ مرهون شده است.

ماده ۶۶۹ - و نیز در صورت مزبور باید تصریح شود (۱) حدود ملک و همسایه های آن (۲) مساحت ملک از هر طرفی و اراضی و جنگل هر گاه معین باشد و مزارع و عدد قنوات (۳) سایر اطلاعات راجعه به وضع ملک (از وضع زراعت و حشم و اسباب زراعت و مسافت از شهر و راه های معتبره و غیره) که کاشف از حال و وضع ملک تواند شد.

ماده ۶۷۰ - در صورتیکه نتوان مساحت تحقیقی ملک را معین کرد باید مأمور

اجرا مقدار بذر افشان و حاصل را تحقیق کرده در صورت قید نماید .

ماده ۶۷۱ - در صورت راجعه بخانه باید قید شود (۱) خانه از چه ساخته شده (۲) اندازه خانه از عرض و طول و ارتفاع (۳) عده اطاقها و انبار و زیرزمین و غیره هرگاه خانه بچند قسمت یا حیاط علیحده تقسیم شده باشد که متصل بهمندیسگر باشند صورت هر یک جداگانه برداشته میشود .

ماده ۶۷۲ - در صورت راجعه بکارخانه جات اطلاعات مصرحه در ماده قبل قید می شود بعلاوه عدد ماشین و آلات و تعیین حاصل کارخانه .

ماده ۶۷۳ - مدیون در حین ترتیب صورت باید اسناد راجعه بملک یا مال غیر منقول را بمأمور اجرا ارائه بدهد و هرگاه ندهند حق ندارد بعد ها از عدم صحت صورتی که مأمور اجرا ترتیب داده است شکایت کند .

ماده ۶۷۴ - هرگاه حدود یا قسمتی از ملک متنازع فیه باشد مراتب در صورت قید شده تصریح می شود که طرف منازعه کیست و در کجا به منازعه رسیدگی میشود .

ماده ۶۷۵ - هرگاه قسمتی از ملک برای اداء دین کافی است صورت همان قسمت مرتب میشود مگر اینکه قسمت را از کل نتوان تجزیه کرد یا اگر قابل تجزیه باشد تجزیه باعث خرابی ملک شود .

ماده ۶۷۶ - صاحب ملکی که قابل تجزیه است حق دارد که قسمتی از آن را در مقابل دین خود از کل تجزیه کرده همان را برای عملیات اجرا بمأمور اجرا واگذار کند .

مبحث سوم

در تقویم اموال غیر منقوله

ماده ۶۷۷ - داین باید قیمت ملک را تا اتمام ترتیب صورت اموال غیر منقوله

کتباً معین و امضاء نموده به مأمور اجرا بدهد این تقویم نامه داین به مدیون در صورتی که در حین ترتیب صورت حاضر بوده تبلیغ میشود .

ماده ۶۷۸ - صاحب ملک هرگاه تقویم داین را نازل دید حق دارد در ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ تقویم نامه باو قیمت ملک را از روی حد وسط فایده خالص سه سال آخری ملک معین نموده و بمأمور اجرا بدهد هرگاه صاحب ملک کمتر از سه سال مالک بوده حد وسط فایده خالص زمان مالکیت خود را معین میکند .

تبصره - مقصود از فایده خالص منافی است که برای مالک بعد از وضع مخارج عادیه مرسومه ملک و مالیات و عوارض دیوانی از هر قبیل می ماند .

ماده ۶۷۹ - مدیون باید اطلاعاتی را که در جواب کتبی خود می دهد مبتنی بر اسناد و صورت حساب نموده هرگاه لازم شود اسناد و نوشتجات مزبوره را ارائه دهد

ماده ۶۸۰ - جواب کتبی مدیون بداین تبلیغ میشود و مشارالیه مختار است یا تقویم مالک را قبول کند و یا در صورت رد در ظرف یک هفته باطلاعات مندرجه در آن کتباً اعتراض نماید .

ماده ۶۸۱ - در صورتیکه مابین داین و مدیون در باب حد وسط فائده خالص ملک را موافقت حاصل نشود باطلاعات اهل خبره رجوع میشود عده خبره باید طلق باشد و هرگاه طرفین تراضی در انتخاب آنان نکردند مدعی العموم معین میکند و هرگاه مدعی العموم نباشد رئیس محکمه .

ماده ۶۸۲ - هرگاه مدیون حاضر نباشد مدعی العموم اهل خبره را معین میکند .

ماده ۶۸۳ - بعد از تعیین حد وسط فایده خالص مال غیر منقول قیمت عادلانه مال مزبور معین میشود باینطور که از تحقیقات عملی باید معلوم کرد که نسبت حد وسط خالص عایدی در عرض سه سال آخری به قیمت ملک چیست و از نسبت مزبوره و حد وسط خالص عایدی ما غیر منقول توقیف شده در عرض سه سال که اهل خبره معین

کرده اند قیمت ملک را معین نمود .

ماده ۶۸۴ - بعد از ترتیب صورت مال غیر منقول و تقویم آن مأمور اجرا اوراق را جمع بمال مزبور را بمحکمه که باید مال غیر منقول را به تصرف مدیون بدهد یا از قیمت آن ادای طلب داین را بنماید می فرستد .

ماده ۶۸۵ - تحقیقات محلی بترتیبی بعمل می آید که در اصول مجازات حقوقی مذکور است .

مبحث چهارم

در حفظ مال غیر منقول توقیف شده

ماده ۶۸۶ - مال غیر منقول بعد از ترتیب صورت و تقویم در تصرف مالک سابق موقتاً می ماند با رعایت شرایطی که در ماده (۶۶۲) مذکور است .

ماده ۶۸۷ - مدیون در مورد ماده قبل مکلف است مال غیر منقول را موافق صورت تحویل گرفته و موافق آن تحویل بدهد .

ماده ۶۸۸ - در صورتیکه مال غیر منقول در دست مدیون بماند مشارالیه مکلف است که حساب عایدات آنرا بدهد .

ماده ۶۸۹ - در صورتیکه منافع مال غیر منقول توقیف شود منافع مذکوره به امینی که داین و مدیون بتراضی معین کرده اند سپرده میشود و در صورت عدم تراضی بشخص امینی که مدعی العموم و اگر مدعی العموم نباشد رئیس محکمه کتباً معین میکند .

فصل چهارم

در تادیه طلب داین

ماده ۶۹۰ - هر گاه بعد از انقضای موعده بیکه برای تادیه طلب داین معین شده

طلب مزبور را مدیون ادا نکند با اطلاع مدعی العموم (و در جائیکه مدعی العموم نباشد به اطلاع رئیس محکمه) و رضایت داین عین مال توقیف شده را بقدر طلب بقیمتی که تقویم شده بداین میدهند اگر داین راضی نشد که از عین بردارد بترتیبی که در فصل پنجم مذکور است با اطلاع مدعی العموم از مال باندازه طلب داین در معرض فروش گذاشته میشود و طلب داین تادیه میشود و هر گاه مال قابل تجزیه نباشد تماماً فروخته شده و معادل طلب داین تادیه و بقیه بصاحب مال مسترد میشود .

ماده ۶۹۱ - هر گاه مال نزد داین مرهون باشد بعد از انقضای مدت دین بمدیون اطلاع داده میشود که برای ادای دین حاضر شود در صورت عدم حضور و تادیه دین مال مرهون تقویم شده و برضایت داین معادل طلب از عین مال مرهون باو داده میشود و الا در حکم ماده قبل خواهد بود .

فصل پنجم

در فروش اموال توقیف شده

مبحث اول

در فروش مال منقول

ماده ۶۹۲ - بعد از ترتیب صورت مال و تقویم آن داین و مدیون باید بمأمور اجرا اعلام نمایند که بتراضی در باب محل و مسعود فروش چه قراری داده اند هر گاه طرفین در این باب تراضی نکردند مأمور اجرا از قرار مواد ذیل رفتار می کند .

ماده ۶۹۳ - محل فروش را مأمور اجرا معین مینماید و باید محل مزبور خارج از محل هائیکه از طرف دولت یا بلده معین شده است نباشد و اگر محل ها متعدد باشد یا معین نشده باشد در محلی فروش بعمل می آید که برای منافع مدیون ترجیح داشته باشد .

ماده ۶۹۴ - در مواردی که محل اموال منقوله بمنحل دیگری باعث غنای زیاد

است اشیاء توقیف شده در محلی که حفظ میشود بفروش میرسد .

ماده ۶۹۵ - فروش در حضور مامور اجرا و مامور نظمی و بکفر از طرف مدعی العموم باید بعمل آید .

ماده ۶۹۶ - موعد فروش را مامور اجرا نظر بکمیت و کیفیت اشیاء توقیف شده معین میکند و موعد مزبور نباید کمتر از یک هفته و بیش از دو ماه باشد ابتدای این موعد از روز اتمام ترتیب صورت و تقویم است در اشیاء ضایع شدنی یا اشیائی که حفظ آنها باعث غارح زیادی است میتوان موعد را کمتر قرارداد .

ماده ۶۹۷ - تاخیر از موعد مقرر در ماده قبل برضایت طلب کاران یا طلب کار ممکن است .

ماده ۶۹۸ - اعلان فروش را مامور اجرا بعمل آورده و در اعلان باید عمل و تاریخ (روز و ساعت) فروش و اسم صاحب مال و تقویم آن تصریح شود .

ماده ۶۹۹ - اعلان باید لااقل یک هفته و در موارد فوری لااقل یک روز قبل از تاریخ فروش در اداره نظمی عمل و معاینه نصب شود و هر گاه قیمت مال بیش از شصت تومان باشد باید در روز نامه هم اعلان مزبور درج شود .

ماده ۷۰۰ - داین و مدیون میتوانند علاوه بر اعلاناتی که بواسطه مامور اجرا بعمل می آید خودشان هم بخرج خودشان اعلانات لازمه را در مطبوعات و غیره بعمل آورند .

ماده ۷۰۱ - در صورت تغییر روز فروش بحکم حکمه یا تراضی طرفین باید تغییر روز و جهت آن مجدداً اعلان شده و مراتب در دفتر مامور اجرا قید شود .

ماده ۷۰۲ - مصنفات یا مترجمات خطی و همچنین مصنفات و مترجمات چاپی که هنوز برای خرید فروش منتشر نشده بدون رضایت مصنفین یا مترجمین در حال حیات آنان و بدون رضایت وراثت و قائم مقام آنان در حال حیات بمعرض بیع نمایند .

ماده ۷۰۳ - هر گاه کسی مصنفات یا مترجمات دیگری را برای طبع و انتشار خود یا حق طبع را خریده یا باو منتقل شده باشد فروش مصنفات یا مترجمات مذکوره یا حق طبع جایز است ولی هر گاه تعهدی منتقل الیه نسبت بمصنف یا مترجم قبول کرده باشد خریدار ثانوی باید قبلاً اجرای تعهد مزبور را بعهده بگیرد .

ماده ۷۰۴ - ابتیاع مصنفات و مترجمات و پرده های نقاشی و سایر صنایع مستظرفه حق مالکیت ادبی باصناعی را بخرنده نمیدهد .

ماده ۷۰۵ - در روز هائی که برای فروش معین شده است مردم می توانند اشیاء را معاينه نمایند فروش در دو ساعت بظهور مانده شروع و یک بغروب مانده ختم می شود و هر گاه در روز معین تمام نشد بروز دیگر محول میشود .

ماده ۷۰۶ - داین می تواند مثل سایر مردم در خرید شرکت نماید ولی اشخاصی که صورت را ترتیب داده اند یا تقویم کرده اند و همچنین اجزاء اداره نظمی و مامورین اجرا و سایر اشخاصی که مباشر امر فروش هستند نمیتوانند در خرید شرکت کنند صاحب مال می تواند خواهش کند که بعضی از اموال او را مقدم یا مؤخر بفروشند و یا اینکه خودش قیمت مال را حاضر کرده منع از فروش نماید .

ماده ۷۰۷ - در وقت فروش مامور اجرا قیمت هر چیزی را بطوریکه داین و مدیون یا مقوم معین کرده اند اعلان کرده می پرسد کی بیشتر میدهد و قیمتی را که خرنده تکلیف می کند دو دفعه بلند اعلام مینماید تا آنکه بهترین حاصل نماید که دیگر کسی بیشتر نمیدهد آنوقت سه دفعه میگوید کی بیشتر میدهد و در دفعه آخری چکش را میزند و بعد از آن دیگر اضافه قیمت قبول نمیشود و مال متعلق بکسی است که بالاترین قیمت را قبل از زدن چکش آخری قبول کرده .

ماده ۷۰۸ - تاریخ فروش و نمره شیئی فروخته شده و بالاترین قیمتی که داده شده است و اسم و شهرت خریدار در دفتر مامور اجرا نوشته شده باصناعی

خریدار میسرند و اگر نتواند امضاء کند کسی دیگر از طرف او امضاء می کند و جهت قید می شود.

ماده ۷۰۹- مشتری باید تمام قیمت را نقد بدهد مگر اینکه طرف اطمینان داین و مدیون و مأمورین اجرا باشد یا داین قبول کند.

ماده ۷۱۰- هرگاه مأمور اجرا مشاهده کند که مال فروخته شده برای ادای طلب داین کافی است فروش را توقیف نموده بقیه مال را بصاحب آن مسترد میدارد.

ماده ۷۱۱- در موارد ذیل فروش بعمل نخواهد آمد (۱) هرگاه مشتری حاضر نشود یا بیش از يك نفر نباشد (۲) در صورتی که هیچ کس بیش از قیمتی که برای اشیاء در حین تقویم معین شده مشتری نشود

ماده ۷۱۲- در صورتیکه فروش بواسطه حاضر نشدن مشتری بعمل نیاید طلب کاران می توانند خواهش اعلان فروش جدید را بنمایند یا اینکه اشیاء را بقیمتی که معین شده بر دارند رأی طلب کاران در این مورد نسبت با اکثریت مبلغ طلب آنان مناط اعتبار است.

ماده ۷۱۳- در صورتیکه در دفعه دوم هم فروش بعمل نیاید اشیاء توقیف شده بصاحب آن مسترد شده طلب کاران میتوانند در صورتیکه راضی به برداشتن عین مال نباشند تأدیه طلب خود را از مال دیگر مدیون بخواهند.

ماده ۷۱۴- در موارد ذیل فروش از درجه اعتبار ساقط است.

- (۱) هرگاه معلوم شود که شیئی فروخته شده مال مدیون نبوده است.
- (۲) وقتی که کسی مال را خریده است که حق خریدار نداشته است.
- (۳) وقتی که مال را زودتر از موعد مقرر فروخته اند.
- (۴) در صورتی که کسی را بدون جهت قانونی مانع از خریدن شده اند یا بالاترین قیمت را که تکلیف کرده است رد کرده اند.

(۵) در صورتیکه مزایده بدون اطلاع مدعی العموم بعمل آمده باشد در مورد فقره اول این ماده عین مال بصاحب واقعی آن بر میگردد و خریدار باید پول خود را از مدیون مطالبه نماید و هرگاه معلوم و محقق شود که مواضعه در این باب مابین مدیون و طلبکاران بوده خریدار باید پول خود را از مدیون و طلبکاران مطالبه نماید.

مبحث دوم

در فروش اموال غیر منقوله

ماده ۷۱۵- ترتیبات فروش اموال غیر منقوله مثل اموال منقوله است باستثنای مواردی که تکلیف آنها در این مبحث معین است.

ماده ۷۱۶- صورت اموال غیر منقوله برئیس حکمه ابتدائی که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است داده میشود و مشار الیه مأمور اجرا را برای فروش مال معین میکند این و مدیون نیز میتواند در انتخاب مأمور مزبور تراضی نمایند فروش در شهری که مقر حکمه ابتدائی است بعمل میاید.

ماده ۷۱۷- موعد فروش مال غیر منقول که کمتر از سیصد تومان قیمت داشته باشد یکماه است و مالی که از سیصد تومان الی پنج هزار تومان قیمت داشته باشد دو ماه و برای اموال غیر منقوله که قیمتش بیش از پنج هزار تومان است سه ماه. ابتدای تاریخ مزبور از روز اعلان فروش است (چه توسط اوراق چه در مطبوعات).

ماده ۷۱۸- در اعلان باید تصریح شود (۱) اسم و شهرت صاحب ملک و طلبکار (۲) اسم و اسم پدر و محل اقامت مأمور اجرا (۳) محل مال غیر منقول و تعریف مختصر آن (۴) تصریح اینکه تمام ملک فروخته میشود یا قسمتی از آن و کدام قسمت ها (۵) ملک مرهون است یا نه و هرگاه مرهون است نزد کیست و با اجازه او فروخته میشود (۶) تاریخ و محل فروش (۷) قیمتی که از آن مزایده شروع خواهد شد.

ماده ۷۱۹. - لاقفل باید یکماه قبل از تاریخ فروش در خود ملک و در ملک عملی که فروش بعمل خواهد آمد اعلان مزبور نصب شود .

ماده ۷۳۰. - اوراق راجعه بملک از صورت مرتبه و تقویم باید در دفتر خانه محکمه برای اشخاصی که میخواهند تحصیل اطلاعات نمایند حاضر باشد .

ماده ۷۳۱. - برای فروش هر مال غیر منقولی ورقه ترتیب داده میشود که در آن اسم ملک و قیمتی را که فروش از آن شروع میشود درج مینمایند .

ماده ۷۳۲. - در حین فروش یک نفر امین از طرف رئیس محکمه و مدعی العموم حاضر شده نظارت می نمایند و بعد از قرائت ورقه مامور اجرا میسرسد که کی بیشتر میدهد قیمتی هائی که تکلیف میشود در ورقه با اسم تکلیف کننده درج و بحضور اعلام میشود و بعد ورقه بامضای شخصی که بالاترین قیمت را داده است و داین و مدیون و مامور اجرا و امین ناظر میسرسد .

ماده ۷۳۳. - هر گاه فروش بعمل نیامد و کسی بر قیمت تقویم نیفرود طلبکاران میتوانند ملک را بقیمتی که تقویم شده بردارند یا تقاضای فروش جدید را در همان محل یا در شهری که بیشتر مرکزیت داشته باشد بنمایند .

ماده ۷۳۴. - هر گاه در دفعه ثانی هم فروش بعمل نیامد طلبکاران باید ملک را بقسمی که مقوم معین کرده است قبول کنند و یا تادیه دین خود را از مال دیگر مدیون بخواهند .

ماده ۷۳۵. - در موارد ذیل فروش از درجه اعتبار ساقط است : (۱) هر گاه معلوم شود که ملک مال مدیون نبوده است (۲) وقتی که کسی ملک را خریده است که حق خرید را نداشته است (۳) وقتی که مال را زودتر از موعد مقرر فروخته اند (۴) در صورتیکه کسی را بدون جهت قانونی مانع از خریدن شده اند یا بالاترین قیمتی را که تکلیف کرده است رد کرده اند (۵) در صورتیکه مزایده بدون اطلاع مدعی العموم

بعمل آمده باشد در مورد فقره اول این ماده عین ملک بصاحب واقعی آن بر میگردد و خریدار باید پول خود را از مدیون مطالبه نماید و هر گاه محقق شود که در این باب مواضع ما بین مدیون و طلبکاران بوده خریدار پول خود را از مدیون و طلبکاران باید مطالبه نماید .

ماده ۷۳۶. - هر گاه ملک مشاع باشد صورتی از تمام ملک برداشته میشود ولی سهم مدیون بفروش میرسد مگر اینکه سایر شرکاء فروش تمام ملک را بخواهند . در این صورت حاصل فروش ما بین داین و شرکاء باندازه سهم آنان تقسیم میشود . و اگر منازعه ما بین شرکاء و مدیون در سهم هر یک باشد بعد از رسیدگی محکمه حاصل فروش تقسیم میشود .

ماده ۷۳۷. - مالک ملکی که صورت آن مرتب و تقویم شده است حق دارد از محکمه توقیف مزایده را بخواهد در صورتیکه بتواند ثابت کند که منافع خالص ملک در عرض دو سال برای ادای دین او کافی است خواهش توقیف بمحکمه داده میشود که مزایده در حوزه آن بعمل میآید .

ماده ۷۳۸. - در مورد ماده قبل مدیون باید تأمینات صحیحه در باب رسانیدن اقساط بدهد و انتخاب یکی از اقسام تأمین منوط بتراضی طرفین است . هر گاه در آس و عده مدیون قسط مقرر را نپرداخت طلبکار میتواند فروش ملک را مجدد تقاضا کند یا قسط را از موضوع تأمین بردارد .

ماده ۷۳۹. - شخص ثالث که حتی بملک توقیف شده دارد یا ملک توقیف شده را مال خود میداند میتواند برای توقیف مزایده عرض حال بمحکمه که صلاحیت دارد بدهد . و در این مورد شخص ثالث با داین و مدیون احضار میشوند و بمحکمه که باید مزایده در حوزه آن بعمل آید مراتب اطلاع داده میشود .

ماده ۷۴۰. - در صورتیکه محکمه دلایل شخص ثالث را قوی یافت مزایده را توقیف

و مدعی به داین را تا صدور حکم موافق قوانین تامین می نماید ولی هر گاه حق شخص ثالث راجع به قسمتی از ملك باشد مزایده سایر قسمت ها توقیف نمیشود .

ماده ۷۳۱ - شکایات از عدم رعایت قوانین راجعه بترتیب صورت و تقویم و سایر اقدامات مامور اجراء در عرض يك هفته از تاریخ وقوع ماده شکایت به مدعی العموم داده میشود و مشار الیه مامور اجرا را تغییر داده به ماده شکایت رسیدگی میکند .

ماده ۷۳۲ - شکایت از بی ترتیبی مزایده در ظرف يك هفته بعد از وقوع آن بمدعی العموم داده میشود و مدعی العموم هر گاه شکایت را صحیح دانست مراتب را بمحکمه رجوع میکند . قبل از صدور حکم محکمه در این مورد ملك بتصرف خریدار داده نمیشود .

فصل ششم

در تقسیم حاصل فروش مابین طلبکاران متعدد

ماده ۷۳۳ - هر گاه حاصل فروش مال مدیون ایفای دین را نمایند باید به محکمه ابتدائی تسلیم شود و هر گاه طلبکاران تراضی در باب تقسیم آن نکرده بترتیب ذیل رفتار میشود .

ماده ۷۳۴ - رئیس محکمه یکی از اعضاء را معین می کند که تقسیم را مرتب کند . تقسیم نامه بطلبکاران ارائه میشود که هر شکایتی دارند در ظرف يك هفته از تاریخ ارائه تقسیم نامه بمحکمه بدهند .

ماده ۷۳۵ - هر گاه شکایتی اظهار نشود محکمه تقسیم نامه را امضا می کند والا رسیدگی کرده قرار قاطع میدهد .

ماده ۷۳۶ - طلبکاریکه ورقه اجرائیه خود را بعد از امضای ورقه تقسیم نامه بمحکمه ابراز کرده است حق شرکت در تقسیم آن ندارد . ولی طلبکار مزبور و همچنین

طلبکارانی که بتمام حق خودشان نرسیده اند می توانند ایفای حق خودشانرا از سایر اموال مدیون بخواهند و هر گاه مدیون چیزی نداشته باشد اعلام افلاس او را تقاضا کند .

فصل هفتم

در اتخاذ وسایل برای تأدیه دین

ماده ۷۳۷ - هر گاه مال مقول و غیر مقول مدیون کفایت ادای دین را ننماید طلبکار میتواند از محکمه بخواهد که مدیون را حاضر کرده استعلام نماید که وسایل دیگری برای ادای دین دارد یا نه و اگر دارد کدام است و محکمه که مدیون در حوزة آن اقامتگاه دائمی یا موقتی دارد مدیون را احضار و اظهارات او را در صورت مجلس مینویسد .

ماده ۷۳۸ - مدیون میتواند خودش بدون احضار محکمه که در حوزة آن اقامت دارد در محکمه حاضر شده اظهاراتی راجع باده دین خود با عدم قدرت بر اداء بنماید .
ماده ۷۳۹ - مدیون بعد از احضار در موعد مقرر در محکمه حاضر میشود و هر گاه عمل اقامت مدیون در مقرر محکمه ابتدائی نباشد و بواسطه بعد مسافت نتواند در محکمه ابتدائی حاضر شود در نزدیک ترین محکمه صلح اظهارات خود را مینماید و صورت مجلس معجلا از محکمه صلح بمحکمه ابتدائی فرستاده میشود که برای موعد مقرر در محکمه ابتدائی حاضر باشد .

ماده ۷۴۰ - هر گاه مدیون در محکمه ابتدائی یا محکمه صلح حاضر نشد رئیس محکمه حکم میدهد که او را بمحکمه ابتدائی یا محکمه صلح جلب نماید (موافق جلب در موارد امور جزائی) . و هر گاه مدیون فرار کرد یا پنهان شد اقدام لازم در پیدا کردن مدیون بعمل آمده حکم محکمه و قرار محکمه در جلب او اعلان میشود .

ماده ۷۴۱ - بعد از پیدا کردن مدیون مشار الیه را بمحکمه حاضر میکنند و محکمه

رسیدگی کرده قرار توقیف او را بواسطه عدم اطاعت حکم محکمه در باب احضار میدهد و مدیون از توقیف خارج نمیشود مگر بائباف افلاس خود یا بدادن کفیل (ضامن تن).
ماده ۷۴۳ - هرگاه مدیون محکوم علیه افلاس خود را ثابت کرد ولی معلوم شد که افلاس از روی تقصیر هست بمحکمه که صلاحیت رسیدگی دارد جلب و موافق قانون مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۷۴۴ - هرگاه مدیون قادر بر ادای دین باشد ولی امتناع از ادای آن نماید واستیفای دین از مال او ممکن نباشد محکمه بتقاضای داین حکم حبس او را تا زمانیکه ادای دین نماید خواهد داد.

ماده ۷۴۵ - هرگاه مدیون بعد از دادن کفیل فرار کرد یا پنهان شد کفیل ملزم است به اداء دین او و اگر نداد در حکم خود محکوم علیه است.

ماده ۷۴۵ - در مورد ماده (۷۴۳) که حبس اسباب وصول دین است اشخاص مفصله حبس نمی شوند: (۱) صغار و مجانین و اشخاصی که بیش از هفتاد سال دارند. (۲) زنان حامله یا زنانیکه از وضع حملشان چهل روز نگذشته است. (۳) اولیای اطفال در صورتیکه آنها بواسطه توقیف والدین بیعاش بمانند. (۴) مریض در صورتیکه طیب حرکت یا توقیف مریض را مضر بدانند.

ماده ۷۴۶ - مدیون که توقیف خود را بر خلاف قانون میداند می تواند از مأمور اجرا تقاضا نماید که او را نزد رئیس محکمه ابتدائی ببرند و مأمور اجرا مکلف است بقید مسؤلیت که این تقاضای او را اجری دارد رئیس محکمه هرگاه توقیف را بر خلاف قانون دید فوراً حکم استخلاص مدیون را میدهد.

ماده ۷۴۷ - در دفتر مأمور اجرا باید قید شود. (۱) ورقه که مدرك حبس است (۲) مقدار دین. (۳) مدت توقیف. (۴) محل اقامت طلبکار. (۵) مخارج اجرای قرار محکمه در باب توقیف.

ماده ۷۴۸ - هرگاه مدیون در محکمه برای دادن توضیحات راجعه بادای دین حاضر شد با حضور طلب کاران باظهارات او رسیدگی میشود و هرگاه معلوم شود که

مدیون مفلس نبود و افلاس او جعلی است حکم بتوقیف او شده موافق قانون مجازات میشود.
ماده ۷۴۹ - هرگاه مدیون مستخدم دولت باشد مأمور اجرا فوراً قرار محکمه را در باب توقیف بر رئیس اداره متبوعه مدیون اطلاع میدهد که اگر مال دیوان نژاد او باشد گرفته شود. قرار محکمه در باب توقیف مدیون توسط رئیس اداره باید فوراً بموقع اجرا گذاشته شود.

باب هفتم

در اصلاح و حکمیت

فصل اول - در صلح متداعین

ماده ۷۵۰ - در هر مرحله از مراحل و هر دوری از ادوار محاکمه حقوقی طرفین میتوانند بمحکمه اعلام نمایند که میخواهند منازعه خود را بصلح تمام نمایند.

تبصره - متداعین در محکمه تمیز باعث توقیف رسیدگی محکمه مذکوره نمیشود ولی حکمی که صادر میشود فقط برای عاقبت قانون است و اثری برای متداعین نخواهد داشت.

ماده ۷۵۱ - در صورتیکه در محاکمه مدعی یا مدعی علیه متعدد باشند هر کدام از آنان می توانند علیحده از سایرین با طرف یا اشخاصی که طرف هستند صلح نمایند.

ماده ۷۵۲ - اشخاصیکه میخواهند محاکمه خود را بصلح تمام نمایند یا باید عرضحال بمحکمه داده تقاضای صلح را بنمایند و یا هرگاه در خارج صلح کرده اند صلح نامه را در اداره ثبت اسناد یا محکمه صلح بتصدیق برسانند و یا در محکمه حاضر شده اقرار بصحت صلح کنند.

ماده ۷۵۳ - عرضحال تقاضای اصلاح که مضمی بامضای طرفین دعوی است بمحکمه داده میشود که مشغول رسیدگی است و هرگاه عرضحال مزبور بایست یا توسط

وکیل بمحکمه ارسال میشود باید قبلاً در مباشرت ثبت اسناد یا محکمه صلح یا در یکی از ادارات رسمی مصلح شود.

ماده ۷۵۴ - در صورتیکه صلح باید در محکمه داده شود قبل از ترتیب صلح نامه محکمه سؤالات لازمه را از طرفین نموده یقین حاصل مینماید که طرفین راضی بصلح هستند بشرایطی که تراضی حاصل کرده اند و بعد صورت مجلس مرتب و با مضای طرفین و اعضاء محکمه میرسد و بعد عقد صلح جاری میشود.

ماده ۷۵۵ - هرگاه صلح طرفین صورت نگیرد گذشت هائی که طرفین هنگام تراضی بصلح بپذیر کرده اند لازم الرعایه نیست.

ماده ۷۵۶ - اموری که بصلح میگردد بکلی قطع و تمام شده محسوب است و طرفین و وراثت و قائم مقام آنان دیگر بهیچ وجه نمی توانند امور مزبوره را از سر بگیرند.

فصل دوم

در حکمت

ماده ۷۵۷ - کلیه اشخاصیکه صلاحیت دعوا را دارند می توانند منازعه خود را به حکمت یک یا چند نفر که بیده طلاق بتراضی انتخاب کرده اند واگذار نمایند.

ماده ۷۵۸ - تراضی طرفین بقطع دعوا از طریق حکمت باید در قرار نامه مخصوص تصریح شود قرار نامه مذکور با مضای طرفین دعوا یا شخصی که حکمت مسئله را قبول کرده اند باید برسد قرار نامه مذکور باید در ضمن عقد لازم مرتب و طرفین در قرار نامه باید بقاطعیت اتفاق یا اکثریت آراء حکم ملتزم شوند.

ماده ۷۵۹ - در قرار نامه مذکوره باید صریحاً قید شود (۱) اسم و اسم پدر و شغل طرفین و حکم (۲) موضوع منازعه که باید بحکمت قطع شود غیر از اطلاعات مذکوره شرایط دیگری هم که مخالف قانون نباشد میتوان ذکر کرد.

ماده ۷۶۰ - هرگاه موعده معینی برای حکم حکم در قرار نامه معین نشده باشد باید حکم حکم خود را در ظرف دو ماه از تاریخ ثبت قرار نامه در دفتر محکمه بدهد.

ماده ۷۶۱ - تا انتضای مدت مذکور در ماده قبل طرفین حق ندانند بمحکمه رجوع نمایند یا تعقیب محاکمه را از محکمه بخواهند.

ماده ۷۶۲ - قرار نامه باید در اداره ثبت اسناد یا در محکمه صلح یا در محکمه که مشغول رسیدگی بدعوائی است که به حکمت رجوع شده مصدق شود هرگاه تصدیق قرار نامه بهیچ وسیله از وسایل مزبوره میرسد در موردی که دعوا در محکمه رسیدگی میشود باید طرفین و حکم ها در محکمه حاضر شده اقرار بصحت قرار نامه نمایند و اقرار آنان ضبط شود.

ماده ۷۶۳ - هرگاه دعوائی در محکمه در تحت رسیدگی است ابراز قرار نامه مصدق حکمت دعوا را در هر مرحله از مراحل و هر دوری از ادوار محاکمه باستثنای محاکمه تمیزی توقیف مینماید ولی تامین مدعی به اگر بعمل آمده است بقوت خود باقی مینماید مگر اینکه در قرار نامه حکمت رفع آن قید شده باشد.

تبصره ۵ - هرگاه در دور تمیزی کاری به حکمت قطع شد حکم دیوان تمیز فقط برای محافظت قانون است و اثری برای متداعیین نخواهد داشت.

ماده ۷۶۴ - تغییر حکم قبل از صدور حکم آنان فقط در موارد ذیل جایز است (۱) بتراضی طرفین (۲) بتقاضای یک طرف در صورتی که بعد از ترتیب قرار نامه حکمت قرابت سببی تا درجه سیم مابین حکم یکی از متداعیین و طرف مقابل او حادث یا محاکمه مابین آنان حاصل شود تقاضای تغییر حکم در مورد دوم این ماده نظر بصلح مدعی به راجع است یا بمحکمه صلح و یا بمحکمه ابتدائی.

ماده ۷۶۵ - حکم ها در رسیدگی و حکم تابع ترتیب اصول محاکمات حقوقی هستند ولی باید مخالفت قوانین را نمایند و همچنین متابعت شرایط قرار نامه حکمت را بنمایند کلیه اسناد و نوشتجات را طرفین بحکم ها می دهند.

ماده ۷۶۶ - در موارد ذیل حکمت مرفوع میشود (۱) در صورت تراضی طرفین (۲) در صورت فوت یا جنون یکی از متداعبین (۳) اگر در حین رسیدگی کشف اوضاع و احوالی شود که مربوط به جنحه یا جنایت در حکم حکم نافذ و مؤثر بوده و تفکیک جهت حقوقی از جزائی ممکن نباشد (۴) هرگاه طرفین بعد از فوت یا جنون یا رد بعضی از حکمها بجای آنان کسی را انتخاب ننمایند یا کار را به حکمت حکمها بیکه بدهد طلاق باقی مانده اند واگذار نکنند.

ماده ۷۶۷ - هرگاه حکمها در موعده مقرر حکم ندهند طرفین میتوانند تراضی خودشان و حکم ها موعده جدیدی بر صدور حکم معین کنند.

ماده ۷۶۸ - هرگاه تراضی متداعبین و حکمها در تعیین موعده جدیدی حاصل نشود یا حاصل شود و حکمها نتوانند حکم خودشان را در موعده مقرر بدهند حکمت ملغی میشود.

ماده ۷۶۹ - حکمها حکم را موافق انصاف و دلیل می دهند قبل از صدور حکم حکمها مشاوره نموده و رأی آنها با اکثریت مناظر اعتبار است.

ماده ۷۷۰ - در حکم باید اسم و شهرت متداعین و حکم ها موضوع نزاعه و اسباب و مدرک حکم تصریح شود و به امضای حکم ها برسد .

ماده ۷۷۱ - هر گاه بعضی از حکم ها از امضای حکم امتناع نمایند سایرین امضا نموده و این امتناع را در حکم قید می نمایند حکمی که به امضای اکثریت حکم ها رسیده است همان اعتبار دارد که به امضای تمام حکم ها رسیده باشد مگر اینکه اتفاق را طرفین مناسط قاطعیت قرار داده باشند .

ماده ۷۷۲ - حکم حکم قابل استیناف و تمیز نیست .

ماده ۷۷۳ - بعد از اعلام و یا ابلاغ حکم حکم بظرفین وظیفه حکم ها بانجام رسیده و حکم حکم نظر بمبلغ مدعی به در مدت یک هفته به محکمه صالح یا محکمه ابتدائی که حکم حکم در حوزه آن صادر شده است داده می شود .

ماده ۷۷۴ - احکام حکم بقضای یکی از متداعین نسخ می شود (۱) در صورتی که حکم آنان بعد از انقضای موعده که معین شده بود صادر شده باشد . (۲) در صورتیکه قرار نامه بامضای تمام اشخاصیکه باید موافق ماده (۷۵۸) آن را امضا نمایند نرسیده باشد .

ماده ۷۷۵ - احکام حکم ها در موارد ذیل باطل و از درجه اعتبار ساقط است (۱) نسبت باشخاصی که در ترتیب قرار نامه حکمیت شرکت نداشته اند یا اگر داشته اند ماذون نبوده اند (۲) نسبت بمطالبی که موضوع حکمیت نبوده (۳) نسبت بمسائل و دعاویکه مربوط بجنحه و جنایت است .

(۴) نسبت باموریکه از خصایص رسیدگی عدول مجتهدین جامع شرایط است .

ماده ۷۷۶ - شکایت از حکمیت و تقاضای نسخ و ابطال حکم حکم از اعتبار بمحکمه راجع است که اصل حکم حکم ها بدان محکمه تقدیم شده .

ماده ۷۷۷ - مدت شکایت از حکم حکم یکماه است و ابتدای مدت مزبور از روز اعلام یا ابلاغ حکم حکم محسوب میشود .

ماده ۷۷۸ - احکام حکمها موافق قواعدی که برای اجرای احکام مجازات عدلیه مقرر است بوقع اجرا گذاشته میشود .

ماده ۷۷۹ - ورثه اجرائیه را محکمه که حکم حکم بدان تقدیم شده است میدهد .

باب هشتم
در مخارج عدلیه
فصل اول

در مخارج محاکمه

ماده ۷۸۰ - مخارج محاکمه عبارتست (۱) از حق تمبریکه بر اوراقی که بمحکمه داده میشود تعلق میگیرد (۲) از حقی که برای خرج احکام اخذ میشود .

ماده ۷۸۱ - حق تمبر از عرضحال کتبی یا شفاهی و عرضحال متقابل و اعتراض بر حکم غیابی و اعتراض شخص ثالث بعد از صدور حکم و عرضحال یا شکایت نامه استینافی و عرضحال اعاده محاکمه و تمیزی و وکالت نامه و التزام نامه و ورثه اجرائیه یک قران است باستثنای محاکم صلحیه که از اوراق مذکوره آنچه بمحاکم صلحیه داده میشود ده شاهی اخذ میشود .

ماده ۷۸۲ - خرج احکام صادره از محاکم صلحیه و ابتدائی نسبت بمبلغ مدعی به از قرار تومانی یکشاهی است .

ماده ۷۸۳ - ربع خرج احکام در حین دادن عرضحال و سه ربع دیگر در حین صدور حکم اخذ میشود و هر گاه در عریضه قدر مدعی به معین نشده باشد با حضور مدعی معین میشود و در صورتیکه تعیین مقدار مدعی به در وقت دادن عرضحال ممکن نباشد در محاکم صلحیه دو قران و در محاکم ابتدائی پنج قران گرفته میشود و بقیه در بعد از تعیین مدعی به در حین صدور حکم اخذ میشود .

ماده ۷۸۴ - محکمه مکلف است که مقدار مدعی به را قبل از صدور حکم معین نماید و هر گاه قیمت آنرا نتوان معین کرد یعنی مدعی به موضوع مالی نداشته باشد بقیه

خرج حکم در محاکم صلحیه هشت قران و در محاکم ابتدائی دو تومان گرفته میشود.
ماده ۷۸۵ - خرج احکام محاکم استیناف و حکمی که بعد از اعتراض به حکم غیابی صادر می شود دو مقابل خرج حکم معمولی است ماده (۷۸۲) ولی از محکوم به حکمی که مورد استیناف یا اعتراض است دریافت میشود.

ماده ۷۸۶ برای استیناف، قرارهاییکه موافق اصول محاکمات حقوقی استیناف آنها علیحده از خود حکم جایز است در محاکم ابتدائی دو قران و در سایر محاکم پنج قران دریافت میشود ربع خرج ابتداء اخذ و سه ربع دیگر در حین صدور حکم دریافت میشود.

ماده ۷۸۷ - در مورد اعتراض شخص ثالث و اعاده محاکمه و تمیز خرج حکم سه مقابل خرج حکم معمولی است (۷۸۲) و تابع قواعد ماده (۷۸۵) است.

ماده ۷۸۸ - خرج حکم در محکمه که پس از نقض حکم تمیز رسیدگی می کند تومانی نیم شاهی است از محکوم به حکمی که نقض شده است.

ماده ۷۸۹ - خرج فرار اجرای موقت که در محکمه عالی داده میشود قبل از دخول در اساس دعوی بطوری است که برای سایر قرارها مقرر است.

ماده ۷۹۰ - در ارجاع بشرع و فرار رجوع بحکمیت و فرار رجوع به مصدقین و اهل خبره خواه بعد از قبول عرض حال حوضه در حین رسیدگی در محاکم صلحیه یکقران و در سایر محاکم پنج قران اخذ میشود.

ماده ۷۹۱ - از قرار توقیف اموال در محاکم صلحیه دو قران و در سایر محاکم یک تومان در یافت میشود.

ماده ۷۹۲ - در خواهش کتبی یا شفاهی تأمین دلایل که از محاکم صلحیه میشود یک قران و در صورت مجلسی که مشعر بر اقدامات محکمه صلحیه در تأمین دلایل است پنج قران دریافت میشود.

فصل دوم

در خرج اجرای حکم

ماده ۷۹۳ - حتی که برای اجرای حکم بعد از اجراء اخذ میشود عشر مبلغ محکوم به است.

ماده ۷۹۴ - مخارجی که در حین اجرای حکم پیش میاید از قبیل حق الزحمه اهل خبره و تقویم اموال منقوله و غیر منقوله و حق حفظ اموال هر گاه بتراضی داین و مدیون معین نشده باشد تا وقتی که تعرفه آن مقرر و اعلام شود موافق اجراء المثل متعاضفی توسط رئیس محکمه معین می شود.

فصل سوم

در مخارج دفتر خانه

ماده ۷۹۵ - خرج سواد احکام و اوراقی که از دفتر خانه طرفین مجازند بگیرند برای هر صفحه در محاکم صلحیه یک قران در سایر محاکم دو قران گرفته میشود پانزده سطر یک صفحه عسوب است و هر سطری بیست و پنج کلمه حساب میشود.

ماده ۷۹۶ - خرج مهر محکمه برای تصدیق مطابقت سواد با اصل یک قران است.

ماده ۷۹۷ - برای سایر تصدیقاتی که از دفتر خانه محکمه در حدود صلاحیت آنها داده میشود در محاکم صلحیه دو قران و در سایر محاکم چهار قران است.

فصل چهارم

در باب اشخاصی که استطاعت تادیه مخارج

عدلیه را ندارند

ماده ۷۹۸ - اشخاصی که ائلاس و عدم استطاعت خود را در محکمه ثابت کرده اند از تادیه مخارج عدلیه معافند.

- ماده ۷۹۹ -** اشخاص مذکور باید تصدیقنامه از اداره که در آن خدمت می کنند یا از محکمه صلح یا از معارف موثقه که آنان را میشناسند در محکمه ارائه نمایند .
- ماده ۸۰۰ -** در تصدیقنامه باید اطلاعات صحیحه در باب دارائی و وضع معیشت و ترتیب گذران خانه مدعی افلاس یا عدم استطاعت او داده شود .
- ماده ۸۰۱ -** هر گاه معلوم شود که مدعی افلاس در اظهار خود کاذب بوده است در مقابل وجهیکه از تأدیه آن معاف شده است از او دریافت خواهد شد .
- ماده ۸۰۲ -** رسیدگی بعدم استطاعت مدعی افلاس از کلیه مخارج عدلیه معاف است .
- ماده ۸۰۳ -** هر گاه مدعی افلاس محکوم له واقع شود مخارج عدلیه از محکوم به بعد از اجرای حکم موضوع خواهد شد .
- ماده ۸۰۴ -** معافیت مدعی افلاس از مخارج عدلیه باعث معافیت او از تأدیه خسارت طرف اودر صورت محکومیت او نخواهد بود .

فصل پنجم

در تعلق مخارج عدلیه

- ماده ۸۰۵ -** در مواردیکه اقدام محکمه بموجب قانون مستلزم تأدیه حقی است اداء حق بعهده شخصی است که از محکمه آن اقدام را مطالبه مینماید ولی در حین صدور حکم یا پس از آن مخارج مزبور بطوریکه در مواد آتی مذکور است بیکي از متداعیین تعلق میگیرد .
- ماده ۸۰۶ -** هر گاه طرفین یا یکی از آنان در ضمن عقد لازم ملتزم شده باشند که در صورت محکوم علیه شدن مخارج عدلیه و خسارت طرف (یعنی محکوم له) را تأدیه نماید محکمه محکوم علیه را بتأدیه حقوق مزبوره الزام می نماید .
- ماده ۸۰۷ -** هر گاه التزام مذکور در ماده قبل داده نشده باشد مخارج عدلیه را رجوع کننده (یعنی شخصی که خواستار اقدام یا قرار یا حکمی میشود) تأدیه مینماید چه عارض باشد و چه معروض ولی محکوم له حق دارد تأدیه مخارج عدلیه و خساراتی را که بر او وارد شده است پس از صدور حکم قطعی از محکوم علیه بخواهد

- و محکمه پس از رسیدگی و ثبوت خسارت و تعیین مقدار آن حکم آن را میدهد .
- ماده ۸۰۸ -** خرج مواردیکه قانون اصول محاکمات استثنا مینماید به محکوم علیه در صورت محکومیت او تعلق نخواهد گرفت رجوع بماده (۲۱۶) و (۳۱۶) و (۳۲۷) ،
- ماده ۸۰۹ -** دعاوی که از پنج تومان کمتر است از خرج عدلیه معاف است .
- ماده ۸۱۰ -** در صورت اصلاح ذات البین بترتیب ذیل رفتار میشود هر گاه اصلاح در جلسه اول محکمه واقع شود فقط ربع دوم مخارج محاکمه مطالبه میشود و هر گاه صلح در جلسات دیگر یا در وقتی صادر شود که رسیدگی دعوی بدرجه صدور حکم رسیده است (یعنی مذاکرات شفاهی طرفین و عقیده مدعی العموم اصفا شده) ربع دوم و سوم و سوم دریافت میشود و هر گاه طرفین بعد از صدور حکم صلح نمایند این صلح آنان مؤثر تأدیه در خرج محاکمه نخواهد بود .
- ماده ۸۱۱ -** در مورد ماده قبل هر گاه طرفین معین نکردند که خرج محاکمه بعهده کی است بالمناصفه از طرفین مطالبه میشود .
- ماده ۸۱۲ -** هر گاه بموجب حکم محکمه هر دو طرف هر یک از جهت محکوم له و محکوم علیه باشند مخارج محاکمه نسبت به مبلغ مدعی به یا محکوم به بماده (۷۸۳) الی (۷۸۸) نسبت به بی حق بودن هر یک از طرفین بهر کدام تعلق می یابد .

قانون اول به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵
 و اکثر از روی این است که در آن وقت در
 وزارت مالیه ۵۲۰
 قانون دوم به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵
 و اکثر از روی این است که در آن وقت در
 وزارت مالیه ۵۲۰
فهرست
قسمت چهارم - گذر آنها
 مصوب
دوره دوم قانون گذاری
 قانون اول به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵
 و اکثر از روی این است که در آن وقت در
 وزارت مالیه ۵۲۰
 قانون دوم به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵
 و اکثر از روی این است که در آن وقت در
 وزارت مالیه ۵۲۰
 قانون سوم به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵
 و اکثر از روی این است که در آن وقت در
 وزارت مالیه ۵۲۰
 قانون چهارم به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵
 و اکثر از روی این است که در آن وقت در
 وزارت مالیه ۵۲۰
 قانون پنجم به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵
 و اکثر از روی این است که در آن وقت در
 وزارت مالیه ۵۲۰
 قانون ششم به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵
 و اکثر از روی این است که در آن وقت در
 وزارت مالیه ۵۲۰
 قانون هفتم به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵
 و اکثر از روی این است که در آن وقت در
 وزارت مالیه ۵۲۰
 قانون هشتم به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵
 و اکثر از روی این است که در آن وقت در
 وزارت مالیه ۵۲۰
 قانون نهم به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵
 و اکثر از روی این است که در آن وقت در
 وزارت مالیه ۵۲۰
 قانون دهم به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵
 و اکثر از روی این است که در آن وقت در
 وزارت مالیه ۵۲۰

ردیف	عنوان	تاریخ	صفحه
۱	قانون اول به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵	۱۳۰۵	۵۲۰
۲	قانون دوم به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵	۱۳۰۵	۵۲۰
۳	قانون سوم به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵	۱۳۰۵	۵۲۰
۴	قانون چهارم به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵	۱۳۰۵	۵۲۰
۵	قانون پنجم به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵	۱۳۰۵	۵۲۰
۶	قانون ششم به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵	۱۳۰۵	۵۲۰
۷	قانون هفتم به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵	۱۳۰۵	۵۲۰
۸	قانون هشتم به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵	۱۳۰۵	۵۲۰
۹	قانون نهم به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵	۱۳۰۵	۵۲۰
۱۰	قانون دهم به نام «مقرر مستعمل» در چهارم شهریور سال ۱۳۰۵	۱۳۰۵	۵۲۰

ردیف	عنوان	صفحه	
		از	تا
۱	قانون تجدید کنترات مسیو بیزو	۵۶۵	۵۶۵
۲	قانون تجدید کنترات مسیو مرنارد	۵۶۵	۵۶۵
۳	قانون استخدام پنج نفر امریکائی	۵۶۶	۵۶۵
۴	قانون تجدید کنترات هشت نفر مستخدمین بلژیکی	۵۶۶	۵۶۶
۵	قانون تجدید کنترات چهار نفر مستخدمین گمرک	۵۶۷	۵۶۷
۶	قانون استخدام پنج نفر مستخدمین امریکائی	۵۶۷	۵۶۷
۷	قانون کنترات مسیو هازه	۵۶۸	۵۶۸
۸	قانون تجدید کنترات مسیو مولیتر	۵۶۸	۵۶۸
۹	قانون راجع باسخدام سه نفر مستخدم سوئدی برای ژاندارمری و دو نفر مستخدم فرانسوی برای وزارت عدلیه و داخله	۵۶۹	۵۶۹
۱۰	قانون استخدام چهار نفر مستخدم امریکائی برای وزارت مالیه	۵۶۹	۵۶۹

ردیف	عنوان	صفحه	
		از	تا
۱۱	قانون استخدام سه نفر مستخدم (دو نفر امریکائی و یک نفر از اروپائیهائیکه در ایران هستند) برای وزارت مالیه	۵۷۰	۵۷۱
۱۲	قانون ماده الحاقیه بکنترات مسیو هازه	۵۷۰	۵۷۱
۱۳	قانون در باب تجدید کنترات مسیو لانس و استخدام یک نفر معلم طب فرانسوی و یک نفر معلم تاریخ طبیعی	۵۷۱	۵۷۱
۱۴	قانون راجع باسخدام یک نفر صاحب منصب اداری (آنتاندانس) و شش نفر صاحب منصب قشونی سوئدی برای ژاندارمری	۵۷۱	۵۷۲
۱۵	قانون راجع به تجدید کنترات سه ساله هفت نفر مستخدمین بلژیکی	۵۷۲	۵۷۲
۱۶	قانون راجع باسخدام مستر نیو	۵۷۳	۵۷۳
۱۷	قانون راجع باسخدام بیست نفر صاحب منصب سوئدی برای تشکیلات قشون ایران	۵۷۳	۵۷۵
۱۸	قانون کنترات مسیو بوطن	۵۷۶	۵۷۶
۱۹	قانون راجع باسخدام ده نفر مستخدمین امریکائی برای مالیه	۵۷۶	۵۷۷

ردیف	عنوان	تاریخ تصویب
۱	قانون تجدید گمرکات (تجدید قوانین گمرکات و اصلاحیه آن)	۱۳۲۸
۲	قانون تنظیم گمرکات سیویلی	۱۳۲۸
۳	قانون تنظیم امور گمرکات و اصلاحیه آن	۱۳۲۸
۴	قانون تجدید گمرکات و اصلاحیه آن	۱۳۲۸
۵	قانون تنظیم گمرکات و اصلاحیه آن	۱۳۲۸
۶	قانون تنظیم گمرکات و اصلاحیه آن	۱۳۲۸
۷	قانون تنظیم گمرکات و اصلاحیه آن	۱۳۲۸
۸	قانون تنظیم گمرکات و اصلاحیه آن	۱۳۲۸
۹	قانون تنظیم گمرکات و اصلاحیه آن	۱۳۲۸
۱۰	قانون تنظیم گمرکات و اصلاحیه آن	۱۳۲۸
۱۱	قانون تنظیم گمرکات و اصلاحیه آن	۱۳۲۸
۱۲	قانون تنظیم گمرکات و اصلاحیه آن	۱۳۲۸
۱۳	قانون تنظیم گمرکات و اصلاحیه آن	۱۳۲۸
۱۴	قانون تنظیم گمرکات و اصلاحیه آن	۱۳۲۸
۱۵	قانون تنظیم گمرکات و اصلاحیه آن	۱۳۲۸
۱۶	قانون تنظیم گمرکات و اصلاحیه آن	۱۳۲۸
۱۷	قانون تنظیم گمرکات و اصلاحیه آن	۱۳۲۸
۱۸	قانون تنظیم گمرکات و اصلاحیه آن	۱۳۲۸
۱۹	قانون تنظیم گمرکات و اصلاحیه آن	۱۳۲۸
۲۰	قانون تنظیم گمرکات و اصلاحیه آن	۱۳۲۸

قسمت چهارم
کنتراتها

قانون

تجدید کنترات مسیویزو

کنترات مسیویزو برای مدت سه ماه و پرداخت سه هزار فرانک در تاریخ سوم ربیع الاول سنه ۱۳۲۸ تصویب شده است

قانون

تجدید کنترات مسیومر نارد

کنترات مسیومر نارد مدیر کل گمرکات برای مدت چهار سال و ده هزار فرانک اضافه حقوق در تاریخ هشتم جمادی الثانیه سنه ۱۳۲۸ تصویب شده است

قانون

استخدام پنج نفر امریکائی

استخدام پنج نفر امریکائی برای وزارت مالیه در تاریخ دوم شوال سنه ۱۳۲۸ بشرح ذیل تصویب شده است

قانون

کنتراهای مسیو هازه

مصوب ۲۰ دلو مطابق ۹ صفر ۱۳۲۹ قمری

ماده اول - سالی دو هزار و ششصد تومان با قساط اربعه در اول هر سه ماه ششصد و پنجاه تومان دولت علیه ایران بمسیو هازه در مدت کنتراهای که پنج ساله مقرر شده خواهد پرداخت

ماده دوم - بعد از انقضای خدمت و مدت کنتراهای او اگر دولت مایل بتجدید کنتراهای نباشد مبلغ بک هزار و دویست فرانک مخارج مراجعت او را خواهد پرداخت

ماده سوم - در صورتیکه دولت قبل از انقضای مدت کنتراهای بخواید مسیو هازه را از خدمت مرخص نماید حقوق یکساله و بک هزار و دویست فرانک خرج معاودت بوطن را باو خواهد پرداخت ولی در صورتیکه مسیو هازه خدمات مرجوعه خود را انجام ندهد و دولت بخواید باین دلیل کنتراهای او را ابطال نماید حقوق سه ماهه و خرج مراجعت را باو خواهد پرداخت

قانون

تجدید کنتراهای مسیو مولیتر

مصوب ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۹ قمری

ماده اول - مدت کنتراهای سه سال خواهد بود

ماده دوم - حقوق مسیو مولیتر سالیانه بیست و بک هزار و پانصد فرانک خواهد بود

ماده سوم - در کنتراهای باید ذکر شود که وظایف مدیر کل مطابق نظامنامه معین خواهد شد

قانون

راجع با استخدام سه نفر مستخدم سوئدی برای ژاندارمری و دو نفر

مستخدم فرانسوی برای وزارت عدلیه و داخله

مصوب ۱۸ نور مطابق ۱۹ جادی الاولی ۱۳۲۹ قمری

ماده اول - مبلغ چهل و چهار هزار فرانک برای هر ساله سه نفر مستخدمین سوئدی بجهت ژاندارمری در مدت سه سال

(۱) بیست هزار فرانک برای یک نفر سلطان

(۲) بیست و چهار هزار فرانک برای دو نفر نایب

ماده دوم - شصت هزار فرانک برای دو نفر مستخدم فرانسوی بجهت عدلیه و داخله از قرار نفری سالی سی هزار فرانک در مدت سه سال

قانون

استخدام چهار نفر مستخدم امریکائی برای وزارت مالیه

مصوب ۲۶ جادی الاخری ۱۳۲۹ قمری

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است چهار نفر مستخدم امریکائی مالیه باشرا بط کنتراهای سابق و مقرری های ذیل استخدام نماید: معاون مالیاتی چهار هزار دلار معاون مالیاتی برای تفتیش سه هزار و پانصد دلار - معاون مالیاتی یک هزار و هشتصد دلار - معاون مالیاتی هزار و ششصد دلار و مقرری این چهار نفر از بابت شصت هزار تومان اعتباری که در قانون ۲۳ جوزا تنگوزئیل تصویب شده پرداخته میشود

قانون

استخدام سه نفر مستخدم (دونفر امریکائی و یک نفر
از اروپائیهائیکه در ایران هستند) برای وزارت مالیه

مصوب ۹ رجب ۱۳۲۹ قمری

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است سه نفر مستخدم مالیه که دونفر آنها امریکائی و یک نفر از اروپائی هائیکه در ایران هستند با شرایط عمومی سابقین و بنا مقررری های سالیانه مفصله ذیل استخدام نماید و مقررری آنها از بابت شصت هزار تومان اعتباریکه موافق ماده هفتم قانون ۲۳ جوزای ۱۳۲۹ تصویب شده پرداخته میشود : معاون مالیاتی برای تشکیل ژاندارمری خزانه پنجهزار دلار - معاون مالیاتی سه هزار دلار - معاون مالیاتی یک هزار و پانصد دلار

قانون

ماده الحاقیه بکتبرات مسیوهازه

مصوب دوم شعبان ۱۳۲۹ قمری

ماده الحاقیه - چنانچه مسیوهازه در مدت کتبرات بدرجه علیل گردد که استعداد جانی برای خدمت نداشته باشد بتصدیق اطبا لازم است هشتصد تومان مادام العمر باسپانسیون باقساط معینه بشار الیه مرحمت شود و اگر در جنگ مقتول و مغلول شود همین مبلغ بعیال و اولاد او تا بیست سال داده میشود و نیز پس از انقضای مدت این پنج سال کتبرات که باسپانسیون مشار الیه در ایران دوازده سال خواهد بود چنانچه دولت ایران وجود مسیوهازه را برای خدمت لازم نداند و تجدید کتبرات با او ننماید در پاداش خدمات دوازده ساله مشار الیه دولت ایران این هشتصد تومان را مادام العمر

به مسیوهازه بدهد در صورتی که در ظرف مدت این کتبرات پنجسال که موقع خدمت مسیوهازه منقضی نشده باشد و بدون تقصیر دولت ایران در ظرف این مدت او را از خدمت معاف کند مادام العمر سالی ششصد تومان باقساط معین در حق او برقرار کند ولی اگر در ظرف این مدت پنجسال که کتبرات مشار الیه منقضی نشده باشد و از طرف او خلاف و تقصیر قانونی نظامی ظاهر گردد از خدمت معاف و حق دریافت پانسیون را خواهد داشت

قانون

در باب تجدید کتبرات مسیوه لانس و استخدام یکمفر معلم طب

فرانسوی و یکمفر معلم تاریخ طبیعی

مصوب ۲۹ شعبان ۱۳۲۹ قمری

ماده اول - وزارت علوم و معارف مجاز است کتبرات مسیوه لانس معلم فیزیک و شیمی را برای مدت سه سال از قرار پانزده هزار فرانک سالیانه تجدید نماید با این شرط که علاوه بر تدریس خدمات دیگر از قبیل تجزیه و عملیات شیمیائیه را انجام دهد

ماده دوم - یکمفر معلم طب فرانسوی که در فرانسه دارای درجه آکرژیه باشد از قرار پانزده هزار فرانک بمدت سه سال استخدام نماید

ماده سوم - یکمفر معلم تاریخ طبیعی بجای دکتر کمبو بمدت سه سال از قرار دوازده هزار فرانک سالیانه استخدام شود

قانون

راجع باسخدام یکمفر صاحب منصب اداری (آتاندانس) و شش نفر

صاحب منصب قشونی سوئدی برای ژاندارمری

مصوب لیله ۲۶ رمضان ۱۳۲۹ قمری

ماده اول - مبلغ بیست و هشت هزار و پانصد تومان برای استخدام یک نفر

صاحب‌منصب اداری و شش نفر صاحب‌منصب قشونی سوئدی بوزارت داخله اعتبار داده میشود

ماده دوم - صاحب‌منصبان مزبور که برای مدت سه سال استخدام میشوند مأمور تشکیل اداره مباشرت ژاندارمری و اداره کل دستجات ژاندارمری و تدریس در مدارس صاحب‌منصبان کل و جزء و تابین ژاندارم و نظمی دولت علیه خواهند بود

قانون

راجع به تجدید کتبرات سه ساله هفت نفر مستخدمین بلژیکی

مصوب ۲ شوال ۱۳۲۹ قمری

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است کتبرات اشخاص مفصله ذیل را باین ترتیب

تجدید نماید

اسم	شغل	سال اول	سال دوم	سال سوم
		فرانك	فرانك	فرانك
مسیو لوکیفر	رئیس گمرک انزلی	۱۷۰۰۰	۱۸۰۰۰	۱۹۰۰۰
مسیو کنستان	رئیس گمرک بندر بوشهر	۱۷۰۰۰	۱۸۰۰۰	۱۹۰۰۰
مسیو رانس کن	رئیس گمرک جلفا	۱۵۰۰۰	۱۶۰۰۰	۱۷۰۰۰
مسیو اندریو	رئیس گمرک آستارا	۱۴۰۰۰	۱۵۰۰۰	۱۶۰۰۰
مسیو دکراو	رئیس گمرک بندر عباس	۱۳۰۰۰	۱۴۰۰۰	۱۵۰۰۰
مسیو فوبرون	رئیس گمرک مشهد	۱۳۰۰۰	۱۴۰۰۰	۱۵۰۰۰
مسیو دوهم	مفتش گمرکات آذربایجان	۹۰۰۰	۹۵۰۰	۱۰۰۰۰

قانون

راجع باسخدام مستر نیو

مصوب ۹ شوال المکرم ۱۳۲۹ قمری

ماده اول - وزارت مالیه مجاز است مستر نیو را برای محاسبات وزارت پست و تلگراف سه ساله استخدام نماید.

ماده دوم - شرایط کتبرات مستخدم مذکور همان شرایط عمومی مستخدمین امریکائی است و حقوق او سالیانه چهار هزار تومان است که از شصت هزار تومان اعتباری که سابقاً برای هیئت تقنینیه داده شده است پرداخته خواهد شد

قانون

راجع باسخدام بیست نفر صاحب‌منصب سوئدی برای تشکیلات قشون ایران

مصوب ۱۶ شوال المکرم ۱۳۲۹ قمری

ماده اول - وزارت جنگ دولت علیه ایران مجاز است برای تشکیلات اداری و تعلیمات نظامی و تأسیسات علمی قشونی بیست نفر صاحب‌منصب سوئدی بموجب مواد هشت گانه ذیل استخدام نماید

ماده دوم - عده صاحب‌منصبانی که از دولت سوئد استخدام میشوند چهارده نفر صاحب‌منصب صف و سه نفر صاحب‌منصب اداری برای مدت سه سال خواهد بود

ماده سوم - سه نفر صاحب‌منصب جزو دیگر نیز برای مدت سه سال از دولت سوئد برای معاونت صاحب‌منصبانی که در ماده فوق ذکر شده است و برای تشکیل کادر قشون و تعلیم صاحب‌منصبان جزو و افراد تا بین استخدام میشوند

ماده چهارم - چهارده نفر صاحبمنصب صف بطریقه ذیل در نظام تقسیم میشوند:

- وزارت جنگ ۳ نفر صاحبمنصب
 - پیاده نظام ۶ نفر
 - سواره نظام ۲ نفر
 - توپخانه ۱ نفر
 - مدرسه نظامی ۲ نفر
- ماده پنجم - سه نفر صاحبمنصب اداری نیز بطریقه ذیل تقسیم میشوند:
- وزارت جنگ ۱ نفر صاحبمنصب
 - پیاده نظام ۱ نفر
 - سواره نظام و توپخانه ۱ نفر

ماده ششم - تقسیم صاحبمنصبان جزو بطریقه ذیل خواهد بود:

- سواره نظام ۱ نفر صاحبمنصب جزو
- توپخانه ۱ نفر
- مدرسه نظامی صاحبمنصبان جزو ۱ نفر

ماده هفتم - برای استخدام چهارده نفر صاحبمنصب صف، و سه نفر صاحبمنصب

اداری و سه نفر صاحبمنصب جزو مبلغ ۵۸۳۷۳۰ قران اعتبار به وزارت جنگ داده

میشود

ماده هشتم - تقسیم صاحبمنصبان کل و جزو مطابق فهرست ذیل است:

نوع خدمت و رتبه که باید در نظام سوئد دارا باشند

۱	رئیس مستخدمین نظامی	رتبه یاور یا نایب سرهنگ
۱	وزارت جنگ:	سلطان برای پیاده نظام
۱		سلطان برای توپخانه
۱		سلطان برای اداره مباشرت نظام
۳	پیاده نظام:	سلطان برای پیاده نظام
۳		نایب اول
۱		سلطان برای اداره مباشرت پیاده نظام
۱	سوار نظام:	سلطان برای سوار نظام
۱		نایب اول
۱		صاحب منصب جز
۱	توپخانه:	نایب اول برای توپخانه
۱		صاحب منصب جز
۱		برای اداره مباشرت توپخانه و سوار نظام - نایب اول
۱		مدرسه نظامی صاحب منصبان: سلطان برای پیاده نظام
۱		نایب پیاده نظام
۲		مدرسه صاحبمنصبان جزو: صاحب منصب جزو

مجموع ۲۰ نفر

قانون

کنترات مسیو بوطن

مصوب ۱۸ شوال ۱۳۲۹ قمری مطابق ۱۹ میزان

ماده اول - مسیو بوطن مداومت خواهد نمود مدت سه سال شمسی بخدمت دولت علیه ایران بسمت مهندسی قورخانه و کارخانجات نظامی و متعهد میشود که بطور شایسته تکالیف خود را در این مشاغل بعمل آورده و نیز در مدت کنترات خود بالغ بسی نفر شاگرد را که باوسپرده میشود بعملیات مکانیکی تعلیم کرده و هر گاه مسیو بوطن یکی از شرایط مقررده باوزارت جنگ تخلف کند و یا موجبات عدم رضایت وزارت جنگ را فراهم نماید دولت مختار است که کنترات مشار الیه را فسخ نماید در این صورت دیگر مسیو بوطن حق مواجب و مقرری را نخواهد داشت .

ماده دوم - تاریخ تجدید این کنترات از روز حمل ایت ثیل ۱۳۲۸ لغایت سه سال شمسی خواهد بود .

ماده سوم - وزارت جنگ مجاز است مسیو بوطن مهندس قورخانه و کارخانجات نظامی را برای مدت سه سال از قرا سالی دو هزار و چهار صد تومان استخدام نماید .

قانون

راجع با استخدام ده نفر مستخدمین امریکائی برای مالیه

مصوب ۱۹ ذیحده ۱۳۲۹ قمری مطابق ۱۸ عترب

ماده اول - وزارت مالیه مجاز است ده نفر مستخدمین مالیه امریکائی استخدام نماید .

ماده دوم - شرایط عمومی کنترات های ده نفر مستخدم امریکائی مذکور مطابق شرایط عمومی مستخدمین امریکائی که تا بحال استخدام شده اند خواهد بود .

ماده سوم - مبلغ بیست و چهار هزار و نه صد دلار حقوق سالیانه ده نفر مستخدم مذکور از بابت شصت هزار تومان اعتباریکه مطابق ماده هفتم قانون ۲۳ جوزا بخزانه دار کل داده شده است تصویب میشود .

شماره ترتیبی	عنوان	صفحه	
		از	تا
۱	قانون راجع باعزام سی نفر شاگرد به اروپا برای تحصیل	۵۷۹	۵۸۰
۲	قانون در باب اعدام محمدعلی میرزا و برادران	۵۸۰	
۳	قانون راجع به قطع حقوق اشخاصی که باحکومت ملی ضدیت کرده اند	۵۸۱	
۴	قانون راجع به حقوق اشخاصی که در جزو بودجه دربار حقوق داشته اند	۵۸۱	۵۸۳
۵	خلاصه تصویبات مالی	۵۸۴	۵۸۹

قسمت پنجم
تصویبات مالی

قانون

راجع باعزام سی نفر شاگرد به اروپا برای تحصیل

مصوب ۱۷ جمادی الاولی ۱۳۲۹

ماده اول - درسته تکنوزئیل ۱۳۲۹ سی نفر شاگرد ایرانی از طرف دولت علیه

برای تحصیلات ذیل باروپا فرستاده میشود:

برای معلمی ۱۵ نفر

برای علوم نظامی بقرار ذیل:

بیاده نظام ۲ نفر

سوار نظام ۲

توپخانه ۲

مهندس نظام ۱

صاحب منصب اداری ۱

برای مدرسه مهندسی طرق و شوارع ۳ نفر

برای مدرسه حرف و صنایع

۲

شیمیست

۱

برای مدرسه فلاحت :

مخصوص ابریشم

۱ نفر

فلاحت عمومی

۱

ماده دوم - بعد از سه تنگوزئیل تا مدت پنجسال هر سال بیست نفر شاگرد جدید بخارجه اعزام میشود که مشغول تحصیل علوم لازمه باشند و هر چند نفر از شاگردان که بعد از فراغت تحصیل مراجعت بایران کنند و بابواسطه طفره از تحصیلات و یا بجهت دیگر خارج شده و محل خالی بماند عوض آنها مجدداً فرستاده میشود .

ماده سوم - مخارج سی نفر شاگرد از قرار نفی پانصد و پنجاه تومان مبلغ شانزده هزار و مانصد تومان سالیانه اعتبار بوزارت معارف داده میشود .

ماده چهارم - مخارج ذهاب سی نفر شاگرد از قرار یکصد تومان سه هزار تومان .

قانون

درباب اعدام محمد علی میرزا و برادران

مصوب ۳ شعبان ۱۳۲۹

ماده اول - چون محمد علی میرزای مخلوع مفسد فی الارض و دفع آن واجب است هیئات دولت مجاز است یکصد هزار تومان با اعدام کننده یا دستگیر کننده محمد علی میرزا و یا ورثه آنان بپردازد .

ماده دوم - وزارت جنگ مجاز است مبلغ بیست و پنج هزار تومان بخود و یا وراثت دستگیر کننده و یا اعدام کننده سالارالدوله و مبلغ بیست و پنجهزار تومان بخود یا وراثت دستگیر کننده و یا اعدام کننده شعاع السلطنه بپردازد .

قانون

راجع به نزع حقوق اشخاصی که با حکومت ملی

ضدیت کرده اند

مصوب ۸ ذی قعدة ۱۳۲۹

ماده واحده - اشخاصی که در طهران و سایر ولایات بعد از عفو عمومی ۱۵ شعبان ۱۳۲۷ به ضدیت حکومت ملی بهر عنوان عملاً قیام یا اقدام کرده اند حقوق ذیوانی آنان نقداً و جنساً مقطوع است دولت اسامی اشخاصی که بموجب این قانون حقوق آنان مقطوع میشود باید در روزنامه رسمی اعلام نماید .

قانون

راجع به حقوقات اشخاصی که در جزو بودجه دربار

حقوق داشته اند

مصوب ۱۷ ذی قعدة ۱۳۲۹

ماده ۱ - از يك تومان تا مأخذ شصت تومان ابقا میشود .

ماده ۲ - تا مأخذ یکصد و بیست تومان شصت تومان بمأخذ ماده (۱) مازاد آن دو ثلث ابقا میشود .

ماده ۳ - از یکصد و بیست تومان تا مأخذ دو بیست تومان یکصد و بیست تومان بمأخذ ماده (۲) مازاد آن پنج عشر ابقا میشود .

ماده ۴ - از دو بیست تومان تا مأخذ سیصد تومان دو بیست تومان آن بمأخذ ماده (۳) مازاد آن چهار عشر ابقا میشود .

ماده ۵ - از سیصد تومان تا مأخذ چهار صد تومان سیصد تومان آن بمأخذ ماده (۴) مازاد آن سه عشر ایقا میشود .

ماده ۶ - از چهار صد تومان تا مأخذ پانصد تومان چهار صد تومان آن بمأخذ ماده (۵) مازاد آن دو عشر ایقا میشود .

ماده ۷ - از پانصد تومان تا مأخذ یک هزار تومان پانصد تومان آن بمأخذ ماده (۶) مازاد آن یک عشر ایقا میشود .

ماده ۸ - اشخاصی که نقد و جنس دارند و همچنین اشخاصی که جنس فقط دارند جنس آنها بقرار خرواری سه تومان مسعر و بمأخذ مواد فوق عمل شود .

ماده ۹ - این مواد شامل حقوق اشخاصی است که حقوق دیگری ندارند و فقط جزو بودجه سابق دربار موظف بوده اند اما اشخاصی که در ولایات و رکاب غیر از این حقوق علیحدہ دارند باید وزارت مالیه تحقیق نماید در صورتیکه حقوق خارج از دربار آنها علاوه از حقوق درباری است آنچه در جزو درباری دارند مقطوع و ضبط میشود و در صورتی که حقوق خارج آنها کمتر از حقوق درباری باشد آن حقوق خارجی از آنچه در جزو بودجه درباری تصویب میشود کسر گذارده خواهد شد .

ماده ۱۰ - حقوق اشخاصی که بر ضد اساس حکومت ملی قیام و اقدام نموده اند بکلی مقطوع و از این قانون مستثنی است .

ماده ۱۱ - مبلغ هجده هزار و هفتصد و پنجاه و شش تومان و سه هزار و یکصد و پنجاه دینار تقدوم مقدار ششصد و چهل و پنج خروار و شصت و سه من غله و سیصد و شصت خروار و شصت و شش من گاه بموجب دو فرد طبع شده و دو ضمیمه آن شامل

۵۵ قلم مقطوع است .

ماده ۱۲ - حقوق اداری از این قانون مستثنی و بکلی مقطوع است .

ماده ۱۳ - متوفیات این حقوقات مطابق قانون متوفیات باید معمول شود .

Table with multiple columns containing handwritten text, likely a list of names and amounts related to the financial provisions mentioned in the text.

خلاصه تصویبات مالی

نمبر ترتیبی	مبلغ	تاریخ تصویب	
		ت	د
۱	۱۳۱۴۸	۲۶	ذیحجه ۱۳۲۷
۲	۱۰۰۰۰	>	>
۳	۱۶۰۰	>	>
۴	۲۰	۱۵	محرم ۱۳۲۸
۵	۱۵	>	>
۶	۱۸۰	۱۵	ساله
۷	۱۰۰	۱۵	ساله
۸	۶۵۰	۱۵	ساله
۹	۲۵۰	۳	ماهه
۱۰	۵۳۱۹۹	۴	ماهه
۱۱	۲۵۱	۱۵	ساله
۱۲	۱۵۰	>	>
۱۳	۱۵۰	ماهیه	۱۹ صفر
۱۴	۳۸۰۰۰	>	>
۱۵	۳۰۶۱۶	۴	ماهه
۱۶	۱۰۰۰۰	>	>
۱۷	۶۸۷۶۵	۴	ماهه
۱۸	۵۰	ماهیه	۱۸ ربیع الاول
۱۹	۴۸۹۱۹	۴	ماهه
۲۰	۲۱۵	>	>
۲۱	۳۶۰	>	>

نمبر ترتیبی	مبلغ	تاریخ تصویب	
		ت	د
۱	۱۳۱۴۸	۲۶	ذیحجه ۱۳۲۷
۲	۱۰۰۰۰	>	>
۳	۱۶۰۰	>	>
۴	۲۰	۱۵	محرم ۱۳۲۸
۵	۱۵	>	>
۶	۱۸۰	۱۵	ساله
۷	۱۰۰	۱۵	ساله
۸	۶۵۰	۱۵	ساله
۹	۲۵۰	۳	ماهه
۱۰	۵۳۱۹۹	۴	ماهه
۱۱	۲۵۱	۱۵	ساله
۱۲	۱۵۰	>	>
۱۳	۱۵۰	ماهیه	۱۹ صفر
۱۴	۳۸۰۰۰	>	>
۱۵	۳۰۶۱۶	۴	ماهه
۱۶	۱۰۰۰۰	>	>
۱۷	۶۸۷۶۵	۴	ماهه
۱۸	۵۰	ماهیه	۱۸ ربیع الاول
۱۹	۴۸۹۱۹	۴	ماهه
۲۰	۲۱۵	>	>
۲۱	۳۶۰	>	>

تصویب مصارف لازم قشونی برای مصارف دوماهه سوار و سه ماهه سرباز مأمور کیلان
 تصویب مصارف مجاهدین مأمور اردبیل
 مصارف معالجه حاج میرزا موسی خان میرنجه
 مقرری نایب باقرخان فراشبازی سابق مجلس
 مقرری میرزا حسنخان مستخدم مجلس که در موقع بیماریادمان پایش کلوله خورده
 حقوق ورثه مرحوم مصدق الدوله (عیال و دونفر صبیبه هر کدام سالی چهل تومان و پسر
 کوچک سالی شصت تومان)
 حقوق ورثه میرزا محمد علیخان لشکر نویس
 حقوق ورثه مرحوم اعتمادالدوله (دو پسر نفقری یکصدتومان و صبایا و عیالش نفقری پنجاهتومان)
 حقوق ورثه مرحوم شیخ الاسلام قزوینی
 مواجب و مخارج یک نفر مقتش برای بازدید جنگلها
 بودجه موقتی چهار ماهه تخاقوی ثیل ۱۲۸۸ شمسی وزارت جنگ
 حقوق ورثه مرحوم امین الوزاره
 انعام ورثه مرحوم میرزا علی اصغر خان رئیس گمرک اشتویه
 مواجب ژنرال قونسول اسلامبول
 تنه مخارج اردوی اردبیل و حقوق پس اتاده مجاهدین
 بودجه موقتی چهار ماهه تخاقوی ثیل ۱۲۸۸ شمسی وزارت داخله
 مخارج مراجعت دمتر شاگرد ایرانی کدر مدرسه نظامی اسلامبول مشغول تحصیل بوده اند
 بودجه موقتی چهار ماهه تخاقوی ثیل ۱۲۸۸ شمسی وزارت عدلیه
 مقرری ورثه مرحوم حاج میرزا ابراهیم آقا
 بودجه چهار ماهه تخاقوی ثیل ۱۲۸۸ شمسی مجلس شورای ملی
 مخارج راه کار گذار سیستان

نرد
ردیف

خلاصه تصویبات مالی

۲۲	حقوق حاجی تقی خان
۲۳	مقرری ورثه مرحوم یحیی میرزا
۲۴	مقرری ورثه مرحوم عظیم زاده
۲۵	قروض مرحوم حاج میرزا ابراهیم آقا
۲۶	حقوق ورثه شهدی محمد زاندارم مقتول در زنجان
۲۷	مخارج تحصیل قویم السلطنه
۲۸	معایت گمرک ماشین نجاری و تکه سازی تجار آذربایجان
۲۹	مخارج تعمیر کشتی های دولتی در خلیج فارس
۳۰	مستمری ورثه مرحوم میرزا غلامحسین مقتول در حضرت عبدالعظیم [ع]
۳۱	مستمری ورثه حاج سید آقا مقتول
۳۲	مستمری ورثه دبیر همایون مقتول در حضرت عبدالعظیم
۳۳	مستمری ورثه مرحوم ابوالحسنخان مدیر مدرسه آستارا
۳۴	مستمری ورثه علی اکبرخان مقتول در زنجان
۳۵	مستمری ورثه شهدی تقی مقتول در قراقخانه
۳۶	مستمری ورثه حمزه مقتول در وقعه مجلس
۳۷	مستمری مادر اسمعیلخان مقتول در استبداد صغیر
۳۸	مخارج مسافرت مأمورین وزارت خارجه
۳۹	مستمری منیب زوربتان رئیس گمرک ارومیه و عیال و اولاد مشارالیه
۴۰	مخارج مأمورین خرید اسلحه
۴۱	مواجب چهارماهه یکصد و هفتاد و پنجاه مجاهد
۴۲	اعتبار به وزارت جنگ برای کرایه ماشین وآلات توپ ریزی از کیلان بپهران

تاریخ تصویب	برای چه مدت	سالیانه یا ماهیانه	مبلغ	
			د	ق
۸ ربیع الثانی ۱۳۲۸	مادام الحیوة	سالیانه	۱۲۰	
۱۰ ربیع الثانی	مادام الحیوة	ماهیانه	۲۰	
۱۰ ربیع الثانی	تا وقتی که شوهر اختیار نکرده یا فوت نمایند	ماهیانه	۱۵	
۱۹ ربیع الثانی			۸۳۰	
۱۹ ربیع الثانی	مادام الحیوة	ماهیانه	۳	
۷ جمادی الاولی	چهار ساله	سالیانه	۷۰	
۱۱ جمادی الاولی			۶۲۸	
۸ جمادی الثانی			۲۰۰۰۰	فراغت
۸ جمادی الثانی	مادام الحیوة	سالیانه	۱۲۰	
۸ جمادی الثانی	مادام الحیوة	سالیانه	۶۰	
۸ جمادی الثانی	مادام الحیوة	سالیانه	۵۶	
۸ جمادی الثانی	مادام الحیوة	سالیانه	۲۴۰	
۸ جمادی الثانی	مادام الحیوة	سالیانه	۱۲۰	
۸ جمادی الثانی	مادام الحیوة	سالیانه	۱۰۰	
۸ جمادی الثانی	مادام الحیوة	سالیانه	۸۴	
۸ جمادی الثانی	مادام الحیوة	سالیانه	۱۲۰	
۸ جمادی الثانی	مادام الحیوة	سالیانه	۲۵۰۰	
۸ جمادی الثانی	مسیوینتان و عیال مادام الحیوة اولاد تا حد بلوغ	سالیانه	۸۰۰	
۱۳ جمادی الثانی			۱۰۲۵	
۱۳ جمادی الثانی				
۱۵ جمادی الثانی			۶۰۰۰	

خلاصه تصویبات مالی

۴۳	مستمری دکتر مورل
۴۴	مستمری والده آقا محمود
۴۵	مستمری آقا شیخ محمد صالح و آقا شیخ عبدالحمین
۴۶	مستمری آقا شیخ حبیب الله کیلانی
۴۷	واگذاری دو هزار ذرع از اراضی ننگارستان بدمرسته نقاشی و تصویب مخارج آن بمبلغ
۴۸	طلب حاج عدل السلطنه
۴۹	مستمری آقا شیخ هادی استرآبادی
۵۰	بودجه ایت ثیل ۱۲۸۹ شمسی مجلس شورای ملی
۵۱	مقرری شجاع السلطان بانه
۵۲	حقوق صاحب منصبان مستغنی از قرائتخانه
۵۳	حقوق سردار ملی و سالار ملی
۵۴	اعتبار بوزارت داخله برای ساختمان قرائتخانه در سرحدات شمال
۵۵	توقیف وجه ماخوذه بلدیة از بابت روشنائی و احتسابیه از وزارت مالیه
۵۶	مخارج اعزام چهار نفر شاگرد مدرسه سیاسی بیاریس
۵۷	تخفیف نصف مالیات قریه کهنویه و معز آباد یزد
۵۸	حقوق ورثه مرحوم حسام الاسلام
۵۹	مستمری ورثه مرحوم قاضی قزوینی
۶۰	مخارج روز نامه رسمی (با قید اینکه طبع روز نامه در مطبعه شاهنشاهی و اجرت پست مجانی خواهد بود)
۶۱	اعتبار بوزارت معارف و اوقاف برای تکمیل بنائی و اثابیه مدرسه نقاشی
۶۲	مستمری ورثه دکتر مورل شرح ذیل : عبدال دکتور مورل

تاریخ تصویب	رای چه مدت	سالیانه یا ماهیانه	مبلغ	
			د	ق ت
۱۳۲۸ رجب ۱۹	مادام الحیوة	سالیانه	۱۲۰۰۰	
» رجب ۲۳	مادام الحیوة	سالیانه	۶۰	
» رجب ۲۳	مادام الحیوة	ماهیانه	۱۲	
» رجب ۲۳	مادام الحیوة	سالیانه	۶۰	
» رجب ۲۳	یکدفعه		۲۰۰۰	
» شعبان ۲۱			۳۴۳۵۳	
» شوال ۹		سالیانه	ده خروار جنس	
» شوال ۱۸	یکساله	سالیانه	۱۷۴۵۳۸	
» سلخ شوال	مادام که اموال متصوبه اش مسترد نشده	ماهیانه	۱۰۰	
» ذی قعدة ۷		ماهیانه	۴۲۴	۵۶۵
» ذی قعدة ۲۳	مادام الحیوة	ماهیانه	۹۰۰	
» ذیحجه ۲۶			۲۰۰۰۰	
» ذی حجه ۲۸		سالیانه	۱۸۰۶۳	
۱۳۲۹ محرم ۳			۶۰۰	
» محرم ۳	مادام که تعدیل نشده	سالیانه	۴۰۰	
» محرم ۱۷	مادام الحیوة	ماهیانه	۲۰	
» محرم ۱۷	مادام الحیوة	ماهیانه	۱۸	
» ربیع الاول ۷	۶ ماهه	ماهیانه	۴۳۴	
» ربیع الاول ۱۲			۲۳۰۰	
» ربیع الثاني ۲۹	مادام الحیوة	سالیانه	۳۰۰	

خلاصه تصویبات مالی

	اولاد دکتر مورل	
۶۳	مخارج امداد سیم تلگراف از عراق بکلیلیکان و خونسار و محلات و کمره	
۶۴	مخارج ساختمان تلگراف خانه و پست خانه در سرحد جلغا در سه تنگوزیل	
۶۵	مستری مشهدی تقی مجاهد اردبیلی	
۶۶	مقرری کار گذار ادسا	
۶۷	برقراری نصف حقوق مرحوم حامد الملک در حق ورثه بمسلاوه ۵۰ تومان برقراری	
۶۸	مقرری داود خان مجاهد	
۶۹	واگذاری ۱۳۷۷۰ فرغ از اراضی نیکارستان بدمدرسه حقوق و سیاسی و تأسیس موزه و کتابخانه ملی و تصویب مخارج ساختمان مدرسه حقوق و سیاسی بمبلغ	
۷۰	تغییب ۱۳۴ تومان تفاوت عمل صباغ کاشان و ۱۶۰ تومان نصف تفاوت عمل صباغ کاشان	
۷۱	حقوق جسی ورثه مرحوم آقا سید عبدالله	
	حقوق ورثه مرحوم آقا سید جمال الدین واعظ (علاوه بر آنچه مطابق قانون منویات از حقوق دیوانی دریافت میدارند)	
۷۲	تفویض بودجه ارتیل مجلس شورای ملی	
۷۴	مخارج استرداد اسرای قوچان توسط میرزا اسمعیل خان فرزانه در عشق آباد (به تسعیر تومان)	
۷۵	مقرری ورثه قانونی یوسف مجاهد	
۷۶	بودجه تنگوزیل ۱۲۹۰ شمسی مجلس ملی	
۷۷	مقرری رخصاره خانم همشیره عباسقلی خان (باقید ضبط حقوق مرحوم عباسقلی خان و حقوق شخصی رخصاره خانم)	
۷۸	مخارج راه حسن خان مجاهد تبریزی	
۷۹	مقرری وراثت میرزا اسمعیل و آقا سید حسن مجاهد مقتول	

تاریخ تصویب	برای چه مدت	سالیانه یا ماهیانه	مبلغ	
			د	ت
۲۹ ربیع الثانی ۱۳۲۹	۸ ساله	سالیانه	۵۰۰	
۲۹ ربیع الثانی			۷۱۵۷	
۵ جمادی الاولی			۵۷۰۰	
۵ جمادی الاولی	مادام الحیوة	سالیانه	۱۰۰	
۱۰ جمادی الاولی		ماهیانه	۲۰۰	
۱۰ جمادی الاولی		سالیانه	۵۰	
۱۷ جمادی الاولی	مادام الحیوة	ماهیانه	۱۵	
۱۹ جمادی الاولی			۱۵۰۰۰	
۱۹ جمادی الاولی			۲۹۴	
۲۴ جمادی الاولی		سالیانه	۲۰	خرورغله
۲۸ جمادی الاولی		سالیانه	۲۰۰	
۵ جمادی الثانی			۳۳۱۸	منات
۵ جمادی الثانی		ماهیانه	۴	
۲۶ جمادی الثانی	یک ساله	سالیانه	۱۵۰۵۱۸	
۲۹ جمادی الثانی	مادام الحیوة	ماهیانه	۳۰	
۷ رجب			۵۰	
۹ رجب	مادام الحیوة	ماهیانه	۱۲	

خلاصه تصویبات مالی

شماره ترتیبی	موضوع
۸۰	تفویض قریه آوه خالصه بملکیت بورات مرحوم آیه الله طهرانی (باقید اینکه از تنگوزیل مبلغ ۷۴ تومان نقد و ۲۷ خروازغله و ۱۶ خروازگاه مالیات برای این قریه برقرار میشود)
۸۱	مخارج راه آقا شیخ محمد تقی مجتهد
۸۲	مستمری مادر غلامحسین خان مجاهد مقتول (ماهیه)
۸۳	حقوق محسن خان مجاهد (ماهیه)
۸۴	حقوق آیه الله کرم خان پسر حیدرقلی خان وشعبان علی خان ومحمد حسن خان اخوان حیدر خان
۸۵	مستمری مازر استاکس (معاون مالیه برای تشکیل ژاندارمری) از تاریخ انقضاء کتبات مصوبه رجب ۱۳۲۹
۸۶	مخارج راه میرزا محمد علی خان و میرزا عباس خان اخوان شیخملی خان مجاهد مقتول
۸۷	اعتبار بهیشت دولت برای مخارج نظامی و مخارج مخفی
۸۸	مقرری ادب المجاهدین کرمانی
۸۹	تخفیف مالیاتی قرا سیزده گانه غربی دزفول و اخذ عشریه از عایدات مالکی
۹۰	تخفیف فرع قنات یوسف آباد بفرویه یزد
۹۱	مقرری ورثه عبدالملی مجاهد
۹۲	مقرری ورثه مشهدی محسن مجاهد (مادر - عبال - یک دختر و یک پسر)
۹۳	تخفیف نصف ثانی مالیات قنوات کسنویه و معز آباد یزد
۹۴	مقرری حاج میرزا آقای خوئی
۹۵	مقرری ورثه مرحوم آقا سید رحمان الله
۹۶	قطع حقوق مستشارالحکماء
۹۷	تخفیف مالیات قنات یعقوبیه یزد و اخذ عشریه از عایدات
۹۸	برقراری نصف حقوق اسد خان بختیاری - درحق ورثه مطابق قانون متوقبات و همچنین برقراری مستمری در باره کبعلی خان بختیاری اخوی مرحوم اسدالله خان به مبلغ

تاریخ تصویب	برای چه مدت	سالیانه یا ماهیانه	مبلغ	
			د	ت
۲۱ سرطان ۱۶ رجب ۱۳۲۹				
»	»	»	۱۵۰۰	
» ۲۸ رجب ۲۳	مادام الحیوة	سالیانه	۶۰	
» ۲۸ سرطان	مادام الحیوة	سالیانه	۱۸۰	
» ۲۸ سرطان	برای استخدام درگمرک		۱۰۰۰	
» ۳ شعبان		سالیانه	۲۵۰	لیره
» ۱۰ شعبان			۱۰۰	
» ۲۰ اسد ۱۷ شعبان			۳۰۰۰۰۰	
» ۱۷ شعبان	مادام الحیوة	ماهیانه	۱۵	
» ۲۰ اسد ۱۷ شعبان	تامیزی جدید			
» ۱۷ شعبان	تا موقع تمیزی		۱۴۴۰	
» ۲۳ اسد ۳۰ شعبان	۱۵ ساله	ماهیانه	۱۰	
» ۶ رمضان	۱۵ ساله	ماهیانه	۶	
» ۶ رمضان	تامیزی جدید		۴۰۰	
» ۱۴ رمضان	مادام الحیوة	ماهیانه	۲۰	
» ۱۶ رمضان	مادام الحیوة	ماهیانه	۱۰۰	
» ۲۶ رمضان				کلیه حقوق
» ۲ شوال				
» ۴ شوال	مادام الحیوة	سالیانه	۴۰	

تاریخ تصویب	برای چه مدت	سالیانه یا ماهیانه	مبلغ	
			د	ت
۱۳۲۹	۴ شوال	سالیانه	۳۶۰۰	
»	۱۱ شوال	سالیانه	۵۰۰	
»	۲۰ شوال	ماهیانه ۱۵ ساله	۲۰	
»	۲۵ شوال	سالیانه ۳ ساله	۶۰۰	
»	۲۵ شوال	ماهیانه	۶	
»	۸ ذی قعدة	يك دفعه	۳۵۰۰	
»	۸ ذی قعدة	مادام الحیوة	۶	
»	۱۰ ذی قعدة	در مدت خدمت	۹۰	
»	۱۲ ذی قعدة	مادام المرض	۲۰	
»	۱۲ ذی قعدة	تاتصویب بودجه وزارت خارجه	۵۰	
»	۳۰ ذیقعدة	يك دفعه	۱۲۲۱۵	
»	۲۴ ذی قعدة	ماهیانه	۴	
»	»	مادام الحیوة	۳	
»	»	سالیانه	۲۴	
»	»	سالیانه	۱۸۰	
»	۲۶ ذی قعدة	يك دفعه	۳۵۰	
»	۳ ذی حجه	مادام الحیوة	۳۶۰	

ردیف	خلاصه تصویبات مالی
۹۹	مقرری یفرم خان
۱۰۰	حقوق ورثه مرحوم یحیی خان سرتیب (سر-عبالوصیایا) [ازبابت حقوق مرحوم یحیی خان]
۱۰۱	مقرری ورثه مرحوم و کیل التجار
۱۰۲	مخارج تحصیل مترجم نظام بملاوه یکصد و بیست تومان خرج مسافرت
۱۰۳	مقرری ورثه میرزا جواد مقتول
۱۰۴	اعتبار یوزارت معارف برای اثاثیه پنج باب مدارس ابتدائی دولتی
۱۰۵	مقرری میرزا محمد خاتقاهی
۱۰۶	مقرری نیابت سوم سفارت اسلامبول (بنجاه تومان مقرری و چهل تومان مخارج شام و نهار)
۱۰۷	مخارج معالجه و معاش نظام الممالک
۱۰۸	مقرری آتاشه سفارت لندن
۱۰۹	اعتبار برای پرداخت طلب ارباب لطف الله از بابت قیمت گندم
۱۱۰	مقرری وراثت بیلس مقتول در بوشهر
۱۱۱	مقرری مادر میر محمد علیخان قراق مقتول
۱۱۲	مقرری وراثت میرزا حبیب الله مقتول
۳۱۳	مقرری حاجی علیقلی شتر دار
۱۱۴	اعتبار باداره مباشرت برای طبع قوانین دوره دوم تقنینیه
۱۱۵	مقرری ورثه میرزا اسد الله خان مقتول (والده - چهار نفر خواهر - پدر - برادر)

ردیف	شرح	صفحه	
		ب	ا
۱	قانون اصلاح ماده ۷۷ ماده ۷۸ و ۷۹	۱۶۵	
۲	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۱۶۵	
۳	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۲۶۰	
۴	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۲۶۰	۸۲۰
۵	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۸۲۰	۸۲۰
۶	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۲۱۲	۲۱۲
۷	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۲۱۲	۲۱۲
۸	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۲۱۲	۲۱۲
۹	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۲۱۲	۲۱۲
۱۰	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۲۱۲	۲۱۲
۱۱	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۲۱۲	۲۱۲

قسمت ششم - تصویبات و مطالب متفرقه

مصوب

دوره دوم قانون گزاری

اصلاح مواد ۶۰ و ۶۱ نظامنامه داخلی

در ماده شصت و یکم قانون اساسی و اصلاح آن

ردیف	شرح	صفحه
۱	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۱۶۵
۲	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۱۶۵
۳	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۲۶۰
۴	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۲۶۰
۵	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۲۶۰
۶	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۲۶۰
۷	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۲۶۰
۸	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۲۶۰
۹	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۲۶۰
۱۰	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۲۶۰
۱۱	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۲۶۰
۱۲	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۲۶۰
۱۳	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۲۶۰
۱۴	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۲۶۰
۱۵	قانون اصلاح ماده ۷۷ و ۷۸ و ۷۹	۲۶۰

شماره ترتیبی	عنوان	صفحه	
		از	تا
۱	اصلاح ماده ۷۰ نظامنامه داخلی	۵۹۱	
۲	اصلاح عوض جمله دوم ماده ۱۲۰ نظامنامه داخلی	۵۹۱	
۳	اصلاح مواد ۶۲ و ۶۹ نظامنامه داخلی	۵۹۱	۵۹۲
۴	تفسیر فقره دوم و سوم ماده هشتاد و پنجم نظامنامه داخلی	۵۹۲	
۵	تصویب پروگرام کابینه محمد ولی خان سپهدار اعظم	۵۹۲	۵۹۸
۶	تصویب پروگرام کابینه آقای مستوفی الممالک	۵۹۸	۵۹۹
۷	پروگرام کابینه آقای میرزا محمد ولی خان سپهدار اعظم	۵۹۹	۶۰۳
۸	پروگرام کابینه مصمصام السلطنه	۶۰۳	۶۰۶
۹	تصویب اختیارات تامه بهیئت وزراء برای نظامی کردن شهر و دفع سلاح از اشخاص غیر نظامی	۶۰۶	
۱۰	تصمیم قانونی راجع بامتداد مجلس شورای ملی	۶۰۷	
۱۱	تمه تصمیمات متفرقه	۶۰۸	

قسمت ششم

تصمیمات متفرقه

اصلاح ماده ۷۰ نظامنامه داخلی

مصوب ۲ ذی قعدة ۱۳۲۸

اصلاح ماده ۷۰ نظامنامه داخلی راجع بعراض که طبع فهرست آنرا موقوف داشته فقط چهار نسخه نوشته در اطاق نفس گذاشته شود.

اصلاح عوض جمله دوم ماده (۱۲۰) نظامنامه داخلی

مصوب ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۲۹

نمایندگان از وقت مقرر برای انعقاد مجلس بدون اجازه تأخیر نمایند یا در موقع دادن رأی در مطالبی که جزو دستور آن جلسات است بدون عذر موجه غیبت نمایند بهر نیمساعت تأخیر و بهر سه غیبت در يك جلسه در موقع دادن رأی ثمن مقرری يك روزه آنها کسر خواهد شد و بعلاوه مدت غیبت آنها در صورت مجلس و در روزنامه رسمی اعلان میشود.

اصلاح مواد ۶۰ و ۶۲ نظامنامه داخلی

مصوب ۲۱ رجب ۱۳۲۹

در ماده شصت جمله اخیر حذف و بجای آن اینطور نوشته شود.

اصلاحاتی که در شور اول از طرف نماینده پیشنهاد میشود پس از قرائت در مجلس مطلقاً باید بکمسیون مربوطه بآن رجوع شود .
در ماده شصت و دو لفظ (اول) حذف شود .

تفسیر فقره دوم و سوم ماده هشتاد و پنجم نظامنامه داخلی

مصوب ۲۱ رجب ۱۳۲۹

هر چند تاکنون در مجلس عمل بر این بوده که در هر يك از مواد لوایح قانونی مذکور در فقره دوم و سوم ماده هشتاد و پنجم با اوراق اخذ رأی شود لیکن ماده مزبور این ترتیب را ختمیت نداده و رأی با اوراق در موقع اخذ رأی کلی لوایح مزبوره کفایت میکند .

تصویب پروگرام کابینه محمد ولی خان سپهدار اعظم

مصوب ۱۷ ذیقعدة ۱۳۲۷

ضرورت این قاعده مسلم است که طالب هر مقصودی همیشه مقصود خود را

تاریخ معرفی وزراء ۱۶ ذی قعدة ۱۳۲۷ بشرح ذیل :

سپهدار اعظم - رئیس الوزراء و وزیر جنگ - سردار احمد وزیر داخله - علاء السلطنة وزیر خارجه
مشیر الدوله وزیر عدلیه - صنیع الدوله وزیر معارف و فوائد عامه - و توفیق الدوله وزیر مالیه
سردار منصور وزیر پست و تلگراف
معاونین

نقء الملك معاون وزارت خارجه (معرفی ۲۵ ذی حجه ۱۳۲۷) - قوام السلطنة معاون وزارت داخله
محاسب الممالك معاون پست و تلگراف (معرفی ۱۳ محرم ۱۳۲۸) - امان الله میراز معاون وزارت جنگ
(معرفی ۲۱ ع ۱ ۱۳۲۸) - ذییر الملك معاون وزارت داخله (معرفی ۲۲ ع ۲ ۱۳۲۸)
میرزا محمد علیخان وزیرزاده معاون وزارت خارجه (معرفی ۲۹ ع ۲ ۱۳۲۸) - عبدالعکمه معاون
وزارت مالیه (معرفی ۱۶ ع ۲ ۱۳۲۸)
چون کابینه مستعفی شده بود مجدداً در تاریخ ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۲۸ همان کابینه به مجلس معرفی گردید

آنی الحصول آرزو میکند و حتی المقدور مایل است از عقباتی که طی آنها موقوف علیه حصول مقصود است گذشته زود تر به نذل حرام موفق شود

هیئت خالیه وزراء نیز که طرفدار سلطنت مشروطه و هواخواه ترقی و اصلاحات هستند نمیتوانند از این قاعده کلیه مستثنی باشند و البته قویاً آرزو مندند که با سرعت تمام اصول و قواعدی را که امروز مایه سعادت و عظمت ملل متمدنه و دست رنج فرنها زحمت و فداکاری است فوراً بمقام اجرا آورده مملکت را بدرجه قضاوی سعادت نائل سازند اما چنانکه معلوم است اسباب و لوازم حالیه و مشکلات و مواعی که نتایج سوء اداره سابق است با قصد و آرزوی آنها کاملاً موافقت نمیکند و ملاحظه فقد اسباب و عناصر عامله با مدافعه بانوغل اشخاص در عادات و اخلاق سابقه طبعاً حسن نیت اولیاء امور را مقهور قانون تکامل و ترقی تدریجی مینماید و از آنجا که اساس بهترین سیاسات عالم بر صدق و حقیقت است امروز هیئت وزراء باید فقط آرزو و مسلک خود را ماخذ تعهد خدمات قرار نداده حتی المقدور از استعمال کزاف و اغراق در اقوال و مواعید احتراز کنند بلکه نسبت تعهدات خود را با اسباب کار و استطاعت فعلی محفوظ داشته سعی نمایند که پس از ایفای وعدههای سهل تر بانجام مقاصد عالی تر موفق شوند و مقاصد و خیالات را به نسبت اوضاع سیاسی و اجتماعی مملکت که طبعاً بعد از بحرانیهای شدید در ترقی است ترفیع و تکمیل نمایند .

با رعایت مقدمات فوق اولین نقطه نظر دولت جدید و نخستین اصلاح اساسی که بتواند مقدمه اصلاحات دیگر شود سعی در حفظ نظم و امنیت مملکت است برای حصول این مقصود دولت از تهیه فوری قوانینی که بتواند ضمانت امنیت را بنماید ناگزیر است و این قوا مرکب خواهد بود اولاً از يك عده قشون منظم و مرتب که در نقاط مختلفه مملکت اردوی دائمی داشته باشند ثانیاً از قرا سورا نهائی که برای حفظ طرق و شوارع لازم است ثالثاً از پلیس و نظمیه در شهر ها مسلم است ترتیب اساسی

قوای فوق الذکر خصوصاً قوای نظامی مدافه و مطالعات کامله لازم دارد و اصلاحاتی که در امر قشون در نظر است موقوف بدقت مخصوص و تقدیم لوایح قانونی آن به مجلس شورای ملی خواهد بود و چون قبل از اجرای اصلاحات اساسی مزبور ایجاد يك ترتیب موقتی که بتوسط آن ضمانت امنیت فوراً میسر شود لازم است عجالاً دولت مجبور خواهد بود بتوسط عده از قوای سابق دولتی بالغ بر بیست و پنج الی سی هزار نفر حفظ انتظام و امنیت را نموده با فراغت خاطر بدون فوت وقت اصلاحات اساسی را پیشنهاد نماید و بدیهی است برای همین استفاده موقتی از قوای سابقه باید معاش هر عده که برای حفظ امنیت و انتظام استعمال میشوند بطور منظم و کافی ایصال نمود که در مقام انجام خدمت و متابعت نظم و ترتیب عذری برای آنها باقی نباشد و بودجه غارح همین قوایی که موقتاً برای حفظ امنیت استعمال میشوند نیز به مجلس شورای ملی پیشنهاد شده تصویب مجلس نسبت بآن جلب خواهد شد.

در خصوص قراقران و پلیدس چون در غالب نقاط از سابق ترتیب معینی نداشته است حتی الامکان سعی میشود که از اول مطابق اصول صحیح به برقراری آن اقدام شود عمل دائمی غارح فوق الذکر معلوم است از مالیاتهای دولتی خواهد بود و هر قدر کسر داشته باشد نیز باید عمل آن در مملکت تدارک شود زیرا که اهالی مملکت که میخواهند به نعمت نظم و آسایش متمتع باشند باید از عهده غارح آن نیز برآیند ولی چون عجالاً برای شروع به عملیات اعتبار تقدی فعلی تقریباً معادل پنج کرور تومان لازم و تحصیل این اعتبار فعلاً در داخله مملکت مشکل است تهیه آن از راه يك استقراض جدید بنظر انبساط میآید و نظر با اهمیت فوری تأمین مملکت باید بی درنگ داخل مذاکرات مساعده معادل مبلغ فوق شد و بعد از آن بمذاکرات اصل استقراض شروع نمود.

این استقراض باید به ترتیبی باشد که در ضمن آن قروض جاریه مختلفه که دولت با فرع و منافع کزاف مدیون است بقرض ثابت دولتی که بالطبع منافع آن سهل تر خواهد بود تبدیل شده ضمناً عمل تأدیه منافع و استهلاك مبلغی که برای غارح لازمه علاوه گرفته میشود نیز تأمین شده باشد و معلوم است نتیجه مذاکرات راجع باستقراض باطلاع مجلس شورای ملی رسیده ختم آن منوط بتصویب مجلس خواهد بود چنانکه صورت غارح آن وجوه آنها هم بجزء و تفصیل باطلاع و تصویب مجلس خواهد رسید.

برای اطمینان از رسیدن وجوه دولتی بمصارف مقرر و جلوگیری از غارح بی قاعده و سوء استعمال وجوه دولتی که در این اواخر عادت شده بود وهم چنین برای تکثیر عایدات و تصحیح ترتیب جمع و خرج دولت فوراً شروع باصلاحات مالیه خواهد شد.

مهم ترین اصلاحی که دولت جدید در نظر دارد اصلاحات مالیه و در میان آنها آنچه دارای اهمیت فوری است ایجاد يك ترتیب و نظارت و تفتیش واقعی در ترتیب تأدیه غارح و بمصرف رسانیدن وجوه دولتی است حسن ترتیب و اجرای این نظارت را دولت جدید یکی از بزرگتر و مهمترین اصلاحات دانسته اهمیت و لزوم آن را در ردیف حفظ انتظام و امنیت مملکت فرض میکند و لوایح لازم را در ترتیب این نظارت بمجلس شورای ملی تقدیم و بتصویب مجلس خواهد رسانید در ضمن اصلاحات مالیه بایجاد دیوان محاسبات و ترتیب جمع آوری عایدات دولت در مرکز و تشکیل اداره خزانه داری عمومی که این جمله موجب تکمیل و تصحیح امر نظارت مالیه است نیز شروع شده وهم چنین در ترتیب اخذ مالیات و تصحیح تقسیم آن نیز تدریجاً مطالعات لازمه شده بترتیب الاهم فالاهم لوایح آن بمجلس پیشنهاد و بعد از تصویب بموقع اجرا خواهد رسید در خصوص بودجه های ادارات بدون تأخیر در ترتیب و

تدوین آنها اقدام میشود که هر چه زودتر در جزو بودجه کل بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود ولی چون برای تدوین بودجه ها در وزارت خاها و مطالعه آنها در وزارت مالیه و تصویب در مجلس شورای ملی وقت و فرصت کافی لازم است و در مدتی که هنوز بودجه های مزبوره تمام نشده تأخیر حقوق مستخدمین ادارات موجب تعطیل امور خواهد بود.

لهذا موقتاً بر حسب ضرورت مخارج استمراری دولت مطابق بودجه هائی خواهد بود که از اول دولت حالیه معمول و متداول شده است و حتی الامکان سعی میشود بودجه کل معامله هر سال در موقعی که در قانون اساسی تصریح شده است حاضر و بمجلس پیشنهاد شود.

علاوه بر اقدامات فوق که برای تحصیل امنیت و انتظام و اصلاح امور عالییه میشود ریختن طرح ادوات دولت نیز مطابق اصول مقتضیه جدیدیه لازم خواهد بود زیرا که تا ادارات دولتی که آلات قوه اجرائیه هستند بر اساس محکم گذارده نشود اتخاذ وسایل ترقی و آبادی مملکت میسر نخواهد بود.

برای ترتیب اساس ادارات باید مصمم شد بر اینکه از استخدام بعضی مستشارها از خارج ناگزیریم که با رعایت مقتضیات حال مملکت ترتیب ادارات بر روی اساسی گذاشته شود که شعب آنها به يك دیگر مربوط و متناسب باشد زیرا که مسلم است اقتباس قواعد و قوانین مختلف از ممالک مختلفه در مقام عمل اسباب اشکال خواهد شد در ضمن تصحیح و ترتیب ادارات اهتمام مخصوص در نظم و ترتیب عدلیه و معارف نیز لازم خواهد بود.

در خصوص عدلیه اهم اقداماتی که باید بشود وضع و ترتیب قوانین است که فوراً شروع شده بمجلس پیشنهاد میشود ولی قبل از آنکه قوانین مزبوره از مجلس

بگذرد برای پیشرفت امور عدلیه لازم است که اولاً قواعد دستور العملهای موقتی که از طرف وزارت عدلیه ابلاغ میشود موقتاً لازم الاجرا بوده مخالفت با آنها نشود. و ثانیاً قبل از آنکه قوانین راجعه بانتهاب رؤسا و اعضای محاکم عدلیه وضع شود وزیر عدلیه در انتخاب اعضاء اختیار تام داشته باشد که مادام که قوانین وضع نشده است بتواند مسئولیت لازم بر عهده بگیرد.

در باب معارف نیز لوایح و قوانینی که برای ترویج و ترقی معارف لازم است بمجلس پیشنهاد خواهد شد که بعد از مذاکره و تصویب در مجلس بموقع اجرا برسد ولی اشاره باین نکته لازم است که ایجاد يك ترتیب صحیح برای ترقی معارف مخارج و مصارف کافی لازم دارد و عجالاً با مضایقه فعلی مالیه دولت غیر از اینکه برای ترویج معارف اهالی مملکت کمک و امداد نمایند تدبیر دیگر بنظر نمی رسد.

ترتیب مساعدتی که باید از طرف عموم نسبت بامر معارف بشود با بودجه معارف و قوانین آن و همچنین ترتیب و مخارج يك عده متعلمین که برای تکمیل تحصیلات با معاینه عملیات بخارجه اعزام خواهند شد از طرف وزارت معارف بمجلس پیشنهاد خواهد شد.

در ذیل کلیات مذکوره فوق اشاره باین مطلب نیز لازم است که البتّه هیئت وزراء حالیه در اجرای مواد قانون اساسی سعی و اهتمام بلیغ خواهند نمود لیکن این مسئله معین است که پاره از مواد قانون اساسی کلیات و اصولی است که تا قوانین فرعیه و جزئیات و مقننات آنها چنانکه در همان مواد نیز اشاره شده است وضع و تدوین نشود آن اصول و مواد قابل اجرا نخواهند بود پس بهترین اقدامی که هیئت وزراء در خصوص این قبیل مواد بتوانند تمهید کنند آنست که قوانین فرعیه که در حقیقت بمنزله تفسیر قوانین اساسی است هر چه زودتر از ادارات بمجلس شورای ملی پیشنهاد

نمایند که بعد از تصویب مجلس بموقع اجرا برسد .

پرگرام کابینه آقای سپهدار اعظم با این قید که بودجه هیچ اداره ولوایتی که موقتی یا سنواتی باشد نمیتوان بموقع اجرا گذارد مگر اینکه بتصویب مجلس شورای ملی برسد .
در جلسه ۲۳ ذی قعدہ ۱۳۲۷ قمری بتصویب مجلس رسیده است .

تصویب پرگرام کابینه آقای مستوفی الممالک

مصوب ۱۷ شعبان ۱۳۲۸

کابینه جدید که بتاريخ شانزدهم رجب تشکیل شده است پرگرام خود را مطابق مواد ذیل به مجلس مقدس تقدیم مینماید

- ۱ - اقدام فوری در جلب مستخدمین خارجه .
- ۲ - اصلاحات لازمه در دوایر نظمی و امنیه - حسن اداره امور در ایالات و ولایات مراقبت جدی در دفع مواد فسادى که صلح و آرامی را در مملکت متزلزل نماید .
- ۳ - تهیه قوای نظامی که عبارت باشد از يك اردوی جدید منظم از اسلحه کتله مرکب از شهزاد و ششصد نفر در مرکز و اردوی ساختلوهایی لازمه بطرز قدیم با اصلاحات ممکنه در ولایات که مجموع عده آنها از ۲۵۰۰۰ نفر خواهد بود با اسلحه جدید که باید خریداری شود .

معرفی رئیس الوزرا ۴۰ رجب ۱۳۲۸

معرفی وزرا : ۱۸ رجب ۱۳۲۸ بشرح ذیل :

مستوفی الممالک رئیس الوزرا - فرمانفرما وزیر داخله - نواب وزیر خارجه - حکیم الملک وزیر مالیه
قوام السلطنه وزیر جنگ - دبیر الملک وزیر عدلیه - اسد الله میرزا وزیر پست و تلگراف
مجدداً در تاریخ ۲۱ شوال ۱۳۲۸ کابینه بشرح ذیل معرفی گردید .
عون الدوله وزیر داخله - فرمانفرما وزیر جنگ - محشم السلطنه وزیر عدلیه - صنیع الدوله وزیر مالیه
نواب وزیر خارجه - اسد الله میرزا وزیر پست و تلگراف - حکیم الملک وزیر معارف و اوقاف و
فوائد عامه و انطباعات (معرفی ۷ ذی حجه) محشم السلطنه وزیر خارجه (تاریخ معرفی غره محرم ۱۳۲۹)
بین الممالک معاون وزارت جنگ (تاریخ معرفی ۱۷ محرم ۱۳۲۹)

۴ - اصلاحات امور مالیه و تعدیل در عمل مالیات و اقدام فوری در تأسیس دیوان محاسبات مطابق قوانین که از مجلس خواهد گذشت و تدارک وجهی برای مخارج ضروریه و کسر بودجه و اجراء اصلاحاتی که در تکثیر عایدات و تقلیل مخارج ضرورت قطعی دارد .

۵ - اصلاحات لازمه در امور عدلیه و تقیح و تنظیم قوانین و قواعد لازمه در حسن جریان امور در محاکم و قبل از آنکه قوانین راجعه بانخاب رؤساء و اعضاء محاکم عدلیه وضع شود وزیر عدلیه باید در انتخاب اعضاء اختیار تام داشته باشد که مادام که قوانین وضع نشده است بتواند مسئولیت لازم برعهده بگیرد و اقدام فوری در تأسیس محکمه تمیز .

۶ - اصلاحات لازم در امور مدارس و فرستادن يك عده متعلمین برای تکمیل تحصیلات یا معاینه عملیات بخارجه .

۷ - تقدیم لایحه در تشکیل (کنسی دتا) برای تقیح قوانین قبل از تقدیم بمجلس مقدس .

پرگرام کابینه آقای میرزا محمد ولی خان سپهدار اعظم

مصوب ۱۴ ربیع الاول ۱۳۲۹ قمری

مقدمه

ملاحظه اوضاع امروزه مملکت بخوبی مدلل میدارد که تا در سبک اداره

معرفی رئیس الوزرا ۲ ع ۱۳۲۹/۱

معرفی وزرا در تاریخ ۹ ع ۱۳۲۹/۱ قمری بشرح ذیل بعمل آمده است

سپهدار اعظم رئیس الوزرا و وزیر جنگ موقتی - علاء السلطنه وزیر فواید عامه و معارف
مستشار الدوله وزیر داخله - ممتاز الدوله وزیر مالیه - معاون الدوله وزیر تجارت و پست و تلگراف
مشیر الدوله وزیر عدلیه - محشم السلطنه وزیر خارجه
قیه در صفحه بعد

دولت تغییر واضحی داده نشود و حسن جریان امور بطور کامل منظور نظر کارکنان دولت نباشد از حیث انتظام امور مملکتی بهیچ نوع موقیتی نایل نمی توان شد .
شرط اهم حصول این مقصود حفظ قدرت لازمه است که ملت برای تأمین مصالح خود به هیئت دولت می سپارد از آنجائیکه این قدرت تاکنون بطور کافی اعمال نشده است فتوری بانتظام امور راه یافته که آن بآن در تزیاید و آتیه مملکت را تهدید مینماید .

دوعلل و اسباب این حال ناگوار که تعمق شود برای جلوگیری آن از اتخاذ وسایل چهارگانه ذیل ناگزیر خواهیم بود :

۱ - رفع مواد فساد و تروریسم (یعنی دفع مواد مخالف مشروطیت و محل آسایش بلاد و اهالی و مانع حسن جریان امور دولت) .

این بالای مملکت و ایران کن امروز سلامت مملکت را بمخاطره انداخته و همان آزادی پر قیمت را که با اینهمه صدمات بدست آمده بشدت متزلزل ساخته است چون

بقیه از صفحه قبل

در تاریخ ۲۶ ج ۱۳۲۹/۱ ممتاز الدوله بوزارت پست و تلگراف و تجارت و محمد ابراهیم خان غفاری معاون الدوله وزارت مالیه منتقل و معرفی گردیدند

معاونین :

شریف الدوله	معاون وزارت داخله (معرفی ۱۳۲۹/۱ع ۲۶)
امیر اعظم	معاون وزارت جنگ (معرفی ۱۳۲۹/۲ع ۱۱)
محاسب الممالک	معاون پست و تلگراف و تجارت (معرفی ۱۳۲۹/۲ع ۱۳)
معاونت المنك	معاون وزارت مالیه (ج ۳ع ۲/۱۳۲۹)
مقتدر الملك	معاون وزارت خارجه (ج ۴ع ۲/۱۳۲۹)

مجدداً در تاریخ ۲۲ رجب ۱۳۲۹ وزراء بشرح ذیل معرفی شدند .

مصمم السلطنه وزیر جنگ - وثوق الدوله وزیر داخله - حکیم الملك وزیر علوم و معارف و نواید عامه قوام السلطنه وزیر عدلیه - مشیر الدوله وزیر پست و تلگراف و تجارت - محشم السلطنه وزیر خارجه معاون الدوله وزیر مالیه

بالفعل قوانین لازمه وضع نشده و مسلم است با قوانینی که هر کس در خیال تصور میکند نمی توان دولت را اداره نمود و نظر باینکه سلامت مملکت اس اساس تمام قوانین است لهذا هیئت دولت با مسئولیت فوق العاده که در مقابل خدا و خلق برعهده دارد برای رفع مواد مزبور به بآی نحو کان اختیار نام میخواهد .

۲ - اعمال مجازات در موارد جنجه و جنایات و تقصیرات .

۳ - تأمین انتظامات اداره و حفظ اصول اطاعت در میان طبقات مامورین و اجرای ادارات دولت خصوصاً در نظام بوسیله مجازات اداره .

۴ - اجرای قانون مطبوعات آزادی جراید از اصول اولیه مشروطیت است لیکن بعضی از جراید تاکنون به سوء استعمال این نعمت غالباً مصلحت مملکت و مقصیبات وقت را اخلال و حیثیت دولت را در داخل و خارج تضییع کرده اند و وزرای عصر بعلت محظوراتیکه در موارد ارجاع بمحاکم عدلیه تصادم می کردند در اجرای قانون مطبوعات متوقف بوده اند علیهذا برای کابینه اختیاری لازم است که تا اصلاح محاکم عدلیه هر گاه جراید از حدود قانونی تجاوز کردند وزارت معارف قانون مطبوعات را بمحاکمه اداره بگری دارد .

در صورتی که نمایندگان محترم با مقدمه فوق الذکر موافقت کامله داشته باشند پیر گرام ذیل به مجلس شورای ملی پیشنهاد میشود و چون با خطراتی که وطن عزیز را تهدید میکند فقط محض فداکاری حاضر خدمت شده و کار مملکت را مهمتر از آن میدانیم که بدفع الوقت و مساعه بگذرد لهذا هر آن که تقویت مجلس نسبت به هیئت وزراء منظور نشود اشغال مستند وزارت را خیانت دانسته استغفای خود را تقدیم خواهیم کرد .

پرگرام

- ۱ - اتخاذ وسایل لازمه برای تکمیل امنیت .
- ۲ - تشکیل اردوهای سیار و ساخلو در نقاط لازمه مطابق لایحه و بودجه که بمجلس پیشنهاد شده است .
- ۳ - حفظ و تشدید روابط حسنه با دول متحابه .
- ۴ - تعقیب استقراضی که کابینه سابق بمجلس پیشنهاد کرده و از تصویب کمیسیون قوانین مالیه گذشته است .
- ۵ - پیشنهاد بقیه بودجه کل .
- ۶ - شروع باصلاحات مالیه با مستخدمین خارجه .
- ۷ - تجدید نظر در مالیات نمک محض رفع معایب و مشکلاتی که از این مالیات بردولت و اهالی حاصل شده است .
- ۸ - تشکیل هیئت مخصوصه برای تدارك لوايح قوانین موقتی در مواردیکه هنوز وضع قانون نشده و مجال انتظار گذشتن قوانین از اجرای خود نیست لوايح مزبور فقط بتصویب کمیسیون مجلس شورای ملی و هیئت وزراء و امضای مقام منبع نیابت سلطنت عظمی خواهد رسید (بقای این هیئت تا وقتی است که شورای دولت دایر بشود) .
- ۹ - اصلاح عدلیه با تدارك ترتیبات مقدماتی که لوايح آنرا وزیر عدلیه موافق ماده ۸ این پرگرام بکمیسیون عدلیه پیشنهاد خواهد کرد .
- ۱۰ - اصلاح مدارس ابتدائی و متوسطه موجوده حتی المقدور (اجرای پرگرام متحد در کلیه مدارس تأسیس مدرسه دارالمعلمین در طهران مطابق پیشنهادی که خواهد شد) .

- ۱۱ - توجه بامر تجارت گذراندن قانون شرکتهای پیشنهاد لایحه قانون اطاقهای تجاری .
- ۱۲ - پیشنهاد اصلاح قانون بلدییه .

پرگرام کابینه صمصام السلطنه

مصوب ۹ رمضان ۱۳۲۹

ماده اول - قانون انتخابات که از مجلس شورای ملی میگذرد چون شرکت هیئت دولت در مباحثات آن لازم است وزراء مطالعه کرده رأی قطعی خود را در مواد آن اظهار خواهند نمود .

ماده دوم - چون در قوانین اساسی حاضره اصلی راجع به کیفیت تجدید نظر در آنها نوشته نشده و دولت تجدید نظر در قوانین مزبور را لازم میدانند لهذا در موقع انتخابات آتی از طرف دولت اعلان میشود در صورتیکه ملت ایران

تاریخ معرفی ۲۹ رجب ۱۳۲۹

وزراء در تاریخ ۲۹ رجب ۱۳۲۹ بشرح ذیل معرفی شدند :

صمصام السلطنه رئیس الوزراء و وزیر جنگ - وثوق الدوله وزیر امور خارجه - قوام السلطنه وزیر داخله
حکیم الملک وزیر مالیه - مشیر الدوله وزیر عدلیه - دبیر الملک وزیر پست و تلگراف
علاء السلطنه وزیر معارف و فواید عامه

در تاریخ ۷ شعبان ۱۳۲۹ معاضد السلطنه بوزارت پست و تلگراف معرفی - در شب ۹ رمضان میرزا اسد الله خان کردستانی ب معاونت وزارت پست و تلگراف معرفی گردیدند
کابینه دوم صمصام السلطنه

در تاریخ ۲۶ ذی حجه ۱۳۲۹ تغییرات زیر در کابینه بعمل آمده است

آقای ذکاء الملک وزیر عدلیه - آقای حکیم الملک وزیر مالیه - آقای قوام السلطنه وزیر داخله

پرگرام

- ۱ - اتخاذ وسایل لازمه برای تکمیل امنیت .
- ۲ - تشکیل اردوهای سیار و ساخلو در نقاط لازمه مطابق لایحه و بودجه که بمجلس پیشنهاد شده است .
- ۳ - حفظ و تشدید روابط حسنه با دول متحابه .
- ۴ - تعقیب استقراضی که کابینه سابق بمجلس پیشنهاد کرده و از تصویب کمیسیون قوانین مالیه گذشته است .
- ۵ - پیشنهاد بقیه بودجه کل .
- ۶ - شروع باصلاحات مالیه با مستخدمین خارجه .
- ۷ - تجدید نظر در مالیات نمک محض رفع معایب و مشکلاتی که از این مالیات بردولت و اهالی حاصل شده است .
- ۸ - تشکیل هیئت مخصوصه برای تدارک لوایح قوانین موقتی در مواردیکه هنوز وضع قانون نشده و مجال انتظار گذشتن قوانین از بجرای خود نیست لوایح مزبوره فقط بتصویب کمیسیون مجلس شورای ملی و هیئت وزراء و امضای مقام منبع نیابت سلطنت عظمی خواهد رسید (بقای این هیئت تا وقتی است که شورای دولت دایر بشود) .
- ۹ - اصلاح عدلیه با تدارک ترتیبات مقدماتی که لوایح آنرا وزیر عدلیه موافق

- ۱۱ - توجه بامر تجارت گذراندن قانون شرکتهای پیشنهاد لایحه قانون اطلاقهای تجاریتی .
- ۱۲ - پیشنهاد اصلاح قانون بلدییه .

پرگرام کابینه صمصام السلطنه

مصوب ۹ رمضان ۱۳۲۹

ماده اول - قانون انتخابات که از مجلس شورای ملی میگذرد چون شرکت هیئت دولت در مباحثات آن لازم است وزراء مطالعه کرده رأی قطعی خود را در مواد آن اظهار خواهند نمود .

ماده دوم - چون در قوانین اساسی حاضره اصلی راجع به کیفیت تجدید نظر در آنها نوشته نشده و دولت تجدید نظر در قوانین مزبوره را لازم میدانند لهذا در موقع انتخابات آتی از طرف دولت اعلان میشود در صورتیکه ملت ایران

تاریخ معرفی : ۲۹ رجب ۱۳۲۹

وزراء در تاریخ ۲۹ رجب ۱۳۲۹ شرح ذیل معرفی شدند :

صمصام السلطنه رئیس الوزراء و وزیر جنگ - وثوق الدوله وزیر امور خارجه - قوام السلطنه وزیر داخله حکیم الملک وزیر مالیه - مشیر الدوله وزیر عدلیه - دبیر الملک وزیر پست و تلگراف علا السلطنه وزیر معارف و قواید عامه

در تاریخ ۷ شعبان ۱۳۲۹ معاضد السلطنه بوزارت پست و تلگراف معرفی - در شب ۹ رمضان میرزا اسد الله خان کردستانی بمعاونت وزارت پست و تلگراف معرفی گردیدند

کابینه دوم صمصام السلطنه

تاریخ معرفی : ۷ ذی حجه ۱۳۲۹

وزراء شرح ذیل معرفی شدند :

صمصام السلطنه رئیس الوزراء و وزیر داخله - مشیر الدوله وزیر معارف - وثوق الدوله وزیر خارجه معاضد السلطنه وزیر پست و تلگراف - محشم السلطنه وزیر عدلیه - ذکاء الملک وزیر مالیه سردار محشم وزیر جنگ

با نظریات دولت در این موضوع موافق باشد اشخاصی را که بنماینده کی انتخاب مینمایند حق تجدید نظر در قوانین اساسی داشته باشند بنابر این دولت برای اینکه رأی ملت را در این باب بفهمد پس از آنکه دو ثلث از تمام منتخبین حاضر شوند مجلس را برای صلاحیت در تجدید نظر کافی دانسته در باب لزوم یا عدم لزوم تجدید نظر رجوع به رأی نمایندگان جدید خواهد نمود و هر گاه با اکثریت دو ثلث آراء از دو ثلث مزبور رأی به تجدید نظر داده شد رأی ملت معلوم و شروع بمذاکرات راجعه بآن خواهد شد.

ماده سوم - چون باید هیئت دولت بقدر کفایت مقتدر بوده و اختیاراتی که لازمه تعهد مسئولیت است دارا باشند و در انجام تکالیف خود فقط مصالح مملکت را در نظر گرفته از القاء اشخاص یا جماع غیر مسئول بهیچ وجه متأثر نشود در مواقعی که این قبیل اشخاص یا مجامع عقاید خود را بدون اطلاع و رجوع باولیای مسئول امور بموقع اجرا میکذارند و یا بواسطه بعضی اقدامات از قبیل انتشارات معمول یا تشکیلات خفیه یا مشوب کردن اذهان در صدد تضعیف قوای دولت بر میانند فوراً از آنها جلوگیری نموده مرتکبین را مجازات خواهد داد.

ماده چهارم - چون باید دولت در تمرکز قوای مملکت اهتمام فوری کرده از عدم مرکزیت و تشتت اقتدارات جلوگیری نماید برای ایفاء این مقصود تجدید نظر در قوانین انجمنهای ایالتی و ولایتی و بلدی با استفاده از مستشارهایی که از اروپا جلب شده اند لازم است و به مجلس پیشنهاد خواهد شد و چون در قانون انجمنهای بلدی حق انفصال بدولت داده نشده است قبل از آنکه نتیجه تجدید نظر معلوم و قانونی شود دولت در انفصال آنها نیز غتار خواهد بود.

ماده پنجم - اشخاصی که بواسطه فقد قوانین فرعی که بایستی برای قوانین

اساسی نوشته شود از ابهام و اجمال قوانین مزبوره استفاده کرده منحل نظم و آسایش عمومی میشوند و باستناد بظواهر قوانین مجمل و مبهم بوسیله انتشارات یا وسایل دیگر با اقدامات دولت ضديت مینمایند و حتی بعضی اوقات برای اجرای مقاصد خود بقوانین ممالک دیگر متوسل میشوند باید دولت در جلوگیری و دفع ضرر آنها غتار باشد و کلیه از مفاسدی که ممکن است برسوه تاویل مجملات قوانین مترتب شود جلوگیری نماید.

ماده ششم - چون برای برقراری نظم و امنیت در تمام مملکت که منظور اساسی دولت است ایجاد قوای منظم کافی و عجاله تشکیل ژاندارمری مرتب در تحت اداره و تعلیم صاحبمضبان سوئدی لازم است برای ایفاء این مقصود دولت اقدامات لازمه را نموده لواجی را که برای سرعت جریان این مقصود و تکمیل آن لازم بداند بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد کرد.

ماده هفتم - بعضی ادارات و تأسیسات که بدون اقتضاء ضرورت و از روی عدم تجربه ایجاد شده و بقای آنها با احتیاجات فعلی مملکت متناسب نیست بلکه موقوف کردن یا تخفیف دادن آنها از نقطه نظر مالیه و مقتضیات مملکت لازم است باید دولت در تخفیف یا حذف و الغاء آنها غتار باشد.

ماده هشتم - در باب اصلاحات اساسی وزارت عدلیه دولت مشغول مطالعات لازمه بوده و پیشنهادی بمجلس شورای ملی خواهد کرد قبل از آنکه ترتیب مزبور پیشنهاد شود و صورت قانونی پیدا کند هم اختیاری برای دولت لازم است که باقتضاء وقت و موقع اقداماتی را که برای اجرای عدالت لازم میدانند بنماید.

ماده نهم - مادام که قانون مجازات از مقامات مقننه نگذشته است باید دولت در دادن مجازات بترتیبی که هیئت وزراء قانون موقتی را مرتب خواهند نمود غتار باشند.

ماده دهم - بدیهی است که پلتیک داخلی هر مملکت تا يك اندازه بوضعیت پلتیک و روابط خارجه آن مملکت مربوط است و مادام که در پلتیک خارجه یک مسلک مستقیم و مال اندیشی اتخاذ نشود منظورات دولت در پیشرفت پلتیک داخلی نیز دچار اشکالات خواهد شد بنا بر این دولت باید در روابط خارجی روشی اتخاذ نماید که همراهی و اعتماد دول متجا به خصوصاً دولتی را که اهمیت روابط آنها مسلم است نسبت بدولت حاضره جلب نماید و مساعدت افکار عمومی با روشی که هیئت دولت اتخاذ میکند لازم است .

پرگرام هیئت وزراء عظام مشتمل برده ماده در جلسه شب یکشنبه نهم شهر رمضان المبارک ۱۳۲۹ با کثرت تصویب شد . رئیس مجلس شورای ملی - حسین

تصویب اختیارات تامه به هیئت وزراء برای نظامی کردن

شهر و دفع سلاح از اشخاص غیر نظامی

مصوب ۲۶ رجب ۱۳۲۸

هیئت وزراء پیشنهاد میکنند که در طهران اختیارات تامه بآنها برای سه ماه داده شود باین ترتیب

- ۱ - اسلحه را بای تحوکان بدون استثنا از اشخاص غیر نظامی و غیر مطیع خلع نمایند .
- ۲ - خلع اسلحه بحکم هیئت وزراء بتوسط نظمیة و مأمورین نظامی و قوای مرتب دولت خواهد بود .
- ۳ - هر کس در مقابل این حکم تمرد کند بقوه قهریه گرفتار و مجازات خواهد شد .
- ۴ - از جماع و مطبوعاتی که موجب فساد و هیجان باشد بقوه قهریه جلوگیری خواهد شد .

تصمیم قانونی راجع بامتداد مجلس شورای ملی

مصوب ۲۱ ذی قعدة ۱۳۲۹

ماده اول - بنا بر اینکه از طرف ملت در پای تخت و نقیضات مهمه دیگر تقاضاهای عدیده تلگرافی و کتبی برای امتداد مجلس شورای ملی رسیده و تقاضاهای خود را مبتنی بر این دلایل نموده که اقدامات مرتجعین و دشمنان استقلال مملکت و اساس مشروطیت هنوز کاملاً مرتفع نشده و محتمل است که در بهار آینده نیز مشکلاتی برای دولت و مملکت پیش آید و تهیه جلوگیری از مشکلات مزبوره منتهای ضرورت و فوریت را دارد و ممکن است انتخاب نمایندگان جدید بتعویق افتد و در این ایام فقرت هم برای دولت مشکلاتی ظهور کند و بملاحظه اینکه مجلس شورای ملی هم این احساس را کرده و آن اظهارات را تصدیق دارد علیهذا تاموقعی که مجلس آینده تشکیل قانونی یافته و نصف بعلاوه یک نفر از کلیه نمایندگان ملت در پایتخت حاضر شوند مجلس شورای ملی کماکان امتداد می یابد .

ماده دوم - برای اینکه حتی الامکان امتداد مجلس بحالیه بطول نیانجامد از طرف ریاست مجلس شورای ملی و هیئت وزراء بعموم انجمنهای ایالتی و ولایتی و حکام و سایر مقامات لازمه مراتب ماده فوق اطلاع داده شده و در تسریع انتخابات جدید و اعزام نمایندگان هر محل تاکید خواهد شد .

شماره	خلاصه قسمتی از تصویبات متفرقه	تاریخ تصویب
۱	تصمیم قانونی راجع به اجاره ضرب چهار کروور تومان نقره بوزارت مالیه	غره ذی حجه ۱۳۲۷
۲	تصمیم قانونی راجع به اجازه باغات دولتی بطرز مزایده	۲۲ صفر المظفر ۱۳۲۸
۳	تصمیم قانونی راجع بقطع حقوق بانوی عظمی	۷ ج ۲ ۱۳۲۹
۴	تصمیم قانونی راجع ابقاء هیئت رئیسه و شعب و کمیسیونهای موجود تا انقضای دوره تقنینیه و عدم تجدید آنان	۱۴ شوال ۱۳۲۹

فهرست تاریخ

(فهرست مصوبات ادوار اول و دوم قانون گذاری بترتیب تاریخ تصویب)

(باستثنای قسمتی از مصوبات مالی و تصویبات و مطالب متفرقه)

دوره اول :
 ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ تا ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶
 مطابق تا مطابق
 ۱۲ میزان ۱۳۲۵ تا ۲ سرطان ۱۳۲۷

دوره دوم :
 ۲ ذی قعدة ۱۳۲۷ تا ۲۹ ذی حجه ۱۳۲۹
 مطابق تا مطابق
 ۲۳ عقرب ۱۳۲۸ تا ۲۸ قوس ۱۳۳۰

شماره ترتیب	عنوان	تاریخ تصویب
۱	فرمان مشروطیت	
۲	نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی (اصنافی)	
۳	« داخلی مجلس شورای ملی »	
۴	قانون اساسی	
۵	« انجمنهای ایالتی و ولایتی »	
۶	« بلدیہ »	
۷	متمم قانون اساسی	
۸	قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستور العمل حکام	
۹	« مطبوعات »	
۱۰	« وظائف »	
۱۱	نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی	
۱۲	تصویب پرگرام کابینه محمد ولی خان سپهبد اعظم	
۱۳	نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی	
۱۴	قانون انحصار نمک	
۱۵	تجدید کنترات مسیو بیزو	
۱۶	قانون مالیات بلدی نواقل	

صفحه	تاریخ تصویب		شمسی	تاریخ توضیح
	قمری	شمسی		
۱	۱۳۲۴	۱۴ جمادی الثانیہ	۱۲۸۵	۱۳ اسد
۳۴		۱۹ رجب		۱۸ سنبلہ
۵۳		۲۹ شعبان		۲۵ میزان
۳		۱۴ ذی قعدہ		۸ جدی
۶۴	۱۳۲۵	ربیع الثانی	۱۲۸۶	جوزا
۸۵		۲۰		۱۲ جوزا
۱۵		۲۹ شعبان		۱۵ میزان
۹۸		۱۴ ذیقعدہ		۱۷ قوس
۲۲۶	۱۳۲۶	۵ محرم		۱۸ دلو
۲۳۹		۱۹ ربیع الاول	۱۲۸۷	اول ثور
۳۹	۱۳۲۷	۱۲ جمادی الاخری	۱۲۸۸	۱۰ سرطان
۵۹۳		۱۷ ذیقعدہ		۹ قوس
۳۴۶		۲۶ ذی حجه الحرام		۱۸ جدی
۲۴۲	۱۳۲۸	۳ ربیع الاول		۲۴ حوت
۵۶۵				
۲۴۳				۲۶

صفحه	تاریخ تصویب		شمسی	قمری
۲۴۵	۱۳۲۸	۲۱ ربیع الاول	۱۲۸۹	۱۲ حمل
۲۴۶	»	۱۲ ربیع الثاني	»	۳ ثور
۲۴۷	»	۱۷	»	۸
۲۴۷	»	۲۶	»	۱۷
۲۴۹	»	۹ جمادی الاولى	»	۲۹
۳۸۸	»	۱۶	»	۵ جوزا
۵۶۵	»	۸ جمادی الثانيه	»	۲۶
۴۰۵	»	۲۶	»	۱۲ سرطان
۶۰۶	۱۳۲۸	۲۶ رجب	»	۱۰ اسد
۵۹۸	»	۱۷ شعبان	»	۳۱ اسد
۳۹۰	»	۱۹	»	۲ سنبله
۲۵۱	»	۲۸	»	۱۱
۵۶۵	»	۲ شوال	»	۱۳ میزان
۲۵۶	»	۱۴	»	۲۵
۵۶۶	»	۱۹	»	۳۰

شماره ترتیب	عنوان
۱۷	قانون منع حمل اسلحه
۱۸	تخفیف غمخبرات تلگرافی و اجرت پستی جراید
۱۹	راجع بروده
۲۰	متمم قانون وظایف
۲۱	قانون قبول و نکوت بروات تجارتی
۲۲	نسخ قرارداد پوست بره
۲۳	تجدید کنترات مسیو مرنارد مدیر کل گمرکات
۲۴	انحصار عراده رانی از مشهد سر الی بار فروش
۲۵	تصویب اختیارات تامه بهیث وزراء برای نظامی کردن شهر و دفع سلاح از اشخاص غیر نظامی
۲۶	تصویب پرگرام کابینه آقای مستوفی الممالک
۲۷	امتیاز طلا شوئی آستانه عراق
۲۸	قانون اداری وزارت معارف و اوقاف
۲۹	استخدام پنج نفر آمریکائی برای مالیه
۳۰	قانون ایجاد روزنامه رسمی
۳۱	تجدید کنترات هشت نفر مستخدم بلژیکی

ردیف	عنوان	
	شماره	تاریخ تصویب
٣٢	اصلاح ماده ٧٠ نظامنامه داخلی	١٦
٣٣	قانون راجع بحفظ الصحه و آبله کوبی	٦
٣٤	امتیاز چرم سازی و صابون پزی بریغ زاده و شرکا	٨
٣٥	تجدید کنترات چهار نفر مستخدم گمرک	٧١
٣٦	استخدام پنج نفر مستخدمین آمریکائی	٢٤
٣٧	تجدید کنترات مسیو هازه	٥
٣٨	قانون محاسبات عمومی	٣٢
٣٩	دیوان محاسبات	٢٦
٤٠	تجدید ترابک	١٦
٤١	پرگرام کلیدنه عمدولی خان سپهدار اعظم	١٦
٤٢	اصلاح عوض جمله دوم ماده ١٢٠ نظامنامه داخلی	٢
٤٣	تجدید کنترات مسیو مولیتر	١١
٤٤	قرارداد تهیه نقره با بانک شاهنشاهی	٦١
٤٥	قانون استقراض دو کروور و نیم لیره	٥٢
٤٦	تفسیر اصل هفتم قانون اساسی	١٦
٤٧	قانون ثبت اسناد	١٦

صفحه	تاریخ تصویب	
	شمسی	قمری
٥٩١	١٢٨٩	٢ ذیقعده ١٣٢٨
٢٥٧	١٦	٥
٢٩٢	٢٥	١٤
٥٦٧	٢ قوس	٢١
٥٦٧	١٢ دلو	٢ صفر ١٣٢٩
٥٦٨	١٩	٩
٢٥٧	٢ حوت	٢١
٢٦٧	٤	٢٣
٢٨٥	٢٣	١٢ ربیع الاول
٥٩٩	٢٥	١٤
٥٦٨	٢٠ حل	١١ ربیع الثاني ١٢٩٠
٢٩٤	٣١	٢٠
٥٩١	٦ ثور	٢٦
٢٨٦	١٣	٣ جمادی الاولى
٢٨٩	١٦	٧
٢٩٠	٢١	١٢

شماره ترتیبی

عنوان

صفحه

۴۸	قانون اعزام سی نفر شاگرد باروپا برای تحصیل ۶۸۶۱	
۴۹	راجع بمخارج وجه استقراض دو کروور ونیم لیره	
۵۰	استخدام سه نفر مستخدم سوئدی برای زانده امری و دو نفر مستخدم فرانسوی برای وزارتین عدلیه و داخله	
۵۱	اصلاح قانون قبول و نکول بروات تجارتی	
۵۲	قانون تفیش وجه استقراض دو کروور ونیم لیره	
۵۳	طبابت	
۵۴	الغاء مالیات نمک	
۵۵	تشکیل ترتیبات مالیاتی یا (قانون ۲۳ جوزا)	
۵۶	اجاره خالصجات اطراف طهران و خوار	
۵۷	تعرفه مخابرات تلگرافی	
۵۸	استخدام چهار نفر مستخدم امریکائی برای وزارت تعالیه	
۵۹	ضمیمه قانون اداری وزارت معارف و اوقاف	
۶۰	قانون استخدام سه نفر مستخدم (دو نفر امریکائی و یک نفر از اروپائیها) یکصد لیره در این هستند) برای وزارت تعالیه	
۶۱	اصلاح مواد ۶۰ و ۶۲ نظامنامه داخلی	

تاریخ تصویب

صفحه

قمری

شمسی

۵۷۹	۱۳۲۹	۱۷ جمادی الاولی	۱۳۹۰	۲۶ ثور
۲۸۷	«	« ۱۹	«	« ۲۸
۵۶۹	«	« «	«	« «
۳۱۰	«	« ۲۶	«	« ۴ جوزا
۲۸۹	«	غره جمادی الثانيه	«	« ۹
۳۱۱	«	« ۳	«	« ۱۱
۳۱۴	«	« «	«	« «
۳۱۴	«	« ۱۵	«	« ۲۳
۴۰۴	«	« ۲۲	«	« ۳۰
۳۱۶	«	« ۲۴	«	« ۳۲
۵۶۹	«	« ۲۶	«	« ۲ سرطان
۲۰۶	«	« ۲۹	«	« ۵
۵۷۰	«	۹ رجب	«	« ۱۴
۵۹۱	«	« ۲۱	«	« ۲۶

ردیف	عنوان	صفحه
۶۲	قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و حکام صلاحیه	۶۲
۶۳	تفسیر فقره دوم و سوم ماده ۸۵ نظامنامه داخلی	۸۲
۶۴	ماده هفتم متمم قانون وظایف	۱۱۱
۶۵	قانون حکومت نظامی	۱۱۲
۶۶	در باب اعدام محمد علی میرزا و برادران	۱۱۳
۶۷	اجازه خرید بیست کروور متقال نقره	۱۱۴
۶۸	ماده الحاقیه به قانون کنترات مسیوهازه	۱۱۵
۶۹	قانون حقوق کمتر از دو تومان وراث متوفیات	۱۱۶
۷۰	تجدید کنترات مسیولانس و استخدام بکنفر معلم طب و بکنفر معلم تاریخ طبیعی	۱۱۷
۷۱	پرگرام کابینه آقای صمصام السلطنه	۱۱۸
۷۲	اجازه افتتاح نه باب مدرسه ابتدائی	۱۱۹
۷۳	استخدام بکنفر صاحب اداری [انتاناندانس] و شش نفر صاحب نصب قشونی سوئدی برای ژاندارمری	۱۲۰
۷۴	اجازه امتداد لوله نطق از بیجار خاله الی رشت	۱۲۱
۷۵	قانون موقتی اصول عاکمات حقوقی	۱۲۲
۷۶	تجدید کنترات سه ساله هفت نفر بلژیکی	۱۲۳
۷۷	استخدام مستر نیو	۱۲۴

صفحه	تاریخ تصویب	
	شمسی	قمری
۴۰۸	۲۶ سرطان ۱۲۹۰	۲۱ رجب ۱۳۲۹
۵۹۲	"	"
۳۱۸	"	"
۳۱۸	۲۷	۲۲
۵۸۰	۶ اسد	۳ شعبان ۱۳۲۹
۴۰۴	۱۳	۱۰
۵۷۰	"	"
۳۲۰	۲۰	۱۷
۵۷۱	اول سنبله	۲۹
۶۰۳	۱۱	۹ رمضان
۳۲۱	۲۸	۲۶
۵۷۱	"	"
۳۹۶	"	"
۴۴۶	۱۸ عقرب	۱۹ ذیحده
۵۷۲	۳ میزان	۲ شوال
۵۷۳	۱۰	۹

عنوان

ردیف	عنوان
۷۸	قانون استخدام بیست نفر صاحب منصب سوئدی برای تشکیلات قشونی
۷۹	قانون مسیو بوتن
۸۰	قانون انتخابات مجلس شورای ملی
۸۱	امتیاز جرم سازی بجلالیانس
۸۲	امتیاز تأسیس سیم مقاله بشراکت قد سازی
۸۳	قانون راجع به قطع حقوق اشخاصی که با حکومت ملی ضدیت کرده اند
۸۴	قانون اساسی معارف
۸۵	امتیاز استخراج معدن اکسید دوفر جزیره هرمز
۸۶	قانون راجع به حقوقات اشخاصی که در جزو بودجه دربار حقوق داشته اند
۸۷	استخدام ده نفر مستخدم امریکائی برای مالیه
۸۸	تصمیم قانونی راجع به امتداد مجلس شورای ملی

تاریخ تصویب

صفحه	تاریخ تصویب	
	شمسی	قمری
۵۷۳	۱۲۹۰	۱۶ شوال ۱۳۲۹
۵۷۶	»	» ۱۸
۳۲۲	»	» ۲۸
۳۹۸	»	غره ذیقعدہ
۳۹۹	»	» ۵
۵۸۱	»	» ۸
۳۴۳	»	» ۱۰
۴۰۲	»	» «
۵۸۱	»	» ۱۷
۵۷۶	»	» ۱۹
۶۰۷	»	» ۲۱



ردیف	عنوان	صفحه	توضیحات
۷۸	قانون انتخابات	۲۷۵	۲۷۶
۷۹	قانون انتخابات	۲۷۵	۲۷۶
۸۰	قانون انتخابات	۲۷۵	۲۷۶
۸۱	قانون انتخابات	۲۷۵	۲۷۶
۸۲	قانون انتخابات	۲۷۵	۲۷۶
۸۳	قانون انتخابات	۲۷۵	۲۷۶
۸۴	قانون انتخابات	۲۷۵	۲۷۶
۸۵	قانون انتخابات	۲۷۵	۲۷۶
۸۶	قانون انتخابات	۲۷۵	۲۷۶
۸۷	قانون انتخابات	۲۷۵	۲۷۶
۸۸	قانون انتخابات	۲۷۵	۲۷۶



